

پانچ سو روپے کا لکھ

جلد اول



تالیف محمد صدر ماسٹی

تاریخ

حرائد و مجلات ایران

جلد اول

تالیف

محمد - صدر ہاشمی

انشارث ہکال

انتشارات کمال

انتشارات کمال، اصفهان، خیابان خاقانی، تلفن ۴۲۶۰۷

تاریخ جرائد و مطبوعات ایران (جلد اول)

تألیف محمد صدر هاشمی

چاپ اول، ۱۳۲۷

چاپ دوم، ۱۳۶۳

همه حقوق محفوظ است.

۳ هزار جلد

فیلم و زینک لیتوگرافی پیچاز

چاپ و صحافی شرکت افست «سهامی عام» (چاپخانه ۱۷ شهریور)

مقدمه ناشر

تاریخ جرائد و مجلات ایران تألیف مرحوم محمد صدر هاشمی یکی از مستندترین کتابهایی است که در زمینه فرهنگ اجتماعی تدوین یافته است. روش مؤلف آن بوده که اطلاعات مربوط را از منابع اصلی اخذ و اقتباس مینموده و برای این کار بهر يك از صاحبان جرائد نامه‌ها نوشته و از آنان مشخصات روزنامه یا مجله آنها را همراه با عکس خودشان درخواست کرده است، در نتیجه مجموعه‌ای چهار جلدی فراهم آورد و در سالهای بین ۲۸ و ۳۲ آنرا به نام «تاریخ جرائد و مجلات ایران» در اصفهان بچاپ رسانید.

پس از انتشار، سیل تقریظها از سراسر ایران بسوی مؤلف سرازیر گشت و محققان و پژوهشگران ایران از نویسنده کتاب ستایشها کرده مطالبی دال بر اهمیت کار صدرهاشمی در جرائد آنروز برشته تحریر کشیدند.

این کتاب معتبر دست اول که درونمایه مطالعات متبعان آینده است سالها میگذرد که نایاب است و علاقه‌مندان و ارباب فضل از نعمت استفاده از آن محروم‌اند، از اینرو تصمیم گرفته شد که این کتاب با ارزش تجدید چاپ گردد و دوباره در دسترس کاوشگران تاریخ قرار گیرد. البته در این کتاب که جزء منابع تاریخی و اجتماعی بشمار است احیاناً خواننده عزیز به مواردی برخورد خواهد کرد که در آنها مداحی‌های اغراق‌آمیز و ستایشهای بیجا و بیمورد آورده شده است که از آن جمله میتوان به مدحی که راجع به رضاخان و تصویر او در روزنامه عصر پهلوی است اشاره کرده‌چنین مداحی و تعریف و تمجید از کسروی و کسانی دیگر خواه بطور مستقیم و خواه بصورت غیرمستقیم. مثلاً در جلد چهارم صفحه ۴۷ پس از نقل مطالبی از صفحه اول روزنامه «علمیه یا روزنامه علمیه دولت علیه ایران» عباراتی که همگی دلالت بر مداحی آن روزنامه و تملق‌های بیجای صاحب آن از رضاخان است به چشم میخورد.

بطور کلی میتوان بسیاری از روزنامه‌های دوره‌های قبل را «روزی‌نامه» خواند که جز تملق و جیبه سودن برآستان ظالمان و ستم پیشگان کاری دیگر نداشته و از حقایق زندگی مردم زیر ستم یکلی غافل مانده‌اند. بهر حال با آنکه مؤلف کتاب تاریخ جرائد و مجلات در جلد اول این کتاب، شهربانی رضاخانی را بیاد انتقاد گرفته و شدیداً آن دستگاه جهنمی را می‌کوبد و می‌گوید مأموران شهربانی همه روزنامه‌ها را زیر کنترل سخت خود دارند و هیچ کلمه‌ای جز با موافقت آنان نمیتوان نوشت باز هم در جای جای کتاب همانگونه که اشارت رفت مطالبی از قول روزنامه‌ها در مدح و منقبت قدرتمندان و ستمگران روزگار آورده و آنانرا با القاب «ظل‌اللمی»، «همایونی»، شاهانه و غیره ستوده است. اما از آنجا که کتاب يك سند تاریخی است و نظر بر آن بوده است که اصل کتاب دست نخورده محفوظ بماند لذا همانگونه که خود صدرهاشمی کتاب را در سالهای پیش بچاپ رسانده است اینک بدون حتی يك نقطه پس و پیش کردن آنچنانکه حفظ امانت ایجاب میکند عیناً بطریق افست چاپ شده و در دسترس همگان قرار گرفته است باشد که نسل کنونی و آینده کشور پر عظمت جمهوری اسلامی ایران در این باره به‌دآوری بنشینند و بر این پایه و مایه، به تحقیقات بیشتر و عمیقتر دست یازند و در این دوران پر آوازه نیز دنباله کار را گرفته تحقیقات و تتبعات در این زمینه را به کمال رسانند.

ناشر

جهت مزید اطلاع خوانندگان متأسفانه در جلد اول کتاب صفحات ۱۸۱ و ۱۸۲ با صفحات ۱۹۵ و ۱۹۶ جایجا شده از خوانندگان انتظار توجه دارد

شرح حال مؤلف

استاد محمد صدر هاشمی فرزند میدمهدی در سال ۱۲۸۴ هجری شمسی در شهر اصفهان محله شمس‌آباد در يك خانواده محترم و معروف روحانی متولد گردید. نامبرده اولین فرزند خانواده و کودکی باهوش بود و در اوان کودکی در منزل پدری نزد دو استاد سرخانه یکی آقای شیخ محمد و دیگری حاج آقا آخوند زفره‌ای شروع به تحصیل ابتدائی معمول زمان خود نمود و پس از يك سال نزد آقای شیخ محمد بیدآبادی که جد مادریش بود به فراگرفتن صرف و نحو پرداخت و چون با علاقه‌ای که به تحصیل علم داشت محیط خانه را مناسب نیافت لذا حجره‌ای در مدرسه صدر اصفهان که در بازار بزرگ میباشد اختیار نمود و بشوق دسترسی هرچه بیشتر به گنجینه علم و دانش ترك خانه و کاشانه نمود و سالیانی شبانه‌روز در آن حجره زندگی می‌کرد و از محضر استادانی چون آقای حاج میر میدعلی نجف‌آبادی و سایر علماء که در مدرسه صدر تدریس می‌فرمودند استفاده کرد و به تحصیل علم فقه و اصول مشغول بود و ضمناً نزد استاد ارجمند آقای شیخ محمد خراسانی فلسفه و حکمت آموخت و چندی نیز از محضر آقای حاج آقا رحیم ارباب کسب فیض نموده و سپس متوجه علوم جدید گردید و به مدرسه صرمیه وارد شد و دوره اول آنرا پایان رسانید و بعد در مدارس اصفهان مشغول تدریس گردید و چون کلید تحقیق و مطالعه و استفاده از منابع علمی خارج را در دانستن زبان خارجی می‌دانست لذا بفرآگرفتن زبان فرانسه مشغول و پس از اخذ دیپلم برای گذراندن دوره عالی دانشگاهی عازم تهران گردید و در دانشکده علوم مقبول و منقول (رشته ادبیات) و همچنین در دانشسرای عالی در رشته زبان خارجه (فرانسه) مشغول تحصیل گردید و در سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷ از هر دو دانشکده فارغ‌التحصیل شد و با امتیاز شاگرد اول از هر دو دانشکده موفق به دریافت جایزه از وزیر فرهنگ وقت شد و همان سال وارد خدمت وزارت فرهنگ گردید و يك سال در زنجان و يك سال هم در ملایر به تدریس مشغول بود و سپس در سال ۱۳۱۹ به زادگاهش مراجعت و تا پایان عمر در اصفهان به خدمات فرهنگی که مورد علاقه‌اش بود پرداخت و در سال ۱۳۱۹ نیز به دریافت جایزه اول علمی از طرف مقام وزارت فرهنگ و صنایع مستظرفه شد و در

اصفهان به دبیری اشتغال و ضمناً ریاست دبیرستان فرهنگ را نیز بعهده داشت و در دانشگاه اصفهان نیز به تعلیم سخن‌سنجی و سبک‌شناسی دانشکده ادبیات منصوب شد و ضمناً پیوسته در تومنه کتابخانه شخصی خود که از زمانهای طلبگی بنیاد گذارده بود می‌کوشید و آنرا بصورت کتابخانه نفیس و پرارزشی درآورد و هرگاه که فارغ از کار تدریس بود در این کتابخانه به مطالعه و تحقیق و بررسی می‌پرداخت و شبها را تا ساعت‌ها بعد از نیمه‌شب با کتابهایش می‌گذرانید و بتدریج قدرت بینائیش کم شد و هر دو چشمش آب مروارید آورد و در بیمارستان نمازی شیراز تحت عمل جراحی قرار گرفت و متأسفانه يك چشم بینائیش را از دست داد و برای کسی که تنها عشق و علاقه‌اش در زندگی مطالعه و تحقیق بود این مسئله ضربه سختی شد و بتدریج در روحیه او تأثیر گذاشت و روز بروز ضعیف و رنجور گردید و با اینکه اطباء، مطالعه و تدریس را برایش منع کرده بودند معیناً تا آخرین روزهای زندگی تا نیر داشت مطالعه کرد، درس داد، مقاله نوشت و جامعه دانشجویان و مستعدین در محافل دوستانه و در منزل شخصی او از محضر و از معلوماتش برخوردار بودند.



مرحوم محمد صدر هاشمی

استاد دو ساعت بعد از نیمه شب ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۴ در منزل خود واقع در کوچه شاهزاده ابراهیم اصفهان بدروود حیات گفت و در آرامگاه خانوادگی صدر هاشمی واقع در تخت فولاد مدفون گردید و بر مبنای وصیتنامه‌ای که از مشارالیه موجود است از خود را از سالهای پیش برای این مسافرت آماده ساخته بود، خداوند روحش را شاد دارد.

با توجه به نسب‌نامه‌ای که از خانواده صد هاشمی موجود است و کلیشه آن چاپ شده، او پس از ۴۰ نسل به جد بزرگوارش سیدالشهداء حسین بن علی علیه‌السلام می‌رسد و آقای سید عبدالله جد ۲۹ از واسط حجاز به یزد آمده و آقای سیدحسین جد ۱۴ از یزد به اصفهان عزیمت کرده و نسلهای بعدی همه مقیم اصفهان بوده‌اند.

مرحوم صدر هاشمی علاوه بر تدریس و انجام امور فرهنگی و انتشار روزنامه چهلستون پیوسته با نوشتن مقالات و رسالات و ترجمه کتب آثار پرارزش و سهمی بشرح زیر از خود بیادگار گذاشته است:

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران:

این مجموعه نفیس که نتیجه بیش از ده سال کار و کوشش مداوم او میباشد در ۱۲۲۲ صفحه و در چهار جلد بقطع وزیری بشرح زیر برای اولین بار در اصفهان چاپ و منتشر گردیده است:

الف - جلد اول در ۲۵۱ صفحه و در آذرماه ۱۳۲۷ انتشار یافته است.

ب - جلد دوم در ۳۲۹ صفحه و در دیماه ۱۳۲۸ انتشار یافته است.

ج - جلد سوم در ۱۸۹ صفحه و در اسفندماه ۱۳۲۹ انتشار یافته است.

د - جلد چهارم در ۳۴۴ صفحه و در مهرماه ۱۳۳۲ انتشار یافته است.

۲- تاریخ گریلا و حائر حسین:

این کتاب تألیف دکتر عبدالجواد کلیددار نویسنده عرب می‌باشد و آقای صدر هاشمی در جهت خدمت به زوار مرقد مطهر حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام آنرا ترجمه و بقطع وزیری در چاپخانه حبل‌المتین اصفهان چاپ و در سال ۱۳۳۷ منتشر کرده است.

۳- تاریخ تمدن اسلام و عرب:

این کتاب تألیف جرجی زیدان و شادروان صدرهاشمی آنرا بفارسی ترجمه نموده است.

۴- شعر و شاعری در عصر صفویه:

این کتاب یکی دیگر از تألیفات صدر هاشمی است که در آن از اوضاع و احوال مردم ایران و چگونگی شعر و شاعری در عصر صفویه گفتگو می‌نماید و چاپ سوم آن در آبان‌ماه ۱۳۴۱ در اصفهان بوسیله کتابفروشی مشعل انتشار یافته است.

۵- عشاق قنل‌ها:

این کتاب توسط کنت دوکوبینو نویسنده و دیپلمات معروف فرانسوی نوشته شده و ی زمانی از عمر خود را در تحقیق عادات و اخلاق ایرانیان و مردم آمیا گذرانده

و صدرهاشمی این کتاب را ترجمه و روزنامه نقش جهان آنرا منتشر کرده است

۶- جادوگر مشهور:

این کتاب توسط کنت دوکوبینو نوشته شده و صدرهاشمی آنرا ترجمه و منتشر نموده است.

۷- روزنامه چهلستون:

این روزنامه بمدیریت مرحوم صدر هاشمی بطور هفتگی و در مدت پنجسال متوالی و در ۱۹۰ شماره انتشار یافته و شروع آن از سال ۱۳۲۱ هجری شمسی بوده و یکی از روزنامه‌های مثبت و مفید و حاوی مقالات تحقیقی و تاریخی بوده که در اصفهان منتشر می‌گردیده است، علاوه بر این یادداشتهای علمی و تاریخی و تحقیقاتی زیادی از او باقی مانده که متأسفانه چاپ و منتشر نگردیده و منجمله یادداشتهایی است که جهت تدوین تاریخ مفصل اصفهان مشتمل بر شرح حال علماء، نویسندگان، حکام، هنرمندان، معماران، ابنیه تاریخی و وضع و موقعیت شهر اصفهان از ازمنا قدیم تا زمان حیات خود جمع‌آوری نموده است و نمونه آن مقاله محققانه‌ایست که درباره آرامگاه صاحب بن عباد در نشریه شماره یکم سال یکم دانشکده ادبیات اصفهان برشته تحریر درآورده است.

بطوریکه ذکر گردید امتداد علاقه وافر به مطالعه داشت و برای نیل بدین مقصود پیوسته در تهیه کتب فارسی، عربی و فرانسه بود که در آخر عمر کتابخانه باارزشی گردآوری نموده بود که تعدادی از کتب آن نادر و ۵۳ جلد آن خطی است و جمعاً بالغ بر ۲۱۷۴ جلد می‌شود و چون برای این کتابخانه زحمت زیادی متحمل شده بود لذا در وصیتنامه خود کلیه کتب را به برادران خود آقایان مهندس علی صدر هاشمی، مهندس حسن صدر هاشمی و دکتر حسین صدر هاشمی واگذار نمود تا بهر نحو که صلاح بدانند از آن نگهداری نمایند و چون او بزرگتر و همیشه مورد احترام برادران خود بود لذا نامبردگان بهترین محل برای حفظ کتابها را دانشکده ادبیات اصفهان تشخیص دادند و طی نامه‌ای به دانشکده اعلام نمودند که کتابخانه مرحوم صدر هاشمی را بطور رایگان به آن دانشکده واگذار می‌نمایند تا مورد استفاده عموم قرار گیرد و دانشکده طی نامه شماره ۱۸۴-۱۳۴۴ر۲۴۴-۱۳۴۴ر۲۴۴ آمادگی خود را برای تحویل کتابخانه اعلام و کتابها طبق ۷۳ برگ صورت تنظیمی که به امضاء آقای پارسا استاندار وقت اصفهان و آقای دکتر فاروقی رئیس دانشکده ادبیات اصفهان رسیده تحویل گردید و دانشکده ضمن نامه شماره ۲۱۳-۱۳۴۴ر۲۴۴ که به عنوان برادران آن مرحوم نگاشته وصول کتابخانه را اعلام داشته و اکنون کتابها در کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان نگهداری می‌شود و مورد استفاده دانش‌پژوهان قرار دارد.

دکتر حسین صدر هاشمی

بنام خداوند مهربان

بر عموم اهل فضل و دانش پوشیده نیست که از بدو مشروطیت ایران تا کنون آنگونه فعالیت علمی و ادبی که باید در بین نویسندگان و فضلا و دانشمندان کشور از حیث نوشتن کتب و رسائل درباره موضوعات مختلف؛ مشهود افتد دیده نشده و با مقایسه مختصری بین این دوره و دوره های قبل معلوم میگردد که تا چه اندازه دوره اخیر دوره فقر علمی و ادبی کشور بوده است.

بعقیده نگارنده علت عمده و سبب اصلی برای عدم تدوین کتابهای مستقل از طرف مولفین و مصنفین؛ همانا وجود جراید و مجلات مختلف فارسی است که بتعداد زیاد در دوران مشروطیت پا بدایره انتشار گذاشته و در حقیقت نشر این جراید و مجلات سبب گردیده است که علما و فضلا بیشتر افکار و معلومات خود را در صفحات جراید و مجلات نشر داده و از تدوین و تألیف کتب مستقل خود داری نمایند. از باب مثال مرحوم وحید را در اینجا نام میبریم. نامبرده از کسانی بود که دائماً اوقات خود را صرف فعالیت های علمی میکرد و با وجود این پس از مرگ کتاب مستقلی از خود بیادگار نگذاشت، علت آنرا باید در صفحات مجله ۲۴ ساله ارمغان جستجو کرد. مرحوم وحید دوران فعالیت علمی خود را صرف نشر این مجله ماهیانه نمود و لذا فرصت دیگری برای تألیف کتاب نداشت.

منظور از تذکار نکته بالا این است که اگر کسی بخواهد بفعالیت علمی و ادبی ایرانیان در مدت چهار و دو سال مشروطیت این کشور پی ببرد باید حتما در اوراق جراید و مجلات آنرا جستجو کند. چه بسیار موضوعات علمی و ادبی که از ذهن وقاد دانشمندان در طول این مدت تراوش کرده و منحصرأ در صفحات جراید و مجلات ثبت و ضبط گردیده است. بنابراین اگر بخواهیم بطور دقت و از روی حقیقت و واقع با آثار و تتبعات دانشمندان ایرانی در طول مدت نزدیک به نیم قرن پی ببریم حتماً باید بیک قسمت از تاریخ ایران یعنی

تاریخ جراید و مجلات این کشور آشنا شویم و همانطور که اشاره کردیم برای آشنائی با آثار ادبی و علمی نویسندگان و ادبای کشور باید اوراق جراید و مجلات را زیر و رو کنیم. متأسفانه با همه اهمیتی که تاریخ مطبوعات کشور داشته و دارد، تاکنون تاریخ جامعی برای آن تدوین نگردیده و جز فهرست مختصری که مرحوم تربیت تنظیم نمود و توسط مأسوف علیه ادوارد برون انگلیسی؛ بزبان انگلیسی ترجمه و طبع گردیده تا کنون تاریخی برای مطبوعات ایران نوشته نشده است.

تاریخ مطبوعات علاوه بر اینکه معرف يك قسمت عمده از آثار فضلا و دانشمندان کشور می باشد؛ خود فی نفسه نیز تاریخ مستقلی است و جای آن دارد که جداگانه در باره آن کتاب ها تدوین گردد.

بواسطه همین اهمیت موضوع است که از چند سال پیش که نگارنده مشغول جمع-آوری نمونه های مختلف مطبوعات بودم و بفکر تنظیم و تدوین چنین تاریخی برآمدم. اغلب دوستان و آشنایان مرا با کمال و اتمام آن ترغیب و تشویق نموده و پیوسته انتظار چاپ آنرا میداشتند. منتهی چون موضوع بی سابقه و بقدری ورود بدان مشکل بود، که با همه کوششی که این جانب برای اتمام آن داشتم با وجود این متجاوز از ده سال طول کشید و اکنون هم که در صدد چاپ جلد اول آن هستم، هنوز دارای نواقصی است که از اعتراف بدان ناچارم.

تدوین و تالیف کتاب و بخصوص موضوعات تاریخی که محتاج مراجعه و پرسش از دیگران میباشد، باندازه در کشور ما کار مشکلی است که تا کسی وارد بدان نگردد به اشکالات آن پی نخواهد برد. شاید قابل قبول نباشد که نگارنده برای اطلاع از چگونگی و طرز انتشار هر يك از جراید و مجلات فارسی و آشنائی بوضع زندگی مدیران آنها، چه زحمات و مشقات طاقت فرسایی را متحمل گردیده ام؛ برای این منظور چه مسافرت های دور و درازی را پیش گرفته ام و تازه در ضمن عمل دیده شد که نسخ بعضی از جراید و مجلات فارسی بکلی نایاب و دسترس بدانها اگر محال نباشد، لاقلاً خیلی مشکل است. اغلب مشاهده شد که مدیر و صاحب امتیاز روزنامه از چگونگی و مدت انتشار روزنامه اش بکلی بی اطلاع است و وقتی نگارنده اطلاعات و معلومات خود را درباره آن روزنامه برای او بیان میکردم، از شگفتی و تعجب نمیتوانست خودداری کند. گاهی پاسخ عجیبی میشنیدم، بدینقسم که اظهار میداشتند که ما وضع زندگي هفته و ماه قبل را فراموش کرده ایم چه انتظار دارید که از سالهای پیش بشما اطلاعاتی بدهیم.

با همه این مشکلات در مقابل عزم و اراده قوی که نگارنده برای تدوین تاریخ مطبوعات ایران داشتم؛ مرا موافق بانجام کار کرد و بلطف خداوندی تو فیق پایان آن را پیدا کردم. چه بسا میشد در ضمن کاوش برای بدست آوردن نمونه روزنامه؛ من حیث لایعنسب و سائلی فراهم میگشت که مرا بمقصود میرسانید و گاهی در جاهائی بکشف

موضوعات مربوط به جراید و مجلات واقف میشدم که هرگز احتمال وقوف بدان درمخیله ام
 خطوط نمیکرد . بهر صورت فعلا نتیجه زحمات چند ساله خود را در ضمن اوراق این
 کتاب در دسترس هموطنان و علاقه مندان میگذارد تا چه قبول افتد چه در نظر آید، و
 چون تاریخ مطبوعات ایران در حقیقت تدوین و تألیف نیست، بلکه ایجاد و ابداع تاریخ
 است و بنابراین هرگز از سهو و نسیان خانی نخواهد بود؛ لذا امید است اهل فضل و
 دانش آنرا با حسن قبول تلقی فرموده و بعین رضا در آن بنگرند و اگر خطائی مشاهده
 فرمودند نگارنده را برای اصلاح جایهای بعدی مطلع فرمایند .

کتاب حاضر در حقیقت فرهنگ جراید و مجلات فارسی است و از اینرو از طرز تنظیم
 آن مانند سایر فرهنگها باید قبلا گفتگو کرد: اولاً اسامی تمام جراید و مجلات ایران
 از آغاز تأسیس روزنامه نگاری در این مملکت؛ با حروف تهجی ذکر گردیده و در
 ضمن رعایت حروف ما بعد حرف اول نیز شده است و در جاهاییکه اسامی روزنامه ها
 و مجلات متشابه بوده میزان تقدم؛ قدمت انتشار بوده است . مثلاً ابتدا از مجله الاسلام
 که در سال ۱۳۲۰ قمری انتشار یافته گفتگو شده و بعد از الاسلام منتشره در ۱۳۳۱ قمری
 و به همین ترتیب . ثانیاً با اینکه نام کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران است، با وجود
 این برای اینکه چیزی از جراید فارسی و یا جرایدی که در این کشور نشر شده از قلم
 نیفتد، از جراید و مجلاتی که بلغات مختلف ارمنی؛ آسوری؛ فرانسه؛ انگلیسی؛ روسی
 در ایران انتشار یافته، گفتگو بیان آمده است و نیز از جراید و مجلاتی که در خارج
 مانند برلین؛ مصر؛ لندن؛ و سایر بابتخهتها بزبان فارسی نشر گردیده؛ بتفصیل بحث
 شده و در حقیقت کتاب حاضر مجموعه کاملی از تمام جراید و مجلات داخلی بهر زبان باشد
 و جراید و مجلات فارسی خارجی میباشند .

ثالثاً- در زیر اسم هر روزنامه و مجله تمام اطلاعات مربوط بآن از مدت انتشار؛ سال
 تأسیس؛ تعداد دفعات توقیف آن شرح احوال مدیر روزنامه و مجله تا آنجا که امکان
 داشته، قطع و تعداد صفحات؛ نوع مطبوعه از سربی و چاپی؛ قید گردیده است . در مواردیکه
 روزنامه از انتشارات موسسه و یا حزب و یا مدرسه بوده بتفصیل از هر کدام از آنها گفتگو
 گردیده است .

رابعاً - برای بدست آوردن اطلاعات لازم در درجه اول سعی شده است که تمام
 اطلاعات مربوط به روزنامه از متن دوره های آن بدست آید و بخصوص برای ضبط
 سال و تاریخ تأسیس از بدست آوردن شماره اول روزنامه و مجله هیچگونه کوتاهی
 نگردیده و برای حصول شماره اول بخصوص تا سرحد امکان سعی و کوشش بعمل آمده
 است و از اینرو اغلب سنوات تأسیس و انتشار مبتنی بر مدرك غیر قابل انکار یعنی شماره
 اول روزنامه و مجله بوده است . منظور از این توضیح این است که در باره ضبط تاریخ
 آغاز انتشار بمسوعات و یا آگهی هائی که حکایت از انتشار روزنامه در فلان تاریخ می-

کند؛ اکتفا نشده است و تماماً مستند به این شماره‌های اول بوده است. مگر در موارد استثنائی که دسترسی بشماره اول میسر نبوده و در این صورت بسال انتشار اکتفا شده است. •
خامسا - نگارنده در نظر داشت در ضمن این تاریخ فهرستی از مندرجات و مقالات مهم جراید و مجلات بیاورد، ولی در عمل مشاهده شد که حجم کتاب بیش از اندازه بزرگ میگردد و با مخارج گزاف طبع فعلا این کار مقدور نگردید، ولی باز هم اسامی زمانها و کتاب های سودمندی که در باور قری روزنامه ها چاپ شده ثبت گردیده است؛ امید است بعداً بتوانم این فهرست را تهیه و چاپ کنم تا جویندگان باسانی از روی آن بتوانند از موضوعات مختلف چاپ شده اطلاع حاصل نمایند. •

این عمل اگر انجام شود فایده دیگری در بر دارد و آن اینکه اشخاصی در نتیجه عدم اطلاع، بتصور اینکه درباره فلان موضوع ادبی و یا علمی تا کنون بحث نشده و تحقیقی بعمل نیامده، سر از نو و ابتداءً بتحقیق و تتبع میپردازند؛ و راه طی شده را مجدداً میپیمایند، غافل از آنکه در فلان شماره از فلان سال مجله و یا روزنامه کاملاً در ضمن مقالات متعدد حلاجی شده است؛ من باب مثال شرح حال کمال الدین اسماعیل شاعر معروف اصفهانی را نام میبریم، شرح حال این شاعر بقلم آقای مسرور در سال ششم ارمغان مفصلاً و با کمال دقت تدوین شده، ولی باز دیده میشود کسانی بعلت عدم اطلاع آنرا از نو مورد بحث قرار میدهند. •

پس از بیان مقدمه فوق، بذکر شمه از تاریخ مطبوعات و تحولاتی که از بدو پیدایش روزنامه نگاری تا کنون در کشور ما حاصل شده، میپردازیم و بعد وارد اصل کتاب میشویم.

آغاز پیدایش روزنامه در ایران

قدیمترین روزنامه که بزبان فارسی در ایران منتشر شده، روزنامه ایست که در حدود سال ۱۲۵۳ قمری بمدیری میرزا صالح شیرازی در تهران تاسیس و طبع گردیده است. از روزنامه مذکور با همه تفصص و کوششی که بعمل آمده، نسخه بدست نیامد و تنها اطلاعی که درباره آن داریم، شرحی است که در مجله انجمن آسیائی (جلد پنجم سال ۱۸۳۹) نوشته شده.

در مجله مذکور تحت عنوان (روزنامه ایرانی) شرحی ذکر گردیده که بطور خلاصه این است: در قرن سیزدهم یعنی در حدود سنه ۱۲۵۳ قمری؛ در تهران روزنامه بدیری میرزا صالح شیرازی تاسیس و طبع شده. این روزنامه روی دو ورق بزرگ که در یک طرف آن با خط روشن و نزدیک بهم مطالبی چاپ گردیده و طرف دیگر سفید است. مجموع سطور آن با عنوان مقالات ۲۱۷ سطر است. هر شماره تحت این عنوان «اخبار وقایع شهر محرم الحرام ۱۲۵۳ قمری؛ در دارالخلافه تهران انطباع یافته» شروع میگردد و پس از آن تحت عنوان «اخبار ممالک شرقیه» وقایع طهران و سایر ایالات و ولایات ایران درج و در زیر عنوان (اخبار ممالک غربیه) او ضاع ترکیه و اروپا شرح داده شده است. مدت انتشار این روزنامه مانند آغاز تاسیس آن معلوم نیست و بنابراین وجود آن را نمیتوان آغاز نشر روزنامه در ایران دانست.

پیدایش روزنامه بطور مرتب و منظم از اقدامات میرزا تقیخان امیر کبیر، در زمان سلطنت ناصرالدین شاه است و این مرد بزرگ مانند اقدامات مفید و اساسی دیگری که در ایران انجام داد، بتاسیس روزنامه - نظیر جراید اروپا - اقدام نمود و در دوران وزارت خود روزنامه بنام وقایع اتفاقیه تاسیس و منتشر کرد.

در حقیقت آغاز انتشار و شیوع روزنامه در ایران از زمان ناصرالدین شاه است و در این دوره است که روزنامه وقایع اتفاقیه منتشر گردید و بعداً با تغییر اسم بنامهای (ایران سلطانی) و (ایران) که هنوز هم بهین نام منتشر میشود، انتشار یافت.

در زمان ناصرالدین شاه اغلب جراید دولتی بوده و در پایتخت منتشر میشده و اگر احياناً در بعضی از ولایات از قبیل اصفهان و تبریز و فارس روزنامه انتشار یافته، تحت نظر حکام وقت بوده است. در وزارت انطباعات که یکی از وزارتخانه های مهم آن زمان بوده اداره باسم (اداره دارالطباعة مبارکه) وجود داشته که وظیفه آن تنظیم مطالب و انتشار روزنامه های دولتی بوده است.

ریاست اداره دارالطباعة مدتها بمعهده صنایع الدوله که از رجال مطلع و دانشمند و آشنا بزبانهای خارجی است، محول بوده و در زمان تصدی همین صنایع الدوله است

مقدمه 4

که سه روزنامه مهم ایران و مریخ و علمی منتشر شده است. >

هر کدام از این روزنامه ها نویسنده و مترجم و تشکیلات علیحده داشته و تمام بریاست صنیع الدوله که مترجم مخصوص ناصرالدین شاه نیز بوده ، اداره میشده است صورت اجمالی تشکیلات سه روزنامه ایران و مریخ و علمی بدینقرار است .
اداره روزنامه ایران : میرزا سید حسن مستوفی روزنامه و دارالطباعة ؛ میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی منشی و مصصح روزنامه : میرزا علیمحمد ناظم اداره .
روزنامه میرزا ابوالقاسم منشی ؛ میرزا عبدالرحیم محرر ؛ میرزا عباس نقاش و استاد مخصوص مباشر باسه خانه ؛ میرزا آسید ولی مرتب حروف فرنگی و ایرانی . سایر محررین و نویسندگان سه نفر ؛ عمله طبع ده نفر ؛ فراشان هشت نفر . مترجمین : میرزا محمد رضامترجم فرانسه . میرزا علیخان مترجم فرانسه و انگلیسی ، میرزاعیسی خان سرهنک مترجم فرانسه . ماروس خان مسیحی مترجم فرانسه و روسی .

اداره روزنامه مریخ و علمی - میرزا سید حسن مستوفی و مباشر ؛ میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی منشی و مصصح - میرزا علیمحمد ناظم اداره روزنامجات میر محمد علی کاتب روزنامه علمی - میرزا طاهر کاتب روز نامه مریخ - میرزا عباس استاد طبع - فراشان و محصل اخبار دو نفر . محمد حسن خان رئیس دارالطباعة دولتی در اثر عشق وافر و علاقه مفرطی که بنشر جراید دولتی نشان داد . در مدت کوتاهی خدماتش مورد توجه ناصرالدین شاه قرار گرفت و در نتیجه در ربیع الثانی ۱۲۸۸ قمری موفق بدریافت لقب (صنیع الدوله) از شاه گردید . سواد دستخط اعطای این لقب در جلد سوم کتاب مرآت البلدان بدینقسم ذکر شده است .

> چون ترقیات حاصله دارالطباعة همایونی از حسن مراقبت و اهتمامات کامله محمد حسن خان پیشخدمت و مترجم مخصوص و رئیس دارالطباعة کل ممالک ایران مشهود افتاده خاطر مارا کاملا خوشنود داشته است ، او را بلقب صنیع الدوله مخاطب فرمودیم که موجب امتیاز و افتخار او شده بشمول الطاف علیه بیشتر در خدمت محوله بخود د اهتمام نماید ، فی شهر ربیع الثانی ، قوی ثیل سنه ۱۲۸۸ <

پس از یکسال یعنی در سال ۱۲۸۹ مجددا صنیع الدوله مورد لطف ناصرالدین شاه قرار گرفته و بدریافت يك قطعه گل کمر مرصع نائل میگردد . سواد فرمانی که در این باب خطاب بمشیرالدوله - صدر اعظم - نوشته شده بدین قرار است .

> جناب صدر اعظم در این يك سال گذشته که خدمت طبع و انتشار روز نامه دولتی بعهده محمد حسن خان صنیع الدوله محول شد موافق تعهدات خود فقرات قرارنامه این امر را اجرا کرده خوب از عهده برآمده است این اوقات که اداره اوراق دولتی باو رجوع شده برای تشویق خاطر او و علامت عنایت ملوکانه يك قطعه گل کمر مرصع باو عطا و مرحمت شود که در انجام خدمت بیشتر ساعی شده و سرافرازی حاصل نماید ، شهر محرم الحرام ۱۲۸۹ <

شرح حال محمد حسن خان صنیع الدوله بتفصیل در ذیل روزنامه اطلاع ذکر شده است ، خوانندگان بدانجا رجوع نمایند .

چگونگی انتشار جراید در زمان ناصرالدین شاه

در زمان ناصرالدین شاه اعیان و اشراف و حکام مملکت موظف بقبول و تأدیة آبونه روزنامه بوده و در پایتخت طبق تقسیم بندی معینی تعدادی روزنامه بعنوان حکام ولایات و شهرستانها فرستاده میشده که آنها بنوبه خود جراید را توزیع و در آخر سال وجوه آنها را جمع آوری و پایتخت ارسال دارند، و یکی از وظایف مهم حکام و مباشرین ولایات همین توزیع جراید دولتی و جمع آوری وجوه آبونه آنها بوده است. در روزنامه های آن عصر اعلاناتی خطاب بحکام ولایات چاپ شده و در این اعلانات حکام را باین وظیفه آشنا ساخته است. ما برای نمونه یکی از اعلانات را که در شماره ۵۱ روزنامه وقایع اتفاقیه مورخ پنجشنبه سلخ ربیع الاول ۱۲۶۸ قمری درج شده، ذیلانقل می کنیم:

« در باب زیاد شدن مشتری این روزنامه ها چنانچه در روزنامه ۴۴ اعلان شده مجدداً اعلان میشود که چون منظور اعلیحضرت پادشاهی از راه افتادن این روزنامه ها استحضار و آگاهی اهالی این دولت علیه از احکام دیوانی و اخبار داخله و خارجه است، لهذا امنای دولت علیه حسب الامر همایونی قرار دادند که امنای اعیان و چاکران معتبر دربار همایونی و حکام و عتال و مباشرین و خوانین و معتبرین شهرها و بلوکات و ایلات ممالک محروسه بر سبیل حکم دیوانی از این روزنامه ها داشته باشند و سایر مردم از تجار و کسبه و اواسط الناس بمیل و اختیار خودشان هر کدام طالب باشند روزنامه بخوانند و میباید حکام و مباشرین ولایات حسب الامر اقدس همایون اسامی آنها را که حکم دیوانی است مشخص و بمباشرین روزنامه اعلام نمایند که برای آنها روزنامه بفرستند. چون چند هفته است که این حکم در روزنامه اعلان شده است و از اغلب ولایات تا کنون جواب نیامده است، لذا حسب الامر مقرر است که در مراجعت چاپارهایی که روزنامه هفته بعد را بولایات میرسانند، اگر حکام و مباشرین ولایات صورت اسامی اشخاص مزبور را بنزد مباشرین روزنامه روانه نمایند چون امتثال امر دیوانی نمودند و مسالمة کرده اند دیوانیان عظام از آنها مواخذه نمایند.»

گفتیم اعیان و اشراف کشور و همچنین حکام و مباشرین بقبول روزنامه های دولتی موظف بوده اند. ناصرالدین شاه خطاب بمستوفی الممالک، وزیر مالیه وقت در باره اجرای دستور فوق و طرز توزیع جراید بین ولایات و شهرها حکمی صادر نموده که از لحاظ اهمیت مفاد آنرا از روزنامه ملتی مورخ دوازدهم محرم الحرام ۱۲۸۴ قمری نقل می نمایم:

(چون همواره رأی جهان آرای اعلیحضرت قدر قدرت همایون شاهنشاه ریلینعت کل ممالک محروسه ایران صانها الله عن العبدان برنشر فواید کلیه و نصب قواعد مفیده

مقدمه

علاقه یافته و فواید روزنامهجات دولتی و ملتی و علمی بیهجابت بتعداد و نگارش مشخص و معین است از قبیل انتشار احکام قضا جریان همایون و اطلاع بر اخبار ممالک محروسه ایران و سایر دول متعابه فرنگستان و تتبع در احوال و اشعار شمرای متقدمین و متاخرین و پاره مطالب که بطور آزادی نوشته میشود و نتایج حسنه آن بر همه کس آشکار است و استفاده علوم متفرقه و بصیرت بر تواریخ مختلفه و غیره حاصل میگردد، پس طبع روزنامهجات از بعه متناسبه و تقسیم مجموع آن بر افراد رجال دولت و اعیان مملکت کاری نیک و امری مهم میباشد لذا حسب الامر الاقدس الاعلی بموجب این اعلان و موافق دستخط مبارک جداگانه و تشخیص و تصدیق علیحده مستوفی الممالک وزیر مالیه اشخاصی که اسامی آنها در ثبت دفتر روزنامهجات از هذمه السنه توشقان ثبت قلمداد شده باید بی هیچ عذری روزنامهجات دولتی و ملتی و علمی را قبول نموده و قیمت آنها را که مجموعاً از قرار سالیانه سه تومان و شش هزار دینار است در چهار قسط نه هزار دینار میشود بباشترین این کار کارسازی داشته قبض اعتضاد السلطنه وزیر علوم را دریافت دارند همین حکم در روزنامهجات رسمی ولایات ممالک محروسه جاری است؛ منتهی این است که عدد روزنامه هر ولایتی که در تقسیم مشخص شده تحویل صاحبان اداره و وکلای آن ولایات میشود و وجه روزنامه از آنها باز یافت میگردد. باید خود آنها بهر کس صلاح میدانند و با ملاحظه مؤنه و استعداد آن اشخاص تقسیم کنند هر گاه کسی در سر قسط از دادن تنخواه روزنامه تسامح ورزد علاوه بر اینکه بگنوع از جاده انسانیت انحراف جسته، معادل آن تنخواه از مقرری دیوانی او مقطوع خواهد شد و تقسیم از این قرار است که مستوفی الممالک نموده اند :

دارالخلافه						
۲۷۰	اجزاء وزارت خارجه از حاضرین و مامورین					
۸۷ نفر						
آذربایجان	استرآباد	بروجرد	عراق	خراسان	خمسه	
۱۶۶ نفر	۳۴ نفر	۱۴ نفر	۱۴ نفر	۸۰ نفر	۱۶ نفر	
گلپایگان و خونسار	شاهرود و بسطام	سمنان و دامغان	عربستان			
۵ نفر	۵ نفر	۳ نفر	۲۶ نفر			
قزوین	ساره	مجلات	فارس	کاشان	کردستان	
۲۲ نفر	۲ نفر	یک نفر	۶۶ نفر	۱۴ نفر	۴۰ نفر	
کرمان	کرمانشاه	نهادند	گروس	گیلان	مازندران	
۸ نفر	۷۵ نفر	۵ نفر	۱۲ نفر	۳۵ نفر	۳۰ نفر	
ملایر و تویسرکان	همدان	یزد	قم و نطنز	اسدآباد و کنگاور		
۱۰ نفر	۱۲ نفر	۲۰ نفر	۷ نفر	۳۰ نفر		
جمع کل ۱۱۰۰ نفر					اصفهان	۳۰ نفر

صورت مذکور طبق دفاتر قدیم بحساب سیاق تنظیم شده و ما برای سهولت استفاده از آن با رقام هندسی در آوردیم .
 در دوره ناصرالدین شاه چند روزنامه مفید از قبیل ایران ؛ اطلاع ؛ علمی ؛ ملتی و غیره نشر یافته که دنباله انتشار بعضی از آنها مثل ایران و اطلاع بزمان مظفرالدین شاه نیز کشیده شده است. نکته شایان توجه ، چنانچه بعداً بتفصیل بیان خواهیم کرد ، این است که روزنامه های مذکور هم از حیث مطلب و هم از جهت ترتیب انتشار ، در درجه اول قرار گرفته و اگر ادعا کنیم که روزنامه های فعلی ما نسبت بآن زمان چندان ترقی نکرده و بلکه از باره جهات تنزل نیز نموده، اغراق و مبالغه نکرده ایم .

روزنامه نگاری زمان مظفرالدین شاه

همانطور که اشاره کردیم دنباله انتشار بعضی از جراید دولتی بزمان مظفرالدین شاه نیز کشیده شده و امتیاز این دوره با دوره سابق این است که در زمان مظفرالدین شاه بعضی از جراید خصوصی نیز بدست اشخاص تاسیس یافت و برای امتیاز این دسته از جراید ، از جراید دولتی ؛ آنها را در تاریخ خود بنام جراید آزاد نام میبریم . گرچه بشرحیکه بعداً خواهیم نوشت روزنامه های شخصی حق استعمال کلمه آزاد را در عنوان خود نداشته و مدتها آزادبخواهان برای نوشتن این کلمه با دولت مبارزه نمودند ولی چون از قیود جراید دولتی آزاد بودند، لذا ما آن ها را جراید آزاد نام میگذاریم . اول روزنامه که حق نوشتن کلمه آزاد را در عنوان خود پیدا کرد روزنامه مجلس بود .

انتشار جراید غیر دولتی حتماً با اجازه وزارت انطباعات صورت میگرفت و به پیشنهاد وزارتخانه مذکور صدر اعظم حکمی مبنی بر اجازه انتشار روزنامه صادر میکرد . و گاهی در موارد مخصوصی ، باز بحکم صدر اعظم از انتشار مجله و یا روزنامه جلوگیری میشد . مجله الاسلام یا گفتگوی صفاخانه اصفهان که بمدبری داعی الاسلام در اصفهان مدت دو سال منتشر شده ؛ پس از انتشار شماره اول ؛ ۵ ماه از طرف امین السلطان توقیف گردید و اجازه نشر آن داده نشد .

میرزا محمد حسین فروغی ملقب بذکاءالملک ؛ با اینکه خود در دستگاه دولتی بزرگ شده بود ؛ پس از تاسیس روزنامه تربیت در زمان مظفرالدین شاه ، در سال اول آن ؛ جمله (با اجازه وزارت جلیله انطباعات) در عنوان روزنامه اش قید شده است انتشار نه ساله روزنامه تربیت پیشرفت بزرگی برای مطبوعات آزاد کشور بود و در حقیقت ذکاءالملک اول روزنامه نویسی است که سبک روزنامه را در ایران از آن حالت خشک و بی روحی روزنامه های دولتی و درباری خارج ساخت و لذا میتوان مرحوم ذکاءالملک را پدر مطبوعات ایران دانست .

مقدمه

با توضیح فوق میتوان روزنامه های زمان مظفرالدین شاه را بدو دسته متمایز قسمت نمود اول روزنامه های دولتی که وزارت انطباعات آنها را طبع و منتشر مینموده و دوم روزنامه های آزاد و یا غیر دولتی که بدست اشخاص تاسیس و اداره میشده است.

۱ — روزنامه های دولتی

مظفرالدین شاه بتقلید پدر و شاید از روی میل طبیعی با نشر فرهنگ و جراید چندان مخالفتی نشان نمیداد حتی در زمان ولیعهدی خود در (تبریز) دستور تاسیس و انتشار روزنامه باسم (تبریز) را صادر کرد. از اینرو در سلطنت مظفرالدین شاه بغیر از قسمت های اخیر سلطنت وی که خیلی کم بامور رسیدگی مینمود و اغلب کارها با نظر صدر اعظم اداره میشد؛ وزارت انطباعات با همان تشکیلات سابق به کارهای خود ادامه میداد.

محمد حسن خان ملقب باعتماد السلطنه؛ پس از چند سال عهده داری و وزارت انطباعات و اداره نمودن روزنامه های دولتی، در هیجدهم شوال ۱۳۱۳ قمری؛ یعنی کمی قبل از قتل ناصرالدین شاه؛ دارفانی را وداع نمود و وزارت انطباعات و اداره روزنامه های دولتی بالقب (اعتماد السلطنه) بعهده محمد باقر خان ادیب الممالک برادر زاده محمد حسن خان؛ واگذار گردید و از تاریخ ۲۲ شوال المکرّم ۱۳۱۳ تمام روزنامه های دولتی تحت نظر و اداره مشارالیه اشاعه یافت.

مظفرالدین شاه؛ در محرم الحرام ۱۳۱۴ قمری که فرامین دولتی را بنام وزرا و امرا صادر نموده فرمان زیر را نیز بنام محمد باقر خان ادیب الملک صادر کرد، این فرمات در نمره ۹۸۸ روزنامه ایران بدینقسم ثبت است:

« جناب اشرف صدر اعظم و وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی و طبع روزنامه مصور شرف و اطلاع و تالیف کتاب نامه دانشوران در عهد شاهنشاه شهید بر عهده محمد باقر خان اعتماد السلطنه محول و مرجوع بود؛ ازقراری که بعرض رسید در انجام این مشاغل و خدمات اعتماد السلطنه بسیار خوب از عهده بر آمده است. و چون رشته این امورات و ترتیب روزنامه های دولت از امور مهمه است و باید بعهده شخص کافی، بصیر، بااطلاعی مرجوع باشد و اعتماد السلطنه هم خوب از عهده این خدمت بر آمده و پدر بر پدر هم متصدی خدمات عمده دولتی بوده اند لهذا ما هم بتصویب آن جناب اشرف وزارت انطباعات و دارالترجمه و روزنامه شرف و تالیف کتاب نامه دانشوران را بعهده اعتماد السلطنه محول و موکول فرمودیم که بترتیب سابق مشغول انجام این خدمات بوده خاطر همایون ما را بیش از پیش از خدمات خود راضی و خرسند دارد. محرم ۱۳۱۴ »

لازم است یاد آور شویم که از زمان وزارت محمد حسنخان لقب اعتماد السلطنه مخصوص وزیر انطباعات بوده و از اینرو پس از مرگ مشارالیه تا آغاز مشروطیت هر

مقدمه

کسی بدین مقام نائل گردیده لقب اعتماد السلطنه را داشته است . ولذا در اغلب روزنامه های دولتی این دوره در آخر صفحه چهارم امضای (اعتماد السلطنه) دیده میشود در صورتیکه صاحبان این لقب اشخاص مختلف بوده و هر چند مدتی شخصی آنرا ملقب بوده است .

هنگام مرگ ناصرالدین شاه وزارت انطباعات دو روزنامه دولتی بنامهای (ایران) (و اطلاع) منتشر مینموده و پس از مرگ این پادشاه بدون کوچکترین تغییری در قطع و مطالب آنها بانتشار هر دو ادامه داده شده است. مقایسه مختصری بین نمره ۸۸۰ روزنامه ایران مورخ ۶ ذیقعدة الحرام ۱۳۱۳ و نمره ۸۸۲ آن روزنامه مورخ ۲۵ ذیقعدة ۱۳۱۳ قمری بخوبی مطلب مذکور را ثابت و مدلل میدارد سر مقاله نمره اخیر روزنامه تحت عنوان (جلوس میمنت مانوس همایون در دارالسلطنه تبریز) و مربوط بتخت سلطنت نشستن مظفرالدین شاه است .

قدیمترین روزنامه یومیه در ایران

قدیمترین و اولین روزنامه یومیه که در کشور ما بوجود آمده روزنامه خلاصة الحوادث است که همه روزه باستانهای روزهای یکشنبه و جمعه ؛ روی يك ورق طبع و توزیع میشده است . انتشار این روزنامه در زمان مظفرالدین شاه و شماره اول آن در روز دو شنبه چهاردهم جمادی الاخر ۱۳۱۶ قمری منتشر گردیده . این روزنامه روی يك ورق طبع میشده و مندرجات آن خلاصه عمده وقایع و اخبار جهان و بهمین مناسبت نام آن خلاصة الحوادث گذاشته شده است . خلاصة الحوادث مرتباً تا نمره ۱۱۰۷ مورخ ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۴۱ قمری مطابق ۱۳ اگوست ۱۹۰۳ میلادی منتشر گردیده . برای اطلاع بیشتری از این روزنامه بحرف (خ) کتاب رجوع شود . روزنامه خلاصة الحوادث گرچه از انتشارات انجمن معارف طهران بوده و بقیمت خیلی نازلی در دسترس مردم گذاشته میشده ولی بازم وابسته بدولت و تحت نظر وزارت انطباعات بوده و لذا در عنوان و سرلوحه آن شیر و خورشید که علامت رسمی دولت ایران میباشد ؛ بچاپ میرسیده و بهمین مناسبت باید آن را جزو روزنامه های دولتی این زمان دانست .

علاوه بر این اداره انطباعات دولتی در تاریخ چهارشنبه نهم جمادی الاخر سال ۱۳۱۶ اعلانی راجع بانتشار و محل طبع و طرز و مبلغ آبونه روزنامه مذکور منتشر نموده و من جمله در این اعلان مینویسد : « خلاصة الحوادث هفته پنج روز منطبق و در همان روز طبع منتشر میشود و مشتریان در هر نقطه شهر باشند هر روز بلا تاخیر بایشان رسانیده میشود .۰۰۰۰ از بابت قیمت آن بدون قبض مخصوص که هر ماه از اداره انطباعات دولتی بمهر مجیرالدوله مدیر روزنامهجات و انطباعات فرستاده خواهد شد نباید باحدی دیگر بدهند » همین عبارات بخوبی میرساند که خلاصة الحوادث

روزنامه دولتی است .

۲ = روزنامه های غیر دولتی یا روزنامه های آزاد

بقسبکه سابقا یاد آور شدیم در زمان مظفرالدین شاه علاوه بر روزنامه های دولتی ؛ روزنامه های نیز بدست اشخاص تاسیس و انتشار یافته و روزنامه رسمی دولتی نبوده است .

از مختصات روزنامه نگاری در زمان مظفرالدین شاه تاسیس روزنامه آزاد است و کلمه آزاد در اینجا بآن معنائی که امروز از آن فهمیده میشود نیست و مراد از روزنامه آزاد این نیست که مدیر روزنامه حق درج و انتشار هر قسم مقاله و یا خبری را در روزنامه خود داشته است . بلکه بعکس ، مدیران جراید ؛ در تاریخ که ما از آن گفتگو میکنیم ، در انتشار مطالب و اخبار آزادی نداشته و موظف بوده اند مندرجات روزنامه را قبل از انتشار و فرستادن بمطبعه بوزیر انطباعات یا جانشین او ارائه دهند .

همانقسم که اشاره کردیم منظور از روزنامه آزاد روزنامه ایست که دولت و یا حکام وقت در ولایات در طبع آن دخالتی نداشته و بدست اشخاص غیر دولتی اداره میشده است . روزنامه های آزاد در زمان مظفرالدین شاه خیلی در مضیقه و فشار بوده و چنانچه بعدا خواهیم دید این موضوع در زمان صدارت (اتابک اعظم میرزا علی اصغر خان) و (عین الدوله) بلای بزرگی برای مطبوعات بود و پس از مراجعت عین الدوله از فرنگستان موجب توقیف عموم جراید آزاد بغیر از ادب گردید . سابقا یاد آور شدیم که مجله الاسلام منتشره در اصفهان ، با اینکه يك مجله کاملاً مذهبی و دینی و مندرجات آن منحصرأ مباحثات مذهبی بود ؛ از طرف عین الدوله مدت پنج ماه توقیف شد .

بازرسی مطبوعات

تفتیش و یا سانسور مطبوعات در ایران تاریخچه مفصلی دارد که شاید مادر جای دیگری از این کتاب بتفصیل در باره آن گفتگو نمایم . آنچه در این مقدمه گنجایش ذکر آن هست مختصری راجع به پیدایش بازرسی در مطبوعات و آغاز برقراری آن در ایران و وضع سانسور مطبوعات در زمان مظفرالدین شاه میباید . تفتیش و بازرسی مطبوعات برای اولین بار در زمان ناصرالدین شاه بوجود آمد و در عصر این پادشاه است که اداره بنام (اداره سانسور) در ایران تاسیس گردید . شرح بنیان این اداره و علت پیدایش آنرا اعتمادالسلطنه در کتاب مائروالاتار (ص ۱۱۷ کتاب) که خود نیز در آغاز کار متصدی امر سانسور بوده ؛ بدینقسم بیان کرده است :

مقدمه

« اداره سانسور که عبارت از تفتیش کتب و روزنامه‌های وارده از خارج است چون بعضی از مطبوعات بعضی از ممالک که مشتمل بر طعن طریقی و یا قدح فریقی و یا هجاء شخصی و یا هزل فاحشی بود بلعاط مبارك این بادشاه (منظور ناصرالدین است) میرسید از انتشار آنها همواره آثار کراهت برجبین همایون هویدا بود تا وقتی که رساله هجو سلاله شیخ هاشم شیرازی مطبوعه بمبئی را بطهران آوردند و نسخه حضور مهرظهور بردند از مشاهده آن اشعار ناسزاوار در حق آن دانشوران بزرگوار شعله خشم شاهنشاهی زبانه زدن گرفت و در وقت بتحصیر و اعدام تمام آن نسخ فرمان رفت ؛ بنده نگارنده حاضر در گاه بود معروض نمود که دولت‌های اروپیه برای سد راه این عیب از ممالک خویش ؛ دایره تفتیش ایجاد کرده اند و اسم آن سانسور است و چون غرضی از شرائط و شئون آن براند برخاطر مبارك بسی پسندیده آمد و فرمان رفت تا در تحت نظر این خانزاد در حدود ایران سانسور ایجاد شود و از آن وقت باز راه این عیب بسته است و رشته این تجارت گسسته . »

در باره نظارت و تفتیش دولت در چاپخانه‌ها و مطبوعات داخلی در زمان ناصرالدین شاه شرح زیر بعنوان آگهی در روزنامه رسمی (دولت علیه ایران) نمره ۵۵۲ مورخ پنجشنبه دوازدهم شهر رجب ۱۲۸۰ قمری درج است :

اعلان دولتی

« نظر باینکه امر چاپخانه‌های ممالک محروسه ایران تا کنون در تحت قاعده معینه نبوده و در انتظام آن اهمیتی نمیشده، اختلالی یافته متدرجا از محوطه نظم خارج افتاده ، هر کس در هر مقام هر نسخه که میخواهد قطع نظر از اینکه انتشار آن نسخه از جهت دولت و ملت مستحسن یا مستقبح و یا متداول شدن آن بین الناس از گوشزد اطفال یا اشاعه مضامین آن بین الرجال نافع یا مضر بوده باشد ؛ چاپ مینمود و حکایات نامناسب که ذکر آن در این مقام مناسب نیست بطبع میرساندند که موجب جرئت خوانندگان و شنوندگان در ارتکاب مناهای و ملامی و سفک دماء و متابعت اهواء می گردید، خاصه اطفال که از مبادی احوال و خواندن این حکایات نامناسب و مربوط میشدند و این روایات منطبعه غیر مستحسنه در جبلت ایشان کاللقش فی الحجر مرکوز و کالطبیعة الثانیة ثابت میگردد و گاه میبود که بعزت استمرار در استماع و مذاکره اینگونه ترهات در گرداب هواجس نفسانی و وساوس شیطانی غوطه ور میگشتند . از آنجا که رحمت نامتناهی حضرت الهی مقتضی رافت و مرحمت خاطر خورشید مظاهر اعلی حضرت شاهنشاهی ولینعت کل ممالک محروسه ایران آمده است و اراده سنی همایونی اقتضا نیفرماید که از جزئی و کلی امور ملکی و ملتی عاقل و باطل

مقدمه

مانده و مردم از صراط مستقیم که موجب نعیم دینی و فیض عظیم عقبی است، منحرف و مایل باشند محض خیرخواهی و عنایت درباره خلائق که ودایع حضرت خالق اندامر و مقرر فرمودند که صنیع الملک رئیس و مباشر امر روزنامه و نقاشخانه و کارخانه دولتی در کلیه امور چاپخانه های ممالک معروسه نیز مراقب و مواظب باشد . و چنانچه ذکر یافت بعضی از نسخ که موجب انزجار طباع و مودی بخلاف او امر جهان اتباع شرعیه است و از حلی و حلل منافع ملکی و ملتی عاقل است سمت انطباع نیابد و در عوض کتابهاییکه ظاهرا و باطنا قریب المنفعة و عدیم المضرة است طبع نمایند تا خوانندگان و شنوندگان را بدارج حسن عقاید بیفزاید و فواید مرضیه حاصل آید .

واضح است که چون در زمان ناصرالدین شاه تمام جراید دولتی بوده ؛ نظارت و تفتیش در باره آنها بیفایده و بی حاصل بوده است، ولی در زمان مظفرالدین شاه ؛ بعلت کثرت مطبوعات داخلی و خارجی ؛ این نظارت و بازرسی صورت تحقق بخود گرفته است بخصوص در صورت عین الدوله که بی اندازه نسبت بجراید داخلی و هم چنین روزنامه هاییکه در خارج ایران بفارسی طبع و نشر میشد ، سخت گیری بعمل می آمد .

تفصیل این اجمال آنکه در ابتدای صدارت (امین الدوله) روزنامه های فارسی دارای اهمیت شدند و امین الدوله مخصوصا بروزنامه تربیت توجه خاصی داشت و آنرا ترویج میکرد و مدیرش را تشویق مینمود .

روزنامه (جبل المتین) که در خارج ایران ، در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه طلوع نموده بود و بایران فرستاده میشد ؛ رونقی بسزا گرفت . روزنامه ثریا بمدیری (میرزا علی محمد کاشی) قریب دو سال از مصروف مطبوعات ایران را منور نمود . وجود و پیدایش همین جراید بود که اوضاع ایران را تغییر داد و اساس مشروطیت را برپا نهاد .

پیشرفت و نفوذ جراید فارسی ادامه داشت تا اینکه صدارت مظفرالدین شاه به میرزا علی اصغر خان ملقب باتابک اعظم رسید . این شخص از نفوذ جراید فارسی بیمناک گردید و از ترس اینکه مبدا روزی این جراید فتنه تولید کنند دستور زیر را راجع بهمم ورود جرایدی که بزبان فارسی در خارج ایران طبع و منتشر میشوند صادر کرد و عموم جراید فارسی را از ورود بخاک ایران ممنوع گردانید ؛ دستور مذکور تحت عنوان (اعلان رسمی) در نمره ۹۹۰ روزنامه رسمی ایران مورخ شنبه دهم ذی قعدة الحرام ۱۳۱۸ قمری درج و عین آن از اینقرار است :

اعلان رسمی

» بر هیچ کس پوشیده نیست که از مبادی جلوس میمنت مانوس همایون شاهنشاهی خلدالله تعالی سلطانه تا بحال نظر بکمال میل و توجهی که خاطر خطیر همایون سلطنت

مقدمه

را بجلب انواع وسائل و اسباب ترقیات مادی و معنوی این دولت و مملکت بوده و ترویج و توسیع دایره روزنامجات و آزادی اقلام و افکار روزنامه نگاران را تا يك درجه از وسایل حصول این مقاصد مقدسه دانسته اند. غایت مساعدت و انواع مرحمت و اعانت را تا حال در باره جراید فارسی زبان راجع بایران مبذول فرموده اند و لی از آنجا که در تمام ممالک متمدنه عالم معمول است که روزنامه مربوط بوقایع و حالات داخله هر مملکت خصوصاً راجع بمسائل سیاسیه و مطالب رسمیه هر دولت آنست که در داخله آن مملکت بطبع و انتشار میرسد و شبهه نیست که روزنامه که خارج از مملکتی و دور از مرکز دولتی نگارش یابد، روزنامه آن مملکت خوانده نمیشود؛ چرا که مرآت حقایق احوال و اعمال آن دولت نیست و بجهت و علل عدیده بری از شوایب کذب و خلاف و اشتباه نتواند بود، بناء علی ذلك نشر این گونه روزنامه در داخله مملکت و حوزه یکدولت بجای انتاج سود و فایده متضمن انواع مفاسد و مضرت است و روزنامجات فارسی زبانی که امروز راجع باحوال مملکت و دولت ایران در ممالک خارجه بطبع میرسد، تقریباً همه همین حالت را هم رسانیده و بهیچوجه فایده تی که منظور دولت است از آنها حاصل نمیشود چه غالب مطالب و مندرجات آنها از روی اشتباه یا مبنی بر سوء اغراض بعضی و قایع نگاران است. لهذا بحکم دولت همه آن جراید غدغن و ممنوع از ورود بداخله ایران گردید و چون در آینده هم بهمین علت دوری از مملکت و دایره دولت ممکن نیست رفع این مفاسد و عیوب از آنها بشود بعد از این نیز ابدا اجازه ورود و دخول بایران را نخواهد یافت. اما اگر روزنامه نگاران فارسی زبان بداخله ایران بیایند بترتیبیاتی که در تمام دول سائره مرعی و معمول است بآنها اجازه طبع روزنامه در ایران داده خواهند شد.

کسروی در جلد اول از تاریخ مشروطه ایران (ص ۳۴) بنقل از تاریخ بیداری علت جلوگیری اتابک را از ورود جراید فارسی بایران چنین نوشته است:

« شیخ یحیی کاشانی (۱) گفتاری درباره نادرستیهای انجمن معارف و بدخواهیهای اتابک نوشته (انجمن و اتابک کهک خرج دبستان رشید را موقوف کرد. بودند) و برای چاپ شدن بروزنامه جبل المتین فرستاد و چون آن چاپ شد و بایران آمد؛ انجمن سری که برای برداشتن اتابک تشکیل شده بود شیخ یحیی را خواست و باز مقالاتی نوشت و بجبل المتین فرستاد و کم کم روزنامه نریا نیز بزبان آمد و او هم مطالبی نوشت؛ در نتیجه اینها اتابک از آمدن روزنامه های فارسی بایران جلوگیری گرفت.»

بهر صورت رفتار اتابک با جراید آزاد خیلی سخت و خشونت آمیز بود، بقسمیکه روزنامه جبل المتین کلکته را برای اینکه در پیش آمد قرضه ایران از روس مقالات تندی نوشته بود مدت چهار سال از آمدن بایران جلوگیری کرد.

(۱) در جای دیگر این کتاب بتفصیل از شیخ یحیی کاشانی گفتگو خواهیم کرد.

رفتار عین الدوله با جراید

در زمان صدارت عین الدوله وزارت انطباعات بعهده (ندیم السلطان) واگذار شد و عین الدوله در اوائل صدارتش چندان نسبت بجراید متعرض نمیشد و فقط میسر مخصوص برای آنها قرار داده بود .

ندیم السلطان نیز چون بالفطرة مردی سلیم و آزادی خواه بود، چندان مزاحمتی نسبت باربابان جراید نمینمود بخصوص هنگامیکه مظفرالدین شاه با عین الدوله بفرنگستان مسافرت نمودند و کسی نبود از اربابان جراید جلوگیری کند ، مدیران جراید هر چه میخواستند مینوشتند، تا اینکه شاه از فرنگستان برگشت و وزارت انطباعات را از ندیم السلطان خلع و بدست اعتماد السلطنه سپردند و بحکم عین الدوله بمدیران جراید سخت گرفتند و روزنامه ادب بمدیری ادیب الممالک و روز نامه نوروز بمدیری ناظم الاسلام کرمانی را دو مرتبه توقیف نمودند .

من جمله از کارهای عین الدوله تبعید مدیر روزنامه مظفری منطبعه بوشهر است که که تا اواخر سلطنت مظفرالدین شاه یعنی تاراج ۱۳۲۴ قمری در تبعید و حبس بسر میبرد و عاقبت در سال مذکور بوساطت اعتماد السلطنه ، وزیر انطباعات وقت از تبعید نجات پیدا کرد و از حبس آزاد شد .

روزنامه مظفری از روزنامه های آزاد و نفیس دوره مظفرالدین شاه و دوش بدوش روزنامه جبل المتین میرفته است، منتهی جبل المتین چون در خارج ایران نوشته و طبع میشد ؛ معاندین و دشمنان آزادی دسترس بتوقیف آن نداشتند فقط دو سه بار توانستند از ورود آن بخاص ایران جلوگیری کنند، اما مدیر مظفری بیچاره چون در داخل ایران بود دوچار همه نوع عذاب و شکنجه گردیده و عاقبت هم در حکومت (موقرالذوله) در بنادر ؛ هنگامیکه در کربلا تبعید بود، در سال ۱۳۲۷ قمری دارد نیا را وداع و جان بجان آفرین تسلیم نمود .

داستان تبعید میرزا علی آقا ملقب به لیبب الملك ؛ مدیر مظفری ؛ بدست عمال عین الدوله و بدستور وی، یکی از داستانهای رقت انگیز و ملال آور تاریخ مطبوعات ایران است و ما برای خوف از اطناب تفصیل بیشتری را در اینجا جایز ندانسته خوانندگان گرامی را باصل کتاب مراجعه میدهیم .

حاج میرزا حسن رشد به که پیشقدم تاسیس مدارس جدید در ایران بشمار میرود و در باره اش گفته اند :

نخستین وجودی که مکتب گشود بایران زمین شخص رشده بود
و نیز مرحوم مجد الاسلام کرمانی ؛ مدیر روزنامه های ندای وطن ؛ کشکول ؛
محاکمت و ادب وغیره از کسانی هستند که بجرم آزادیخواهی و روز نامه نگاری

بوضوح ناگواری؛ درصداوت عینالدوله افو ایران بکلات تبعید شده و در طول مدت صدارت وی در آنجا محبوس بودند تا در آغاز تاسیس مجلس شورایی، درصداوت مشیرالدوله از حبس کلات نجات یافتند و با تشریفات تمام آندورا بطهران وارد نمودند. حاج میرزا حسن رشیدیه؛ مدیر روزنامه های مکتب و طهران؛ تفصیل تبعید خود و همکار وهم سفرش مجدالاسلام را در یک نامه خصوصی که از کلات به خانواده خود نوشته؛ شرح داده و مامتن این نامه را بواسطه اشتغال بر حوادث تبعید این دو مدیر روزنامه و از نظر اهمیتی که در تاریخ مطبوعات ایران دارد؛ در جای دیگر این کتاب نقل خواهیم کرد.

در سال ۱۳۲۲ قمری؛ در زمان صدارت عینالدوله؛ علاوه بر روزنامه حبل المتین که از پیش منتشر میشد، روزنامه دیگری موسوم بچهره نما در خارج ایران تاسیس یافت. این روزنامه که هنوز هم در مصر منتشر میگردد، از همان ابتدا دو چار خشم و غضب عینالدوله گردید و پس از نشر چند شماره از طرف این صدراعظم ورود آن با ایران ممنوع شد.

مدیر چهره نما شرح توقیف روزنامه را در سرحدات ایران و آزاد شدن بعدی آن را در شماره چهاردهم سال اول مورخ پانزدهم رمضان ۱۳۲۲ قمری بدین قسم بیان کرده است.

« در اوایل سال اول طلوع چهره نما بمناسبت و بای عمومی در ایران ادا ر ه چهره نما خسارت هنگفتی متحمل شد و در اواسط آن سال (منظور سال ۱۳۲۲ قمریست) نیز چهره نما در سرحدات ایران توقیف و خسارت بزرگتری بداره وارد آمد لکن چون والا حضرت اقدس شاهزاده عینالدوله که صدر اعظم شاهنشاه کبیر (مظفرالدین شاه) بودند از مسلك و مقصد نگارنده چهره نما آگهی یافتند بموجب فرمانی چهره نما را آزاد ساختند.»

در همین شماره سواد دستخط عینالدوله بدینقسم درج شده است: « جناب فضایل و معامد نصاب آقا میرزا حسن مدیر مدرسه رشیدیه زیدافضاله شرحی که در باب روزنامه چهره نما نوشته بودید ملاحظه شد. چون جناب عالی رایبفرض و صحیح القول میدانیم در این مسئله مهم تعهد جنابعالی را تصدیق میکنم. . حالا که نوشته اید روزنامه مزبوره از تکالیف خودش خارج نمیشود، البته در این صورت ورودش بخاک ایران ضروری ندارد. بدیهی است هر قدر وسائل دانش و معرفت منتشر شود ثمراتش برای دولت و ملت بیشتر است. پس بر حسب تعهد شما سفارش لازم شد روزنامه چهره نما را از توقیف خارج و در ورود بخاک ایران بدون ممانعت قبول نمایند. ۸ رجب ۱۳۲۲ سلطان عبدالمجید»

از نامه مذکور معلوم میشود مرحوم رشیدیه نزد عینالدوله وساطت و تعهد نموده

مقدمه

و لذا ورود چهره نسا بایران آزاد گردیده است.

سابقا هم یاد آور شدیم که مجله الاسلام در اصفهان؛ مدت پنج ماه از طرف عین الدوله توقیف شد .

پافشاری و کلای دوره اول مجلس برای آزادی جراید

رفتار عین الدوله نسبت بجراید ملی و توقیفهای متوالی آنها بدست این صدراعظم سبب گردید که مدیران جراید بهر قسم هست ، نظارت و تفتیش دولت را نسبت بجراید ملفی سازند و در امتیازنامه خود بخصوص کلمه (آزاد) را که تقریبا حکایت از عدم بازرسی دولت در آنها مینمود ، قید کنند . ولی این کار در طول سلطنت مظفرالدین شاه انجام نگرفت و حتی نسبت بروزنامه تربیت که سابقا نیز اشاره کردیم ، با اینکه از نشان دادن و فرستادن روزنامه خود برای وزارت انطباعات معاف بود ؛ مع ذلك این آزادی من غیر رسم بود و در دستخط و فرمان سلطنتی راجع بروزنامه مذکور عنوان (روزنامه آزاد) قید نگردید و شاید این مزیت هم برای مرحوم ذکاءالملک ؛ مدیر تربیت ؛ از آن جهت بوده که وی عضو رسمی وزارت انطباعات و دارالترجمه ملی بوده و علاوه بر این مزایای دیگری را نیز داشته است . بهر صورت اولین روز نامه که در زمان مظفرالدین شاه عنوان (روزنامه آزاد) پیدا کرد ، روز نامه مجلس بود که در سال ۱۳۲۴ قمری ؛ پس از تاسیس و انعقاد مجلس شورای ملی ؛ تاسیس یافت . روزنامه مذکور بمدیری (آقا میرزا محمد صادق طباطبائی) فرزند شهید راه آزادی (آقا سید محمد مجتهد طباطبائی) که خود و پدرش از آزادیخواهان معروف و مخصوصا مرحوم طباطبائی از موسسین و پیشقدمان مشروطیت ایران بشمار است ، اداره میشد و همین مزیت سبب گردید که عنوان روزنامه آزاد ؛ بروز نامه مجلس داده شود و از تفتیش و نظارت دولت معاف باشد . از اینرو باید گفت عنوان روزنامه آزاد ؛ بروزنامه مجلس بعلت وابستگی آن بفرزند یکی از علمای بزرگ یعنی آقا سید محمد طباطبائی بوده و درباریان نتوانسته اند از دادن این عنوان بروزنامه وی جلوگیری کنند .

آزاد بودن روزنامه مجلس در دستخطی که بصحه شاه رسیده قید گردیده و ما برای مزید اطلاع خوانندگان سواد دستخط را ذیلا نقل مینمایم .

سواد دستخط مبارک همایونی

«جناب اشرف صدر اعظم، چون روزنامه موسوم به مجلس که اجازت طبع آن داده شده است، اول روزنامه است که در هر گونه مقالات مفیده را جمع بغیر عامه و مصالح امور ملکیه و ملیه و حفظ شرائط دولتخواهی با آزادی قلم مخصوص و ممتاز خواهد بود و لازم است در تحت نظروصوابعید شخصی باشد که جامع اطلاعات علییه

شرعی و سیاسی و درستی و دیانت او کاملا معلوم و مشهود باشد، لهذا بموجب این دستخط مبارک جزئی و کلی این امر مهم را از انتخاب اعضا و تعیین وقایع نگاران و کیفیت طبع و نشر و غیره بجناب آقا میرزا محسن مجتهد سلمه الله که علاوه بر جامعیت مراتب مرقومه از خانواده بزرگ محترم و مقبول عموم ملت و محل کمال اعتماد دولت و بمراتب دولتخواهی و وطن دوستی متحلی و بمعلومات عصر جدید بصیر و مطلع هستند مرحمت و بعهده کفایت و درستی ایشان واگذار و این امتیاز بزرگ را بایشان عنایت فرمودیم تا مجلسی از بی غرضان خبیرو دولتخواهان بصیر تاسیس و تشکیل نموده با کمال دولتخواهی و نهایت دقت و مراقبت این امر مهم را عاجلا بحسن ترتیب قرین انجام دارند <

شعبان ۱۳۲۴

لازم است یاد آور شویم که در این دستخط امتیاز روزنامه بعهده آقا میرزا محسن فرزند ارشد مرحوم طباطبائی واگذار گردیده ولی در عنوان روزنامه مدیرکل (میرزا محمد صادق طباطبائی) معرفی شده چنانکه دبیر اداره نیز (ادیب الممالک) نوشته شده است .

مزیت آزاد بودن روزنامه مجلس باندازه مهم تلقی گردید که اولاً از همان شماره اول در عنوان روزنامه این عبارت قیده شد «این روزنامه بکلی مطلق و آزاد است» و ثانیاً در دوسه مورد در شماره های روزنامه بدان اشاره شده است، من جمله در شماره ۴۴ سال اول؛ تحت عنوان اخطار مینویسد: «... بناء علی هذا جمعی از ملت خواهان در این مقام بر آمده و امتیاز این روزنامه را بشرط آزادی قلم باسم روزنامه مجلس از طرف دولت ابد مدت نایل شدند ۰۰»

پس از تاسیس روزنامه مجلس یعنی در اوائل ذی قعدة ۱۳۲۴ قمری؛ هنگامیکه اجازه طبع و انتشار روزنامه ندای وطن بمرحوم مجدالاسلام کرمانی داده شد، با اینکه صدور این اجازه باصرار و جدیت مرحوم مشیرالدوله معروف بود، باوجود این، هراندازه کوشش نمودند که کلمه (آزاد) در دستخط و فرمان امتیاز نوشته شود و آنچه خواستند این روزنامه را از قید (نظارت ریاست انطباعات) خارج سازند، ممکن نگردید .

یکی از کارهای مهمی که در آغاز مشروطیت ایران بدست وکلای دوره اول مجلس انجام گرفت همین گنجاینیدن کلمه (آزاد) در امتیاز نامه روزنامه ها بود و وکلای دوره اول برای دریافت این حق فداکاریهای زیاد نمودند و از این جهت روزنامه ها تا مدتی پس از آغاز مشروطیت جمله (آزاد ملی) را در سر لوحه روزنامه خود حتما چاپ میگردند .

تاسیس و انتشار شبنامه

در دو سه سال اخیری سلطنت مظفرالدین شاه و در آغاز مشروطیت که هنوز روزنامه زیاد در ایران رواج پیدا نکرده بود، یکی از وسایل نشر افکار آزادبخواهان و مخالفت با حکومت استبدادی و رجال درباری نشر شبنامه های خطی و یا با چاپ های ژلاتینی بود. این عمل بخصوص در سالهای ۲۳ و ۱۳۲۴ قمری باندازه در طهران شیوع داشت که دیگر هر کس با کسی عداوت و خصومت شخصی میداشت بر علیه او شبنامه منتشر مینمود. مجموعه بزرگی از این شبنامه ها در کتابخانه مجلس شورایی موجود است که در نوع خود بی نظیر و آقای تقی زاده آنرا با سلیقه خاصی جمع نمود. و بکتابخانه مجلس اهداء نموده اند. مندرجات این شبنامه ها همان قسم که اشاره کردیم مطالب مختلفی در باره حصول آزادی است و غالباً روی یک طرف کاغذ چاپ و یا نوشته شده است.

انتشار شبنامه؛ پس از تاسیس مجلس شورایی هم کم و بیش رواج داشته و حتی یکبار در مجلس مورد مذاکره قرار گرفت و یکی از نمایندگان بعنوان اینکه حالا که هر کسی در گفتن مطالب خود آزاد است چرا مردم صریحاً حرفهای خود را نیکویند و با نشر شبنامه افکار خود را اظهار میدارند.

انجمن گلستان و طرح قانون آزادی مطبوعات

گفتیم تا قبل از تاسیس مجلس شورایی عموم مدیران جراید موظف بودند مطالب و مندرجات روزنامه خود را قبل از انتشار بنظر رئیس انطباعات رسانیده و وی میتواند هرگونه مطلبی که برخلاف سیاست وقت باشد از انتشار آن جلوگیری کند و نیز یاد آور شدیم که پس از تشکیل مجلس شورای ملی اول روزنامه که از طرف دولت امتیاز داده شد روزنامه مجلس بود که پس از مدتی مذاکره و مشاوره بالاخره امتیاز آن بنام آقا میرزا محسن صادر گردید و کمال اهمیت را پیدا کرد زیرا در دستخط آن نوشته شده بود (روزنامه آزاد).

کمی بعد یعنی در اوائل ذیقعدة ۱۳۲۴ روزنامه ندای وطن بصاحب امتیازی و مدیریت مجدداً اسلام کرمانی طبع و منتشر شد ولی انتشار این روزنامه باز مانند سابق تحت نظر رئیس انطباعات بود و با همه اصراری که برای موقوف کردن نظارت رئیس انطباعات نسبت باین روزنامه بعمل آمد نتیجه نبخشید.

وضع جراید پس از تاسیس مجلس بطریق مذکور بود و دولت در انتشار آنها کاملاً نظارت میکرد تا اینکه نمایندگان آذربایجان بطهران آمدند و عنوان درخواست صدور دستخط تلفظ مشروطه و اتمام قانون اساسی بیان آمد. برای این کار چند

مقدمه

روز در طهران و آذربایجان و رشت تعطیل عمومی شد . در این هنگام در طهران انجمنی بنام (انجمن گلستان) تاسیس یافت و این اولین انجمنی بود که در طهران منعقد شده بود ؛ اجرای این انجمن عبارت از جمع زیادی فضلا و دانشمندان و جوانان تحصیل کرده در مدارس عالیہ ایران و اروپا و محل انجمن در خانه (شاهزاده محمد جعفر میرزا) منعقد میشد ؛ و چون هنوز مجامع آزاد نبود از این جهت اعضای آن با کمال احتیاط گرد یکدیگر جمع شده و درباره مطالب مهمه مذاکره مینمودند و انصافا هم در آن تاریخ این انجمن خدمات مهمی نموده است . من جمله از کارهای انجمن مسئله آزادی مطبوعات است .

تفصیل این اجمال آنکه در یکی از جلسات انجمن ؛ یکی از اعضاء ؛ علی محمد مجیرالدوله که سوابق متعددی در امور روزنامه‌های ایران و مدنی ست مدیر دارالطباعة دولتی و روزنامه ایران را داشته است ، مسئله آزادی مطبوعات را در انجمن مطرح مینماید . بقیه این تفصیل را بین عبارت از مرقومات خود مجیرالدوله نقل میکنیم :

« مسئله آزادی مطبوعات را بنده نگارنده در آن انجمن مطرح نموده و اعضاء دانشمندان هر کدام معلومات خودشان را با کمال حرارت اظهار داشتند و باتفاق آراء گفتند که لوازم مشروطیت آزادی قلم است و تا آزادی قلم نباشد مشروطیت مستحکم نخواهد بود و جدا بلکه جازم شدند که بهر وسیله که ممکن شود نعمت آزادی قلم را بدست بیاورند و در یک مجلس مذاکره بسیار نمودند و بالاخره چنین رای دادند که دو سه نفر از محترمین و کلای آذربایجان را که تازه بطهران آمده بودند و بالنسبه بسایر و کلا آزادخواه تر بودند در انجمن حاضر نمایند و آنها را در انجام این مقصد بزرگ با خود همراه نمایند و سه نفر از غیرتمندان اعضاء انجمن مامور شدند که بروند و و کلای آذربایجان را در انجمن حاضر نمایند . حضرات رفتند و بعد از یکساعت دو نفر از و کلای آذربایجان را بهر وسیله بود حاضر کردند و اعضاء انجمن گلستان با آنها مذاکرات بسیار نمودند و آنها را ترغیب و تعریض نمودند که مسئله آزادی قلم را جدا در مجلس مطرح نمایند بعضی هم مامور شدند که با بعضی از و کلای محترم مذاکره نمایند و آنها را در این مقصد عالی همدست کنند و در همان شب جناب آقا میرزا ابراهیمخان منشی سابق سفارت لایحه نوشت مشتمل بر اینکه آزادی قلم از شروط لوازم کنستیتوسیون است و اگر قلم آزاد نباشد ابداء مشروطه نیست و شواهدی هم برای اثبات این مدعی ضمیمه نمود و جوانان غیرتمند مجلس هر کدام چندین نسخه از روی آن لایحه نوشتند و هر یک از اعضاء انجمن چند نسخه از آنها را برداشتند و متعهد شدند که فردا قبل از انعقاد مجلس مقدس بو کلای معظم برسانند و فردا طوری آن لوایح منتشر شد که هر کس از و کلا و تماشاچی بطرف مجلس میرفتند یک نسخه از آنها را در دست داشتند حتی آنکه خود نگارنده را در موقع ورود به بهارستان يك نسخه از آن لوایح دادند و بهمین جهت آنروز همهمه غریبی در مردم افتاد ؛ و کلا

مقدمه

هم مطلب را در مجلس محترم مطرح نمودند و چون مصادف شد با مستدعیات ملت که در ابتدای جلوس اعلیحضرت همایونی در اواخر ذی الحجه مقارن ورود و کلای آذربایجان بطهران از طرف اهالی آذربایجان عنوان شد و غیرتمندان طهران هم اهتمام تمام در انجام آنها نمودند که یکی از آنها تصریح بلفظ مشروطیت بود و دیگری اتمام قانون اساسی و دیگری انعقاد انجمنهای ایالتی و ولایتی در سایر بلدان و غیره و برای انجام این مهم چند روز در تبریز و طهران و رشت و انزلی تعطیل عمومی شد و از طرف مجلس همه روزه جناب مخبرالسلطنه بدربار میرفتند و میآمدند تا آنکه بالاخره هر سه چهار فقره پذیرفته شد. آزادی مطبوعات هم بهمت دانشمندان ضمیمه مستدعیات شد و همراه آنها پذیرفته گردید. از آن روز دیگر ما اخبار روزنامه را بدون این که بجناب اعتمادالسلطنه اراکه بدهیم، بطبعه میدادیم و خود اعتمادالسلطنه هم که از این ماموریت چندان رضایت نداشت، آسوده گردید و از آن روز بیعد فضلالی مملکت بخيال انجام این خدمت افتادند و روزنامه های متعدده ایجاد کردند که اینک بحمدالله والمنة قریب بیست نسخه روزنامه در خود دارالخلافه طبع میشود و همین قدرها هم در سایر بلدان و هر چند چندین نمره باسامی مختلفه ایجاد شد و بزودی تعطیل شد ولی علت عدم آزادی نبوده و مزاحمتی از طرف دولت نمیشده فقط عدم وفای جمع بخرج اسباب تعطیل شده، یعنی چون هنوز در طهران و سایر بلدان ایران چندان روزنامه خواندن معمول نشده و مردم انسی بخواندن ندارند، لهذا پاره از روزنامجات که به اصطلاح اساسی نبوده بزودی تعطیل شده، اما روزنامه ها که اساس آن ها محکم و سرمایه مالی و حالی داشته و یا مدیرش سماجت کرده هنوز باقیست

شرح فوق از مقالات مسلسلی که بعنوان (آزادی قلم) در چند شماره از سال دوم روزنامه ندای وطن چاپ شده نقل گردید.

پس از این مقدمات قانون مطبوعات در روز شنبه پنجم شهر محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری با حضور هشتاد و هشت نفر از نمایندگان مجلس و با هفتاد و شش رای بتصویب رسید و پس از امضای رئیس مجلس مرحوم (احتشام السلطنه) برای صحه همایونی بدربار فرستاده شد. قانون مطبوعات درشش فصل تنظیم و مشتمل بر ۵۲ ماده میباشد. قانون مذکور دارای مقدمه بدین شرح است :

بسم الله الرحمن الرحيم

« موافق اصل بیستم از قانون اساسی عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین، آزاد و ممیزی در آن ها ممنوع است، ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آن ها مشاهده شود، نشر دهنده و یانویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات میشود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند. مقرر میشود طبع کتب و روزنامجات و اعلانات و لوایح در تحت قوانین مقرر ذیل که از برای حفظ حقوق عموم و سد ابواب مضار از تجاوزات

مقدمه

ارباب قلم و مطبوعات وضع میشود آزاد است. هر کس بخواهد مطبعه دایر نماید یا کتاب و جریده و اعلاناتی بطبع برساند یا مطبوعات را بفروشد، باید بدوا عدم تخلف از فصول این قوانین را نزد وزارت معارف بالزام شرعی ملزم و متعهد شود.

آزادی مطبوعات طبق قانون اساسی؛ قبل از این تاریخ یعنی در محرم ۱۳۲۶ قمری؛ بار دیگر در مجلس مورد گفتگو قرار گرفته و این گفتگوها در صورت جلسات و مذاکرات روز یکشنبه سیم جمادی الاخری ۱۳۲۵ قمری ضبط است. در روز مذکور پس از قرائت قوانین مطبوعات بوسیله آسید محمد تقی، نمایندگان مذاکراتی در این زمینه بعمل می آورند و من جمله آقای مرتضی قلیخان اظهار میدارد: «در قانون اساسی فصل آزادی انطباعات هنوز تصویب نشده، بهتر آنست که آن ماده تصویب شود تا تکلیف اصلاح این قانون معلوم گردد.»

رئیس مجلس و آقای تقی زاده و وزیر علوم و مرحوم حاج سید نصرالله تقوی هر کدام بنوبه خود اظهاراتی در این باره نموده و بالاخره طبق اظهار رئیس مجلس بکمیسیون ارجاع میشود که پس از مذاکره و تصویب؛ برای توزیع بین نمایندگان بچاپ برسد. ولی تصویب این قانون تا محرم ۱۳۲۶ قمری بتاخیر می افتد (۱). با همه آزادی که برای مطبوعات در این قانون پیش بینی شده؛ معذرت روزنامه ها از آن ناراضی بوده و روزنامه انتقادی مساوات؛ بدیری سید محمد رضا مساوات؛ در شماره ۹۹ سال اول خود بعنوان خرده گیری از قانون جدید؛ آنرا بعنوان (عید ظهور قانون مطبوعات) نامیده و نیز بطریق اعتراض؛ مندرجات این شماره را به مطالب گوناگون علمی و ادبی بوضع کنایه آمیز اختصاص داده است. فهرست فنون مندرجه در این شماره بدین قرار است: مکاشفات هاهوتی، اشراقات عرشی، نتیجه سیاسی جغرافی، هیئت، تسخیر آفتاب، تجارت، تاریخ دول قدیم شرق، طب، ادبیات قه، صنعت، اخلاق استخراج معدن، اخبارات ممالک ایران.

برای اینکه خوانندگان از این تغییر ناگهانی مندرجات روزنامه تعجب نکنند و اینکه چگونه يك روزنامه شدیداللعن، انتقادی ناگهان؛ سبک را تغییر داده و بدین صورت در آمده است؛ مدیر مساوات در آخر صفحه ۸ همین شماره بعنوان (اخطار) چنین مینویسد «یقین داریم که همه خوانندگان از تغییر مسلک مساوات و سیاق تحریر آن واله و متفکر شده اند، ولی اگر علت این حسن اسلوب را بدانند حتما تعجب نکرده بلکه مساوات را از این اطاعت قانون و اتخاذ مسلک عاقلانه و صلح جو یا نه تعین هم خواهند نمود، چه ظهور باهرالنور (قانون نامه مبارکه مطبوعات) علی مقتنیها الاف التحیات؛ بیش از آنچه در این نمره مبارکه و غیر از آنرا اجازه نمیدهد و باید بعد از این هر چه زود تر همه جراید فرامد فارسی و روزنامهجات مبارکه از این روزنامه و روزنامه مبارکه ایران پیروی نموده، اطاعتشان را بقانون مقدس جناب

(۱) بشماره ۱۲۷ سال اول روزنامه مجلس رجوع شود.

مستطاب ملاذ الانام آقای (آقا سید مهدی) و کیل ۵۵ کرور ملت ایران اظهار کنند. قبل از آنکه گفتار خود را درباره چگونگی آزادی جراید و مطبوعات پایان برسانیم، لازم است یاد آور شویم که یکی از جراید آغاز مشروطیت که با عدم آزادی مطبوعات پیوسته مبارزه مینمود، روزنامه صور اسرافیل است. در شماره دوم سال اول این روزنامه تحت عنوان (نیم ساعت در دارالفنون) شدیداً اداره انطباعات را مورد حمله قرار داده و از آن انتقاد نموده است. مبارزه از این جا شروع شد. که مدیر صور اسرافیل در شماره اول روزنامه خود تحت عنوان (مسئولیت قلم) مقاله مفصلی نوشته و در آن یاد آور شده که پس از توکل بخدا و استمداد از قلم « باز یکی بازوی مرا گرفت و نگاهداشت برگشتم دیدم یک دیو سیاه گنده مهیبی است که میگوید اسم اداره پوسیده انطباعات است و من هم در این کار دخالت دارم، اولاً شیرینی مارا بده، ثانیاً باید من هم تفتیش کنم و پیش من مسئول باشی. » سپس مینویسد امید است مجلس شورای ملی این لفظ منحوس فرنگی سانسور را از صفحه این خاک براندازد.

مقاله مذکور که خلاصه آنرا فوقاً نقل کردیم و بخصوص قسمت شیرینی خواستن اداره انطباعات؛ سبب شد که اختطاریه بشرح زیر برای میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل فرستاده شود. عین اختطاریه این است :

وزارت معارف و اوقاف. اداره جراید. نمره ۱۷۰ مورخه ۱۹ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۵ جناب میرزا جهانگیر خان مدیر روزنامه صور اسرافیل دام مجده لزوماً زحمت میدهم صبح یکشنبه بیستم در مدرسه مبارکه دارالفنون تشریف بیاورید که ملاقات شما لازم است. مخبر السلطنه.

پس از وصول اختطاریه مذکور؛ میرزا جهانگیر خان در روز مقرر نزد مخبر السلطنه رفته و در آنجا سوالات و جوابهایی بین آندو رد و بدل گردید که عین آنها بضمیمه مقدمه که شدیداً در آن اداره انطباعات حمله شده، در شماره دوم صور اسرافیل چاپ شده است. برای تکمیل مطلب قسمتی از مقدمه سؤال و جواب را نقل میکنیم :

(نیم ساعت در دارالفنون)

« در شماره اول هفتگی صور اسرافیل بعد از قبول مسئولیت نزد عتید و رقیب یعنی کرام الکاتبین با قوت قلب و اعتماد قلم روی کاغذ گذاشتیم و اداره انطباعات را اداره پوسیده نوشتیم، یعنی اداره مرده که وجود خارجی نداشته باشد زیرا مملکت و دولت ما مشروطه است و مطبوعات نیز باید مثل سایر دول مشروطه عالم آزاد باشد و کلمه منحوسه (سانسور) یعنی تفتیش در مطبوعات با سایر الفاظ منفور و دیگر که یادگار دوره خوف و وحشت است بکلی از وطن ما محو و نابود شود و بعدها این کلمات فقط در کتب تاریخ بیادگار بماند و معلمین علم تاریخ در مدارس و مکاتب بجهت اطفال

و اخلاف ما در وقت درس دادن قرون قبل از مشروطیت وطن این کلمات را شرح دهند که مثلا در زمان استبداد دواثر چند بود مثل اداره انطباعات که هر کس میخواست کتاب و رساله چاپ کند باید چند روز از شغل و کار خود دست بکشد و دوندگی کند و بدر خانه رئیس انطباعات و نایب رئیس و منشی و تبات و فراش آن اداره برود و هزار تملق بگوید و دو ریال پول نقد و سند دو جلد از عین کتاب بپردازد تا حاشیه کتاب را مهر و امضا نمایند. با اینکه ما از صاحب امتیاز خود اسرافیل استدعا کردیم که بعزرائیل بگویند روح آن دیورا با بنجه فولادین قانون اساسی قبض فرماید؛ معلوم شد که آن اداره هنوز رمقی دارد و اظهار حیات میکند و بوزارت علوم و اوقاف شکایت کرده که چرا نویسنده هفتگی صوز اسرافیل نوشته که ما شیرینی میگیریم. وزارت علوم و اوقاف هم در روز شنبه نوزدهم مکتوبا نگارنده را در یکشنبه احضار نموده بودند. از شرح مذکور تا اندازه طرز رفتار اداره انطباعات با مدیران جراید و مولفین کتب و نویسندگان؛ قبل از مشروطیت و حتی در آغاز مشروطیت؛ معلوم میگردد و باز میرساند نمایندگان دوره اول با تصویب قانون آزادی مطبوعات؛ و نفوسانسور و تفتیش دولت را نسبت بجراید چه خدمت بزرگی انجام داده اند. آزادی مطبوعات سبب گردید که پس از مشروطیت جراید زیادی در طهران و شهرستانها منتشر گردد؛ این از دیا د روز بروز توسعه مییافت تا حادثه بمباران مجلس و فرار آزادیخواهان و قتل مدیران جراید پیش آمد.

قبل آنکه بوضع جراید پس از کودتا و حوادث بمباران مجلس بپردازیم، لازمست یادآور شویم بشتیبانی مجلس و نمایندگان دوره اول باعث شد که بتعداد زیادی روزنامه تاسیس و منتشر گردد و بخصوص آزادی که برای جراید پیش بینی شده بود آن هارا از هر نوع قیدی رها مینمود. یکی از نویسندگان در آن ایام؛ در این باره مینویسد امروز آزادی قلم در ایران در هیچ يك از ممالک فرنگستان نیست، بلکه از بعضی ممالک متوسطه اروپا هم بهتر و آزادتر است باین معنی که از طرف هیئت مقننه و ناحیه مجلس مقدس شوراییلی و از طرف هیئت محترمه دولت ابدا مزاحمتی من غیر حق بنویسندگان نشده و نمیشود.

در آغاز مشروطیت مدیر روزنامه چهره نما منطبقه مصر مسافرت پانزده ماهه بایران نموده و در مراجعت شرحی در باره مسافرت خود بایران و وضع طهران نوشته و من جمله در شماره اول سال پنجم روزنامه مورخ غره جمادی الاولی ۱۳۲۶ قمری اشعاری خطاب بقلم یا تقریبط هم قلمان محترم سروده و چون اسامی تمام جراید را در ضمن این اشعار گنجانیده؛ بی مناسبت نیست با نقل این اشعار فهرستی از اسامی جراید قبل از مشروطیت و آغاز مشروطیت در اینجا ثبت نمائیم. این اشعار بدین شعر: «ای قلم ای حامل اسرار من؛ ترجمان نازنین افکار من» شروع میشود تا میرسد باین اشعار. باز کس ابواب معنی کنوز ده تو تقریبط جراید از رموز آنچه هست و آنچه باشد در عدم ذات ایرانی زار بساب قلم

تا بماند یاد گاری در وطن
از توحق حق محقق شد به حق
(حکمت) آوز جهان یکسرتوئی
(عروة الوثقی) و (جبل المتین)
(پرورش) دادی با مر ذوالجلال
کرده ای ازهر مطیع و هر مطاع
بی تو بیرون رفته (مفتاح الظفر)
(کوکب دری) منی را کسوف
بیش از این در پرده غفلت ممان
کلم جان در ده گدا و شاه را
بازهم افکن (ندائی در وطن)
ملك استبداد را تخریب کن
در نورد این عالم مضبوطه را
(دعوة الاسلام) توسن رام نیست
(ملك و ملت) را که گشتی استوار
بر تو ما را چشم یاری برد راست
تا بر آرد مستبد آه از نهاد
کس نبود (آزاد) زنده و سترک
چون (فواید) را بشد حامی دغل
تا (حقایق) جمله گردد آسکار
تا نماند مستبدین را روان
کن تو (خرم) مردم اختیار را
آیدت بانک فری در کوش جان
(انجمن های) (تدین) را بداد
زین سبب (نقش جهان) کش از صفا
(آدمیت) خواه را دلشاد کن
باز بیرون آراز (کشکول) راز
گفته هایت چونکه هستی مؤتمن
(تربیت) چون دل بگردد لغت لغت
از (شرافت) ملك را (مظفری)
حرف حق را باز گوئی و ا همه
چون اروپا را تو فهماندی حقوق
همچو (روح القدس) شو فایض مدام
(مکتب) اغفال را (آباد) کن
شهر (طهران) مرکز داد و وداد
پس (مساوات) است مارا در میان

نام بر از بهر تاریخ ز من
ای قلم از ما سوی بردی سبق
آسمان فضل را (اختر) توئی
هست در بند تو هر در بند دین
در معنی را تودر بحر (کمال)
خلق (ایران) را چرا بی (اطلاع)
از کف (فرهنگ) جو یاب هنر
چند میداری روا ای با عطوف
ماه (مجلس) باش و (خورشید) جهان
چهره بنما هر (معارف) خواه را
چون تو بودی (رهنا) ی مردوزن
بی ادب را از (ادب) تادیب کن
(ناصری) کن کوکب مشروطه را
تا (ندائی از تو در اسلام) نیست
نک (بشارت) داد با ید آسکار
ای قلم روز (جهاد اکبر) است
ساز با اهل (تمدن) (اتحاد)
قصد (آذربایجان) چون کرد ترک
ماند (مفتاح سیاسی) از عمل
ای قلم هین نقش (جام جم) بیار
(صور اسرافیل) دم اندر جهان
پس مدد کن زمره (انصار) را
تا بشادی از (عراق) و (اصفهان)
بعد این (شدت فرج بخش) مراد
با (جناب) عقل پس (الفت) نما
هر دم از (عدل مظفر) یاد کن
آنچه اسرار (وطن) هست از نیاز
تا شود (تنبیه) بر هر مرد و زن
(حشرات الارض) را سخت است سخت
ای قلم لفظ مدت را مظهری
کن تو (ابلاغ) (سعادت) بر همه
بر تو باشد خلق ایران را و ثوق
احمد (انسانیت) را در مقام
همتی انباز خود (ارشاد) کن
تا شود (آزادگان) را (بامداد)
اختلافی در (خلافت) نیست هان

چون (زبان ملتی) ای بیهمال
 (آینه پنهان نمایی) از چه راه
 تاج (شاهنشاهی) اندر سرسزاست
 ملك رفت از كف (ترقی) خواه كو
 باد بانى كر كند كشتى مسا
 اى قلم مارا ز نو (تشويق) كند
 بر (ثريا) (نير اعظم) تو باش
 كن تو تشریح (عدالت) موبو
 (قاسم الاخبار) تو ببعد و عد
 (ساحل بحر نجاتی) مستدام
 نیست (انصاف) از تو خود پوشی (جمال)
 رو شنیت نیست کس را اا تنباه
 زانکه اندر ملك (قانون) پادشاست
 جز تو اندر ملك معنی شاه كو
 غم نباشد چون تو باشی نا خدا
 دردو عالم هدم توفیق كند
 (صبح صادق) را فروغ ایندم تو باش
 تا (محاکم) را بر آید آرزو
 چشم بر راهند اندر هر بلند
 هر (حقیقت) از توبس (خیر الكلام)
 اسامی که در میان پرائنز گذاشته شده نام جراید است که در ایران و خارج
 ایران منتشر شده و این فهرست میرساند که تا چه اندازه آزادی مطبوعات کمک به
 پیشرفت و توسعه جراید نموده است .

حوادث بمباران مجلس و فرار مدیران جراید

مخالفت محمد علیشاه با اساس مشروطیت و آزادیخواهان منتهی به حوادث شوم
 و کودتای ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ قمری گردید . نامبرده بدستیاری در باریان و
 اطرافیان رسماً علم مخالفت با مشروطه طلبان بر افراخت و در نتیجه منتهی بتفرقه
 آزادیخواهان گردید . کلیه این حوادث تاثیر بسزائی در وضع جراید ایران داشت
 بقسمیکه پس از قضیه بمباران تمام مدیران جراید یا مقتول و یا از مملکت فرار نموده
 و در نتیجه رکن چهارم مشروطیت برای مدتی در این کشور تعطیل گردید . میرزا
 جهانگیر خان صور اسرافیل و همچنین مدیر روزنامه روح القدس از فدائیان و مقتولین
 این حادثه هستند . آنهایی هم که توانستند از دست دژ خیمان جانی بدر برند
 از قبیل سید محمد رضای مساوات ، مدیر روزنامه مساوات و دهخدا ؛ نویسنده صور
 اسرافیل که بعداً در سویس روزنامه بهمین نام تاسیس نمود و همچنین مدیر روزنامه
 مظفری ؛ و مدبر الملك مدیر روزنامه صبح صادق و جمع زیادی دیگر ؛ آواره و حیران
 و سرگردان در ممالک خارجه اروپا و هندوستان و مصر بسر میبردند ؛ تا اینکه برای
 بار دوم آزادیخواهان بر مستبدین غلبه نموده و محمد علیشاه تاج و تخت را ترك نموده
 بروسیه پناه برد و آزادیخواهان و مدیران جراید توانستند مجدداً بوطن خویش باز گردند .
 اگر بخواهیم بشرح جزئیات حوادث ان ایام پیردازیم مقدمه بطول می انجامد بهتر
 آنست که تا سرحد امکان باختصار در مقدمه پرداخته تفصیلات بیشتر را باصل کتاب
 موکول نمائیم .

وضع جراید در مشروطیت ثانی تا پایان اقراض سلطنت

قاجاریه

پس از فرار محمد علی‌شاه و جلوس احمد شاه؛ بتدریج آزادیخواهان و مدیران جراید که بخارج کشور رفته بودند عودت نموده و مجدداً شروع بکار کردند و دو مرتبه بازار جراید رونق گرفت. این بار جراید با مطالب مفید تر و قطع بزرگ و هر يك با سبك مخصوص و با مسلک خاصی شروع بانشار نمودند و احزاب و جمعیتها برای خود روزنامه بخصوصی ارگان قرار داده و افکار و نظریات خود را بوسیله جراید منتشر ساخته چنانکه دموکرات ها روزنامه (ایران نو) را تاسیس و جمعیت اعتدالیون جریده (شوری) و حزب (اتفاق و ترقی شرق) روزنامه معتدل (استقلال ایران) را بعرض انتشار گذاردند پس از انحلال دوره دوم مجلس باز دوره انحطاط و خمود جراید پیش می‌آید و برای مدتی جراید متوقف میماند تا دوره سوم مجلس افتتاح پیدا میکند و این بار دو مرتبه تعداد جراید در پایتخت و ولایات افزوده میگردد.

دوره فترت یعنی مدتی که از انحلال دوره سوم مجلس شروع وبافتتاح دوره چهارم ختم میشود. قریب ده سال (۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ قمری) بطول انجامید تحولات عظیمی در وضع جراید و مجلات پیش آمد نمود و در حقیقت دوره بلوغ جراید فارسی در همین مدت است. دوره فترت با همه اعمال نظرها و اقراض شخصی که در این دوره در مطبوعات بکار مہرفت و حقیقتاً میتوان بعضی از آنها را ورق پاره شمرد از لحاظ دخالت در وضع عمومی کشور و اداره نمودن سیاست مملکت؛ از ادوار مهم تاریخ مطبوعات کشور بشمار میرود. و با در نظر گرفتن باینکه قوه مقننه در این دوره بحالت تعطیل در آمده بوده و جراید وظایف مهمی را در قبال دولت و مردم داشته اند میتوان باهیت مطبوعات آن زمان پی برد. بهمین علت است که در دوره فترت جراید مهم و آبرومندی در طهران منتشر شده که شاید تا کنون هم نظیر بعضی از آنها منتشر نگردیده است. جراید مهم و عمده این دوره عبارتند از: ستار، ایران؛ ایران؛ رعد؛ برق؛ عصر جدید؛ کوکب ایران، نوبهار؛ ایران؛ شفق سرخ، ایران آزاد؛ وطن؛ عصر انقلاب؛ گلشن؛ حلاج؛ صدای طهران؛ زبان آزاد؛ صدای ایران؛ میهن؛ بهارستان؛ حیوة جاوید، کار؛ حقیقت؛ مرد آزاد؛ قانون، رهنما، شمس، بدر، جنت؛ توفیق؛ نسیم شمال؛ گل زرد و زنبور و غیره.

و روزنامه های ولایات از قبیل پرورش، فکر جوان، ندای گیلان، ترغیب و معیشت ملی در شهر رشت، عرفان؛ راه نجات؛ اخگر؛ در اصفهان. بهار؛ مهر منیر؛ استقامت؛ چمن و آزادی در مشهد گلستان؛ عصر آزادی؛ استخر؛ تخت جمشید و بهار آزادی در شیراز. سهند، عنکبوت؛ تبریز. شاهین در تبریز.

پیش آمد جنگ جهانی اول و حوادث و انقلابات ناشیه از جنگ چه در خارج و چه در داخل ایران و اخبار اسف انگیز جنگ بین الملل موضوعهای تازه برای درج در مطبوعات پدید آورد و روزنامه های ورق بزرگ هر کدام در سه صفحه خود را منحصر بدرج اخبار مربوط بجنگ و حوادث صحنه های جنگ عمومی نمودند و حتی بعضی از این

مقدمه

جرايد مانند عصر جديد اغلب سرمقاله های خود را ببحث در حوادث خارجی و اوضاع جنک اختصاص میداد. از اینرو میتوان گفت بحث در حوادث خارجی در جرايد ايران از این دوره شروع میگردد. نفوذ و اهمیت جرايد در دوره فترت باعث گردید که چندبار از طرف دولت های وقت تمام یا قسمتی از جرايد طهران توقیف و از طبع آنها جلوگیری شود. من جمله يك بار در برج حوت ۱۲۹۶، در کابینه مرحوم مستوفی الممالک کلیه جرايد سیاسی توقیف گردید و فقط جریده نیم رسمی دولتی (ایران) که بدیریت مرحوم آسید حسین اردبیلی اداره میشد و در برج اسد سال مذکور مدیریت آن بهمه میرزا معهد خان ملک زاده واگذار شده بود منتشر میگردد.

مدیر مجله چهره نما؛ در مجله سال ۱۶ مورخ غره ربیع الاول ۱۳۲۷ قمری از قول مخبر خود مینویسد:

«جرايد مرکزی طهران مدتهاست بواسطه تاختن بیکدیگر و هواخواهی بزرگان و آبروی آشنا و خود ریختن توقیف و تعطیل شده و در طهران روزنامه بطبع نمیرسد مگر یکی دو مجله تجارت و فلاحه» و نیز در شماره ۴۹ مورخ ربیع الاول ۱۳۳۶ قمری باز از قول مخبر خود مینویسد:

«روزنامهجات پایتخت آنها که بزرگ و بومیه بود مانند رعد، شوری و ایران نو مدتهاست تعطیل شده حتی مدیر رعد مدتها در روسیه بود بعنوان تداوی مزاج»
توقیف جرايد مدتها ادامه داشت تا اینکه روزنامه رعد که جز و سایر جرايد توقیف شده بود از روز سه شنبه ۱۸ ربیع الثانی مطابق اول برج دلو سال ۱۲۹۶ در تحت نظر و مدیریت آقا سید ضیاء الدین طباطبائی بظهور بومیه مجددا منتشر شد و نیز در برج حوت همین سال روزنامه موسوم به (اراوود) بضمی صبح بدیریت مسیوباذیل بزبان ارمنی نشر شد.

در دوره فترت علاوه بر توقیفهای جمعی که از جرايد بعمل آمده دولت دو تصمیم تازه راجع بمطبوعات اتخاذ نمود یکی آنکه در جلسه ۱۸ شوال مطابق ۱۶ اسد ۱۳۳۵ قمری بتا پیشنهاد وزارت فرهنگ دو ماده ذیل را مقرر داشت:

ماده اول - مادامیکه قانون منصفه از مجلس شورای ملی نگذشته شکایات راجع به مطبوعات بدون هیئت منصفه در محاکم عدلیه رسیدگی و معاکمه خواهد شد و وزارت عدلیه یکی از شعب محاکم را برای این امر تخصیص خواهند داد.

ماده دوم - تعیین مجازات موافق قانون مطبوعات خواهد بود مگر در مواردی که در قانون مطبوعات تصریحی نباشد در این صورت موافق قانون جزای عرفی موقتی حکم داده خواهد شد. محمد علی (ریاست وزراء) تصمیم دوم نیز که در همین جلسه هیئت وزراء گرفته شده بدین قرار است: هیئت وزراء عظام تصویب فرمودند که از این تاریخ اشخاصی که امتیاز روزنامه از وزارت معارف میخواهند باید اجازه آن بتصویب هیئت وزراء عظام رسیده باشد و نیز کلیه امتیازاتی که قبل از تشکیل کابینه حاضر از طرف وزارت معارف داده شده و تاکنون اشاعه نیافته توقیف و موکول با اجازه هیئت وزراء خواهد بود. محمد علی (ریاست وزراء) برطبق تصمیم دوم هیئت وزراء تعداد زیادی از جرايد که مدتی از تصویب آنها گذشته و منتشر نشده بود امتیاز آنها لغو گردید و صاحبان آنها

کابینه نود روزه سید ضیاءالدین و جراید

سید ضیاء الدین طباطبائی که ابتدا در شیراز روزنامه کوچک هفتگی وبعد در طهران روزنامه شرق را تاسیس کرد و پس از مراجعت از پاریس اول روزنامه برق و پس نشر سیزده شماره از این روزنامه بعلت توقیف آن ؛ رعد پا بمیدان گذاشت با اهمیت جراید ملی پی برده بود ولذا پس از روی کار آمدن تعدادی از جراید مهم پایتخت را از قبیل گلشن، حلاج و ستاره ایران را توقیف نمود و این جراید در کابینه نود روزه سید ضیاءالدین در حال توقیف بسر میبردند •

پس از انحلال کابینه و تشکیل هیئت وزراء بریاست قوام السلطنه، علا و • بر اینکه روزنامه های مذکور از توقیف خارج شدند، جراید دیگری نیز از قبیل ناهید کوشش، اتحاد، شهاب، قرن بیستم، پرتو، سیاست، طوفان، آسیای وسطی، اقدام و سیاست اسلام پا بدایره انتشار گذاشتند و دنباله توسعه جراید ادامه داشت تا دوره چهارم مجلس شورایی که میتوان آنرا باز دوره فترت مطبوعات ملی دانست.

کتاب خوردن صبا و قتل عشقی

عشقی مدیر روزنامه قرن بیستم از نویسندگان و جوانان پرشوری بود که پیوسته با سرودن اشعار انتقادی و نوك قلم خود از وضع مجلس و کابینه سردار سپه و پیش آمد جمهوریت انتقاد مینمود • کسانیکه این حرفها بزبانشان بود و میخواستند برای همیشه راه آزادی را سد کرده و جلوی مطبوعات را بگیرند، ابتدا در وزارت جنگ بچوب زدن صبا؛ مدیر روزنامه ستاره ایران اقدام نموده و بعد هم وسایل قتل عشقی را در منزلش بدست دو نفر فراهم نمودند • پیش آمد قتل عشقی راه را هموار و صاف کرد و برای تمام دوره دیکتاتوری آزادی را از جراید سلب نمود • گرچه پس از قتل عشقی جراید دست چپ اعلامیه بیرون داده و در مجلس تحصن اختیار کردند ولی این مقاومت ها دیری نپایید و بالاخره زور و قلدری غالب شد و در اندک مدتی جراید یکی پس از دیگری در محاق تعطیل فرو رفتند •

نامه که مدیران جراید منتسب بدسته اقلیت مجلس بنسبت پیش آمد قتل عشقی بر رئیس انجمن نوشته اند بدین قرار است :

« مقام منبع ریاست مجلس شورایی شیدالله ارکانه • نظر بوضعیات غیر عادی و سوء قصدی که اخیراً یکی از نویسندگان و طرفداران حزب اقلیت بوقوع پیوسته و نظر بانواع تهدیدات دیگری که نسبت بمدیران جراید طرفدار اقلیت بعمل می آمد امضاء کنندگان ذیل از نقطه نظر عدم امنیت جانی در مجلس شورایی تحصن اختیار مینماید و ضمناً خاطر محترم را متذکر میشوند که تحصن مزبور فقط برای احتراز از وقوع در معرض سوء قصد های محتمله نبوده زیرا در آنصورت وسائل دیگری که عبارت از نگفتن و ننوشتن حقایق باشد در دست بوده لیکن این تحصن از برای اینست که در عین احتراز از وقوع در معرض خطر حتمی بتوانیم از قضیه سوء قصد برفیق بی

مقدمه

گناه خود (مقصود میرزاده عشقی است • مولف) تعقیب نموده و موفق شویم که دولت را با نظارت مجلس ملی که حقا در هر موردی میتواند در اعمال دولت تفتیش و نظارت داشته باشد و ادار بکشف جنایت و بدست آوردن محرکین اصلی آن بنماییم و در پناه بارگاه عدالت ملی در مقام نشر قضایای مربوطه باین جنایت که جزء منظورات ملیه فعلیه است بدون رادع و مانع رسمی و غیر رسمی چنانچه در موقع نشر شماره روز جمعه روزنامه سیاست از طرف نظمیّه معمول شد، بر آمده و از حقوق عمومی و خصوصی خود که بر طبق مطبوعات در استفاده از آن آزاد میباشیم استفاده نماییم • بامضای مدیران جراید اقلیت • « (۱)

اثرات قتل عشقی در وضع جراید و همچنین نتایج شومی که بطور کلی برای آزادی مطبوعات بار آورد ، فعلا از حوصله گنجایش این مقدمه خارج است • برای اطلاع از تفصیل بیشتری خوانندگان باصل کتاب ، در ذیل روزنامه (قرن بیستم) رجوع فرمایند . و اما در باره کتک خوردن صبا مدیر روزنامه ستاره ایران که مربوط بقبل از واقعه قتل عشقی و در زمان وزارت جنگی سردار سپه (۱۳۰۱ شمسی) انجام یافته بنوبه خود تاثیر عمیقی در جراید و مطبوعات ملی داشته و عموم مدیران جراید ؛ در آن تاریخ ، این واقعه را بفال بد گرفته و آنرا برای مطبوعات نحس و شوم دانسته اند من جمله ملك الشعراى بهار ، مدیر روزنامه نوبهار که در آنوقت کاملا سیاست آشنا بوده و خود از نمایندگان میرز دوره چهارم بشمار میرفته در روزنامه نوبهار (شماره يك سال سیزدهم دوره پنجم مورخ ۲ میزان ۱۳۰۱ شمسی) اینطور مینویسد :

« عالم مطبوعات در طهران - معلوم نیست ؛ در تحت چه تاثیری جراید مرکز يك دفعه بمجلس و بدولت هجومهای زیادی نمودند . در این بینها یکی از جراید باقای سردار سپه نصایحی داده و مدیر جریده بحضور آقای وزیر جنگ احضار و از مشار الیه سؤال میشود که مقصودت چیست ؟ میگوید : میخوام شما (نادر) بشوید - و در مقابل این جواب که مربوط باصل مسئله نبوده کتک میخورد و بمحکمه نظامی گسیل میشود » منظور از این مدیر جریده مرحوم میرزا حسین خان صبا مدیر ستاره ایران است • آقای ملك الشعراى بهار در زیر خبر فوق چنین اظهار نظر مینماید :

« ماهمان اندازه که از این قبیل تعرضات نازیبا که بدبختانه بواسطه نبودن قانون منصفین در مرکز مملکت روی میدهد متاسف هستیم ، همان قدر هم تاسف داریم که چرا سیاسیون و احرار این حرفهارا میزنند و نمیدانند در قرن بیستم نادرها و بناپارتها معنی ندارد • »

مرحوم حسین صبادرست پس از دو سال این تاریخ یعنی در میزان ۱۳۰۳ شمسی در طهران بمرض سکتة جهان را وداع نمود و جنازه آن مرحوم با احترام تمام بغاک سپرده شد و روز بعد نیز تمام جراید و مطبوعات پایتخت تعطیل نمودند • لازم است یاد آور شویم که قبل از کتک خوردن مرحوم صبا در طهران ؛ مضروب شدن مدیر روزنامه بازم سابقه داشته و قبل از کودتا و روی کار آمدن سید ضیاءالدین

(۱) صفحات ۸ و ۹ مقدمه دیوان عشقی چاپ ۱۳۲۴ شمسی •

طباطبائی مدیر روز نامه میهن، میرزا ابوطالب خان شیروانی در اصفهان در اوائل سال ۱۲۹۹ شمسی هفتصد تازیانه از ماژور فضل الله خان رئیس اداره ژاندارمری اصفهان میخورد و این پیش آمد بدون آنکه انعکاس زیادی در جراید اصفهان و طهران بنماید سبب میگردد که مدیر میهن را تحت الحفظ بطهران روانه نموده و در این جا مدتی در باغشاه محبوس میماند تا عاقبت در جوزای ۱۲۹۹ از حبس نجات پیدا کرده و بین او و ماژور مذکور کار بمحاکمه میکشد و بالاخره آقای شیروانی با هم کاری مرحوم آزاد مراغه در عقب سال مذکور به نشر روزنامه آسایش میپردازد . برای تفصیل از شرح احوال مدیر میهن و علت تازیانه خوردن او بعرف میم کتاب کلمه میهن ، رجوع شود

مقدمات مذکور که در مدت سه چهار سال آماده میکشت سبب گردید که با روی کار آمدن اعلیحضرت رضا شاه ققید يك دوره سخت و پر حادثه برای مطبوعات و جراید ایران پیش بیاید و این دوره تا پیش آمد شهر یورسیصدویست شمسی ادامه داشت .

وضع جراید در دوره رضا شاه پهلوی

رضا شاه پهلوی در آذر ۱۳۰۴ شمسی رسماً بتخت سلطنت نشست و چون قبلاً مقدمات کار را بنحواکمل آماده نموده و گردنکشان و مخالفین را از میان بر داشته و رعب و ترس او در دلها جایگرفته بود از این جهت جراید و مطبوعات نیز، بخصوص با پیش آمد قتل عشقی، همه فکر کار خود را کرده و کاملاً مراقب وضع خود بودند . با اینکه تغییر سلطنت از دودمان قاجاریه بیک نفر نظامی امر خیلی تازه بود مع ذلک جراید چندان آنرا خارق العاده تلقی نکرده و بلکه اغلب آنها با این تغییر همصدا و هم آهنگ بودند .

پیش آمد قتل کنسول امریکا در طهران و واقعه سقاخانه سبب گردید که برای بار سوم حکومت نظامی در پایتخت اعلام شود و با برقراری حکومت نظامی بعضی از جراید تند رو و سرکش نیز در تحت سانسور شدید قرار گرفته و با لطیح جراید شدید اللحن و مخالف دولت از بین رفت . رفتار دولت در آغاز تغییر سلطنت و حتی تا چند سال بعد نسبت بجراید موافق چندان شدید و خشونت آمیز نبود، ولی کم کم اطرافیان رضا شاه بطور کلی وی را نسبت بجراید بدبین نموده بقمیکه در سال ۱۳۱۰ شمسی بیش از تعداد معینی روزنامه در طهران و شهرستان ها منتشر نمیشد، در صورتی در اوائل تغییر سلطنت روزنامه هایی از قبیل اطلاعات، حصار، عدل، تجدد، ایران ، آزادگان ، آینده ایران، آئینه ایران ، اوقات، مسازر دو طهران (بزبان فرانسه) ستاره، جهان و غیره تاسیس یافته بود .

در دوره رضا شاه، شهربانی کاملاً در مندرجات جراید نظارت داشت و مدیران جراید حق نشر هیچ گونه مطلبی را بدون اجازه شهربانی نداشتند. دخالت شهربانی نه فقط نسبت بمقالات سیاسی و اخبار داخلی و خارجه جراید بود، بلکه اعلانات

روزنامه نیز قبل از انتشار بنظر اداره شهربانی میرسید. خوب بغاطر دارم که در سال ۱۳۱۷ که در شهر زنجان بخدمت دولت مشغول بودم، شرحی بصورت اعلان مبنی بر درخواست شرح حال و بکقطعه عکس از مدیران جراید برای تدوین همین کتاب نوشته و آنرا برای درج بداره روزنامه کانون فرستادم. مدیر مذکور در پاسخ نامه این جانب نوشت که اعلان شما را اگر شهربانی موافقت نماید، چاپ خواهیم کرد. کوچکترین سوء ظنی در باره مدیران جراید برای حبس و تبعید آنان کافی بود؛ چه بسا مدیر روزنامه که بعلت درج يك خیر کوچک مدتها درسیاه چال زندان قصر بسر میبرد و این بود که در دوره رضا شاه تنها روزنامه هائی میتوانستند بانتشار خود ادامه دهند که اولاً برخلاف نظر دولت و شخص شاه کوچکترین چیزی در روزنامه خود ننویسند و ثانیاً در رفتار و اعمال خود کمال احتیاط و مواظبت را نمود. مبدا که شهربانی نسبت بآنان بد بین گردد. روزنامه های اطلاعات و ایران از روزنامه هائی بودند که توانستند باسیاست مدیرانه خود درطول سلطنت رضا شاه بانتشار خود ادامه دهند و بلکه مدیران آنها هم از مزایای نزدیکی بدستگاه دولتی بر خوردار شوند. گرچه این وضع نسبت بروزنامه ایران تا آخر دوره سلطنت رضا شاه ادامه پیدا نکرد و بالاخره مدیران، آقای رهنما مجبور گردید اداره و مطبعه روزنامه را بدیگری یعنی آقای مجید موقر واگذار نماید ولی روزنامه مذکور با اسم مهر ایران منتشر گسرد. این روزنامه و روزنامه اطلاعات و کوشش سه روزنامه مهمی بودند که مدت مدیدی در سلطنت رضا شاه منتشر میشدند، بقسمیکه دو روزنامه اطلاعات و کوشش هنوز هم بدون وقفه بانتشار خود ادامه داده، ایران هم پس از حادثه شهریور باز در صف مطبوعات ایران قرار گرفت.

رفتار دولت و شهربانی نسبت ببعضی از مدیران جراید باندازه خشن و سخت بود که عاقبت پس از تحمل رنجهای فراوان در زندان جان داده و مدتها کسی حق بردن نام آنان را نیز نداشت. من جمله از این مدیران فرخی مدیر روزنامه طوفان است. وی اصلاً از مردم یزد و شاعری خوش قریحه و نویسنده توانا بود. دوره روزنامه هفتگی طوفان و طوفان بومیه بهترین گواه و نمونه افکار آزادی خواهانه اوست. وی بمناسبت همین افکار مدت ها در زمان رضا شاه بوضع بدی در زندان بسر میبرد و عاقبت هم با تزریق امپول هوا در زندان جان داد و بدون آنکه شهربانی بگذارد کسی از مرگ او اطلاع حاصل کند ویرا بغضاک سپردند برای اطلاع از جزئیات قتل فرخی و هم چنین رفتار شهربانی نسبت به بعضی از مدیران جراید باید باصل کتاب تاریخ جراید و مجلات رجوع نمود و چون ما در ضمن شرح هر روزنامه و مجله بذکر احوال مدیران آنها نیز خواهیم پرداخت، بنابراین در اینجا از تفصیل بیشتری خودداری نموده و خوانندگان را باصل کتاب مراجعه میدهیم و برای تکمیل این قسمت شرحی را که آقای هوشمند، مدیر روزنامه سعادت بشر، از دوره شاه سابق در باره خود نوشته

مقدمه

نقل مینمایم تا خوانندگان مختصری از اوضاع آن ایام را در خاطر خود مجسم نمایند و با پایان شرح مذکور بمقدمه کتاب خاتمه داده و باصل کتاب میپردازیم .
قسمتی از آنچه مدیر سعادت بشر نوشته این است :

« در سال ۱۳۱۰ ایرم رئیس تشکیلات شهربانی دهوتی از مدیران جراید نموده بود و من که از موضوع مستحضر بودم از حضور در آن جلسه خودداری نمودم . پس از چندی بعد در یکی از مجالس رسمی که اتفاق ملاقات افتاد ایشان بنای گله گذاری را گذاشت . من با صراحت لهجه گفتم : منظور شما را میدانم چون میخواهید جراید را محدود نموده و آنها را تحت نظر و اداره غیر مستقیم خود گیرید ، من بیچوجه حاضر نخواهم بود . ایشان عصبانی شده گفت : بر شما معلوم خواهد شد که چگونه بایستی تحت نظر و مطیع باشید ، و در نتیجه طولی نکشید که درج این جمله از کلمات قصار حضرت امیر علیه السلام که میفرماید : « کسی که نتواند بر نفس خود حکومت کند حکومت بر مردم نتواند کرد » موجب سوء تعبیر و توقیف روزنامه گردید و تا یکسال توقیف آن طول کشید و ایرم بمقصود خویش نائل گردید .

در شهریور ۱۳۱۵ دفتراً دو نفر مامور از طرف اداره سیاسی شهربانی بداره روزنامه ما آمد و اوراق و دفاتر و سوابق را مورد بازرسی قرار داد . بلافاصله نویسنده را با تمام اوراق و سوابق جلب و بشعبه ۹ آگاهی (یکی از شعب ادارہ سیاسی) تحویل دادند و از آنجا بلافاصله بدون باز پرس و تحقیقی دستور توقیف داده شد و مرا تحویل زندان دادند . نویسنده را بنام مقصر سیاسی در زندانی که جایگاه دزدها ، قطاع الطریق ها ، قاتلین و بالاخره جانی ها بود جای دادند ، گفتند مقصر سیاسی یعنی میکرب جامه ، تا وضعیت شما روشن نشود ، جای شما اینجا است و غذا و رختخواب و غیره را نخواهید داشت . برای دومین مرتبه مرك در نظر من مجسم شده گفتم انا لله و انا اليه راجعون . در آذر ۱۳۱۶ مختاری رئیس شهر بانسی مدیران جراید را احضار و بآنها پرخاش نموده که بایستی وضعیت خود را عوض کنید مثل سایر ممالک راقیه چیز بنویسید و الا همه را توقیف میکنم . مدیران جراید هم کلت علی روسهم الطیر ، تنها کسی که جواب این حرف را داد ، نویسنده بود که گفتم : هر وقت سایر امور مثل کشور های راقیه شد ، هر وقت اطلاعات شما که رئیس شهربانی کشور هستید مانند رئیس شهربانی لندن شد ، آنوقت باید منتظر بود روز نامه های ما هم مثل دنیا باشد . رنگ از صورت مختاری پرید و درسکوت عیبی فرو رفت که گویی نقشه قتل مرا طرح میکنند . همکاران محترم من که این وضعیت را دیدند ، دست از حیات من شسته و باور نداشتند که شب را سالم بمنزل بروم . لیکن مختاری حاضر نبود بازار جزئی من اکتفا کند ، مترصد فرصت بود تا نقش مهمتری را برای من بازی نماید ؛ تا آنکه در اسفند ۱۳۱۷ این جانب تلگرافا از پادشاه سابق تقاضای شرفیابی را کردم . مختاری فهمید و میدانست که من معتقدم که بایستی شاه را از

مقدمه

اوضاع مطلع و از کارهای اطرافیان آگاه ساخت و مختاری یقین داشت با تعدیاتی که نسبت به عالم مطبوعات و جراید نموده شرفیابی من موجب خواهد شد که شاه از جریان امر مستحضر گردد، همین تلگراف را مستمسک نموده و فوراً مرا توقیف نمود. کرارا از من در شعبه يك اداره سیاسی بازپرسی بعمل آمد و هر دفعه جان کلام این بود که بازپرس با استفهام تعجیبی از من می پرسید: چرا از شاه کشور تقاضای شرفیابی نموده ای؟ بیاسخهای من توجیهی نمیشد، اظهارات مرا وارد پرونده نمیگرداند.

پس از مدت ها باین زندگی تلخ خاتمه داده شد، من را یعنی کالبد خسته و فرسوده، هیکل نحیف و لاغر را از توقیف خارج، لیکن جان شیرین او را در توقیف باقی گذاشت، من آزاد شدم، لیکن روزنامه توقیف ماند. بالاخره مرا متهم بمرام بالشویکی میساخت و در فروردین ۱۳۱۸ مرا مجدداً در زندان انداخت. پس از دو سال و نیم بمن اخطار کردند که ممکن است با خرج خود بکاشان تبعید شوی، گذشته از اینکه از هستی ساقط شده بودم و دیناری نداشتم رفتن بکاشان را هم مقدمه رهسپاری بدیار عدم میدانستم و اخطار شهربانی مثل این بود بیک نفر که محکوم به اعدام است بگویند هزینه عمل یعنی قیمت تیرهایی که باید بسوی تو شلیک کنیم، از کیسه خود بپردازد. من بیسودن راه کاشان را که برای من دروازه وادی خاموشان بود حرفی نداشتم؛ زیرا از زندگی سیر شده و مرگ را برای خود موهبتی میدانستم. بالاخره بکاشان تبعید شدم و طولی نکشید که قضایای اخیر و حادثه شهر بسور ۳۲۰ پیش آمد. « (۱)

شرح مذکور نمونه کوچکی است از طرز رفتار شهربانی و اداره سیاسی با مدیران جراید و اگر بخواهیم بنقل تمام جنایات و رفتارهای خشونت آمیز شهربانی با مدیران جراید بپردازیم، مقدمه بطول می انجامد و از اصل کتاب ضخیم تر خواهد شد. بنابراین بهمین مختصر قناعت نموده و یاد آور میشویم که بخصوص از سال ۱۳۱۰ شمسی بکلی جراید ایران مطیع و منقاد اداره سیاسی شهربانی بوده و کوچکترین انحرافی از دستورات و مقررات آن اداره باعث محو و فناى روزنامه و مدیران میگردد. آنچه از نوشته آقای هوشمند نقل شد که برای چاپ ترجمه یکی از کلمات قصار حضرت امیر، مدتی مدیر روزنامه توقیف بوده کاملاً با حقیقت و واقع تطبیق مینماید، چه بسا ممکن بود برای يك جمله عادی که بوئی از ظمن و کنایه بمقام سلطنت از آن استشمام میشد، مدیر روزنامه بوادی خاموشان سوق داده شود.

رفتار اداره شهربانی و سیاسی بخصوص از سالهای ۱۳۱۶ بپس که در طهران

(۱) نقل از مجله خواندنیها؛ شماره بیست و نهم سال سوم. قسمتی از (يك گزارش برای شاه) بقلم آقای هوشمند مدیر روزنامه سعادت بشر.

مقدمه

توطئه کمونیستی کشف گردید، بمراتب سخت تر گشت . و مندرجات جراید منحصر ا عبارت از دستورات متوالی و پی در پی شاه و اخبار و سخنرانیها که بمنظور تقویت سلطنت ایراد میشد و هم چنین مسافرتها شاه باطراف کشور و مطالبی از این قبیل بود . تا اینکه حادثه شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد و رضا شاه بفتح فرزندش اعلیحضرت محمد رضا شاه ؛ از سلطنت کناره گرفت و از طریق اصفهان و یزد و کرمان از کشور خارج شد و مدتی در جنوب افریقا بسر میبرد و در نتیجه بیماری تصلب شرائین فوت نمود . پیش آمد شهریور ۳۲۰ درهای زندان قصر را بروی زندانیان باز نمود و جمع زیادی از مقصرین سیاسی که در میان آنها مدیران جراید نیز وجود داشتند ؛ از زندان خارج شده و دو مرتبه شروع بفعالیت نمودند .

جراید دو مرتبه پا بدایره انتشار گذاشت و هر روز در طهران و شهرستانها يك یا چند روزنامه تازه منتشر میشد و چون پس از مدتی نبودن آزادی از نور آزادی برخوردار شده بودند ، لذا در مرحله اول تمام صفحات و اوراق جراید با انتقاد از دوره گذشته و اعمال خلاف قانونی که صورت گرفته ، میپرداختند و جراید بشدت از شاه سابق و دستگاه پلیسی او بدگویی میکردند و بخصوص با پیش آمد محاکمه مختاری رئیس کل شهربانی سابق و جمعی از همکاران وی این انتقادات رو بفرونی میگذاشت . در این دوره علاوه بر بعضی از جراید که سابقا منتشر میشده و در زمان شاه سابق سا بق یا توقیف و یا مدیران آنها از انتشارش صرف نظر کرده بودند ، از قبیل نجات ایران ، اقدام ، امید و غیره روزنامه های زیادی هم تازه انتشار مییافت و هر روز بتعداد آن ها افزوده میشد تا حادثه ۱۷ آذر ؛ در ریاست وزرائی قوام السلطنه پیش آمد و به دستور این نخست وزیر تمام جراید توقیف گردید و فقط يك روزنامه رسمی دولتی از طرف اداره کل انتشارات بنام (اخبار روز) منتشر میشد . مدتی تنها روزنامه پایتخت روزنامه اخبار روز بود تا اینکه قانون جدید مطبوعات از تصویب مجلس گذشت و مجددا روزنامه های واجد شرایط پا بدایره انتشار گذاشتند .

از شهریور ۳۲۰ ببعد چون حکومت نظامی در طهران و بعضی از شهرستانها بر قرار شده بود ، لذا غالبا جراید بوسیله حکومت نظامی توقیف و برای مدتی از انتشار آنها جلوگیری میشد ، با اشاره دولت ها حکومت نظامی میتوانست برای هر مدت و هر اندازه که لازم بداند از نشر روزنامه جلوگیری نماید . برای نشر و دریافت امتیاز از شورا عالی فرهنگ شرایط و مقررات مشکلی بصورت تصویب نامه از هیئت وزراء گذشت که عدد محدود و معینی میتوانند از آن برخوردار گردند . من جمله اینکه سردیر روزنامه حتما باید دارای درجه لیسانس و بالاتر باشد و نیز صاحب امتیاز باید برای انتشار روزنامه مبلغ پنج هزار تومان و برای نشر مجله یک هزار و پانصد

مقدمه

تومان تضمین بانکی برای مدت یکسال لا اقل بدهد. وباهمه این مقررات تازه شورای عالی فرهنگ فرصت رسیدگی بدرخواستهای امتیاز را ندارد و شاید کسانی از چند سال پیش درخواست امتیاز نموده و تا کنون موفق بدریافت آن نگردیده اند در خانه چون ذکری از شورای عالی فرهنگ بمیان آمد لازم است مختصری در باره این شورای فرهنگی که تنها مرکز صلاحیت دار برای دادن امتیاز روزنامه و مجله میباشد، گفتگو نماییم. شورای عالی فرهنگ که مرکز آن در طهران؛ در وزارت فرهنگ و شعبات آن در ایالات و ولایات است وظایف مهمی دارد که من جمله رسیدگی بمصاحبت درخواست کنندگان امتیاز روزنامه و مجله است. جریان کار بطور خلاصه این است که درخواست کننده پس از تهیه مدارک لازم، درخواست خود را در طهران بداره کل انطباعات (از ادارات وابسته بوزارت فرهنگ است) و در شهرستانها بدارات فرهنگ تسلیم مینماید در ولایات پس از رسیدگی شورای فرهنگ محل و تصویب صلاحیت علمی و اخلاقی و مالی درخواست کننده؛ موضوع بوسیله اداره فرهنگ؛ بوزارت فرهنگ فرستاده میشود؛ در وزارتخانه مذکور؛ پس از رسیدگی دریک کمیسیون مقدماتی و تکمیل پرونده بدفتر شورای عالی فرهنگ ارجاع میگردد؛ درخواست کنندگان مقیم طهران مستقیما بداره کل انطباعات وزارت فرهنگ مراجعه کرده و پس از رسیدگی مدارک آنها در کمیسیون مذکور بدفتر شورای عالی فرهنگ ارجاع میشود.

شورای عالی فرهنگ از دوازده نفر عضو مبرز که عموما از استادان ودانشندان کشورند تشکیل یافته و ریاست جلسات آن با وزیر فرهنگ وقت است. برای تصویب مطالب شوری؛ اکثریت آراء کافیت ولی درمورد تصویب امتیاز مجله و یا روزنامه حتما باید دو ثلث ازاعضاء یعنی نه نفر حضور داشته باشند و تصویب و یا عدم تصویب امتیاز با رای مخفی صورت میگردد شورای عالی فرهنگ دارای اساسنامه ایست مشتمل بر بیست و یک ماده و وظایف اعضاء و سایر مقررات مربوط بدان صریحا در آن اساسنامه معین شده است. از سال ۱۳۰۳ شمسی باین طرف تمام امتیازات جراید و مجلات فارسی بوسیله این شوری تصویب گردیده است.

تا اینجا گفتار ما در باره تاریخ تحولات روزنامه نگاری در ایران پایان یافت و با این که مطالب مهم دیگری در باره تاریخچه روزنامه نگاری باقیمانده که باید در این مقدمه ذکر گردد ولی چون مبنای کار ما در مقدمه کتاب بر اختصار بود، لذا در تفصیل بیشتری صرف نظر نموده و باصل موضوع کتاب میپردازیم. امید است خوانندگان این اجمال قهری را برنگارنده خورده نگیرند و در نظر داشته باشند که تفصیل بیشتر از این موقوف بنوشتن یک مجلد کتاب جداگانه در این باره بود. هما قسم که در آغاز مقدمه گفته شد مبنای کتاب بر تنظیم اسامی جراید و مجلات بطریق حروف

مقدمه

تهجی مییاشد بقسمیکه در خود اسامی نیز همین ترتیب رعایت شده و بنابراین ازحرف الف بعده الهمزه شروع نموده و بشرح جراید و مجلات مانند آئینه و آئین جنوب و غیره میپردازیم. نکته دیگری که لازم است یاد آور شویم اینکه کتاب حاضر مشتمل بر شرح چگونگی جراید و مجلات فارسیست که تا شهریور ۱۳۲۰ انتشار یافته و چون از آن تاریخ تا کنون همه روزه بتعداد جراید و مجلات افزوده شده و میشود و حتی درحین طبع کتاب نیز امتیاز چند روزنامه داده شده لذا اگر میخواستیم بشرح این جراید نیز بپردازیم نظم و ترتیب کتاب ازین میرفت و ناچار بودیم قسمتهایی باصل کتاب اضافه نماییم، پس بهتر آن دیده شده که از جراید منتشره در این مدت یعنی از شهریور ۱۳۲۰ باین طرف فعلا صرف نظر نموده و بعدا آنها را بصورت ذیل کتاب جداگانه بچاپ برسانیم. امیداست خوانندگان گرام این عنبر مقبول را بپذیرند و نیز اگر در اصل کتاب بخصائمی برخوردند نگارنده را از آن مطلع ساخته تا در چاپهای بعدی باصلاح آن اقدام نماید و هم چنین در نظر داشته باشند که کتاب حاضر همانطور که قبلا هم یادآور شدیم تالیف نیست بلکه ایجاد يك قسمت از تاریخ است. اکنون شروع باصل کتاب مینماییم بینه و گرمه.

(۱) آئینه

روزنامه آئینه در شهر شیراز بمدیری (سید مرتضی شجاع السادات) در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . نگارنده تا کنون نمونه ای از این روزنامه بدست نیاورده ام و از قراریکه درسالنامه معارف فارس (۱۴-۱۳۱۵) ضبط نموده سال انتشار آن سال ۱۳۲۹ قمریست. ازنامه ایکه آقای محمد حسن عدالت برادر مرحوم شجاع السادات، در شرح حال آن مرحوم از شیراز باین جانب نوشته و بعداً مفاد آن را نقل خواهیم کرد چنین مستفاد میشود که روزنامه مذکور برخلاف آنچه در سالنامه فارس نوشته در سال ۱۳۲۸ در شیراز منتشر شده و اولین روزنامه ای بوده که در شهر مذکور تاسیس یافته است. روزنامه آئینه مدت زیادی منتشر نشده و در سال ۱۳۲۹ که نظام السلطنه حکومت فارس را داشت، توقیف شد و دیگر انتشار نیافت . بنا بر این آئینه بیش از یکسال تا یکسال و نیم انتشار پیدا نکرده است .

شرح حال مرحوم سید مرتضی شجاع السادات ازنامه ایکه آقای عدالت باینجانب نوشته استخراج و در دسترس خوانندگان گذاشته میشود :

مرحوم سید مرتضی ملقب بشجاع السادات در سال ۱۲۸۹ قمری متولد و از سن هفت سالگی در مدرسه خان شیراز بتحصیل فارسی مشغول و تا چهارده سالگی زبان فارسی را تکمیل و بتحصیل مقدمات عربی مشغول و تا ۲۵ سالگی کتب فقه و اصول را از قبیل مکاسب و رسائل شیخ مرتضی نزد اساتید فن می آموزد .

شجاع السادات از کمالات صوری دارای خطی زیبا و در فنون ادبیت بد طولانی داشته ، گاه گاهی بسرودن اشعار و غزلیات میپرداخته و تخلصش در شعر (سیدالشعرا) بوده است . بنا به گفته آقای عدالت اشعارش فعلا در دسترس نیست .

خدماتی که مدیر آئینه در دوره زندگی خود انجام داده از این قرار است : در سال ۱۳۲۶ بضویت انجمن ایالتی شیراز انتخاب گردید و در سال ۱۳۲۷ قرائت خانه و کتابخانه ای در سردر باغ ایالتی سابق تاسیس و این اولین کتابخانه و قرائت خانه ایست که در شیراز دائر شده است . در سال ۱۳۳۸ موفق بدریافت امتیاز روزنامه آئینه گردیده و بنا بر نوشته آقای عدالت در همین سال روزنامه را منتشر نموده است . در سال ۱۳۲۹ که حکومت فارس بعهد نظام السلطنه واگذار گردید ؛ چون نمی خواست مردم پی بحقوق خود بیرند و برای اینکار روزنامه آئینه مانع بزرگی بود ، لهذا آئینه را توقیف نمود .

شجاع السادات از سال ۱۳۳۲ بشغل وکالت دادگستری مشغول و از این راه پیوسته بحمایت حقوق از دست رفته ضحفا و بیچارگان میپرداخت و از آن تاریخ چندین بار باصفهان و طهران مسافرت نمود تا اینکه در سن چهل و شش سالگی

حرف الف بعد الهمزه

آئینه، آئینه افکار، آئینه ایران

بمرض حصبه مبتلی گردید و در روز ۲۹ شعبان سال ۱۳۳۵ قمری بدرود زندگانی گفت . مرحوم شجاع السادات یکی از آزادیخواهان بنام شیراز و در شهر مذکور دارای وجهه ملی فوق العاده ای بوده و بیشتر عمر خود را در خدمت بیمه مصر و ف داشته است . سید محمد حسن عدالت برادر مرحوم شجاع السادات نیز در فارس روز نامه بنام عدالت تاسیس و منتشر نموده که ما بعد در محل خود از آن گفتگو خواهیم کرد.

(۲) آئینه

علاوه بر روزنامه آئینه ، مجله نیز به همین نام (آئینه) در سال ۱۳۰۵ شمسی در شیراز منتشر شده است . مجله آئینه که ظاهراً کلمه فارس (آئینه فارس) نیز بدان ضمیمه بوده در فروردین ۱۳۰۵ شمسی امتیاز آن از تصویب شورا عالی معارف گذشته و در سال مذکور بمدیری آقای (میرزا حسن علی خان حکمت) مدیر و نویسنده جریده «گفتار راست» منتشر گردیده است .

(۳) آئینه افکار

روزنامه آئینه افکار ؛ در طهران ، بطور هفتگی ، یکبار در سال ۱۳۰۲ شمسی و بار دیگر در سال ۱۳۰۴ شمسی تاسیس و منتشر شده است .

(۴) آئینه ایران

روزنامه آئینه ایران ، در طهران ، بمدیری و صاحب امتیازی (امیر جلیلی) تاسیس و شماره اول سال اول آن در تاریخ سه شنبه ۷ آبانماه ۱۳۰۸ شمسی مطابق ۲۵ جمادی الاول ۱۳۴۸ قمری ۲۹ اکتبر ۱۹۲۹ میلادی در هشت صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (برادران باقر زاده) طبع و توزیع شده است . صفحه اول روزنامه دارای سرلوحه ایست که در آن فرشته بالداری که در یک دست ترازوی عدالت و به دست دیگر شمشیری دارد و این فرشته پای خود را بروی اهریمنی گذاشته رسم شده و در حقیقت این سرلوحه شعار روزنامه را تشکیل میدهد .

در عنوان صفحه هشت خصوصیات و میزات روزنامه ، بقرار زیر ، بزبان فرانسه نوشته شده است ؛ محل اداره : طهران خیابان ناصریه ، قیمت اشتراك سالانه داخله ۶۰ قران ، شش ماهه ۳۰ قران خارجه بترتیب سالیانه و شش ماهه ۸۰ قران و ۴۰ قران اعلانات صفحه اول سطر دو قران و سایر صفحات يك قران . تك شماره هشت شاهی ، طرز انتشار روزنامه در ابتدا هفته دو شماره صبح ، روزهای شنبه و سه شنبه بوده است .

راجع بطلت انتشار و مرام روزنامه در مقاله افتتاحیه در ستون اول شرحی بدین قسم نوشته است : « یکدفعه دیگر ؛ پس از مدتی کناره گیری از خدمت بعالم جریده

نگاری و متار که موقت از امور اجتماعی و اشتغال بکارهای شخصی و مسافرت‌های کوچک دو باره بعکم طبیعت یعنی از روی عشق و علاقه مفرطی که از خدای متعال در نهادم بودیمه سپرده مسرت وار وارد مرکز اجتماعی و جریده نگاری شدم و این وعده تجدید خدمت را در آخرین شماره نمره ۵۹ تصدی خود در روزنامه شریفه وطن مورخه ۲۹ فروردین ۱۳۰۸ درج نمودم . با مدتی که در مرکز مدیریت و مسئولیت یکی از نامه های ملی بهدایت و راهنمایی افکار جامعه مشغول بودم ؛ باز در خارج از محیط نامه نگاری گاهگاهی در مواقع بیکاری در برخورد به پیش آمدی که ایجاب نگارش و اظهار عقیده را میکرد مقالاتی چند انشاء و بعضی از آنها را که وقت اجازه میداد برای جراید مرکز و ولایات فرستاده و در همان اوان منتشر میگرددید .۰۰۰۰

این بود قسمتی از سرمقاله روزنامه آئینه ایران ؛ پس از آن ؛ در دنباله این قسمت ؛ بطور اختصار ، شرحی راجع به خدمات خود در روزنامه نگاری و سپس راجع باهمیت روزنامه در جامعه و اینکه مدیران جراید باید سعی کنند بوسیله روزنامه خدماتی بمملکت خود و هم چنین طبقات منورالفکر و مدیران جراید بایکدیگر کمک نمایند ؛ نوشته است .

مندرجات روزنامه که در عنوان روزنامه (سیاسی ؛ ادبی ؛ اجتماعی و فکاهی) معرفی شده عبارت از مقالات مختلف سیاسی ، صنعتی ؛ تاریخی و علمی است . پس از مقاله اساسی و یا سرمقاله اخبار داخله و بعد یکی دو صفحه اخبار خارجه و صفحات آخر روزنامه بیشتر آگهی است . عموماً مقاله صفحه اول و یا سرمقاله بقلم مدیر روزنامه نوشته شده و مربوط بمسائل داخلی از قبیل مالک و مستاجر ؛ و مملکت ما فلا حتی است . از شماره ۸ سال اول وضع انتشار روزنامه عوض شده و بجای هفته دو شماره با هفت قطع و سبک ؛ هفته چهار شماره ؛ روزهای شنبه ، دوشنبه ؛ سه شنبه و پنج شنبه منتشر شده است .

آئینه ایران ؛ از حیث سبک مندرجات و تنوع مقالات و مطالب یکی از روزنامه های بسیار مفید و جالب توجه و تقریباً شبیه بمجله مفیدست . پاورقی روزنامه در سال اول عبارت از رمان (شرکاء ژهو) تألیف الکساندر دوما و ترجمه (جعفر جهان) است ، علاوه بر این ؛ رمان شیرین دیگری بنام (سه درویش) بتدریج در روزنامه چاپ شده . پس از مدتی انتشار صفحات روزنامه از ۸ صفحه بچهار تنزل نمود . و نیز از شماره ۷۰ سال اول مورخ دو شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۰۹ سرلوحه روزنامه برداشته شده و بجای آن اسم روزنامه « روزنامه ملی آئینه ایران » نوشته شده و در زیر خصوصیات روزنامه این چهار شعر بخط ریز چاپ شده است :

مارا چه از آن که حاسدی بد گوید وان عیب که بنگرد یکی صد گوید

ما آینه ایم هر که در ما نگرَد هر نيك و بدی که گوید از خود گوید
(خیام)

آئینه ایران ، از شماره ۱۱۴ سال اول مورخ سه شنبه ۱۰ تیرماه ۱۳۰۹ با همان قطع و سبك سابق یومیه شده و باستثنای روزهای تعطیل همه روزه منتشر شده و از شماره ۱۲۷ سال اول در قطع روزنامه نیز تغییری حاصل شده و بقطع بزرگ‌روزانه منتشر شده است . پس از یومیه شدن ؛ قسمتهای فکاهی و رمانهای مختلف در روزنامه چاپ و وجه اشتراك آن در داخله ۶۳ و در خارجه ۸۰ قران معین شده است .

در سالنامه ۱۳۰۹ پارس تالیف امیرجاهد در باره این روزنامه مینویسد : « روز سه شنبه ۷ آبانماه ۱۳۰۸ جریده شریفه آئینه ایران تحت نظر جناب آقای امیر جلیلی که از جوانان فاضل ما هستند ، بدایره مطبوعات قدم نهادند . امید که همواره با موفقیت پیش روند . » در شماره ۲ مجله معارف مورخ آبان ۱۳۰۸ پس از درج خبر انتشار آئینه ایران مینویسد « آقای امیر جلیلی علاوه بر فضائل و کمالات شخصی ؛ امتحانی از فعالیت خود در موقع مدیریت جریده وطن داده بودند . »

(۵) آئینه جنوب

روزنامه آئینه جنوب در کرمان بمدیری وصاحب امتیازی (جلال‌الدین الحسینی) خطیب‌الملک سابق رشتی مقیم کرمان ، تاسیس و بعد از تیرماه ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است . امتیاز روزنامه مذکور در ۴۴ تیرماه ۱۳۰۴ از تصویب شورای عالی معارف گذشته و بنا براین بعد از تاریخ مذکور نشر یافته است . آئینه جنوب در چهار صفحه بقطع متوسط ، در مطبعه سنگی (سعادت کرمان) چاپ و بطور ماهانه منتشر میشود . مندرجاتش پس از درج مقاله اساسی ، مقالات وارده و قسمتی از اخبار ولایات و اخبار مرکز و کرمان است . مندرجات شماره نمونه که شماره ۳۱ سال دوم مورخ یکشنبه ۳ جمادی‌الثانی ۱۳۴۶ قمری میباشد عبارت از مقاله وارده از ماهان بنوان (هیولای خیالی) راجع باوضاع رقت بار ماهان و قسمتی از اخبار ولایات و مرکز و کرمان است . علاوه براین رباعی زیر که در باره جلوس نکودار احمد سروده شده در شماره نمونه درج است :

وقت صبح است لب دجله و ایام بهار ✦ ای پسر کشتی می تا شط بغداد بسیار
دجله عمر است تر و تازه کین میگردد ✦ سابقا عمر گرانمایه بغلت مگذار
خصوصیات آئینه جنوب از اینقرار است : محل اداره کرمان ؛ میدان ارك ، قرائتخانه میدان عمومی پهلوی ؛ عنوان مراسلات آئینه جنوب ، آبونمان ، کرمان ۳۰ قران ، خارجه ۴۰ قران ، تك نمره پانصد دینار ، قیمت اعلانات صفحه اول سه و دوم ، دو و ۳ و ۴ يك قران . در عنوان در بالای اسم روزنامه جمله يدالله مع الجماعه

حرف الف بعده الهمزه

آئینه جنوب ؛ آئین خلقت

و در زیر آن (المؤمن مرآت المؤمن) و در داخل (آئینه جنوب) سال ۱۳۰۴ که سال تاسیس روزنامه میباشد درج است . از اتفاقاتیکه برای این روزنامه پیش آمده حریق است که در شهریور ۱۳۰۶ شمسی در اداره آن رخ داده و شرح آنرا در شماره ۳۰ سال سوم روزنامه استقامت کرمان بدینقسم نوشته است : « آتش بر آشیانه مرغی نمی زنند . در هفته گذشته از طرف اشخاص مجهول الهویه نالایقی نسبت با داره . محترمه آئینه جنوب که در قرائتخانه پهلوی واقع در میدان مشق سابق است هتک احترامی شده باین طریق که شبانه رفته در قرائتخانه را آتش زده و سوزانیده اند از طرف مدیر جریده مزبور . فردای آنشب مراتب کتبا بتمام دوایر اظهار شده است . نتیجه را هنوز ننیدانیم که چه کرده اند . »

با وجود این روزنامه بانتشار خود ادامه داده و تا سال ۱۳۱۶ شمسی نیز بمدیری (جلال الدین طبسی) بطور ماهانه منتشر میشده است .

(۶) آئین خلقت

شماره دوم سال اول آئین خلقت در یک صفحه بزرگ با چاپ سربی بمدیر مسئولی و نگارندگی (منکوقاآن ذوالغیر) در طهران ، در مطبعه سربی (مرکزی طهران) چاپ و در دو شنبه ۲۶ ذیحده ۱۳۴۲ قمری مطابق ۹ سرطان سیچقان میل ۱۳۰۳ و ۳۰ ژوئن فرنگی ۱۹۲۴ میلادی منتشر شده است ، خصوصیات روزنامه :

در گوشه راست عنوان آن اسم روزنامه (آئین خلقت) نوشته شده و در زیرش این جمله درج است « هر کسی از سر احتیاج بآئین خلقت متوجه شود محروم نخواهد شد . » محل اداره : طهران ، خیابان ناصریه ؛ کوچه منصورالحکما : نمره ۵ عنوان تلگراف : ذوالغیر . مکاتیب باید باسم مدیر مسئول باشد . وجه اشتراک : داخله سالیانه ۸۰ قران . ششماهه ۴۰ قران ، سه ماهه ۲۰ قران ، تک نمره ۵ شاهی ، قیمت اعلانات صفحه اول سطر ۲ قران ؛ دوم بیکقران .

آئین خلقت روزنامه یومیه بوده و هر صفحه آن ۵ ستون بزرگ است . مقاله افتتاحی شماره دوم تحت عنوان (ثمرات عظیمه اقتدار - نتایج وخیمه تزلزل اقتدار) شروع و بقیه از شماره قبل است . این سرمقاله تمام دو صفحه روزنامه را گرفته و طبق اخطار مندرجه در این شماره ؛ درج خلاصه اخبار داخله و خارجه و مختصری از ترجمه های جراید ؛ بشماره بعد موكول شده است .

منکوقاآن ؛ مدیر آئین خلقت ، چنانچه در محل خود ذکر خواهیم کرد ؛ بسال ۱۳۳۲ قمری در شیراز ؛ اقدام بتاسیس و نشر روزنامه تازیانه نمود و در انقلابات و حوادث رضای جوزدانی در اطراف اصفهان ؛ در سال ۱۳۳۴ قمری دوچار حبس و زندان این یاغی گردید و چون بوی گفته بودند که منکوقاآن جاسوس است چند روزی او را در زندان نگاهداشت و عاقبت بوساطت مرحوم وحید و حاج شیخ محمد باقر الفت نجات یافت . سپس در سال ۱۳۰۱ شمسی در تهران بتاسیس روزنامه هفتگی تازیانه غیرت پرداخت و بعد چنانچه در بالا نوشتیم ؛ در سال ۱۳۰۳ شمسی به نشر روزنامه آئین خلقت اقدام نمود .

(۷) آئینه شمال

روزنامه آئینه شمال بمديري (ميرزا علي اصفرخان جليلي مژده) در شهر رشت تاسيس و در اول تيرماه ۱۳۰۵ شمسي امتياز آن از تصويب شوراي عالي فرهنگ گذشته است .

(۸) آئینه عرفان

مجله آئینه عرفان از طرف وزارت فرهنگ کشور افغانستان ؛ بطور ماهيانه در کابل تاسيس و شماره ۵ سال چهارم آن در برج اسد ۱۳۱۳ شمسي انتشار يافته است . آئینه عرفان مجموعه ايست ادبي و علمي که در آن از « مساعي علمي و انکشافات مدني » بحث ميشود . اين مجله با کاغذي خوب و قطع وزيري متوسط و چاپ سربي ؛ در مطبعه عمومي کابل چاپ شده و در ۴۹ صفحه منتشر شده است . نمره مسلسل شمار . مذکور ۵۶ ميباشد و از اين رو معلوم ميشود آغاز انتشار آن فروردين ۱۳۱۰ و جمعا بقرار ماهي يك شماره تا تاريخ فوق ۵۶ شماره منتشر گريده است . شرايط اشتراك آن بقسيميکه در پشت مجله ذکر شده بدین قرار است : طالبين قيمت اشتراك را در کابل بمعاسبه وزارت معارف و در ساير ولايات بنخرانه و در خارج بنماينده هاي دولت سپرده قبض آن را برياست تعليم و تربيت نشان داده طلب مجموعه ميکنند . قيمت اشتراك ساليانه در مرکز ۹ افغاني ، در ولايات ده افغاني . در خارج با اجرت پست . در مقابل اشتراك ده شماره يك شماره مجاني و براي متعلمين و محصلين و ارباب قلم نصف قيمت و در مقابل تحرير را بگان . محل اداره : کابل بستان سراي رياست تعليم و تربيت . عبارات مندرجات مجله سليس و روان نيست و اغلب فارسي مخلوط بالغات زبان افغانيست و با اين نقص، انتشار آئینه عرفان بزبان فارسي شاهد و گواهيست که هنوز اين زبان شيرين در افغانستان خواننده دارد . براي آشنا شدن بمندرجات مجله فهرست شماره ۵ را با ذکر اسامي نويسندگان آنها ذيلا نقل مينمائيم

شاگردان افغان و جاپان بقلم هاشم شائق . زراعت و ترقی آن بقلم محمد زمان خان . مسائل آموختن صنايع نفيسه افغانستان ترجمه محمد صديق خان هوا بازحيوانات خواب ميبينند ترجمه عبدالغفور خان معلم . چشمي طبي بقلم هاشم شائق . بدون کمک ترجمه عبدالغفور خان سرکاتب . مکتوب و جواب بقلم عزيز الرحمن خان . گل سفيد بقلم محمد اصف خان مائل . زنده باد استقلال بقلم هاشم شائق .

(۹) آئینه عيب نما

روز نامه آئینه عيب نما ، در طهران ، بمديري (ملك المورخين) با چاپ سنگي در سال ۱۲۸۶ شمسي منتشر شده است .

شرح حال ملك المورخين



مرحوم ملك المورخين از لحاظ روزنامه نگاری مقام بلندی را در تاریخ جراید حائز و در ابتدای مشروطیت چند روزنامه بنامهای (وطن - شاهنشاهی - آئینه عیب نما - آزاد - صفحه روزگار) منتشر نموده و از این جهت یکی از بزرگترین بانیان جراید ایران است.

میرزا عبدالحسین خان ملك المورخين فرزند میرزا هدایت الله خان ؛ پسر میرزا محمد تقی لسان الملك سپهر کاشانی مولف کتاب ناسخ التواریخ معروف ، از طرف پدر بمیرزا مهدی خان وزیر نادر شاه و از طرف مادر بفتحعلی خان ملك الشعراي کاشانی منسوب است . ملك

مرحوم ملك المورخين

المورخين در سال ۱۲۴۸ شمسی مطابق ۱۴۸۹ قمری در طهران متولد و در ۳۱ تیرماه سال ۱۳۱۴ شمسی پس از يك كسالت هشت روزه دنیای فانی را وداع گفت و بنا بر این ۶۴ سال در این دنیا زندگی نموده است. وی مردی ادیب و شاعر و گذشته از زبان عربی بچند زبان خارجی آشنا بوده و گاهی اشعاری نیز و پرمعنی میسروده و در شعر ادیب تخلص میکرده است . ملك المورخين از سنین چهارده سالگی بتدوین تاریخ انبیا پرداخته و در سال ۱۳۲۲ پس از فوت پدر ؛ با دریافت لقب ملك المورخين مامور نگارش و اتمام دوره کتاب ناسخ التواریخ میگردد . آن مرحوم در دوران حیات در حدود صد مجلد کتاب در تاریخ و ادبیات و صنایع و دیانات اسلامی نگاشته که همه حکایت از علو مقام او میکند . در سالنامه ۱۳۱۳ پارس ص ۱۲۹ مینویسد « از جمله تالیفات مرحوم ملك المورخين تاریخ یومیه ایران است که از ۳۶ سال قبل تا کنون (منظور سال تدوین این شرح است) مرتباً وقایع هر سالی را در يك مجلد جدا گانه برشته تحریر در آورده و حتی تا سه روز قبل از وفات هم از نگارش آن دست برنداشته است . »

علاوه بر کتابهای مذکور ؛ مرحوم ملك المورخين کتاب مهم دیگری که بصورت دائرة المعارف میباشد و حاوی شرح لغات علمی و فنی و تاریخی و ادبی ، در حدود سیصد هزار بیت ؛ نوشته و این کتاب در پنج مجلد بزرگ است چنانکه قبلاً اشاره کردیم ؛ چون مرحوم ملك المورخين از آزادیخواهان معروف و وطن پرستان حقیقی بود لذا در آغاز مشروطیت موفق بتاسیس و انتشار چند روزنامه

حرف اوقاف بده الهمزه

آئینه غیب نما آئین ورزش، ابلاغ

بنامهای آئینه غیب نما، وطن، شاهنشاهی؛ آزاد و صفحه روزگار: گردید و مادر محل خود بتفصیل از هر یک از این روزنامه ها جدا گانه گفتگو خواهیم کرد. دیگر از خدمات آن مرحوم تاسیس دو باب دبیرستان است. نامبرده آنچه بمیراث از پدر یافته بود همه را در راه تعلیم معارف و توسعه فرهنگ خرج نمود و با اینکه تمام مدت عمر را در خدمات دولتی بسر برده تا آخر عمر سوابق خدمتش را مرتب نکرده بود. ملك المورخین از جوزای ۱۲۹۷ رسا وارد خدمت وزارت فرهنگ گردید و مدتی هم ریاست معارف و اوقاف کاشان را عهده دار بود. از آن مرحوم نه نفر اولاد ذکور و اناث قدم بر صحنه وجود گذاشته اند.

(۱۰) آئینه غیب نما

روزنامه غیب نما بمدیرى و موسسى (سید عبدالرحیم کاشانی) در سال ۱۳۲۵ قمری در طهران تاسیس و شماره اول آن در بیست و دوم جمادی الاول سال مذکور منتشر شده است، آئینه غیب نما روزنامه ایست هفتگی و مصور بتصویر میلیون بزرگ و دارای کاریکاتور می باشد.

پس از حوادث بمباران مجلس و تفرقه آزادبخواهان، آئینه غیب نما نیز تعطیل و مدیر آن به خارج ایران رهسپار گشت تا اینکه مجددا بطهران عودت کرد و دوره دوم روزنامه را در رجب ۱۳۲۹ قمری دو مرتبه شروع نمود. و شماره اول این دوره در تاریخ مذکور در طهران منتشر گردید و وجه اشتراك آن در طهران بیست و پنج قران در ولایات سی قران؛ در خارجه ۱۷ فرانك است، هر شماره روزنامه در ۴ صفحه بقطع ۷٫۵ سانتیمتر در دوازده سانتیمتر میباشد.

(۱۱) مجله آئین ورزش

مجله آئین ورزش بمدیرى آقای (سید محمد خان شعاع) و سردیرى آقای ناظرزاده کرمانی؛ در طهران تاسیس و در تیرماه ۱۳۱۴ شمسی منتشر شده است. مجله آئین ورزش چنانچه از اسمش نیز پیداست مربوط بامور ورزش و مسابقه های قهرمانی و کارهای تربیت بدنیت است. در شماره ۵۷ سال دوم روزنامه گانون شعرا در باره این مجله و مدیرش مینویسد: «آقای سید محمدخان شعاع که سوابق درخشان در پیشرفت امور ورزشی داشته و دارند با تاسیس و انتشار گرامی مجله آئین ورزش در مرکز؛ این منظور توده را تا اندازه ای تامین نموده اند.»

(۱۲) ابلاغ

روزنامه ابلاغ در شهر تبریز بمدیرى (محمود اسکندانی) بطور هفتگی طبع و شماره اول آن روز عید غدیر خم در سال ۱۳۲۴ قمری با چاپ سنگی انتشار یافته است

حرف الف بعده الهمزه

ابلاغ ، اتحاد

ادوارد برون در کتاب تاریخ مطبوعات خود مینویسد (ص ۳۳ این کتاب) من نمره يك این روزنامه را در دست دارم که بخط نسخ ریز نوشته شده و قیمت سالیانه آن در تبریز ۸ قران و در سایر شهرهای ایران ۱۰ قران است .
آقای کسروی در کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان (ص ۹۵) روزنامه ابلاغ را جزو سایر جراید بکه در آغاز مشروطیت در تبریز منتشر شده ذکر کرد . و مدیر روزنامه چهره نما نیز در شماره دو سال پنجم روزنامه خود در ضمن مطبوعات جدید نوشته است : در تبریز روزنامه ابلاغ بمدیری (محمد اسکندانی) منتشر شده است اشتباه مدیر چهره نما اینست که محمد را بجای محمود ضبط کرده است .

(۱۳) ابلاغ

روزنامه ابلاغ را آقای میرزا علی آقا ابلاغ جهرمی ، در شیراز ؛ در سال ۱۳۰۳ شمسی منتشر نموده است .

(۱۴) ابلاغ

مجله ابلاغ در سال ۱۳۰۶ بطور هفتگی در تهران تاسیس شده است .

(۱۵) ابلاغ

مجله ابلاغ در شهر رضایه در سال ۱۳۱۴ شمسی بطور هفتگی تاسیس شده است

(۱۶) اتحاد

روزنامه اتحاد بمدیری (میرزا احمد) در شهر تبریز ؛ در سال ۱۳۴۴ قمری مطابق ۱۹۰۶ میلادی ، با چاپ سنگی طبع و منتشر شده است . میرزا احمد معروف به بصیرت در همین سال در تبریز دو روز نامه دیگر بنامهای اخوت و اسلامیه منتشر نموده که در محل خود از آنها گفتگو خواهیم کرد . از این روز نامه پنج شماره بیشتر منتشر نشده است .

(۱۷) اتحاد

روز نامه اتحاد در طهران در سال ۱۳۲۵ قمری مطابق ۱۹۰۷ میلادی ؛ بمدیری (معتد الاسلام رشتی) چاپ و انتشار یافته است . برون (ص ۳۴) تاریخ مطبوعات خود راجع باین روزنامه مینویسد : من از این روزنامه شماره های دو تا سه آنرا که در تاریخ پنجم شهر ربیع الثانی است در دست دارم . وجه اشتراك این روزنامه در طهران ۱۵ قران ؛ در ولایات بیست قران ، در روسیه ۵ مناط ؛ در هند ۸ روپیه .

(۱۸) اتحاد

روز نامه اتحاد در تبریز در سال ۱۳۲۶ قمری مطابق ۱۹۰۸ میلادی تاسیس و منتشر شده است . مرحوم تربیت در تاریخ دانشمندان آذربایجان مینویسد : روزنامه

اتحاد را نگارنده (منظور میرزا محمدعلیخان تربیت است) در غره صفر ۱۳۲۶ قمری تاسیس نمودم . بتصریح مرحوم تربیت این روزنامه هفته دو بار چاپ میشد و جمعا بیست و پنج شماره از آن منتشر گردیده است . کسروی در تاریخ مشروطه ایران (۱) در باره روزنامه اتحاد مینویسد : « اتحاد را انجمن اتحاد بنیاد گذارد که از نیمه های اسفند ۱۲۸۶ شمسی بیرون آمد . در تبریز چون با دوجی جنک گرفت و سامان شهر بهم خورد تا دو ماه کما بیش روزنامه ازسوی آزادبخواهان بیرون نمی آمد و تنها روزنامه تبریز (ملا عمو) میبود که ازسوی اسلامیه نوشته میشد و بدینسان می گذشت تا انجمن اتحاد این روزنامه را بنیاد گزارده بیرون داد و پس از چند روزی هم انجمن باز بیرون آمد و تا زمان جنک و آشوب هر دو پایدار میبود .»

در شماره ۲۲ سال اول جریده رهنما مورخ پنجشنبه ۲۱ شهر ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری بعنوان (تقریظ) راجع بروزنامه اتحاد بدینقسم نوشته است : « در این ایام جریده مبارکه اتحاد زینت افزای عالم معارف گردیده و با سبکی خوش و اسلوبی دلکش هفته وار در تبریز بطبع میرسد و نیز تئاتری که سبک محاسبین ووزرا سابق را باعمال وحکم مینمایاند در پای صفحه آن درج میشود .» منظور از تئاتری که مدیرروز نامه رهنما اشاره نموده و در پاورقی روزنامه اتحاد چاپ شده تئاتر (سرگذشت اشرفخان حاکم عربستان) است . نویسنده تئاتر میرزا ملکم خان معروف ؛ مدیر روزنامه قانون منطبه لندن است و نگارنده نسخه از آن را که چاپخانه شرکت معهود کاپلانی برلین چاپ نموده در دست دارم . در مقدمه این نسخه راجع بانتشار قبلی آن چنین نوشته است . « این کتاب درضمن پاورقی روزنامه اتحاد منطبه تبریز که از اوایل صفر ۱۳۲۶ تا اواخر جمادی الاولی آنسال منتشر میشد ازروی نسخه متعلق بجناب آقا سید حسن قهی زاده بتفاریق نشر میشد ولی پیش از آنکه نشر آن با تمام رسد واقعه ۲۳ جمادی الاولی سنه ۱۳۲۶ و برهم زدن اساس مشروطیت پیش آمد و باعث تعطیل همه جراید مشروطه طلب شد و اینکار ناقص ماند .»

رویهرفته روزنامه اتحاد بیش از چهارماه منتشر نشده و در اوایل صفر تا سیس و اواخر جمادی الاولی ۱۳۲۶ برای همیشه تعطیل شده است . برون در صفحه ۳۴ کتاب مطبوعات خود مینویسد من از این روز نامه شماره ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ را در دست دارم و هر شماره آن چهار صفحه و وجه اشتراکش در تبریز ۱۴ قران است . و نیز بتصریح مرحوم تربیت (ص ۴۰۶ دانشمندان آذربایجان) موسس روزنامه خود تربیت بوده است . برای اطلاع از شرح حال تربیت بعرف کاف این کتاب (گنجینه فنون) رجوع شود .

(۱۹) اتحاد

روزنامه اتحاد در سال ۱۳۲۸ قمری، بطور هفتگی، با چاپ سنگی در شهر یزد منتشر شده است

(۲۰) اتحاد

روزنامه اتحاد منتشره در شهر همدان ، شماره اول آن که در چهار صفحه بقطع وزیری (قطع روزنامه جبل المتین) در مطبعه سربی (همدان) چاپ شده ، در چهارم برج جوزای ۱۲۹۳ شمسی انتشار یافته است . روزنامه اتحاد بصاحب امتیازی آقای یوسف زاده و مدیری (شیخ موسی) هفته دومره که در هر ماه ۸ نمره باشد با خصوصیات زیر چاپ و منتشر شده :

محل اداره ؛ همدان . سرای فریدیان . مکاتیب و مقالات عام المنفعه را طبع و در حکم و اصلاحش اداره آزاد و بصاحبانش مسترد نخواهد شد . مراسلات بدون امضا قبول نیست . قیمت اشتراك : همدان سالیانه بیست و چهار قران . ششماهه ۱۴ قران سه ماهه ۹ قران . ممالک داخله سالیانه بیست و نه قران . ششماهه ۱۶ قران و سه ماهه ۱۱ قران تک نمره ۴ شاهی . اعلانات در صفحه اول سطرى يك قران ؛ صفحات بعد ده . شاهی در بالای اسم روزنامه (اتحاد) دودست که علامت اتحاد است در یکدیگر گذاشته شده و در زیر عنوان روزنامه (آزاد و ملی) معرفی شده است .

روزنامه اتحاد که با کاغذ خوب و چاپ سربی قشنگ انتشار یافته از جهت اشتمال آن بر وقایع جنگ بین الملل گذشته در صفحات غرب ایران بی اندازه مفید و قابل استفاده است . مندرجات اتحاد پس از مقاله اساسی که تحت عناوین مختلف از قبیل (بیطرفی ما با چه محفوظ میشود) درج شده عبارت از اخبار داخله و قسمت مهمی از اخبار جنگ بین الملل میباشد . سایر مندرجات روزنامه مانند روزنامه های منتشره در ولایات است . شماره ۶۹ و ۷۰ سال اول این روزنامه که یکجا چاپ شده مورخ بتاریخ سه شنبه بیستم جمادی الاول ۱۳۳۳ مطابق ۱۶ برج حمل توشقان میل ۱۴۹۴ و ۶ آوریل ماه فرنگی ۱۹۱۵ میباشد . از روزنامه اتحاد فعلا تا شماره ۷۴ مورخ سه شنبه ۵ جمادی الثانی ۱۳۳۳ قمری در دست است . شرح احوال مرحوم غماف بنفصیل در ذیل روزنامه الفت درج است

(۲۱) اتحاد

روزنامه اتحاد در سال ۳۰۰ شمسی در طهران بطور روزانه تاسیس و بمدبری (سید کاظم خان سرکشیک زاده) معروف باتحاد ، مدتی منتشر میشده است اتحاد یکبار توقیف گردیده و در دلو سال ۳۰۰ از توقیف خارج شده است . مدیر اتحاد بعد از روزنامه دیگری بنام (امید) در طهران انتشار داده که برای اطلاع از آن و شرح حال خود آقای اتحاد بروزنامه امید این کتاب رجوع شود .

(۲۲) اتحاد

هفتمین روزنامه اتحاد که بزبان فارسی منتشر شده روزنامه ایست بدین نام (اتحاد)

حرف‌الف‌بعده التا

اتحاد اخوت؛ اتحاد اسلام

که در افغانستان بمدیری (برهان الدین) بطور هفتگی نشر شده شماره ۴۳ سال دوم آن در ۸ صفحه بقطع وزیری با چاپ سنگی و کاغذی مرغوب در تاریخ چهارشنبه ۴۸ میزان ۱۳۱۰ شمسی مطابق ۹ جمادی‌الثانی ۱۳۵۰ قمری ازطبع خارج گردیده است. محل اداره: خان آباد قطن و قیمت اشتراك آن سالانه و ششماهه بترتیب از این قرار است؛

ولایات قطن و بدخشان ۱۵ افغانی و ۳ افغانی، داخله ۱۶ افغانی و ۳ و نیم افغانی: خارجه ۱۸ افغانی و ۴ و نیم افغانی. تك شماره ۱۰ پول مندرجات روزنامه عبارت است از مقالات گوناگون، به فارسی غیر خالص و اخبار افغانستان و حوادث خارجه برای اطلاع ازسبك فارسی نویسی روزنامه چند سطر ازیکمی از مقالات نسبتاً روان آنرا ذیلا نقل میکنیم؛ این مقاله تحت عنوان (قدر ازسوانح خلیفه عبدالملك بن مروان) میباشد:

« ظاهر است که برای ترقیات اجتماعی و انفرادی تعلق باخلاق حمیده و تقلید بعبادت برگزیده قدما و خلفاء اهل اسلام علت کافی شمرده میشوند لهذا ما آینده عزم دارم که در بعضی ستونات جریده اتحاد ازسوانح برخی خلفا نشر نمایم، انشاءالله تعالی، اما این منقولات ما بطور منتخبات و مختصرات خواهند بود چه نقل و اشاعه تاریخ مذکور کماهو بالتفصیل با ضیقت صحایف جریده اجازه و مصلحت نمیدهد و من الله التوفیق ابن ابی‌عایشه رحمه‌الله علیه فرموده که چون ۴۰۰۰۰»

(۲۳) اتحاد اخوت

روزنامه اتحاد اخوت در تهران در سال ۱۳۰۴ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است. امتیاز این روزنامه بمدیری (میرزا حسینخان اخوت) در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورایعالی فرهنگ گذشته است.

(۲۴) اتحاد اسلام

روزنامه اتحاد اسلام را در اوایل سال ۱۳۴۴ قمری آقای پرتو شیرازی در شیراز منتشر ساخته است.

میرزا حسینخان پرتومدیروزنامه اتحاد اسلام؛ از احرار و آزادبخوان شیراز بوده و در کتاب فارس و جنگ بین الملل (ص ۱۱۹) نام وی در زمره آزادبخوانان ذکر شده است.

و نیز در کتاب مذکور صفحات (۲۸۸ و ۲۸۹) دو مقاله بعنوان حوادث شهری از روزنامه اتحاد اسلام یکی شماره دوم مورخ ۲۷ ربیع الاول و دیگری شماره ۴ مورخ ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۴۴ قمری نقل نموده است در همین کتاب قسمتی از شرح حال پرتو را بدین طریق ذکر کرده است.

میرزا حسینخان پرتو مدیر روزنامه اتحاد اسلام که در آن اوان قریب به ۲۰ سال داشت (منظور سال ۱۳۳۴ قمری و زمان جنک بین الملل اول است که جمعی از آزادیخواهان در شیراز گرفتار شده اند . مؤلف) از جوانان تحصیل کرده و با ذوق و صاحب طبع سلیم است که در راه مدافعه از وطن رنجها برده و ده ماه در بیابان ها متواری و فراری بوده است پس خود را بشیراز رسانیده و بورود دستگیر و در منزل شخصی عطاءالدوله محبوس شده و پس از چندی از زندان فرار کرده با ابوالسادات که از مجاهدین رشید و غیور بوده و با اودریک محل محبوس بود خود را بآباده رسانیده و ابوالسادات بفرار ادامه داده و در حدود اصفهان بدست رو سها شهید شده اما پرتو مدتی در آباده و در میان قشقاییان بسر برده و پس از آن که انگلستان در شیراز اعلان عفو عمومی دادند بشیراز برگشته و در آنجا چند شماره روزنامه ملت نگاشته که مطبوع طبع ملت نشده پس از نامه نگاری دست کشیده و بخوزستان رفته چند صباحی در آبادان و از بعد در طهران مستخدم نفت جنوب بوده اما چون این شغل با عقیده باطنی و مسلک دموکراسی او توافق نداشت استعفا داده اینک در طهران در وزارت عدلیه مشغول خدمت است « (۱)

(۲۰) اتحاد اسلام

روزنامه اتحاد اسلام ، در طهران ، بمدیری و نویسندگی (شیخ حسین لنگرانی) تاسیس و شماره اول سال آن در چهارمضغه باقطع بزرگ و چاپ سنگی در روز شنبه ۲۶ شوال ۱۳۴۲ مطابق ۱۱ جوزای ۱۳۰۳ منتشر شده است .

علت تاسیس و انتشار این روزنامه بقسیکه در سرمقاله شماره اول تحت عنوان (بابینکه مایل نبودم چرا حاضر شدم) ذکر شده از این قرار است « مجتبعین مسجد سلطانی (منظور مسجد شاه طهران است که در سال ۱۳۰۳ جمعی بعنوان نجات بین النهرین از مظالم انگلیسها ؛ در اینجا مجتمع شده و از دولت جدا تقاضای کمک و همراهی مینمودند) که برای استخلاص حرمین و بین النهرین جمع شده بودند روزنامه لوای بین النهرین را تا شش شماره منتشر نموده ولی چون روزنامه مذکور نتوانست از همه جهت مظهر افکار جمعیت باشد، لذا از طرف جمعیت تعطیل و چون نامه هائی دایر باتتشار روزنامه رسید که باید حتما روزنامه منتشر شود ؛ من برخلاف نظر سابق خود حاضر شدم که جریده اتحاد اسلام را طبع و نشر نمایم .

پس از این قسمت مینویسد با اینکه میل نداشتم روزنامه نویسی مصرفی شوم ولی فلاحا حاضر شده و چون سابقا یک ورقه بعنوان شماره اول جریده اتحاد اسلام

منتشر شده و این شماره بمنزله شماره دوم است ؛ مع ذلك در معنی این شماره اول اتحاد اسلام و شماره هفت لوای بین‌النهرین است

ما نیز به پیروی از نظر مدیر روزنامه ، این شماره را شماره اول ضبط کرده و تاریخ انتشار را ؛ تاریخ این شماره دانسته‌ایم . مندرجات شماره اول پس از درج سرمقاله ؛ عبارت از نطق خالصی می‌باشد که تمام صفحات ۳ و ۴ روزنامه را پر کرده است در حقیقت روزنامه اتحاد اسلام هم مانند لواء بین‌النهرین تحت نظر خالصی و برای ترویج و اشاعه افکار این مجتهد و مفتی تبعیدی بوده و بهمین جهت میتوان هر دوی این دو روزنامه را ناشر افکار شیخ مهدی خالصی دانست . در زیر عنوان روزنامه اتحاد اسلام این سطر درج است : « یا تقاضای توجه بمقدمه مندرجه در همین شماره تذکر می‌دهد که این روزنامه بجای جریده لواء بین‌النهرین برای مشترکین ارسال میشود . » خصوصیات اتحاد اسلام از این قرار است : محل اداره موقتاً سرای حاج رحیم خان عجل‌التا هفته دو شماره منتشر میشود . قیمت اشتراك : هر صد نسخه ۴ صفحه ، با همین قطع که جمعا چهارصد صفحه میشود ، داخله ۵ تومان ، خارجه شش تومان . تک‌شماره هفت شاهی . از این روزنامه : نگارنده تا شماره ۱۳ مورخ سه شنبه ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۴۲ - ۲۴ سرطان ۱۳۰۳ در دست دارد و ظاهراً این شماره که روی يك ورق هم چاپ شده ، آخرین شماره منتشره باشد چه بقسمیکه در جراید آن ایام نوشته شده شیخ حسین لنکرانی در شب ۱۸ ذیحجه ۱۳۴۲ قمری از طهران بشهد و کلات تبعید شده و پس از چند ماه توقف اجباری در آن نواحی در رجب ۱۳۴۳ ، از راه قفقاز ورشت بطهران بازگشته است روزنامه طلوع شماره ۶۶ سال دوم مورخ ۲۶ دلو ۱۳۰۳ مطابق ۲۹ رجب ۱۳۴۳ بعنوان (خیر مقدم) می‌نویسد : « آقای آقا شیخ حسین لنکرانی مدیر روزنامه اتحاد اسلام که از لیل ۱۸ ذیحجه بکلات سپس در مشهد مقدس رضوی اجباراً انزوا گرفته بودند اخیراً از راه قفقاز مراجعت و بعد از چند روز توقف در ورشت بطهران حرکت میکنند »

شیخ حسین لنکرانی از احرار و آزادیخواهان معروف ایران و از ملیون افراطی است ؛ وی بطرفداری از عقایدی کمونیستی معروف و در زمان رضا شاه فقید بانزوا و مدتی را نیز در حبس می‌گذرانید. در دوره چهاردهم بنمایندگی مجلس انتخاب گردید و در مجلس جزو دسته اقلیت بود . بعلت دارا بودن عقاید افراطی بعد از شهریور ۲۰ نیز چند بار مورد سوء ظن قرار گرفته من جمله یکبار در سال ۱۳۲۲ شمسی جمعی ناشناس بخانه وی ریخته و او را تهدید بقتل نمودند . در زمان حکومت قوام السلطنه ؛ مدتی بکرمان تبعید شد و نیز پس از واقعه قتل مسعود ؛ باتهام شرکت در قتل ؛ با برادرانش ، مورد بازجوئی مقامات شهربانی قرار گرفت و ویرا بعلت همین اتهام از کرج دستگیر و بطهران روانه اش نمودند . منتهی پس از چند روز آزاد شد

حرف الف بعده التا

اتحاد شرق، اتحاد مشرقی، اتحادیه سعادت، آتش

برادران لنگرانی - آقای شیخ حسین لنگرانی دارای چهار برادر است که چون در تمام امور با یکدیگر و متقنند برادران لنگرانی معروف شده و فامهای آنان بدین قرار است شیخ حسین لنگرانی؛ احمد؛ حسام، مصطفی؛ مرتضی لنگرانی • که در بین آن ها شیخ حسین معمم و ارشد برادران است • در واقعه قتل محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز، نیز تمام برادران متقنا دستگیر و شهربانی احضار گردیدند برادران لنگرانی باندازه متنفذ و صاحب شانند که کمتر واقعه در طهران رخ میدهد که بدون اطلاع و صواب دید آنها باشد • پیش آمد قتل مسعود یکی از آن و قایم بشمار میرود • رویهمرفته برادران لنگرانی و بخصوص آقا شیخ حسین لنگرانی دارای يك زندگانی پر از حادثه و مردمی ماجراجو بشمار میروند •

(۳۱) اتحاد شرق

روزنامه اتحاد شرق؛ در طهران؛ در سال ۱۳۰۳ هفته سه بار منتشر شده است.

(۲۷) اتحاد مشرقی

روزنامه اتحاد مشرقی در جلال آباد افغانستان بمدیری (برهان الدین صاحب)

تاسیس و در سال ۱۳۳۸ قمری منتشر شده است •

(۲۸) اتحادیه سعادت

روزنامه اتحادیه سعادت در طهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است •

برون در کتاب مطبوعات و شعر خود مینویسد «روزنامه اتحادیه سعادت،

بطور هفتگی؛ در سال ۱۳۲۵ قمری؛ در طهران منتشر شده است •»

(۲۹) آتش

روزنامه آتش در سال ۱۳۰۳ شمسی؛ در تهران تاسیس و هفته سه بار منتشر

شده است •

(۳۰) آتش فشان

روزنامه آتش فشان؛ در شیراز، بمدیری و نگارندگی آقای (میرزا علی آقای

عزمی شیرازی) در اواسط سال ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است • این روزنامه در

چهار صفحه بقطع وزیري بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (شعبه بحرین شیراز) چاپ و

و با خصوصیات زیر انتشار یافته: بهای روزنامه سالیانه شیراز ۴۵؛ داخله ۵۰ خارجه

۶۰ قران است • اعلانات صفحه اول سه قران دوم دو قران سوم يك قران چهارده شاهی

اسم روزنامه (آتش فشان) با خط نستعلیق درشت در طرف راست عنوان روزنامه درج است . آدرس روزنامه تلگرافی - کتبی : آتش فشان شیراز . با اینکه در عنوان روزنامه نوشته شده است این جریده جامع الاطراف و مصور است . مع ذلك در شماره های موجود تصویری دیده نمیشود . در تاریخ انتشار بذکر ماههای قمری و شمسی قناعت شده و ذکر از سال انتشار نشده است . مثلاً شماره پنج سال اول بدینقسم مورخ است : بتاریخ یوم شنبه دوم شهر جمادی الاول ۶ قوس سیچقان میل بیست و هشتم نوامبر ۱۹۴۲ مسیحی ۱۵ تشرین ۲۲۳۶ در عنوان روزنامه این جمله « بغداد و احساسات پاك مستظهریم » نیز چاپ شده است .

مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی که معمولاً بقلم آقای (عزمی) است عبارت از اخبار فارس و حوادث آن سامان است . و نیز قسمتی از اخبار خارجه و اخبار ولایات در آن دیده میشود . و گاهی اشعاری از شعرای فارس از قبیل سالار جنگ و دبگران در روزنامه چاپ شده . سرمقاله شماره پنجم که انتشارش مصادف با ورود مرحوم (سردار سپه) رئیس الوزراء و فرمانده کل قوا بشیراز بود . تحت عنوان (قبول ضدین یا ندامت سردار اقدس) نوشته شده و خلاصه اش راجع باظهار ندامت و پشیمانی سردار اقدس (شیخ خزعل معروف) است که بوسیله تلگرافی در بیست و ششم عقرب مغایره گردیده . در این موقع جراید فارس بخصوص بشدت سانسور و در انتشار آنها کاملاً مراقبت شده است چنانکه آقای عزمی هم در همین سرمقاله اشاره بسانسور جراید نموده مینویسد « ولی چه باید کرد که امروزه بواسطه موجودیت سانسور ؛ قلم روزنامه نگار شکسته و بهیچ وجه اجازت ندارد که اطلاعات خود را در طی نگارش آورده ، آلام متوجه را نوشته و در اطراف اثرات بنیان کش بروز عقیدتی دهد - بهترین دلیل بر صدق عرایض نگارنده اوراق گذشته آتش فشان است که مقالات اساسی آن یا کلیه در هرورقی چند قسمت آن را زده اند که مفهوم خیالی آن صفحات هم بدست قارئین محترم نیامده است . » اتفاقاً در سرمقاله همین شماره نیز سانسور کار خود را نموده و چند جای مقاله بواسطه سانسور شدن سفید مانده است .

سابقاً بعضی از مدیران جراید را رسم چنین بود که قسمتهای سانسور شده را سفید میگذاشتند در همین مقاله نیز که بشدت بشیخ خزعل حمله شده و شیخ و آل ت بلا اراده اجانب دانسته بملت سانسور جای مطالب حذف شده سفید است . آقای عزمی مدیر آتش فشان در آخر سرمقاله خود وجود رئیس دولت را (سردار سپه) در فارس مفتنم دانسته و پس از تقدیم تبریک مینویسد « از مقام ریاست معظم دولت با آن علاقه مفروطی که باستقلال ایران دارند استدعا میکنیم که هرچه زودتر ممکن شود این فشار طاقت فرسا را از جراید مرتفع و اجازت دهند تا جراید با آزادی فکر و قلم

بتشریح امراض وارده مبادرت نمایند وجامه جراید وقاطبه علاقه مندان بعضرت را مدیون مراسم ملوکانه فرموده؛ فرمایند « با اینهمه اصرار و العاحیکه مدیران جراید فارس و بخصوص مدیر آتش فشان نسبت با آزادی جراید نموده با وجود این بقسمیکه در روزنامه اختر مسعود چاپ اصفهان مورخ پنجشنبه ۱۴ ذیقعده ۱۳۴۴ قمری ؛ تحت عنوان (تاسف) نوشته ؛ دراین تاریخ « جریده شریفه آتش فشان فارس بجرم حق نویسی ازطرف والی فارس توقیف شده است » مدیر اختر مسعود پس از این خبر اظهارتاسف نموده مینویسد . آری جراید حق گورا همیشه در مضیقه و فشار انداخته اوراقشان را پاره و اقلامشان را میشکنند .

طبق خبریکه بعد یعنی در شماره ۵ سال هشتم اختر مسعود مورخ دو و شنبه ۲۶ ربیع الاول ۱۳۴۵ قمری ؛ روزنامه مذکور راجع با آزادی جراید نوشته معلوم میشود مدت چهارماه یعنی از ذیقعده ۴۴ تا ربیع الاول ۴۵ تمام جراید فارس و من جمله روز نامه آتش فشان توقیف بوده است .

پس از توقیف عموم جراید فارس که در بین آنها روزنامه آتش فشان نیز توقیف شده در اواخر سال ۱۳۰۴ شمسی مطابق ۱۳۴۴ قمری بجای (آتش فشان) روز نامه دیگری بنام (حیات کارگر) در شیراز منتشر شده است . این روز نامه چنانچه بعدا در حرف (ح) این کتاب بتفصیل خواهیم بیان کرد بمدير مسئولی (علی آقای نجار) و موسس و نگارندگی (عزمی آتش فشان) در شیراز تاسیس شده و در عنوان جمله (بجای آتش فشان) مسطور است . خصوصیات روزنامه حیات کارگر را در محل خود ذکر خواهیم کرد . آنچه لازم است این جا یاد آور شویم این است که سال تاسیس حیات کارگر بقسمیکه در بالای اسم روزنامه نوشته شده سال ۱۳۰۴ شمسی مطابق ۱۳۴۴ قمریست ؛ از طرفی تاریخ تصویب امتیاز این روزنامه در شورای عالی فرهنگ ۱۶ آذر ۱۳۰۴ است و با در نظر گرفتن باینکه آغاز انتشار آتش فشان عرقب ۱۳۰۳ بوده معلوم می شود این روزنامه نزدیک یکسال در شیراز منتشر شده است .

لحن روزنامه نسبت بسیاست انگلیس خیلی تند و بخصوص در چند شماره بشیخ خزعل و طرفداری انگلیسها از او حملات شدیدی شده است . و شا بدبهمین علت هم همیشه قسمتی از مندرجاتش سانسور و نوعا مدیر روزنامه از موانع سانسور شکایت دارد از نواقص روزنامه یکی ریختگی حروف و دیگر بدی چاپ آنست و علاوه بر این تاریخ انتشار نیز صریحا چنانکه در پیش اشاره کردیم واضح نیست .

یکی از نویسندگان روزنامه که مقالات مختلفی بامضای او در روزنامه درج شده (فضل الله بدیع شیرازی) است .

آتشکده (۳۱)

روزنامه آتشکده ، در سال ۱۴۰۸ شمسی بطور هفتگی در خراسان تاسیس شده است .

(۳۲) اتفاق

روزنامه اتفاق در شهر عراق (اراك) در سال هزار و سیصد و بیست و شش قمری منتشر شده است . از این روزنامه نگارنده تا کنون نمونه بدست نیآورده و اطلاعات نگارنده راجع بآن از شماره ۱۱ سال اول روزنامه تیاتر مورخ چهارشنبه ۱۷ جمادی الاولی هزار و سیصد و بیست و شش قمری گرفته شده است . (برای اطلاع از روزنامه تیاتر رجوع بعرفت این کتاب شود) بر حسب مندرجات روزنامه تیاتر که تحت عنوان (بشارت) نوشته روز نامه اتفاق در سال هزار و سیصد و بیست و شش در شهر عراق به مدیری (میرزا حبیب الله خان عکاس باشی) با طبع ژلاتین منتشر شده ، عین عبارت روزنامه تیاتر این است :

« بشارت . از این پست مکتوبی با چند طعرا روزنامه باداره رسید که مکتوب از فاضل دانشمند جناب میرزا حبیب الله خان عکاس باشی و روزنامه نیز زاده فکر بکر جناب معزی الیه و موسوم بروزنامه اتفاق است که در عراق با ژلاتین طبع می شود از درج مندرجات مکتوب که فاضلانه نگاشته و روزنامه محقر تیاتر را تمجید فرموده اند صرف نظر کردیم ۰۰۰ ولی روزنامه مزبور دارای مطالبی سیاسی و اخبارات ولایتی عراق و غیره است و الحق چشم از زیارت آن روشن میشود افسوس که اهالی عراق اینقدر همت نکرده اند که این مرد دانشمند را باوردن مطبعه صحیح کمک و اعانت فرمایند که جریده خود را ترقی داده موجبات ترقی را برای اهالی فراهم کند . امیدواریم بزرگان و تجار عراق بذل جهد فرمایند و مطبعه حروف سربی یا لاقفل سنگی بیاورند هم فایده حاصل خواهند کرد هم نام نیک آنها بلند آوازه میشود . »

(۳۳) اتفاق

روزنامه اتفاق بطور هفتگی در سال هزار و دو بیست و هشتاد و نه شمسی در رضایه تاسیس شده است .
مرحوم تربیت در فهرست روزنامه های آذربایجان مینویسد « اتفاق . روزنامه هفتگی در رضایه بمدیریت حاجی ابراهیم افشار در هزار و سیصد و بیست و هشت قمری »

(۳۴) اتفاق

روزنامه اتفاق در سال هزار و دو بیست و نود شمسی بطور پانزده روزه در شهر رشت تاسیس و شماره اول آن در ۱۶ جمادی الثانی هزار و سیصد و بیست و نه قمری مطابق ۱۴ ژوئن ۱۹۰۹ میلادی منتشر شده . این روزنامه بمدیریت محمود زاده . شکوری و جمشیدزاده (وارگان حزب اتحاد و ترقی بوده است . برون در فهرست

مطبوعات ایران (صفحه ۳۵) مینویسد : يك نسخه روزنامه بنام اتفاق در دست دارم که در رشت با چاپ سنگی منتشر شده و مورخ بتاریخ ۲۱ ربیع الاول ۱۳۲۷ قمری مطابق ۱۲ آوریل ۱۹۰۹ است . مدیریت این روزنامه بعهدہ (میرعبدالباقی و علی آقا ناظم) موسسین مدرسه اتفاق و اشعاری خطاب به محمد علیشاه در آن درج است . نگارنده در اثر دسترسی پیدا نکردن به نمونه های این روزنامه تا کنون تفصیل بیشتری در باره این دو روزنامه بدست نیاورده و معلوم نشد که روزنامه که بر و ن یاد آور شده همان است که ما عنوان قرار داده ایم یا غیر از آن است .

(۳۵) اتفاق اسلام

روز نامه اتفاق اسلام به مدیریت و نگارندگی (سرور - جويا) در شهر هرات افغانستان بزبان فارسی در سال ۱۲۹۹ شمسی تاسیس و شماره ۴۴ سال هشتم آن در ۴ صفحه بقطع بزرگ در مطبعه حروف سربی (مطبعه دانش) طبع و در تاریخ سه شنبه ۲۶ جمادی الثاني ۱۳۴۹ قمری و ۲۶ عقرب ۱۳۰۹ و ۱۸ نوامبر ۱۹۳۰ منتشر شده است . روزنامه اتفاق اسلام هفته یکبار روزهای سه شنبه طبع و منتشر میشود و خصوصیات آن بدین قرار است : محل اداره : هرات، چهارباغ، جنب مدیریت خارجه . بها ؛ شهر هرات سالیانه ۶ افغانی . داخله افغانستان ۷ افغانی . ممالک خارجه ۱۵ افغانی . قیمت شماره ۸ پیسه . همه امور تحریریه بنام مدیر فرستاده میشود . جریده ما در پذیرفتن همه نوع مقالات حاضر و در اصلاح آن خود اداره مجاز و مختار است .

روزنامه اتفاق اسلام با کاغذی خوب و طبعی مرغوب همه هفته مرتباً چاپ میشود و اسم روزنامه (اتفاق اسلام) با خط نستعلیق درشت در عنوان روزنامه نوشته شده و در آن این جمله (سال تاسیس ۱۲۹۹) درج است .

مندرجات روزنامه تمام بزبان فارسی و عبارت است از مقاله افتتاحی (در شماره نمونه مقاله مذکور تحت عنوان تقدیر خدمت نوشته شده) و اخبار خارجه و وقایع هرات و مقالات متفرقه و مقالات وارده و چند آگهی . در شماره نمونه در صفحه ۴ اشعاری بعنوان (ادبیات) اثر طبع (ملا عبدالله احراری) بفارسی درج شده که دو شعر اول آن بدین قسم است :

ای نفس اگر ز فضل بد خود گذر کنی * خود را ز زیر پا بکشی تاج سر کنی
ورجا بجا بمانی وز شیوه نگذری * خود را مقیم دوزخ و نار سقر کنی

روزنامه اتفاق اسلام با اینکه بزبان فارسی بوده ولی در افغانستان نفوذ و شهرتی بسیار داشته است چنانکه در شماره ۴۴ سال هشتم در يك مقاله وارده خطاب به مدیر روزنامه چنین نوشته است : چون اتفاق اسلام یگانه زبان حصه بزرگ افغانستان و مخصوصاً مایلن اهالی فراه و هرات است بنا بر این هر واقعه که در این حصه ملک واقع شود

حرف الف بعده اثنا

آثار جم ، احتیاج

باید بدون کم و زیاد ما مردم بشما اطلاع بدهیم و شما درج صحائف اخبارنمائید .
در همین شماره فرمانی از محمد نادر شاه پادشاه افغانستان درباره خدمات قلمی
مدیر روزنامه اتفاق اسلام درج شده که تا اندازه اهمیت و نفوذ روزنامه را میرساند
وعین آن فرمان اینست . فرمان شاهانه . تاریخ ۲۸ میزان ۱۳۰۹ صداقت همراه غلام
سرور خان جويا مدیر روزنامه اتفاق اسلام . خدمات قلبیه شما که در توسعه معلومات
و بیداری ابنای وطن در صفحات جریده شیرین اتفاق اسلام ابراز داده اید تقدیر و از
اینکه جریده اتفاق اسلام تحت اداره شما موجبات دلچسبی را فراهم آورده اظهار
رضایت داریم و از خداوند مانند شما نهالهای برومند را در سرزمین وطن بسیار
تر خولستاریم . تا این وطن محبوب ما که محتاج هر نوع جد و جهد و غمخواری و
تلطف ابنای خود میباشد اوج پیرای سعادت گردد . نسبت بمعروضه اول میزانت
شما امر دادم که تصاویر مطلوب را برای شما بفرستند . (محمد نادر) نمبر ۱۰۰۵

(۳۶) اتفاق کارگران

روزنامه اتفاق کارگران ؛ در تهران ، به سال ۱۲۸۹ شمسی بطور پانزده روزه
تاسیس شده است .

(۳۷) آثار جم

روزنامه آثار جم ؛ در شیراز ، بمدیري سيد محمد رضا احتشام (احتشام نظام)
منتشر شده و پس از چندی تعطیل میشود . در سالنامه ۱۴-۱۳۱۵ معارف فارس سال
تاسیس روزنامه ۱۳۰۳ شمسی ضبط شده در صورتیکه در شماره ۷ و ۸ مجله تعلیم
و تربیت منتشره از طرف وزارت فرهنگ ؛ در جائیکه فهرست جراید و مجلات مصوبه
شورای عالی فرهنگ را آورده در باره این روزنامه مینویسد ؛ > روزنامه آثار جم
با کاریکاتور در شیراز بمدیري ميرزا محمد رضا خان احتشام نظام در ۲۷ خرداد
۱۳۰۴ شمسی امتیاز آن از تصویب شورای عالی معارف گذشته است . و چون
تا کنون نگارنده نمونه از این روزنامه بدست نیاورده . لذا نمیتوانم در باره تاریخ
انتشار و سایر خصوصیات آن اظهار نظری بنمایم ولی قدر مسلم مندرجات مجله
تعلیم و تربیت مقدم بر سالنامه فارس و بحقیقت نزدیکتر است .

(۳۸) احتیاج

روزنامه احتیاج بطور هفتگی در تبریز با چاپ سنگی بمدیريت (علیقلی معروف
بصراف) منتشر شده . این روزنامه در سال ۱۳۱۶ قمری تاسیس و پس از انتشار
هفت شماره بامراهی نظام گروسی حاکم آذربایجان توقیف گردیده است .
علیقلی معروف بصراف دو روزنامه دیگر در تبریز بنام اقبال و آذربایجان

منتشر نموده (برای اطلاع از این دو روزنامه بکلمه اقبال و آذربایجان رجوع شود)
و در سال ۱۳۲۶ قمری وفات کرده است .

شماره اول روزنامه احتیاج بنا بر ضبط برون (صفحه ۳۶ مطبوعات ایران) در
۱۶ محرم سال ۱۳۱۶ مطابق ۶ ژوئن ۱۸۹۸ انتشار یافته و پس از انتشار هفت شماره
و توقیف آن ؛ روزنامه دیگری بنام اقبال منتشر شده است . بنا بر این شماره هشت
احتیاج بنام (اقبال) بوده و این شماره در ۲۹ ربیع الاول سال مذکور نشر شده است
مرحوم علیقلی صفر اف ، هنگامیکه معهد علی میرزا بعنوان ولایت عهد در
تبریز بود ؛ در دستگاه اومیزیست وست (راپورتچی باشی) داشت و راپورتچی که
میرسید از زیر دست او میگذشت . مع ذلك شخصا مردی آزادیخواه و پیوسته به
آزادیخواهان کمک مینمود .

وی از کسانیست که کمکهای بزرگی پیشرفت آزادی در مملکت وبخصوص
در آذربایجان نموده و با تاسیس روزنامه احتیاج و اقبال و بعدا آذربایجان بتاسیس
مشروطیت ایران خدمات گرانبهایی کرده است . مرحوم کسروی در تاریخ مشروطیت
ایران جلد اول صفحات ۲۰۷ و ۲۰۸ در جائیکه از (کوشندگان) برای مشروطیت
نام برده مینویسد : « در تبریز هم کسانی پیدا شده بودند که معنی کشورزندگان
توده را میفهمیدند و از چگونگی کشورهای اروپا آگاه میبودند . . . کسروی پس
آنکه شرح حال چند تن از کوشندگان را نوشته ، درباره صفر اف مینویسد . «شکفت
تر از همه کار صفر اف است که راپورتچی باشی معهد علی میرزا میبوده که راپورتچی
که میرسیده از زیر دست او میگذشت ؛ و با چنین کاری خود از آزادیخواهان می
بوده و با آنان همراهی و همدردی مینموده و بهنگام خود یاورها میکرد و آنان
را از گرفتاریها رها میکردانیده . این صفر اف روزنامه بنام (احتیاج) برپا کرد
که چند شماره از آن بیرون آمد ولی چون سخنانی نوشت که بمعهد علی میرزا نا
خوش افتاد با دستور او چوب بیایش زدند و از روزنامه اش جاو گرفتند . »

(۳۹) احشویروش

روزنامه احشویروش از انتشارات (جمعیت جوانان وطن) و موسس روز
نامه این جمعیت بوده است صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه (ابو الفضل غریب
ابن حاجی شمس العلماء) و شماره اول سال اول آن ، در چهار صفحه بقطع بزرگ
در مطبعه سربی (طهران ، مطبعه کلیمیان) چاپ و در شنبه ۵ صفر الغیر ۱۳۴۰
منتشر شده است . هر صفحه روزنامه مشتمل بر چهار ستون و در زیر عنوان در ضمن
یک سطر این عبارت درج شده « اخبار و اطلاعات از یوم شنبه ۲۸ محرم الحرام
لغایت شنبه ۵ صفر الغیر ۱۳۴۰ » که میرساند مندرجات روزنامه متضمن وقایع یک
هفته است . در عنوان و زیر اسم روزنامه اشعار و عبارات سربی چاپ شده بدین قرار

« الناس عدولما جهلوا . المسلم من سلم المسلمون من يده ولسانه . المال مادة الشهوات
 طلغن شموسا و الفمود مشارق . لهن وهامات الرجال مغارب . تهدي نواظرنا و العرب
 قائمة . من الاسنة نارواستسا شجع (؟) كتب علي وجوهم سطورا . غرايب جبرهن
 در همول (وجه مناسبت درج این اشعار و کلمات قصار بر نگارنده معلوم نشده است)
 سرمقاله شماره اول تحت عنوان : « توضیح واضح و بیان مقصد و مرام » نوشته
 و در آن شرحی راجع بملل عقب افتادگی عالم اسلامی بیان گردیده تا میرسد با این
 قسمت که : جمعیت جوانان وطن برای تهذیب اخلاق و تنویر افکار و اشاعه علوم و تمدن
 معارف و صنایع جریده احشو یروش را با وجود موانع عدیده و عوائق کثیره تاسیس
 مینماید . همانا مقصد احشو یروش آگاهی و بیداری عموم مسلمانان خاصه ایرانیان
 است جمعیت جوانان وطن ، شعبه انطباعات دائره تبلیغات احکام اسلامی .

آنچه از سرمقاله مذکور معلوم میشود این است که دائره تبلیغات اسلام جمعیت
 جوانان وطن ؛ روزنامه احشو یروش را بمنظور نشر علوم و معارف و ترویج صنایع
 و تنویر افکار تاسیس نموده است . پس از سرمقاله اخبار پایتخت و داخله کشور وجد
 اخبار خارجی و در پا ورقی صفحه دوم و سوم ترجمه رمان (قصه ملوک شارل) که
 مشتمل بر احوال مصر و سوریه است درج شده . در صفحه چهارم تحت عنوان (باب
 احادیت علمیه صنعت) احادیثی راجع بصنعت جمع آوری شده است .

وجه اشتراك روزنامه : سالیانه ۶۰ قران . شش ماهه ۳۵ قران داخله بملا و .
 اجرت پست . تك نمره سه عباسی بعد از يك هفته يك قران . محل اداره خیابان صفی
 علیشاه نمره ۳۶ . عنوان تلگرافی . احشو یروش . تهران .

شماره دوم سال اول در شنبه ۱۴ صفر انتشار یافته و سرمقاله آن (مظالم ارو پا
 بعالم) است . در این سرمقاله مظالم انگلیسها نسبت بممالك دنیا بیان شده و در صفحه
 چهارم مطالبی بعنوان (ادبیات) و (مجموعه دروغ چرند و پرند) و نیز اشعاری چاپ
 شده است . در شماره سوم شرحی راجع بکلمه احشو یرش یعنی اسم روزنامه بنقل از
 کتاب استر عبری نوشته و در شماره چهارم زیر اسم روزنامه این جمله را (از تاگورس
 اهشتو یرش اسیروس بورخشیار شا ، گزرس) درج گردیده که میرساند احشو یرش
 در اصل اهشتو یرش بوده و نام یکی از پادشاه ایران است .

(۴۰) احیا

روزنامه احیا در شیراز بمدیری حاج میرزا عبدالعزیز نوالریا ستین تاسیس و
 شماره اول آن در چهار صفحه بقطع وزیری متوسط روز دو شنبه چهارم شهر ربیع
 المولود سال ۱۳۳۹ قمری منتشر شده است . این روزنامه در چاپخانه سربی پارس طبع
 و محل توزیع آن مطبعه پارس واقع در میدان شاه شیراز بوده . قیمت اشتراك آن در

شیراز شش قران و در سایر شهرها قیمت پست اضافه میشود. احیا روزهای دو و شنبه طبع و سه شنبه توزیع میشود و در عنوان آن (روزنامه بیطرف و ساده) معرفی شده است بر حسب سرمقاله شماره اول سال اول مرام و مسلک و منظور از انتشار روزنامه بدینقرار است: «منظور از انتشار این ورقه که تا چندی موقتی خواهد بود فقط آن است که برادران دینی و اخوان وطنی خودمان را کاملاً بر خوب و بدی امور دنیسی امروزه واقف سازیم و باندازه مقدور خیر و شر ترتیبات زندگانیشان را بانها بفهمانیم برای انجام مقصد عالی که در نظر داریم مسلک بیطرفی که بهترین وسیله است اختیار نموده ایم تا اغراض فاسده دیگران نیت خالص مقدس ما را کدر نکند و بالاخره منجر به نفرت اهالی که وعده خدمت صادقانه بانها میدهیم و نشده لعنت ابدی و تاریخی را بخود جلب نکنیم. محتمل است که ملاحظه احوال حاضر و یادآوری اوضاع سابقه این مملکت و صدماتیکه اهالی بدبخت در عرض چند سال اخیر از نفاق قلاش ها و تزویر خادم نماها متحمل شده اند در عرض تصدیق دعوی ما اذهان عمومی سابقه يك سوءظن موقالعاده بنماید ما پس از تصدیق بحق داشتن این سوءظن و بدگمانی بخوانندگان محترم این ورقه محقر قول میدهیم که هرگز طرفداری احدی را نکنیم و خیال ترویج اغراض کسی را در سر نداشته باشیم ما صاف و پوست کنده برادر از کلاه نمدی و کسبه و اصناف خودمان میگوئیم که بهیچ وجه هوا خواه احدی نیستیم و تعهد میکنیم در گفته های ما جز خیر خودشان چیز دیگری نیابند و خداوند قهار را در این تعهد بشهادت میطلبیم و از حضرت حجت عجل الله فرجه توفیق خدمت خودمان و نجات و سعادت اهالی بدبخت ستمدیده این ایالت را درخواست میکنیم.»

مندرجات روزنامه غالباً مربوط بوقایع و حوادث شیراز و مقالاتی راجع بیداری و اظهار داد خواهی مردم آن شهر و شهرکازرون است.

از مقالات شیرین روزنامه مقاله ایست بعنوان (صحبت با هم شهری) که رونق تازه بمندرجات روزنامه میدهد و نیز تلگرافات و اخبار مربوط بانجمن های ایالتی در روزنامه درج است. از شماره دوازدهم سال اول مختصر تفسیری در عنوان روزنامه داده شده و بعوض جمله (در تحت مسئولیت حاجی میرزا عبدالعسین) این عبارت نوشته شده (در تحت توجه حضرت حجت) و عبارت (مدیر مسئول حاجی میرزا عبدالعسین) در آخر صفحه چهارم چاپ شده است.

از روزنامه احیا فعلاً تا شماره ۱۳ سال اول مورخ دو شنبه ۲۰ رجب المرجب

۱۳۲۹ قمری در دست است.

حاج میرزا عبدالعسین ذوالریاستین شیرازی - برهان العارفین و سلطان السالکین
حاج میرزا عبدالعسین مونسلمی نعمت اللهی الشهیر بذوالریاستین مدیر روزنامه احیا
وی فرزند قطب الاقطاب حاج علی آقای ذوالریاستین مسمی بوفاء علیشاه بوده و ولادت

حاج میرزا عبدالعسین در شب ۱۳ ربیع الاول ۱۲۹۰ هجری قمری است وی علوم ظاهری را از قبیل فقه و اصول و تفسیر و حکمت و ریاضیات از آغاز جوانی نزد اساتید فن فرا گرفته و عرفان و اخلاق و علوم باطنی را پیروی از مرشد کل کسب نموده تا سرحد حقیقت رسیده است . در سال ۱۲۱۷ قمری ؛ بهمراهی پدر بسیر آفاق و زیارت مکه پرداخته و پس از مراجعت در سال ۱۲۲۳ قمری بزیارت مشهد مقدس نایل گردیده و در مراجعت از مشهد ؛ آنکاه که آوازه آزادی و مشروطیت در ایران بلند بود ، بکس مشروطه طلبان و آزادی خواهان قیام نمود و من جمله از خدمات او تاسیس مدرسه ایست در شیراز بنام (مسعودیه) که تا چند سال برقرار بود و عده زیادی از فضلاء فارس در آن مدرسه تربیت یافته اند . دیگر از خدمات فرهنگی تاسیس و نشر روزنامه احیاست که شرح آن جداگانه ذکر گردید . در سال ۱۳۳۴ قمری پس از انقلاب فارس ، از کار کناره گرفت و انزوا و سکوت را برهر امری ترجیح داد تا اینکه در سال ۱۳۳۶ قمری ؛ پس از رحلت والد ماجدش مامور سرپرستی ققرا و سالکان طریق گردیده و در مدت سرپرستی خود سفری به عجاز و عراق عرب نموده و در ۱۳۵۰ قمری بطهران و ارض اقدس و زیارت حضرت رضا موفقی شده است .

ذوالریاستین دارای تالیفات گرانبها و نفیسی است من جمله ۱ - انیس المهاجرین و مونس المسافرین ۲ - دلیل السالکین ۳ - تعلیقات بر مثنوی ۴ - تاریخ حب الوطن منظوم ۵ - برهان السالکین . وی در شعر و سخن نیز دارای قریحه سرشار است و تغلص او مونس می باشد . اشعار زیر که تضمین غزل سندیست نمونه از اشعار اوست

چند بیگانه پرستی بطلب خویشان را * آخر از سر بنه این خوی بداندیشانرا
در خرابات بین حالت دل ریشانرا * ایکه انکار کنی عالم درویشانرا

تو چه دانی که چه سود او سرست ایشانرا

حکمت آموزشود هر که شود طالب عقل * صحبت مرد خرد مند بود جالب عقل
بگریزد ز احق که بود صاحب عقل * طلب منصب فانی نکند صاحب عقل

عاقل آنست که اندیشه کند پایان را

(۴۱) اخبار

روزنامه اخبار بمدير مسئولی و صاحب امتیازی (میرزا نصرالله خان شیرازی) در کرمانشاه تاسیس و شماره اول سال اول آن در تاریخ سوم ذیعبه ۱۳۳۴ قمری مطابق ۱۲ اکتبر ۱۹۱۶ میلادی در چهار صفحه بقطع وزیری در مطبعه سربی (کرمانشاهان مطبعه شرافت احمدی) چاپ و توزیع شده است . محل اداره : سرای حاجی علی محمد و عنوان تلگرافی آن (اخبار) معین گردیده و قیمت اشتراك روزنامه بدینقرار است ولایات داخله سالیانه چهار تومان . ششماهه ۲۵ قران . مسالك خارجه ۵ تومان و سه

تومان • وجه اشتراك پس از انقضاء يك ماه از تاريخ اولين شماره دريافت ميشود
 تك نمره در كرمانشاه سيصد دينار است • اين روزنامه هفته دو نمره روزهاي دو
 شنبه و پنج شنبه طبع و توزيع ميشده و مندرجات آن پس از درج سرمقاله كه معمولاً
 ستون اول و دوم صفحه اول روزنامه را گرفته عبارت است از وقايع جنگ اروپا و به
 خصوص حوادثي كه در شهرهاي غربي ايران رخ مينموده و از اين حيث روزنامه اخبار
 حائز اهميت بسيار است • گاهي صفحات روزنامه گنجائش درج تمام اخبار جنگ را
 نداشته و از اين جهت باقيمانده اخبار و پاره از اوقات حوادث مهم ناگهاني را در
 صفحات كوچكي بنام (فوق‌العاده اخبار) منتشر نموده است • منجمله دوفوق‌العاده
 يكي مورخ نهم و ديگري چهاردهم ربيع‌الاول ۱۳۳۵ قمری است كه اولي بدین قسم
 شروع ميشود : « اخباري كه جديداً رسیده است اول - تعرضي كه روسها روز سه شنبه
 هفتم ربيع‌الاول در همدان کرده بودند با شكست دشمن خاتمه يافت ودويست كشته در
 ميدان جنگ جا گذاشتند و اسير زياد گرفته شد » فوق‌العاده دومي بدین قسم شروع
 ميگردد ، « از اخباري كه جديداً رسیده است • تعرضاتي كه روسها در طرف همدان
 و دولت آباد و گروس در تاريخ ششم و هفتم و هشتم ربيع‌الاول ۱۳۳۵ کرده بودند
 بحمدالله با نصرت قشون اسلامي خاتمه يافته و با تلفات زياد دفع شدند • روز سيزدهم
 ربيع‌الاول قشون اسلامي بدشمن حمله کرده روسها را از مزرعه كوريجان و رايبكان
 طرد و تبعيد کرده ۰۰۰۰ قيمت تك نمره اين فوق‌العاده ها يكصد دينار است •

اصولاً تاسيس روزنامه اخبار چنانچه ذيلاً از سرمقاله شماره اول معلوم ميشود
 براي اطلاع از اخبار جنگ بوده و مدير روزنامه اين موضوع را در ستون اول و دوم
 صفحه اول شماره اول در ضمن سرمقاله كه بعنوان (اخبار واستخبار) نوشته بدینقسم
 بيان کرده است :

« يگانه عاملی كه قوام نظام اجتماع را متكفل و عهده دار است همان مسئله
 اخبار و استخبار افراد بشري از احوال يكدیگر است ابتدا وسيله استخبار پيغام بود •
 ولي بواسطه فراموش شدن پيغام مطالب را بصورت اشكال و رمز بيان ميگردد و از
 اين جا كلمات و حروف اختراع شد و كم كم نگارش را پيابه امروزي در آوردند و
 خلاصه اينكه اطلاع و استطلاع يكي از لوازم اجتماع بشريست » پس از اين مقدمه
 مينويسد « در يك چنين روزي كه تاريخ پيدايش آدمي آنرا ندیده و در همچو ايامي
 كه از روزهاي تاريخي ايران بشمار ميرود خيلي دريغ بود كه در اين شهر كه در
 حقيقت مركز مدافعين اين کشور ستمديده محسوب است ، ساكنين از مهاجرين وغيره
 هم از اطلاع از وضعيات خود و متحدين خویش بي بهره باشند لهذا پس از اخذ
 امتياز نگارنده بانتشار هفته دو نمره از اين ورقه كه باسم (اخبار) موسوم است
 مفتخر خواهد بود و نظر بموقعيت نظامي و اهميت اطلاعات ميدانهاي جنگ اين ورقه را

غالباً باخبر اختصاص داده از نگارش مادون حتی المقدور صرف نظر خواهد نمود .
همانقسم که در قسمت اخیر سرمقاله و شماره های موجود دیده میشود مندرجات
روزنامه بیشتر اخبار جنگ بین الملل است و این اخبار از (تلگراف بیسیم کرمانشاه)
گرفته میشود است . نکته که بخوبی از اخبار و مقالات مندرج در روزنامه معلوم میشود
طرفداری مدیر روزنامه از آلمانها و متحدینشان است .
از این روزنامه تا شماره ۳۲ سال اول مورخ چهارم برج حوت ۱۳۳۵ قمری
مطابق ۲۱ فوریه ۱۹۱۶ در دست نگارنده است .

(۴۲) اخبار

مجله اخبار بطور ماهیانه در سال ۱۳۰۶ شمسی در تهران تاسیس و منتشر شده
است . نگارنده تاکنون نمونه از آن بدست نیاورده ام .

(۴۳) اخبار امروز

روزنامه اخبار امروز بطور روزانه در طهران ، در يك ورق ؛ بقطع خشتی متوسط
در مطبعه سربی چاپ و شماره پنجم آن در تاریخ يك شنبه ۲۹ شهر شوال ۱۳۲۹ قمری
و شماره ۹ آن در ۲۵ شوال سال مذکور توزیع شده است . محل ادا ره : محل نشر
اخبار ؛ خیابان ناصریه ، مطبعه تمدن ، قیمت يك نمره آن یکشاهی و آبونه ماهیانه آن
دو قران معین شده و سطر زیر در عنوان روزنامه درج است : « کسانیکه طالب باشند
اخبار ر را آبونه شوند در صورتیکه آبونه یکماه را همیشه پیش بدهند تا یکساعت
از شب گذشته بآنها خواهد رسید . » در عنوان اخبار امروز اسمی از مدیر مسئول
روزنامه نیست فقط در آخر صفحه دوم (علی) امضاء نموده است .
مندرجات روزنامه عبارت از وقایع روزانه شهرهای ایران و اخبار مرکز و
ولایات و ذکر اغتشاشات یاغیان و سرکشان داخلی و نیز خلاصه مذاکرات و گفتگوهای
مجلس در آن درج است . آنچه برون در تاریخ مطبوعات خود درباره این روزنامه
نوشته این است که روزنامه اخبار امروز در شوال ۱۳۲۹ قمری در طهران منتشر شده
و نامی از مدیران در بین نیست فقط نام علی دربای ورده چاپ شده است . در همین
تاریخ یعنی در سال ۱۳۲۹ قمری ورده دیگری در طهران بطور روزانه . بنام (اطلاعات
روزانه) و یا (اخبار صحیحه داخله و خارجه) چاپ میشده که مشتمل بر اخبار داخله
و خارجه بوده است . برای آگاهی از آن بکلمه اطلاعات روزانه مراجعه شود .

(۴۴) اخبار دارالسلطنه آذربایجان

این روزنامه بنامهای مختلف اخبار دارالسلطنه آذربایجان ، روز نامه وقایع

شهر مملکت محروسه آذربایجان؛ روزنامه ملتی مملکت آذربایجان: و بنا بر ضبط کتابخانه دولتی برلین (آذربایجان) و چون از این روزنامه تا کنون نگارنده نمونه بدست نیاورده و شاید در ایران هم نسخه از آن نباشد لذا بطور تحقیق نمیتوان نامی برای آن معین کرد اما می مذکور از روی مقاله (روزنامه نگاری در ایران) از شماره ۷ دوره جدید روز کاره و همچنین از فهرست روزنامه های آذربایجان مرحوم تربیت استخراج شده است. بنا بر تصریح نویسنده مقاله روزنامه نگاری در ایران؛ این روزنامه سومین روزنامه نامه ایست که بزبان فارسی منتشر شده و يك نسخه از آن که صفحه اول ندارد در کتابخانه دولتی برلین محفوظ است. محل انتشار آن در تبریز؛ با چاپ سنگی و بنا بر ضبط شماره ۱۳ رجب ۱۴۷۵ قمری روزنامه وقایع اتفاقیه سال تا سیس آت اوایل ۱۴۷۵ می باشد. آنچه در روزنامه وقایع اتفاقیه بنقل از روزنامه کاوه در باره این روزنامه نوشته شده این است: «در این روزها (منظور همان سال ۱۴۷۵ قمری است) حکم شده است که در تبریز روزنامه طبع شود که احوالات آذربایجان و غیره در آن نوشته شود» و باز بنقل از روزنامه کاوه در شماره ۱۵ شوال از آن سال مینویسد، «از قراری که در روزنامه منطبه دارالسلطنه تبریز نوشته اند» تاریخ آخرین شماره این روزنامه نیز در دست نیست و مرحوم تربیت در فهرست روزنامه های آذربایجان مینویسد «این روزنامه چندین سال دوام کرده است» محتمل است بعدا باسم (تبریز) مبدل و در سالهای ۱۲۹۰ و ۱۲۹۶ با این اسم منتشر شده باشد.

(۴۵) اخبار ایرانی

اطلاع نگارنده از این روزنامه عبارت از چند سطر است که عینا از مقاله (روزنامه نگاری در ایران) از شماره ۶ دوره جدید روزنامه کاوه نقل میشود. در مقاله مذکور مینویسد: «اولین روزنامه فارسی که بسیاق جراید فرنگستان چاپ شده بطور تحقیق معلوم نیست کدام بوده. در کتاب (مطبعه خارج از فرنگستان) در ذیل مساده دهلی، پایتخت قدیم هند؛ ذکر شده که در شماره هفتگی (اکبر ایرانی) یا (اخبار ایرانی) در سنه ۱۷۹۸ میلادی (۱۳۱۲) در آن شهر منتشر بوده است که در صورت صحت احتمال کلی دارد که این روزنامه فارسی بوده است چه دهلی در سنه ۱۷۱۸ بدست انگلیسها گذشته (۴) و پیش از آن مشکل است که روزنامه انگلیسی در آنجا دائر بوده باشد و ممکن است اسم آن روزنامه (اخبار فارسی بوده) که در املای فرنگی تصحیف شده و (اخبار) در هندوستان روزنامه را گویند»

۴۶ اختر

روز نامه اختر ، در شهر اسلامبول ، بطور هفتگی و مدتی روزانه و چندی هفته‌دو بار در سال ۱۲۹۴ قمری چاپ و منتشر شده است شماره اول این روز نامه روز پنجشنبه ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۲ قمری ، بمدیری (آقای محمد طاهر تبریزی و نویسندگی (میرزاهدی اختر) انتشار یافته و مدت ۲۲ سال مرتباً دایر بوده تا در سال ۱۳۱۳ قمری از طرف دولت عثمانی توقیف شده است - اختر در آغاز تاسیس ، غیر از روز های جمعه و یکشنبه ، هر روز و پس از مدتی هفته دوازده ، روزهای شنبه و چهارشنبه و در سالهای آخری بطور هفتگی انتشار یافته . برون در جلد چهارم تاریخ ادبیات خود صفحه ۳۱۴ (ترجمه) درباره اهمیت این روزنامه مینویسند « در سنه ۱۸۸۷-۸ نیز که من در ایران سفر میکردم تنها جریده قابل مطالعه زبان فارسی همان اختر بود که هفته‌یکبار در اسلامبول چاپ میشد » در حقیقت در دوران تیره و قاراستبداد روزنامه اختر کمک بزرگی بتنویر افکار ایرانیان نموده و در ایامیکه جراید این مملکت منحصر بچند روز نامه درباری از قبیل ایران و اطلاع بوده روزنامه اختر ، بقول ادوارد برون جریده قابل مطالعه زبان فارسی بشمار میرفته است بخصوص اخبار تلگرافی کشورهای خارجی که در این روز نامه درج شده ، برای اشنائی مردم باوضاع دنیای خارج کمکهای مفید و بزرگی نموده است تردیدی نیست که وجود همین جراید افکار مردم آنزمان را مهیای انقلاب نمود و پیدایش مشروطیت ایران تا اندازه رهین فدا کاری آقایان مدیران جراید آن روز است .

مرحوم قریبت در فهرست جراید آذر بایجان راجع بروزنامه اختر مینویسد : « اختر روز نامه هفتگی منتشر در اسلامبول بمدیریت محمد طاهر تبریزی و نویسندگی مهدی تبریزی در ۱۲۹۴ این روز نامه تا سنه ۱۳۱۳ مرتباً انتشار یافته و در آن تاریخ از طرف دولت ترکیه توقیف شده است » نویسنده روز نامه ، همان قسم که در بالا ذکر کردیم مرحوم میرزا مهدی اختر بوده است . بمرحوم میرزا مهدی فرزند « حاجی ابراهیم تاجر تبریزی » در اول جمادی الثانی ۱۲۵۵ قمری در محله خیابان تبریز بدنیا آمده و در ۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۵ قمری در محله (قاضی کوئی) اسلامبول بدرود زندگی گفته است . وی در سن ۲۴ سالگی از تبریز با اسلامبول رفته و مدتی از دوران حیات خود را در این شهر طی کرده تا در سال ۱۳۹۲ که (آقای محمد ظاهر تبریزی قراچه داغی) روزنامه اختر را تاسیس نمود ، مرحوم آقای میرزا مهدی نویسندگی آنرا بعهده گرفت و آثار و افکار و نظریات خود را بوسیله اوراق روز نامه در دسترس همگان قرارداد . مندرجات روزنامه دلیل بروست اطلاع و آگاهی

نویسنده آنست . فشار و سخت گری عمال حکومت عثمانی مدیر و نویسنده اختر را در فشار میگذاشت تا اینکه بالاخره هر دو دست از نامه نگاری شسته و نویسنده اختر خدمات صادقانه خود را بصورت دیگری در آورد .

توضیح آنکه پس از توقیف روزنامه اختر مرحوم میرزا مهدی نویسنده اختر بترجمه کتاب (ابراهیم بیک) پرداخت و این کتاب را که بزبان انگلیسی نوشته شده و مشتمل بر شرح اوضاع و احوال سیاسی و اداری ایران است پیارسی ترجمه نمود و چون خود قادر بر طبع کتاب نبود مرحوم (حاجی زین العابدین تاجر مراغه مقیم اسلامبول) که از آزادیخواهان و وطن پرستان است مخارج طبع آن را عهده دار گشت و بصورت آبرومندی آنرا منتشر ساخت .

از خدمات دیگر آن مرحوم تاسیس مطبعه (خورشید) در اسلامبول است که پس از مرگ او با جمیع کتب نفیسه اش از طرف حکومت عثمانی ضبط و مصادر شد . مرحوم اختر در سن ۷۰ سالگی بمرض قلبی دچار و بهمین مرض فوت نمود و پس از خود جز نام نیک و فرزندى بنام (محمد ابراهیم بیک) چیز دیگری باقی نگذاشت (۱) روزنامه معمولا در ۸ صفحه بقطع ۸ در ۱۳ با چاپ سری ؛ بوضع کاغذخوبی چاپ شده و قیمت اشتراك سالیانه آن بدینقرار است : در عثمانی ۵ مجیدیه ، در ایران ۲۵ قران ؛ در اروپا بیست و پنج فرانك .

و اما اطلاعاتیکه از متن شماره اول سال اول اختر اقتباس و گرفته شده از این قرار است : نومه ۱ فی ۱۶ ذی حجه ۱۲۹۲ پنجشنبه ۱ کانون ثانی سنه ۱۳۹۱ ؛ ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶ . مطبعه و اداره خانه درخان والده در دائره مخصوصه است مکتوبی که برای درج کازت باداره داده میشود و طبع نشود بصاحبش رد نخواهد شد . مکتوبی که اجرت پست آن داده نشده است از جانب اداره قبول نخواهد شد . قیمت سالیانه ۸ مجیدیه شش ماهه ۴ مجیدیه سفید ؛ يك نسخه سی پاره رایج است .

این مطالب و خصوصیات در عنوان روزنامه و در آخر صفحه ۴ و همچنین در سایر شماره ها اسم (طاهر) مدیر روزنامه چاپ شده و در زیر عنوان این عبارات درج است « این کازت از حوادث گوناگون و از سیاست و پولتیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت هرگونه مواد مفیده عامه مجاناً قبول و طبع خواهد شد . » سرمقاله روزنامه تحت عنوان (روزنامه و کازت) و باین عبارت شروع میشود : روشنائی بخش آفاق مدنیت و کحل الجواهر آفاق ترقی ملک و مملکت تا میرسد باینجا که ، بنا بر این هرگز روا نیست که در همچنان پای تخت معظم اقلایك روزنامه فارسی نباشد که هم فارسی دانان در این ممالک فسیحه را از وقایع و

(۱) روزنامه حکمت منطبعة مصر شماره ۹۰۵ سال ۱۶ مورخ غره صفر ۱۳۴۶ قمری

واخبار جهان واز آنچه بکار احتیاجات حالیه می آید بزبان شیرین ودلنشین آگاهی دهد. این شماره مانند سایر شماره ها در چهار صفحه بقطع بزرگ ، باکاغذ زرد و چاپ سریبی چاپ شده و مندرجاتش پس از سرمقاله اخبار دولت عثمانی و اخبار خارجه است . مجموعه نفیسی از اختر در کتایبخانه ملی که سابقا متعلق باعضاد السلطنه بوده موجود است .

(۴۷) اختر دانش

مجله اختر دانش در تهران در دو دوره انتشار یافته . دوره اول آن بمدیری (آقا میرزا محمد خان طهماسبی) و بقلم (محصلین دار الفنون تهران) در سال ۱۲۹۷ شمسی مطابق ۱۳۳۷ قمری منتشر شده . در این دوره مجله اختر دانش بطور ماهیانه بوده و در مطبعه (باقرزاده) طبع و هر نوبت ۵۰۰ نسخه از آن انتشار یافته است . سیاق مطالب و مندرجات مجله بیشتر ادبی است .

در شماره چهار مجله اقبال منطبعه طهران مورخ اول حوت ۱۲۹۷ شمسی طلوع اختر دانش را بدینقسم نوشته است : « مجله اختر دانش حاوی مطالب علمی و اخلاقی و تاریخی در تحت نظریات جمعی از دانشمندان رونق افروز مطبوعات گردید و شماره اول آن با اداره رسیده است ماموقیت آقای میزما محمد خان طهماسبی و سایر محررین آن مجله شریفه را خواستگاریم »

از شرح فوق معلوم میشود تاسیس و انتشار مجله در اواخر سال ۱۲۹۷ بوده و با آنچه از سالنامه وزارت معارف مستفاد میشود ، باین نتیجه میرسیم که اختر دانش پیش از چند ماهی منتشر نشده است . توضیح آنکه در سالنامه مذکور که در سال ۱۳۴۷ قمری انتشار یافته در ضمن ملاحظات راجع باین مجله مینویسد : « فلا تعطیل است . » دوره دوم مجله .

اطلاعی که نگارنده از دوره دوم این مجله دارد عبارت از شرحیست که دفتر مجله در روزنامه ایران مورخ ۱۸ قوس ۱۳۰۱ شمسی آگهی نموده و آن شرح این است : « دوره دوم مجله اختر دانش از حوت ۱۳۰۱ شروع میشود . قیمت سالیانه چهار تومان است طالبین آن بمحل اداره واقعه در بالا خانه شمس العماره مراجعه کنند . دفتر مجله اختر دانش »

(۴۸) اختر شرق

در شماره ۷ و ۸ سال دوم مجله تعلیم و تربیت وزارت فرهنگ مینویسد در ۲۰ دلو ۱۳۰۳ شمسی امتیاز روزنامه اختر شرق در تهران بمدیری (محمد رضا خان خاتمی مبین الملك)

از تصویب شورای عالی معارف گذشت .

(۴۹) اختر شمال

در سال ۱۳۰۶ شمسی روزنامه اختر شمال بطور هفتگی در تبریز تأسیس شده است .

(۵۰) اختر مسعود

روزنامه اختر مسعود بمدیري و سردیري (عبدالوهاب گلشن ابرانیپور) در



اصفهان تأسیس و شماره اول سال اول آن در تاریخ سه شنبه ۱۲ جمادی الاول ۱۳۳۸ قمری مطابق ۱۳ دلو ۱۲۹۸ شمسی در چهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سری در مطبعه (جبل المتین) طبع و توزیع شده است . اختر مسعود چنانچه در عنوان آن نوشته شد . هفته دو بار نشر میشود . خصوصیات روزنامه از این قرار است . قیمت اشتراك یکساله ۵۰ قران ؛ داخله ایران ۵۵ قران ، خارجه ۶۰ قران قیمت اعلانات صفحه يك سطرى دو قران در صفحه آخر يك قران و لوا یخ

گلشن ابرانیپور

خصوصی در حکم اعلان است . محل اداره : اصفهان . باغ جبل المتین . عنوان تلگرافی اختر مسعود . مندرجات روزنامه ، در عنوان آن ؛ در ضمن يك سطر بدین قسم معرفی شده است : این روزنامه حاوی مطالب علمی و ادبی و اخلاقی و تاریخی و سیاسی و اقتصادی خواهد بود .

مطالب روزنامه ؛ پس از درج سرمقاله اساسی که نوعاً امور کلی و گاهی مربوط بوقایع شهر است ؛ عبارت از حوادث شهری و وقایع طهران و گاهی از اوقات حوادث دنیا و مطالب گوناگون و اشعار است . مرام و مسلک روزنامه چنانچه در طلیعه روزنامه بدان اشاره شده ؛ ترویج و نشر معارف است .

طلیعه روزنامه - منظور از طلیعه ورقه ایست که مدیران جراید قبل از انتشار روزنامه

برای آگاهی مردم ، روی يك ورق منتشر میساخته و در آن مردم را از انتشار نزدیک روزنامه و سبک مندرجات آن با خبر میساخته اند . انتشار طلیمه از امور متداول بین مدیران جراید بوده و اغلب بدین کار مبادرت میکرده اند . نگارنده با اینکه همیشه برای تکمیل اطلاعات مربوط بجراید سعی داشته است اوراق طلیمه را بدست آورد و از روی آنها اطلاعات جامعتری در دسترس خوانندگان کتاب حاضر بگذارد ولی متأسفانه خیلی کم بآنها دست یافته و از این حیث کمال تأسف حاصل است . خوشبختانه راجع باختر مسعود این وضع پیش نیامده و در ضمن مجموعه مرتبی که از سال اول این روزنامه دارم و زرقه طلیمه آن نیز موجود است . این طلیمه که روی يك ورق بهمان قطع روزنامه و با چاپ سری در مطبعه حبل المتین چاپ شده ، تحت عنوان (طلیمه روزنامه اختر مسعود) و با مضای (گلشن مدیر روزنامه اختر مسعود) میباشد . چون نقل تمام مندرجات طلیمه موجب طول کلام است از این جهت فقط بنقل سطر اول و چند سطر از آخر آن اکتفا مینمایم :

« بر اربابان دانش و ذکاء و صاحبان بینش و دهاء پوشیده نخواهد بود که بقا و فناء هر ملت و دولتی منوط و مربوط بجهل و عقل و علم و عدم علم است . . . و چون میدانیم بهترین وسیله خدمت کردن بمعارف است و معارف را طرق بیشمار است این است که لا شینی گننام حسب الوظيفه یکی از طرق معارف را که نشر جراید است انتخاب کرده و باعزمی راسخ کمرهت را سخت بر میان بسته روزنامه اختر مسعود را که حاوی مقالات علمی و فلسفی و ادبی و اخلاقی و تاریخی و اقتصادی و سیاسی و غیره است برای خدمت بمعارف و ملت و دولت اختیار و بنگارش آن پرداخته است و امید است که بطوری که آرزو و آمال است از عهده انجام این وظیفه مقدس برآید و رجای وائق آنکه مطبوع نظر معارف خواهان گردیده بایک حسن اثری مستحسن گردد»

مقاله افتتاحی روزنامه یعنی مقاله شماره اول سال اول تحت عنوان (استعانت از قلم) میباشد و دو صفحه روزنامه را گرفته و باین جملات شروع میگردد : « ای قلم ای آنکه در دست مرد دلیر نایب مناب شمشیر و در انگشت حکیم و وزیر قائم مقام عقل و تدبیری بر خویش بیال که کنوز رموز معرفت را یگانه مفتاح سعادت و مغزن دانش و شرافت را فرزانه ابواب سیادتی . . .»

پس از سرمقاله اخبار و وقایع شهری (نمایش در عمارت چهلستون) و بعد اشعاری بعنوان (ادبیات . خطاب بقلم) که باین شعر شروع میشود : ای قلم ای طراز هر نامه ؛؛ معنی آرای راز هر نامه) چاپ شده و در صفحه چهارم بامضای (دکوجی) قسمت اخلاقی بعنوان (ظرایف و لطایف) درج شده و مشتمل بر یکمده امثال است از این قبیل . وقتی چوبیا و ر میداری گربه دزده رم میکنند . شیرینی دندون قاضی را کند میگونه . تا آخر .

شماره دوم سال اول روزنامه در تاریخ ۱۶ جمادی و سوم در ۲۰ جمادی الاول ۱۳۳۸ منتشر شده و بهین قسم در سال اول و بدو تاسیس روزنامه مرتب هفته دو بار انتشار یافته و آخرین شماره سال اول که شماره ۵۳ روزنامه است در تاریخ دو شنبه ۴ رجب مطابق ۲۴ حوت ۱۳۹۹ منتشر گردیده است . در این شماره بعنوان (اخطار مخصوص) راجع بیابان سال اول چنین مینویسد « چنانچه در شماره های قبل بعرض مشترکین گرام و عموم خو اتندگان روزنامه اختر مسعود رسانیده بودیم که سال اول در اول برج دلو خاتمه می پذیرفت و برای اینکه بعضی نمرات کسر شده بود لهذا تا آخر برج حوت ادامه داده و اینک سال دوم آنرا از نوروز تخاقوی میل ۱۳۰۰ شمسی میگیریم . در این سال هر هفته يك شماره ولی بقطع دو برابر کنونی اختر خواهد بود » خوانندگان اطلاع دارند که در همین ایام حوادث مهمی در مرکز مملکت روی مینمود و کودتای معروف سید ضیاءالدین طباطبائی در حوت این سال واقع گشت . از این جهت روزنامه اختر مسعود هم پس از درج اخطار مخصوص فوق ، بعنوان (کابینه سید ضیاء الدین) حوادث کودتار را بدین طریق شرح میدهد :

با اینکه هنوز بطور لزوم از مرکز مملکت اطلاع نداریم ولی آنچه از آثار و علامت مشهود شده و آنچه که بر طبق تلگرافهای رسمی بدست آمده است پس از سقوط کابینه سومی سپهبد اعظم و انقلاب يك جمعیت از قزاقان شاهنشاهی تحت ریاست رضا خان ؛ کابینه ایران از طبقه اشرافی نزول کرده و در اثر تجدید انقلابی کشور مشروطه ایران ، حسب الامر شاهنشاه با آقای سید ضیاءالدین طباطبائی ، صاحب و موسس روزنامه یومیه رعد سپرده گردید . رئیس الوزراء جوان بیانیه خطاب بهموطنان با نگارش روشن و آتشین محتوی بگناهان کشور مداران گذشته و رنجوری مشروطه پانزده ساله ما و نظریه مرامیه خویشتن در رفورم عدلیه و مالیه و القاء کابینتولاسیون ، تقسیم اراضی خالصه مابین زارعین تدوین قانون در بیشترى بهره برزگران از املاک اربابی ، استواری بلدیة ها برای معاصری شهرها ، بهبودی ساکنین و کارگران ؛ ترقی و تجلی لشکری و اقتدار سپاهیان آزادی ایران در تساوی رفتار با تمام دول خاصه همسایگان ، انتشار دادند .

در سالهای بعد با اینکه اختر مسعود هفتگی بوده ولی بطور غیر منظم ۱۵ روز یکبار و گاهی ماعی یک شماره نشر شده است . اختر مسعود در بدو تاسیس یکی از روزنامه های خوب و آبرومند اصفهان بوده و بواسطه مقالات گوناگون از اوضاع اجتماعی و اقتصادی در آن درج شده و مخصوصا چون مشتمل بر تمام اخبار شهری و معلی است مورد توجه و علاقه عموم بوده است .

لازم است یاد آور شویم که از شماره ۳۳ سال اول ، مطالبی بعنوان (حقوق) نگارش (کی استوان) در پاورقی صفحات دوم و سوم روزنامه چاپ شده است . سبک و روش مندرجات روزنامه در مدت هفت سال که از آغاز تاسیس روزنامه

گذشته بخشی است که فوقاً اشاره کردیم . در طول مدت این هفت سال تمام امور روز نامه بعهده صاحب امتیاز و مدیر مسئول گلشن ایرانپور بوده است ، از سال هشتم مدیری داخلی و سردبیری روزنامه بعهده (میرزا محمد علی دانش خوراسگانی که بعداً در اصفهان روزنامه دانش اصفهان را تأسیس و منتشر نموده است) واگذار شده و در شماره ۱۱ سال مذکور شرحی راجع به واگذاری مدیریت داخلی بدانش خوراسگانی بدینقسم نوشته . « مخفی نماند مدیر داخلی و کلیه امورات اداره جریده اختر مسعود بعهده آقای میرزا محمد علی دانش خوراسگانی میباشد » و از همین موقع است که بمناسبت اسم (دانش) شمر زیر رر عنوان روز نامه درج است : « دانش طلب و بزرگی آموز » تا به نکرند روزت از روز »

پس از واگذاری سردبیری روزنامه بعهده آقای دانش ؛ در سبک مندرجات روزنامه تغییراتی حاصل شده و روزنامه از صورت جدی بصورت فکاهی در آمده است و قسمتهایی تحت عنوان (مقوم) و (ادبیات) که زاده افکار آقای دانش بود و بعداً نظیر آن ها در روزنامه دانش اصفهان دیده میشود . بر روزنامه اضافه شده علاوه بر این قسمت بعضی از صناعات روزنامه بدرج تعریفهای بیجا از روسای دوایر دولتی و ورود و خروج اشخاص متفرقه و عمال دولت اختصاص داده شده است . برای اینکه خوانندگان از اشعاریکه بعنوان ادبیات در روزنامه درج است آگاهی پیدا نمایند لازم است قسمتی از این اشعار را بنقل از شماره ۹ سال هشتم مورخ ۲۳ شوال ۱۳۴۵ در اینجا نقل کنیم . این اشعار بعنوان (یک تصنیف قدیم) است : میخای نخود بیارم * تورا رو بخود بیارم * دیدی که نخود آوردم * تورا رو بخود آوردم ارمنی صندلانی * یی یی * میخای ماشک بیارم * تورا رو توشک بیارم * دیدی که ماشک آوردم * تورا رو توشک آوردم * ارمنی صندلانی یی یی .

از شماره اول سال نهم مورخ سه شنبه ۹ ربیع الاول ۱۳۴۶ قمری اداره روز نامه بعهده هیئت مدیره بدین قرار واگذار شده است :

صاحب امتیاز گلشن ایرانپور . در تحت نظر احمد عرفان . (آقای عرفان مدیر روزنامه و مجله عرفان منطبقه اصفهان) مدیر داخلی میرزا محمد علی دانش خوراسگانی این وضع با کمی تغییر و تبدیل تا سال ۱۵ انتشار روزنامه ادامه یافته و در طول این مدت روزنامه بدون ترتیب انتشار یافته ؛ از سال ۱۵ سردبیری و نگارندگی روزنامه بعهده (ادیب فرهنگ) واگذار شده و این ادیب فرهنگ همان کسی است که بعداً روزنامه گیتی نما و مجله تحفة الادبا را در اصفهان منتشر ساخته است . از این موقع در سبک مندرجات و قطع روزنامه تغییراتی حاصل گشته و روزنامه بقطع بزرگ و باحروف سری ریز و مقالات اساسی و اشعار گوناگون انتشار یافته است . لازم است یاد آور شویم تمام کسانی که مدتی در روزنامه اختر مسعود سمت

سر دبیری و مدیر داخلی داشته بعدا خود موسس روزنامه گشته و بانتشار روزنامه میادرت نمودمانند . احمد عرفان ؛ مدیر روزنامه عرفان ؛ ادیب فرهنگمدیر روز نامه گیتی نما ؛ محمد علی دانش خوراسگانی مدیر روزنامه دانش اصفهان . وما بعدا درمحل خود بشرح حال يك يك این آقایان و ذکر روزنامه های آنان خواهیم پرداخت .

اختر مسعود یکی از روزنامه های کهن سال اصفهان و در دوران انتشارش که متجاوز از پانزده سال بوده بنشر و توسعه فرهنگ و بالا بردن سطح معلومات عموم خدمات زیادی نموده است . اختر مسعود از لحاظ اینکه در دوره قبل از سلطنت پهلوی ، مدتی با ظلم و تعدی عمال دولت در اصفهان مبارزه نموده و از دادخواهی مردم پشتیبانی کرده یکی از جراید مهم ملی است و بهمین جهت گلشن ایرانپور در میان اهالی اصفهان با آزادیخواهی معروف و مشهور بود و با اینکه در اواخر عمر پیروشکسته شده و از شغل روزنامه نگاری دست کشیده بود ؛ با وجود این مورد احترام و علاقه عموم بود و در هر محفل و مجلسی وارد میشد بیاس سابقه خدمتش از او قدر دانی میکردند .

محل اداره روزنامه باستثنای مدتی که سردبیری آن با ادیب فرهنگمدیر بوده و در این مدت محل اداره خیابان حافظ بوده است ؛ در سایر مواقع : اصفهان خیابان سبه و عنوان تلگرافی اصفهان . اختر مسعود بوده است . اختر مسعود چون فاقد مطبعه مخصوص بوده ؛ در طول مدت انتشار در مطابع مختلف سنگی و سربی اصفهان از قبیل مطبعه جبل المتین ، مطبعه گلپهار ، مطبعه شرکت اتحاد . مطبعه فرهنگ . مطبعه موسسه عرفان . و مطبعه عرفان چاپ شده است .

شرح حال گلشن ایرانپور

جامعترین شرح حالیکه از مدیر اختر مسعود در دست است ، شرحیست که آقای ایزد گشسب در کتاب (نامه سخنوران ص ۱۳۱) از قول خود مرحوم گلشن ایرانپور نقل نموده و ما هم برای اطلاع خوانندگان عین آن شرح را از کتاب مذکور نقل مینماییم . آقای ایزد گشسب در زیر عنوان (گلشن) تخلص شاعری مدیر اختر مسعود مینویسد :

نامم عبد الوهاب تخلص گلشن سجل احوال ایرانپور (منظور نام فامیل است ۴۰) بواسطه داشتن امتیاز روزنامه اختر مسعود مشهور بمدیر اختر مسعود در سال ۱۲۹۶ هجری در اردکان یزد تولد یافته ام . پدرم حاجی محمد حسین از اهالی اردکان پس از مدتی که در یزد نشوونما نمودم با مرحوم ابراهیم خلیل خات باصفهان آمدم تحصیلات ابتدایی و مقدمات عربی و خلاصه الحساب و مطول خواندم عروض و فنون ادبیه را تحصیل کردم در سن ۲۵ سالگی بفرموده پدر کتاب انوار السبیلی را

منظوم نمودم. در ضمن کتاب عقل و جنون و دلکش و پریش را هم نظم نمودم و بچاپ رسانیدم چون انوار السبیلی سخت و مشکل و گاهی طبع از آن فرار می کرد ۴۵ سال طول کشید تا تمام شد. کتب دیگر از قبیل آلمان نامه، بهرام نامه؛ نخجیر نامه؛ مشروطه نامه و دیوان غزل و قصاید هم علاوه دارم مجموعاً قریب شصت هزار بیت میشود. آقای گلشن حقا از شعراء شیرین بیان این عصر و دارای قدرت عجیبی بود. پس از این شرح در کتاب نامه سخنوران چند غزل و یک مسط مصنوعه که از هر طرف خواننده شود دارای قافیه است نقل نموده و نیز عکسی از آن مرحوم گراور کرده است.

مرحوم گلشن در اثر عارضه کسالت در ۱۴ مرداد ۱۳۱۶ شمسی دارفانی را وداع گفت و روح شریفش باشیمان خلد پرواز نمود. گلشن با اینکه اشعار زیاد سروده ولی جز منتخباتی از غزلیات ایشان که بهمت آقای سپنتا مدیر روزنامه سپنتا در بمبئی چاپ شده بقیه نشر نشده است. و نیز گاه گاهی در خلال شماره های اختر مسعود بعضی از حکایات منظوم انوار السبیلی اثر طبع آن مرحوم بچاپ رسیده من جمله اشعار زیر است که در شماره ۱۷ سال اول مورخ سه شنبه ۶ شهر رمضان ۱۲۹۹ شمسی تحت عنوان (ادبیات) چاپ شده و ما برای نمونه آنرا نقل مینماییم،

گفت مصداق باب سیزدهم * هست گفتار شاه دل قلمز * آنچه پرش نمود شاه از من اندرین باب میشود روشن * شاه باید که با ملازم خویش * آورد اول امتحان در پیش زهر بک که شد تمام عیار * کندش اعتماد در هر کار * دید از هر که پاگی و اخلاص بر خویش کند بخدمت خاص * هر که پرهیز کار و راست ره است * دردش احترام از گنه است * راست کیش است و راست گفتار است * همه در راستیش کردار است این چنین کس امین شه شاید * بجز این کس امین نمی باید * هر که را راستی بود پیشه بی شکش از خداست اندیشه * آنکه ترسید از خدای ناچار * نرسد بر رعیتش آزار (دنباله اشعار زیاد است و ما برای خوف از اطناب بنقل همین اندازه قناعت مینماییم.)

گلشن ایرانپور، پس از مرگ از خود اولادی باقی نگذاشت و فقط اشعار و دوره های روزنامه او نام ویرا مغلطه و پایدار ساخته است.

دانش اصفهان که در روزنامه خود فوت استاد خود گلشن را تسلیت گفته مینویسد گلشن ایرانپور اولاد نداشت و لذا مرگ او بدون سروصدا بود. و شاید بعضی از همکاران او هم از فوت او اطلاع پیدا نکردند. این است طرز رفتار و اظهار حق شناسی مردم از یک نفر شاعر و نویسنده.

(۵۱) اخگر

روزنامه اخگر منطبقه اصفهان دو دوره مختلف را طی نموده است. دوره اول

از سال ۱۲۹۹ شمسی شروع و بسال ۱۳۰۷ ختم میشود و دوره دوم از ۱۳۰۷ تا ۱۳۴۲ شمسی که بجای آن روز نامه اصفهان انتشار یافته پایان مییابد.

در دوره اول روزنامه بمدیری و صاحب امتیازی (میرزا فتح الله خان وزیر زاده) تاسیس شده و شماره اول سال اول این دوره در جدی ۱۳۹۹ منتشر شده است .

در دوره اول روزنامه عنوان هفتگی داشته ولی هیچ گاه در طول مدت انتشار بطور منظم و مرتب منتشر نگردیده است و بقسمیکه خود مدیر روزنامه در شماره اول سال سوم مورخ دو شنبه سوم رجب ۱۳۳۹ قمری (سال تاسیس ۱۳۳۹ قمری بوده) بعنوان (ماهم عوض کردیم) مینویسد . « در حال ما بر خلاف سیره معمول خود که باید حتما دوره روزنامه اخگر بچهل و هشت شماره ختم شود بنسبست انقلابات تاریخی ایران و شروع عصر پهلوی دوره دوم را بشانزده شماره ختم کرده و دوره سوم را با این شماره شروع میکنیم و امیدواریم موجباتی که باعث فسخ این عزیزت نشود همان چهل و هشت شماره ولی زودتر از دوره های اول و دوم بیشتر کین برسانیم » .

خصوصیات روزنامه در دوره اول از اینقرار است : وجه اشتراك يكسا له ۶۰ قران در ولایات اجرت پست علاوه میشود . تك شماره شش شاهی روزنامه با چاپ سری در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه جبل المتین چاپ شده و مندرجاتش بیشتر مقالات متنوع و ترجمه های مفید است . کمتر در این دوره روزنامه اخبار غرض آمیز و غیر واقع و مقالات انتقادی دیده میشود برعکس چون مدیر روزنامه شخصی درست و پاکدامنی بوده سعی میکرد است مقالات عام المنفعه و مفید در روزنامه درج شود ، سبک انشای مقالات که نوعا بقلم خود مدیر روزنامه تدوین شده ساده و روان است همانقسم که فوقا یاد آور شدیم روزنامه اخگر تا سال ۱۳۰۷ شمسی بطور غیر منظم منتشر میشده تا اینکه در این سال بر طبق قرار داد مخصوصی مدیریت و مسئولیت روزنامه بعهده آقای (امیر قلی امینی مدیر روزنامه اصفهان) واگذار شده و از این تاریخ دوره دوم روزنامه شروع میگردد .

علت کناره گیری آقای وزیر زاده از امور روزنامه و واگذاری آن با قای امینی کار تازه بوده که در ادارات دولتی بعهده ایشان واگذار گردیده و ناچار ب خروج از اصفهان بوده اند توضیح آنکه این ایام مصادف با انعلال عدلیه بدست مرحوم داور بوده و نامبرده که هر جا اشخاص دانشمند و مطلع سراغ میکرد آنان را برای عضویت در عدلیه جدید دعوت مینمود آقای وزیر زاده را نیز ب عضویت عدلیه دعوت نمود و مشارالیه از آن تاریخ تا کنون در دادگستری بشغل قضاوت مشغولند .

آقای وزیر زاده از فضلا و دانشمندان کشور بشمار میرود و ابتدای ورود ایشان بخدمات دولتی در وزارت فرهنگ بوده و مدتی در اصفهان بامور فرهنگی اشتغال داشت

و من جمله دو سه سال ریاست دبستان صنعتی راعهده دار بوده تا اینکه هماقسم که یاد آور شدیم در سال ۱۳۰۷ شمسی بخدمت در وزارت دادگستری مشغول گردیدند . وی از قضات عالی رتبه و مشاغل مختلفی از قبیل ریاست استیناف شیراز و کرمان راداشته - اند . اخیرا نیز بریاست دادگستری اصفهان منصوب و مشغول کار گردیده اند .

دوره دوم روزنامه - شماره اول سال اول دوره دوم روزنامه در تاریخ پنجشنبه سوم آبان ۱۳۰۷ شمسی مطابق دهم جمادی الاول ۱۳۴۷ قمری منتشر شده و در این دوره صاحب امتیاز و موسس روزنامه (میرزا فتح الله خان وزیر زاده) و مدیر مسئول و سردبیر (امیرقلی امینی) معرفی گشته ولی در حقیقت تمام امور روزنامه بعهده آقای امینی بوده و اصولا وزیر زاده هیچ نوع دخالتی در کار روزنامه نداشته است . و چون این دوره از روزنامه دوره جدیدی محسوب میشده شماره و سال انتشار آن نیز از نو شروع گردیده و ذکری از شماره های قبلی نشده است و شماره مورخ سوم آبان ۱۳۰۷ شمسی بعنوان شماره اول از طبع خارج شده است . اخگر در ابتدا با قطع کوچک ، هفته سه شماره و پس از یکماه بطور یومیه و بفاصله سه ماه بقطع بزرگ انتشار یافته و در شهریور ۱۳۰۸ شمسی مطبعه مخصوصی برای طبع روزنامه خریداری شده و بکار افتاده است .

خصوصیات روزنامه در این دوره از اینقرار است ، قیمت اشتراك یکساله ۶۰ قران ، ششماهه ۳۵ قران ؛ ولایات خارجه بعلاوه اجرت پست تك شماره ۴ شاهی عنوان تلگراف (اخگر) محل اداره خیابان سب ، طبع روزنامه با چاپ سربی (مطبعه جبل التین) در شماره اول بعنوان (یادآورهای لازم) توضیحات زیر از طرف دفتر روزنامه داده شده است :

« روزنامه اخگر سعی دارد که همواره مهمترین اخبار شهری ، مملکتی ، خارجی را در صفحات خود انتشار دهد و اگر ما در این شماره و شاید در شماره دوم و سوم موفق بدرج اخبار مذکور نشویم . البته از شماره چهارم ببعده جبران این کسر را نموده و خواطر خوانندگان محترم را از این جهت و هرجهت دیگری راضی خواهیم ساخت (۲) این روزنامه عجالتا هر هفته در سه شماره مرتبا منتشر میشود و ما سعی داریم که در آتیه نزدیکی بطور یومیه آنرا انتشار دهیم . (۳) ما فضلا برای کلیه کسانی که آنها را بترویج معارف و نشر مطبوعات آبرومند علاقمند میدانیم تا سه شماره به رسم نمونه روزنامه میفرستیم چنانچه برای اشتراك این نامه ملی و کمک بدنیای مطبوعات حاضر نیستند انتظار داریم که عدم قبول خود را کتبا اطلاع دهند و الا در جزو مشترکین ثابت محسوب میشوند . (۴) در شماره دوم از قرائت رساله (تدایر و حسی) و حکایات شیرین (هزار و یک لطیفه) که هر یک تالیف مستقلی است و اثر قلم مدیر ما است غفلت نکنید و الا پشیمان میشوید . »

در عنوان روزنامه ، اخگر روزنامه اجتماعی - اقتصادی - علمی - ادبی معرفی شده و از همان شماره اول مقالات گوناگونی از قبیل (از مسائل صحتی ، قسمت تفریحی ؛ جهان زنان) و يك قسمت باورقی در صفحات دو سه از آثار (بوکانشو) بعنوان (مرغابی های فلورانس) درج است . سرمقاله این شماره بنام خداوند بخشنده مهر بان و بعنوان (روزنامه و روزنامه نگار) نوشته شده که نا تمام است .

اخگر سال بسال رو بتکامل رفته و با پشت کار و جدیت مخصوص آقای امینی مدیر آن ؛ علاوه بر تهیه مطبوعه مخصوص برای چاپ روزنامه ؛ مقالات و ترجمه های مفیدی در آن بچاپ رسیده علاوه بر این يك قسمت از اعلانات ثبت عمومی چند بخش اصفهان در این روزنامه چاپ گردیده است ؛ روزنامه اخگر تا سال ۱۳۲۲ شمسی منتشر شده و در این سال بعلت توقیف عموم جراید کشور این روزنامه نیز توقیف و پس از چندی بجای آن روزنامه اصفهان منتشر شده است .

آقای امیر قلی امینی ؛ با اینکه از اوان طفولیت بعلت عارضه دچار فلج گردیده و نیمی از بدن ایشان بی حس مانده است . مع ذلك دارای پشت کار زیاد و اراده قوی است و با وصف بیماری توانسته است با تاسیس پرورشگاه یتیمان و عضویت و ریاست انجمن شهرداری خدمات گرانبهائی بهمشریان خود بنماید بسمیکه خدمات ایشان در پرورشگاه مورد تحسین عموم قرار گرفته و با گرفتن اعانه از خیرخواهان و نیکوکاران توانسته اند متجاوز از یکصد نفر کودک یتیم را سالیانه تربیت نمایند پرورشگاه امینی اکنون یکی از موسسات عام المنفعه و مفید شهر اصفهان است و همه ساله جمع زیادی پسر و دختر با فرا گرفتن معلومات لازم و یاد گرفتن یکی از اقسام هنرهای زیبا ؛ دنبال کسب میروند . مهمترین خدمت امینی بنای پرورشگاه است که بتدریج و در ضمن سالیان دراز موفق شده اند عمارت آبرومند و بزرگی برای پرورش پسران و دختران جداگانه بنا نمایند و اکنون هر دو بنا موجود و حکایت از کمال جدیت و قدرت اراده و توانائی این مرد مینماید .



آقای امینی نه فقط اوقات خود را صرف خدمت بهمشریان خود نموده بلکه در نتیجه مطالعات دائم خود چند مجلد کتاب نیز تالیف و یا ترجمه نموده اند . مهمترین آنها عبارت است از داستانهای امثال در دو مجلد . کتاب مذکور که با عباراتی سلیس و شیرین تدین یافته مشتمل بر شرح و برداستعمال و پیدایش بیشتر امثال فارسی است .

آقای امیر قلی امینی

(۵۲) اخلاق

روزنامه اخلاق را آقای (فرخ دین پارسای) در سال ۱۲۹۳ تاسیس و منتشر نموده است .

فرخ دین پارسای سالهای سال در حوزه مطبوعات وارد و در جراید مقالات شیرین و آثار لکش دارند . نامبرده در سال ۱۲۹۹ شمسی مجله جهان زنان را در مشهد تاسیس و مدیریت خانم فاضله خودشان (فخر آفاق پارسای) منتشر نموده و در سال ۱۳۰۷ شمسی مجله عصر حدید را ماهیانه دایر و در سال ۱۳۰۹ آنرا هفتگی نمود . و نیز هماغس که در بالا یاد آور شدیم در سال ۱۲۹۳ روز نامه اخلاق را منتشر نمودند . فرخ دین پارسای تا اواخر سال ۱۳۲۶ شمسی در قید حیات بود و در همین اوان برای فروش نخ قیمت دولتی باصفهان ماموریت یافت و عاقبت الامر متهم بدریافت رشوه گردید و مدتی از طرف باز پرس دیوان کیفر (آقای رضوانی) ببعیت مهاجرت رئیس اقتصاد اصفهان و حسینقلی دهش ، واسطه امر ارتشا، در زندان شهر با نسی بسر میبرد ، در این اوان که اتفاق ملاقات دست داد پیری سالخورده بنظر رسید .

(۵۳) اخلاق

مجله اخلاق در سال ۱۲۹۹ بطور هفتگی در خراسان تاسیس شده است .

(۵۴) اخوت

سه روزنامه در ایران و خارج ایران بنام اخوت منتشر شده و ما هریک را بترتیب سال انتشار جدا گانه شرح میدهیم .

اول روزنامه اخوت در تبریز . روزنامه اخوت در تبریز بطور هفتگی بدیری (احمد بصیرت) با چاپ سنگی ، چاپ و در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است . مرحوم کسروی در تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان (ص ۹۵) اخوت را در جزو سایر جرایدیکه در ابتدای مشروطیت در تبریز منتشر شده ذکر کرده است . مرحوم تربیت در فهرست روزنامه های آذربایجان این روزنامه را (روزنامه ارتجاعی) قلمداد نموده است . میرزا احمد معروف به بصیرت علاوه بر روزنامه اخوت : در سال ۱۳۲۴ قمری دو روزنامه دیگر بنامهای اتحاد و اسلامی در تبریز منتشر نموده است . (رجوع شود بکلمات اتحاد و اسلامی از همین کتاب)

(۵۵) اخوت

دوم روزنامه اخوت در رشت . روزنامه اخوت در رشت بطور هفتگی در سال ۱۳۲۸ قمری تاسیس و شماره اول آن در هشتم شعبان سال مذکور منتشر شده است از این روزنامه بطوریکه برون در تاریخ مطبوعات و شعر خود (ص ۳۷) مینویسد بصورت غیر منظم رو بهرفته ۱۳ شماره انتشار یافته که تاریخ شماره اول ۸ شعبان و شماره آخر ۲۴ جمادی الاول ۱۳۲۹ قمری بوده است . باز بقسمیکه برون در همین

صفحه مینویسد در شماره اول مدیر مسئول (مویذ) و در شماره دهم (مولوی) معرفی شده و هر شماره آن چهار تا شش صفحه بقطع ۷ و نیم در ۱۲ سانتیمتر میباشد . وجه اشتراك سالیانه دررشت ۱۰ قران و در سایر شهرهای ایران ۱۲ قران .

(۵۶) اخوت

سوم روزنامه اخوت در بغداد - روزنامه اخوت در بغداد ، بطور هفتگی ، در سال ۱۳۲۸ قمری مطابق ۱۹۱۰ میلادی بیدیری (محمد تقی یزدی) منتشر شده است . اخوت نامه ایست آزاد و سیاسی و وجه اشتراك آن در ایران ۲۰ قران ، در روسیه ۵ منات ؛ در اروپا ۱۰ فرانك و در هندوستان ۶ روپیه معین شده است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۳۷) از قول رابینو مینویسد هشتمین شماره این روزنامه در تاریخ ششم ربیع الثانی ۱۳۲۸ قمری منتشر شده و نیز مولف مذکور مینویسد : من هیجدهمین شماره این روزنامه را که در چهارم شعبان ۱۳۲۸ انتشار یافته و در هشت صفحه بقطع ۶ و نیم در ۹ و نیم سانتیمتر است در دست دارم . در کتاب (تاریخ الصحافة العربیة) جلد چهارم ؛ در جائیکه از جراید بغداد گفتگو میکند مدیر روزنامه (اخوت) را عبدالعسین ازری و تاریخ انتشار آن را ۳ نیسان ۱۹۱۰ ضبط نموده و (حاج محمد تقی یزدی) را که ما در اینجا بیدیری اخوت معرفی کردیم ، مدیر روزنامه (مصباح الشرق) بغداد نوشته است و چون مدرک ما روزنامه نمونه اخوت است از این جهت باید گفت صاحب تاریخ الصحافة دو چار اشتباه شده است . عبدالعسین ازری مذکور ؛ بگفته صاحب تاریخ الصحافة چندروز نامه در بغداد منتشر کرده است من جمله روزنامه (روضه) مورخ ۲۲ خزیرات ۱۹۰۹ و روزنامه (المصباح) مورخ ۷ آذار ۱۹۱۱ و روزنامه (المصباح الاغر) مورخ ۱۴ تشرین الثانی ۱۹۱۱ (ص ۷۸ تاریخ الصحافة العربیة)

(۵۷) اخوت

شماره اول سال اول مجله اخوت منطبه کرمانشاه بصاحب امتیازی و موسسی (حاج عبدالله مستشار علی نعمتی) و مدیر مسیولی (دکتر عبدالعسین الهامی) در ۳۰ صفحه بقطع کوچک خشتی در منطبه سربی (شرکت سعادت کرمانشاه شعبه ۱) طبع و در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۰۷ شمسی مطابق ۱۸ ذی حجه ۱۳۴۶ و ۷ ژوئن ۱۹۲۸ میلادی منتشر شده است . تاسیس مجله اخوت چنانچه در پشت جلدش ضبط شده در اردیبهشت ۱۳۰۷ بوده و ماهی یکبار بهمکاری جمعی از فضلا و دانشمندان انتشار می یافتند . قیمت آبونه یکساله آن در کرمانشاه ۲۴ قران و در سایر ولایات باضافه اجرت پست . عنوان مراسلات : کرمانشاه . مجله اخوت . نمره تلفون ۷۴ شعار

مجله که در پشت جلد و بالای صفحه اول چاپ شده عبارت از يك كشكول و دو تبرزين و تسيح هزار دانه ايت كه درميان دو تبرزين حرف (ص ۱۳۱۷) رسم شده و اين شعار كه علامت مخصوص فرقه دراویش است ميرساند كه موسس و نويسندگان مجله از اين سلسله و مخصوصا از مندرجات مجله معلوم ميشود كه بستگی خاصی به ظهيرالدوله (صفی علیشاه) داشته اند . در شماره اول آخرين تمثال ظهير الدوله در آغاز مجله چاپ شده و نیز در صفحه اول شرح تولد و خرقه تهی کردن آنرا حوم درج است .

علاوه بر این در هر شماره مقداری از اشعار ظهير الدوله بعنوان ضمیمه مجله و در همین شماره اول اشعاری از آن مرحوم در هشت صفحه اول مجله بعنوان (واردات) چاپ شده است . مندرجات مجله اخوت بطور کلی عبارت از مطالب عرفانی و اخلاقی و نیز اشعاریکه در این زمینه ها سروده شده است ، میباشد و در پشت جلد ، جایی که مندرجات مجله را معرفی میکند ، مینویسد : « این مجله باستثناء مطالب سودمند از درج اخبار عمومی و مقالات سیاسی معذور است » خلاصه اینکه اخوت مجله ایت عرفانی و شاید اصولا برای نشر اشعار ظهيرالدوله تاسیس شده است . در شماره اول سال اول در قسمت دوم مجله یعنی پس از اشعار ظهيرالدوله ؛ و درج چند سطر تبريك عيد غدیر شرحی تحت عنوان (ما و محیط) بامضای (م . فرهپور) نوشته شده كه تا اندازه علت انتشار و پیدایش و مرام و مسلك مجله را آشكار مینماید و ما برای مزید توضیح عین آن را در زیر درج میکنیم . ما و محیط .

در میدان تنازع بقا آفتاب سعادت بر قومی پرتو افکن شود كه با سرما به علم و هنر و توشه توكل در بیابان طلب پای ترقی نهد و با سعی و مجاهدت و تحمل رنج و ریاضت این طریق بر زحمت و مخافت را در نور دیده خود را بسر منزل مقصود رساند و در ممر كه مبارزه حیاتی شاهد فتح و ظفر را ملتی در آغوش كشد بیرق سعی و عمل را بدست گرفته با استقامت و فداکاری جنود جهالت و ضلالت را پایمال نموده سلطان دانش را بر اریكه سلطنت نشانیده تدبیر امور مملكت را بكف با كفایت و زیر عقل سپارد ، مملكتی از حضيض ذلت و انحطاط رهائی یافته بدوره ترقی رسد كه افراد سکنه آن و مسائل تمدن را فراهم ساخته صنعت و تجارت را رواج داده در استخراج معادن و استفاده از قوای طبیعت كوشش نمایند . و بالاخره كشوری در صورت و معنی بترقیات عالیله نائل شود كه باغستان تمدن آن كشور با زهار و ریاحین تدین و تذهیب اخلاق آراسته و پیراسته گردد و دیانت و مكارم اخلاق و فضایل را تقویت نماید . در این مملكت ؛ مملكتی كه از منفع پرستی طبقات ممتاز و قلت اشخاص منور الفکر قرنهای گذشته از قافله تمدن باز مانده و بواسطه حكمرمائی جهالت چنانكه باید و شاید باین دو اصل اساسی توجهی شده و در نتیجه از يك طرف فقر اقتصادی سکنه آن را پریشان و از طرفی مفساد اخلاقی

محیط آنرا مسموم ساخته است . بر افراد فضلی این کشور) خاصه در این ایامی که
علائم و آثار خوشبختی از گوشه و کنار پدیدار گردیده (لازم و واجب است که با
مواعظ حسنه و نصایح سودمند جهال قوم را از خواب غفلت بیدار ساخته و با وضاع
عالم آشنا نموده از مفساد بی علمی و نادانی آگاه کرده از مضار رذایل و فساد اخلاق
مطلع سازد .

در تعقیب این نظریه (مجله اخوت) قدم بعرضه حیات نهاده و در میدان مجاهدت
جلوه گر شده علم بیداری ملت را باهتزاز آورده با مساعی جمیله عده از اشخاص
ایران دوست انسانیت خواه ترقی طلب خود را حاضر و آماده ساخته ؛ از نویسندگان
مشهور ایران و فضلا و ادبای کشور کیان استمداد فکری و قلمی نموده با عزمی متین
و اراده آهنین برای امحاء فساد اخلاق و عادات رذیله ترویج ملکات فاضله و رسوم و
آداب حسنه و بعبارت اخری برای تهیه لوازم ترقی تمدن و وسایل تشدید اساس تدین
جدبیت و فعالیت بخرج خواهد داد و خصائل و فضائل آدمیت را با بیاناتی فصیح و
عباراتی شیرین و سلیس تشریح نموده در معرض افکار عمومی خواهد نهاد در خاتمه از
دانشندان منورالفکر مملکت از هر حزب و جمعیت و فرقه که هستند امیدوار بمساعدت
مادی و معنوی بوده و برای نیل بآمال قبیله از حضرت عزت جلت عظمته موقیت تامه را
مسئلت مینمایم . و به نستعین و علیه التکلان . (م . فرهپور)

چنانکه خوانندگان در این مقاله ملاحظه میفرمایند و ما نیز سابقا اشاره کردیم
بیشتر منظور از تاسیس مجله اخوت نشر مطالب اخلاقی و مواعظ عرفانی است . فهرست
مندرجات شماره اول نیز موید این دعوی است : از رموز و اسرار عرفانی . (این
مقاله راجع باسم جلاله یعنی الله است که بعقیده نویسندگان آن آقای . س عبدالکریم
غیثت، از اسرار و رموز عرفانی است) قسمت اجتماعی بقلم . ع . احتشام اولیائی .
اخوت و برادری بقلم . ص . وحدت . آکل و ماکول (شعر) اثر طبع غیرت . چند
شعر تحت عنوان (قسمت ادبی) اثر طبع حسین پاشا خان شایقلی که از ندما و معاصرین
ظہیرالدوله بوده است . اشعاریکه از ظہیرالدوله در شماره اول و شماره های دیگر مجله
اخوت طبع شده از کتاب (واردات) آن مرحوم است . کتاب واردات با این اشعار
شروع میشود :

خوشم آمد بدین وزن آنچه مطلب	✽	بشد وارد بفکرم روز یا شب
ابا تاریخ روز و ماه و سالتش	✽	کنم جمع و فتادم در خیالتش
نمودم جمع و اسمش (واردات) است	✽	خیالی نیست جمله شاهدات است
اگر بادقت و فرصت بخوانی	✽	سلیقه و اعتقاد را بدانی

مرحوم ظہیرالدوله از عرفا و شاعران معروف و در طهران دارای خانقاهی برای
دعا و پیش بوده و اکنون نیز خیابانی در طهران بنام وی (صفی علیشاه) مشهور است .

ظهرالدوله در قضایای بمباردمان مجلس و فتنه مستبدین صدمات زیاد متحمل شد و خانه اش بدست اشرار غارت گردید . فهرست مندوجات شماره ۸ سال اول که در اول بهمن ۱۳۰۷ منتشر شده از این قرار است : مجمع الاطوار . حقیقت خلق ، تمییر اخلاق محال نیست . غزل اثر طبع امین السلطان بی‌ریا . قسمت اقتصادی بقلم ع . کار دوش حقیقت مستور است .

مجله اخوت مدت یکسال یعنی ۱۲ شماره منتشر گردیده و تعطیل شده است . مغضی نماند که طبق فهرست ضمیمه شماره ۷ و ۸ سال دوم مجله تعلیم و تربیت امتیاز این مجله بنام حاج میرزا عبدالله در تاریخ ۴ شهریور ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی فرهنگ گذشته ولی معلوم نیست بچه علتی انتشار آن تا خرداد ۱۳۰۷ بتاخیر افتاده است .

در باره انتخاب کلمه (اخوت) برای نام مجله باید در نظر داشت که اختیار این نام بمناسبت (انجمن اخوت) بوده که مرحوم ظهرالدوله عضویت آنرا داشته است تفصیل پیدایش انجمن اخوت در طهران از این قرار است که در دوره تاریخ استبداد ناصری مرحوم حاج میرزا حسن صفی علیشاه مولف تفسیر منظوم قرآن مجید و بعضی تالیفات ادبی دیگر ، بعنوان ترویج اصول عرفان ؛ محفل محبتی در پایتخت تا سیس کرد و عده از منورین را گرد خود جمع نموده بمذاظره ظهرالدوله صفی علیشاه نیز عضویت آن را پذیرفت و در نتیجه (انجمن اخوت) تاسیس گردید . اعضای این انجمن برای از بین بردن خرافات و اصول استبداد خدمات گرانبهایی نموده و بعلت دشمنی بسا همین انجمن بود که بامر محمد علیشاه خانه ظهرالدوله را بتوب بستند و سربازان سیلاخوری و مامقانیها آنجا را غارت کردند .

ظاهرا انجمن اخوت قدیمترین انجمنی بوده که در طهران تشکیل گردیده و تاسیس آنرا بسال ۱۳۱۷ قمری میرسانند . ظهرالدوله در ترویج انجمن اقدامات مجدانه و کوششهای بسیار نمود و بس از خرابی محل انجمن بدستور محمد علیشاه در شعبان ۱۳۲۷ قمری ؛ بر روی خرابه های آن محل ، شب نشینی و یا گاردن پارتنی باشکوهی بنفع آسیب دیدگان حوادث مشروطیت ، برپا داشت و جمع زیادی با خرید بلیطهای ورودی بانجمن کمک نمودند . مرحوم ظهرالدوله جانشین مرحوم صفی علیشاه و از خانواده درجه اول ایل قاجار و در سال ۱۲۷۹ قمری متولد و بعد از ظهر شنبه ۲۲ ذیحده ۱۳۱۴ شمسی بمرض سکنه دارفانی را بدرود در یکی از نقاط شمیران تهران مجاور امام زاده قاسم او را دفن کردند . فقید مبرور چند سفر بحکومت های عمده نامزد گردید و چون پس از خرابی عمارت مسکونی و غارت اثاثیه او در استبداد صغیر دیگر موافق بتدارک اسباب و خانه نگردید لذا در هر مورد با یک کیف و یک نوکر با ساده ترین طرزی بمحل حکمرانی رفته و حکومت میکرد .

(۵۸) اخوت شیراز

روزنامه اخوت شیراز در شهر شیراز ؛ بدبیری (خادم استان قمرای نعمت اللہی عبدالکریم معروفعلی) و معاونت (میرزا سید حسینخان طهرانی دبیرتاج الشعرا) بطور ہفتگی تاسیس و شماره اول با چاپ سنگی (مطبعہ اسلامیہ) طبع و در چہار صفحہ بقطع وزیری در تاریخ ۱۴ شہر ربیع الثانی ۱۳۲۶ قمری منتشر شدہ است .
اسم روزنامہ (اخوت شیراز) با خط نسخ درشت و در بالای آن دو دست بہلامت اتحاد کہ جملہ (یداللہ فوق ایدیہم) زیر آن نوشتہ شدہ ؛ چاپ گردیدہ است .
عنوان مراسلات : انجمن اخوت شیراز . قیمت اشتراک سالیانہ شیراز ۱۵ قران . سایر بلاد ایران ۱۷ قران ؛ خارجہ قیمت پست اضافہ میشود .

مقالہ افتتاحی شماره اول بدین قسم شروع می‌گردد : « بر اخوان بصیر و دانش پژوہان روشن ضمیر کہ روی گفتار ما با آنان است پوشیدہ و پنهان نیست کہ سبب ترقی ہر مملکتی از ممالک متمدنہ نخست و ہلہ نشر جراید یا فواید و افکار ابکار صاحبان اخبار است کہ بدون غرض و مرض مطالب مہمہ را کہ مبتنی بر ترقی وطن و رفاهیت ابناء زمین است اشاعہ دهند ... »

علاوہ بر سرمقالہ مذکور اخبار شیراز بہ عنوان (ورود موبک مسعودی) و نیز اخبار دیگر شہری و اتفاقات راجع باارہ نظمیہ و در آخر صفحہ چہارم مطالبی تحت عنوان (سوال و جواب) با مضای معروفعلی درج است شماره دوم اخوت در تاریخ جمعہ ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۲۶ قمری منتشر شدہ و از شماره سوم تبریز و کشکولی بالای اسم روزنامہ اضافہ شدہ است پنج شماره این روزنامہ را نگارندہ دیدہ ام . برون در کتاب مطبوعات (ص ۴۷) در بارہ این روزنامہ بیک سطر قناعت کردہ مینویسد : « روز نامہ ہفتگی اخوت در سال ۱۳۲۶ قمری در شیراز با چاپ سنگی منتشر شدہ است ... »

(۵۹) ادب

روزنامہ ادب کہ بدبیری ادیب الممالک شاعر و نویسندہ چند روزنامہ تاسیس و منتشر شدہ سہ دورہ مختلف را طی کردہ و مدتی در تبریز و زمانی در مشهد و چندی در طهران انتشار یافتہ است . بنا بر این مانیز در سطور ذیل از سہ دورہ مختلف آن تحت سہ عنوان جداگانہ گفتگو مینمایم :

روزنامہ ادب در تبریز

مرحوم تربیت در فہرست جراید آذربایجان راجع بروزنامہ ادب در تبریز مینویسد : « روزنامہ دہ روزہ منتشر در تبریز با چاپ سنگی بدبیریت صادق ادیب الممالک در سنہ

۱۳۱۶ قمری شماره اولش بعنوان جریده ادب و بعد از آن فقط با لفظ ادب انتشار یافته و در عرض دو سال ۲۲ شماره مصور نشر شده است ۲۰ صفحه ۴۰۶ دانشمندان آذربایجان.

از شرح فوق معلوم میشود که مرحوم ادیب‌الممالک از سال ۱۳۱۶ شروع با انتشار روزنامه ادب نموده و جمعا در مدت دو سال ۲۲ شماره از این روزنامه منتشر نموده است. راجع بعلت رفتن ادیب‌الممالک بتبریز و حادثه ای که در آنجا برایش رخ نموده و نیز چگونگی انتشار روزنامه در آنجا؛ شرح نسبتا جامعی مرحوم و حید در مقدمه دیوان ادیب‌الممالک که بتصحیح آن مرحوم چاپ شده در صفحه (بط) مقدمه آورده که برای روشن شدن تاریخچه روزنامه لازم است آنرا عینا نقل نمایم؛

« در ذیقعه ۱۳۱۴ قمری که امیرنظام دوباره پیشکاری کل آذربایجان منصوب شده ادیب‌الممالک هم با او بتبریز رفته و در ۱۳۱۶ که مدرسه لقمانیه در تبریز باز شد ادیب‌الممالک نائب رئیس مدرسه گردید و در همین ایام معمم شد و گاهی بر فراز منبر باعذب بیان و طلاقت لسان موعظه میفرمود و نیز در همان سال روزنامه ادب را در تبریز با خط نستعلیق انتشار داد و بعد از مدتی انقطاع دو باره با خط نسخ انتشار داده از این قسمت که مصور بود دو نسخه منتشر شده و روزنامه اش توقیف گردید و ادیب عازم طهران شد لیکن در منزلگاه اول از اسب بزمین خورده دستش شکست و بتبریز مراجعت کرد. پس از بهبودی دو باره يك نمره روزنامه ادب را در تبریز منتشر ساخت و قصیده در پیش آمد احوال خود ساخته مندرج داشته بود که مطلع آن این است: (دست شکسته باز در آمد از آستین). نسخه سوم روزنامه ادب مصور منقارن با ۱۵ شعبان ۱۳۱۷ است. در اوائل سال ۱۳۱۸ از تبریز بقفقازیه رفت و از آنجا بخوارزم سفر کرده چندی در نزد پسر محمد امین خان خیره بسر برده و از آنجا بمشهد مقدس رضا (ع) رفته و از چهاردهم رمضان ۱۳۱۸ تا شوال ۱۳۲۰ روزنامه ادب را در مشهد انتشار داده است. این بود شرحی که در مقدمه دیوان ادیب‌الممالک راجع بروزنامه ادب نوشته شده است. نظیر شرح فوق در رساله کوچکی که در ۳۲ صفحه در برلن بقلم خان ملک نوشته و چاپ شده مسطور است و ما بعدا در جائیکه شرح حال ادیب‌الممالک را بتفصیل یاد آور میشویم از این رساله نیز گفتگو خواهیم کرد.

در شماره ۲۰ سال دوم دوره جدید روزنامه کاوه؛ منطبعة برلین؛ در شرح حال ادیب‌الممالک راجع بروزنامه ادیب منتشره در تبریز چنین مینویسد: « ادیب‌الممالک در سنه ۱۳۱۶ قمری روزنامه باسم ادب در شهر تبریز تاسیس کرد که رویهمرفته ۱۷ شماره از آن نشر شد. بعضی قصاید خود را نیز در آن جریده نشر میکرد بعدها روزنامه تعطیل شد و پس از مدتی در سال ۱۳۱۷ مشارالیه نایب رئیس مدرسه

و روزنامه ادب را نیز ثانيا انتشار داد ولی طولی نکشید که مجددا از آن کنار گرفت و منزوی شده پس از اندکی یکباره تغییر وضع و لباس داده عمامه و عبا پوشید.»



در نمره ۴۵۷ روزنامه اطلاع مورخ چهار شنبه هشتم ماه رجب المرجب ۱۳۱۶ قمری راجع بطلوع روزنامه ادب در تبریز اینطور نوشته شده است:

تهنیت

« در این هفته نمره اول روز نامه موسوم به (ادب) مصحوب پست دارالسلطنه تبریز با اداره انطباعات ایران پرتو وصول افکند بشر ف مطالعت آن نائل شدیم همانا این جریده فریده از نتایج دانش و افکار و نسابج کلک سحار ادیب اریب و فاضل لیبب آقا میرزا صادق خان ادیب الممالک پیشخدمت حضور همایون از احفاد مرحوم مبرور قائم مقام است که صاحب فضل حسب و وارث علم و ادب است و بیقین از کان جزر

تصویر ادیب الممالک قبل از دربر کردن عبا و عمامه

ناب و از عمان جز در خوشاب چیزی نزیاید و بر نیاید . این روزنامه منحصر از علوم و معارف بعث و نگارش خواهد نمود امیدواریم آثار بدیهه و مطالب رفیهه از افکار آت جناب در صحایف این جریده بیادگار بماند و دانش طلبیان از آن بهره مند گردند . « قطع نظر از آنچه دیگران راجع بطلوع مقام نویسندگی و شاعری ادیب الممالک نوشته ، تصور می رود همین چند سطر در باره فضائل و مناقب ادیب الممالک و روزنامه ادب کافی باشد . همان قسم که در فوق اشاره کردیم ادیب از تبریز بمشهد عزیمت نمود و در رمضان ۱۳۱۷ به نشر روزنامه ادب در مشهد مقدس پرداخت . متأسفانه تا کنون به نمونه روزنامه ادب در تبریز دسترسی پیدا نکرده ولی در عوض مجموعه نفیسی از آن را که در خراسان و طهران منتشر شده در دست دارد و شرح زیر راجع باین دو قسمت از روی این مجموعه نقل می گردد :

روزنامه ادب در خراسان

اولین شماره روزنامه ادب در مشهد در روز چهارم ماه رمضان ۱۳۱۸ . مطابق

سال ۱۹۰۱ میلادی انتشار یافته . این روزنامه بطور هفتگی و هر شماره از آن در هشت صفحه بقطع ۲۰ در ۳۰ سانتیمتر با چاپ سنگی و خط نستعلیق (بدون این که در هیچ يك از نمرات اسمی از مطبعمه برده شده باشد) طبع و توزیع شده است . مجموع شماره های سال اول ۴۸ نمره و مشتمل بر ۳۸۴ صفحه و شماره آخر این سال مورخ بتاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۱۹ قمری مطابق ۲۷ نوامبر ۱۹۰۱ است . شماره اول مشتمل بر دیباچه منظومست اثر طبعمدیر روزنامه ، مرحوم ادیب الممالک ، که بمنزله سرمقاله و یا مقاله افتتاحی روزنامه است . و چون دوره های روزنامه ادب کمیاب و بلکه نایاب است از این جهت تمام دیباچه منظوم را نقل نموده و بعدا بذکر خصوصیات این دوره از روزنامه میپردازیم :

اشعار این است

بنام خدا نامه آغاز کرد
تف آدمی با سر و ش آفرید
سخن را ترازوی دانش نمود
نی کنک را داور گفت کرد
کلید در گنج دانش به دست
خداوند سالار پیغمبران
فرود آمد از نزد یزدان پاک
بیاکند ناف جهان را بشک
بجات توو خاندانت درود
بر آن دختر ناز پرورد تو
که دارند از شیر یزدان نژاد
همه میوه های درخت تو اند
مرادامن مهرش اینک به دست
کند کعبه در آستانش نماز
بامیدش این نکته پرداختم
ز نیرنگ اختر پناه من است
همه کار من گشت ستوار و نغز
برون آمدم از بن چاه ژرف
نمودم من این پارسی نامه ساز
در اوزنده سازم به نیروی خویش
بر اندازم از شرکات بیخ و بن

چو دانا ز گنجینه در باز کرد
خدائی که در مغز هوش آفرید
روانرا بدانش ستایش نمود
سپس خامه را با زبانت جفت کرد
از او یافت و خشور یزدان پرست
محمد چراغ خرد گستران
که با نامه آسمانی به خاک
در آن نامه از رازهر ترو خشک
ایا خواجه از داور هست و بود
بر آن پیشکار جوان مرد تو
بر آن پیشوایان با فرو داد
همه وارث تاج و تخت تو اند
بوپژه علی بن موسی که هست
برد آسمان بر زمینش نیاز
بفر وی این نامه را ساختم
که او در جهان پادشاه منست
چو کردم ز خاکش پر از ناهه مغز
بر یدم بسی بندهای شگرف
بنام تو ای شاه گردن فراز
پی آنکه بنیاد آئین و کیش
کنم تازه آئین شرع کهن

چنان خواهم از همت راد تو
که تاهست گردنده گردون بیای

پس از این اشعار ، مقاله تحت عنوان این شعر : برسر آنم که گرز دست برآید دست بکاری زخم که غصه سرآید • نوشته که خلاصه مفاد آن راجع باهمیت روزنامه نگاری و تاثیر جراید در وقایع خونین آمریکا و حوادث اسپانیا است • در این مقاله رشته سخن را طول داده تا بدانجا میرسد که در باره انتشار روزنامه و استمداد از حضرت علی بن موسی الرضا مینویسد :

« باری نظر بمطالب معروضه فوق و اهمیت نشر جراید این بنده درگاه از دیرگاه میخواست گم شده مهجور وطن را که چون (قارطان عنز - و فقید تعین) خانمانش برباد و نام و نشان از یاد رفته است در طی اوراق جراید بدست آرد و چشم فرزندان سعادت مند را بدیدار پدر مهربان روشنی بخشد امید که بزرگان بر این خیال خرده نگیرند و بنده را جاهل و بوالهوس شمارند •• و این کورت سیم است که باین کارشگرف (منظور کار روزنامه نگاری است که دومرتبه در آذربایجان و این بار در مشهد بدان مشغول شده است مولف) و خیال مقدس پرداخته ام و انصاف همی دهم که چون در ایام سلف اعتماد بر این خامه ابتر و اعتضادم بر توجه ابنای بشر بود تایید الهی در پیشرفت امورم مساعدت نفرمودی چنانکه در وهله اول کودک فکرم قبل از اوان ترعرع زبان در کام کشید و دفعه اخیری در رحم مادر سقط گردید ولی اینک سپری ساخته ام که سهم جواد بر وی کارگر نشود و جوشنی دارم که پیکان قضا از وی گذر نکند زیرا که ملازم حصن ولایت است و چراغ شمع هدایت • آن را که روی امید باستان اقدس حضرت ثامن الائمه و سراج الامه مولانا علی بن موسی الرضا علیه وآبانه و اولاده الاف التحية والتنا باشد البته با ثابت و سیار در ستیز و از گردش لیل و نهار نهریزد • آنظرنمی بیابه نم قولی : انا ام انت فی محل رفیع » سال اول پس از انتشار چهل و هشت شماره در تاریخیکه قبلاً ذکر شد خاتمه یافته و قبل از شروع سرمقاله شماره اخیر این چند سطر بعنوان (تشکر) نوشته شده است تشکر • شکر خدا را که در تحت لوای بیضا ضیای امام الانس و الجان علی بن موسی الرضا علیه و آبانه و اولاده الاف تحية و ثنا آخرین نمره سال نخستین ادب منتشر گردید و بعد از چنانکه وعده کردیم ماهی چهار نمره بیشتر کین تقدیم نموده از عهده قول خود بر آمدیم •

در آخر صفحه آخر این شماره این عبارت درج است : « هذا ما اختم به السنة الاولى والحمد لله على اتمامها اللهم اجعل خاتمة امورنا خيراً بحق خاتم النبیین واله الطاهرین • محمد صادق الحسینی القراهانی • » خصوصیات روزنامه از این قرار است :

محل اداره روزنامه : مشهد؛ کوچه باغ عنبرخانه میرزا صادقخان ادیب الممالک
مدیر روزنامه . بعد از قبول کردن نمره سیم اسامی مشترکین در دفتر اداره ثبت
شده و در ماه ششم انتشار وجه اشتراك دریافت میگردد . وجه اشتراك سالیانه در
مشهد دو تومان و در سایر بلاد محروسه ایران ۲۶ قران ؛ در قفقاز و روسیه ۶ منات
در ممالک عثمانی ۳ مجیدی ، در هندوستان ۱۰ روپیه و در شهرهای اروپا ۱۲ فرانک
قیمت اعلانات سطری يك قران .

مندرجات روزنامه ادب — مندرجات روزنامه چنانچه در عنوان روزنامه
ذکر شده بیشتر مطالبیست علمی ؛ ادبی ، تجارتي ، تاریخی و از ذکر فهرست یکی
دو شماره که همیشه در ابتدای ستون اول صفحه اول نوشته شده تا اندازه میتوان
بمندرجات آن پی برد . فهرست مندرجات نمره ۴۶ از این قرار است . از خلیج
فارس تا گاسپین ؛ جنک افریقای جنوبی ، مارشال والدرس ؛ بوئرین . مادام بوقها
مقاله در تاثیر سخن ، مثنوی که صیقل ارواح بود . اعتذار . اخطار . دختر کور
در نمایشگاه تغلیس ، روغنی که مانع از سوختن است . بقیه لباس التقوی . فهرست
مندرجات نمره ۴۷ : مکتوب یکی از دوستان وطن . بقیه مقاله در تاثیر سخن
مکتوب کرمان . کالسه و کجاوه و شتر و بارهیزم . تشویق صنایع . شرح فرمان
همایون . مدارس ژاپون . ادب . بقیه لباس التقوی . کویت در کجاست .

آنچه در خاتمه لازم است راجع بسال اول ادب یاد آور شویم این است که
پس از انتشار شماره اول معاونت و یا درحقیقت مدیریت داخلی روزنامه بعهده میرزا
صادقخان تبریزی واگذار شده و این موضوع در اخطاریکه در صفحه ۸ شماره اول
ذکر شده ، بعموم آگهی شده است . متن اخطار این است : « چون آقا میرزا
صادقخان ناظم سابق پستخانه مبارکه خراسان در این امر مقدس شریک و سهیم بالسویه
است از این تاریخ ایشان را معاون اداره دانسته و امیدواریم که انشاءالله با دستیاری
چنین معاون محترم غیرتمندی ازعهده خدمات شایسته وطن برآئیم » از این اخطار
معلوم میشود آقا میرزا صادقخان یکی از یاران گرامی ادیب الممالک و از کسانی
بوده که در نشر روزنامه ادب در خراسان کمکهای گرانبهائی بادیب الممالک نموده است .

سال دوم روزنامه ادب

سال دوم روزنامه ادب با همان سبک و روش سال اول هفته یکمرتبه ؛ روزهای
چهارشنبه ، طبع و توزیع شده و اولین شماره این سال در تاریخ ششم رمضان المبارک
۱۳۱۹ قمری مطابق ۱۸ دسامبر ۱۹۰۱ انتشار یافته است . عده صفحات هر نمره در
سال دوم ؛ بینه مانند سال اول ، ۸ صفحه و هر صفحه دارای دو ستون و هر ستون مشتمل
بر ۲۷ سطر است . مجموع عده صفحات این سال ۳۸۴ و سال دوم بنمره ۴۸ خاتمه یافته

و این عبارت بخط نسخ و امضای ادیب الممالک در آخر ستون دوم صفحه ۳۸۴ مسطور است : « هذا ما اختتم به السنة الثانية والحمد لله على اتمامها الهم اجمل خاتمة امورنا خيرا بعمره خاتم الانبياء والمرسلين وعترته الطيبين الطاهرين صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين . محمد صادق الحسيني الفراهاني ۴۰ » در سال دوم تنها تغییری که در روزنامه حاصل شده محل اداره روزنامه است که از کوچه باغ عنبر ؛ بکوچه مدرسه دو در ؛ منزل شخصی ادیب الممالک تغییر نموده ولی خصوصیات دیگر نظیر سال اول است .

سال سوم روزنامه ادب

سال سوم روزنامه ادب در خراسان نیز بهمان سبک و اسلوب سال اول و دوم هفته یک شماره ؛ در هشت صفحه بزرگ که هر صفحه آن مشتمل بر ۲۷ سطر است منتشر شده و شماره اول این سال در تاریخ چهارشنبه ۱۶ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۰ قمری نشر یافته است .

شماره اول این سال ؛ پس از ذکر فهرست مندرجات ؛ با شعار زیر که تحت عنوان (سپاس نامه منظوم از اثر خامه نگارنده) است شروع میگردد :

قسمتی از اشعار سپاس نامه از این قرار است .

بنام پدید آور هست و بود ✽ که این جامه را بافت بی تار و بود ✽ بگسترده بر آب
فرشی زمی ✽ بر آن فرش زد خرگه آدمی ✽ ز خاک آدمی کرد واز نار دیو ✽
جدا کرد دانش ز نیرنگ و دیو ۰۰۰ دو سال است کین بنده در خاک تو ✽ زند بوسه
بر قربت پاک تو ✽ تنش خفته در سایه بید تو ✽ دلش شاد و خرم بامید تو ✽ کنون سال
سوم فراز آمده است ✽ که بر در گهت با نیاز آمده است ۰۰۰ دو نامه بیارستم چون بهار
پر از رنگ و نیرنگ و بوی بهار ✽ بدان نامها کاردین ساختم ✽ هم از خامه ارژنگ چین
ساختم پس از این اشعار مقاله بعنوان (امتیاز سال سوم ادب) بقلم مدیر روزنامه نوشته شده
و مقاله مزبور باین شعر مولوی شروع میگردد : ایضیاء الحق حسام الدین بیار - این
سوم دفتر که سنت شد سه بار . در این مقاله پس از شکر گذاری از الطاف و مرحام
حضرت رضا که مدیر روزنامه را موفق با تمام سال دوم نموده ، راجع بسال سوم چنین
مسطور است :

« عجالتا سال سوم ادب را بسه امتیاز ممتاز و متبرک مینمائیم نخست اینکه در
هریک از این مدارس که در این عصر میمنت حصر یعنی در زمان سلطنت این شاهنشاه
جم جاه معارف پناه تاسیس یافته است بشکرانه استقامت و اعتدال وجود همایون یک
نمره تا آخر سال مجانا بندگی نموده و بشاگردان آنجا هر قدر که روزنامه بخوانند
با تصدیق مدیر و اجزای همان مدرسه نصف قیمت سالیانه آن را اداره تقدیم
خواهد نمود »

دوم از قرار هراماهی چهار نمره در سال چهل و هشت نمره روزنامه بطبع می‌رسید ولی در این سال مبارک محض خدمت بیشتر کین دونمره در آخر سال برعهده نمره‌های سابق می‌افزاید که من حیث المجموع پنجاه نمره باشد. سیم نمره پنجاهم را حاوی فهرست تمام نمره‌های جریده مزبور نموده از نمره اول بترتیب تا نمره ۴۹ تمام مندرجات را با تعیین نمره صفحات نگاشته و تقدیم مشترکین مینماید که اگر بخواهند اوراق سالیانه را جمع و مدون ساخته فهرست مرتبی هم داشته باشند.»

متأسفانه پیش بینی ادیب‌الممالک صورت وقوع پیدا نکرد و چنانچه بعداً خواهیم نگاشت در مشهد بیش از چهارده نمره موفق بانتشار روزنامه نگردید و اداره روزنامه منتقل بطهران گشت.

از مزایای سال سوم ادب تصاویر و کاریکاتور هائی است که در بعضی از نمرات این سال دیده میشود و شاید این روزنامه اولین روزنامه فارسی است که باین طرز مصور و دارای کاریکاتور است. گرچه در سابق یعنی قبل از این روزنامه نیز روزنامه‌های مصوری بوده ولی آنها غالباً روزنامه دولتی و تصاویر مربوط بشاهزادگان و اعیان و اشراف مملکت بوده و کاریکاتور در آنها وجود نداشته است.

تصاویر و کاریکاتورهای چند شماره این سال روزنامه خیلی ساده و مختصر و چندان قابل توجه نیست ولی از لحاظ اینکه این امر مقدمه و باعث شده که بعداً وقتی روزنامه ادب در طهران انتشار یافته، دارای کاریکاتور و تصاویر خوب و با اهمیت گردیده، شایان و قابل توجه است.

نمرات مصور روزنامه عبارتست از نمره ۵ که پس از بیان فهرست؛ تصویر ی از ترقی مردم اروپا و تنزل و انحطاط مردم آسیا رسم شده و این موضوع بوسیله دو نردبان که از یکی چند نفر مردم اروپا مشغول بالا رفتن و از نردبان دیگر چند تن از مردم آسیا در حال پائین آمدنند نمایش داده شده. تصویر ویا کاریکاتور دوم در نمره ۶ روزنامه و عبارتست از کاریکاتور (کارخانه مشاکی مرحوم ملا چرا غعلی بشرکت میرزا نورالله و حاجی میرزا نصیر) کاریکاتور سوم دارای دو شکل و در فوق آنها آیه: حتی اذا اتو علی وادی النمل تا و هم لایشعرون نوشته شده و شکل اول عبارت از خانه موربست که شبمی طوفان است و شکل دوم مربوط بمورچه است که دارای دو پستان است (۱)

این تصاویر همان قسم که گفتیم خیلی ساده و ابتدائی است و نقاش آنها حسین الموسوی نقاشی استان قدس رضوی است.

سال سوم روزنامه ادب تا آنجائیکه در مشهد منتشر شده بشماره ۱۴ و صفحه ۱۱۲ ختم میگردد و از این پس، چنانکه بعداً بتفصیل خواهیم نوشت؛ ادیب‌الممالک

(۱) این دو عبارت بعینه از روزنامه نقل شده است.

بظهران رفته و در این شهر روزنامه را منتشر ساخته و از این رو دوره جدیدی برای روزنامه پیدا شده است و چون خود مرحوم ادیب الممالک از ۱۴ شماره سال سوم منتشره در مشهد صرف نظر کرده و مبداء سال را اولین شماره منتشره در ظهران دانسته است لذا ما هم این تاریخ را دوره جدید روزنامه شمرده و آنرا تحت عنوان علیحده یاد آور میشویم .

روزنامه ادب در ظهران

گفتیم پس از انتشار چهارده شماره از سال سوم ، ادیب الممالک بظهران آمد و روزنامه نگاری را در ظهران شروع نمود . تفصیل موضوع از این قرار است که در سال ۱۳۲۱ قمری پس از آمدن ادیب الممالک بظهران بر حسب امر مظفرالدین شاه و تصویب ندیم السلطان وزیر انطباعات و جراید ؛ ادیب الممالک مأمور میشد که اداره روزنامه را از مشهد بظهران منتقل نماید از این جهت اداره روزنامه به ظهران انتقال یافت و ادیب الممالک اولین شماره روزنامه را در ظهران در تاریخ دو شنبه (یوم المبعث) ۲۷ رجب ۱۳۲۱ قمری مطابق ۱۹ اکتبر ۱۹۰۳ میلادی منتشر ساخت . برای مزید اطلاع خوانندگان آنچه را در این باره خود ادیب الممالک در شماره اول آورده نقل مینمائیم :

« بسم الله الرحمن الرحيم . والصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين . چون بر حسب امر قدر مطاع همایونی ارواحنا فداه و تصویب جناب مستطاب اجل اکرم آقای ندیم السلطان وزیر انطباعات و جراید و دارالترجمه و دارالتالیف دولتی دامت شوکت و فضایله نشر جریده (ادب) از ارض اقدس زاده الله شرفاً بمرکز خلافت عظمی نقل شد بعد از آنکه چهارده نمره از سال سوم را در مشهد مقدس منتشر ساخته بودیم از آن ترتیب صرف نظر کرده وضع دیگر و اسلوب جداگانه فراهم ساخته باستعانت اجداد طاهرین و توسل و توجه به حضرت امام همام سیدنا و مولانا علی بن موسی الرضا که چاکری آن استان و خادمی آن روضه عرش بنیان افتخار و سرما به ابدی این رو سیاه است از توالی نمره های سابق چشم پوشیده و سال سوم را از این تاریخ که صدرا مرقوم است شروع نموده تیمناً و تبرکاً اشعار ذیل را که دیباچه سال سوم بود تجدید تحریر نمودیم . بنام پدید آور هست و بود تا آخر . (قسمتی از این اشعار را در سابق نقل کرده ایم) »

سبک و روش و قطع و عده صفحات روزنامه مانند شماره های منتشره در خراسان است فقط مختصر تغییر در آن پیدا شده که ذیلاً بدان اشاره میکنیم :

اولاً روزهای توزیع بجای چهارشنبه دو شنبه شده است . ثانیاً قهرادر نتیجه انتقال اداره روزنامه بظهران ؛ محل آن نیز عوض شده و در ظهران جنب باغ مرحوم

آقا میرزا علی قائم مقام درخانه شخصی ادیب الممالک معین گردیده است . ثالثا درنمرات منتشره در خراسان بعنوان مدیر و نگارنده نامی از ادیب الممالک درین نبود و همه جا ادیب الممالک در آخر صفحه ۸ (محمد صادق الحسینی الفراهانی) امضاء میکرد در صورتی که از شماره اول منتشر در طهران در آخر صفحه هر شماره این عبارت درج است : « مدیر و نگارنده محمد صادق الحسینی الفراهانی » و بعلاوه اسم کاتب روزنامه که (حاجی سلطان الکتاب محلاتی) باشد دنبال این عبارت نوشته شده است . و ابعاد در وجه اشتراک سالیانه نیز اضافاتی بدین قرار حاصل شده است ؛ طهران ۲۴ قران . در سایر بلاد سه تومان . طلاب مدارس تهران و مشهد دو تومان . در قفقاز و روسیه ۸ منات . در ممالک عثمانی و مصر ۴ مجیدی . در هندوستان و چین ۱۵ رویه . در امریکا و فرنگستان ۲۰ قران روزنامه ادب بتفصیلی که ذیلا ذکر خواهیم کرد مدت چند سال در طهران انتشار یافته و در طول این مدت خدمات زیادی بنشر آزادی و بالا بردن سطح معلومات عمومی نموده است .

ادیب الممالک ؛ پس از آنکه بطهران آمد، و روزنامه را در آنجا منتشر ساخت با صرف نظر کردن از ۱۴ شماره سال سوم منتشره در خراسان ؛ در حقیقت از رجب ۲۱ قمری سال سوم روزنامه شروع گردید و بنا بر این تا سال ۱۳۲۴ قمری ؛ رویهمرفته مدت سه سال روزنامه ادب، در طهران منتشر شده است در فواصل این مدت یعنی از آغاز آمدن ادیب الممالک بطهران (اواخر سال ۱۳۲۰ قمری) تا شوال ۱۳۲۴ که سر دبیری روزنامه مجلس بعهده ادیب الممالک واگذار شده است ادیب الممالک علاوه بر انتشار روزنامه ادب ؛ روزنامه ایران سلطانی و طهران و قسمت فارسی روزنامه ارشاد را در بادکوبه بعهده داشته است . در یک قسمت از این مدت یعنی بین ۱۳۲۰ قمری تا ۱۳۲۴ قمری ادیب الممالک مستقیما بکار روزنامه ادب دخالت نمیکرده و روزنامه بمدیر و سردبیری مرحوم مجدالاسلام کرمانی (مدیر روزنامه ندای وطن کشکول ، محاکمات و غیره) منتشر میشده است و بخصوص در سال ۱۳۲۳ قمری که ادیب الممالک در بادکوبه بوده هیچ گونه مداخله ای در کار روزنامه ادب نداشته است .

نکته که اشاره بآن لازم است این است که با اینکه مجدالاسلام کرمانی مدتی مستقلا عهده دار نگارش روزنامه ادب و اداره روزنامه در دست او بوده و همان قسم که قبلا یاد آور شدیم ، ادیب الممالک مدتی را در طهران نبوده و بفقاز سفر کرده و در آنجا قسمت فارسی روزنامه (ارشاد بادکوبه) را مینوشته حتی گاهی از آن جا اشعاری برای درج در روزنامه میفرستاده است . با وجود این همه وقت در عنوان روزنامه اسم ادیب الممالک نوشته شده است و نامی از مرحوم مجدالاسلام در بین نیست .

اول دفعه که در روزنامه ادب اسم (مجدالاسلام) را می بینیم ، آن هم در آخر صفحه هشت قسمت چاپ سربی روزنامه ؛ (این موضوع را بعدا شرح میدهم که روزنامه

ادب در این وقت که ما از تاریخ آن گفتگو میکنیم در دو قسمت سری و سنگی چاپ میشده است (در شماره ۱۷۴ سال چهارم است و تا قبل از این شماره ؛ همه جا ؛ در عنوان صفحه اول چاپ سنگی جمله (صاحب امتیاز ادب الممالک) درج است و اسمی از مجدالاسلام نیست • معلوم میشود شدت علاقه و دوستی که میان این دو دانشمند و نویسنده و شاعر فرزانه وجود داشته مانع از آن بوده است که مجدالاسلام دست بنظاهراتی بزند و یا بخواهد بوسیله روزنامه ادب که ملک خاص ادب الممالک بوده برای خودشان و عنوانی قرار دهد • البته این عمل خیلی فداکاری و از خود گذشتگی میخواهد که کسی همه امور روزنامه بعهده اش باشد ؛ بد و ف

لین که
کوچکترین
سمت ظاهری
برای خود در
روزنامه قرار
دهد •
چون سخن
بدینجا رسید
لازم است
یادآور گردم
که عین این
وضع مدتی
بین این جانب
و آقای حسین
نور صادقی

شماره صد و شصت و نهم	سال چهارم	صفحه اول
اداره روزنامه ادب	بسم الله الرحمن الرحيم	وچرا اشتراک سالیانه
طهران خیابان ۱۰ در برابر مسجد آغاخان مغربی	ادب	در ادارات کانون پرورش... در تهران
صاحب امتیاز: لویس ایلیا		در سایر بلاد و محله... در تهران
مترجم: طبع و ترجمه میشود	تاریخ بنیاد: بهمن ماه شهریور ۱۳۰۵	در مراکز و مراکز... در تهران
اول اشتراک در ماه بهمن مطبوع میشود	مطابق (۱۸) سیستامبر	در تمام بلاد و محله... در تهران
تعداد در هر روز سه شماره در هر هفته	۱۹۰۵	در محافل و اجتماعات... در تهران
تعداد در هر ماه یکصد و شصت و نهم		در مجامع و اجتماعات... در تهران
تعداد در هر سال صد و شصت و نهم		در مجامع و اجتماعات... در تهران

روزنامه ادب با چاپ سنگی

مدیر روزنامه نقشبندان ، وجود داشت • توضیح آنکه از مدتی پیش یعنی از فروردین ۱۳۲۴ شمسی که روزنامه نقشبندان ؛ منطبعه اصفهان ، یومیه شده بود تمام سرمقاله ها و بیشتر ترجمه های روزنامه بقلم این جانب تدوین میشد و این مطلب را عموم مردم اصفهان و دوستان و آشنایان شاهد و آگاهند حتی طبق اعتراف صریح جمعی از دوستان گرامی اگر این جانب در اداره روزنامه نقش جهان نبودم ، بطور قطع روزنامه اولاً این پیشرفت را نداشت و ثانیاً مسلماً ادامه انتشار آن مقدور نبود • با این وصف در هیچ يك از مقالات اسمی از این جانب نیست و در عنوان روزنامه نیز برای خود سمتی انتخاب نکرده ام • البته این عدم ذکر هم بیشتر ناشی از طرف

خود این جانب که مایل بتظاهر در این باره نبودم صورت گرفته بود . منظور از تذکار این قسمت این بود که وضع ادیب الممالک و مجدالاسلام نیز همین قسم بوده و با اینکه تمام زحمات روزنامه بعهده مجدالاسلام بوده ، اسی از او در روزنامه نیست . ولی این وضع تا آخر انتشار روزنامه ادب ادامه نداشته و از شماره ۱۸۵ رسماً اسم مجدالاسلام بعنوان (مدیر کل) در عنوان روزنامه ذکر شده . و تا شماره آخر انتشار یعنی شماره ۱۸۸ سال پنجم مورخ ۹ ربیع الثانی ۱۳۲۴ قمری عنوان (مدیر کل مجدالاسلام) در روزنامه درج است . و در همین هنگام است که اوضاع ایران مفشوش و مدیران جراید و آزادیخواهان متفرق و من جمله لجاجت و استبداد (عین الدوله) باعث گشت که مرحوم مجدالاسلام و میرزا حسن رشديه بقسمی که بعداً در شرح حال هریک بیان خواهیم کرد ، بکلات تبعید شد و از این روز نامه ادب بکلی تعطیل و پس از چند سال انتشار ، برای همیشه تعطیل گردد .

و اما ادیب الممالک ؛ موسس روزنامه ادب ؛ در این ایام که ما از تاریخ آن گفتگو میکنیم در بادکوبه بوده و پس از مراجعت بایران در شوال ۱۳۲۴ قمری که روز نامه مجلس بمدیریت میرزا محمد صادق طباطبائی (بحرف میم کتاب مراجعه شود) در طهران دائر شد ؛ سردبیری روزنامه بعهده ادیب الممالک واگذار شده است .

خلاصه سخن اینکه روزنامه ادب مدت دو سال بصاحب امتیازی ادیب الممالک و مدیری مجدالاسلام در طهران نشر یافته و در این دو سال از ادیب الممالک جز اسمی بیشتر در روزنامه نیست و تمام مقالات سیاسی و علمی و اظهار نظر های موجود بقلم مجدالاسلام است . مجدالاسلام در شماره ۱۶۳ سال چهارم ادب مورخ چهارشنبه چهارم شهر شعبان ۱۳۲۳ هنگامیکه مظفرالدین شاه از سفر اخیر خود بفرنگ بطهران بازگشت کرده اظهار تاسف میکند که سیدالادباغو المتکلمین ، امیرالشعرا ، آقای ادیب الممالک در دارالخلافت حاضر نیستند که از اشعار آبدار خود در مقدم علیحضرت شهرباری نثار نمایند و از این جهت اشعاری را که آقای میرزا تقی خان بینش سروده نقل مینمائیم . و باز این مطلب تاییدی است که اداره روزنامه بعهده مجدالاسلام بوده است . دلیل دیگر شرحی است که بعنوان (تقریظ) در روزنامه اطلاع درج شده و ما بنقل از روزنامه ادب (شماره ۱۸۹) بذکر آن میپردازیم : « جریده . فریده ادب اگر چه مدتی است از افق مطبوعات ایران طالع شده و تهنیت طلوع آن را از بدایت بروز و شیوع بر حسب وظیفه هم قلمی نگاشته ایم ولی از دو سال قبل که این گرامی نامه خاصه از منابع افکار و خیالات بلند و رشحات قلم دانشمند ارجمند جناب . . . مجدالاسلام زایش و تراوش می یابد مستوجب تجدید تهنیت و بلکه بسی تقریظ و تمجید است چه امروز میتوان گفت این جریده نامی از فضل مقام

و لطف کلام و حلاوت قلم این فاضل تحریر و فقیه خبیر بعد کمال رسیده بلسکه ترقی فوق احتمال نموده و این از آن است که جناب مجدالاسلام هم در علوم و اخبار احاطه و تنبلی سرشار دارد و هم با سلامت قلم و ثبات قدم در راه خدمت وطن و ترقی ابناء ملت از صرف فکر و خیال و بذل سرمایه عقلیه و ثقلیه و مال و تحمل مشاق اعمال هیچ دریغ نمیدارد پس با این مایه عزیز و مزایای کثیر یقین است چنانکه باید و شاید از عهد این امر خطیر برمی آید و توانیم گفت امروز جناب مجدالاسلام در تطریز این جامه و تنقیح این نامه بغایت مرام خویش رسیده است ۴۰

از شرح فوق معلوم میشود که در مدت دو سال همه کاره روزنامه ادب مجدالاسلام بوده و ادیب الممالک در آن دخالتی نداشته است . بهر صورت پافشاری و صرار و تفصیل سخن در این جا بدان جهت است که روزنامه ادب در سال چهارم و پنجم در دو قسمت چاپ سنگی و سربی منتشر میشده و چون ممکن است کسانی بشماره های این دو قسمت دسترسی پیدا کرده و تصور نمایند هر یک از این دو چاپ ؛ دو مد بسر جداگانه داشته است ، و یا اینکه ادیب الممالک و مجدالاسلام هر کدام جدا گانه روزنامه ای بنام ادب منتشر ساخته ، برای رفع این اشتباه که ممکن است پیش آید ؛ ناچار شدیم در این قسمت بتفصیل بیشتری پردازیم . امید است خوانندگان عذر ما را بپذیرند .



روزنامه ادب با چاپ سربی

همانطور که در بالا اشاره کردم ، از موقعیکه مجدالاسلام در کار روزنامه ادب دخالت نموده روزنامه در دو قسمت ؛ چاپ سنگی و چاپ سربی ، منتشر شده یعنی

حرف الف بعده الدال

ادب

قسمت چاپ سربی بروزنامه اضافه شده است . اولین شماره ادب که باین طرز چاپ شده شماره مسلسل ۱۴۵ سال چهارم است که در تاریخ غره ربیع الاول ۱۳۲۳ نشر یافته و در سرلوحه صفحه اول چاپ سنگی کلمه (ادب) و تاریخ انتشار درج گردیده است . منظور مجدداً اسلام از دو نوع چاپ روزنامه این بوده است که همیشه دو صفحه روزنامه اختصاص بکاریکاتور و صوربزرگان داشته باشد (قسمت چاپ سنگی) و راه حل این کار این بوده که روزنامه در دو قسمت طبع گردد چه طبع کاریکاتور و صورت با چاپ سربی جز با تهیه کلیشه‌های مربوط که آن هم محتاج مخارج زیادی است ، بخصوص درآزمان ؛ امکان پذیر نبوده است . این رویه تا کنون هم در بعضی از جراید معمول و یک صفحه روزنامه با چاپ سنگی و بقیه صفحات با چاپ سربی چاپ شده است .

سبک نوین روزنامه را مرحوم مجدداً اسلام درنمره ۱۴۵ سال چهارم بدین قسم بیان نموده است : « بعضی ازخواه‌ها ان اداره ادب مکرر از ما چنین طلب نمود . و دو مطلب خواسته اند اول آنکه خواهش کرده اند که این روزنامه با حروف سربی طبع شود تا مبالغی بر رونق او بیفزاید ولی ما بواسطه تصویرات روسای دولت و بزرگان ملت و ساختن (کاریکاتور) که در نظر ارباب نظر خیلی مطبوع است و نبودن دستگاه کامل مطبعه حروفی از قبول این مسئله معذور بودیم تا این اوقات مراسلات عدیده از دارالخلافه طهران و سایر بلدان رسیده و باصرار زیاد تغییر را خواستگار شدند و چون نمی توان از تصویرات صرفنظر نمائیم بقاعده (ا لجمع مهمما ممکن اولی من التفریق) اینطور قرار دادیم که یک ورق از روزنامه را با حروف سنگی بطبع برسانیم و آن ورق را بمنزله جلد قرار دادیم تا موجب رضایت مشترکین گردد »

در حقیقت هم همین طور شده برای اینکه ورق اول و آخر روزنامه با چاپ سنگی و درحکم جلد قسمت‌های سربی است . معمولاً صفحه اول تصویر بزرگان و صفحه آخر مشتمل بر کاریکاتور است . برای نمونه شرح تصاویر و کاریکاتور چند شماره را نقل میکنیم : شماره ۱۶۳ تصویر امیرالبحر امیرال توکو دریاییگی و رئیس کل جهازات ژاپن (۱) کاریکاتور مربوط بطرز پرداخت وجه آبونه روزنامه است که مردم بایبی میلی و اکراه تمام آنرا میپردازند . شماره ۱۶۷ تصویر مدیرالملك امیر تومان گیلان و کاریکاتور مربوط بمجلس اصلاح ژاپن و روس است . شماره ۱۷۶ تصویر ظل السلطان مسعود میرزا و کاریکاتور راجع بوضع شهرداری و عبور وسائط نقلیه در خیابان هاست .

(۱) لازمست یاد آور شویم که درآنموقع ، در نتیجه غلبه ژاپن بر روسیه ملت و سران دولت ژاپن ؛ درجراید آسیا و ایران ؛ قهرمان فتح و غلبه بود . و از این جهت تصاویر بزرگان و لشکریان ژاپون و نیز تاریخ این ملت در جراید فارسی زیاد درج میشده است .

در زیر هر تصویر چند سطر بطور اختصار شرح حال و خدمات صاحب تصویر ذکر و در بعضی از شماره ها امضای (حسینعلی) که نقاش تصاویر بوده نوشته شده است . قسمت سنگی روزنامه در مطبعه (آسید مرتضی بسمی و اهتمام آقا میرزا حسن و میرزا عباس خان) و قسمت سربی در (مطبعه خورشید) چاپ شده است . مطبعه سربی خورشید در آن ایام در خیابان ناصریه طهران بوده است .

در قسمتی که فوقاً راجع بطرز چاپ روزنامه نقل کردیم اشاره شد که خوانندگان دو مطلب را از مدیر روزنامه خواسته اند یکی راجع بچاپ روزنامه و مطلب دوم ترجمه رمان (دختر فرعون) است . این تقاضا را نیز مرحوم مجد الاسلام پذیرفته و رمان مذکور را خود شخصا از عربی بفارسی ترجمه نموده و مرتباً در صفحات هفت و هشت قسمت سربی روزنامه چاپ کرده است . در شماره ۱۷۲ ادب اعلانی از وزارت مطبوعات بامضای اعتمادالسلطنه مبنی بر اینکه چون مجد الاسلام نگارنده روزنامه ادب در ترجمه کتاب رمان دختر فرعون تحمل مشقت فوق العاده نموده لذا از طرف وزارت انطباعات امتیاز طبع علیحده آن بمعظم له داده میشود، درج گردیده است .

مندرجات روزنامه - روزنامه ادب از حیث مندرجات مفید یکی از بهترین جراید فارسی است و علاوه بر مقالات مفید و متنوع قسمت اعظم اخبار داخله و خارجه در آن درج است . برای اطلاع بیشتری فهرست چند شماره آنرا نقل میکنیم .
فهرست شماره ۱۶۲ سال چهارم : موکب همایونی . تبریک و تهنیت . دفع سوء القضاء . اخبار خارجه . الفضل ما شهدت به الاغیار . بقیه مکتوب یکی از فضلال اصفهان . قابل توجه وزارت احتساییه . مواعظ صحافیاشی . ادب . بقیه شرح حال محمد علی پاشا . بقیه کتاب دختر فرعون . فهرست شماره ۱۷۱ : وقایع صفحه عالم خیرمقدم . بقیه سیاست مملکت . دزدی قبیح و دزدیگیری صحیح . سواد دستخط مبارک . رقعہ آقای ادیب الممالک . ادب . سواد تعلیقه وزارت خارجه حریق . نخست نامه . بقیه اکسیر اعظم . تشکر . ورود مسعود . کتابخانه خورشید . بقیه کتاب دختر فرعون بقیه تدین مایه تمدن .

علاوه بر مطالب مذکور چنانکه سابقاً یاد آور شدیم ؛ در قسمت چاپ سنگی روزنامه یک صفحه مخصوص تصویر می باشد و کاریکاتور شماره ۱۶۷ بدین قرار است که مصلح خیر اندیشی در صدد آشتی دادن ژاپن و روسیه است و از طرفی فرانسه در کنار ژاپن و انگلیس پهلوی روسیه قرار گرفته و هر یک دولت مجاور خود را اندرز باشتی کردن میدهد .

شرح حال ادیب الممالک

شرح احوال مرحوم ادیب الممالک بکرات و دفعات از طرف نویسندگان و دانش

دانش‌مندان درجراید و مجلات تدوین و چاپ گردیده و مفصل و جامم ترین شرحی که در



تصویر ادیب الممالک

باره این شاعر قرن اخیر نوشته شده در دو محل است: یکی رساله که خان‌ملك مستقلا در این موضوع نوشته و در ۳۲ صفحه در برلن بطبع رسیده است. رساله مذکور بعنوان استعلام از کسانی که از اشعار و دیوان ادیب الممالک اطلاع دارند نشر شده و نویسنده آن در صدد بوده است که دیوان کامل ادیب الممالک را بطبع برساند. خوشبختانه این عمل بعدا بهمت مرحوم وحید دستگردی انجام گرفته و نامبرده دیوان کامل ادیب را با مقدمه جامع و مشروحی در شرح احوال این شاعر چاپ کرده است. مرحوم وحید با چاپ دیوان کامل

ادیب خدمت بزرگی بشعر و ادبیات فارسی کرده و از اینراه بضبط و نکاه‌هداری اشعار آن مرحوم خدمت بسزائی نموده است. در مقدمه این دیوان شرح حال جامع و مفصلی از ادیب الممالک نوشته شده و بنابراین دومین محلی که میتوان از شرح احوال ادیب الممالک بتفصیل آگاه شد همین مقدمه دیوان اوست.

و چون ذکر مفصل احوال ادیب الممالک چندان مورد لزوم نیست و خوانندگان میتوانند بدو محل مذکور و جاهای دیگر مراجعه فرمایند از این جهت ما از بیان تفصیلی شرح زندگانی ادیب در اینجا صرف نظر نموده خوانندگان را بمقالات مبسوط و جامعی که در این باره نوشته شده و همچنین بدیوان اشعار وی مراجعه میدهیم. فقط در اینجا بذکر زندگانی آن مرحوم تا آن اندازه که مربوط بحیات نامه نگاری اوست میپردازیم. برای این قسمت بنقل از دوموزد یکی روزنامه کاوه، چاپ برلین و دیگر از رساله خان‌ملك؛ اکتفا مینماییم. چه بگمان نگارنده در هیچ کجا شرح احوال ادیب الممالک؛ بهتر و جامع تر از این دو محل تدوین نشده است. روزنامه کاوه (شماره ۲۰ سال دوم) پس از اشاره بر رفتن ادیب بتبریز مینویسد: «میرزا سید محمد صادق قائم مقامی ملقب بادیب الممالک در سنه ۱۳۱۶ قمری روز نامه باسم ادب در همان شهر (مقصود تبریز است) تاسیس کرد که رویهمرفته ۱۷ شماره از آن منتشر شد. بعضی قصاید خود را نیز در آن جریده نشر میکرد؛ بعدها روزنامه

تعطیل شد و پس از مدتی در سنه ۱۳۱۷ قمری مشار الیه نایب رئیس مدرسه لقمانیه شد و روزنامه ادب را نیز ثانیاً انتشار داد ولی طولی نکشید که مجدداً از آن کناره گرفت و منزوی شد. پس از اندکی یگبار تئیر وضع و لباس داده عامه و عبا پوشید ۰۰۰۰ - سپس بمشهد رفت و در آنجا ثانیاً روزنامه ادب را در رمضان ۱۳۱۷ نشر کرد و تا سال ۱۳۲۰ مشغول کار همین روزنامه بود بعد ها بفقاز رفت و در آنجا در سنه ۱۳۲۳ در اداره روزنامه ارشاد ترکی که در زیر اداره احمدییک آقایوف در باکو منتشر میشد داخل شده و یک ورق فارسی (ارشاد) روزانه ضمیمه ارشاد ترکی مینوشت. پس از اعلان مشروطیت بطهران رفت و در آنجا در سنه ۱۳۲۴ قمری دبیر روزنامه مجلس گردید. در سنه ۱۳۲۵ جزو انجمن عراق عجم که یکی از انجمنهای ملی دوره اول مشروطیت بود گشته روزنامه با سم (عراق عجم) نشر کرد ۰۰۰۰

شرح فوق که از سال دوم دوره قدیم روزنامه کاوه نقل شد مشتمل بر دوسهویا اشتباه میباشد که اشاوه بهردوی آنها لازم است اشتباه اول آنکه ادیب الممالک پس از آنکه ۱۶ شماره از سال سوم روزنامه ادب را در مشهد منتشر میکند بطهران حرکت کرده و در دارالخلافت طهران نیز مدتی روزنامه را منتشر نموده است. در صورتی که در شرح منقول از کاوه اسمی از روزنامه ادب منتشره در طهران نیست. طبق شماره های موجود اولین نمره از سال سوم ادب که در طهران منتشر شده مورخ بتاریخ دو شنبه یوم المبعث (۲۷ رجب) ۱۳۲۱ قمری مطابق ۱۹ اکتبر ۱۹۰۳ میلادی میباشد در این شماره ادیب الممالک شرحی بصورت مقدمه راجع بانتقال محل طبع روزنامه از مشهد بطهران نوشته است که خوانندگان برای اطلاع از آن باید بروزنامه ادب منتشره در طهران یعنی بصفحات قبل همین کتاب مراجعه نمایند. گرچه این دوره ادب، روزنامه بدستاری و کک مرحوم مجدالاسلام کرمانی نوشته و اداره میشده و در قسمتی از سنوات اخیری آن اصلاً ادیب الممالک در طهران نبوده و مدیر کل روزنامه مجدالاسلام بوده است ولی در بدو ورود و همچنین سالهای بعد؛ روزنامه بنام ادیب الممالک بوده است و اگر دو سال آخری را هم صرف نظر کنیم باز در سال اول ادب را مستقلاً ادیب الممالک مینوشته و بطبع میرسانده است بنا بر این جای تردید نیست که ادیب الممالک مدتی روزنامه را در طهران منتشر میساخته و این قسمت در حیات روزنامه نویسی ادیب الممالک از نویسنده مقاله کاوه فوت شده است.

اشتباه دوم، اینکه سال ۱۳۱۷ قمری که در مقاله روزنامه کاوه مبدء و آغاز روزنامه نگاری ادیب الممالک در مشهد قید گردیده خطاست و چنانچه سابقاً در ذیل (ادب در خراسان) قید نموده ایم آغاز آن رمضان ۱۳۱۸ قمری میباشد.
گفتیم خان ملک در یک رساله ۳۲ صفحه چاپ برلن شرح حال ادیب الممالک را

قدوین کرده ؛ اکنون قسمتی از زندگانی ادیب‌الممالک را از رساله مذکور نقل می‌نمایم :

چنانچه مذکور گردید شجره نامه بخط خود ادیب‌الممالک در نزد حقیر هست که نسب نامه وترجمه حال خود را تا سال ۱۳۰۷ نگاشته ولی بعد از آن دیگر بخط خودش چیزی در دست نیست لیکن در نتیجه تفحص و تجسس که من بنده کردم ام از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۳۶ شرح حال و تاریخ مسافرتهايش را آنچه که ممکن بود بدست آورده ام که بطور اختصار از قرار ذیل است : سال ۱۳۰۷ در ایام پیشکاری حسنی خان امیر نظام که میرزا صادقخان تبریز رفته هنوز پروانه تخلص میگردد (از این دوزه زندگانی ادیب‌الممالک عکسی در دست است که کلیشه شده . مولف) در ذیحجه ۱۳۰۷ در تبریز امیرالشعرا لقب یافته و از آن بیعت امیری تخلص کرده در اوایل ۱۳۰۹ امیرنظام از تبریز بحکومت کرمانشاه و کردستان مامور شده و لی امیرالشعرا تا ۱۳۱۰ در آذربایجان مانده است . در ۱۳۱۱ نزد امیر نظام بکرمان شاه و کردستان رفته . در ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ در طهران جزو دارالترجمه دولتی کار میکرده . در شهر صفر ۱۳۱۴ با امیرنظام دو باره بآذربایجان رفته ؛ در ۱۳۱۶ در آنجا معمم شده ، همان ایام نایب رئیس مدرسه لقمانیه گردیده و انتشار روزنامه ادب را در تبریز در آنسال شروع کرده و تا اواخر ۱۳۱۷ در آن شهر بوده . در اوایل ۱۳۱۸ از تبریز بقفقازیه و خوارزم و از آنجا بخراسان رفته و تا ۱۳۲۰ در مشهد مقدس روزنامه ادب را نشر میداده و اواخر این سال بطهران رفته است . در محرم ۱۳۲۱ که ندیم السلطان وزیرانطباعات روزنامه (ایران سلطانی) دایر کرده ادیب‌الممالک سردیر آن روزنامه شده و تا اواخر ۱۳۲۲ در آنجا کار میکرده . در ۱۳۲۲ که در بادکوبه روزنامه ارشاد نصف بفارسی و نصف بترکی در تحت مدیریت احمد آقا یوف قریافی تاسیس شده قسمت فارسی آنرا ادیب‌الممالک مینوشته . در هشتم شوال ۱۳۲۴ که روزنامه مجلس در تحت مدیریت میرزا محمد صادق طباطبائی در طهران دایر گردیده سردیری آن روزنامه در عهده ادیب‌الممالک بوده . در جمادی الاول ۱۳۲۵ روزنامه عراق عجم را خود در طهران تاسیس نموده . در جمادی الاخر ۱۳۲۸ جزو مجاهدین فاتح طهران مسلحاً وارد شهر شده ، در ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ رئیس عدلیه عراق بوده ؛ در ۱۳۳۰ رئیس عدلیه سنان شده و هم در آنسال دختر منحصر بفردش در تبریز وفات کرده ، در ۱۳۳۲ از طرف وزارت داخله مدیر روزنامه نیم رسمی آفتاب شده . در ۱۳۳۴ بریاست صلحی ساوجبلاغ طهران مامور گردیده در ۱۳۳۵ بریاست عدلیه یزد مامور شده در آنجا سکنه ناقص کرده ؛ در سال ۱۳۳۶ در سن پنجاه و هشت سالگی در طهران وفات یافته است (صفحات ۴ و ۵ رساله خان‌ممالک) ممکن است بعضی از این سنوات که خان‌ممالک قید کرده با آنچه دیگران

نوشته اند اختلاف داشته باشد چنانچه در باره ریاست عدلیه عراق ۱ و مجددالاسلام کرمانی در روزنامه ندای وطن، حکم انتصاب او را در رجب ۱۳۲۷ قمری ضبط کرده و در شماره ۱۱ سال سوم مورخ چهارشنبه ۱۷ رجب ۱۳۲۷ قمری روزنامه ندای وطن تحت عنوان (ریاست عدلیه) مینویسد: «جناب استاد اجل افضل آقای ادیب الممالک بر حسب انتخاب وزارت عدلیه بر ریاست عدلیه عراق برقرار شده بزودی عازم مقر ماموریت خود خواهند شد.» ولی مسلم است که آنچه خان ملک جمع آوری نموده دقیقترین و جامع ترین شرح حالی است که از ادیب الممالک تاکنون نوشته شده است.

از مرحوم ادیب الممالک علاوه بر دیوان اشعار که بهمت مرحوم وحید چاپ شده و دوره های چند ساله ادب و عراق عجم و سایر روزنامه های او، کتاب دیگری بنام (پیوسته فرهنگ پارسی) بطبع رسیده. کتاب مذکور در سال ۱۳۰۲ در مطبعه علمی در ۸۴ صفحه پستی چاپ شده و قیمت آن سه قران تعیین گردیده این منظومه که آنرا نصاب فارسی باید خواند بسبب بسیار دلکش و خوبی برشته نظم در آورده شده است. از روزنامه های دیگری که ادیب الممالک تاسیس و منتشر کرد در محل خود گفتگو خواهیم کرد.

(۶۰) ادب

مجله ادب در شهر کرمان بمدیرری (احمد خان روحی) تاسیس و شماره اول آن در تاریخ غره ذی حجه ۱۳۳۷ قمری مطابق ۵ سنبله ۱۲۹۸ شمسی و ۲۸ اوت ۱۹۱۹ میلادی منتشر شده است.

مجله ادب بقطع کوچک خشتی در ۲۳ صفحه؛ ماهی یکبار، در مطبعه سنگی کرمان که بمدیرری (حسین طهرانی) دایر شده بوده، چاپ و منتشر شده و قیمت اشتراك سالیانه آن در کرمان ۱۸ قران و در سایر ولایات داخله و خارجه اجرت پست افزوده میشده است. تک نمره مجله سی شاهی. تشخیص اجرت اعلانات و لوايح خصوصی با دفتر اداره بوده. مدیر مسئول مجله احمد خان روحی و نویسندگان آن افراد خانواده روحی و از اینرو اغلب مقالات مجله بامضای افراد این خاندان از قبیل (عطاء الملك روحی) و (دکتر عیسی خان) چاپ شده است.

در پشت مجله، زیر اسم آن؛ این سطر بخط ریزتری چاپ شده: شرف المرء بالعلم والادب. علاوه بر این کلمات دیگری بخط نستعلیق از قبیل: علمی. اخلاقی، ادبی، اجتماعی؛ تاریخی که حکایت از محتویات مجله میکنند؛ در پشت جلد طبع گردیده است. بر طبق مندرجات صفحات يك و دو از شماره اول سال اول مراسم و علت پیدایش مجله ادب بدین قرار است:

مروا ما

« تازیانه های عبرتی که طبیعت در عرض سنوات اخیره بسر و منزلت نو اخت و تجارب فراوانی که از روزگار فرا گرفته ایم پس از معنهای عدیده و تحمل مشقتهای بی پایانی که ناشی از حرکات جاهلانه ما بود اینک در اثر تلخیصها که علی‌الدوام بکام ما ریخته و میریزد و در پایان شدايد طافت فرسائیکه مولد فکر بی حزم و حرکات خالی از اراده و عزم ماست حقایق درک کرده و از اعمال ناصواب خود استنباطاتی نموده ایم و در حقیقت از رفتار رفته و مشی سلف درس عبرت گرفته و بغوی محسوسمان گشته که بر الساعه و دوی قاطع پریشان روزگاری تنها نشر معارف و ترویج و اشاعه علوم است . تا زمانی که جهالت قائم ماست در این تاریکی و همناک در بیخوله های پرمغافت سرگردان و در وادی تیه متعیر و بارقه امید و شمع فلاحی ماراهدایت ننموده و آنزمان درک نجات و فلاح مینمائیم که صبح تابان متلامی علم از افق این خرابه هائی که بدوست داشتن و آباد کردن آن آرزومندیم پرتو افکن گردیده و طن مینوچهر ایران در پرتو علم و اخلاق از وضعیت ملالت خیز تالم آور کنونی که منتج جهالت خود مانست منحرف نموده مانیز در جامعه و در مقابل انسانهای دنیا عرض هستی کرده خود را قائم بالذات و مستقل الفکر معرفی نمائیم . اینک هیئت فامیل روحی که قدمت خدمت خود را از دیر زمانه در نشر معارف و بسط علوم در کلیه این کشور مبرز ساخته و هماره برای تعمیم علوم کوشش وسیعی ما فوق الطاقه نموده و این معززیت ادبی آنان در جامعه همه وقت از طرف معارف پژوهان بحسن تلقی تلاقی شده است باز بنوبه خود مجله بنام (ادب) در ایالت کرمان تا سیس کسره و مصارف این مجموعه علمی و اخلاقی را از بودجه نفقات خود تادیه ساخته امیدواریم با فرط متانت این روش اخلاقی و مشی ادبی را ادامه داده خود را بمن و تایید باری تعالی موفق بنشر این مجله علمی و ادبی دانسته و با عدم وسائل آرزومندیم که بدینوسیله در پیشگاه معارف پروران این گیتی مندرجات این نامه ادبی مورد توجه گشته و اگر مطالعات ادبا و دانشمندان بلدان کشور ماغور عمیق در مندرجات این نامه محقر ادبی معطوف دارند و مقالات ما را از نقطه نظر علمی و ادبی اگر منقصتی در آنها به بینند انتقاد نمایند ما نیز با کمال امتنان انتقادات آنها را مندرج ساخته و صوابرا در مقابل خطا رهنما و قائم خود معرفی مینمائیم . و نیز تشکرات فائقه خود را نسبت با اجازه طبع این مجله بمقام منبع وزارت جلیله علوم و معارف تقدیم داشته و آرزومندیم که در ظل توجه این وزیر معارف پرست و اهتمام کامل آقای رئیس معارف و اوقاف کرمان که منتهای مساعدت را در طبع و نشر این نامه ادبی با ما نموده اند موفقیت حاصل کنیم که در آتیه در هر ماه دونوبت طبع و توزیع نمائیم . من الله التوفیق

حرف اهل بده الدال

ادبی

و علیه التکلان « هیئت تحریریه » با اینکه هیئت تحریریه در این مقدمه وعده داده است که در آتیه بزهرماه: دونوبت مجله طبع و توزیع گردد؛ مع ذلك انتشار مجله مرتب نبوده و در هر ماه یک شماره هم منتشر نشده است چنانکه شماره دوم که باید در غره محرم انتشار پیدا کند در غره صفر ۱۳۳۸ انتشار یافته است.

برای اینکه خوانندگان تا اندازه بنوع مندرجات مجله ادب آشنا گردند فهرست مقالات شماره دوم سال اول را در اینجا نقل میکنیم: حال ما، ترقی معارف؛ تعریف علم؛ معارف کرمان و مکاتیب وارده، مقصد در تعلیم؛ قابل توجه معارف خواهان تاریخ زندگانی و ذکر احوال میرزا آقا خان کرمانی، بحث طبی مالاریا. فکاهیات علم قیافه، حق شناسی و قراسوران.

علاوه بر مطالب مذکور قسمتی از تاریخ کرمان در این شماره درج است. آنچه بعنوان تاریخ کرمان در این شماره و شماره های دیگر ادب آورده شده عبارت از مطالبی است که هیئت تحریریه از دو نسخه تاریخ خطی کرمان، یکی تالیف میرزا احمد علیخان و دیگری تالیف آقا شیخ یحیی رئیس معارف و اوقاف آن موقع کرمان (۱۳۳۸ قمری) اقتباس کرده اند.

(۶۱) ادب

مجله ادب بطور ماهانه در شهر تبریز با چاپ سنگی طبع و در سال ۱۳۳۸ قمری از طرف (هیئت محصلین مدرسه متوسطه تبریز) منتشر گردیده شماره ۷ مجله در ذیحجه ۱۳۳۸ قمری انتشار یافته و شماره ۱۰ آن در حوت ۱۲۹۹ شمسی بداره مجله فلاح و تجارت واصل گردیده است.

در شماره ۲۵ سال دوم روزنامه زبان زنان راجع باین مجله مینویسد: «مجله مذکور با طرزى مخصوص و بسیار جالب و در حقیقت يك مجله جامعى است.»

بهاء اشتراك سالیانه مجله سه تومان است.

(۶۲) ادبی

مجله ادبی در طهران بمدیرى و صاحب امتیازى (سعد الملك مافى) تاسیس و شماره اول آن در پانزدهم جمادى الاول ۱۳۳۶ قمرى مطابق ۸ حوت ۱۲۹۶ شمسی منتشر گردیده است مجله ادبی پانزدهم هر ماه طبع و توزیع می شود.

و شماره اول آن در ۱۶ صفحه بقطع خشتی کوچک و شماره های دیگر در ۲۴ صفحه بقطع مذکور در مطبعه سربى (روشنائی) طبع گردیده است. محل اداره مجله طهران حسن آباد منزل سعد الملك و قیمت اشتراك آن بدینقرار است: طهران شش ماهه ده قران، يك ساله ۱۸ قران؛ ولایات ششماه ۱۵ قران؛ یکساله ۲۵ قران

قیمت يك نمره يك قران و دهشاهی •

جمله معروف : « شرف المرء بالعلم والادب لا بالاصل والنسب » بعنوان شعار در پشت مجله بخط نسخ نوشته شده است •

در صفحه اول شماره اول سال اول شرحی بعنوان (مقدمه) بقلم مدیر مجله (مهدی مافی سعدالملک) مذکور است که برای اطلاع از سبک مطالب و عبارات مجله عین آنرا نقل میکنیم : « بسمه تعالی شانه • قادر متعال انسان را پس از نه ماه حبس مظلم بدین شرط آزاد فرمود که در مدت اقامتش در عالم علم و ادب آموزد و از این راه شرافت خود را بر سایر مخلوقات ثابت سازد و برای تند کر پیغمبران بر انکیخت که زنك غفلت از خواطر ناس بزدايند و انسانی را بوظیفه و تعهد خود یاد آور شوند چنانکه رسول اکرم و خانم مکرم میفرماید طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمه • انسان بی علم به پیشزی نیرزد و در برابر عالم بر خود بلرزد که گفته اند شرف المرء بالعلم والادب لا بالاصل والنسب • فرزند آدم اگر مزین بزینت علم و ادب نباشد حیوانی است حیران و بدبختی است سرگردان در هیچ مجلس بار ندارد و در هیچ معضلی راه ؛ خار بوستان است و بار دوستان، اگر کلید خزائن قارون بدست گیرد باز محتاج است لکن اگر آدمی اندام خود را بجامه علم و زیور ادب بیاراید هرگز درویش نشود ، عالم هر کجا رود قدر بیند و بصدر نشیند و جاهل لقمه چینه و سختی بیند • انسان بقوه علم فضای هوا را از مرغان سبک بال ستانده و در قعر دریا نهنک از سطواتش درمانده است از آتش آب میگیرد و از آب آتش با این حال بحکم علم جبین ضراعت در آستان قدس الهی بخاک میساید و با دست ادب اشاره مینماید که هو العی الذی لایموت • (مهدی مافی سعدالملک)

مجله ادبی چنانچه از اسمش پیداست مجله ایست ادبی ؛ علمی ، اخلاقی و تاریخی مندرجات آن نیز مطالبی از همین قبیل است • برای اطلاع بیشتری از علت انتشار و مندرجات مجله لازم است قسمتی را که در صفحه دوم شماره اول تحت عنوان (مقصود ما) بقلم مدیر مجله نوشته شده در اینجا نقل کنیم :

« مقصود ما »

« در این اوان بهلت کثرت اخبار و توجه سیاست مملکت و علاج مرض و دفع غرض ؛ جراید محترمه پایتخت را مجال عطف نظر بجانب ادبیات وطن سعدی و مدفن فردوسی نیست و شهدا لله که با شجاعتی تام در حفظ استقلال و نام میکوشند و از انصاف بهید است که در این اوقات گرانبها آن اوراق مفیده را بخود مشغول داریم ، این نکته را باید اقرار نمود که قبل از ما همین مقصود را مجله علمی که بهمت جمعی از دانشمندان اشاعت می یافت شروع و با یکدنیا تاسف ایف شملش پریشان و هریک از دایره جمع بجائی رفتند ولکن بکت قبلی فهاج لی البکدبکها و کان الفضل

المتقدم • اگر افتخاری باشد در خور مجله سابقه است چه او مبتکر بوده است و ما معاقب آن و میتوان مجله ادبی را رضیع مجله علمی پنداشت که پس از دو سال خفتن در گهواره عطالت قدمهای کوچک خود را در عرصه پهناور میدان تاخت و تاز قلم نهاده علم واژگون شده سلف خود را بدست گرفته و بامید رشد و ترقی گام بر میدارد اما زبانش از تشریح سیاست و پلتیک داخلی و خارجی عاجز است • همین فصلی که ذکرش رفت سرمایه قناعت را کاملا دارا و بهیچ وجه استرحام ننماید و بهمان دلیل بیش از یک شماره (شماره اول) برای اشخاص فرستاده نمیشود چنانچه مطبوع طبع معارف پروران گردید وجه اشتراك (آبانمان) را که خیلی نا قابل است مرحمت و همه ماهه مرتبا مجله ارسال خواهد گردید • با این همه استننا و با این همه عزت نفس دست نیاز بجانب فضلا و دانشمندان دراز و استمداد قلمی مینماید و امیدوار است که این ذوات محترمه از ارسال مقالات ادبیه و اخلاقیه دریغ نفرمایند (م-م-س) آنچه از مقدمه فوق معلوم میشود این است که مجله ادبی دنباله انتشار مجله دیگری بنام (علمی) بوده و همان سبک را پیروی میکرده است • مجله علمی چنانچه بعدا در حرف (عین) این کتاب شرح خواهیم داد تحت نظر هیئت تحریریه و بخصوص آقای دکتر مصدق اداره میشده و یکی از نویسندگان آن آقای (مهدی مافی سعد الملك) بوده است •

نگارنده تا سال سوم مجله ادبی را در دست دارد و شماره اول سال سوم آن بصاحب امتیازی آقای (سعد الملك) در تاریخ ۱۵ رمضان ۱۳۳۸ قمری مطابق ۱۲ جوزای ۱۲۹۹ شمسی در مطبعه سربلی روشنائی واقع در خیابان علاءالدوله طبع و توزیع گردیده است • مجله ادبی در سال سوم پانزدهم هرماه طبع و توزیع میشد • و قیمت اشتراك و تك نمره آن در این سال بدینقرار است : طهران ؛ ششماهه ده قران و يك ساله ۱۸ قران و ولایات ششماهه ۱۵ قران و يكساله ۲۵ قران • تك نمره سی شاهی • در پشت جلد مجله بعنوان ادبی ؛ علمی ، اخلاقی و تاریخی معرفی شده است • در سال سوم تعداد صفحات مجله غیر منظم و بعضی از شماره های آن ۲۴ و بعضی ۲۶ و ۲۸ صفحه می باشد و از حیث چاپ و کاغذ چندان مرغوب نیست • مندرجات مجله در این سال عبارت از مقالات گوناگونی است که اغلب آنها بقلم مدیر مجله و همه جا امضای (م-م-س) در پایان آنهاست عنوان بعضی از مقالات این سال عبارت است از تمدن فرع تدین است آداب معاشرت ، فرانسه سرمشق غیرت است ، از مقالات شیرین و تاریخی سال سوم (داستان حلواچی اغلی یا شرح سلطنت شاه اسمعیل ثانی است) که در دو شماره بقلم مدیر مجله نوشته شده است • در سالنامه ۱۲۹۷ وزارت فرهنگ راجع بمجله ادبی می نویسد : « مجله ادبی بمدیري سعد الملك مافی در طهران بطور ماهیانه در مطبعه روشنائی طبع و هرنوبت ۵۰۰ نسخه از آن منتشر میشود • سیاق مطالب آن ادینست »



سعد الملك مافی

مهدی ملقب بسعد الملك مافی فرزند مرحوم محمد حسن خان سعد الملك و برادر کهنتر حسینقلی خان نظام السلطنه مافی ؛ از ایل مافی است . مشارالیه در پاسخ نامه نگارنده شرح احوال خود را اینطور نوشته است :

« تحصیلاتم در فرانسه انجام یافته و قسمت مربوط بداخلی را محمود مرحوم آقا سید علمی بهشتی معروف بمفسر و مرحوم آقا میرزا محمد

گلپایگانی فرا گرفته و معلم خطم مرحوم میرزا کاظم خوشنویس بوده . چندی در مجله علمی با جناب آقای دکتر مصدق همکار و (فاجعه اصفهان) را که تاریخچه حمله افغان و سرگذشت شاه سلطنا نحسین میباشد نوشتم پس مدتی بانتشار مجله مستقل (ادبی) مشغول و در نتیجه یاس از محیط آن را تعطیل و بشغل آباء و اجدای که عبارت از خدمت دولت باشد مشغول و اکنون بیست و پنج سال است که در شهرداری انجام وظیفه مینمایم . « آقای مافی در شهرداری طهران مشاغل مختلف را عهده دار بوده و من جمله مدتی ریاست معارف اداره املاک را داشته و نیز در سال ۱۳۱۰ شمسی مدیریت اداره ارزاق و اصناف و خبازخانه و قصابخانه را عهده دار بوده است . در حین تحریر این یادداشت نیز در شهرداری طهران مشغول خدمت میباشند .

(۶۳) ادبی

مجله ادبی در سال ۱۳۱۲ شمسی بطور هفتگی در تبریز تاسیس و منتشر شده است .

(۶۴) آدمیت

ادوارد برون در کتاب شعر و مطبوعات فارسی خود (ص ۲۷) مینویسد : روز نامه آدمیت در طهران بمدبری (میرزا عبدالمطلب بزدی) در سال ۱۳۲۵ قمری مطابق ۱۹۰۷ میلادی منتشر شده است . و در شماره ۱۲۴ روزنامه ندای وطن مورخ ۵ شنبه ۲۸ شهر شوال ۱۳۲۵ قمری بعنوان (مطبوعات جدید و مفیده) مینویسد : زبان ملت و آدمیت : این هر دو روزنامه بتعلیم جناب آقا میرزا عبدالمطلب فاضل بزدی نوشته میشود و مشتمل است بر نکات سیاسی و فواید عامه .

در بخش سوم تاریخ مشروطه ایران (ص ۱۱۳) مرحوم کمروی مینویسد :

همانروز که ملک و جهانگیر خان را کشتند در یکی از اطرافها دادگا می برای باز
پرسی و رسیدگی برپاگردانیدند که من جمله از اعضای آن دادگاه میرزا عبدالمطلب
یزدی مدیر روزنامه آدمیت بود .

روزنامه آدمیت در چهارصفحه بقطع وزیری بزرگ با چاپ سنگی چاپ شد .
و مشتمل بر حوادث و وقایع آغاز مشروطیت ایران است .

(۶۶) آدمیت

روز نامه آدمیت در شیراز بمدیرری و سردبیری (رکن زاده آدمیت) تاسیس
و شماره اول سال اول آن در خرداد ۱۳۰۵ شمسی در چهارصفحه بقطع وزیری بزرگ
منتشر شده است . آدمیت روزنامه ایست هفتگی و با چاپ سنگی در مطبعه (معمدی
شیراز) طبع گردیده ؛ اداره روزنامه شیراز ؛ میدان توپخانه و عنوان کتبی و تلگرافی آن
(آدمیت) قیمت اشتراک سالانه روز نامه بدینقرار است : شیراز ۳۵ قران
داخله ۴۰ قران ، هندوستان ۱۲ روپیه ؛ سایر مسالك خارجه يك لیره انگلیسی
تك شماره هشت شاهی . اعلانات فقط در صفحه چهار و از قرار سطری يك قران است
وجه اشتراک برای محصلین و معلمین دو تومان است .

روزنامه آدمیت دارای سرلوحه ایست بشکل مربع مستطیل که سمت چپ آن
تصویر شیخ سعدی بصورت درویش پیری ابستاده (کلیشه از روی تصویر می باشد
که از شیخ در دست است) و دست خود را بطرف صفحه که روی آن کلمه (آدمیت) اسم
روزنامه بخط نستعلیق نوشته شده دراز کرده است . در دست دیگر شیخ فرشته
بالداری نمودار است . در گوشه چپ سرلوحه ، بطرف پائین ؛ کلمه (روز نامه که
در زیر آن سال ۱۳۰۵ شمسی نوشته شده) قرار گرفته ، این سرلوحه معمولاً به
رنك آبی است .

روزنامه آدمیت در تمام شماره ها ، ضمن يك سطر که در عنوان روز نامه
درج است ، بدین قسم معرفی شده : جریده ایست علمی ؛ سیاسی ، ادبی ، اجتماعی
و کاریکاتوری و مصور .

مندرجات آن پس از درج مقاله اساسی که بیشتر راجع باوضاع اجتماعی و
اقتصادیست ؛ عبارتست از حوادث شیراز و اطراف آن و شهرهای بنادر و نیز مطالب
متنوعه ای در صفحات ۳ و ۴ آن دیده میشود . در شماره های سال اول ، در صفحات
۲ و ۳ آن کتابی بنام (سفر بنادر) چاپ شده که بسیار مفید است . آدمیت ؛ با
اینکه در سال اول عنوان هفتگی داشته ولی بدون ترتیب نشر شده و چنانچه در شماره
۲۲ این سال مورخ ۲۰ خرداد ۱۳۰۶ یاد آور شده ، جمعا در سال اول پیش از ۲۲ شماره
منتشر نشده در صورتیکه باید ۴۸ شماره منتشر شده باشد . مدیر روزنامه از این

کسری انتشار عنبر خواهی نموده و آنرا تقصیر مشترکین بد حساب دانسته و و عدّه داده است در سال بعد جبران نماید .

در شماره ۷ و ۸ سال دوم مجله تعلیم و تربیت در فهرست امتیازات جراید راجع باین روزنامه مینویسد : روزنامه آدمیت در شیراز بمدیر (میرزا محمد حسین رکن زاده شیرازی) در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۰۵ شمسی امتیاز آن از تصویب شورای عالی فرهنگ گذشته است . جای تعجب است که در سالنامه ۱۴ - ۱۳۱۵ معارف فارس که فهرست مختصری از جراید و مجلات حوزه معارفی فارس را تنظیم نموده ، ذکری از این روزنامه نکرده است . میرزا محمد حسین رکن زاده دو کتاب بنامهای (فارس و جنگ بین الملل) و (دلبران تنگستانی) تالیف نموده که معرف احاطه او در تاریخ و نویسندگی میباشد .

(۶۷) آذر

مجله آذر در سال ۱۳۰۱ شمسی بطور ماهیانه در تهران تاسیس و منتشر شده است .

(۶۸) آذر

شماره اول سال اول روزنامه آذر ؛ با قطع بزرگ و چاپ سربی روی يك ورق در مطبعه (بوسفور) در تهران چاپ و در تاریخ ۱۸ صفر ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۷ میزان ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . روزنامه آذر بصاحب امتیازی (مضم) و مدیر مسئولی (زین العابدین فروزش) انتشار یافته . قیمت سالیانه ۵۰ قران ششماهه ۳۰ قران و سه ماهه ۱۵ قران است . ولایات قیمت پست افزوده میشود ؛ تك نمره چهار شاهی . آدرس : طهران ، شاه آباد . طرز انتشار هفتگی است .

از (اخطار اداری) که در این شماره ذکر شده معلوم میگردد که روز نامه آذر بجای نجات ایران انتشار یافته و عبارت اخطار این است : « این نمره آذر را مشترکین محترم بجای نجات ایران قبول کنند تا با مطبعه معین در خصوص طبع آذر قرار داد کرده آنگاه هر يك در وقت انتشار خود منتشر خواهد شد که امروز برای خواهش صاحب امتیاز نو به مطبعه را باذر واگذار کردیم . (فروزش) و اما اینکه این شماره بعوض کدام يك از شماره های نجات ایران منتشر شده ، از تصحیح و اشتباه که در شماره های ۲۴ و ۳۰ نجات ایران رویداد ؛ و در این شماره آذر بعمل آمده معلوم میشود لا اقل بعوض شماره های بعد از ۳۰ نجات ایران است .

در عنوان روزنامه پس از چاپ (اخطار اداری) که فوق آنرا نقل کردیم ؛ در گوشه راست آن اسم روزنامه (آذر) بخط نسخ درشت و در زیر آن سال (۱۳۴۱) درج است . مقاله افتتاحی این شماره بدینقسم شروع میشود: بزبان تاریخ - مجلس

چهارم درجه حال بود ، مجلس چهارم سال هفدهم مشروطیت ایران مصادف بود با استقرار حکومت شوروی سوسیالیستی روسیه و ظهور نتایج وموالید جنگ بین المللی در اروپا خصوصا ودر تمام دنیا عموما ۰۰۰ علاوه برسرمقاله ، چند مقاله دیگر و کمی اخبار داخله در آن درج است . و نیز در صفحه دوم آن رمان (عشق و ناکامی) به عنوان (کبوتر مهجور ۵) که قسمتهای سابق آن در روزنامه نجات ایران طبع گردیده ؛ چاپ شده است .

برای اطلاع از شرح حال مدیرمسئول روزنامه یعنی آقای فروزش رجوع شود بعرف نون کلمه (نجات ایران) این کتاب .
نگارنده تا کنون بیش از شماره اول روزنامه آذر را ندیده و تصور نمیکنیم بغیر از همین يك شماره شماره های دیگری از آن منتشر شده باشد .

(۶۹) آذر

روز نامه آذر در تبریز چاپ و منتشر شده ، مرحوم تربیت راجع باین روزنامه مینویسد ، (ص ۴۰۵ کتاب دانشمندان آذربایجان) : « روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سری بمدیریت دکتر علی اکبر پیشوا در ۱۳۴۳ ۰۰

(۷۰) آذربادگان

در همان سال که روزنامه آذر در تبریز منتشر شده ؛ روزنامه آذربادگان نیز بمدیریت دکتر علی اکبر پیشوا انتشار یافته است . مرحوم تربیت راجع باین روزنامه مینویسد : « آذر آبادگان روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سری بمدیریت دکتر علی اکبر پیشوا در ۱۳۴۳ ۰۰ ص ۴۰۵ کتاب دانشمندان آذربایجان

(۷۱) آذربایجان

در شهر تبریز سه روزنامه در زمانهای مختلف بنام آذربایجان منتشر شده و ما بشرح هر يك جداگانه میپردازیم :
آذربایجان - این روزنامه قدیمترین روزنامه ایست که با چاپ سنگی در آذر بایجان در سال ۱۲۷۵ قمری انتشار یافته و چون باسامی مختلف آذربایجان ، اخبار دارالسلطنه آذربایجان ، روزنامه وقایع شهر مملکت محروسه آذربایجان ، روزنامه ملی مملکت آذربایجان و غیره منتشر شده لذا ما در این کتاب آنرا (بنام اخبار دارالسلطنه آذربایجان) ضبط و در حرف الف بعده الخاء ؛ بتفصیل از آن گفتگو کرده ایم . رجوع شود بروزنامه اخبار دارالسلطنه آذربایجان .

(۷۲) آذربایجان

این روزنامه در آغاز مشروطیت ایران تاسیس و اولین روزنامه ایست که در

تبریز با چاپ سریبی انتشار یافته • مرحوم کسروی در کتاب تاریخ هیجده ساله آذربایجان (ص ۹۶) شرحی راجع به پیدایش و انتشار این روزنامه بیان کرده که بی مناسبت نیست عین آنرا اینجا نقل کنیم :

« بزرگترین روزنامه تبریز که در این سال پدید آمد نامه آذربایجان بود که آقای میرزا حاج آقای بلوری برپانموده نگارش آنرا بهده میرزا علیقلی واگذاشت چنانکه گفته ایم در این جنبش آزادی بازرگانان ایران از پشاهنگان بودند ، بویژه در آذربایجان که میتوان گفت بنیاد مشروطه با پول اینان گذارده شد • از جمله آقای بلوری نخستین روز پناهندگی بقونسولگری در آمد و همیشه با پول و تلاش در راه مشروطه میکوشید چنانکه نام ایشان بارها پس از این برده خواهد شد در آن هنگام که محمد علی میرزا از تبریز روانه تهران میشد چون خود او چایخانه داشت که میفروخت آقای بلوری آنرا بیهای گرافی خریدم بغانه خود برد که پس از بیشتر نگارهای آزادیخواهان در آنجا چاپ می یافت • سپس هم روزنامه آذربایجان را بنیاد گذاشت که شماره سیم آن در آخرهای بهمن ۱۲۸۵ شمسی است ، « بیرون آمد و خود نخستین روزنامه سیاسی آزاد زبان و نخستین بار بود که روزنامه در تبریز با ماشین سریبی چاپ می یافت »

پس از اطلاع بر شرح فوق که سند بزرگی برای اهمیت روز نامه آذربایجان می باشد ؛ بذکر خصوصیات این روزنامه میپردازیم :

روزنامه آذربایجان چنانکه در عنوان آن نوشته بدیری و منشی اولی (علیقلی مدیر احتیاج سابق) و مکاتبات باسم (حاج میرزا آقا تبریزی) در هشت صفحه به قطع وزیری با چاپ سریبی در مطبعه سریبی (ناموس) که متعلق بپیرادران (زین العابدین و حاج میرزا آقا) بوده چاپ و شماره اول آن در ششم محرم الحرام ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است •

در صفحه اول اسم روزنامه (آذربایجان) بخط نسخ و در زیر آن سال (۱۳۲۴ قمری) و (۱۹۰۶) وجهه (قیمت يك نسخه چهارده شاهی است) چاپ و علاوه بر این تصویر دو نفر با لباسهای مخصوص ترسیم شده است • آدرس روزنامه : تبریز تیمچه حسینیه ، اداره روزنامه آذربایجان • قیمت اشتراك سالیانه در تبریز و اطراف چهار تومان ، نه ماهه بیست و هشت هزار (۲۸ قران) شش ماهه بیست و دو هزار (۲۲ قران) سه ماهه دوازده هزار (۱۲ قران) يك نسخه چهارده شاهی • اعلانات سطری بانصد دینار •

هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون و مقاله افتتاحی که در ستون اول و دوم صفحه دوم نوشته شده بدینقرار است : «رب اشرح لی صدری و یسرلی امری واحلل عقدة من لسانی و سهل امری برحمتك یا ارحم الراحمین • خطاب بقلم و مقدمه •

ای قلم ای نور ظلمت سوز من ✽ ای قلم ای صبح روز افزون من ✽ ای قلم ای کنج بی پایان توئی ✽ ای انیس وحشت و هجران توئی ✽ خامه ام ای محرم افکار من ✽ ترجمان فکرت و اسرار من ✽ ایها المعبوس فی سجن الظلم ✽ ایها المظلوم من هم و غم ✽ سالها و ماهها بس خفته ای ✽ کاندری می بایدت ناسته ای ✽ حالیا برخیز شه دستور داد ✽ اندر آتش دید مارا نور داد ✽ بازگو ای باز پر افروخته باشه و با ساعدش آموخته .

ایران : ایران : ای وطن مقدس وای خاک پاک اقدس ؛ ای بهشت روی زمین و ای وادی پسندیده و دلنشین ؛ ای دخمه شهنشهان جهان ؛ و ای مکنم جهانداران کیان . ای ایران ای مهد مدنیت وای گهواره انسانیت ، ای سرچشمه علوم وای منبع بدایع و فنون ، ای ایران چه دلکش کشوری و چه ستوده مکانی (چند سطر راجع بوطن است) پس از آن بعنوان (ای وطن مهربان) اشعار است که چند تای آن ها بدین قسم است : هر که کویت دوست دارد کی زمردن سر بتابد ✽ هر که معبودش تا باشی سر زمعبد بر ندارد ✽ هر کسی کورا وطن در پنجه اغیار ماند ✽ یا وطن را ترک گوید یا بکوبش جان بیازد . ترک جان گفتن بکویت ای صنم سهل است و آسان هر که سودای تودارد سرز فرمان بر ندارد . این اشعار و مقاله فوق بامضای (حاجی بابا) است .

پس از مقاله افتتاحی اخبارات (لوان) و (شبستر) و (نخبوان) و همچنین اخبار خارجه (لندن) و (اسلامبول) و (یکن) و بعد اخبار شهری ذکر شده است دو صفحه آخر روزنامه که بزبان ترکی نوشته شده مشتمل بر مقالات (رویا) و اشعار ترکی بعنوان (ملانصرالدین جواب) و مقاله (حراج یا یغما) چاپ شده . روزنامه آذربایجان اقتباس و تقلید از روزنامه (ملانصرالدین) بوده و علاوه بر مطالب فکاهی در تمام صفحات دارای تصاویر رنگی نظیر تصاویر ملانصرالدین می باشد ؛ چنانچه در صفحه چهار و پنج تصویر (مجلس مشروطه طلبان و مجمع قید کشان اهالی خراسان) و در صفحه آخر کاریکاتور (رنجبر و مباشر) رسم شده است . در نمره دوم روزنامه ، در صفحه اول ، عکس حاج میرزا آقاسی کشیده شده که با دست اشاره بدریای خزر میکند و زیرش نوشته شده : « این آب شور چه قابلیت دارد که اوقات خود را در این باب صرف نمایم . بجهنم . »

در نمره دوم که در ۱۵ محرم ۱۳۲۵ قمری منتشر شده ؛ در عنوان روزنامه (تصویر شیر و خورشید ایستاده) اضافه شده و سرمقاله آن بعنوان : (زاری بریکسی وطن) بامضای (حاج بابا) است . بعد از سرمقاله اشعاری بزبان ترکی چاپ شده و در صفحات ۴ و ۵ آن کاریکاتور گرگی که در گله افتاده و دو نفر ایستاده آن را تماشا میکنند رسم گردیده است . در زیر این کاریکاتور نوشته : اهلی ؛ اهلی ، ای

صاحب رمه گوسفندان را گرگها تلف کردند - لا اله الا الله؛ هی داد میز نم کسی
بمن جواب نمیده این شبان خوابیده .

آذربایجان بطور هفتگی چاپ میشده و مجموعا بیست شماره از آن منتشر شده
که شماره اول در تاریخ ۶ محرم و شماره بیستم ۶ شوال ۱۳۲۵ قمری بود . است .
رویهرفته آذربایجان روزنامه مفید و دارای گراور و تصاویر نفیسی است و مجموعه
بیست شماره آن بضمیمه روزنامه حشرات الارض در کتابخانه مجلس شورا یلی موجود است
مندرجات آن عموما مطالبیست راجع بشروطیت ایران و گاهی اشعار و مطالب
فکاهی در آن دیده میشود؛ برای نمونه مثلا مینویسد: « مراغه . امروز شاگردان
معلم خانه فال گوی ملتی اجماعا طلاس گذاشته و بماقبت امور ایران رسیدگی نمودند
ظاهرا این شعر در آمده ، خوش بود از دور آواز دهل . » بهمین مناسبت مرحوم
تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان (ص ۴۰۵) راجع بروزنامه آذربایجان مـی
نویسد : « روزنامه هفتگی بذله سرا منتشر در تبریز با چاپ سری و صور رنگین هزلی »
کسروی در جلد اول کتاب تاریخ مشروطه ایران ص ۳۷۱ را جـع بروزنامه
آذربایجان مینویسد :

« يك روزنامه آبرومند دیگری در تبریز در همان روزها منتشر شده روزنامه
آذربایجان بود که همچون (ملا نصرالدین) قفقاز با زبان شوخی آمیز نوشته میشد
و نگاره های شوخی آمیز (کاریکاتور) میداشت . میتوان گفت که پس از ملا نصر
الدین بهترین روزنامه از آنگونه بوده . این نامه راجعی میرزا آقای بنوری که یکی
از بازرگانان آزادخواه تبریز میبود بنیاد نهاده و نوشتن آنرا میرزا علیقلی صراف
که نامش برده ایم بگردن میداشت . محمد علی میرزا در زمان ولیعهدی خود چاپخانه
در تبریز میداشت که چون میخواست بهران رود آن را فروخت و حاجی میرزا آقا
آن را خرید و این روزنامه که یکسال بیرون آمد در آن چاپخانه بچاپ میرسیدوچنان
که از نگاره هایش پیداست يك نگارگر استادی هم داشته . » مرحوم کسروی در
جای دیگر این کتاب (ص ۳۷۳) پس از ذکر اینکه روزنامه آذربایجان همان شیوه
روزنامه ملا نصرالدین را داشته؛ مینویسد آذربایجان گاهی بشعرهای مندرج در ملا
نصرالدین پاسخ میداد چنانکه وقتی میرزا علی اصغر خان اتابک بایران بازگشت و مجلس
درباره اوستی کرد ، ملا نصرالدین اشعاری از (گفته صابر) درسرنش ایرانیا ن چاپ کرد
(این اشعار بترکیست و چندتای آنرا کسروی نقل کرده) پس از آنکه اتابک کشته شد
آذربایجان آنرا عنوان کرده و پاسخ بترکی باشعار ملا نصرالدین داد که باز
کسروی آنرا نقل کرده مجددا ملا نصرالدین پاسخ نوشت و باز آذربایجان آنرا
جواب داد . کسروی هر سه این اشعار و پاسخ ها را نقل کرده و در باره پاسخ اخیر
آذربایجان مینویسد این اشعار در تبریز بزبان ها افتاد و بچه ها آنها را در کوچه ها میخواندند .
در کتاب مطبوعات و شعر فارسی تالیف برون (ص ۲۷) شرح مختصری راجع

حرف الف بعده الذال

آذربایجان، ارارود

باین روزنامه ذکر شده صفحه اول نمره چهار آنرا که تصویر امین السلطان ر سم گردیده گراور کرده است . در زیر این تصویر این سطر درج است : « مرا از این قطعه ابداء دلپستگی نیست و در آتیه و در ایام ضرورت و معزولی کرور ها لازم دارم پس باید این قطعه را ۴۰۰۰ »

علیقلی مدیر احتیاج و میرزا آقا تبریزی

شرح حال علیقلی صفر اوف را بطور اجمال در جائیکه از روزنامه احتیاج گفتگو نموده بیان کرده ایم خوانندگان بکلمه (احتیاج) مراجعه فرمایند . و اما حاج میرزا آقا تبریزی که بعدا نام فامیلی بلوری انتخاب نموده ، یکی از بازرگانان آزادیخواه تبریز بوده و در دوره پهلوی وارد خدمات دولتی گردید و من جمله مدت زمانی فرماندار مراغه بود . کسروی در تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان دو تصویر از او نقل نموده و در زیر آنها نوشته است : « آقای حاج میرزا آقا بلوری که یکی از پیشروان آزادی بودند و چنانکه یاد آن کرده خواهد شد جانفشانیهای بی اندازه کرده و گزندهای فراوان در این راه دیده اند ۴۰۰۰ »

(۷۳) آذربایجان

روزنامه آذربایجان بطور هفتگی بدیریت (محسن) و در تحت نظارت مجد السلطنه افشار ، با چاپ سربی ، در سال ۱۳۲۷ قمری ، در تبریز منتشر شده است

(۷۴) ارارود (صبح)

مرحوم میرزا محمد علیخان تربیت در فهرست جراید آذربایجان (ص ۴۰۵) که ضمیمه کتاب دانشمندان آذربایجان بطبع رسیده در باره این روزنامه مینویسد ارارود یعنی صبح ؛ روزنامه هفتگی منتشر در تبریز در زبان ارمنی از طرف فرقه داشنا کسوتیون بدیریت یوسف در ۱۲-۱۹۰۹ در کتاب مطبوعات و شعر فارسی تالیف برون (ص ۲۸) پس از بیان شرح فوق مینویسد : « روزنامه ارارود بسب عقاید آزادی طلبیش تاثیر قابل ملاحظه در قفقاز داشت و در نتیجه دخول آن در روسیه منع شده بود و از این جهت شکایت و نهضتی در قسمت های روسیه پدید آمد . موسسین روزنامه سعی مینمودند خودشان را از توقیف و محافظت نمایند . مندرجات روزنامه عبار تست از راهپورت و اخبار مهم تلگرافی که خیلی معروف و مشهور بوده از تهران و خارجه و هم چنین بعثت با روزنامه ایرانی بنام شفق که در تبریز طبع میشد ؛ در این روزنامه چاپ شده است ۴۰ »

ظاهرا محل طبع و انتشار روزنامه ارارود پس از مدتی بظهران منتقل گردید و در پایتخت منتشر میشده ، چنانچه در سالنامه ۱۲۹۷ شمسی وزارت معارف در صورت

حرف الف بعده الرا

ار اود، ارتقا

جرايد و مجلاتي که در مرکز طبع و نشر ميشده ، نام اين روزنامه را بدین خصوصيات ذکر کرده و در ملاحظات آن ذکری از تعطيل بودن آن بيان نياورده و از اين ر و معلوم ميشود تا آن تاريخ منتشر ميشده است ، خصوصيات ار اود که در سالنامه آورده شده بدین قرار است :

روزنامه ار اود بدیري (مسيو باذیل) که سردیر آن نیز خود مشارالیه است بطور هفتگی ، بزبان ارمنی ؛ در مطبه طهران چاپ و هر نوبت ۷۰۰ تا ۸۰۰ نسخه از آن منتشر میگردد .

• مسيو باذیل در طهران مطبه بنام (مطبه طهران) داشته است .

فرقه و یا حزب داشناکسوتیون

گفتیم روزنامه ار اود از طرف فرقه داشناکسوتیون منتشر شده برای اینکه خوانندگان مختصری از این حزب و یا فرقه اطلاع پیدا کنند لازم است یاد آور شویم که مرام اصلی فرقه مذکور عبارت از استقلال ارمنستان و اداره آن به وسیله ارامنه است . از افراد برجسته و مهم این حزب که در ایران شهرتی دارد آقای کاسپار ایکیان میباشد . وی از کارمندان مسئول حزب و مردی ادیب و نویسنده و در جنگ بین الملل اول ، در قتل عام ارامنه در ترکیه ؛ و از آنجا فرار کرد و مدتها در مسالک بیگانه بود تا اینکه بوسیله هیئت ارامنه طهران برای انجام خدماتی بفرهنگ ارامنه دعوت شد و نیز وی همان کسبست که در زمان کودتای سید ضیاءالدین از مشاورین او بود و رسماً از طرف سید ضیاءالدین بشهرداری طهران منصوب گردید . ایکیان فلا در لبنان زندگی میکند . باری حزب داشناکسوتیون ارامنه در انقلاب مشروطه ایران دل مهمی را بازی کرده است و بیرم خان ، بطروس خان ، هردو از کارمندان این حزب بودند و در تاریخ انقلاب مشروطه محل پرافتخاری را دارند . بیرم خان در جنگ با سالار الدوله کشته شد و بطروس خان هم از طرف روسهای تزاری بملت شرکت در انقلاب مشروطه بدار آویخته گردید .

(۷۵) ارتقا

روزنامه ارتقا در طهران ، در سال ۱۳۰۲ شمسی ؛ بطور هفتگی منتشر شده است

(۷۶) اردوی همایون

روزنامه اردوی همایون قبل از آنکه باین نام موسوم و منتشر گردد با اسمی مرآت السفر و پس از چند شماره با اضافه کلمه (مشکوة الحضر) منتشر میگردد و از سال ۱۴۰۰ قمری تبدیل اسم پیدا کرده و بنام اردوی همایون منتشر شده است . توضیح

این اجمال آنکه ناصرالدین شاه قاجار در ربیع الاول سال ۱۲۸۸ قمری از طهران بزم سفر مازندران خارج میگردد و بمنظور ثبت حوادث و وقایع و گذارشات سفر خود، با اعتماد السلطنه (محمد حسن خان صنیع الدوله که بعدا ملقب با اعتماد السلطنه گردید) دستور میدهد روزنامه عرض راه را تهیه نماید. اعتماد السلطنه نیز در سال مذکور روزنامه بنام (مرآت السفر) مشتمل بر وقایع سفر ناصرالدین شاه و شکارهای او واحوال و مقالات مشارالیه در اسفار خود تهیه و چون وسائل طبع همه وقت در اسفار این پادشاه همراه بوده لذا در عرض رله طبع و توزیع میگرددیده است.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه، وزیر انطباعات؛ همان کسیست که روزنامه ایران را نیز در زمان ناصرالدین شاه تاسیس و نشر نموده و بهمین مناسبت در کلمه (ایران) این کتاب نیز اسمی از او بمیان خواهیم آورد. اعتماد السلطنه در نمره ۱۶ سال اول روزنامه ایران مورخ چهارشنبه یازدهم ربیع الاول قوی میل ۱۲۸۸؛ راجع بتاسیس این روزنامه، تحت عنوان (مرآت السفر) شرحی بدینقسم نوشته است:

اعلان

«چاکردولت جاوید بنیان؛ روزنامه نگارا ایران مشهود خوانندگان روزنامه میدارد که از آغاز سال سعادت فال هزار و دو بیست و هشتاد و هشت هجری و ما بعد هادر جمیع اسفار ملکانه و تمامت شکارهای خسروانه و وقایع حالات و بدایع مقالات اعلیحضرت همایون را بانضمام صادرات گفتار و کردار ملتزمین رکاب و نگارش بعضی اخبار متفرقه دیگر با اسباب انطباع که در اردو همراه است منطبع ساخته باعیان و ارکان موکب فیروزی کوکب شاهنشاهی و نیز هر کس از اهالی دارالخلافه ناصر و سایر بلدان که مایل و خواستار باشند بمحض اطلاع داده خواهد شد و چون این روزنامه نماینده وقایع سفر و شکار شاهنشاه اسلام شمار بود آنرا مرآت السفر نام نهادیم. محل دریافت روزنامه سرای امین الملک حجره حاجی میرزا تقی تاجر تبریزی»

همانطور که اشاره کردیم پس از نشر چند شماره کلمه (مشکوٰۃ العضر) نیز باسم روزنامه اضافه گردیده و بنابراین روزنامه بنام (مرآت السفر و مشکوٰۃ العضر) موسوم گردیده است. این روزنامه تا سال ۱۳۰۰ قمری که باین اسم موسوم بوده جمعا سیزده شماره از آن منتشر شده و از سال مذکور بنام (اردوی همایون) تغییر اسم پیدا کرده است.

روزنامه اردوی همایون نیز بمدیری محمد حسنخان اعتماد السلطنه و در طی سفر دوم ناصرالدین شاه بخراسان منتشر گردیده است. از این روزنامه جمعا ۱۲ شماره که شماره اول آن در دماوند بتاريخ ۱۱ شعبان مطابق اول خرداد و آخری در طهران بتاريخ ۱۲ ذی حجه مطابق ۶ شهریور ۱۳۰۰ نشر یافته است.

(۷۷) اردیبهشت

روزنامه اردیبهشت در سال ۱۳۰۹ شمسی در خراسان تاسیس و منتشر شده است

(۷۸) اردیبهشت

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع بروزنامه اردیبهشت مینویسد
« روزنامه هفتگی منتشر در تبریز بمدریت علی اصغر حریری در ۱۳۴۳ ۰۰ »

(۷۹) ارژنك

روزنامه ارژنك بمدریری و سردیری (میرزا عبدالله وزیرزاده) در اصفهان تاسیس و شماره اول سال اول آن در اردیبهشت ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است . در ابتدا اسم این روزنامه بنام (علی ورجه) بشورای عالی فرهنگ پیشنهاد گردید . ولی در شورای مذکور که در تاریخ ۴ قوس ۱۳۰۳ تشکیل گردیده امتیاز بنام میرزا عبدالله خان صادر شده بشرط آنکه اسم روزنامه را تغییر بدهد از این جهت روزنامه باسم ارژنك انتشار یافته و (علی ورجه) نام عاریتی یکی از نویسندگان آن گردیده است و این مطلب علاوه بر اینکه در شماره های ۷ و ۸ سال دوم مجله تعلیم و تربیت بدان اشاره شده ؛ در مقاله افتتاحی شماره اول روزنامه نیز ذکر گردیده است ، در این مقاله مینویسد : « ما از وزارت معارف امتیاز يك روزنامه مصور خنده آور بنام مبارك (علی ورجه) خواستیم از بی وقوفی و عدم معرفت بحال این بزرگ شورای معارف تغییر اسم را تقاضا و ما ناگزیر با اجازه آن استاد بزرگوار ارژنك را انتخاب و پیشنهاد دادیم و ناچار برای اینکه عفی ورجه را بعموم بشناسانیم تذکره حیات آن بزرگوار را که بقلم توانای خود نوشته اند از شماره دوم ارژنك شروع بسدرج می نمایم . عقیده این مرد بزرگ در نامه نگاری خیلی متین و وضعیات اخلاقی محیط امروز را هم خوب تشخیص داده است چنانچه غالباً در مجالس اناضت و محافل افادت این شعر را مکرر میفرمایند : رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز ✽ تا داد خود از کهنتر و مهتر بستانی ✽

قلمش خیلی ساده و روان و همه کس میفهمد ، ادبیات قدیم را خوب میدانند جدید را هم تازه دست برده اند شعر هم میسراید ؛ و از هیچ کس نمیترسد ولی جرئت ندارد خیلی با شهامت است ولی ملاحظه میکنند . اگر ولوت معارف علی ورجه را نشناخته باشد تقصیر کیست ؟ بلی رونق بازار آفتاب نکاهد .

مقصد ارژنك : ما حالات اجتماعی و قضایای جاریه را باشکال مضحک مصور خاطر نشان عموم مینماییم . اشعار ذیل پسند خاطر مهد مظاهر علی ورجه شده است :
بادست قضا رنك قنر خامه تقدیر ✽ ارژنك کند نقش خیالات تو تصویر »

این بود تمام مقاله افتتاحی شماره اول روزنامه ارژنك • چنانکه از همین مقاله بر خوانندگان معلوم میشود روزنامه ارژنك بیشتر جنبه فکاهی دارد و مطالب اساسی آن بصورت فکاهی ادا شده است • مثلا در همین شماره اول تحت عنوان (آفت چای و قلیان) چنین مینویسد: «هرجامیروید اول يك فنجان چای و بعد يك قلیان و آخر مجلس هم يك فنجان چای و يك قلیان و وسط مجلس هم باز يك فنجان چای و يك قلیان است، وقتی میخواهید بر خیزید باید باندازه يك قلیان کشیدن باز بنشینید و يك فنجان چای هم بخورید • منزل خان، بيك تاجر کاسب توی بازار درب دکان توی کوچه سر چهار راه تو خیابان در مدرسه در کاروانسرا توی شهر بیرون شهر توی ده سرگردنه بالای کوه روی زمین زیر زمین همه جا چای، قلیان، سیگار، چق، وافور همه وقت حاضر و همه کس هم معناد است •»

چون آقای وزیر زاده استاد قابلی در فن نقاشی بوده؛ لذا در تمام شماره های ارژنك يك صفحه (که معمولا صفحه چهارم است) و یادو صفحه دو و سه مشتمل بر کاریکاتورهای انتقادی از اوضاع کشور و شهر است • بخصوص در ایامیکه آقای میرزا فرج الله خان اخگر، برادر دانشمند آقای وزیر زاده؛ کسکهای فکری بر وز نامه ارژنك میکرده؛ ارژنك یکی از روزنامه های خوب انتقادی اصفهان در آن ایام بوده است • شرح حال آقای میرزا فرج الله خان اخگر، در ضمن روزنامه (اخگر) این کتاب بتفصیل ذکر گردیده است •

کاریکاتور شماره اول منظره هیئت تحریریه روزنامه و دور ه ششم مجلس شورایی، در صفحه دوم؛ و مقایسه اصفهان و طهران که در اصفهان، در شده؛ مدرسه جدیدی که بنا شده بعکم روحانیون خراب و در طهران مشغول نصب تلگراف بی سیم مینمایند، در صفحه سوم رسم شده است •

روزنامه ارژنك تا کنون هم که سال ۲۳ انتشار آن می باشد همین سبک و روش را حفظ نموده و یکی دو صفحه آن مخصوص کاریکاتور می باشد قسمت کاریکاتور روزنامه با چاپ سنگی که این اواخر چاپ آنرا هم خود آقای وزیر زاده در منزلش عهده دار میشد؛ منتشر و بقیه صفحات با چاپ سربی است • قطع روزنامه در طول مدت انتشار تقریبا يك اندازه و معمولا بقطع وزیری متوسط است •

راجع بطرز انتشار آن باید یاد آور شد که چندان مرتب نبوده و با اینکه در ابتدا هر پانزده روز یکبار و بعدا بطور هفتگی بوده ولی هیچگاه مرتب منتشر نگردیده و تا کنون که سال ۲۳ انتشار آن می باشد جمعا بیش از ۸۱۲ شماره منتشر نشده است وجه اشتراك سالیانه ارژنك دو تومان و برای محصلین و اهل معارف یکتومان و تك شماره سه شاهی؛ در ابتدای تاسیس محل اداره اصفهان، چهار باغ جنب اداره اخگر •

مندرجات روزنامه؛ باستثنای یکی دو صفحه که هر شماره کاریکاتور است؛ بقیه

عبارت از مطالب گوناگون سیاسی و فکاهی و اقتصادی و اخبار شهرست . روزنامه ارژنک در سنوات اخیر سلطنت رضا شاه پهلوی مانند جراید دیگر منتشر نمیشد تا پس از وقایع شهریور مجددا شروع بانشار نمود و فعلا سال ۲۳ تاسیس آن میباشد . ارژنک چون عنوان يك روزنامه فکاهی را دارد از این جهت تا کنون دوچار توقیف نگردیده و سنواتی که منتشر نشده بعلت عدم مساعد بودن اوضاع سیاسی ایران بوده و همان قسم که یاد آور شدیم این وضع برای اغلب جراید بوده است . ارژنک در سنوات اخیر انتشار خود از لحاظ عقاید سیاسی بیشتر متمایل بچپ و از این جهت اغلب انتقاداتی از سرمایه داری و هیئت های حاکمه در آن دیده میشود .

میرزا عبدالله خان وزیر زاده

آقای میرزا عبدالله خان از خاندان معروف بوزیر و از اهل فضل و دانش به خصوص در نقاشی استادی زبردست بشمار میرود . وی مدت زمانی در مدارس اصفهان معلم نقاشی بود و در این اواخر بعلت کهولت و ضعف بنیه در اداره تحقیق ا و قاف اصفهان مشغول خدمت میباشد . مردیست خوش اخلاق و نیکو نفس و دارای اندامی کوچک . برادر ایشان میرزا فتح الله خان وزیرزاده نیز مدیر روزنامه بوده و چنانکه قبلا یاد آور شدیم روزنامه اخگر در اصفهان بمدبری ایشان منتشر میشده است .

(۸۷) ارشالوس

روزنامه ارشالوس در سال ۱۲۹۱ شمسی در تهران بطور هفتگی بزبان ارمنی تاسیس و منتشر شده است .

(۸۸) ارشاد

اگر چه روزنامه ارشاد در بادکوبه و بزبان ترکی منتشر میشده ولی چون متجاوز از یکسال ورقه ضمیمه بزبان فارسی داشته و نویسنده ورقه فارسی آن یکی از بزرگترین شعرا و نویسندگان و روزنامه نگاران دوره مشروطیت ایران یعنی مرحوم ادیب الممالک بوده از این جهت لازم بود که تحت عنوان مستقلی از آن گفتگو شود .

ادیب الممالک پس از مراجعت از مشهد بطهران در سال ۱۳۲۱ قمری بشرحی که در کلمه (ادب) کتاب مذکور است ، مدتی در طهران ماند . و در این شهر بانشار روزنامه ادب پرداخته است . پس از آنکه مرحوم مجدالاسلام اداره روزنامه ادب را بعهده گرفت . ادیب الممالک در سال ۱۳۲۳ قمری سفری بیاد کوبه نمود و تاشعبان ۱۳۲۴ که مجلس شورایی در شرف افتتاح بود ، در آنجا توقف کرد و در سال

مذکور مجددا بطهران بازگشت نمود .

هنگام توقف ادیب الممالک در بادکوبه روزنامه بنام ارشاد بمدیریت (احمد بیک آقایوف قراباقی) بزبان ترکی ، بطور یومیه انتشار می یافت که پس از ورود ادیب الممالک یک ورقه ضمیمه بزبان فارسی بطور هفتگی ؛ با آن منتشر شده است . اداره و نویسندگی قسمت فارسی ارشاد بعهده ادیب الممالک بوده و شماره اول ارشاد پارسی ، بنقل آقای تربیت در پاورقی صفحه ۷ کتاب دانشمندان آذربایجان در روز جمعه ۱۶ ذیقعده ۱۳۲۳ قمری و شماره آخر آن ۲۷ صفر ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است . از این روزنامه بیش از ۱۳ شماره انتشار پیدا نکرده است .

مرحوم کسروی در جلد اول تاریخ مشروطه ایران در دوسه مورد نام احمد بیک آقایوف را بنیکی ذکر کرده من جمله مینویسد : پس از اعطای مشروطیت از طرف مظفرالدین شاه تاسیس دبستان در ایران رواج بسیار یافت بقسمیکه مردم خیال میکردند تنها چاره دردهای کشور همان دبستان است احمد بیک آقایوف نویسنده روزنامه حیات قفقاز که خود مرد دانشمندی میبود و بکارهای ایران دلبستگی نشان میداد به زبان آمد و خامی این اندیشه را باز نمود .

در جای دیگر مینویسد : « ایرانیان قفقاز کمک بیشرقت مشروطه ایران میکردند گذشته از آن ایرانیان ، خود قفقازیان از دلسوزی و یابوری باز نمی ایستادند و روزنامه های آنان از ارشاد که احمد بیک آقایوف مینوشت و از تازه حیات که هاشم بیک مینوشت و از ملا نصرالدین که میرزا جلیل مینوشت به جنبش ایرانیان اهمیت میدادند (صفحات ۵۴ و ۲۶۷ کتاب کسروی) در شماره ۱۷۶ سال چهارم روزنامه ادب ، چاپ طهران ، مورخ یکشنبه ۱۷ ذیقعده الحرام ۱۳۲۳ قمری ، تحت عنوان (تقریظ و اعلان) شرحی بدین قسم بروجز نامه ارشاد نوشته است : « سه چهار هفته است روزنامه مشکین ختامه عنبرین شامه مسمی به (ارشاد) از بادکوبه بطور یومیه باداره رسیده است و اگر چه این روزنامه غرا بزبان ترکی بسیار فصیح است ولی در هر هفته یکورق فارسی هم ضمیمه دارد و تمام اوراق معانی نطق مشتمل بر سعی فوق العاده در اتحاد مادی و صوری و معنوی مسلمانان و ارتباط هیئت جامعه اسلام و همین قدر بطور اختصار می نویسم که در ذیل کلمه ارشاد که اسم روزنامه است این سه کلمه نوشته شده است . (حریت) (مساوات) (عدالت) باقی مندرجات آن روزنامه شریفه از همین عنوان معلوم است و مدیر معالی سیرش یکی از افاضل عصر و دانشمندان دهر است و ما محض استحضار مشترکین عظام عین اعلانی را که از اداره مبارکه ارشاد فرستاده اند ذیلا مندرج مینماییم .

اعلان

در بادکوبه غزنه یومیه لمی ادبی علمی اقتصادی و سیاسی ارشاد که مدیرش احمد بیک آقایوف است نشر میشود . مسلك غزنه سعی در اتحاد و ترقی روحانی

و مادی مسلمان است و تقویت بر اسلام هر کسیکه میل آبونه غزنه داشته باشد بیاد کوبه در کوچه غوبرنسکی بداره غزنه ارشاد رجوع نمایند . قیمت آبونه سالیانه هفت منات و ششماه چهار منات »

نکارنده تا کنون نمونه ای از این روزنامه بدست نیاورده و از مختصر شرحی که فوقاً نقل کردیم تا اندازه ای بسبب مندرجات و خصوصیات آن میتوان پی برد . در شماره يك صد و هشتاد و سوم روزنامه ادب ، قسمت چاپ سنگی آن ؛ قصیده وطنیه ای بنقل از قسمت فارسی روزنامه ارشاد ، منطبقه باد کوبه ، نقل کرده این قصیده اثر طبع ادیب الممالک و قسمتی از آن این است ، ای خزیده در این سرا ی کهن * و ی دمیده چو گل درون چمن * نکته ای گویمت که گر شنوی * شادمانی بجان وزنده بتن * آدمی را چو هست مهر بدل * نبود کم شمار از اهریمن * مهر و ناموس و زندگانی و دین * شرف و خاندان و مال وطن * هر که ناموس خود ندارد پاس کمتر است از زنان آبتن * این قصیده خیلی مطول و بالا بلند و باین اشعار ختم میشود : و نئی بهتر است از آنکه بصدق * نپرستد تورا بسان شمن * ای برادر بتاب از آتش * آن دلی را که سخت تر از آهن * گریه کن بر وطن که گریه تو چشم دل را کند همی روشن .

مرحوم تربیت در قسمت پاورقی کتاب دانشمندان آذربایجان (صفحه ۷ کتاب) مینویسد : تلقین نامه عربی معروف هم که یکی از منشآت سیاسی مرحوم آخوند اف بوده و در اواخر عمر بقلم آورده و در اوائل قرن چهاردهم هجری بخط دستی در تبریز انتشار یافته و بعدها نسخه مفلوطی از آن در قسمت پارسی جریده ارشاد منتشره در باد کوبه چاپ شده و اولش این است : « یا عبدالله ابن عبدالله اسمع افهم اذا جاتك الرسولان المقربان من عند روس وانگلیس و آل عثمان و سالاک عن مدارسك و جندك و طرکك و صانمك و تجارتك و معارفك . . فلا تغف و لاتعزن و قل فی جوابهما . » الی آخر » و همین میرساند که نویسندگان مهم و معروفی از قبیل آخوند ملا فتحعلی آخوند اف در روزنامه ارشاد مقالاتی مینوشته اند .

در کتاب مطبوعات و شعر فارسی تالیف برون راجع بروزنامه ارشاد این دوسطر نوشته شده است : روزنامه ارشاد پارسی در سال ۱۳۴۳ هجری در شهر باکو بقلم ادیب الممالک و مدیریت احمد بیک آقا یوف قراباغی انتشار یافته . (ص ۳۹ کتاب مذکور) برای اطلاع از شرح حال ادیب الممالک رجوع شود بکلمه ادب از کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران .

(۸۹) ارشاد

روزنامه ارشاد ، در طهران ؛ بمدير مسئولی (جواد تبریزی) تاسیس و شماره ۸۹ سال

نهم آن که بشماره مسلسل ۶۸۹ در تاریخ ۲۷ برج سرطان توشقان میل ۱۲۹۲ شمسی مطابق سه شنبه ۷ رمضان ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است . خصوصیات روزنامه از این قرار است :

محل اداره تهران ، ناصریه ؛ مقابل وزارت معارف ؛ اداره روزنامه ارشاد نمره تلفون ۳۱۱ . قیمت اشتراك طهران سالیانه ۵۰ ریال و شش ماهه ۲۵ قران ممالك داخله ۶۰ و ۳۰ قران ؛ ممالك خارجه سالیانه ۷۰ و شش ماهه ۳۵ قران ، آبونمان کمتر از ششماه مطلقاً پذیرفته نمیشود ؛ قیمت تك نسخه در طهران سه شاهی و در ولایات داخله ۴ شاهی . اجرت اعلانات در صفحه اول سه قران ، در صفحه دو دو قران . روزنامه در هفته سه نمره طبع و نشر میشود .

مطالب مذکور عبارت از خصوصیات روزنامه می باشد که در عنوان آن ذکر شده و اسم روزنامه (ارشاد) با خط نسخ نوشته شده است . شماره نمونه روی يك ورق بزرگ و با چاپ سربی در (مطبعه ارشاد) طبع شده و مندرجاتش پس از درج مقاله اساسی که بقلم (م . فکری) و بعنوان (سکوت تاکی - خموشی تا چند) عبارت است از مقاله دیگری بعنوان (وقایع مهم میدانهای جنگ) و بعد اخبار پای تخت و سپس اخبار داخله میباشد .

شماره ۱۵۲ سال یازدهم ارشاد که نمره مسلسل آن ۱۰۲۶ است ، در تاریخ ۱۳ سنبله ۱۲۹۶ مطابق پنجشنبه ۳۵ ذیحده ۱۳۳۵ قمری و ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۷ میلادی منتشر شده . در این شماره موسس و سردبیر سیاسی در عنوان روزنامه (م . فکری) و در آخر صفحه دوم مدیر مسئول (جواد تبریزی) نوشته شده است . شماره مذکور روی ورق بقطع بزرگ ، در مطبعه (کلیمیان - تهران) چاپ گردیده و قیمت اشتراك آن مختصر تفاوتی با سال نهم کرده است . طرز انتشار در این سال بدینقسم بود . که غیر از روزهای شنبه و سه شنبه همه روزه طبع و توزیع میشده است . مندرجات شماره نمونه پس از درج مقاله اساسی که بعنوان (نظری بساوجبلاغ مکرری) و بقلم م . فکری نوشته شده عبارت است از مقاله (روسیه و صلح انفرادی) بقلم جاهد و اخبار داخله تحت عنوان (وضعیت ایران) . در صفحه دوم اخبار خارجه بطور اختصار از رویتر و مطبوعات خارجه نقل و در گوشه بالای این صفحه (تقویم ارشاد) چاپ شده است . روزنامه ارشاد یکی از روزنامه های کثیرالانتشار و مشهور تهران بوده و نظیر روزنامه ایران نو و این قبیل جراید می باشد .

(۹۰) ارغنون

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه ارغنون بدیری (میرزا عباس خان کاظم زاده فرات) از تصویب شورای عالی معارف گذشته است . محل انتشار

روزنامه در طهران و بطور هفتگی بوده است . (شماره ۷ و ۸ سال دوم مجله
تألیف و تریبیت)

(۹۱) ارمان

مجله ارمان بمدبری دکتر شیراز پور - پرتو ؛ در طهران ؛ در آذر ماه ۱۳۰۹
شمسی پا بدایره انتشار گذاشته و اولین شماره آن در تاریخ مذکور در در چهل صفحه
بقطع کوچک ، در مطبعه سربی (فردوسی) طبع و منتشر گردیده است . مجله ارمان
ماهیهانه بوده و وجه اشتراك سالیانه آن در شماره اول در داخله سه تومان و در خارجه
چهار دلار معین شده ولی پس از انتشار شماره اول ؛ بر حسب اخطاریکه در شمار
دوم چاپ گردیده ؛ در اثر استقبال شایانی که نسبت بمجله بعمل آمده ؛ وجه اشتراك
از سه بدو تومان تنزل یافته است .

ارمان مجله ایست ادبی ؛ تاریخی واجتماعی و بیشتر مقالات آن بقلم نویسندگان
معروف آن زمان تهیه شده است . برای اینکه خوانندگان بنوع مقالات و اسامی
نویسندگان مجله آشنا شوند بی مناسبت نیست فهرستی از مندرجات با ذکر اسامی
نویسندگان آنها در اینجا ذکر کنیم :

ارمان ما بقلم (دکتر پرتو) نثر فارسی در قرن چهارم (سعید نفیسی) افسانه
عمر (نصرالله فلسفی) کسائی مروزی (بدیع الزمان خراسانی) داستان يك روح
(رضا شهرزاد) رساله حدایق الحقایق (م - بهار) انتقاد لفظی (بقلم یکی از فضلا)
سلاسل (رشید یاسمی) روابط ایران و روم (رحیم زاده صفوی) طرزهای نو بین
(شاهزاده افسر) غزل (محمد پرتو) مراسله کسروی .

التیبه علی حروف التصحیف (م . بهار) فریدالدین عطار (س . شرف الدین
قهرمانی) مبعث لغوی (م . بهار) رسم ترجمه (دکتر شفق) نغمه شب (احمدی
بختیاری) پیری و جوانی (کانونزیات) فرضیه انشتین (هشترودی)

با ملاحظه مقالات فوق معلوم میگردد ارمان یکی از مجلات مفید و متنوعیست که
تا کنون بزبان فارسی انتشار یافته و با اینکه قطع صفحاتش کوچک و بیش از ده
شماره از آن منتشر نگردیده ، مع ذلك مجله ادبی و تاریخی بسیار مفیدیست بخصوص که
اطلاع بر بعضی از مقالات آن برای روشن شدن بعضی مباحث لغوی و تاریخی ضروریست
گرچه در یکی دوشماره آرمان بعضی تصاویر مانند تصویر مرحوم ادیب پیشاوری و کمال
الملک رسم گردیده ولی نمیتوان آنرا يك مجله مصور دانست . ارمان از حیث زیبایی
طبع و کاغذ چندان قابل توجه نیست ولی جبران این نقیصه را تا اندازه ای مقالات آن
رفع مینماید . راجع بملت پیدایش و سبک مندرجات مجله مقدمه در شماره اول بقلم مدیر
مجله ؛ تحت عنوان « زندگی جنک ، خوشبختی فتح و سعادت ارمان است »

درج شده که قسمتی از آن این است :

« ۰۰۰۰ تغییرات اخیر کم و بیش مردم را تکان داده و احساسات ملی تا اندازه افکار را مشغول و متوجه نموده است تربیت و تعلیم فعلی اگر چه نسبت به پیش فرق کرده اما پایه و بنیان صحیح نداشته زبان و ادبیات فارسی - که با چقدر خون دل مبارسیده - رو به پستی و انحطاط میرود - در همین موقع که اکثر ملل اروپایی بحفظ و توسعه صنایع داخلی ، زبان و آئین ملی خود میپردازند و جنگ نژادی مثل جنگ اقتصادی بازی تازه ای شده است ؛ ایرانی دروازه هایش را بتمدن و زبان بیگانه باز کرده و کلمات خارجی مثل برق کلنی های نوی تشکیل میدهند ، زبان فارسی از دست آخوندهای آب فرات خورده بزحمت نجات یافته ، بدست فرنگی ماب های سن دیدن افتاده ۰۰۰۰ پس هنگامیکه زبان و ادبیات فارسی مدافع و روتقی نداشته و حتی يك مجله آبرومندی که معرف کار و ناشر افکار معاصرین باشد وجود ندارد ، ارمان طلوع میکند ؛ ما ارمان را برای خدمت بایران ، بزبان فارسی و ادبیات معاصر ایجاد میکنیم ، میخواهیم بانشر مهمترین آثار ادبی معاصر ؛ گزیده و نیکو ، تا آنجائی که برایمان ممکن است ، سرمشق نو و راهبرترقی ایران و جوانان بشویم . نشر کتابهای خوب ؛ ترجمه های منتخب ، مطالب سودمند ، فکر های نویندگان و متفکرین معاصر ، نمایشهای اخلاقی ، مطالعات ادبی و اجتماعی تحقیقات تاریخی و موضوعهای علمی چیزهایی هستند که این مجله پذیرفته و انتشار خواهد داد ، امیدواریم این انجام وظیفه و خدمت کوچک ما پسندیده دانشوران و اهل فضل و ادب شده و استادان زبان فارسی و کسانی که پیش از ما به نشر مجله های ادبی رنج برده اند با ما کمک و همراهی نمایند . دکتر پرتو ۰ »

در حقیقت همینطور که در این مقدمه وعده داده شده ، مندرجات مجله ارمان عبارت از مقالات ادبی ، تاریخی و ترجمه های مفید و سودمند می باشد . راجع به کلمه (ارمان) که اسم مجله است در پاورقی صفحه يك شماره اول این قسم یادآور گردیده : « آرمان یا ارمان بمعنای آرزو و زیاد حسرت ؛ نهایت فکر و کمال مطلوب است . استعمال مختلف این کلمه در شیراز آرمان ؛ در خراسان ارمان و در بغتیاری ارمون است . »

آقای بدیع الزمان خراسانی که یکی از نویسندگان مجله می باشند رباعی ذیل را در باره آرمان سروده اند :

روان چون مرد غمناک باد ☞ همان جای او در بر خاک باد ☞ که آرمان او جز خورو خواب نیست ☞ بگیتی شتابنده چون آب نیست .

سال اول مجله ارمان با انتشار شماره ده که با شمار ۸ و ۹ یکجا طبع و توزیع شده خاتمه پیدا کرده و مجموع ده شماره آن باذر ۱۳۰۹ شمسی شروع و در شهریور

۱۳۱۰ شمسی پایان یافته است . برحسب وعده ای که در پشت جلد آخرین شماره داده شده بنا بوده است بجای شماره ۱۱ و ۱۲ يك رمان قدیم مشترکین گردد ولی نکارنده تا کنون اطلاعی بدست نیاورده که رمان مذکور انتشار یافته است یا خیر با انتشار شماره ۱۰ دوره سال اول پایان یافته و مجله ارمغان هم برای همیشه تعطیل شده است . شماره ۶ و ۷ و همچنین شماره های ۸ و ۹ و ۱۰ هر کدام در يك مجله نشر شده و مجموع صفحات دوره سالیانه آن ۳۴۸ صفحه میباشد . محل اداره طهران خیابان شاه آباد ؛ کوچه قدیمی و محل طبع آن در چاپخانه های مختلف (فردوسی) و (مطبعه برادران باقرزاده) و (مطبعه فرهمند) است .

(۹۲) ارمغان

مجله ارمغان یکی از مجلات ادبی و تاریخی مفید زبان فارسی است و مرحوم وحید با انتشار بیست و دو ساله این مجله خدمت گرانبهائی بزبان و ادبیات فارسی نموده است . آغاز تاسیس ارمغان در بهمن ماه ۱۲۹۸ شمسی در طهران بوده و باستانی چند سال اول که بعلت نداشتن چاپخانه اختصاصی انتشار ارمغان مرتب نبوده بقیه سنوات همه ساله ده شماره منتشر و بموض شماره های یازده و دوازده کتاب نفیسی در شعر و ادب قدیم مشترکین گردیده است . تصور نمیکنم کسی پیدا شود که کمترین ذوقی داشته و بمجله ارمغان آشنائی نداشته باشد . دوره های ارمغان ، چنانکه مرحوم وحید کرارا در پشت جلد های مجله نوشته ؛ بمنزله يك کتابخانه جامع و نفیسی است که از هر جهت مطالعه کننده را از داشتن بسیاری از کتب شعر و ادب بی نیاز میسازد . شرح حال شعرای قدیم و جدید ؛ شعرای عالیقدر و متوسط ؛ مباحث لغوی و تاریخی رساله های کوچک همه در این مجله یافت میگردد . باندازه مطالب آن متنوع و گوناگون است که هرگز خواننده را کسل و خسته ننموده و وقتی دوره یکساله آن بدست می افتد شخص مایل است از آغاز تا انجام آنرا قرائت کند . بنابر مطالب مذکور و اهمیت بخصوصی که مجله ارمغان در تاریخ جراید و مجلات ایران از لحاظ طول مدت انتشار دارد ، جای آن است که ما بتفصیل از سنوات مختلف مجله بترتیب گفتگو نموده و بتوضیح هر سال از آن جداگانه بپردازیم :

سال اول ارمغان - شماره اول سال اول مجله ارمغان بمدیري و موسسی (وحید

دستگردی اصفهانی) در طهران تاسیس و در بهمن ۱۲۹۸ شمسی مطابق ۱۳۳۸ قمری ؛ با چاپ سری ، در ۳۶ صفحه بقطع کوچک خشتی ؛ منتشر شده است . شماره اول ارمغان با اشعاری که اثر طبع مرحوم وحید است تحت عنوان (مژده آغاز ارمغان یا مرام موسسک ما) شروع میشود . مطلع اشعار این است : ای تشنه سلسبیل حیوان ، کاندرا ظلمات التهای

با اینکه شماره دوم سال مذکور باید در برج حوت ۱۲۹۸ منتشر گردد ولی بواسطه پاره موانع چنانکه بعنوان (اعتذار) در شماره دوم ذکر کرده؛ در برج حمل ۱۲۹۹ شمسی انتشار یافته است. مقاله افتتاحی این شماره عبارت از اشعاری است که بعنوان (جشن نوروز از کتاب سرگذشت اردشیر) نقل شده و مشتمل بر این مطالب است « شهنشاه شدن اردشیر - گفتار آرادى و یراف موبد موبدان - تسلیم و تبریک گفتن پادشاهان جهان » اندرز و چکامه فرشاد حکیم . ۰

سال اول با انتشار شماره ۹ و ۱۰ که یکجا انتشار یافته و متعلق به برجهای قوس و جدی ۱۲۹۹ می باشد، پایان یافته؛ و پس از آن سال دوم مجله شروع گردیده است. بهای سالیانه مجله در سال اول بدین قرار معین گردیده: تهران ۳۰ قران داخله و خارجه ۴۰ قران؛ تک نمره دو قران. اعلانات سطری دو قران. محل اداره طهران؛ حیات شاهی. کوچه منتصر السلطان نمره ۳. ۰

سال دوم ارمغان - مجله ارمغان در سال دوم نیز که در حمل ۱۳۰۰ شمسی آغاز گردیده: بهمان سبک و شیوه سال اول انتشار یافته و مجله از حیث قطع و چاپ و نوع مطالب نظیر سال اول و خصوصیات دیگر جز محل آن که بنیابان ناصریه منتقل شده؛ تفاوتی نکرده است. برای آشنا شدن خوانندگان بنوع مقالات و اسامی نویسندگان فهرست شماره ۵ و ۶ این سال را که یکجا منتشر شده نقل مینمایم: اشتباهات ادبی در جریده کاوه (وحید) بکور دانن اینجههد بی نمر است (ادیب الممالک) قطعات و رباعیات (ادیب الممالک) خورشید سرخ خیمه (وحید) آثار انجمن ادبی ایران (آقای ناصح) حفظ الصحه عملی (دکتر حسینیقلی خان) آثار ادبای هندوستان (بیدل هندوستانی) آثار ادبی افغان (آزاد کابلی - واصل کابلی) و من معظم شمائر الله (علیرضا خان قاجار) قدر شناسی ادبای ایران از پرفسور برون حکایت فلسفی میکرومکاس (ترجمه آقای مایل) قسمتی از دیباچه سرگذشت اردشیر (وحید) معارف اصفهان. دزد داخلی بدتر است یا غارتگر خارجی (وحید) ادبای چهار محال بختیاری؛ شرح حال دانش قهرخی . ۰

سال سوم ارمغان - سال سوم ارمغان نیز بهمان سبک و روش سالهای اول و دوم شروع و خاتمه پیدا کرده و در این سال نیز مجله مشتمل بر افادات ادبی بسیار است. شماره ششم این سال در برج میزان ۱۳۰۱ شمسی و شماره ده آن در برج جدی سال مذکور انتشار یافته. در این سال مختصری به بهای سالیانه مجله افزوده گردیده یعنی ۶ ریال بقیمت اشتراك سابق اضافه شده است. در این سال اشعاری تحت عنوان (جزر و مد اسلام) اثر طبع (بسمل هندوستانی) در چند شماره مجله چاپ شده که نمونه از آن اشعار این است: اندر آمد سیل آفت خانه ویران کرد و رفت؛ مجمع اسلام را آشفته سامان کرد و رفت. خانه شاه و گدا با خاک

یکسان کرد و رفت ✚ خاطر مجموع یاران را پریشان کرد و رفت ✚ دست باز بهای دوران عقد جمعیت گسیخت ✚ بر شکست آن بزم رنگین رشته صحبت گسیخت .

سال چهارم - شماره اول سال چهارم ارمغان در حمل ۱۳۰۲ شمسی انتشار

یافته و بهمین مناسبت مقاله افتتاحی آن تحت عنوان (خطابه دادوند زردشت بمناسبت عید سعید نوروز ، از کتاب سرگذشت اردشیر) نوشته شده است . این خطابه پس از چند سطر نثر ؛ عبارت از اشعار است از زبان دادوند و زردشت در این سال مجله بقطع خشتی کوچک و تمام صفحاتش بیک اندازه چاپ شده و جمعا بضمیمه فهرست مندرجات ۶۰۰ صفحه می باشد .

سال پنجم - شماره اول سال پنجم در حمل ۱۳۰۳ شمسی با مزایای بیشتری

نسبت بسال چهارم انتشار یافته و آن مزایا عبارت است از اینکه شش صفحه بر هر شماره و پنج سطر بر هر صفحه افزوده شده و چون با حروف نمره ۱۲ طبع شده هر شماره تقریباً يك برابر و ثلث سال چهارم مطلب دارد . سال پنجم بشماره ۱۱ و ۱۲ که یکجا منتشر شده پایان یافته و بضمیمه فهرست این سال جمعا ۶۷۴ صفحه می باشد سال پنجم مشتمل بر شرح حال عده ای از شعرا و نویسندگان و اشعار انجمن ادبی و مطالب مفید تاریخی بسیاریست .

سال ششم - شماره اول سال ششم ارمغان در فروردین ۱۳۰۴ شمسی انتشار

یافته و در صفحه اول آن بعنوان (کلید گنج سعادت قبول اهل دل است) اشعار تقریبی از شوریده شیرازی که در باره ارمغان سروده نقل کرده است .

سال ششم ارمغان با انتشار شماره ده پایان یافته و بعضی شماره های ۱۱ و ۱۲

دیوان استاد ابوالفرج رونی چاپ و برای مشترکین فرستاده شده است . دیوان مذکور را (پرفسور چابکین ، مترجم اول سفارت روس در ایران با مقابله با نسخ متعدد تصحیح نموده و نشر آن را بداره ارمغان واگذاشته است . و از این سال ببعده است که مدت چند سال بجای شماره های ۱۱ و دوازده يك کتاب ضمیمه چاپ گردیده است

سال هفتم - شماره اول سال هفتم متعلق بفروردین ۱۳۰۵ شمسی ؛ با مزایایی

نسبت بسال قبل که من جمله چهار صفحه بتعداد صفحات هر شماره افزوده شده و هم چنین بدرج مکاتیب تاریخی اساتید باستان آراسته شده ، منتشر گردیده است . در این سال نیز مانند سالهای قبل ، مجله در اوقات خود انتشار نیافته و از اینرو چند شماره آن هر دو شماره یکجا منتشر گردیده است ، مثلا شماره های ۹ و ۱۰ که متعلق بسماه های آذر و دی بوده ؛ در ماه مرداد ۱۳۰۶ نشر شده است . راجع بعلت این تاخیر انتشار شرحی بقلم مرحوم وحید در صفحات ۱۸۲ و ۱۸۳ شماره های دو و سه این سال ذکر شده و علت تاخیر انتشار مجله را بطور کلی نتیجه سعایت یکی از اعضای وزارت فرهنگ دانسته و در این مقاله بوسیله قطعه از آقای حائری که یکی از بزرگان

وزارت فرهنگ می باشد ، درخواست کمک نموده ؛ و هم چنین قطعه جوایه آقای حائری درج شده است سال هفتم نیز با انتشار شماره ۱۰ پایان یافته و بجای شماره های ۱۱ و دوازده دیوان بابا طاهر عریان چاپ و بمشترکین تقدیم شده است مجموع صفحات مجله در سال هفتم ، بضمیمه فهرست و غلطنامه ۶۴۲ صفحه میباشد . مقاله افتتاحی سال مذکور عبارت از این است : بنام یزدان پاک .

د یاری یکتا خدای بزرگ و همراهی دوستان علم و ادب اینک پس از مراجعت از سفر چهل روزه اصفهان شماره اول سال هفتم ارمغان هفت ماه بعد از موقوف منتشر میگردد . کسانیکه رهسپار وادی مجله نگاری شده میدانند که با اوضاع حاضره ایران دوام يك مجله ادبی تا هفت سال درحد اعجاز است . و اگر ما هفت ماه از مقصد دور مانده ایم معذوریم و اگر مشترکین عظام ما در ولایات و مرکز وجوه اشتراك خود را رسانیده بودند مسلم از قافله آرزوی خود عقب نمی افتادیم . اکنون هم بتوفیق خداوند و مدد دوستان علم و ادب امیدواریم که دومنزل یکی راه مقصد پیوده و کسرهای گذشته را بزودی جبران کرده تا اول فروردین ماه آینده سال هفتم را باتمام برسانیم .»

سال هشتم ارمغان — شماره اول سال هشتم ارمغان که باید در فروردین ۱۳۰۶ شمسی انتشار یابد ؛ در ماه ابان سال مذکور نشر یافته و علت این تاخیر با ذکر وضع مجله در سال هشتم ؛ در مقاله افتتاحی این سال ، بدین طریق ذکر شده است :

د بنام خدای بخشانیده مهربان — شماره اول سال هشتم ارمغان اینک هفت ماه بعد از موقوف (یعنی شماره فروردین در ماه ابان) قدم در عرصه انتشار میگذازد سبب این تاخیر همان تسامح اغلب مشترکین مخصوصا اهالی ولایات در رسانیدن وجه اشتراك است که هنوز قریب يك نصف از تمام مشترکین سال هفتم و بسیاری از مشترکین سنوات سابقه نیز وجوه اشتراك خود را نپرداخته اند . اگر بدفاتر ارمغان مراجعه کرده و اوضاع پریشان خرج و دخل سالیانه آنرا به بینید تعجب خواهید کرد که چگونه این مجله هفت سال دوام کرده و از چنگال تعطیل که هر مجله را دامنگیر شده تاکنون جان بدر برده است سبب اصلی علت نامه دوام مجله ارمغان فقط عشق طبیعی نگارنده بیاس شعر و ادب است و از تاسیس مجله نیز همواره طبع و نشر کتاب (سرگذشت اردشیر) نصب المین اشتیاق بوده و هست و خواهد بود . با اینکه در طول هفت سال گذشته بآرزوی خویش نائل نشدیم اینک بدون یاس و نومیدی و با کمال امیدواری سال هشتم را آغاز و بمشترکین عظام وعده حتمی میدهیم که در آخر این سال لا اقل پنج هزار بیت از آن کتاب را که تقریبا ربع دیوانست بنام ضمیمه سال و بجای دو شماره است طبع و نشر و ارمغان خدمت مشترکین عظام داریم مجله ارمغان در سال هشتم از حیث طبع و کاغذ و نویسندگان و انتخاب مقالات و اشعار

رجعان زیاد بر سالهای پیشینه دارد و همین شماره نخستین عاشق صادق را گواه آستین خواهد بود ۰

درحقیقت همین طوز هم هست و سال هشتم از لحاظ طبع و کاغذ و مقالات بر سالهای سابق رجعان و مزیت دارد و علاوه هر شماره بمکاتیب تاریخی اساتید سخن مزین و قسمتی از سرگذشت اردشیر در آن درج است ۰

سال هشتم با انتشار شماره ۹ و ۱۰ که یکجا در اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ شمسی نشر شده، پایان یافته و بعوض شماره های ۱۱ و ۱۲ سال مذکور، مثنوی جام جم اوحدی بنام ضمیمه سال هشتم طبع گردیده است ۰ عده صفحات این سال بضمیمه فهرست و غلطنامه ۶۰۸ صفحه می باشد ۰

مثنوی جام جم اوحدی با مقدمه در شرح حال و محل دفن این شاعر در ۲۶۴ صفحه بقطع کوچک خشتی؛ با چاپ سری، در مطبعه فردوسی با کاغذ و طبعی مرغوب چاپ شده و قیمت آن هفت ریال معین گردیده است ۰

سال نهم ارمغان - شماره اول سال نهم ارمغان متعلق بفروردین ماه ۱۳۰۷ شمسی در شهریور ماه سال مذکور انتشار یافته و رویه مرفته در این سال ده شماره از طبع خارج شده است ۰ راجع بعلت تاخیر انتشار در سال نهم شرحی بعنوان مقدمه در شماره اول آورده و ضمناً شرح مذکور مشکلاتی را که مرحوم وحید در راه انتشار ارمغان داشته بغوی واضح میسازد بدینقرار :

« بنام یزدان و دستیاری ادب سال نهم ارمغان آغاز و شماره نخست پنج ماه بعد از موعد انتشار یافت ۰ سبب این تاخیر قصور است نه تقصیر و اگر وجوه اشتراك بموقع میرسید مجله هم بموعده منتشر میگردد و با اینحال بدستیاری عزم راسخ امیدواریم که تا فروردین آتیه سال نهم را انجام داده و سال دهم را بموقع خود آغاز کنیم دشمنان ادب و دزدان سخن در این سال از هیچگونه دشمنی با این مجله که شعبه بازار ادبست کوتاهی نکرده و بواسطه قطع بعضی اعانه ها بموقعیت خود در تعطیل ارمغان یقین پیدا کردند، غافل از اینکه این مجله تعطیل پذیر نیست و هر کسری بر ما وارد کنند بتوسط دوستان ادب جبران میشود ۰

جبران کسور برای جبران کسور و دوام مجله راهی جز زیاد کردن مشترکین و آشنا ساختن جامعه با علم و ادب نیست چنانچه ما و سایر دستیاران ادب در مرکز و ولایات که اسامی سامیه آنان در دیگر شماره زیب صفحات ارمغان خواهد شد همواره در این راه کوشیده و یک مجله ادبی را در ایران امروزی بنه سال رسانیده ایم ۰

شماره دهم سال نهم که آخرین شماره این سال می باشد؛ در اسفند ماه ۱۳۰۷ شمسی انتشار یافته و مجموع صفحات سال نهم بضمیمه فهرست مندرجات و غلطنامه ۶۴۲ صفحه است ۰ با انتشار شماره ده سال نهم پایان یافته و بعوض شماره های یازده

ودواز ده ؛ جلد اول كتاب (ره آورد وحيد) كه مشتمل بر وقایع جنك بين الملل اول و مسافرتهاى وحيد از اصفهان بصناعات بختیاری است ؛ بیشتر كیف زاد . شده است .

سال دهم ارمغان - شماره اول سال دهم ارمغان در فروردین ماه ۱۳۰۸ شمسی مطابق ماه مارس ۱۹۲۹ میلادی انتشار یافته و آغاز این شماره بدین قرار است : « بنام ایزد بخشانیده . سخن پرستی پیشه ماست . پاس سخن اندیشه ماست . پایمردی دستیار ماست .

سرمایه دوام نه ساله ارمغان نقد سره این کلمات بوده و اینک با همین سرمایه سال دهم آغاز میشود . ما در سال دهم از هر گونه کمک و همراهی که سود مادی و زیان معنوی ارمغان است چشم پوشیده و با زاد و راحله بهای دوره دهساله امیدواریم بسر منزل مقصود برسیم . خریداران دوره ده ساله ارمغان نه تنها ما را بسر منزل مقصود میرسانند بلکه خود نیز با داشتن ده دوره ارمغان يك كتاب خانه ادبی پرفایده دارا خواهند بود . »

سال دهم با انتشار شماره ده که در دیماه ۱۳۰۸ منتشر گردیده ، پایان یافته و بضمیمه فهرست مندرجات و غلطنامه جمعا ۶۵۶ صفحه می باشد . كتاب آخر این سال که بروض شماره های ۱۱ و ۱۲ است ؛ عبارت از دیوان کامل اشعار استاد بزرگ قرن اخیر میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی است این دیوان با مقدمه در ۸۰ صفحه كتاب بقلم (عبدالوهاب الحسنی القائم مقام الفراهانی) در شرح احوال آن مرحوم و یکصد و شصت صفحه اصل كتاب که مثنوی (جلايرنامه) در هزار بیت مثنوی ضمیمه بطبع رسیده است .

مرحوم وحید ؛ مدیر مجله ارمغان ؛ در سال دهم وعده داده که سال یازدهم از اول فروردین ماه بدون تاخیر منتشر میشود و هر شماره آن هشتاد صفحه خواهد بود و در واقع شانزده صفحه بهر شماره افزوده میگردد .

سال یازدهم ارمغان - شماره اول سال یازدهم مجله ؛ همانقسم که در سال دهم وعده داده ، در فروردین ماه ۱۳۰۹ شمسی مطابق مارس و آوریل ۱۹۳۰ منتشر گردیده . مقاله افتتاحی آن بدین قرار است :

« بنام یزدان پاك . سعی و کوشش برای ادامه مجله ارمغان و فرودین معاصر و مزایا در هر سال روز افزون و آشنایان طبع و نشر مجلات و کتب علمی میدانند که دوام ده ساله يك مجله ادبی که جز پاس سخن و سخن سنجی منظوری ندارد و در این دوره هرج و مرج سخن و ادب و کسادی کالای علم و هنر جز بد ستیاری عشق حقیقی و جنون سخن پرستی امکان پذیر نیست . اگر کسی بدفا تر ده ساله مسامحه کرده و خوش رفتاری اکثر مشترکین را بنکرد از بقا و دوام این مجله

در شکفت خواهد ماند ولی ما خسته و دلتنک نبوده و تماشای ده جلد کتاب ادبی دوره دهساله و پنج جلد کتب ضمیمه خستگیهای ما را رفع و بجدیت و کوششهای بی اندازه تشویق و ترغیب میکند . سال یازدهم ارمغان نخستین سالست که ما بیک قسمت از آرزوهای دیرینه نایل شده و پیاری یزدان و همراهی دوستان ادب میتوانیم مرتب در هر ماه مجله را با هشت صفحه علاوه برسالهای سابق انتشار دهیم . در سال یازدهم برخلاف سالهای سابق مجله در دو ازده شماره منتشر شده و شماره دوازدهم یعنی آخرین شماره این سال در اسفند ۱۳۰۹ شمسی و بنابراین برای هرامه یکشماره از طبع خارج شده است . مجموع صفحات شماره های این سال بضمیمه فهرست مندرجات و غلطنامه ۹۲۸ صفحه بقطع خشتی است .

سال دوازدهم مجله ارمغان — شماره اول سال دوازدهم ارمغان در فروردین ۱۳۱۰ شمسی انتشار یافته و مقاله افتتاحی آن بدینقرار است : « آغاز سال دوازدهم . در طی دوره یازده ساله سرمایه ارمغان جز عشق بقای ادب در نگارنده و اکثر نمایندگان و مشترکین چیزی نبوده و اگر دوستان ادب با ما همداستان نمیشدند طی این مراحل امکان پذیر نبود . برای ارمغان در این اواخر دشمنانی چند پیدا شدند که هنوز مقصد آنان بر ما مجهولست و نمیدانم از تعطیل ارمغان اگر بتوانند کرد چه صرفه میبرند . ما نام دشمنان را فراموش و بیاد دوستان سخن رانده از دور و نزدیک مراتب نهایت شکر آن و سپاس خود را بانان تقدیم و امیدواریم دستیاری همت بیدریغ دیرینه آنان بزودی مطبوعه ارمغان را دایر و پس از دو زده سال بارزوی ادبی خود که رفع نواقص مجله و طبع و نشر کتب شعر باستان خاصه دیوان مصحح خمسه نظامی است نائل گردیم .

اینک چهارمین ترکیب بند خود را که در طی دوازده سال هریک سال مجله را افتتاح کرده بنام تقدیم دوستان ادب و نمایندگان شعر و هنر پرور ارمغان افتتاح سال دوازدهم قرار میدهیم .»

در ترکیب بند مذکور مرحوم وحید اشاره بزحمات و خدمات یازده ساله خود نموده میگوید : « این یازده ساله هر شب و روز † توقیع سخن مثال ما بود † چون شمع شبانه روز با سوز † روشن گری اشتغال ما بود † باز در جای دیگر ترکیب بند میگوید : « از شغل گران و رنج بسیار † تن سود ولی روان نفرسود †»

در سال دوازدهم ، مجله دارای مطبوعه مخصوصی بنام (مطبوعه ارمغان) گردید . و از شماره ششم این سال مجله در مطبوعه اختصاصی چاپ شده است . مطبوعه ارمغان تا هنگام فوت مرحوم وحید دایر بود . پس از ورود مطبوعه بایران و دایر شدن آن مرحوم وحید یکی از آرزوهای دیرینه خود که پیدا کردن مطبوعه بود نائل گردید .

حرف الف بعده الراء

ارمغان

و در شماره ششم سال دوازدهم ما فی الضمیر خود را بدینقسم شرح میدهد :
هرچند برای تهیه و تاسیس این مطبعه بمناسبت تصادف با ترقی پوند و قانون انحصار
خسارت بسیار بر موسسه ارمغان تحمیل گردید ولی خوشنودیم که اگر روزگار مهلت دهد
بعد از ادای قروض مطبعه میتوانیم خمسه نظامی را در پنج جلد و دیوان استاد جمال
الدین و استاد کمال الدین را با تصحیح و ترجمه کامل آنگونه منظور ما ست طبع و
نشر کنیم .

در نتیجه تاسیس مطبعه ؛ مجله ارمغان از این سال بیعد از لحاظ چاپ و کاغذ
خیلی با سابق فرق کرده و در وضع ظاهری مجله از حیث زیبایی چاپ تفاوت زیاد با
سالهای قبل پیدا نموده است .

سال دوازدهم با انتشار شماره ۱۱ ، متعلق بپهن ۱۳۱۰ ، پایان یافته و بجای
شماره دوازده يك کتاب بمشترکین داده شده است . مجموع صفحات این سال بضمیمه
فهرست سال دوازدهم ۸۵۴ صفحه خشتی میباشد و اما کتاب ضمیمه این سال ، کتاب
بختیار نامه ، از تالیفات عصر ساسانی است که بضمیمه آن فهرست دوازده ساله ارمغان
نیز چاپ شده است .

سال سیزدهم ارمغان — شماره اول سال سیزدهم ارمغان در فروردین
۱۳۱۱ شمسی منتشر گردیده ، مقاله افتتاحی آن بدین قرار است : « بنام یزدان پاک
پس از الطاف یزدانی نگاهبان بقا و یشتیبان دوام ارمغان عنایات عمومی شاهنشاه ایران
پناه پهلوی خلدالله ملکه و سلطانه (بوده هست و بدستیاری این الطاف و عنایات
راسخ و عشق مفرط ادبی ما بر خصومت شفا و دشمنی دوست نمایان چیره گردیده اینک
پس از انجام سال دوازدهم سال سیزدهم بامزایا و محسنات بیش از پیش آغاز میگردد
ارمغان با کودتای مقدس هم سال و با ترقیات مملکت همقدم و در حقیقت دوره
دوازده ساله ارمغان آینه ترقی نمای مملکت ایران است .

ارمغان سال اول مصادف با کودتا و درده شماره و سیصد و شصت صفحه نامنظم
و بی ترتیب مطابق اوضاع آنروزی خاتمه یافت .

سال دوم در چهار صد و هشتاد صفحه و دوازده شماره سال سوم در پانصد و بیست
و هشت صفحه سال چهارم در ۶۰۰ صفحه سال پنجم ۶۷۴ صفحه و هر سال از سال پیش
منظم تر بیابان رسید . سال ششم که مصادف با تاجگذاری اعلیحضرت شاهنشاه
پهلویست دارای ضمیمه آخر سال هم گردیده و با کمال ترتیب و نظم بدون بهران
و آشفتگی مانند امور کشور ایران بسرمنزل ختام رسید .
سال هشتم و نهم و دهم و یازدهم چنانکه آبادی های تازه و بناهای بی اندازه و خیابان های

دلپسند مملکت را رونق دیگر داد ارمغان هم از حیث طبع و کاغذ اعلی و صور و تمثال ادبا و فضلا و نظم و ترتیب بکلی دیگرگون و از خارج و داخل نظردانش مندان را بخویش متوجه ساخت. سال دوازدهم و سیزدهم همانگونه که مملکت ایران در سایه عظمت و عزم (شاهنشاهی) شروع بایجاد کارخانه و احداث خط آهن کرد. و درصدد قطع رشته احتیاجات خویش از بیگانه بر آمده ارمغان هم دارای مطبعه و لوازم طبع و نشر شده و برای طبع کتب علمی و ادبی و دواوین شعرا و سایل و اسباب کار را با بهترین و تازه ترین آلات و ادوات تهیه کرده است. باری از آغاز تا انجام دوام و ترقی ارمغان رهین عاطفت ملوکانه است. پس ما بشکرانه این مواهب سال تازه را بتمثال بی مثال و نام نامی این شاهنشاه ایران پناه بیهمال آغاز و افتتاح کرده دوام و بقای ذات مقدس ملوکانه را از خداوند متعال خواستاریم.

این بود مقاله افتتاحی سال سیزدهم ارمغان. موضوع شایان توجه این که مرحوم وحید هم مانند سایر مدیران جراید و مجلات عصر پهلوی در مجله ارمغان ناچار بدیده سرامی و خوش آمدگویی از پهلوی بوده و سرگذشت سیزده ساله مجله خود را بایشرفت سلطنت این پادشاه منطبق ساخته و در حقیقت سرمقاله سال سیزدهم را بهیئت منظور تهیه و تدوین نموده است.

پس از مقاله افتتاحی سرگذشت اردشیر شروع میشود. سال سیزدهم با انتشار شماره ۱۱ متعلق بیمن ۱۳۱۱، در ۸۰۲ صفحه پایان یافته و بعوض شماره دوازدهم کتایی بعنوان ضمیمه این سال چاپ شده است.

سال چهاردهم مجله ارمغان — سال چهاردهم ارمغان در فروردین ۱۳۱۲ شمسی شروع گردیده و نوع مطالب و طرز چاپ و قطع صفحات مانند سنوات قبل است در این سال (چکامه هفتخوان پهلوی) در چند شماره بچاپ رسیده و کتایی ضمیمه آن است.

سال پانزدهم مجله ارمغان — شماره اول سال پانزدهم مجله ارمغان در فروردین ماه ۱۳۱۳ شمسی منتشر گردیده؛ مقاله افتتاحی آن بدین قرار است: « بنام ایزد بخشاینده. پانزدهمین سال ارمغان. بیاری یزدان پاک و دستیاری دوران عدل و امان تو امان شاهنشاه ایران پناه پهلوی خلدالله ملکه و سلطانه. نامه ارمغان سال چهاردهم را بیایان رسانید و اینک بمرحله پانزدهم زندگانی ادبی وارد میگردد. سبب دوام پانزده ساله این نامه ادبی و سرمایه انتشار و توسعه وی چند چیز است:

اول — تصادف با تغییر اوضاع و سبوری شدن روزگار هرج و مرج و پیش آمد عصر عدالت و امنیت پهلوی که در حقیقت اس اساس همین است و هیچ اساس و بنائی در مقابل سیل ظلم و هرج و مرج البته دوام نخواهد داشت. نامه ارمغان در سال نخست با پیش آمد کودتا و تغییر اوضاع مملکت مصادف شد و مطابق اوضاع مملکت رو

بترقی و عظمت نهاد . کسانیکه دوره های چهارده ساله این مجله را دارند محسوس خواهند دید که در سال اول از حیث حجم و اندازه چه مایه کوچک و مختصر بود . و چگونه هر سال بر اوراق و بزرگی آن افزوده شده تا کنون با این پایه رسیده است دوم - سر مایه اصلی تغییر نا پذیر این مجله عشق و شیفتگی ماست بترقی شعر و ادب و احیای رسوم و اصول باستانی شعر که همیشه این معشوق بر هر مقصودی مقدم بوده یعنی ما همه چیز را برای مجله و مجله را برای احیاء ترقی شعر و ادب خواسته و آن را مقدمه نتایج مادی قرار نداده ایم تا بعضی وصول ب نتیجه یا مایوس شدن از وصول بترك گوئیم .

سوم - علت دوام همراهی و کمک ادباء و فضیلهای حقیقی ایران از دور و نزدیک و داخل و خارج است که اینک از نام نامی و اسم سامی آنها خودداری میکنیم و لی عنقریب در طی يك قصیده اسامی آنان با مراتب سپاس و شکر آن برده خواهد شد بسا تمثال و تندیس . باری نخستین روز مجله نگاری همه چیز ما کوچک و مختصر و خود بودیم و اینک پس از چهارده سال اسباب و لوازم کار ارقییل مطبوعه و غیر آن فراهم و دوستان دستیار از دور و نزدیک فراوانند و بهمین سبب توانسته ایم چند دیوان شعر از اساتید سلف و دیوان یگانه استاد بزرگ و خاتم پیغمبران سخن ادیب الممالک فراهانی را طبع و نشر کنیم . اینک هم بر حسب آرزوی دیرینه خویش بطبع کلیات بزرگترین استاد سخن باستان حکیم نظامی قمی موفق و اینک مخزن الاسرار را بطبع مشغول و امیدواریم که بزودی این کتاب مقدس را پس از پیرایش اغلاط و سقط و تعریف های نویسندگان با شرح و بسط لغات و دیوان قصیده و غزل وی در سه یا شش مجلد که جمعا دو برابر خمسه چاپی کنونیست انتشار دهیم و آنگاه بطبع دواوین استاد جمال الدین و کمال الدین و دیگران آغاز کنیم .

پس از مقاله فوق ؛ اجماعی بهمنوان (نامه پانزده ساله ما) که مطلعش اینست :
ای پانزده ساله ما ای يك سروش آسمانی . چاپ شده است .
سال پانزدهم با انتشار شماره دهم پایان یافته و بعضی شماره های بازده و دوازده کتابی بمشترکین داده شده سال پانزدهم یکی از سالهای گرانبهای مجله ارمغان و هشتاد بر مطالب گوناگون ادبی و تاریخی میباشد و جمعا در ۸۰۰ صفحه نشر شده است .

سال شانزدهم مجله ارمغان - شماره یکم سال شانزدهم در فروردین ماه ۱۳۱۴ شمسی مطابق آوریل ۱۹۳۵ میلادی انتشار یافته و مقاله اول این شماره که بمنوان (آغاز سال شانزدهم) نوشته شده بدین قرار است :
« بدستیاری توفیق یزدان پاك مجله ارمغان سال شانزدهم را در نبشت و اینک در مرحله شانزدهم سال زندگانی ادبی خود وارد میکردد ارمغان در سال نخست کودکی

نوزاد بود و بتدریج راه تکامل پیموده پس از طی مراحل صباوت اینک وارد سر منزل بلوغ و شباب میگردد • ارمغان در سال ظهور آفتاب وجود شاهنشاه گیتی پناه پهلوی خلدالله ملکه بروز کرد و با ترقیات روز افزون مملکت ترقی و تعالی خویش را ادامه داد و از این پس نیز با قدم سریع در راه تکامل سیر میکند از قافله سعادت و تکامل باز پس نخواهد ماند •

ارمغان همواره با قلب پاک و دور از شائبه غرض و مرض ستایشگر این شاهنشاه گیتی پناه بوده و هست و خواهد بود و برای تیمن و تبرک برسم پیشینه تمثال بی مثال و همال ویرا زیب و زینت نخستین صفحه از اولین شماره سال شانزدهم قرار داده • همواره بدعای سلامت و سعادت ذات خسروانه مانند تمام ایرانیان رطب اللسان خواهد بود •

از سال شانزدهم قطع صفحات مجله قدری بزرگتر شده و همین قطع تا پایان انتشار مجله محفوظ مانده است • تعداد صفحات این سال بضمیمه فهرست مندرجات ۸۰۰ صفحه و با انتشار شماره ده پایان یافته و بعوض دوشماره ۹۱ و ۱۲ کتاب تحفه سامی چاپ شده است • تحفه سامی تالیف سام میرزای صفوی، فرزند شاه اسمعیل صفوی در ۹۹۱ صفحه بقطع وزیری چاپ گردیده و مشتمل بر اسامی و آثار قریب هفتصد شاعر از شعرای نامدار و گمنام عصر صفویست • قیمت آن ده ریال تعیین شده است •

سال هفدهم ارمغان — شماره اول سال هفدهم مجله ادبی ارمغان در فروردین ۱۳۱۵ مطابق آوریل ۱۹۳۶ میلادی با مقاله افتتاحی بعنوان (آغاز سال هفدهم ارمغان) انتشار یافته است • عین مقاله بدین قرار است :

« بیاری یزدان پاک و در سایه نیروی داد و امان و دانش پرور اعلیحضرت شاهنشاه ایران پناه پهلوی خلدالله ملکه و سلطانان مجله ارمغان سال شانزدهم خویش را بیابان رسانیده و اینک وارد هفدهمین مرحله زندگانی ادبی خویش میگردد • ادامه یک مجله ادبی دور از محیط سیاست در مملکت ایران کار آسان نیست و کسانی که در کار مجله نگاری دستی داشته بخوبی از این قضیه واقف اند • برای آگاهی خوانندگان و علاقه مندان بدوام ارمغان اینک با سبب دوام مجله اشارتی باجمال میرود سبب دوام هفده ساله مجله ارمغان چند چیز است نخست تو فیق و مشیت پاک یزدان دوم عدل و امان بی نظیر و بی سابقه عهد همایون شاهنشاه پهلوی سوم پایداری عشق نگارنده ارمغان پیاسی شعرو سخن و ترویج و تشویق سخن گستر آن و حفظ رسوم و قواعد ادب باستانی و نمودن راه تجدد و تازگی در شعر پارسی چهارم همت و همراهی دوستان ادب و سخن و دستیاران فضل و ادب در مرکز و ولایات که هر

حرف الف بده الرا

ارمغان

يك از راه ادامه اشتراك و افزودن مشتری سرمایه طبع و نشر هفده ساله و ادامه ارمغان را فراهم ساخته و میسازند ۰

پس از این مقاله افتتاحی تصویر اعلیحضرت رضا شاه پهلوی و فرزندش محمد رضا شاه، در دو صفحه گراور شده و از این بس تحت عنوان (نامه هفده ساله) اشعاری که از اثر طبع مدیر مجله می باشد، آورده شده و اشعار بدینقسم شروع می گردد :

ای نامه هفده ساله ما ✨ با هفده سال رنج چونی ✨ ای یافته هفت گنج بارنج با دولت هفده گنج چونی . کتاب ضمیمه سال هفدهم بخش اول از تذکره میرزا طاهر نصر آبادی اصفهانی است که در ۲۰۰ صفحه بقطع وزیری چاپ شده است .

سال نوزدهم ارمغان — شماره اول شماره نوزدهم ارمغان متعلق بفروردین ماه ۱۳۱۷ شمسی در خرداد ماه سال مذکور در هفتاد و دو صفحه بقطع خشتی بزرگ با سرمقاله زیر منتشر گردیده است ؛ « بنام ایزد بخشاینده . در سایه حمایت داد و دانش مهین آفتاب آسمان بزرگواری و اختر درخشان چرخ کامکاری ۰۰ » پس از مقدمه مذکور اشعاری تحت عنوان (نوزدهمین سال ارمغان) که با این شعر شروع میگردد ؛ چاپ شده : « عید آمد و سال نوزدهم ✨ برنامه ارمغان شد آغاز ۰ » در این سال نیز ارمغان ده شماره منتشر شده و در آخر سال کنایی بعنوان ضمیمه بمشترکین داده شده است .

سال بیستم ارمغان — شملوه اول سال بیستم ارمغان در فروردین ۱۳۱۸ شمسی انتشار یافته و مقاله افتتاحی آن، پس از درج چند سطر بعنوان (بیستین سال ارمغان) اشعار بیست موسوم بچکامه شاباش اثر طبع مرحوم وحید راجع بعروسی محمد رضا شاه پهلوی با فوزیه . اینک چند سطر مقدمه و چند بیت از اشعار ؛

چکامه شاباش

پس از نام یزدان پاك و ستایش و سپاس مهین شاهنشاه ایران پناه پهلوی که آیین و روش همه ساله ما بوده اینک سال بیستم مجله ادبی ارمغان را با چکامه شاباش که بمناسبت جشن عروسی والا حضرت اقدس شاپور نخست و ولیعهد محبوب ایران با والا حضرت اقدس فوزیه شاهنشاه زاده مصر سروده شده افتتاح و این جشن میمون را بتمام فرزندان ایران تهنیت و مبارک باد میگوئیم .

وحید

چکامه شاباش

ارمغان وحید دستگردی

مصر و ایرانرا سرا بنجه نیروی قضا ✨ داد پونده و یکی ساخت بفرمان رضا گشت این فرمان از جانب یزدان امضا ✨ وز بس امضا در شهروده و کاخ و قضا هردو کشور را شد شادی و بهروزی یار ✨ هردو را سود سرفخر بچرخ دوار تا آخر

این چکامه مفصل و در حدود یکصد بیت است .
 سال بیستم با انتشار شماره نه و ده که یکجا و متعلق به ماههای آذر و دی بوده
 و در اسفند ماه انتشار یافته ؛ ختم شده و بعوض شماره های ۱۱ و ۱۲ کتبا بسی نشر
 گردیده است . مجموع صفحات این سال ۶۰۸ صفحه و قطع صفحات نسبت بسال های
 سابق کوچکتر شده است .

سال بیست و یکم و بیست و دوم مجله ارمغان - سال ۲۱ ارمغان متعلق به
 فروردین ۱۳۱۹ شمسی ؛ در شهریور ماه سال مذکور انتشار یافته و با این مقدمه شروع
 میشود : « بنام یزدان پاك - مجله ارمغان در سال ۲۱ بسبب انقلاب جهان و جنك و
 بعمران از بعمران برکنار نمانده و تا کنون که ششماه از سال میگذرد بنشر يك شماره
 موفق گردیده است ولی امیدواریم که در پرتو عزم راسخ بتوانیم از این بیعد در هر
 ماه دو شماره منتشر ساخته و تا آخر سال دوره سال را بانجام رسانیم .» پس از
 این مقدمه اشعاری تحت عنوان (بیست و یکمین سال مجله ارمغان) چاپ شده . سال
 بیست و یکم با انتشار شماره ۹ در اسفند ماه ۱۳۱۹ شمسی پایان یافته است . مجموع
 صفحات این سال ۵۹۱ صفحه می باشد .

سال بیست و دوم ارمغان با قطع کوچکتری نسبت بسالهال سابق چاپ شده و شماره
 اول این سال در فروردین ۱۳۲۰ شمسی انتشار یافته است . مقاله افتتاحی آن بدین
 قسم آغاز میگردد : « بنام یزدان پاك - اینك بیست و دومین سال مجله ارمغان بتوفیق
 یزدان پاك و درسایه عدل و امان شاهنشاه ایران پناه رضا شاه پهلوی خلد الله ملكه و
 سلطانه آغاز گردید . بیست و دو سال پایداری وجد و جهد در کار ادب نحوست اورکاری
 آسان نیست و جز عشق مفرط بیشرافت شعر و سخن هیچ مشوق و دستیاری موجد چنین
 عزم راسخ نمیتواند شد . روزگار جوانی و نشاط و صحت ما همه در این راه صرف گردید
 و اینك که زمان پیری و افسردگی و ابتلا در رسیده از یاران انتظار یاری داشتیم ولی
 بفرموده خواجه (خود غلط بود آنچه ما پنداشتیم) زهرملکی که برخیزد چسراغی
 دهندش روغنی ازهر ایاغی . با این همه در برابر حمله نکبت و نحوست ادب ما شیوه
 و پیشه خود را از دست نداده تارمقی در تن هست بوظیفه ادب پروری و سخن دوستی
 پرداخته در میبردازیم . (وحید) « از مقالات مسلسل این سال شرح حال استاد جمال
 الدین اصفهانی است (این شرح حال بمناسبت طبع دیوان این شاعر است) . سال بیست و
 دوم با انتشار شماره دهم در دیماه ۱۳۲۰ شمسی پایان یافته و بعوض شماره های ۱۱
 و ۱۲ دیوان کامل (عبید زاکان) بمشترکین داده شده است مجموع صفحات این سال
 بضمیمه فهرست پانصد و بیست و هشت صفحه است .

مانتسم که قبلا یاد آور شدیم و مرحوم وحید نیز کرارا در پشت جلد مجلدات

ارمغان یاد آور شده، دوره بیست و دوساله ارمغان بمنزله کتاب خانه جامعیت که انواع مختلف مطالب تاریخی؛ ادبی، سرگذشت و داستان در آن یافت نمیشود و در نتیجه همین تنوع مطالب است که شخص از مطالعه دوره های ارمغان سیر نمیکرد و هرچه بیشتر مطالعه کند بخواندن زیاد تر راغب میگردد. علاوه بر مطالب تاریخی و ادبی که در این مجله موجود است. شرح حال عده زیادی از شعرا و نویسندگان گمنام فارسی زبان با اشعار و آثار آنها در مجله ارمغان درج شده و بهترین محل برای اطلاع بانار و اشعار شعرای گمنام و متوسط است. گاهیگاهی نیز شرح احوال شعرای معروف از قبیل کمال الدین و جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی و نظامی گنجوی و ابوالعلائی معری، بتفصیل دیده میشود. از اینرو میتوان گفت ارمغان گنجینه گرانبهایست که هرچه از آن برگیرند پایان نمیبندد. برای اینکه تا اندازه حق مدیر و موسس آن مرحوم وحید ادا شود جای آن دارد که شرح حال ویرا بتفصیل در اینجا ذکر کنیم.

مرحوم وحید دستگردی

حسن فرزند محمد قاسم دستگردی از اهالی دستگرد، ازقرای نزدیک باصفهان و فاصله آن تا شهر در حدود یکفرسخ است. در سال ۱۲۹۸ هجری قمری در دهکده خود بدنیا آمد و پس از فرا گرفتن تحصیلات مقدماتی، در سن شانزده سالگی برای تکمیل تحصیلات بشهر روی آورد و برسم قدیم در مدرسه قدیمه میرزا حسن، جنب مسجد سید واقع در محله بید آباد، سکونت اختیار نمود و در آن مدرسه بکسب کمالات از محضر هیسن اثر استاد بزرگ و شاعر مطلق مرحوم حاج میرزا یحیی مدرس بید آبادی پرداخت. مرحوم وحید ادبیات عرب را نزد میرزا یحیی و مقه را در محضر شیخ حسن شیرازی و فلسفه و حکمت را از استادان بزرگوار مرحومین جهانگیر خان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی آموخت. وحید از همان اوان طفولیت دارای ذوقی سرشار و طبعی روان بود بقسمی که از سنین هشت نه سالگی شعر میسرود و اشعار آندور. از زندگانش فعلا در دست نیست. بهلت آزادبخواهی که در نهاد او سرشته شد. بود؛ در وقایع مشروطیت در اصفهان؛ با اینکه جوان ویست و اندی سال از عمرش بیشتر نگذشته بود؛ در فتنه اقبال الدوله، مورد تعقیب مستبدین قرار گرفت و چندی بامرحوم معین الاسلام مدیر روزنامه زاینده رود، از ترس مستبدین؛ در خفا میزیست ولی با ایراد خطابه ها و بنظم در آوردن حوادث و وقایع؛ از همان وقت در محافل و مجامع شهرتی حاصل کرد و بجرم همین آزادبخواهی مکرر مورد حمله روحانی نمایان و توده عوام واقع شد تا اینکه بالاخره در جنگ بین الملل اول بکنه طرفداری از استقلال و آزادی میهن و هوا خواهی آلمان ها؛ پس از ورود روسها باصفهان؛ ناچار بعیت مرحوم حاج آقا نورالله، بداخله بختیاری مهاجرت کرد.

حرف الف بعده الراء

ارمغان

تفصیل و قایم حرکت از اصفهان و مهاجرت بداخله بختیاری و حوادث آن سامان را بتفصیل در دو جلد کتاب (ره آورد وحید) آورده و هر دو جلد بصورت ضمیمه دو سال ارمغان بطبع رسیده است. در اواخر جنک بین الملل بعنوان تظلم و داد خواهی اموال و املاک او که در دستگرد بغارت رفته بود بطهران رفت و در آنجا ماندنی شد و مجله ارمغان را تاسیس کرد و تا آخر عمر نیز در این شهر میزیست.

مرحوم وحید علاوه بر خدماتی که از راه انتشار مجله ارمغان و تصحیح و طبع کتب نفیس دیگر نموده؛ در طهران با معاضدت دوستان علم و ادب بتشکیل انجمن ادبی در طهران توفیق یافت و این انجمن که پس از تغییر نام و تبدیل باسم انجمن (حکیم نظامی) تا آخر عمر مؤسس درخانه وی تشکیل می یافت؛ بنوبه خود خدمات شایانی پیشرفت شعر فارسی نموده است. مرحوم وحید با اینکه در سنوات اخیر زندگانی دوجار بیماری ضیق النفس شده بود مع ذلک هیچگاه از فعالیت علمی دست برنمیداشت و پیوسته بنشر مجله ارمغان و تصحیح آثار سخنوران گذشته میپرداخت تا اینکه روز اول دی ۱۳۲۱ شمسی مرض او رو بشدت گذاشت و این نابغه ادب در سن شصت و یک سالگی شب سوم همان ماه بسرای باقی شنافت و صبح آنروز با حضور دوستان و آشنایان تشییع جنازه مفصلی از وی بعمل آمد و او را برای همیشه در آرا مگس (امامزاده عبدالله) بخاک سپردند. پس از مرگ وی در طهران و سایر شهرهای ایران بنام سوگواری مجالس ترحیمی برقرار نموده و تلکرافات متعددی دائر بابر از همدردی

بانجمن ادبی حکیم نظامی مخابره شد. شعراء در رثاء او مرثیه ها سرودند منجمله یکی از دوستان قدیم آن مرحوم؛ آقای محمد علی ناصح؛ در انجمنی که برای یاد بود وی در طهران فراهم گردید قصیده شیوائی انشاد کردند که چند شعر آن اینست: کتاب دهر را از آغاز تا انجام اگر خوانی ✽ نینی اندر آن جز فصل غم باب پریشانی ✽ قرار اینجا چه خواهی کاد می گوئیست سرگردان ✽ بدینسوی و بدانسو در خم این چرخ چو گانی (این قصیده خیلی طسولانی است تا میرسد باین اشعار که ضمنا مشتمل



بر ماده تاریخ فوت آن مرحوم نیز میباشد)

چو نومید از درفضلت نگردد هیچ خواهنده بما صبروبوی تشریف غفران دار ارزانی دعا شد مستجاب آری که شد تاریخ مرگ او ✽ وحید جا گزیده در پناه فیض سبحانی یکی از معاصرین در حق وحید مینویسد : « مرحوم وحید چنانکه آثار گرانبهای وی بهترین معرف او و حجت گفتار ماست قریحه وقاد وطبعی توانا داشت و با آنکه در ترکیب الفاظ شیوه اساتید پیشین نظم فارسی را از دست نینداد معانی بدیع در سخنان وی بسیار دیده میشود . مردی خوش سیما و گشاده روی و فروتن و مهربان و کم آزار ؛ در طریق وفا و محبت ثابت و راسخ ؛ در وطن پرستی و ایران دوستی بی نظیر ، بلطف طبع و حسن معاشرت یگانه و خلاصه آنکه شخصی بود دارای ملکات فاضله و خصائل حمیده و بهمین سبب در دل دوستان خود جای داشت . « شماره ۹۳ سال دوم اطلاعات هفتگی .

مرحوم وحید علاوه بر دوره ۲۲ ساله ارمغان که سابقا بتفصیل از آن گفتگو کردیم کتب دیگری تالیف و با تصحیح نموده و بطبع رسانده و نیز کتبی را که دیگران تصحیح و یا ترجمه نموده برمایه وی در مطبعه ارمغان طبع و نشر شده است . از این قرار : سبعة نظامی گنجوی مشتمل بر قصاید و غزلیات و مثنویات حکیم نظامی در هفت مجلد . دیوان ادیب الممالک . دیوان استاد جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی دیوان قائم مقام فراهانی . جام جم اوحدی . ره آورد وحید (در دو جلد) رسائل خواجه عبدالله انصاری . تذکره سام میرزای صفوی . تذکره میرزا طاهر نصر آبادی (در سه جلد) کلیات بابا طاهر . امین و مامون . دیوان ابوالفرج رونی . کلیات عبید زاکانی . دیوان کامل سید احمد هاتف . کاخ دلاویز .

از مرحوم وحید بستگانی هنوز در دستگرد زندگی مینمایند و نیز چند فرزند پسر و دختر از وی باقیست که بزرگتر از همه نسیم زاده وحید است و اکنون در طهران بدستگیری دوستان قدیم پدر خود در انجمن ادبی حکیم نظامی مجتمع گردیده و چند ماهی است بهمت آنان و بمدیری آقای نسیم زاده مجددا مجله ارمغان منتشر می گردد و تا حین تخریر این یادداشت سه شماره منتشر شده است .

(۹۳) اروسیاک

روزنامه اروسیاک در طهران بزبان ارمنی ، در سال ۱۳۱۳ شمسی تا سپس منتشر شده است .

(۹۴) ارومی اورتودوکسانا

مرحوم تربیت در فهرست روزنامه های آذربایجان در باره این روزنامه مینویسد :

« ارومی اورتو دوکساتا روزنامه منتشر در رضایه در زبان کلدانی در ۱۹۰۷ از طرف هیئت روحانیون مذهب اورتو دوکس » (ص ۴۰۷ کتاب دانشمندان آذربایجان) برون نیز در صفحه ۲۹ کتاب مطبوعات و شعر فارسی خود راجع باین روزنامه عین مطلب فهرست روزنامه های آذربایجان را بدین قسم یاد آور شده : « روزنامه منتشر در ارومیه بزبان کلدانی از طرف هیئت مذهبی اورتو دوکس »

بی مناسبت نیست در اینجا یاد آور شویم که رضایه یا ارومیه قدیم از شهرهایی است که پس از تبریز و طهران و شیراز و اصفهان مطبعه پیدا کرده و مبلغین مسیحی که در این شهر توقف داشته شروع بطبع کتب مذهبی و روزنامه نموده اند . در شماره پنجم سال دوم دوره جدید روزنامه کلاه تحت عنوان (چاپخانه و روزنامه در ایران) شرحی راجع باغاز تاسیس مطبعه در رضایه نوشته که عینا آنرا نقل میکنیم :

« بعد از تبریز و طهران و ظاهرا بعد از شیراز و اصفهان نیز اولین شهری که مطبعه در آن پیدا شد شهر ارومی بوده که از سنه ۱۲۵۶ باینطرف دعوات مسیحی امریکائی در آنجا يك مطبعه سربی و سربانی و انگلسی دارند . دکتر پرکین از اولین مبشرین امریکائی در ارومی (موقعیکه این مقاله تنظیم شده هنوز نام ارومیه بر رضایه تبدیل نشده بود و لذا در این مقاله همه جا ارومیه استعمال شده است . و چه تسمیه شهر بر رضایه بمناسبت نسبت برضا شاه موسس سلسله پهلویست . مواف) در کتاب خود بعنوان (هشت سال در ایران) در باب اولین مطبعه خودشان چنین مینویسد در ۷ نوامبر ۱۸۴۰ میلادی (۱۲ رمضان ۱۲۵۶) مطبعه چی آقای بریت از امریکا برگشته و مطبعه ما را که کوچک و قابل نقل بود آورد . در ۲۱ نوامبر (۲۶ رمضان) مطبعه را بکار انداخته و بعضی قطعات دعا بزبان سربانی چاپ کردیم . مسلمانان شهر نیز از ورود مطبعه مامنون بودند منجم باشی ارومی بداره ما رجوع کرده و خواهش کرد که تقویم او را برای سال ۱۲۵۷ چاپ کنیم . در ۳۰ نوامبر (۵ شوال) شروع بطبع زبور در زبان سربانی قدیم کردیم . »

اولین روزنامه که در شهر ارومیه بطور ماهانه از طرف مبشرین امریکائی برای کلدانیان با چاپ سربی نشر شده روزنامه (زاریری دی باهرا) است که شماره اول آن در تاریخ ۱۶ صفر ۱۲۶۷ مطابق غره ماه ژانویه ۱۸۵۱ میلادی نشر گردیده است . از این روزنامه بعدا گفتگو خواهیم کرد .

(۹۵) آریا

در جلسه سیزدهم اسفند ماه ۱۳۱۹ هـ ش شورای عالی فرهنگ صلاحیت آقای احمدزاده دهقان را برای چاپ و نشر روزنامه آریا بسردبیری آقای حبیب الله آقا زاده

در تبریز تصویب نمود .

بنابر این امتیاز روزنامه آریا بدیری احمد زاده دهقان برای انتشار در تبریز تصویب گردیده ولی از قرار معلوم این روزنامه در تبریز منتشر نگردید . است . بدلیل آنکه در سال ۱۳۲۵ شمسی روزنامه بهمین نام (اریسا) در شهر کرمانشاه بصاحب امتیازی و مدیری و سردبیری (مهندس محمد علی محمد یاف) انتشار یافته و شماره ۳۷ سال اول آن که فعلا بطور نمونه در دست است در تاریخ چهار شنبه بیستم خرداد ۱۳۲۶ روی يك ورق بزرگ منتشر گردید . است و همین میرساند که آریا در تبریز در مدت مقرر انتشار نیافته و بنابراین امتیاز آن لغو شده و دیگری درخواست امتیاز کرده است .

(۹۶) آرین

مجله آرین در شیراز در سال ۱۳۳۳ قمری تاسیس و هفته يك شمار . به قلم مرحوم روحی و آقای پرتو منتشر گردیده مجله مذکور پس از انتشار ده شماره تعطیل شده است .

(۹۷) آرین

در شماره ۷ و ۸ سال دوم مجله تعلیم و تربیت مینویسد : امتیاز روزنامه آرین در تهران ، بدبیری (آقا سید عبدالحمید تقوی) در تاریخ ۸ آذر ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی فرهنگ گذشته است . باید در نظر داشت که این آقای (تقوی) غیر از آقای (سید محمد علی تقوی) مدیر روزنامه دنیای اسلام منتشر در طهران است و طبق نامه مورخ ۱۷/۴/۲۶ که ایشان بنگارنده نوشته اند روزنامه آرین از طرف ایشان منتشر نشده است .

(۹۸) آزاد

روزنامه آزاد در شهردهلی هندوستان در سال ۳-۱۳۰۲ راجع باین روزنامه می نویسد ،

» روزنامه بنام آزاد ؛ در دهلی هندوستان ؛ در سالهای ۳-۱۳۰۲ قمری منتشر شده و این روزنامه با روزنامه (سیدالاجبار) که در حیدر آباد دکن ؛ در همان سال انتشار یافته وارد مبارزه قلمی گردید و نگارنده از مبارزه های قلمی که در روزنامه سیدالاجبار یا روزنامه آزاد است ؛ بوجود روزنامه اخیر پی برده زیرا تا کنون شماره های روزنامه آزاد را ندیده ام . «

(۹۹) آزاد

روز نامه آزاد در شهر کلکته هندوستان بسر پرستی مدیر جبل المتین آقای (مویدالاسلام) و مدیر کل (میرزا سید حسن کاشانی) (عین عبارات سرلوحه روز نامه است) تاسیس و شماره اول سال اول آن در هشت صفحه بقطع وزیری (همان قطع روزنامه جبل المتین) با چاپ سنگی طبع و در تاریخ هشتم ماه ربیع الاخر ۱۳۱۷ قمری مطابق پانزدهم ماه اگست ۱۸۹۹ میلادی منتشر شده است .

روزنامه آزاد ضمیمه روزنامه (مفتاح الظفر) منطبه کلکته بوده (۱) و در هر ماه یکم و هشتم و پانزدهم و بیست و دوم طبع و توزیع میشده است . این روز نامه برای مشترکین مفتاح الظفر مجانی بوده و برای دیگران آ بونه سالیانه آن بدینقرار است هندوستان و برمه و خلیج فارس ده رویه ، ممالک محروسه ایران و افغانستان ۳۵ قران . چین و ژاپون و روسیه و اروپا ۲۵ فرانک . ممالک عثمانی از عراق و مصر و غیره ۵ مجیدی . محل اداره روزنامه کلکته . فوجداری ، بالا خانه شیشه گلی نمره دو راجع بطرز انتشار و مندرجات روزنامه ، در هر شماره ؛ در ضمن یک سطر در عنوان روزنامه این قسم نوشته شده است : « این روزنامه هفته وار ملی در مسائلی که راجع بملک و ملت و دولت باشد آزادانه بحث مینماید » .

در شماره اول سال اول صفحه اول ستون اول شرحی تحت عنوان (شکر توفیق) راجع به پیدایش و انتشار روزنامه ؛ نوشته که عین آن را نقل میکنیم : « شکر توفیق بعون الله و توفیقاته و باقبال بیزوال اعلیه حضرت اقدس شاهنشاه اسلامیان پناه السلطان مظفرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه موفق باجرای اولین شماره این روزنامه ملی شدیم و از الطاف خداوندی و توجهات ملوکانه امیدواریم که موفق شویم به اتمام و انجام این خدمت بزرگ موقتاً روزنامه آزاد هشت صفحه قرار یافته در حقیقت ضمیمه مفتاح الظفر است ، اگر چنانچه مشترکین محترم توجه فرمایند انشاء الله بر اوراق او و مفتاح الظفر افزوده وجه اشتراك آنچه معین است بر قرار خواهد بود . اسامی و کلاهی محترم را در نمرات آتی خواهیم نگاشت و ما توفیقی الا بالله » . چنانچه از مقدمه مذکور معلوم میگردد در قسمت مفتاح الظفر نیز اشاره خواهیم کرد منظور از تاسیس دو روزنامه آزاد و مفتاح الظفر این بوده که دو می مخصوص درج مطالب علمی و مقالات ریاضی و حکمی باشد و برای نشر اخبار و مقالات سیاسی و حوادث داخلی روزنامه آزاد تاسیس گردیده است . بنابراین مندرجات روزنامه آزاد پس از درج مقاله اساسی ، عبارت از اخبار داخلی و خارجی و مکاتیب وارده از

(۱) برای اطلاع از شرح روزنامه مفتاح الظفر بحرف میم این کتاب رجوع شود

شهرهای مختلف می باشد . فهرست مندرجات شماره اول روزنامه آزاد بدینترتیب است:
سیاسی . کشتی هوایی . مکتوب از کرمان . آگهی و کلاومشترکین محترم
آزاد ومفتاح الظفر . مکتوب از بوشهر . بقیه اخبار مدرسه خیریه . قتل عاشق و
معتوق . بوشهر . مندرجات صفحه ۸ اخبار شهرهای بارفروش ، استرآباد ، لاهیجان
لنگرود ورشت از قول وقایع نگار روزنامه میباشد . در آخر صفحه ۸ امضای (حسن
العینی) که همان میرزا سید حسن کاشانی است ؛ درج است . از شماره دوم اسم
مدیر جبل المتین وقسمت برای مشترکین مفتاح الظفر مجانی است ازعنوان روزنامه
حذف شده وقطع اسم (مدیر کل میرزا سید حسن کاشانی) باقیمانده ومعلوم می
شود از این پس دخالت مدیر جبل المتین از بین رفته است .

نگارنده شماره دوم این روزنامه را نیز دردست دارد ولی برون در کتاب
مطبوعات وشعر فارسی (ص ۲۹) مینویسد من شماره اول آن را دردست دارم ومعلوم
میشود از شماره دوم آن بی اطلاع بوده . واما میرزا سید حسن کاشی که در عنوان
روزنامه سمت مدیر کل داشته برادر مرحوم (موبدالاسلام) مدیر روزنامه جبل المتین
است . میرزا سید حسن کاشی نیز مدتی در طهران روزنامه جبل المتین طهران را
منتشر میساخته و بنا براین برای اطلاع از شرح حال آن دو برادر باید خوانندگان
بعرف (ح) این کتاب مراجعه فرمایند .

(۱۰۰) آزاد

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان مینویسد : « روزنامه هفتگی آزاد
در تبریز با چاپ سنگی ومصور با صور بعضی از مشاهیر وطن پرستان بمدیریت رضا
تربیت در آخر سال ۱۳۲۴ قمری » .

مرحوم کسروی در تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان (ص ۹۵) در ضمن اسامی
روزنامه هاییکه در آغاز مشروطیت در تبریز منتشر میشده ؛ اسم روزنامه آزاد را
نیز برده است .

ادوارد برون ، در کتاب مطبوعات وشعر فارسی (ص ۲۹ و ۳۰) شرح جامع
و نسبتاً مفصلی راجع باین روزنامه نوشته که خلاصه اش این است :

روزنامه هفتگی آزاد با چاپ سنگی مشتمل بر تصاویر وطن پرستان مشهور آن
زمان . این روزنامه تحت کنترل کتابخانه تربیت و مسئولیت مستقیم میرزا رضاخان
تربیت ، برادر میرزا محمد علیخان تربیت ، موسس کتابخانه تربیت اداره میشده است
کتابخانه تربیت در تبریز در سال ۱۳۱۶ قمری تاسیس یافته ودر آذر با بجان اهمیت
منصوصی داشته است . من نمرات دووم و چهار روزنامه آزاد را در دست دارم

نمره اول آن در تاریخ ۲۴ ذی‌حجه ۱۲۲۴ قمری مطابق هشتم فوریه ۱۹۰۷ میلادی منتشر شده. در نمره دوم تصویر محمد علی‌شاه و در نمره سوم تصویر سیدجمال‌الدین رسم شده؛ تک‌شماره آن در تبریز سه شاهی و قیمت اشتراك سالیانه آن در تبریز هفت قران در سایر شهرها و خارج ایران ۱۵ قران. هر شماره در چهار صفحه و قطع هر صفحه ۶ و نیم در ۱۳ سانتیمتر است. روزنامه بغط بسیار خوب نوشته شده است.

(۱۰۱) آزاد

روزنامه آزاد در طهران بطور هفتگی در سال ۱۳۲۷ قمری مطابق ۱۹۰۹ میلادی منتشر شده است؛ این روزنامه بمدیری (ملك‌المورخین) مدیر روزنامه های وطن؛ شاهنشاهی و آئینه غیب نما انتشار یافته و برای اطلاع از شرح حال مدیر آن رجوع شود. بروزنامه (آئینه غیب نما)

(۱۰۲) آزاد

روزنامه آزاد در تبریز بمدیریت مرحوم (ابوالقاسم مراغه) بطور هفتگی تاسیس و شماره اول آن در ربیع‌الاول ۱۳۴۰ قمری با چاپ سربی؛ منتشر گردیده. مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان در ناره این روزنامه مینویسد: «از روزنامه آزاد شش شماره انتشار یافته است.»

مرحوم ابوالقاسم مراغه قبل از انتشار روزنامه آزاد در تبریز؛ روزنامه بنام (آسایش) در طهران منتشر می‌کرده و چنانچه در حرف الف بعده السین؛ این کتاب یاد آور خواهیم شد؛ پس از مدتی روزنامه آسایش را بعهده میرزا ابوطالب شیروانی مدیر روزنامه میهن واگذار کرده است. مرحوم ابوالقاسم مراغه بمناسبت انتشار روزنامه آزاد، معروف بازاد مراغه بود و همیشه در امضای نام خود کلمه آزاد را ملحق می‌ساخت و (ابوالقاسم آزاد) امضاء می‌کرد. مرحوم آزاد؛ در سنوات اخیر عمر خود از طرفداران جدی تغییر الفبای فارسی شد. و جمعیتی به نام (گروه طرفداران الفبای آسان) در طهران و شهرستان‌ها تشکیل داده و علاوه بر مقالات متعددی که در جراید در این زمینه منتشر ساخته؛ دو سه رساله جداگانه نیز در باره مزیت تغییر الفبای فارسی چاپ و در دسترس علاقه مندان قرار داد. است. من جمله رساله کوچکیست بعنوان (الفبای آسان شاهراه رستگاری ایرانیان است) که در آن فواید و محسنات تغییر الفبا را شرح داده و در آن بعضی از جملات را به صورت الفبای آسان نوشته است. این رساله در ۵۶ صفحه بقطع کوچک و در مهرماه ۱۳۲۴ شمسی چاپ شده است.

نگارنده طبق روشی که در تدوین تاریخ جراید و مجلات ایران بکار برده.

برای اطلاع از شرح حال آن مرحوم نامه‌ای در تاریخ هفتم فروردین ۱۳۲۵ شمس بشارالیه نوشته و درخواست ارسال شرح حال و یکقطعه عکس نمودم . تصادفاً این درخواست خیلی بموقع و بجا بود برای اینکه پس از فرستادن پاسخ، باندک زمانی ؛ چنانچه بعداً خواهیم نوشت ، آزاد مراغه فوت کرد و دنباله اقدامات خود را در باره تغییر القبای فارسی عقیم گذاشت ، تا هنگام تدوین این سطور کسی برای راهنائی گروه مذکور دامن همت بکمر نزده شاید در آینده کسانی پیدا شوند که دنباله اقدامات آن مرحوم را بگیرند . بهر جهت در اواخر عمر ، گرچه اقداماتش زیاد به نتیجه نرسید ؛ ولی در محافل و مجامع ادبی ، به ملت پافشاری در باره این عقیده شهرتی پیدا کرد و مخالفین و موافقین در جراید در باره نظریات او مقالاتی منتشر کردند .



برای اطلاع از شرح حال مرحوم آزاد مراغه بهتر و مفید تر آنست که عین نامه ای را که در پاسخ در خواست نگارنده نوشته ذیلا نقل نمایم .

این نامه از لحاظ آنکه بفاصله کمی قبل از فوت آن مرحوم ، بقلم خود او ، نوشته شده بی اهمیت نیست .

پس از سپاسگذاری نسبت بنگارنده و اظهار تاسف از گرفتاری بکارهای گروه طرفداران القبای آسان مینویسد :

ابوالقاسم آزاد مراغه

در دوم دیماه ۱۲۶۱ در مراغه متولد

شده ام . چون پدرم شاد روان حاج میرزا عبدالمحد ثقه‌العلماء از مجتهدین آذربایجان بود بنده را نیز برای آن رشته تربیت و تعلیم کردند و لذا پس از اتمام مقدمات علوم عربیه متداول در آن دوره بنجف فرستادند پس از پنج سال و چند ماه توقف و تلمذ در حوزه های درس آقایان آخوند ملا کاطم خراسانی و شیخ حسن مقانی و فاضل شریانی طلب تراه هم بایران برگشتم .

خویشاوندانم متوقع بودند که بسان سایر مراجعت کنندگان از نجف مسجد و محرابی را اشغال نمایم ولی بنده عمامه‌ام را برداشته برای فرا گرفتن علوم فرانسه و السنه دیگر رهسپار اروپا شدم . یازده سال در کشورهای روسیه ، ترکیه یونان ؛ فرانسه ؛ انگلستان بلژیک هلند ؛ مصر ، حجاز و هندوستان بسر برده در اواسط جنگ بین‌المللی نخست پتهران برگشتم . کم و بیش بهشت زبان و خطوط باستانی ایران آشنا هستم . در اوایل ورودم به تهران دو سال مجله (نامه پارسی) را مینوشتم که ماهی دو شماره هر شماره شانزده

صفحه انتشار مییافت که همه مقالاتش نظماً و نثراً بیاری سره بود یعنی از آغاز تا انجام آن يك واژه تازی دیده نمیشود . سپس روزنامه آسایش را در تهران و روزنامه آزاد را در تبریز مینوشتیم . مدت یازده ماه هم همسرمان بانو شهناز آزاد مجله نامه بانوان را در تهران منتشر ساخته . بدبختانه بر اثر بارها حبس و تبعید من و خانواده ام بجرم پیشوائی آزادی زنان و کشف حجاب همه آنها از میان رفته . تصنیفات و تالیفات و ترجمه هایم تا کنون بنه جلد رسیده مهمترین آنها فرهنگ آزاد از تازی بیاری سره و انگلیسی است . بطوریکه اطلاع دارید اخیراً بفکر تبدیل این الفبای کنونی بلاتینی افتاده جمعیتی را بنام گروه طرفداران الفبای آسان تاسیس کرده ام و مشغول تهیه مقدمات هستم که با تقدیم يك طرح قانونی بمجلس شورا یملی در دوره پانزدهم بان رسمیت داده در سراسر کشور معمولاً سازیم . این بود قسمتی از نامه آزاد که بنکارنده مرقوم داشته اند متأسفانه عمر آن مرحوم برای دنبال نمودن طرح خود و تقدیم آن به مجلس پانزدهم وفا نکرد و قبل از گذوده شدن مجلس دار دنیا را وداع نمود .

آزاد مراغه‌ای در اواخر عمر جمعیتی بنام (گروه الفبای آسان) تشکیل داد و خود نیز سمت دبیری گروه مذکور را داشت . وی در تاریخ پنجم خرداد ماه ۱۳۲۵ شمس در طهران وفات کرد و فرزندش از آن مرحوم بنام (دکتر آزاد) باقیست .

(۱۰۳) آزاد

روزنامه آزاد در شهر مشهد بصاحب امتیازی و مدیری (عبدالقدیر سبزواری) تاسیس و در سال ۱۳۰۲ شمس منتشر گردیده است . روزنامه آزاد معمولاً در چهار صفحه با چاپ سربی (مطبعه طوس) انتشار می یافته و مندرجات آن پس از درج مقاله اساسی ، اخبار محلی خراسان و مختصری اخبار جهان و ولایات است . قسمت مهم و قابل توجه روزنامه سر مقاله های آنست که بقلم آقای عبدالقدیر آزاد نوشته شده و بیشتر اوضاع عمومی کشور و مسائل اقتصادی و سیاسی را مورد بحث قرار داده است . من جمله سر مقاله شماره ۱۸ سال اول میباشد که بعنوان (فاتحه نفت شمال) نوشته شده و در این مقاله پس از اشاره بلزوم استخراج معادن ایران ؛ یاد آور میشود که با قتل قنصل امریکا در طهران ؛ دیگر کمپانیهای خارجی زیر بار استخراج معادن ایران و بخصوص نفت شمال که انگلیسها خواهان آن میباشند نرفته و ملک ما با فقر و تنگدستی روبرو خواهد بود . و بمناسبت همین سر مقاله رباعی زیر که اثر طبع مدیر روزنامه و بامضای (عبدالقدیر) است در شماره مذکور چاپ شده :

رباهی

با آنهم سعی و آنهمه قیل و مقال ✪ دیدی که چه گشت عاقبت نطف شمال
تا آنکه يك انقلاب سختی نکنیم ✪ خوشبختی مازهر جهت هست محال
سرمقاله دیگر بعنوان (اساس ترقی مملکت راه آهن است) و هم چنین مقاله
دیگر بعنوان (انگلیس و ایران) نوشته شده است .

آزاد روزنامه هفتگی بوده و مرتباً روزهای پنجشنبه منتشر میشده ؛ مثلاً شماره
۱۱۸ آن در تاریخ پنجشنبه ۸ ربیع الثانی ۱۳۴۳ مطابق ۱۴ عقرب ۱۳۰۳ و شماره
۱۹ در تاریخ پنجشنبه پانزدهم ربیع الثانی سال مذکور و ۲۱ آن روز پنجشنبه ۲۹
ماه سال مذکور نشر گردیده است . محل اداره آزاد : مشهد ؛ جنب اداره معارف
و بعداً بچهار باغ اداره چمن منتقل گردیده ، وجه اشتراك : داخله یکساله ۵۰ قران
ششماهه ۲۸ قران ، خارجه ۶۰ قران ، تك نمره شش شاهی .
از روزنامه آزاد نگارنده فعلاً تا شماره ۲۶ سال اول مورخ پنجشنبه ۳ جمادی
الآخر ۱۳۴۳ مطابق ۹ عقرب ۱۳۰۳ در دست دارد .

عبدالقدیر سبزواری

آقای عبدالقدیر سبزواری که اصلاً از مردم سبزواری و بمناسبت انتشار روزنامه
آزاد بعداً معروف بعبدالقدیر آزاد گردیده یکی از آزادیخواهان ومدتی در دوره پهلوی
بجرم آزادیخواهی گرفتار زندان شهربانی بوده پس از وقایع شهریور آزاد و در تهران
بانتشار روزنامه بنام (آزاد) پرداخت و این روزنامه هم اکنون در پایتخت
منتشر میگردد و در موقع تنظیم این یادداشت شماره ۴۲۵ آن مورخ دوشنبه ۲۹ تیر
ماه ۱۳۲۶ شمسی انتشار یافته است . آزاد روزنامه بسیار مفید و همه روز عصرها
منتشر میگردد . آقای آزاد ، در انتشار مجدد روزنامه ، روزنامه خود را ناشر افکار
(حزب استقلال) معرفی کرده است .

عبدالقدیر آزاد با اینکه در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی آراء زیادی از
سبزواری داشت ولی رقیب و همکار او سید محمد تجدد ؛ از وی جلو افتاد و با نتیجه
بنماینده گی این دوره موفق نشد . ولی در دوره پانزدهم بنماینده گی مردم سبزواری بمجلس
شورای ملی رفت و از نمایندگان مبرز و آزادیخواه این دوره بشمار میرود .

(۱۰۴) آزادی

روزنامه آزادی بزبان فارسی در اسلامبول بمدیری (حسن ناجی قاسم زاد)
چاپ و شماره اول سال اول آن در هشتم محرم ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . حسن
ناجی ، مدیر روزنامه ؛ در عنوان روزنامه خود را (صاحب کتاب خانه شرق) معرفی کرد

کرده و در انتهای صفحه چهار روزنامه نیز امضای (حسن ناجی) فقط درج است. در شماره نمونه اسمی از محل انتشار و اداره روزنامه نیست ولی از طرز چاپ و کاغذ و نوع مطالب مسلم است که روزنامه در اسلامبول نوشته و چاپ شده. مضافاً با این که برون در کتاب شعر و مطبوعات فارسی محل طبع روزنامه را (اسلامبول) ضبط کرده و علاوه بر این مدیر آنرا (حسن ناجی خومی) معرفی کرده است.

از روزنامه آزادی بیش از یک شماره منتشر نگردیده و ما ذیلاً تمام خصوصیات شماره مذکور را نقل میکنیم: این شماره در چهار صفحه بقطع وزیری متوسط و در مطبعه سربی (ادب) چاپ شده سایر خصوصیات و طرز انتشار آن از این قرار است: «این روزنامه موقتاً در حین لزوم طبع و در آتی هفتگی خواهد شد.» زیر اسم روزنامه (آزادی) این عبارت درج است: «برادری • برابری • قیمت بیست پاره» راجع به قیمت روزنامه نوشته: «قیمت این شماره در ایران خواندن و برادران دیگر دادن است» در ضمن یک سطر که در زیر عنوان روزنامه چاپ گردیده روزنامه بدین قسم معرفی شده: «این روزنامه مدافع مشروطیت و پولتیک و حقوق مملکت و ناشر افکار آزادی طلبان ایران است.»

در ستون اول در باره (مقصد و مسلك روزنامه) که در حقیقت مقاله افتتاحی روزنامه است اینطور نوشته شده: «آزادی واسطه نشر افکار آن آزادی طلبان است که سینه های خود را سپر بلایا ساخته و وجود خود را آماج تیرهای استبداد نموده اند آزادی با عبارات ساده و آسان و اسلوب صاف ملت را بحقوق خود آگاه خواهد نمود آزادی بیچوجه طرفداری و طرفگیری از هیچکس نخواهد کرد. آزادی اظهار حق و حقیقت را اولین وظیفه خود خواهد شمرد، آزادی از انتشار فائده شخصی منظور نداشته تنها خدمت وطن و هموطنان را اولین مقصد خود قرار داده است. آزادی حقوق وطن را در پیش اجانب مدافعه و ملت را از مقتضیات آگاه ساخته و بتنویر افکارشان خواهد گوشید، آزادی خادم اتحاد و اتفاق ملت و دفاع کننده حقوق اجتماعی و بشریه امت است؛ آزادی در هر مقالات خود حقوق ایرانیان را که در دست ظالمان خونخوار گرفتار بوده و خود را اسیر آنها میبندارند مدافعه خواهد نمود. آزادی بر همه خواهد فهماند که هیچکس اسیر خلق نشده و هر یک از افراد ملت در همه حقوق آزاد و مساوی هستند. آزادی اثبات خواهد کرد که ترقی ایران جز ببرادری و برابری حاصل نخواهد شد. آزادی بصدای بلند خواهد گفت ای دهقان وطن، ای قترای ملت؛ ای عوام غلفت زده بیچاره باید بدانید سبب آبادی مملکت و مقصود از ملت شما هستید؛ مامورین؛ ملاکین؛ تجار؛ اصناف؛ علما همه در سایه شما زیست میکنند ای برادران فلک زده بحقوق خود واقف باشید روح وطن شما تپد؛ حیسات مملکت شما هستند؛ اسب زندگانی عموم صفوف شما بیچارگانید چرا حقوق خود

را بدست گرگان میش صورت داده و بغواب غفلت رفته اید تا کسی جهالت را بر خود حیات ثانوی اتخاذ خواهید نمود» پس از مقاله افتتاحی فوق مقاله دیگری بعنوان (ایران و مطبوعات روسیه) چاپ شده و خلاصه آن انتقاد از جراید روسیه میباشد که راجع بعدم استعداد ایرانیان برای مشروطیت مطالبی منتشر کرده‌اند. درستون آخر صفحه چهار اعلانی مربوط بدو رساله یکی بنام (تازیانه غیرت) و دیگری بنام (رساله اسباب اختلال) که هر دو صورت کنفرانس میرزا حسن ناجی است چاپ شده و مفاد آگهی این است که دو رساله مذکور در کتابخانه شرق بقیعت هریکی يك غروش بفروش میرسد . هر صفحه روزنامه مشتمل بر سه ستون است . همان قسم که در ابتدا نوشتیم از روزنامه آزادی بیش از يك شماره منتشر نشده است

(۱۰۵) آزادی

نگارنده از این روزنامه اطلاعی نداشته و نمونه از آن ندیده ام ، ولی چون در کتاب شعر و مطبوعات فارسی برون (ص ۳۰) عنوان علیحده برای آن قسار داده شده لذا ما نیز برای آن عنوان جداگانه قرار دادیم . آنچه برون که خود نیز نمونه آن را در دست نداشته و از مستر (رابینو) نقل میکنند این است که : « روزنامه آزادی منتشر در طهران ۲۰ » بعد اضافه میکند این روزنامه را را بینو یادداشت کرده و نویسنده آنرا تعیین نکرده است .

(۱۰۶) آزادی

روزنامه آزادی بصاحب امتیازی و مدیری (محمود آزادی) در طهران تاسیس و شماره سوم سال اول آن در چهار صفحه بقطع کوچک در تاریخ شنبه غره شهرذی قعدہ ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۶ برج جوزا ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است . شمار روزنامه عبارت از فرشته ایست که (آزادی) را در دست گرفته . قیمت اشتراك طهران و ولایات سالیانه ۵ تومان ؛ خارجه باضافه اجرت پست تك شماره چهارشاهی محل اداره : طهران . مطبعه سعادت . آدرس تلگرافی : آزادی . آزادی نامه ایست سیاسی ؛ اقتصادی ؛ علمی ، ادبی ، اخلاقی و فکاهی . مقاله افتتاحی شماره نمونه باین عنوان است : « ما آمدم با يك سلسله احساسات و نیت پاك »

آزادی پس از انتشار هفت شماره توقیف گردیده و بجای شماره هشت آن روز نامه (بهلول) منتشر گردیده . شماره منتشره بهلول بجای آزادی مورخ بتاریخ يك شنبه ۷ شهر ذی حجه ۱۳۴۱ مطابق ۳۰ برج سرطان ۱۲۰۲ شمسی میباشد . این شماره در چهار صفحه بقطع وزیری و در صفحه اول آن کاریکاتوری رسم گردید . صاحب امتیاز (شیخ حسنخان معمار) و مدیر و نویسنده اساسی (محمود آزادی) معرفی شده

قیمت اشتراك همان قیمت روزنامه آزادیست . مقاله افتتاحی بعنوان (تفصیل ورود) و خلاصه اش این است که بهلول بجای آزادی منتشر شده . همین مطلب در ضمن کاریکاتور نیز بیان شده و در آن مناظره بین بهلول و آزادی که بهلول میگوید من آمده ام و آزادی میگوید من بصورت بهلول آمده و حالا هر چه بخواهم میگویم .
از روز نامه بهلول بجای آزادی نگارنده تا شماره ۱۷ مورخ سه شنبه ۵ ربیع الاول ۱۳۴۲ مطابق ۲۲ برج میزان ۱۳۰۲ را در دست دارم .

(۱۰۷) آزادی

روزنامه آزادی در شهر مشهد بمدیری (گلشن آزادی) تاسیس و شماره اول آن در شهریور ۱۳۰۴ شمسی منتشر گردیده است .
امتیاز روزنامه مذکور بنام (میرزا علی اکبرخان گلشن) در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۰۴ از تصویب شورای عالی فرهنگ گذشته و بنابراین بفاصله چند ماه پس از تصویب امتیاز منتشر شده است .

در عنوان روزنامه ؛ آزادی ؛ یومیه قید شده ولی بیش از هفتده شماره از آن نثر نگردیده ، محل طبع آن مطبعه (گلشن آزادی و یا آزادی) و وجه اشتراك در ابتدا سالیانه ۵۰ ریال و شش ماهه سی ریال و بعد از مدتی سالیانه ۷۰ و ششماهه ۳۵ ریال و برای طبقه سوم و معارفیون سالیانه ۶۰ ریال است . جای ادار : مشهد کوچه عدلیه . شماره ۱۴۳۷ روزنامه روی يك ورق بقطع بزرگ و مورخ بتاریخ يك شنبه سوم محرم مطابق ۱۴ اسفند ۱۳۱۶ و ۶ مارس ۱۹۳۸ می باشد . در هر شماره زیر اسم روزنامه (آزادی) سال و ماه تاسیس روزنامه (شهریور ۱۳۰۴) قید گردیده است .

مندرجات روزنامه آزادی عبارت از اخبار داخلی و خارجی و مقالات گوناگون و اعلانات مربوط ب اداره ثبت اسناد و غیره میباشد و بعضی از شماره های آن در چهار صفحه بقطع بزرگ است . آزادی تا سال ۱۳۱۷ شمسی هفته سه بار طبع و هر نوبت ۶۰۰ نسخه از آن منتشر میشده و ۴۰۰ کارمندان چهار نفر بوده است .

شرح حال گلشن آزادی

میرزا علی اکبر خان گلشن و بنسبست اسم روزنامه معروف بگلشن آزادی چندی مدیر داخلی روزنامه (فکر آزاد) و از این راه و بعلت تاسیس روزنامه آزادی خدمات شایانی بعالم مطبوعات کرده . وقتی هم بعلت انتشار مقاله که از روی درد نوشته بوده از طرف ایالت خراسان ؛ آقای دادور ؛ بکلات تبعید و لسی در انسر مداخله آزادیخواهان و مسائل استخلاصش فراهم گردیده است . در کتاب شرح حال

کلنل محمد تقيخان ، مطبعه برلين ؛ قطعه زير را بگلشن آزادی نسبت داده که در
مرك کلنل محمد تقيخان سروده و آن قطعه این است ؛

ريخته شد تا که خون پاک تودرطوس * هدم ما گشت آه و ناله و افسوس
مرك تو ماقم سرای روی زمین کرد * مملکت دار يسوش و کشور کاوس
خانه آن خائنی خراب که از کين * سوخت بقتلت روان نادر و سيروس
بعد تو باید که از ترقی ايران * صرف نظر کرد و بود از همه مایوس
با همه جانبازی ای دریغ ندیدم * هیچ ز مشروطه جز نتیجه معکوس
خاک قدوم کسی که مهر تو دارد * گلشن آشفته دل ز شوق زند بوس

(۱۰۸) آزادی چه چیز است

برون در تاریخ مطبوعات و شعر فارسی (ص ۲۰) نقل از نمره ۱۷ یاد
داشتهای رابینو ، راجع باین روزنامه مینویسد : شماره دوم روزنامه (آزادی چه چیز
است) در پانزدهم ربیع الثانی ۱۳۲۶ قمری مطابق ۱۷ می ۱۹۰۸ در طهران
منتشر شده است .

(۱۰۹) آزادی دهقان

نگارنده تا کنون از این روزنامه نمونه بدست نیاورده تا بتوانم خصوصیات آن
را شرح دهم . آنچه در اینجا نام برده شده از صورت جراید کتاب آقای رشید یاسمی
(ص ۱۱۸ کتاب) میباشد که ضمیمه ترجمه جلد چهارم ادبیات برون چاپ شده است .

(۱۱۰) آزادی شرق

روزنامه آزادی شرق بمدير مسئولی و نگارندگی (سیف آزاد) ابتدا در برلين
پایتخت آلمان و سپس در طهران انتشار یافته آزادی شرق تا اوائل سال ۱۳۴۳ قمری
در برلين منتشر میشده و از آن پس بطهران انتقال یافته و در شهر اخیر نشر یافته است
ظاهرا از شماره ۳۳ سال چهارم در طهران منتشر گردیده و این شماره مورخ بتاریخ
شنبه ۲۳ ذیحجه ۱۳۴۲ مطابق چهارم اسد و ۲۶ ژوئن ۱۹۲۴ میلادی در چهارصفحه
بقطع بزرگ در مطبعه سربی (باقرزاده) چاپ شده . در این شماره محل ادارہ
در برلين (ویلمر سدوف) و در طهران خیابان چراغ برق معین گردیده است . در
اطراف اسم روزنامه (آزادی شرق) اشعار بنی آدم اعضای یکدیگرند تا دیگر عضو
ها را مانند قرار ، چاپ شده و مندوجات آن پس از درج سرمقاله ، اخبار مجلس و
اخبار داخله و خارجه می باشد . از روزنامه آزادی شرق نگارنده تا شماره ۳۶ سال
چهارم مورخ سوم محرم ۱۳۴۳ قمری آنرا در دست دارم .

آقای سیف آزاد علاوه بر روزنامه آزادی شرق؛ مجله (ایران نو) و صنایع
آلمان و شرق و راهنمای بانوان در برلین و روزنامه (ایران باستان) را در طهران
منتشر کرده اند.

(۱۱۱) آزادستان

مجله آزادستان در شهر تبریز بدبیری (قی رفت) تاسیس و شماره اول آن
در سرطانات ۱۲۹۹ شمسی مطابق رمضان ۱۳۳۸ قمری و ۱۹۲۰ میلادی منتشر شده
آزادستان در ۱۵ هر برج در ۱۳ صفحه بقطع خشتی کوچک در مطبعه سربی (تبریز
مطبعه فاروس) طبع و توزیع میشده و وجه اشتراك آن بدین قسم معین گردیده است:
در تبریز ۱۸ قران؛ ولایات داخله ۲۰ قران ممالك خارجه ۲۵ قران. برای مطبعین
و شاگردان مدارس تبریز ۱۲ قران ولایات داخله ۱۵ قران ممالك خارجه ۲۰ قران
محل فروش: مغازه توزیع جراید در تبریز.

مرحوم وحید دستگردی بعنوان (مؤده طلوع مجله آزادستان در تبریز) اشعاری
سروده و در شماره چهارم سال اول مجله ارمغان مورخ برج جوزای ۱۲۹۹ شمسی آن
را چاپ کرده که ذیلا قسمتی از آن را نقل میکنیم:

دمید از مطلع تبریز کازادی است فرجامش ✽ ز گردون معارف مامی (آزادستان) نامش
یکی شیرین مجله شهد شکرچاشنی گیرش ✽ فصاحت توامش؛ دانش قرینش، معرفت رامش
(تجدد) بود بر گردون وی خورشید رخشنده ✽ نك (آزادستان) بر تافت چونان ماه از بامش
زهی نامه که تبلیغات قدوسی است برایش ✽ زهی دفتر که تزیلات کروی است الهامش
مویده باد مطبوعش مسلسل باد منشورش ✽ مبارک باد آغازش، همایون باد انجاش
زهی تبریز کز وی زندگانی یافته ایران ✽ زهی کشور که گیتی خواننده پشتیبان اسلامش
(پس از این اشعار چند شعر دیگر در توصیف تبریز چاپ شده است)

مدیر آزادستان مجله خود را ادبی و هوا خواه تجدد ادبیات معرفی کرده و چنانچه در
صفحه اول شماره سوم ذکر کرده منظور از انتشار مجله رواج و تجدد ادبیات است.
در هر شماره فهرست مندرجات در پشت صفحه چاپ شده برای اطلاع از مندرجات مجله
فهرست شماره سوم را نقل میکنیم: ۱- مکتوب (قی رفت) ۲- ادبیات (جلیل زاده)
۲- اصوات تربیت (ع. عبدالله زاده) ۴- عالم نسوان (ه. کلانتری) ۵- مدار
انخار (شعر) شمس کسمانی) ۶- فداکاری (ر. جلیل زاده) ۷- افکار متنوعه.
۸- يك مناظره نوقی (جام جم شیرازی)

شماره سوم مجله آزادستان در تاریخ ۲۰ اسد ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده و چون
در شماره ۳۶ سال دوم روزنامه زبان زنان مورخ شنبه ۲۸ عررب ۱۲۹۹ شمسی شرحی

بنوان (فوت) راجع بمدير مجله مذکور نوشته که عين عبارتش اين است > از قراریکه روزنامه های زبان زنان که بعنوان مجله آزادبستان تبریز ارسال ميشد ، از پستخانه تبریز عودت داده شده و نوشته اند گیرنده مرحوم شده است معلوم می شود مدير مجله آزادبستان فوت شده اند . > معلوم ميشود مدير مجله در بين ماههای سنبله و میزان سال، مذکور فوت کرده و بنابراین رویهمرفته از مجله آزادبستان بیش از چند شماره انتشار نیافته است .

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان (ص ۴۰۵) خیلای با ختصار پرداخته و در باره آزادبستان باین نیم سطر قناعت کرده است :

> آزادبستان ، روزنامه نیم ماهه منتشر در تبریز ؛ با چاپ سنگی بمديريت تقی رفعت در ۱۲۹۹ شمسی <۰

شرح حال ميرزا تقیخان رفعت مدير مجله آزادبستان

مرحوم ميرزا تقیخان رفعت پسر آقا محمد تبریزی ، قدی متوسط :جنه لاغر قیافه متناسب ، چشم و ابروی درشت و سیاه ، نگاههای تند و جذاب ؛ رنگی پریده قلبی از برك گل نازکتر و دلی حساس و پراز عشق و شور داشت .
پس از اكمال تحصیلات در اسلامبول چند سال مديريت مکتب ایرانیان طرابزون را اشغال نموده ، پس از تصرف طرابزون از طرف روسها در جنگ عمومی درحوالی سال ۱۳۳۵ بمولد خود تبریز برگشته يك نفر از پر قیمت ترین و مقتدر ترین معلمین مدرسه متوسطه تبریز و نویسنده نامه تجدد (که در تحت مديريت مرحوم خیا با نی انتشار می یافت) و مدير مجله آزادبستان ، تبریز بود . در سه زبان فارسی ، فرانسه ؛ ترکی هم ادیب و هم شاعر بود و در هر سه زبان فوق آثار پر قیمت و غزل های دلنشین دارد . اشعار فارسی او اغلب در روزنامه تجدد و مجله آزادبستان مندرج است . ميرزا تقیخان يك نفر از دل باختگان پر شور و صمیمی تجدد ادبی و اجتماعی ایران بود . افسوس که از ایشمار خود آن مرحوم در دست نبود ولی طرز انشا و قافیه در ایشمار فوق (منظور چند شعریست که نویسنده شرح حال از احمد خرم که بیاد مرحوم رفعت سروده جلوی این شرح حال ذکر کرده است . برای خوف از اطناب از ذیل اشعار صرف نظر نمودیم . مولف) باسلوب و روش آن مرحوم است .

آقای رفعت یکی از پیش قدمان قیام ملی آذربایجان و هم عهد و مجذوب روح د آهی بزرگ ایران شیخ محمد خیابانی بود که در (قزل دیزج ؛ یکی از قراء اطراف تبریز) پس از خبر قتل خیابانی روز چهارشنبه غره محرم ۱۳۲۹ قمری در سن سی و يك سالی خود را کشت <۰

شرح فوق بقلم (ح . مهرداد) در شماره های اول و دوم مجله ایرانشهر منطبقه

برلین درج است . مطلع اشعاریکه قبل از این شرح حال بعنوان (چهارم - ملال) سروده شده این است :

پیچیده جهان يك سره در چادر ظلمت ✽ انوار صفا دار قمر با لب خندان

(۱۱۲) ازدارار

ازدارار که بزبان ارمنی یعنی (اطلاعات) در تبریز منتشر میشده و مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان در باره آن مینویسد : « روزنامه هفتگی منتشر در تبریز در زبان ارمنی در ۸-۱۹۰۴ » برون نیز در تاریخ مطبوعات و شعر فارسی مینویسد ؛ « ازدارار. روزنامه هفتگی بزبان ارمنی . منتشر در تبریز » . بعدا اضافه میکند که رایینو از این روزنامه اطلاعی نداشته و آنرا جدا گانه یادداشت نکرده است .

(۱۱۲) آسایش

روزنامه آسایش در طهران بمدیری وموسسی (حاج میرزا ابوالقاسم آزاد مراغه) (۱) هفته دو مرتبه طبع و توزیع شده . وجه اشتراك آن بدین قرار است : سالیانه تهران ۵۰ قران ؛ ولایات ۶۰ قران ؛ ششماهه ۳۰ قران طهران و ولایات ۴۰ قران ، در ممالک خارجه ۸۰ قران . قیمت اعلانات نصف نرخ معمولی سایر جراید است تك نسخه ۵ شاهی . محل اداره طهران گلبنديك . عنوان تلگرافی آسایش . آسایش معمولا در چهار تا شش صفحه بقطع متوسط با چاپ سربی ، در مطبعه (دولتی) چاپ شده مندرجات آن پس از درج مقاله اساسی در صفحه اول ، عبارت از حوادث داخلی و خارجی است که تحت عنوان (اخبار داخله) و (اخبار خارجه) در آن درج شده و نیز تحت عنوان (مخبرین ما) اخبار شهرستانها ذکر گردیده است . شماره اول روزنامه با خصوصیات مذکور در ربیع الاول ۱۳۳۸ قمری مطابق ۱۲۹۸ شمسی و شماره چهاردهم در یکشنبه اول حمل ۱۲۹۹ مطابق ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۳۸ و شماره ۱۸ آن در تاریخ شنبه سوم رمضان ۱۳۳۸ قمری مطابق اول جوزای ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است .

از شماره ۱۸ بانطرف مدیری وسردیری روزنامه بعهدہ (ا . ب . شیروانی) که همان آقای میرزا ابوطالب خان شیروانی مدیر روزنامه مبین میباشد و مادر حرف میم کتاب (روزنامه مبین) بتفصیل از او گفتگو خواهیم کرد ؛ واگذار گردیده و این تغییر در نتیجه توقیفی بوده که برای روزنامه آسایش پیش آمده است . در شماره ۳۵ سال دوم روزنامه زبان زنان مورخ شنبه ۲۹ عقرب ۱۲۹۹ شمسی راجع بتغییر مدیر آسایش اینطور نوشته . « در این هفته روزنامه آسایش ؛ پس از غروب (۱) برای اطلاع از شرح حال آزاد مراغه مدیر آسایش رجوع شود بکلمه آزاد این کتاب

موقتی دو باره از افق طهران تحت مدیریت آقای (بنان السلطان میرزا ابوطالب خان شیروانی؛ مدیر چوب استبداد چشیده میهن) طالع شده و با اداره ما رسید. معلوم میشود آقای آزاد؛ صاحب امتیاز و مدیر سابق آن نام آزاد خویش را از زیر شکنجه های استبداد کشیده که آسایش را بامداد میهن خوانده اند .

توضیح آنکه پس از تبعید شیروانی از اصفهان بطهران، در صدد برمی آید روزنامه میهن را در طهران منتشر سازد ولی از انتشار آن جلوگیری بعمل می آید و از این جهت شیروانی آسایش را بجای آن منتشر مینماید. ظاهراً آسایش بجای میهن؛ بیش از مدت کمی نبوده و با انتقال آزاد مراغه بتبریز و انتشار روزنامه (آزاد) در ربیع الاول ۱۳۴۰؛ در این شهر؛ اصولاً انتشار آسایش موقوف گردیده است. روزنامه آسایش یکی از روزنامه های مهم و معروف طهران بشمار میرفته و مندرجات آن را پس از درج مقاله اساسی و اخبار داخله و خارجه و مکتوب های مختلف مطالب متنوع و گوناگونی تشکیل میداده است. در هر شماره تحت عنوان (خلاصه جراید) و (یادداشت هفتگی) مطالب انتقادی در باره جراید در آن دیده میشود.

(۱۱۴) آسایش

مرحوم تربیت نام این روزنامه را در فهرست جراید آذربایجان نقل کرده و در باره آن مینویسد: « آسایش؛ روزنامه نیم هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سری بی مدیریت سالار ظفر در شهر صفر ۱۳۴۳ قمری .»

بفهرست روزنامه های موسوم باسایش باید اضافه نمایم روزنامه بهمین نام را که در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی؛ بدیری (میرزا زین العابدین خان قیامی) امتیاز آن از تصویب شورای عالی فرهنگ گذشته و محل انتشار آن تبریز بوده است (رجوع شود بشماره های ۷ و ۸ سال دوم مجله تعلیم و تربیت. فهرست امتیازات شورای عالی فرهنگ .) نگارنده چون تا کنون از این روزنامه هیچگونه اطلاعی بدست نیاورده و نمیداند که اصولاً انتشار پیدا کرده است یا خیر؛ لذا برای آن عنوان جداگانه قرار نداد.

(۱۱۵) آستانه رضوی

روزنامه آستانه رضوی در طهران بدیری و صاحب امتیازی (مویده الوزا رة خراسانی) تاسیس و شماره اول سال اول آن در تاریخ چهارشنبه ۱۱ رجب ۱۳۴۱ قمری مطابق ۹ حوت ۱۳۰۱ شمسی و ۲۸ فوریه ۱۹۲۳ میلادی. در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سری بی (ایران) چاپ و منتشر شده است.

اسم روزنامه (آستانه رضوی) بخط نسخ درشت و در زیر آن طرز انتشار روز

نامه (هفته دو شماره روزهای یکشنبه و چهارشنبه) چاپ گردیده ؛ بهای روزنامه داخله یکساله ۶۰ قران ، شش ماهه ۳۰ قران ، خارجه با ضافه قیمت پست ؛ قیمت اعلانات با دفتر اداره و قیمت تك شماره شش شاهی است . تمام مكاتیب با ید بنسالم مدیر باشد . هرصفحه روزنامه مشتمل بر پنج ستون است . مقاله افتتاحی روزنامه بعنوان (مقام مطبوعات) و بدین قسم شروع میشود :

« در دنیای متمدن چریده نگاری یعنی نشان دادن مفاسد و دردهای اجتماعی و بیان و ارائه طرق علاج بوسیله نشر عقاید مفیده که عامل قوی و نیرومند سعادت عمومی شناخته شده ۰۰۰ (این مقاله باین سطر ختم میشود) در هر حال روزنامه نویسی یکی از مشاغل بزرگ و واجب الاحترامی است که خواهی نغواهی افراد هر مملکتی ناگزیر از تصدیق آن هستند » در همین شماره اول یاد آور گردیده که این نامه علاقه خاصی نسبت باصلاحات استان قدس حضرت رضا دارد ولذا در هر شماره را جمع باستانه و اصلاحات آن گفتگو کرده و تاریخچه از زمان قدیم آستانه در آن نوشته و بهمین مناسبت هم اسم روزنامه را آستانه رضوی نام گذاشته است .

مندرجات روزنامه علاوه بر قسمت مربوط باستانه رضوی عبارت از اخبار مجلس شورایی و اخبار داخله و مطالب گوناگون دیگری میباشد و رویهمرفته این قبیل مطالب آستانه رضوی را روزنامه متنوع و مفیدی نموده است .

شماره دوم روزنامه در تاریخ یکشنبه ۱۶ رجب ۱۳۴۱ مطابق ۱۳ حوت ۱۳۰۱ منتشر شده . نکارنده از این روزنامه فلانا شماره ۱۵ سال اول مورخ ۶ جوزای ۱۳۰۲ شمسی را در دست دارم .

(۱۱۶) استبداد

شماره اول و یا چنانچه در خود مجله قید شده جزوه اول ؛ مجله استبداد در طهران ، در مطبعه سربی (شرقی) طبع و در تاریخ پنجم شهر جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری ، در ۱۶ صفحه بقطع کوچک خشتی ؛ منتشر شده است .
در پشت صفحه اول مجله ، اینطور معرفی شده : « مجله استبداد حاصل افکار آن فرقه در انجمنهای سری » و در پشت جلد در باره مدیر مجله چنین نوشته است : « بقلم یکی از دانشمندان با نکات و دقایقی که در نظر هوشمند آن قبول افتد . »
از اینجا معلوم میشود نویسندگان مجله نغواسته اند صریحا نام خود را در مجله ذکر نموده تا بدیگران معرفی شوند . در آخر مجله عنوان مراسلات که در حقیقت آدرس مجله می باشد بدین طریق مین گردیده : « طهران . سنگلیج . خانه و کیل الممالک . شیخ الممالک » و محل توزیع مجله : « کتابخانه شرافت مقابل شمس العماره قیمت اشتراك مجله سالیانه در طهران ۲۴ قران ؛ در خارج عموما ۲۶ قران و هر

جزوه از آن در خارج دهشاهی و در طهران شش شاهی .
 در پشت صفحه اول و آخر شماره اول سال اول اعلانی است که نقل قسمتی از آن
 برای اطلاع از مندرجات و خصوصیات مجله بیفایده نیست : اعلان . « این مجله
 همه روزه در تزئید اسباب کار ساعی خواهد بود که انشاءالله الرحمن هر جزوه آن
 از جزو سابق از هر جهت مفیدتر و بهتر شود . مطالب تاریخی و علمی و سایر مطالب
 مفیدی در آن درج خواهد شد امیدواریم مشترکین عظام از شرکت در این امر خیر
 مغبون نشوند ؛ سهل است منتفع گردند . حوادث و اخبار مفیده نیز گاهی درج می
 شود اعلانات عام المنفعه مجانی و اختصاصی سطری ۵ شاهی . »
 استبداد مجله هفتگی بوده و در باره انتخاب این اسم (استبداد) در شمار .
 اول این طور نوشته است :

« این مجله که موسوم با استبداد است و تا هزار نفر بتوسط رقه امر نفرمایند
 اسم او را تغییر نخواهیم داد . نته يك جزو بطبع خواهد رسید . وقتیکه هزار رقه
 مضی از ارباب دانش رسید آنوقت مسی به (مجله مشروطیت) خواهد شد والا بر
 استبداد خود مثل هزار نفر دیگر باقی خواهیم بود »

مقالات شماره اول بدینقسم شروع میگردد : « بسم الله الرحمن الرحيم »
 ای مستبدین گول نخورید و از خیالات عالیه خویش دست بردارید - و از استبداد
 منحرف و منحرف نشوید - هوشیار باشید که مشروطه طلبان میخواهند ما را از نان
 خوردن بیندازند - مگر نه ما بر همه آن ها سروری داشتیم - حالا چه شده که
 آن ها میخواهند با ما لاف برابری بزنند بلکه بالاتر بروند ۰۰۰ » و خلاصه اینکه
 تمام مندرجات جزوه اول خطاب بطبقات مختلف بطریق تنقید و بصورت طرفداری
 از استبداد میباشد .

جزوه دوم مجله استبداد در تاریخ ۱۲ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۵ قمری منتشر
 گردیده و بعلت فوت مرحوم حاج آقا معسن عراقی يك هفته انتشار آن از موقع مقرر
 بتاخیر افتاده است .

مندرجات جزوه دوم بيشتر در فواید مشروطیت و مضار استبداد میباشد که بصورت
 طرفداری از استبداد نوشته شده و عموماً مقالات آن بامضای (شیخ الممالک است) که
 در صفحه آخر نیز امضا دارد . سر مقاله جزوه سوم بدین قسم است : « مکتوب ذیل
 را یکی از مستبدین غیور با نهایت غیظ باداره فرستاده و امر بدرج فرموده است »
 جزوه چهارم با این عبارات شروع میگردد : « این هفت انجمن استبداد رنگ
 و روئی - و کند و بوئی نداشت - جمعیت از همه روز کمتر بلکه نصف هر روز بیشتر نبود

از شاهزاده پرسیدند پدرت کجاست گفت آخر عمری گول خورده رفته مشروطه شده گفتند شما چطور گفت محال است - گفتند آفرین تو خوب پایداری کردی .

نوع مندرجات و طرز طبع و سایر خصوصیات مجله در تمام مدت انتشار یکنواخت است ؛ فقط در محل اداره و قیمت اشتراك آن مختصر تغییری روی داده ؛ مثلا وجه اشتراك در طهران به ۲۴ قران و در ولایات به ۲۶ قران ترقی کرده و محل توزیع نیز بکتابخانه تربیت نقل شده است .

از مجله استبداد فعلا تا جزوه ۱۶ مورخ فرم ذیقعدة الحرام ۱۳۲۵ قمری در دست نگارنده میباشد و جزوه ۱۷ آن نیز بنظر رسیده است .

(۱۱۷) استخر

روزنامه استخر بمدیری و نوبسندگی آقای (محمد حسین استخر) در شهر شیراز تاسیس و شماره اول آن در سال ۱۲۹۷ شمسی منتشر گردیده است . در سال ۱۴۰۰ - ۱۳۱۵ فارس ؛ پس از آنکه مدیر روزنامه را آقای استخر با وصف باینکه از نویسندگان مشهور شیراز میباشد ؛ معرفی میکند . مینویسد : « مدیریت جریده مزبور مدتی با آقای میرزا ناصر خان سالار و بعد با آقای سید عبد الرضا معدلت برگذار شده است . »

از اینجا معلوم میشود در طول مدت انتشار استخر ؛ مدتی مدیریت آن بعهده دو آقایان مذکور معول شده است .

استخر یکی از روزنامه های کهن سال ایران و در موقع تنظیم این شرح (۲۵ تیرماه ۲۶) با انتشار شماره ۱۰۸۱ وارد سیمین سال دوران نامه نگاری خود گردیده است . برای يك کشور عقب افتاده مانند کشور ایران ، سی سال روزنامه نگاری کار بسیار مشکل و پرزحمتی است . مدیر روزنامه باید خیلی فداکاری و از خود گذشتگی نشان بدهد تا بتواند مدت سی سال بهیات نامه نگاری خود ادامه بدهد . در آغاز تاسیس ، روزنامه استخر بطور هفتگی در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ ؛ با چاپ سنگی ، طبع و توزیع میشده و در عنوان و سرلوحه آن تصویر خورشیدی است که در وسط آن سال تاسیس روزنامه (۱۲۹۷) و در بالای خورشید تصویر فروهر رسم شده است . جدا سرلوحه مذکور عوض شده و بجای آن قسمتی از تالار چهل ستون تخت جمشید که در بالای آن (استخر) بخط نستعلیق نوشته ، قرار داده شده است . محل اداره در ابتدا ؛ شیراز ؛ مدرسه ناظمیه و پس از چندی خیابان زند ، جنب بازار و کیل ، تعیین گردیده . وجه اشتراك استخر در آغاز تاسیس در شیراز سالیانه ۴۰ قران ، شش ماهه ۲۵ قران داخله ۴۵ و خارجه ۵۰ قران ؛ تك نمره ده شاهی معین شده ولی بعدا با ترقی هزینه زندگی وجه اشتراك روزنامه نیز سالیانه

۳۰۰ و شش ماهه ۱۵۰ ریال و تک نمره بدو ریال ترقی کرده است .
 مندرجات استخر ؛ پس از درج مقاله اساسی ؛ عبارت از مقالات و ترجمه های
 گوناگون و اخبار کشور و اخبار معلی فارس و اخبار جهان است گاه گاهی مقالات
 تاریخی و ترجمه های ادبی نیز در آن دیده میشود .
 دوره اول روزنامه استخر با ورود مدیر آن بخدمات قضائی (چنانچه در ضمن
 شرح احوال ایشان بتفصیل خواهد آمد) یعنی بسال ۱۳۰۶ شمسی پایان یافته و از
 آن تاریخ دیگر روزنامه استخر انتشار نیافته است تا خرداد ماه ۱۳۲۱ شمسی که
 ایشان از کار قضاوت کناره گرفته و مجدداً بروزنامه نگاری پرداخته و تا کنون
 انتشار روزنامه ادامه دارد بنابراین دوره دوم استخر از خرداد سال مذکور شروع میگردد



شرح حال مدیر روزنامه استخر
 آقای استخر شرح زیر را در پاسخ در
 خواست نگارنده درباره شرح حال خود
 ارسال داشته که بدون کم و زیاد چاپ
 میشود نام محمد حسین شهرت و فامیلی
 استخر ولادت در سال ۱۳۰۶ هجری
 قمری با اینکه در یکی از دهات
 بوانات فارس متولد شده ام چون
 قبیله پدری و مادری اهل علم و در
 شیراز و یزد و مشهد همه از عالمان
 دین بودند پدر و مادر از او آن
 کودکی بتعلیم و تربیت در محیط
 خانه همت گماشته خواندن و نوشتن
 تا حدی که از تمام همکنان و همسالان

تصویر مدیر استخر

ممتاز شده بودم مرهون و مدیون مادر فاضله ام هستم که در آن دوره جهالت و تاریکی ؛ یکی از
 زنان ادیبه و عقیفه زمان خود بود و دست تقدیر آنها را از شهر یزد و مشهد بفارس
 و بلوک بوانات کشیده بود در سن شانزده سالگی بشیراز آمده در مدرسه آقا بابا
 خان که از مدارس با رونق آن دوره بود بتحصیل علوم متداوله پرداختم . پس از
 تکمیل مقدمات چون مدارس جدید در شیراز تشکیل یافته بود در مدرسه شریعت که
 بمدبری مرحوم آقا شیخ محمد حسین حیات تاسیس یافته بود مشغول آموزگاری شدم .
 چون برای تدریس احتیاج بعلوم جدید داشتم در خارج بتحصیل علوم جدید

و بمارست کتب مصری و بیروتی توانستم گلیمی از آب بکشم : تغییر رژیم استبداد بشروطیت پیش آمد ، با سری پرشور مثل اکثر جوانان فهیمه آن دور ، وارد تشکیلات حزبی و حزب دمکرات شده و در سال ۱۲۹۷ شمسی روزنامه استخر را راه انداختم با ادامه روزنامه هفتگی با چاپ سنگی مدیر مدرسه دولتی رحمت و کفیل مدرسه ملی ناظمیه بودم .

در سال ۱۳۰۶ در کودتای مرحوم داور از راه دور بداد گستری و شغل قضائی انتخاب شدم و مدت دوازده سال در شیراز ؛ اصفهان ؛ بروجرد ؛ خوزستان به امر قضائی مشغول بودم ؛ روزنامه استخر پس از ۱۴ سال انتشار بعلت انتقال بکار قضائی قهرا تعطیل شد ؛ ولی هیچوقت از فرهنگ و کارهای فرهنگی دل نبریدم ؛ دماغم قضائی بود و دلم فرهنگی در ظرف مدت اشتغال بقضاوت چند جلد کتاب ترجمه و تالیف کردم که همه بچاپ رسیده و منتشر شده ، پیشوایان فکر . روابط ایران و عرب قبل از اسلام و بعد از اسلام مظاهر محمدی ؛ فرهنگ اسلامی . پس از واقعه شهریور با هرحمتی بود ازداد گستری منتقل بفرهنگ شدم و رجوع باصل نمودم . چون فکرها ؛ و قلمها آزاد شدند ، دوباره امتیاز استخر را تجدید کرده در ماه خرداد ۲۱ اولین شماره دوره دوم انتشار یافت که تا کنون مرتباً هفته دو شماره منتشر میگردد .

(۱۱۸) استقه ارولیان

روزنامه استقه ارولیان یکی از روزنامه قدیمی است که در ایران بزبان ارمنی منتشر شده و تاریخ انتشار آن سنوات ۱۳۱۰-۱۱ قمری است . برون در کتاب شعر و مطبوعات فارسی، در ضمن يك سطر راجع باین روزنامه مینویسد : « روزنامه هفتگی منتشر در طهران در سال ۱۸۹۳ میلادی مطابق ۱۱-۱۳۱۰ هجری قمری ۲۰ »

(۱۱۹) استقامت

روزنامه استقامت که موسس آن (لسان الملك نماینده مجلس شورای ملی) و مدیران (سعید اصفی) است ، در طهران در سال ۱۳۴۰ قمری تاسیس و شماره اول آن در روز یکشنبه ۱۲ ذیحجه ۱۳۴۰ مطابق ۱۶ سرطان و ژویه ۱۹۲۲ ، منتشر شده است ؛ استقامت معمولا در چهار صفحه بقطع بزرگ ، با چاپ سری ؛ دره مطبعه (مدرن) چاپ شده و روزهای یکشنبه و پنج شنبه انتشار یافته . محل اداره : طهران ، خیابان لاله زار ؛ کوچه مطبعه مدرن . بهای روزنامه : سالیانه ۷ تومان . ششماهه ۴ تومان قیمت اعلانات سطر سی شاهی تک نره شش شاهی . در زیر اسم روزنامه (استقامت)

این جمله (همه برای ما و ما برای همه) بعنوان شمار روزنامه درج است .
 مندرجات و نوع مطالب روزنامه پس از سرمقاله عبارت از اخبار مجلس و اخبار داخله و در
 پاورقی صفحه دوم و سوم (اولین رساله اطلاعات اداره تلگراف مملکت ایران) میباشد
 رویهمرفته ؛ استقامت یکی از روزنامه های متنوع و خوب آن زمان است . سر
 مقاله شماره دوم تحت عنوان (عقیده ما) باین قسم شروع میگردد : « مقصود ما
 از جریده نگاری ورود بمالم مطبوعات و تحمل بار سنگین مسئولیت در پیشگاه قضات
 وجدانی اظهار عقیده و ذکر ادله و براهین در اصلاح امور ۴۰۰۰ »
 شماره سوم استقامت در تاریخ یکشنبه ۲۰ ذیحده و شماره ششم آن در تاریخ
 پنجشنبه ذیحجه ۱۳۴۰ قمری مطابق ۴ اسد منتشر شده است .

(۱۲۰) استقامت



روزنامه استقامت در شهر کرمان بمدیر ی و صاحب
 امتیاری (اسدالله میرزالی تبریزی) که بعدا نام فامیلی (رشاد)
 را برای خود انتخاب کرده ، تاسیس و در اواخر سال ۱۳۰۳
 شمسی منتشر گردیده است . امتیاز روزنامه استقامت در
 تاریخ ۴ قوس ۱۳۰۳ بنام (شیخ اسدالله رئیس المتکلمین) از
 تصویب شورای عالی فرهنگ گذشته و چنانچه در زیر اسم روز

نامه (استقامت) در هر شماره قید شده در سال مذکور
 انتشار یافته است . سرلوحه روزنامه عبارت از مربعی است که درون آن نام روزنامه
 بخط نسخ و در بالای نام روزنامه آیه (فاستقم کما امرت) و در دو طرف مربع این
 شعر چاپ شده است : کردار بیار و گرد گفتار مگرد ؛ چون کرده شود کار بگوید
 که چه کرد .

استقامت روزنامه هفتگی بوده و مرتباً مدت چند سال و تا آنجا که نگارنده اطلاع
 دارد تا سال ۱۳۰۹ شمسی هنوز منتشر میشده از خصوصیات این روزنامه اینکه با
 بودن مطبعه سری در کرمان ، با چاپ سنگی چاپ شده و در سالهای اول و دوم و سوم
 در هشت تا دوازده صفحه بقطع وزیری نشر شده است .

محل اداره روزنامه کرمان ، کوچه ماهان ، منزل شخصی مدیر ؛ عنوان
 تلگرافی استقامت . قیمت روزنامه : یکساله ۴۰ قران ، شش ماهه ۲۲ قران . تک
 شماره ۸ شاهی ؛ . استقامت در عنوان هر شماره بدین قسم معرفی گردیده : « روز
 نامه ایست ناشر انکار عمومی ؛ سیاسی ، ادبی ؛ اخلاقی ، طرفدار سلطنت ملی و استقلال
 ایران » .

حرف الف بعده السین

استقامت ؛ استقلال

در حقیقت هم استقامت از ابتدا طرفدار سلطنت پهلوی و روی کار آمدن سردار سپه بوده و مقالاتی بعنوان (طریق اصلاح) و غیره در این زمینه نوشته شده است ؛ مندرجات روزنامه ، پس از درج مقاله اساسی ، عبارت از اخبار داخله و اخبار شهری و مطالب متفرقه راجع باطراف و نواحی شهر کرمان است ؛ علاوه بر این آگهیهای ادارات و تلگرافات وارده در آن چاپ شده رویهمرفته استقامت از روزنامه های متوسط ولایات میباشد .

شماره ۲۲ سال دوم روزنامه که دارای نمره مسلسل ۶۲ میباشد در ۲۳ جمادی الاولی مطابق ۷ آذر ماه شمسی ۱۳۰۵ منتشر گردیده و همچنین شماره دوم سال سوم که دارای نمره مسلسل ۷۱ است ؛ در تاریخ شنبه ۸ رمضان ۱۳۴۵ مطابق ۲۰ اسفند ۱۳۰۵ انتشار یافته است . توضیح آنکه در سال سوم روزنامه هفته دوبار (دو شنبه و پنجشنبه) انتشار پیدا کرده است .

(۱۲۱) استقلال

روزنامه استقلال بمدیر (میرزا آقا معروف به ناله ملت) با چاپ سربسی ؛ در شهر تبریز تاسیس و شماره اول آن در جمادی الاول ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . میرزا آقا معروف به ناله ملت قبل از تاسیس روزنامه استقلال ، چنانچه در حرف نوب کتاب یاد آور خواهیم شد ؛ یعنی در سال ۱۳۲۶ قمری روزنامه هفتگی بنام (ناله ملت) منتشر ساخته و بهمین جهت هم معروف بناله ملت شده است . روزنامه استقلال . بطوریکه در ضمن دو سطر ؛ در زیر عنوان روزنامه معرفی شده ؛ در آن از وقایع داخله ایران و مذاکرات انجمن ایالتی درج و سایر مقالات مختصر و عام المنفعه نیز با امضاء معروف پذیرفته خواهد شد .

استقلال هفته دو بار در چهار صفحه بقطع وزیری در مطبوعه سربسی (خلیفه گری و حقیقت) طبع و توزیع میشده و مندرجات آن طبق معمول جراید محلی ، پس از درج سرمقاله بقلم مدیر روزنامه ؛ اخبار داخله و کمی اخبار خارجه است . روزنامه استقلال بدان جهت اهمیت مخصوصی دارد که اخبار و وقایع آذربایجان . بین سنوات ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ قمری ؛ در آن چاپ شده و مخصوصاً قسمتی از گزارشات قشون دولتی که برای سرکوبی اشرار بدان حدود عزیمت کرده و در این روزنامه دیده میشود ؛ حائز اهمیت است مثلاً در شماره ۴۹ تحت عنوان (اخبار اردبیل) سراب ۲۸ حمل اوضاع اشرار گذارشی بامضای (بیرم) و (جعفر قلی بغتباری) و نیز حوادث اردبیل و شرح فتوحات اردوی دولتی ، در آن درج است .

عنوان مراسلات و محل اداره روزنامه : تبریز ، اداره استقلال و شرایط اشتراك بدین قرار است : تبریز ۱۶ قران ، ولایات داخله ۲۰ قران ، ممالک خارجه ۱۵ فرانک

اجرت پست همه جا بمهده اداره و قیمت اعلانات سطرى يك قرآن است . تك نمره در تبریز دو شاهی ، ولایات داخله سه و خارجه پنج شاهی . در زیر اسم روزنامه سال تاسیس (۱۳۲۷) چاپ شده است . شماره ۴۹ روزنامه در تاریخ یکشنبه ۱۴ ربیع الثانی و شماره ۵۱ در ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است .

روزنامه حکمت منطبعه مصر در شماره ۹۳۵ سال ۱۷ مورخ غره رجب ۱۳۲۷ قمری در باره انتشار روزنامه استقلال اینطور نوشته و از آن تعریف کرده است :

« گرامی جریده استقلال منطبع دارالسلطنه تبریز ؛ بدون اشعار نام مدیر و محرر و بدون تعیین قیمت آبونه اشتراك از مجمع حریت خواهان آزاده نگاشته و منطبع و توزیع گشته و چهار شماره از آن باداره رسیده و چشم وطن پرستان از خواندن آن روشن . ما نمیدانیم در نهاد اینان مگر چه سرشته که با این مصائب سه ساله و معاصره یکساله (منظور حوادث و انقلابات آذربایجان است . مولف) همینکه راه تنفس برایشان باز شد بیدرنك دست برسیف قلم زدند . »

آنچه در روزنامه حکمت اشاره شده که نام مدیر و محرر و قیمت آبونه اشتراك در روزنامه استقلال ذکر نشده مربوط بشماره های اولیه آنست و گرنه همان قسم که ذکر کردیم مدیر روزنامه میرزا آقا ناله ملت بوده و قیمت اشتراك روزنامه نیز همان است که ثبت کردیم روزنامه استقلال مدت یکسال تمام یعنی تا آخر ربیع الثانی ۱۳۲۸ قمری منتشر شده و در شعبان سال مذکور مدیر روزنامه (اخطار نامه) از تبریز برای روزنامه حکمت منطبعه مصر فرستاده و در آن اشاره بتعطیل روزنامه نمود . و از مشترکین درخواست کرده که اداره روزنامه استقلال را در جزو ادارات منحل بشناسند مدیر روزنامه حکمت اخطار نامه مذکور را بضمیمه شرحی که چرا آذربایجان ، مهد و موسس مشروطیت ، باید اینقسم باشد . در شماره ۵ سال ۱۹ ، مورخ چهارشنبه ۱۵ شوال ۱۳۲۸ قمری روزنامه چاپ کرده و ما عینا آنرا برای مزید اطلاع خوانندگان گرام نقل می کنیم . اخطار نامه اداره استقلال تبریز شعبان ۱۳۲۸ .

« همقلم محترم ما بسیار متاسفم از اینکه نتوانستم در ادامه و تخلیص جریده (استقلال) با سایر معاصرین همراهی نمایم و این خدمت را بانجام رسانم ؛

اگر چه یکسال تمام در فشار رقیت و ذلت با وجود شکستگی و تنها نسی یا انتشار آن موفق شدم بامید آنکه حیات آذربایجانی روزی این سلسله تقدیر را بر میدارد ولی چون آن انتظار بیایان رسید مایوس از تعقیب مایراد گردیده و سر بگریبان خموشی کشیدم اینک این اخطار نامه را بر حسب وعده که از انتشار سال دوم روزنامه و رفع تعطیل موقتیه داده شده بود بآن اداره ممتزمه میفرستم . مشترکین عظام و هموطنان گرامی این اداره محترم ملیه را نیز در جزو ادارات جرایده منحله مستحیله بشناسند . ار با بان جراید نیز که بعنوان معاوضه روزنامه میفرستاده چون روزنامه نیست دیگر نفرستند «
« خادم اداره استقلال ، میرزا آقا ناله ملت »

همانقسم که قبلا اشاره کردیم میرزا آقا، مدیر استقلال ؛ قبل از انتشار این روزنامه ؛ روزنامه دیگری بنام ناله ملت در تبریز منتشر کرده و نیز روزنامه فکاهی بنام (حشرات الارض) از آثار قلمی اوست .

راجع بشرح حال مدیر استقلال تا کنون نگارنده اطلاعی بدست نیاورده ، آن چه میدانم اینست که نامبرده در زمان حکومت حاج مخبرالسلطنه هدایت در تبریز در سال ۱۳۲۹ قمری ، از طرف والی مذکور بحبس افتاده است ، تفصیل آنکه در حکومت حاج مخبرالسلطنه در تبریز ؛ پس از ورود رحیم خان ، عده عزل مخبر- السلطنه را خواسته و نزدیک بود تبریز آشوب شود ؛ از اینرو از طهران به مخبر- السلطنه تلگراف شد که هر قسی هست فتنه را بخواباند . مخبرالسلطنه عده ای را گرفتار و محبوس نمود من جمله شهیدی میرزا آقا مدیر روزنامه استقلال بود . (شماره ۵ سال ۸ مجله چهره نما مورخ ۱۵ ربیع الاول ۱۳۲۹ قمری)

(۱۲۲) استقلال

روزنامه استقلال بطور روزانه . در سال ۱۳۰۹ شمسی ؛ در طهران تاسیس و منتشر شده است .

(۱۲۳) استقلال ایران

روزنامه کثیرالانتشار استقلال ایران به مدیر مسئولی (دکتر حسین خان کحال) و صاحب امتیازی (مستعان الملك) در طهران تاسیس و شماره اول آن در تاریخ چهار شنبه ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۲۸ قمری مطابق ۳۱ مه ۱۹۱۰ میلادی و ۱۲ خرداد ماه ۸۳۲ جلالی ، در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (ایران نو) چاپ و توزیع شده است .

استقلال ایران ارگان رسمی حزب (اتحاد و ترقی) و از جراید معتدل و میانه رو بوده و در دوره دوم مجلس شورایی خدمات گرانبهایی بروشن کردن افکار عمومی نموده است . در آن ایام احزاب و اجتماعات هر کدام جراید مخصوص به خود داشته و من جمله دموکرات ها روز نامه (ایران نو) را تاسیس و جمعیت اعتدالیون جریده (شوری) را بمرض انتشار گذاردند . بعد از انحلال مجلس و کودتای ناصرالملك اغلب این جراید نیز تعطیل و بازار مطبوعات از رونق افتاد و بهمین مناسبت روزنامه استقلال ایران نیز دیگر منتشر نشد و آخرین شماره آن ۲۳۴ می باشد که در شعبان ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته است .

وجه اشتراك سالیانه استقلال ایران در طهران ۵۰ قران ، ششماهه ۲۶ قران ، سه ماهه ۱۴ قران ؛ ولایات داخله بترتیب ۵۵ و ۳۰ و ۱۶ قران ؛ ممالک خارجه ۷۵

و ۴۰ و ۲۲ قران ، تك نمره در طهران چهار شاهی و در ولایات داخله ۵ شاهی . استقلال ایران روزنامه یومیه بوده و همه روزه باستانهای ایام تعطیل عصرها منتشر میشده است . برخلاف معمول جراید بزرگ که مقاله اساسی خودرا از ستون اول شروع میکنند ؛ استقلال ایران ؛ در ستون اول شماره اول اعلانی از وزارت پست و تلگراف و بعدا اعلان دیگری راجع بآبونه و درخواست روزنامه و هم چنین اعلانی در باره يك کتاب چاپ شده و مقاله اساسی از آخر ستون اول روزنامه شروع شده و بدین قسم آغاز میگردد :

« بدبختی ملك معلوم است ، تجاوزات جابرانه آشكار ؛ تیره روزی اهالی مثل آفتاب روشن . در این حال لازم است دید چه باید کرد . اصول حکومت های کهنه ؛ نادانی عمومی اهالی ایران ۰۰۰۰ ما نیز در يك همچو موقع خطرناکی این طریق از خدمتگزاری باین ملك را چنانکه سابقا درعهدہ داشتیم تعقیب کرده یگانه مقصد خودرا استقلال و ترقی ایران اعلام میداریم ۰۰۰ روزنامه ما بضمانت وجدان تعهد میکند که هیچ وقت خودرا آلت اجرای خیالات مغرضانه کسی قرار نداد . جز آنچه را وجدان و حقیقت حکم میکند ننویسد . »

در عنوان روزنامه ، استقلال ایران ؛ اینطور معرفی شده : « این روزنامه طرفدار سعادت و استقلال ایران است »

مندرجات آن ، پس از درج مقاله اساسی که نوعا راجع باوضاع سیاسی و اجتماعی است . عبارت از اخبار داخله و خارجه و نیز تلگرافات در باره حوادث شهرستان ها و ممالک خارجه میباشد و همین تفصیل اخبار یکی از مزایای روزنامه بشمار می رود . رویهمرفته استقلال ایران یکی از روزنامه های بسیار مفید و خبری آفت تاریخ بوده و بیشتر اهمیت آن از جهت اشتغال بر وقایع آن زمان است .

استقلال ایران از همان شماره اول پاورقی دارد و کتاب پاورقی آن ترجمه (تاریخ شورش فرانسه تالیف ویلیومه) است کتاب مذکور بوسیله (میرزا تقیخان بینش) شاعر و نویسنده معروف ترجمه شده و در پاورقی روزنامه چاپ شده است شماره ۱۲۹ روزنامه در تاریخ سه شنبه ۱۲ ذیحده ۱۳۲۸ قمری مطابق ۱۵ نوامبر ۱۹۱۰ منتشر شده و نگارنده تا این شماره را در دست دارد ولی هما نظور که قبلا اشاره کردیم استقلال ایران تا شعبان ۱۳۲۹ قمری بیشتر منتشر نشده است .

دکتر حسینخان کمال

دکتر حسین خان کمال مدیر مسئول روزنامه همان کسبیت که همکار سید ضیاءالدین طباطبائی در اداره نمودن روزنامه شرق بوده و چنانکه در کله شرق این

کتاب یاد آور خواهیم شد، روزنامه شرق بصاحب امتیازی سید ضیاء الدین و مدبر مسئولی (دکتر حسین خان کمال) منتشر شده است.

(۱۲۴) استقلال وطن

در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه استقلال وطن بمدیری؛ (ابوالقاسم خان کمال زاده) در طهران؛ از تصویب شورای عالی معارف گذشته و در سال مذکور هفته سه بار منتشر شده است.

(۱۲۵) استوار

روزنامه استوار در شهر قم بمدیری و صاحب امتیازی (ابو الفضل طهاسبی) تاسیس و شماره اول آن در تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۱۴ شمسی در طهران طبع و در شهر قم منتشر شده است توضیح آنکه در موقع تاسیس روزنامه استوار شهر قم فاقد مطبعه بوده و مدیر روزنامه ناچار شده است مدت ۵ ماه تمام روزنامه را در تهران طبع و در قم منتشر سازد. البته این عمل یعنی طبع روزنامه در يك شهر و انتشار آن در شهر دیگر بیسابقه نبوده و چنانچه بمدا خواهیم گفت روزنامه (سهیل) نیز در همدان چاپ و در هلایر منتشر میشده است. اکنون هم بعضی از مدیران جراید شهرستانها این روش را معمول داشته و مثلا روزنامه (اراك) منتشره در شهر اراك بمدیری آقای (موسوی) در طهران چاپ و در اراك منتشر میگردد. قبل از انتشار روزنامه اراك مجله (همایون) نیز همین وضع را داشته یعنی از مرداد ۱۳۱۳ تا خرداد ۱۳۱۴ شمسی که مجله همایون در قم نشر شده؛ بعلمت نبودن مطبعه در قم و یا کهنه و فرسوده بودن آن، در طهران چاپ و در قم نشر شده است.

گرچه قبل از این تاریخ مرحوم (کامکار) مدیر مجله درخشان (رجوع شود بعرف دال کتاب) مطبعه کوچکی از اصفهان برای انتشار روزنامه و مجله خود بشهر قم برد و مدتی هم بعد از مرگ او برادرش آنرا در قم اداره میکرد ولی به هر صورت در موقع انتشار مجله همایون و روزنامه استوار؛ قم فاقد چاپخانه آبرومندی بوده و از این رو مدیر آن مجله همایون و روزنامه استوار ناچار بطبع نشریه خود در طهران بوده اند. از اینجا معلوم میشود شهرستان قم از لحاظ نداشتن چاپخانه از خیلی شهرهای ایران و حتی بوشهر هم عقب تر بوده است. پس از پنج ماه که از تاسیس و انتشار روزنامه استوار در قم گذشت؛ مدیر روزنامه بدستگیری و شرکت چند نفر اقدام بخريد چاپخانه برای قم نموده و چاپخانه بنام (چاپخانه قم) در آنجا تاسیس گردیده و از آن تاریخ استوار در قم چاپ شده است. در باره روزنامه استوار باینکه امتیاز آن در تاریخ دوم خرداد ۱۳۱۳ شمسی از تصویب شورای عالی فرهنگ گذشته،

با وجود این؛ چنانچه در بالا اشاره کردیم؛ در ۲۵ تیرماه ۱۳۱۴ یعنی متجاوز از یکسال بعد منتشر شده، ناگفته نماند که بطور کلی تنها علت دوام و بقای روزنامه‌های شهرستان‌ها همانا اعلانات ثبتی است. و اگر بای این اعلانات در کار نبود یقیناً اغلب روزنامه‌های شهرستانها تاکنون در محاق تعطیل رفته بودند.

اصولاً درباره دوام انتشار بعضی از روزنامه‌های ایران این نکته را باید در نظر داشت که علت دوام و بقای چندین ساله بعضی از آنها منحصرآگهیهای ثبتی عمومی است و اگر این آگهیها نبود قسمت عمده روزنامه‌ها؛ پس از مدت کمی تعطیل میشد، در صورتیکه پیش آمد ثبت عمومی در کشور و اختصاص اعلانات نوبتی ثبتی بیاره از جراید نه فقط باعث دوام و پایداری روزنامه‌ها شد بلکه مدیران آنها توانستند از در آمد این آگهیها چاپخانه هم خریداری نمایند. برای نمونه دوتا از روزنامه‌های اصفهان بنام عرفان و اصفهان را ذکر میکنم. این دو روزنامه که اولی بیست و سومین سال تاسیس آن است و دومی نیز رویهمرفته با تحولات و تغییراتی که چند بار تاکنون در آن داده شده، نزدیک بیست و چندسال از انتشار آن میگذرد؛ تنها علت بقای آنها داشتن آگهیهای ثبت عمومی است و از پول همین آگهیهاست که توانسته‌اند هر کدام چاپخانه خریداری کنند. بقا و دوام روزنامه استوار قم نیز تا امروز مرهون آگهیهای ثبت عمومی این شهرستان است.

باید در نظر داشت که در کشوری که اغلب مردم آن بیسواد و بواسطه فقر و تنگ دستی قدرت خرید روزنامه را ندارند و بیشتر روزنامه‌های آن بیش از چند سال دوام نداشته و تعطیل گردیده بقهیکه اثری از آن باقی نمانده است اعلانات ثبت اسناد برای تکافوء مخارج روزنامه سهم بسزائی دارد بلکه عامل اصلی بشمار میرود.

با وجود اعلانات ثبتی و انحصار آنها در قم بر روزنامه استوار؛ مدیر روزنامه‌ها دائماً شکایت از عدم تکافوء دخل و خرج روزنامه داشته است. در شماره اول سال سوم می-نویسد: «در مقایسه در آمد و مخارج روزنامه در سال اول هفت هزار ریال و در سال دوم چهار هزار ریال کسر عمل موجود بوده است.» در دنباله این محاسبه؛ در باره علت عدم تکافوء مینویسد: «بطور کلی احساسات توده این شهر (باستثنای معدودی) بقدری نسبت بروزنامه بدبین بود که خواننده‌اش را بدیده تنفر مینگریستند تاچه رسد بنویسنده آن» در حقیقت از ساکنین يك شهر مذهبی مانند قم بیش از این هم نمیتوان انتظار داشت.

مندرجات روزنامه استوار پس از درج مقاله افتتاحی؛ در باره اوضاع اجتماعی و سیاسی و اخلاقی. مانند معمول اغلب جراید محلی عبارت از مقالات و اشعار متنوع

و اخبار داخله و خارجه و گاهی قوانین مهم مملکتی و همچنین اعلانات مختلف در آن دیده میشود . استوار در ابتدا هفتگی و بعد هفته دو شماره در چهار صفحه بقطع خستی بزرگ و هرصفحه آن در سه ستون منتشر شده این روز نامه تا این تاریخ نیز دایر و برقرار است . وجه اشتراك سالیانه آن طبقه اول ۵۰ ریال ؛ محصلین و طبقه دوم سی ریال ، تك شماره ۶ شاهی . محل اداره قم ، گذر حاج سید عبدالله .

نکته که در خاتمه لازم است بدان اشاره کنیم اینکه در سالنامه رسمی ۱۴ - ۱۳۱۵ وزارت فرهنگ سال تاسیس استوار قم را ۱۳۱۳ شمسی ضبط کرده ، در صورتیکه طبق نمونه موجود سال تاسیس ۱۳۱۴ شمسی است . جای بسی تعجب است که يك سالنامه رسمی مملکتی که حقا باید . مطالب و مندرجات آن از هر حیث قابل اعتماد باشد ؛ در این مورد مانند موارد دیگر دوچار اشتباه شده و سال تاسیس روزنامه را يك سال زود تر قلمداد کرده است . اگر اشتباه سالنامه وزارت فرهنگ منحصر به همین مورد بود نگارنده چندان اصراری برای تذکار آن نداشت ولی مع الاسف نوعا آنچه راجع بسال تاسیس و انتشار جراید در سالنامه مذکور چاپ شده اشتباه و پس از رسیدگی کامل خلاف آن ثابت گردیده است .

(۱۲۶) اسرار الانصار

مجله اسرار الانصار که بیش از يك شماره از آن نشر نشد . در اصفهان بمدیری آقای (حاج میرزا حسنخان انصاری) در ۲۷ صفحه بقطع خستی با چاپ سنگی منتشر گردیده : اجازه طبع و انتشار مجله از طرف اداره فرهنگ اصفهان که در آن وقت بریاست مرحوم میرزا آقاخان مصفی (محاسب الدوله) دایر بود . در تاریخ ۵ سرطان ۱۲۹۹ شمسی داده شده و بگفته مدیر مجله يك ماه پس از اجازه طبع مجله منتشر شده و بنابر این سال انتشار ۱۳۲۹ قمری مطابق ۱۲۹۹ شمسی است .

گرچه اسم مجله (اسرار الانصار) ضبط شده ولی در عنوان آن اسم دیگری بنام (افکار الاسحار) نیز دیده میشود و از اینرو میتوان هر دو را نام مجله دانست ولی ما در اینجا همان اسرار الانصار را که مشهور تر است انتخاب نمودیم . در زیر اسم مجله (بسم الله الرحمن الرحیم) و بعد عنوان مراسلات چاپ شده و در دو طرف دو بیت شعر مولوی : « مدتی این مثنوی تاخیر شد » مهلتی بایست تاخون شیر شد ای درینا رهنمان بنشسته اند » صد کره زیر زبانم بسته اند » چو آتش که نشیند رمی و باز بر آید .

مقدمه مجله با عبارات زیر شروع میشود : « ای هیچ خطی نگشته زاول » بی سکه نام تو مسجل . بر ما سرگشتگان به بغتا . و دیده بسته مان بگشا که بمصای عقل دست و پا شکسته در سنگلاخ غرور قدم میزنیم و بدورین چشم کور از دیدار گوهر

متسور (م ۰۰۰)

مندرجات مجله بیشتر مطالب اخلاقی و بصورت درس درس آورده شده ، من جمله درس دوم تحت عنوان « افسانه شاهنشاه عشق و جنك عقل و جهل » است و باین اشعار شروع میشود : نخستین باده کاندرا جام کردند ، ز چشم مست ساقی وام کردند بمالم هر کجا درد دلی بود ، ز چشم مست ساقی وام کردند .»

طبق اظهار آقای انصاری ؛ مدیر مجله ، شماره دوم اسرار الانصار نیز بنام (مور و بلبل) در همان تاریخ چاپ گردیده ولی چون انتشار مطالب آن با سیاست وقت سازگار نبوده منتشر نشده است . نگارنده رساله (مور و بلبل) را نزد خود مولف دیدم و مطالبی راجع به سیاست استعماری دول اروپائی در باره ملل آسیائی در آن نوشته شده بود که البته با اوضاع واحوال آن موقع کشور ایران انتشار اینگونه مطالب خیلی مشکل بوده ؛ بهر جهت میتوان رساله (مور و بلبل) را شماره دوم اسرار الانصار دانست . بضمیمه مجله اسرار الانصار رساله دیگری بهمان سبک و با همان نوع مطالب بنام (تدین و تمدن) چاپ گردیده که باین جملات شروع میشود: راز نخست و درس نخست . حسن جابری مینویسد : روضه من مقدمه ندارد ، کره زمین را مرتعش میبینم که امراض گوناگون مانند اتمسفر محیط بردایره اش گشته .»

این رساله نیز بصورت درس درس و مشتمل بر ۱۴ درس است . من جمله از حوادثی که در این رساله پیش بینی شده وقوع جنك بین الملل اول و دوم میباید . مجله اسرار الانصار ضمیمه دیگری نیز بنام (ادبیات) دارد که مشتمل بر ۱۵ صفحه به همان قطع مجله است . مجله اسرار الانصار و ضمائم آن (رساله تمدن و تدین و ادبیات) هر سه با خط نسخ و چاپ سنگی و قطع خشتی چاپ شده و از لحاظ مطلب برای آن ایام تازگی داشته است سبک عبارات مجله مانند سایر نوشته های آقای انصاری قدری مقلق و پیچیده و بیشتر رعایت لفظ تا معنی شده است . وجه تسمیه مجله با سرار الانصار بمناسبت نام خانوادگی مدیر مجله که از انصاریان است . نام گذاری شده .

شرح حال شیخ جابری انصاری

نگارنده در سال ۱۳۰۷ شمسی که در شهر زنجان اقامت داشت نامه مشتمل بر شرح حال آقای انصاری که بقلم خود ایشان نوشته دریافت نمود و اکنون این شرح حال را از نامه مذکور تلخیص و نقل مینماید :

حاج محمد حسن ولد حاج میرزا علی از نژاد جابر انصاری در ۱۸ رجب ۱۲۸۷ قمری بدنیا آمده و تا سنین هفده سالگی مقدمات علوم مقبول و منقول و ادبیات را نزد پدر آموخت . در سن هفده سالگی پدر جابری وفات کرد و بنا بر نوشته او « کنیه جویان پدرش بر شغل و وظیفه و ملک و خانه اش حمله آورده دوچار زحمتش کردند »

مدت سه سال در نزد میرزا حبیب‌الله خان انصاری ملقب بشیرالملک در دفا تر دولتی بتحریر سیاق پرداخت و از آن پس مدت چهارده سال در خدمت ظل‌السلطان حاکم اصفهان و فارس بود و درطول این مدت جز در سال ۱۳۲۱ قمری که سفر حج نمود پا از اصفهان بیرون ننهاد در مدت توقف در اصفهان علاوه بر کارهای دیوانی بدستور ظل‌السلطان بترجمه تاریخ ابن خلکان و شرح علی قاری برقه ابو حنیفه و ترجمه جراید عربی پرداخت . آقای جابری مینویسد : « و بجای انعام و تشریف ، املاک اربابی نیاکانش هم تظلمات اتباع ظل‌السلطان بحکم غلبه قوی بر ضعیف چندی توقیف بود »

قبل از اعلان مشروطیت ، دشمنانش بدسته بندی مشغول و برای بردن ضیاع و عقارش بدسیسه بازی پرداخته ، وی نیز ناچار بهاج آقا نورالله که از ر و حانیون و منتقدین بزرگ اصفهان و بلکه ایران بود؛ پناه برد درآغاز مشروطیت و پس از آن ، با نگارشات پرمغز و متین خدمات شایانی بیسرف مشروطیت واستحکام بنیان آن نمود تا اینکه پس از مشروطه صغیر؛ بسعایت بعضی ؛ بامر محمد علیشاه خواستند دستگیرش نمایند؛ خدا نخواست ، و همان ایام روانه عراق عرب شد و مدت یکسال تمام در محضر علمای عراق بتحصیل پرداخت .

در سال ۱۳۲۸ قمری بریاست محکمه جزای عدلیه منصوب و پس از اغتشاش ۱۳۲۹ و غارت عدلیه دیگر از کار دولتی کناره گرفت و منزوی گشت . در ۱۳۳۰ سفری بزیارت حضرت رضارفت و در مراجعت بپهران کتاب (نوشدارو و درد ودوای ایرانرا) طبع و نشر نمود .

از آن تاریخ تاکنون بیشتر ایام را در اصفهان گذرانیده و بتالیف و تصنیف کتب مختلف مشغول است . کتبی که تاکنون از وی بطبع رسیده ۱- کتاب تاریخ نصف جهان این کتاب در سال ۱۳۳۳ قمری چاپ شده و مشتمل بر تاریخ اصفهان از آغاز هجرت بترتیب سال میباشد . کتاب مذکور ؛ بار دیگر در مهر ماه ۱۳۲۱ قمری باسم (تاریخ اصفهان وری و همه جهان) تجدید طبع گردیده و این نوبت کتاب خیلی مفصل تر و وقایع مستوفی تر چاپ شده است .

۲- کتاب آفتاب درخشنده که در ۱۳۴۱ قمری چاپ شده . در این کتاب پاره از اکتشافات جدید با آیات و اخبار تطبیق گردیده است . ۳- آگهی شهان از کار جهان . این کتاب عبارت از چکامه ایست بر دلیف جهل و مشتمل بر ششصد بیت شعر بدون تکرار قافیه در اخلاق و تاریخ . مؤلف خود بر این چکامه شرح جامع و مختصری در چهار جلد بدین ترتیب نوشته : (۱- از کیومرث تا اتابکان . ۲- هجوم تانار تا طلوع قاجار ۳- قاجاریه ۴- عثمانی و اروپا)

۴- مجله اسرار الانصار که شرح آن گذشت ۵۰ - گنجینه انصار یا مجله انصار معروف برمان شیخ و شوخ در سه جلد که در حرف الف همین کتاب بتفصیل ذکر آن خواهد آمد
 ۶- گوهر شب چراغ در اخلاق که با قطع بزرگ و چاپ سنگی چند سال قبل ق-متی از آن چاپ شد ۷- توحید و شئون آن ۸۰ - بدایع و نوادر که در ۴۸ صفحه با قطع بزرگ با چاپ سنگی طبع گردیده ۹- تفسیر حسن در ۴۸۸ صفحه با قطع خشتی چاپ شده است علاوه بر اینها جلد دوم و سوم تاریخ نصف جهان مشتمل بر شرح احوال علما و دانشمندان و بزرگان اصفهان از تالیفات اوست که تا کنون بچاپ نرسیده است ۱۰- امثال و حکم

عربی و پارسی ۱۱ -
 عشق حقیقی و مجازی د و مجلد
 ۱۲ فتن و محن ۱۳ - اوصاف
 ۱۴- ترغیبات ۱۵ - مشات و
 منشات ۱۶- ترجمه ابن خلکان
 ۱۷- تسهیل و صاف ۱۸ شرح
 حال شیخ و خواجه ۱۹- مورو
 بلبل تاریخ سری ۲۰- رساله
 حال بهضی جا بریان ۲۱ -
 لالی السمط که بهضی از آن
 شروع بطبع شده ۲۲ حقیقت
 معراج و معاد ۲۳ - ترجمه
 شرح فقه ابی حنیفه ۲۴ ترجمه
 عروة الوثقی و مجله ابو نضاره
 آقای انصاری دارای طبع
 شعر و از شعرای بنام زمان خود
 میباشد بخصوص در سرودن
 اشعار ماده تاریخ که قریحه و



نصیری شیخ جابری انصاری

ذوق خاصی دارد و کمتر کسی از معارف چه در اصفهان و چه در خارج که از چهل سال پیش تا کنون فوت کرده، و آقای جابری در حقیقت ماده تاریخ نگفته است. اکنون آقای انصاری اغلب اوقات را در خانه بتحریر و نوشتن مشغول و با باده امور ضیاع و عقار خود میپردازد. از وی سه فرزند ذکور مشهور و معروف است یکی میرزا علی آقا انصاری که از قضات پاکدامن و شریف وزارت دادگستری است دوم دکتر جوادخان که در فن پزشکی طبیبی ماهر و حائز بشمار میرود ۳ آقای میرزا احمدخان انصاری ملقب

حرف الف بعده السین

اسرار جلالی؛ اسلام؛ اسلامی

به نصرالسلطان که در وزارت دارائی مشغول کار است • جابری با اینکه سنین عمرش از هشتاد متجاوز؛ پیری زنده دل و باصره و سامعه اش بخوبی بکار و هنوز قدرت آنرا دارد که چند ساعت گفتگو کند و یا بمطالعه و نوشتن مشغول باشد و چون از مال دنیا بهره و نصیبی دارد • اغلب تالیفاتش را بخرج خود بچاپ رسانده است • ویرا با نگارنده مهربانی و لطف خاصی است • خدایش او را سلامت دارد

(۱۲۷) اسرار جلالی

روزنامه هفتگی اسرار جلالی در سال ۱۲۹۹ شمسی در همدان تا سیس و منتشر

شده است •

(۱۲۸) اسلام

آنچه نگارنده راجع بروزنامه اسلام اطلاع دارد این است که در شماره ۷ و ۸ سال دوم مجله تعلیم و تربیت در فهرست امتیازات جراید نوشته است: در ۱۵ تیرماه ۱۳۰۵ شمسی امتیاز روزنامه اسلام در شیراز بمدیری (میرزا علی کازر و نی) از تصویب شورای عالی معارف گذشت •

(۱۲۹) اسلامی

روزنامه اسلامی بموسسه و مدیری (ع . م) در طهران تاسیس و شماره اول آن در تاریخ سه شنبه ۲۳ شعبان ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است • در شماره اول طرز انتشار روزنامه را عجالتا هفته دو شماره و بعد یومیه ضبط کرده ولی چون نگارنده پیش از شماره اول آنرا در دست ندارد نمیتواند راجع بطرز انتشار آن مطلبی ضافه نماید •

روزنامه اسلامی روی يك ورق بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (بوسفور) شعبه دو چاپ شده و با سرمقاله زیر شروع شده است: «روزنامه نگاری • ضرورت اجتماع بشر و لزوم اشتراك افراد در تهیه موجبات و وسائل زندگانی موجب آنست که همواره در ایجاد وسائل و مقتضیات امرار حیات و ادامه هستی خود ••••• بهمین نظر است که روزنامه اسلامی که اولین وظیفه اش ترویج دیانت مقدسه اسلام و لزوم اتحاد بین مسلمین میباشد در پرتو شعاع آزادی برای خدمت بعالم معارف و استقلال ملت به تائیدات خداوندی و امداد دانش مندان اوراق بك خودرا منتشر مینماید • ومن الله التوفیق • مندرجات روزنامه پس از سرمقاله عبارت از اخبار دارالشوری و بعد اخبار داخله و مقالات متنوعه است • همانقسم که در بالا اشاره شد نگارنده • بعنوان نمونه بیش از شماره اول این روزنامه را در دست ندارد و خصوصیات روزنامه از شماره نمونه بدین قرار است:

محل اداره : لاله زار . خانه ونوق نظام . عنوان تلگرافی اسلامی . قیمت اشتراك
سالبانه مركز و ولايات ٤ تومان ، خارجه ٥ تومان . تك شماره چهار شامی .

(١٣٠) احلامیه

روزنامه هفتگی احلامیه با چاپ سنگی در تبریز در سال ١٣٢٤ قمری منتشر شده است . صاحب امتیاز و نگارنده روزنامه احلامیه میرزا ابوالقاسم ضیاء العلماء بوده که در روز عاشورای سال ١٣٣٠ قمری با هفت نفر دیگر بوسیله روس ها بدار آویخته و اعدام گردیدند . احلامیه مدت زیادی انتشار نیافته و شماره هشتم آن در ٢٩ ربیع الاول ١٣٢٥ قمری منتشر شده است .

مرحوم کسروی در تاریخ مشروطه ایران در جایکه از بنیان مشروطه در آذربایجان گفتگو میکند (ص ٣٦٣ جلد اول تاریخ مذکور) نام ضیاء العلماء را پهلوی اسامی شیخ محمد خیابانی و سیدالمحققین و میرزا اسماعیل نوبری یاد کرده و در باره آنها مینویسد :
« اینان همگی در مشروطه خواهی پایدار ماندند » .

سپس در چند سطر پائین تر مینویسد : « ضیاء العلماء از يك خاندان تو انگر و خود جوان دانشمندی میبود که گذشته از درسهای . لائی بزبانهای اروپائی نیز می پرداخت »

در ص ٣٧٢ همین مجلد تصویر ضیاء العلماء در لباس عمامه با دایمی خود حاج محمد قلیخان چاپ شده است .

(١٣١) احلامیه

روزنامه هفتگی احلامیه بمدیری (احمد بصیرت) در تبریز تاسیس و در سال ١٣٢٤ قمری منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان این روزنامه را « روزنامه ارتجاعی » ضبط کرده است . مدیر روزنامه احلامیه همان کسیست که در تبریز روزنامه های اخوت و اتحاد را منتشر نموده و مادر محل خود از این دو روزنامه گفتگو کرده ایم .

نکته ای که اشاره بدان لازم میباشد این است که در سال ١٣٢٤ قمری در شهر تبریز دو روزنامه بنام (احلامیه) منتشر شده است و هر کدام مدیر و صاحب امتیاز جدا گانه داشته و هیچ کدام مربوط بدیگری نیست . مرحوم برون نیز در فهرست مطبوعات فارسی خود (صفحات ٤٣ و ٤٤) برای هر کدام از این دو روزنامه عنوان علیحده قرار داده و شرح هر يك را جداگانه ضبط کرده است .

(١٣١) آسمان

روزنامه آسمان بمدیری و سردیبری (محمود عرفان) در طهران تاسیس

و شماره دوم آن در تاریخ شنبه ۲۹ ذیحجه ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۱ اسد ۱۳۰۲ شمسی و ۱۲ اوت ۱۹۲۳ میلادی منتشر شده است . روزنامه آسمان هفته سه شماره روز های دو شنبه ، چهارشنبه و جمعه در چهار صفحه بقطع بزرگ منتشر و در مطبعه سر بسی (بسفور شعبه چهار) طبع میشده است . جای اداره : طهران . خیابان صاحب اختیار و بهای آن یکساله داخله ۸۰ قران ، خارجه یکصد قران ، شش ماهه ۴۵ قران . ۶۰ قران . تک شماره ۶ شاهی . قیمت اعلانات صفحه اول سطری د و قران ؛ صفحه ۲ و ۳ سطری يك قران و صفحه چهار سطری دهشاهی .

سرمقاله شماره دوم تحت عنوان (انگلیس و عالم اسلام) بقلم : ا . عمیدی که از کارمندان اداره روزنامه بوده نوشته شده و بدینقسم شروع میشود : « روز جمعه عموم طبقات طهران در اظهار نفرت از عملیات مامورین انگلیس در بین‌النهرین شرکت جستند . . . » پس از سرمقاله اخبار داخله و در صفحه دوم ترجمه خلاصه از داستان (ماکدولین) بقلم م . عرفان (محمود عرفان مدیر روزنامه) و در پاورقی روزنامه رمان (گناهکار) اثر (فرانسوا گپه) ترجمه آقای نصرالله فلسفی چاپ شده است . پاورقی مذکور در صفحه سوم نیز چاپ شده و در صفحه چهار روزنامه اخبار خارجه است سرمقاله شماره سوم روزنامه تحت عنوان (مکتوب همکار) بقلم مدیر و نگارنده روزنامه عصر انقلاب ، آقای سعید نفیسی است . خلاصه سرمقاله که آقای نفیسی نوشته این است که مدتی است روزنامه نمیخوانم ولی دو شماره روزنامه شماره (آسمان) خواندم ، من غائبانه شما را دوست میدارم و آنوقت که شیراز مجله (خاور) را مینوشتید ارادت داشتم . شما آقای عرفان سه سال است بطهران آمده اید و در این محیط آلوده منزل کرده اید ، من بدبختانه بواسطه توقیف بودن روزنامه خود نمیتوانم در آن چیزی بنویسم و از این جهت این مقاله را بروزنامه شما فرستادم . شماره چهار سال اول آسمان در تاریخ ۲۸ اسد ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است .

میرزا محمود خان عرفان

آقای محمود عرفان اصلاً از مردم شیراز و خدمات اداری خود را در این شهر شروع نموده . وی تا سال ۱۳۳۸ قمری در فارس بسر میبرد و در همانجا در سال مذکور چهار شماره مجله خاور را منتشر ساخت (رجوع شود بعرفخ کتاب) پس از آن بطهران عزیمت کرد و در وزارت دادگستری مشغول خدمت شد . چند سالی در عدلیه اصفهان انجام وظیفه میکرد . الحال در وزارت دادگستری در طهران از اعضای عالیرتبه بشمار میرود . آقای عرفان مردی مطلع و دانشمند و علاوه بر مجله خاور و روزنامه آسمان مقالات متعددی در جراید و مجلات ایران نوشته و چند رساله نیز جداگانه چاپ کرده است

من جمله ترجمه منظومه پهلوانی هر شاعر معروف یونانی بنام (ابلیاد) است .
 آقای عرفان ایلیدار را بفارسی روان ترجمه نموده و در سال ۱۳۰۴ شمسی ؛ در ۱۴۶
 صفحه بقطع پستی آنرا در مطبعه روشنائی طهران بچاپ رسانیده است . ترجمه مذکور
 بسیار پسندیده و جالب توجه واقع گردیده است .

(۱۳۳) آسیا

در سال ۱۲۹۹ شمسی مجله آسیا بطور ماهیانه در طهران تاسیس و منتشر شده است

(۱۳۴) آسیا

روزنامه آسیا در طهران بصاحب امتیازی و مدیری (اسدالله فروهری) تاسیس
 و شماره اول آن در تاریخ شنبه ۲۳ محرم‌العماد ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۴ سنبله ۱۳۰۱
 شمسی و ۱۶ سپتامبر ۱۹۲۲ میلادی منتشر گردیده است . روزنامه آسیا روی یک ورق
 بزرگ با چاپ سربی در مطبعه برادران باقرزاده طبع و چنانچه در عنوان شماره اول
 نوشته عجالتا هفتگی؛ روزهای شنبه، توزیع میشود و بعد بومیه خواهد شد ولی ظاهراً
 برای همیشه طرز انتشار هفتگی بوده زیرا در روزنامه ایران مورخ ۹ قوس ۱۳۰۱
 شمسی تحت عنوان (اخطار) از طرف (دفتر جریده آسیا) نوشته: «نظر باینکه اداره
 توزیع جراید روزهای شنبه تعطیل است و روز انتشار روزنامه ما هم شنبه بود و این
 ترتیب باعث نقصان تکفروشی است لذا از هفته آتی روزنامه آسیا روزهای جمعه
 منتشر خواهد شد.» این اخطار میرساند که روزنامه تا چند ماه پس از تاسیس بهمان
 وضع هفتگی بوده و تغییری در آن راه نیافته است .

در زیر اسم روزنامه (آسیا) این شعر چاپ شده: زبان سرخ سرسبز میدهد بر
 باد - بگو که حرف حقیقت نمیرود از یاد . و در عنوان روزنامه؛ آسیا بدینقسم معرفی
 گردیده: «جریده ایست مستقل‌الافکار - اجتماعی - ادبی - اخلاقی - اقتصادی»

جای اداره: طهران، سرچشمه آپارتمان جنب کوچه میرزا محمود؛ تلفن نمره
 ۰۴۷ عنوان تلگرافی؛ آسیا . قیمت اشتراك داخله؛ سالیانه ۶۰ قران، سه ماهه ۲۰ قران
 در ولایات باضافه اجرت پست . خارجه بترتیب ۸۰؛ ۴۵ و ۲۵ قران . تك نمره شش‌شاهی .

مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (مسئولیت قلم) باین عبارات شروع میشود :
 «قلم روی کاغذ گذاشتیم که خدمتی بوطن عزیز خود از این راه نمایم . کرام
 الکاتبین هم قلم روی افواج گذاشت که ببیند از من در این قرن بیستم باز هم با نبودن
 آزادی قلم چه کلماتی صادر میشود؛ زشت یا زیبا .» پس از مقاله افتتاحی اخبار
 داخله و مختصری از اخبار خارجه و چند اخطار چاپ شده . پاورقی روزنامه که از
 همان شماره اول در صفحه یک و دو چاپ گردیده ترجمه کتاب (اختناق ایران) تالیف مستر

شوستر امریکاییست و طبق شرحی که در مقدمه ترجمه نوشته علت انتخاب کتاب مذکور برای پاورفی این است که باز بناست مستشاران امریکائی بایران بیابند.

از شماره ششم داستانی بنام (فاطمه تیه) بزبان خیلی ساده چاپ شده که خیلی جالب و شیرین است. روی هم رفته قسمت مهم مندرجات آسیا عبارت از سرمقالات آنست که خیلی تند و آتشین نوشته شده، مثلاً یکی از شماره های آن که روی یک ورق بقطع بزرگ منتشر شده، بدون ذکر تاریخ و نام مدیر مسئول و سایر خصوصیات روزنامه، مقاله بعنوان (سریر سلطنت میلرزد) چاپ شده و خلاصه مندرجات مقاله مطالبیست خطاب بمات ایران درباره فجایع قاجاریه و مظالم این سلسله و در قسمت آخر آن از سردار سپه و نمایندگان دوره پنجم مجلس شورایی درخواست استعانت نموده است. این مقاله تمام صفحه اول روزنامه را در چهار ستون گرفته و همانطور که نوشتیم پنج یک از خصوصیات روزنامه روی آن چاپ نشده فقط کلمه (آسیا) بخط درشت و در یک گوشه آن (قیمت سه شاهی) طبع گردیده است. از این روزنامه تا شماره ۲۳ سال اول مورخ چهارشنبه ۱۸ دلو ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۴۱ در دست دارم و از اعلانی که از طرف دفتر روزنامه، در شماره ۵۸ سال دوم روزنامه طوفان مورخ ۲۰ حمل ۱۳۰۲ راجع بخرید بلیط نمایش شاه عباس کبیر که بمنفعت جریده ملی آسیا داده میشده چاپ شده؛ معلوم میشود تا این تاریخ هنوز دستگاه روزنامه آسیا دایر بوده است و ما درباره انتشار یا عدم انتشار آن تا این تاریخ اطلاع قطعی ندارم.

(۱۳۵) آسیا مرکزی

روزنامه آسیا مرکزی بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (اس.ف) در تهران تاسیس و شماره اول آن در روی دو صفحه بزرگ، با چاپ سریبی؟ مظنه قناعت، در تاریخ سه شنبه ۲۴ ربیع الاول ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۲ برج عقرب ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است.

در عنوان روزنامه، آسیا مرکزی، روزنامه مستقل الافکار اجتماعی و طرفدار رنجبران و اتحادیه های کارگران ایران، معرفی شده و از اینرو معلوم میشود این روزنامه ارکان رسمی اتحادیه های کارگران ایران بوده ولی چون در آن ایام اتحادیه های کارگری تشکیلاتی مثل امروز نداشته بدین جهت توضیحاتی در روزنامه درباره این اتحادیه هانیست. مقاله افتتاحی روزنامه بدینقسم شروع میگردد:

«بسم الله العلی القاهره معاربات خونین مبادی سرخ مقاتل وحشتناک و از همه بالاتر استقامت رای کارگر برای استرداد حقوق منصوبه و مقدس داشتن کار ما را مجبور میکند که هم از اول شماره نامه خویش تنها برای تسلیم انقیاد بلکه برای تعظیم و احترام سر خود را در مقابل عالم کارگری خم نموده بگوئیم ۰۰۰»

پس از این سه مقاله؛ چند پرسش و بعد اخبار داخله و خارجه درج است.

آسیامرکزی، از روزنامه هائیسست که جدا طرفدار توده و کارگر و دشمن سرمایه دار و سرمایه داریست؛ چنانچه در شماره سوم آن سرمقاله خیلی تندی بعنوان (مرک سرخ - مرک زرد) نوشته و در آن از انقلاب خونین طرفداری کرده است.

در شماره سوم صاحب امتیاز و مدیر مسئول (ح - اسدالله عبدالله زاده) که (اس) همان اسدالله باشد معرفی شده محل اداره روزنامه: طهران، سرچشمه مقابل کوچه سرداری و عنوان تلگرافی (آسیام) و طرز انتشار در ابتدا تا چهار شماره هفتگی و روزهای سه شنبه، و بعدا یومیه، تعیین گردیده است. وجه اشتراك: داخله سالیانه اشراف صد قران شش ماهه ۵۵ قران سه ماهه ۳۰ قران یکماهه -

اعضاء اتحادیه سالیانه ۴۰ قران ششماهه ۲۵ قران سه ماهه ۱۸ قران یکماهه ۵ قران ولایات خارجه سالیانه ۱۱۰ قران ششماهه ۶۰ قران سه ماهه ۳۵ قران یکماهه ۱۴ قران تك شماره چهار شاهی. وجه اشتراك پس از سه شماره دریافت میشود. پس از انتشار شماره سوم، بعلمت درج سرمقاله شدیدالحنی؛ روزنامه توقیف گردیده و مدت ۳۷ روز روزنامه توقیف بوده و از اینرو شماره چهار آن در تاریخ پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۰۱ شمسی منتشر گردیده است. سرمقاله این شماره بعنوان (بعد از سی و هشت روز توقیف) میباشد که خلاصه آن این است که روزنامه سی و هشت روز توقیف بوده و باز با همان سبک و روش سابق خود منتشر میگردد.

(۱۳۶) آسیای وسطی

روزنامه آسیای وسطی بمدیرری و سردبیری (رحیم زاده - ف - صفوی) در طهران تاسیس و شماره اول آن در تاریخ دو شنبه ۹ شهر ربیع الاول ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است. آسیای وسطی عنوان یومیه داشته و هر شماره آن در چهار صفحه بقطع بزرگ، با چاپ سربی، در مطبعه برادران باقر زاده - طبع گردیده و شماره دوم روزنامه در تاریخ چهارشنبه ۱۱ ربیع الاول و شماره سوم در ۵ شنبه ۱ ربیع الاول ۱۳۴۱ قمری و شماره ۶۶ در یکشنبه ۱۱ رجب ۱۳۴۱ نشر یافته است.

محل اداره روزنامه؛ گرچه در شماره اول فقط طهران ضبط شد و ولی در شماره های بعد: شاه آباد؛ کوچه وزیر مخصوص؛ تعیین گردیده. بهای روزنامه یکساله داخله یکصد ریال؛ خارجه ۱۲۰ ریال، شش ماهه ۵۰ ریال، ۶۰ ریال سه ماهه ۳۰ ریال؛ ۲۵ ریال. تك شماره ۷ شاهی.

مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (دسایس خطرناك) نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد: «رفقا در موضوع مقاله يك نفر ایرانی که در صلیبه ستاره شرق

انتشار یافت بما ایراد کرده خورده گرفتند • آفایانی را که از آن مقاله و مقالات آینده ما ممکن است تا نری حاصل نمایند بدوا توصیه مینمایم •••••

پس از سرمقاله مندرجات روزنامه عبارت از اخبار داخله و بعد اخبار و تلگرافات خارجه بتفصیل می باشد • در باورقی صفحه دوم و سوم ترجمه رمان (ژرف بالسامو) تالیف الکساندر دوما چاپ شده و این رمان تا شماره های زیادی از روزنامه درج است (۱) علاوه بر این در صفحه چهارم (تاریخ جنگهای صلیب) که يك مجله ترکی ترجمه شده چاپ شده است • بطور خلاصه آسیای وسطی يك روزنامه کثیرالانتشار خبری و دارای سرمقاله های مفید راجع بسیاست روز می باشد •

از شماره ۶۶ سال اول مورخ یگشنبه ۱۱ رجب ۱۳۴۱ قمری • مطابق ۶ حوت ۱۳۰۱ شمسی کلمه پرچم باسم روزنامه (آسیای وسطی) اضافه شده و باین صورت چاپ گردیده است « پرچم آسیای وسطی لشمه » علت اضافه کردن کلمه پرچم را باسم روزنامه در شماره ۶۷ این قسم نوشته است : رفع معذور • چون دوجریده دیگر بنام آسیا و آسیای مرکزی در مرکز نشر شده و این مسئله مورث اشتباهات عدیده گردیده و غالبا در مسائل راجع بآونمان و مشترکین معدوراتی ایجاد میکشت روزنامه ما کلمه پرچم را بعنوان شعار و آدرس تلگرافی خود اختیار کرده دفتر آسیای وسطی • •

آسیای وسطی از همان بدو تاسیس مورد توجه واقع گردیده • و بهلت یومیه بودن آن خوانندگان زیادی پیدا کرده است • آفای ملك الشعراى بهار مدیر و نویسنده روزنامه نوبهار که کمتر در باره جراید و مجلات تقریظی مینویسد ؛ در شماره ۷ دوره پنجم این روزنامه ؛ مورخ سه شنبه ۱۵ عقرب ۱۳۰۱ شمسی راجع بطلوع روزنامه آسیای وسطی اینطور نوشته است ؛ « روزنامه یومیه آسیای وسطی با قطع بزرگ در چهار صفحه بقلم آقای رحیم زاده صفوی (صاحب مقاله مانى در این شماره • منظور شماره سابق الذکر نوبهار است) که یکی از جوانان فاضل و محررین خوب معاصر بشمار میآیند؛ یومیه منتشر میشود • •

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد یکمرتبه دولت از انتشار فوق العاده روزنامه آسیای وسطی جلوگیری نمود و این در همان اوایل انتشار و تاسیس روزنامه یعنی در نیمه اول عقرب ۱۳۰۱ بوده است تفصیل این اجمال آنکه در تاریخ ۱۲ عقرب سال مذکور فوق العاده آسیای وسطی مطالبی مشرر بر اینکه سفارت دولت جمهوری شوروی روسیه در طهران یادداشتی بروتست مانند راجع بالفای مواد قانون جزای عرفی بدوات ایران تسلیم نموده ، منتشر کرد • این فوق العاده سر و صدائی در طهران راه انداخت بقسمیکه دولت مجبور شد فوراً بنظمیه دستور داده از فروش فوق العاده (۱) مترجم رمان خود مدیر روزنامه آقای رحیم زاده صفویست •

جلوگیری نمایند و نیز تمام نسخه های آنرا جمع آوری کنند . علاوه بر این فر دای
 آنروز وزارت امور خارجه و سفارت روسیه در طهران هر کدام جداگانه شرحی مبنی
 بر تکذیب مندرجات فوق العاده آسیای وسطی منتشر ساخته و بکلی موضوع را انکار
 کردند . متن تکذیب نامه سفارت شوروی بدین قرار است : آقای مدیر محترم
 « پریروز و هم چنین دیروز در یکی از جراید محلی (در تکذیب نامه وزارت خارجه
 صریحا اسم برده شده که این روزنامه فوق العاده آسیای وسطی بوده) که نسبت
 بدوستی روس و ایران نظریات خصومت آمیز و دشمنی دارد اخبار جعلی و عاری از
 حقیقتی درج شده بود که گویا سفارت روس یادداشتی راجع باستقرار رژیم کاپیو لاسیون
 که در مناسبات برادرانه دولت آزاد مساوی ممنوع و غیر مجاز و دولت روسیه ساوتی
 برخلاف سایر دول امپریالیستی مدهاست از آن امتناع نموده ، بدولت ایران تسلیم
 نموده است .

نظر باینکه دولت علیه ایران که در این اواخر از حملات بر علیه سفارتخانه های
 خارجه متاثر میشد تا کنون مفتریات فوق الذکر را رسماً تکذیب نکرده است لهذا
 از آن مدیر محترم خواهشمند است که بموجب این مراسم با اطلاع ملت ایران که
 عقیده آن را دولت متبوعه دوستدار فوق العاده ذیقیمت می شمارد برسانید که نمایندگی
 مختار هیچگونه یادداشتی ارسال نموده و کلیتاً هیچ قدمی در مسئله نسخ قانون جزای عرفی دولت
 ایران و اجرای رژیم کاپیو لاسیون که مخالف شئونات يك ملت آزاد است برنداشته
 است . شارژ دافر جمهوری سوسیالیستی فدراتیو شوروی روس در ایران « عین این
 آگهی بزبان روسی نیز در زیر آن چاپ شده است . (روزنامه ایران مورخ ۱۴
 عقرب ۱۳۰۱ شمسی)

رحیم زاده صفوی

آقای رحیم زاده صفوی در پیش آمد جمهوری و پس از واقعه قتل عشقی در
 طهران جزو مدیران جراید وابسته بدسته اقلیت بوده و از کسانیست که پس از قتل
 عشقی بمنظور نداشتن تامین جانی در برابر حکومت وقت در مجلس تعصن اختیار
 نمود . سایر همکاران او عبارت بودند از رسا مدیر قانون ؛ عباس اسکندری مدیر
 روزنامه سیاست و فخرالدین شهاب مدیر روزنامه شهاب .
 از تالیفات آقای رحیم زاده کتاب (شهربانو) و دیگر دو جلد کتاب (ایران
 اقتصادی) که جمعا در ۵۰۴ صفحه جلد اول در اسفند ۱۳۰۸ شمسی و دوم در بهمن
 ۱۳۰۹ منتشر گردیده است .

(۱۳۷) آسیای وسطی

از این آسیای وسطی نکارنده اطلاعی که دارد عبارت از يك آگهی

است که در شماره ۷ سال دوازدهم و روزنامه توفیق مورخ ۲ شنبه ۲۷ آذر ۱۳۱۲ شمسی چاپ شده . صورت آگهی این است :

آسیای وسطی در تحت مدیریت ك . یقیکیان ، مدیر سابق ایران کبیر و هم راهی فکری و قلمی يك عده از نویسندگان نامی از روز چهار شنبه ۴۹ آذر ۱۳۱۲ منتشر میگردد و دارای مغزین مخصوص در شهرهای مهم ایران (مشهد مقدس ، تبریز ، اصفهان ؛ رشت و غیره) و خارجه نجف اشرف - لندن - پاریس - برلن وین - مسکو و غیره خواهد بود . اشتراك سالیانه ۶۰ ریال : ششماهه ۳۰ ریال محل . اداره ؛ چهار راه مخبرالدوله ؛ پست مغازه آلمان ، اداره سابق ایران کبیر (دفتر آسیای وسطی)

آنچه از اعلان مذکور معلوم میشود این است که روزنامه آسیای وسطی ، با خصوصیاتیکه نوشته شده ، بمدریت ك ؛ یقیکیان در ۲۹ آذر منتشر خواهد شد آقای ك . یقیکیان از ارامنه با اطلاع و دانشمند بشمار میرود و مدتی روزنامه ایران کبیر را مینوشته و هم چنین مدت سه سال روز نامه ایران کنونی را که یکی از روزنامه های مفید طهران است ؛ بزبان فارسی منتشر میساخت . برای اطلاع بیشتری از شرح حال او رجوع شود بکلمه (ایران کبیر) این کتاب .

(۱۳۸) اشراق

روزنامه هفتگی اشراق با چاپ سنگی در تهران ؛ در سال ۱۳۲۶ قمری مطابق ۹-۱۹۰۸ میلادی منتشر شده است . (کتاب مطبوعات و شعر فارسی برون ص ۴۲)

(۱۳۹) آشفته

روزنامه هفتگی آشفته در خراسان در سال ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است .

(۱۴۰) اصفهان

روزنامه اصفهان ، بقسمیکه در عنوان آن نوشته شده از آثار قلم و نتایج افکار و هم جناب میرزا حسینخان اعتلاءالدوله و عنوان و آدرس و مکاتبات بنام (میرزا جعفر خان منشی ملقب بمعتمد السلطان ، ناظم اداره ، در چهار باغ اصفهان است) این روزنامه در شهر اصفهان تاسیس و شماره اول آن با چاپ سنگی و خط نستعلیق بسیار خوب در تاریخ دو شنبه سلخ شهر رجب ۱۳۴۵ قمری مصادف و مطابق ۱۷ سنبله سال قوی نیل ترکی و ۹ سپتامبر ۱۹۰۷ میلادی منتشر شده است . اصفهان در چهار صفحه وزیری قطع ۲۱ در ۴۶ سانتیمتر و هر صفحه مشتمل بر دو ستون ؛

هفته سه نمره طبع و روزهای شنبه و دو شنبه و چهارشنبه توزیع میشده ، کاتب روز نامه میرزا فتح الله فرزند افسر که هر دو از خطاطان معروف اصفهان و درهرشماره نام خود را در آخر صفحه چهار درج نموده است میرزا فتح الله خان افسر ؛ علاوه بر روزنامه اصفهان ؛ پس از مرگ پدرش ؛ بشرحیکه بعدا خواهیم نوشت عهده دارنوشتن روزنامه فرهنگ گردیده و نزدیک هشت سال این روزنامه بخط میرزا فتح الله است و یکی از مزایای این دو روزنامه یعنی فرهنگ و اصفهان همین حسن خط می باشد که بخط یکی از خطاطان بزرگ آنزمان تحریر شده .

اسم روزنامه (اصفهان) بخط نستعلیق درشت و در زیر آن سال تاسیس ۱۳۲۵ و در بالای آن (هوالمستعان) درج است . قیمت اشتراک و آبونه در اصفهان سالیانه سه تومان ، ششماه هفده قران ، سایر ممالک ایران بترتیب : سه تومان و شش هزار و دو تومان ؛ هندوستان و افغانستان دوازده رویه و هفت رویه در تمام اروپا و عثمانی و مصر بیست و پنج فرانک . روسیه و ترکستان ده منات - شش منات اعلانات هر کلمه صد دینار . قیمت هر نسخه سه شاهی .

مرام و مسلك و نوع مطالب روزنامه ، درضمن دو سطر ؛ درزیر عنوان ؛ بدین قسم معرفی شده :

« این جریده آزاد است و از هر قوله تحت عناوین و مقالات مخصوصه بحث و لوایح مفیده و مراسلات با امضای معروف یا ترفه را بامتنان پذیرفته و درج می کنند و بهر صورت مسترد نمیشود . »

منظور از کلمه آزاد که در اینجا (این جریده آزاد است) ذکر شده و هم چنین در بعضی از جراید قبل از مشروطیت و زمانهای نزدیک پس از مشروطیت دیده میشود ، در مقابل جراید و روزنامه های دولتیست که برای درج هرگونه مطلب و مقاله آزاد نبوده اند . این موضوع بتفصیل در مقدمه مورد گفتگو قرار گرفته خوانندگان بدانجا رجوع فرمایند .

راجع بملت انتشار و وجه تسمیه روزنامه بنام اصفهان شرحی در مقاله افتتاحی بقلم مدیر روزنامه نوشته شده که برای مزید اطلاع خوانندگان چون نسخ روزنامه خیلی کمیاب و دسترسی بدان مشکل است ؛ عین مقاله را در اینجا نقل میکنیم :

بسمه تعالی . افتتاح و عنوان .

« پس از شکر و حمد خدا و صلوة و سلام بی منتهی بر خاتم انبیا و ائمه هدی علیهم الصلوة و السلام باحترام معروض محضر انور مطالعه کنندگان عظام میدارد . سالیان درازی بود که خاطر فائز خیال ترتیب و طبع روزنامه و بقدر قوه عاجزانه تصور تقدیم این خدمت ناچیز را مینمود و هر وقت بیک مانع و محذور موافق بمقصود و

و منظور نیستند تا در این اوان که تقدیر پروردگار و گردش افلاك و ادوار بنده را باین خاک و دیار انداخت و از بعضی جهات دیگر تا اندازه ای زمانرا مساعد و معاضد برای آن ساخت لهذا بی آفات و وقت باجرای مقصد دبرینه پرداخت ولی واضح است این مقصود آنطورها که اصلا در نظر و مطلوب ارباب بصراست لوازم و شرایطی دارد که همیشه همه آنها در هر جا فوری فراهم نمی آید و بالضروره و بالمجبوریه بدوا و آنا از تمامی نواقص و شوائب مبرا و منزه نمی ماند فقط از حضرات مطالعه کنندگان حالا و مالا دو امید دارد یکی آنکه علی العجاله معفو باشید و دیگر اینکه انشاء الله بمساعدتشان آتیه در رفع نقایص حتی الامکان سعی و جهد نماید بهر صورت از خداوند منان موقیت میخواهد و منه التوفیق و علیه التکلان .

وجه تسمیه - هر چند از آنجا که میخواهیم بقدر ممکن این جریسده را به اصطلاحات متداوله و عبارات سهل و ساده بنویسیم خواستیم بلکه اسم او را هم با این مقصود موافق و با رسم آن مطابق کنیم زیرا مقدرات جهان و مقتضیات زمانرا هر وقت اقتضائی است که جهانیان را از آن گریزی نیست مثلا زمانی تمجید (دره نادری) و (مقامات حریری) و توصیف (وصاف) و نظایر آن باین بیان میشد که اگر دو نفر فاضل حاضر مجلس و محفل شوند يك صفحه آنرا مشکل میفهمند لیکن حالا عکس آنست قاطبه نوشتجات و خاصه روزنامهجات که مقصد اصلی از آن استفاده و اطلاع عمومی است هر چه بفهم نزدیکتر و حتی مطالب عالیه علمیه نیز هر قدر بدهن قریبتر باشد گمان داریم مرغوب تر شمارند و بیشتر بخوانند و بهتر بدانند چرا که حضرات علما و طبقات اعلی همیشه عالم و بارع بوده اند و سایر صنوف باید آگاه و مطلع بشوند و نمی بایست برای يك امر واحد در فهم لغات و درك مندرجات بین محظورین واقع گردند و بزحمات و مشکلات بیفتند علاوه چون پاره روزنامه ها بنام شهرها و رودهای شهیر که اسامی آنها دایم در افواه صغیر و کبیر و برنا و پیر است موسوم و در حقیقت بدون حاجت بکتاب لغت و (ژوگرافی) معنی و محل انتشار شان معلوم است بنا بر این ها و اینکه هم از مطالعه کنندگان محترم رفع زحمتی و هم از خود برای ليله تسمیه (شب شش) و تکلفات آن دفع صعوبتی کنیم اراده داشتیم که این جریسده نا قابل خودمان را که بعون الله در اصفهان نشر مینمائیم به (اصفهانست) که خاص و عام همه نام نامی این شهر گرامی را میدانند و زوان دارند موسوم سازیم اما بی اینکه این نیت خود را عیان کنیم در مقام تبیین و تقال از حضرت مستطاب ملاذالانام مروج الاحکام آقای (ثقة الاسلام حاج آقا نورالله) مد ظله اسم این روزنامه را استفتا و استعلان کردیم و فوراً بزبان الهام بیان فرمود اصفهان و شکی نیست که این را جز بالهامات غیبی و تاییدات لاریبی حمل بچیزی نتوان نمود امیدواریم بفال نیک و باعث رغبت دور و نزدیک بوده در خدمت معارف پروران

غیور و هموطنان عزیز عموماً و اهالی با غیرت و ایمان اصفهان و آقا یانیکه مراودات و مناسباتی با این ساحت پیدا کرده توطن در این سامان نموده اند خصوصاً وسیله ترغیب و تشویق باشد و (حب الوطن من الایمان) مصداق آید . این بود عین سرمقاله شماره اول روزنامه اصفهان .

مندرجات روزنامه ؛ پس از سرمقاله ، قسمتی از اخبار داخله و اخبار و تلکرافات خارجه میباشد ، منتهی درنوشتن اخبار بیشتر تفسیر آنها مورد توجه بوده تا نقل اخبار چنانچه در شماره اول در زیر عنوان (ناخوشی و ناخوش) که راجع بظهور بیماری (طاعون) در بحرین نوشته ، شرحی دایر بجلو گیری این بیماری نیز درج و علاوه بر اینها مقالاتی در باره اوضاع شهری و بخصوص انجمنهای اهلالتی و بلدی درج است . نگارنده تا شماره ۲۸ مودخ ۲۸ شهرشوال ۱۳۲۵ قمری این روزنامه را در دست دارم .

مرحوم اعتلاء الممالک در هنگام توقف در اصفهان ؛ پس از انتشار ۲۵ شماره این روزنامه بفکر افتاد که بجای یکی از سه شماره روزنامه اصفهان که در هفته منتشر میشد ؛ روزنامه دیگری موسوم به (نقش جهان) مشتمل بر تصویر و کاریکاتور طبع و منتشر نماید و بکسانیکه اصفهان را آبونه اند مجاناً تقدیم دارد لذا ، بشرحیکه بعداً در حرف نون این کتاب (در روزنامه نقش جهان) یاد آور خواهیم شد روزنامه دیگری بنام (نقش جهان) منتشر ساخت و از اینرو مشارالیه مدیر و نویسنده دو روزنامه می باشد . اتفاقاً بعد از شهریور ۱۳۲۰ که در اوضاع ایران تحولی حاصل گشت دو روزنامه بنامهای (اصفهان) و (نقش جهان) تاسیس گردید و در هنگام تالیف این کتاب هر دوی این دو روزنامه منتشر میشود .

روزنامه اصفهان بصاحب امتیازی و مدیری آقای امیر قلی امینی ، نویسنده سابق روزنامه اخگر (برای اطلاع از شرح احوال آقای امینی رجوع شود به کلمه اخگر و باختر این کتاب) و روزنامه نقش جهان بمدبری (حسین نور صادقی) تاسیس و منتشر گردیده اولی هفته دو شماره و دومی در سنوات اول و دوم هفته دو شماره و سالهای بعد یومیه بوده است .

تمام سرمقاله ها و ترجمه های از عربی روزنامه نقش جهان از سال دوم بی بعد بقلم نویسنده و مولف این کتاب و آقای حسین نور صادقی درنوشتن آنها هیچگونه دخالتی نداشته است .

باری پس از بیست و هفت سال مجدداً روزنامه اصفهان بهمت آقای امینی و روزنامه نقش جهان بقلم نگارنده و پشت کار آقای حسین نور صادقی با بدایره انتشار گذاشت و هر دو روزنامه رونق افزای مطبوعات شهر اصفهان گردیدند . اینک خلاصه

تلگرام های خارج : « از لندن بتاريخ رمضان . سه فرورد کشتی بخار با قشون یونان بطرف کربت عازم شده » از لندن بتاريخ ایضا . از لندن ۱۶ رمضان از لندن ۱۷ رمضان . از برلین ۱۶ رمضان . از لندن ۱۸ رمضان . از آتن ۱۸ رمضان . از لندن بتاريخ ایضا . از لندن ۲۰ ایضا . از پاریس بتاريخ ایضا . از لندن ۲۱ رمضان . از لندن ۲۵ رمضان . مصر ، « از قاهره بروز نامه د یلی نیوز تلگراف کرده اند که در صعيد مصر و در مصر سفلی جمعی از سارقین و اشرار بتاخت و تاز و نهب و غارت اموال مردم پرداختند ۰۰۰ » جزیره کوبا و دولت اتاز و نی : « اظهارات مسیو اولنی وزیر اتازونی در باب جزیره کوبا میان روزنامهجات ینکی دنیا موجب بحث و قیل و قال زیاد گردیده است ۰۰۰ » مختلفه : « ماشین کتابت از اختراعات بدیمه جدیده ماشین بجهت نوشتن تعبیه شده است موسوم به داکتیل » در زیر این قسمت شرحی از طرف اداره روزنامه در دو ستون نوشته شده است : انگلیس ؛ « روزنامه تان منطبقه پاریس می نگارد که همسایگان ما که آن سمت دریای مانس سکنی دارند یعنی اهالی انگلیس ۰۰۰ » ایضا مختلفه . مکان تحت الماء ایضا تلگرافهای خارجه که مجددا رسیده است : از لندن ۲۶ رمضان . از لندن ۲۷ رمضان . از لندن ۲۸ رمضان از لندن ۲۹ رمضان . از آتن غره شوال . از آتن بتاريخ ایضا . از لندن بتاريخ ایضا . از بندر تولون بتاريخ ایضا . از لندن دوم شوال . از لندن سوم شوال . از بران بتاريخ چهارم شوال . (در زیر هر کدام از این عناوین خبری نقل شده است) در شماره مذکور پس از اخبار فوق ترجمه داستانی بنام (داستان ژرژ انگلیسی عاشق ماد موازل مارتی پاریسی) که باقیمانده نمرات سابق است چاپ شده (داستان مذکور را مرحوم میرزا محمد حسین خان ذکاء الملك متخلص بفروغی بفارسی روان ساده ترجمه کرده و در همان ایام جداگانه نیز بطبع رسیده است) و اسم روزنامه (اطلاع) بخط نسخ درشت و شماره روزنامه با حروف و عدد هر دو چاپ شده است . در زیر عنوان روزنامه در ضمن یک سطر بدین قسم روزنامه معرفی گردیده : « این روزنامه بکلی از قید رسمیت خارج است هر کس ارتیکل و مطلبی که مفید بحال ملت و اطلاع عامه باشد و منافعی و منافع با ملت و دولت نباشد بداره اطلاع بفرستد در این روزنامه نوشته میشود »

هر صفحه روزنامه متتمل بر سه ستون و هر نمره روزنامه از چهار تا هشت صفحه است . فهرست مندرجات هر نمره در اول ستون اول صفحه اول بترتیب ذکر مطالب چاپ شده . بعکس روزنامه (ایران) که در انتهای صفحه آخر نام (اعتماد السلطنه وزیر انطباعات و دارالترجمه خارجه) ذکر گردیده در روزنامه اطلاع در هیچ یک ا:مرات آن اسمی از اعتماد السلطنه نیست ولی همان قسم که در ابتدا نوشتیم روزنامه

حدود یونان و عثمانی و حق عمومی فرنك در این مسئله) نوشته که با جملات زیر شروع میگردد: « بدون اینکه ما چندان در عقاید پلیتیکیه حسن ظنی داشته باشیم از روش کار چنین استنباط میکنیم که این مسئله ۰۰۰۰۰ »

پس از مقاله مذکور (تلگرافهای خارجه بموجب پوبلیک نیوس) که وقایع مربوط بکشور انگلستان از آن نقل گردیده و بعدا وقایع اسلامبول و بطرز بوغ و پاریس و یونان بموجب روزنامه های خارجی سپس اخبار مختلف راجع بممالک اروپا و مصر نقل شده و مندرجات این شماره با نقل وقایع مصر خاتمه پیدا میکند روزنامه اطلاع يك روزنامه سیاسی و پلیتیکی بمعنای آنروز بود و بـ برای کسانی که بخواهند از اوضاع سیاسی و حوادث اروپا و امریکا و بطور کلی از اتفاقات نیم قرن کشورهای جهان اطلاع حاصل کنند بهترین مجموعه و مدرک می باشد و چون تا کنون این سبک روزنامه یعنی اختصاص مندرجات روزنامه بحوادث و وقایع خارجی، در بین مطبوعات این کشور سابقه نداشته میتوان روزنامه اطلاع را در میان جرابدفا رسی بی نظیر دانست .

نا گفته نماند که تنها مقاله که در طول مدت انتشار چندین ساله روزنامه اطلاع، در صفحه اول، مربوط بحوادث داخله نوشته شده؛ سرمقاله ایست که در روز قتل ناصرالدین شاه؛ بمناسبت این پیش آمد؛ با عباراتی دلنشین و روان که حکایت از تاثیر شدید ملت ایران مینماید؛ در نمره ۳۹۳ مورخ شنبه سوم ذی حجه الحرام ۱۳۱۳ قمری چاپ شده است . مقاله مذکور با عبارات زیر شروع میگردد:

فتنه عظمی

« دایه دهیا و فتنه عظمای شهادت اعلی حضرت شاهنشاه مبرور شهید بی شبهه از غرائب نواب و نوادر حوادث این جهان است که بناگهان از حجاب غیب بمرصه شهود آمده تمام جهانیان را متالم و محزون نمود ۰۰۰ » بطور کلی مندرجات روزنامه اطلاع پس از درج سرمقاله تحت عنوان (اجمال سیاسی) که راجع بحوادث جهان و اختلاف دول نوشته شده بقیه عبارت از تلگرافهای خارجه و اخبار کشور های جهان است . بطور نمونه مندرجات نمره ۴۱۲ مورخ پنجشنبه پنجم ماه دی القمه الحرام ۱۳۱۴ بدین قرار است .

اجمال سیاسی: « اخبار مهمی که این ایام بتوالی و تواتر از اقلیم ار و پ میرسد همه راجع باغتشاش جزیره کریت و فتنه انگیزی یاغیان و جنك و خونریزی میان مسلین و عیسویان است . پیوسته مهمات حربی و استعداد بری و بهری دو اتین عثمانی و یونان بسواحل جزیره کریت و حدود خاک عثمانی و یونان میرود ۰۰۰ »

و شعر فارسی (ص ۴۳) مینویسد من نمره ۳۱ سال دوم و نمرات ۱ و ۶ و ۸ سال سوم این روزنامه را در دست دارم . نمره اول سال سوم آن در تاریخ سوم محرم ۱۳۲۹ قمری مطابق ۱۴ ژانویه ۱۹۱۱ میلادی منتشر گردیده ، هر شماره آن ۸ صفحه بقطع ۸ و نیم در ۹ و نیم سانتیمتر است . وجه اشتراك سالیانه آن در ایران ده قران ؛ در هندوستان پنج روپيه و در سایر ممالک ۶ و نیم روپيه است .

آغاز سال تاسیس اصلاح محرم ۱۳۲۷ قمری بوده و در روزنامه چهارم نصاب شماره ۳ سال ششم ، مورخ غره صفر ۱۳۲۷ قمری ، شرح زیر را راجع بتاسیس و انتشار اصلاح ، تحت عنوان (نقل از گرامی روزنامه اصلاح منطبقه بمبئی) نقل مینماید :

« برای تاسیس این جریده جهاتی داریم که شاید تدریجا در طی مقالات خود باظهارش پردازیم و حالا با وصف ضیق وقت همین قدر بملاحظه کنندگان اعلام میداریم که ابداعی جز خدمت بوطن و نوع خود نداریم و از اینرو بالمره با هیچ کس طرف نبوده و نیستیم و فقط هم خود را بر اجراء آن خدمت مصروف کردیم و میکنیم و با همین خرابی اسباب و حقارت آلات که دلالت کامل بر بضاعت مزجات مادار اقدام نموده امید داریم مشترکین عظام و هم وطنان گرامی همین قدر بر ما منت نهاده عرایض ما را درست گوش دارند تا بلکه از توجهات الهی این سحاب مظلم از افق وطن مرتفع گردند و من الله التوفیق . »

ظاهرا از روزنامه اصلاح بیش از هشت شماره از سال سوم در بمبئی منتشر نگردیده و مدیر آن روزنامه را بطهران منتقل کرده است چه بشرحیکه جدا گانه ذکر خواهیم کرد روزنامه اصلاح در ذیحجه ۱۳۴۹ قمری در طهران منتشر شده است

(۱۴۳) اصلاح

همانقسم که یاد آور شدیم روزنامه اصلاح پس از نشر چند شماره از سال سوم در سال ۱۳۲۹ قمری بعللی که بر ما مجهول است دیگر در بمبئی منتشر نگردیده و اداره روزنامه بطهران منتقل شده است . متاسفانه نگارنده تا کنون نمونه از شماره های اولیه اصلاح منتشره در طهران را بدست نیاورده ولی در سایر نمونه های موجود در داخل اسم روزنامه (اصلاح) تاریخ (۲۰ ذیحجه ۱۳۲۹) درج شده که میرساند روزنامه از این تاریخ در طهران منتشر گردیده است .

آنچه از روزنامه اصلاح در دست میباشد مربوط باول سال ۱۳۰۳ شمسی است توضیح آنکه صفحه سوم و چهارم شماره اول سال دوم روزنامه حیات که در تاریخ یکشنبه ۴ ذیقعد مطابق ۱۹ جوازی ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده ؛ بنام روزنامه (اصلاح) چاپ گردیده و البته انتشار این وضع روزنامه یعنی دو صفحه بیک نام و دو صفحه دیگر

بنام دیگر خیلی تازگی دارد. خلاصه آنچه مربوط بروزنامه اصلاح می‌باشد خصوصیات آن بدین قرار است: صاحب امتیاز و مدیر مسئول (میرزا محمد رضای بوشهری) محل اداره طهران چراغ برق. محل اداره باروزنامه حیات یکجا بوده ولی مدیر مسئول حیات فلسفی است. طرز انتشار اصلاح در هفته سه شماره بوده و سرمقاله شماره مورخ یکشنبه که شماره هفتم اصلاح می‌باشد تحت عنوان (نظری در کتب تعلیمی) و باین جمله شروع میگردد: مکرر نوشته‌ایم هرگونه ترقیات ملی... اصلاح بقطع بزرگ و با چاپ سربی در مطبعه برادران باقرزاده چاپ شد، و شماره ۴ حیات با شماره ۱۰ اصلاح یکجا منتشر گردیده است. مندرجات اصلاح عبارت از سرمقاله و اخبار و خلاصه ای از جراید مرکز و حوادث جهان است. ناگفته نماند که شماره اول سال دوم حیات که صفحه سوم و چهارم آن بنام (اصلاح) چاپ گردیده؛ پس از پانزده ماه تعطیل یا بدایره انتشار گذاشته و سرمقاله این شماره بعنوان (پس از پانزده ماه تعطیل) است.

متأسفانه مجموعه از این روزنامه‌ها حفظ و نگاهداری نشده تا از شماره‌های قبل آن معلوم شود روزنامه اصلاح برای چه باین صورت در آمده و قبل از آن چگونه منتشر میشده است و اگر در باره نسخ خط کتب میتوان احتمال داد و امیدوار بود که روزی نسخه از آن‌ها در گوشه کتابخانه یافت شود ولی در باره جراید و مجلات این احتمال ضعیف است.

(۱۴۴) اصلاح

روزنامه اصلاح در شهر خوی بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (ع. ح. زاده خوئی) تاسیس و شماره اول آن در پنجشنبه ۲۹ شعبان طبع و در غره رمضان ۱۳۲۹ قمری منتشر گردیده است. اصلاح روزنامه ایست هفتگی و همه هفته روزهای پنجشنبه طبع و شنبه توزیع میشده است چنانچه تاریخ طبع شماره اول پنجشنبه ۲۹ شعبان و تاریخ انتشار که بشکل مهر سیاه، در يك مربع مستطیلی، در زیر اسم روزنامه چاپ شده، غره صیام ۱۳۲۹ می باشد.

اداره روزنامه شهر خوی؛ بازارچه جعفر قلیخان ووجه اشتراك بطور سه ماهه بدیم قرار معین شده است: خوی چهار قران؛ ولایات داخله ۵ قران، ولایات خارجه ۶ قران، تك نمره سه شاهی؛ قیمت اعلانات سطری دهشاهی؛ در صفحه آخر پنج شاهی است. اداره در حك و اصلاح مقالات آزاد است.

در زیر عنوان روزنامه، اصلاح بدین قسم معرفی شده: «روزنامه ایست آزاد ملی؛ سیاسی، اکونومی؛ ادبی، اخلاقی و از هرگونه مطالب سودمند سخن میراند» اصلاح هر نوبت در چهار صفحه بقطع و زیری متوسط در مطبعه سربی (نجات)

چاپ شده و مندرجاتش مانند سایر جراید ولایات عبارت از يك سرمقاله و بعد درج اخبار شهری و مکتوبات متظلمین و دیگران است . درستون اول شماره اول اعلانی بدین قسم درج شده : اعلان . خدمت عموم هم و طنان اعلان میدارد از همت معارف پروران روزنامه (اصلاح) که تازگی با بدایره مطبوعات گذارده است روز نامه ایست آزاد و صاحب مسلک مستقیم و طرفدار اصلاح ایران و حامی رنجبران ؛ سیاسی اقتصادی ، اکونومی ، اخلاقی عام‌المنفعه و از هر مقوله سخن میراند . امیدواریم که هموطنان محترم از آبونه شدن آن مضایقه نفرمایند و مدت آبونه آن سه ماه به سه ماه است و همیشه بعد از دادن يك نمره وجه آبونه پیشکی دریافت خواهد شد . »

پس از اعلان مذکور مقاله افتتاحی روزنامه بعنوان (مارا چه باید) چاپ شده که بدین قسم شروع میگردد :

« در این عهد آخر که رو بانتخاب گذارده ایم بالطبع يك ابر سیاهی مارا در گرفته ۴۰۰۰ » پس از مقاله افتتاحی ؛ در شماره اول ؛ (اخبار شهری) و بعد اخبار داخله سپس (تلگراف از طهران بخوی) و درستون دوم صفحه آخر تحت عنوان (سایر - بایر) قسمتی بزبان ترکی درج شده است .

نکته شایان توجه اینکه از طرز عبارات و جمله بندیهای روزنامه بخوبی عدم اطلاع مدیر روزنامه را از زبان فارسی میرساند . شماره چهار سال اول در تاریخ پنجشنبه ۲۲ رمضان ۱۳۲۹ ، طبع گردیده . در انتهای صفحه آخر این شماره . مدیر مسئول (ع . حسین زاده) معرفی شده است . ع . حرف اول (علی) و مدیر مسئول علی حسین زاده خوئی است .

(۱۴۵) اصول تعلیم

گرچه باید ابتدا از مجله اصول تعلیمات که سال او اصول تعلیم است سخن بیمان آوریم ولی بر حسب ترتیبی که در نوشتن این کتاب انتخاب کرده ایم یعنی رعایت ترتیب حروف در اسامی جراید و مجلات لذا ابتدا از مجله اصول تعلیم و بعد از مجله اصول تعلیمات گفتگو خواهیم کرد .

مجله اصول تعلیم و اصول تعلیمات هر دو در زمان وزارت فرهنگی مرحوم (نصیر الدوله بدر) تاسیس شده و از انتشارات اداره تفتیش آن وزارتخانه است . شماره اول مجله اصول تعلیم یا دوره دوم مجله اصول تعلیمات در ۱۵ حمل ۱۲۹۹ شمسی مطابق چهاردهم رجب ۱۳۳۸ قمری منتشر شده است . توضیح مطلب آنکه پس از انتشار شش شماره از مجله اصول تعلیمات وزیر معارف وقت ؛ مرحوم نصیر الدوله بدر صلاح در آن دانسته که اداره امور مجله را بعهده هیئت مدیره دارالمعلمین مرکب از تازہ رونقی گرفته بوده و اگذار نماید و مجله تحت نظر هیئتی از معلمین مرکزی انتشار

پیدا کند . برای این کار حکمی خطاب با آقای میرزا ابوالحسن خان فروغی که در آن وقت رئیس دارالمعلمین مرکزی بوده صادر مینماید که سواد حکم اینست:

« جناب مستطاب آقای میرزا ابوالحسن خان فروغی رئیس دارالمعلمین مرکزی زید اقباله - نظر باینکه ترقی تعلیمات و خصوصاً ترقی سعه فن شریف تعلیم و تربیت همواره منظور نظر وزارت معارف بوده است برای انجام این مقصود مجله اصول تعلیم را تاسیس نموده است که هادی افکار معلمین کل مملکت بوده حاصل تجربیات علما و متخصصین را بایشان بیاورد بدیهی است که نگارش يك چنین مجله حقا از وظایف دارالمعلمین است و اولیای آنمدرسه باید مقالات مفید و مطالب جامعه برای آن تهیه نمایند . علیهذا بموجب این حکم مقرر میدارد از این تاریخ که امور آن مدرسه کاملاً بچریان افتاده است مسئولیت اداره آن مجله برعهده جناب عالی محول است که در ترتیب و تدوین آن اقدامات مقتضیه بعمل آورند . نصیرالدوله »

از حکم فوق معلوم می شود که اداره نمودن مجله که تا کنون بعهده اداره تفتیش وزارت فرهنگ بوده بعد از این بر رئیس دارالمعلمین مرکزی ، آقای ابوالحسن خان فروغی ، واگذار گردیده است و چون با این تغییر باز هم انتشار مجله مربوط بوزارت معارف بوده لذا در پشت جلد جمله (وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه) که مازک رسمی دولتی است بشکل نیم دایره ، با خط نستعلیق چاپ شده و در داخل نیم دایره جمله (دارالمعلمین مرکزی) که انتشار مجله را از طرف دارالمعلمین مرکزی میرساند ؛ درج است . مجله اصول تعلیم از لحاظ کاغذ و قطع صفحات چندان فرقی با مجله اصول تعلیمات نکرده ولی در قسمت های دیگر تفاوت کلی پیدا کرده است که در زیر بشرح يك يك این تغییرات میپردازیم :

اولا سرلوحه مجله عوض شده و بجای سرلوحه سابق شعار جدیدی انتخاب گردید که عبارت از نیم دایره ایست که در داخل آن این آیه نوشته شده است : بسم الله الرحمن الرحیم . قل انظرو ما ذا فی السموات والارض . آیه مذکور بخط نسخ ریز و در زیر آن اسم مجله (اصول تعلیم) بخط نستعلیق چاپ شده است . ثانیاً تغییرات که در هیئت مدیره مجله پیش آمده و چنانکه سابق هم اشاره کردیم مجله اصول تعلیمات را اداره تفتیش وزارت فرهنگ و مجله اصول تعلیم را هیئت معلمین دارالمعلمین مرکزی منتشر میساخته است . ثالثاً تغییر عمده ایست که در نوع و سبک مندرجات مجله پیش آمده و برخلاف سابق که مطالب مجله محدود بقسمت های رسمی و فنی وزارت فرهنگ بوده مندرجات فعلی مشتمل بر مقالات فلسفی و تربیتی و علمی و تاریخی و ادبی است که تدوین هر کدام را يك نفر مخصوص عهده دار است مقالات فلسفی مجله بقلم آقای ابوالحسن فروغی ؛ برادر مرحوم محمد علی ذکاء لملک معروف و مدیر دارالمعلمین مرکزی و مدیر مجله تدوین شده و کمتر

شماره ایست که یکی دو مقاله بقلم نویسنده مذکور درج نشده باشد . مقالات تربیتی و علمی مجله بقلم چند تن از استادان دارالمعلمین مرکزی از قبیل مرحوم غلامحسین خات رهنما و ابوالقاسم بهرامی و دیگران است . مقالات ادبی و تاریخی مجله بقلم آقایان میرزا عبدالمعظم خان قریب و اقبال آشتیانی نوشته شده مخصوصاً مقاله آقای میرزا عبدالمعظم خان تحت عنوان (اولین شاعر فارسی) حائز اهمیت است . همین مقاله است که بنا بگفته ملك الشعرای بهار (مقدمه تاریخ سیستان طبع آقای بهار) سبب و باعث راهنمایی ایشان بوجود تاریخ سیستان گردیده و آقای بهار با اهمیت کتاب پی برده اند .

راجع بانتخاب آیه (قل انظرو ما ذافی السموات والارض) بعنوان شعار مجله شرحی در شماره دوم تحت عنوان (شعار مجله و حکمت آن) در هفت صفحه ، بقلم آقای ابوالحسن فروغی ؛ نوشته شده که بیشتر آن مربوط بتفسیر و تاویل آیه مذکور است و خلاصه این شرح این که چون تمدن ایران با اسلام آمیزش پیدا کرده و مایبوسته مجبوریم از پرتو انوار اسلامی و قرآن در تعلیم و تربیت استفاده کنیم از اینر و شعار مجله را یکی از آیات قرآنی قرار دادیم . و اما علت انتخاب این آیه این است که چون عقیده دانشمندان امروزه مغرب زمین این است که علم با عمل باید توأم باشد و تنها فرا گرفتن مشتی محفوظات کافی نیست و باید علوم را با مشاهدات خارجی توأم نمود و چون این آیه نیز همین امر را بیان نموده « بگو خود نظر کنید تا در آسمان و زمین چه میبینید » و تقریباً موید اثبات این عقیده است لذا ما آن را شعار مجله قرار دادیم .

مقاله های تاریخی آقای اقبال آشتیانی و مخصوصاً دو مقاله ایشان در باره زندگانی (محمد بن زکریای رازی) شماره اول از صفحه ۱۲ تا ۲۰ و دیگر را جمع به شرح احوال خواجه ابوالفضل بیهقی (از صفحه يك تا صفحه ۱۰ شماره ۶) بسیار مفید و نافع است .

امتیاز چهارم اصول تعلیم از مجله اصول تعلیمات فهرست مندرجات است که در هر شماره اصول تعلیم با ذکر اسامی نویسندگان در پشت جلد مجله آورده شده در صورتیکه در مجله اصول تعلیمات با استثنای يك شماره بقیه بدون فهرست است .

با همه کوششی که آقای ابوالحسن فروغی و هیئت معلمین دارالمعلمین مرکزی برای نشر مجله بخرج میداده اند مع ذلك بیش از شش شماره از مجله مذکور منتشر نگردیده و در محاق تعطیل افتاده و رویبهرفته در مدت ششماه یعنی از پانزدهم حمل بیچی ثیل ۱۲۹۹ شمسی مطابق چهاردهم رجب ۱۳۳۸ قمری تا ۲۵ برج سنبله سال مذکور مطابق ۲۳ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۳۸ قمری شش شماره منتشر گردیده است . پس از انتشار شماره ششم بواسطه علل و جهانی که ما از آن اطلاعی نداریم

مجله برای همیشه تعطیل گردیده و دیگر منتشر نشده است گرچه آقای ابو الحسن خان فروغی ؛ در غلطنامه شش ماهه مجله ؛ در جائیکه عدم انتشار بعدی مجله را باطلاع میرساند و عده انتشار مجله جدیدی را با اسم مجله (فروغ تربیت) بعوض مجله سابق ؛ بعنوانندگان داده است ولی چون مجله جدید بهیچ وجه ارتباطی با وزارت فرهنگ و دارالمعلمین مرکزی نداشته و موسس و مدیران خود آقای فروغی بودند بنا براین نمیتوان آنرا دنباله مجله اصول تعلیم دانست . اعلانی که فروغی راجع باین قسمت نموده بدین قرار است :

« اعلان - نظر بمصالح چند طبع مجله اصول تعلیم بعنوان تعلق بوزارت جلیله معارف از این تاریخ متروک خواهد بود لیکن برای آنکه از طرف نگارندگان اخیر مجله که از حوزه دارالمعلمین مرکزی بوده اند در اشاعه معارف تقصیری نرفته باشد و منظور مقدس موسسین دارالمعلمین و مجله اصول تعلیم عاقل نشود بلکه کامل تر بعمل آید مجله آزاد علمی و تربیتی با اسم (فروغ تربیت) بصاحب امتیازی آقای میرزا ابوالحسن خان فروغی ومساعدت مجمع فروغ که در همان مجله معرفی خواهد شد بطبع خواهد رسید انشاءالله تعالی »

پس از این اعلان راجع بجزایای مجله فروغ تربیت و اینکه ممکن است بواسطه اشکال کار طبع و قطع کاغذ مجله نسبت بمجله اصول تعلیم کوچکتر باشد شرحی نوشته که مادر مهمل خود از آن گفتگو خواهیم کرد .

خلاصه سخن در باره مجله اصول تعلیم اینکه از مجله مذکور بیش از شش شماره منتشر نگردیده و این شش شماره متمم و مکمل شش شماره اصول تعلیمات بوده است و چون معمولاً در مقابل وجه آبونیه که مشترکین میپردازند باید یکسال مجله یا روزنامه تحویل گردد و از طرفی چنانچه خواهیم دید مشترکین مجله اصول تعلیمات بیش از شش شماره دریافت نکرده اند لذا موسسین مجله اصول تعلیم شش شماره منتشره را بمنزله ادای دین دانسته و از مشترکین سابق وجه آبونیه جدیدی مطالبه نکرده و در مقابل پولیکه مشترکین پرداخته یک یا دوازده سال شماره مجله فرستاده اند .

مطالب مذکور مستخرج از مقاله چند سطر بیست که در صفحه آخر شماره ۶ تحت عنوان (خاتمه دوره ششماهه ؛ گفتنیهای اداره) ذکر شده و ما برای مزید اطلاع خوانندگان عین عبارت مقاله را در اینجا ذکر میکنیم : « يك دور شش ماهه از مجله اصول تعلیم در تحت اداره دارالمعلمین مرکزی باین شماره بآخر رسید و قرض وزارت معارف بمشترکین که از ایشان مبلغ ناقابل دوتومان یا هیجده قران با اسم وجه اشتراك سالیانه دریافت شده بود (در صورتیکه خرج طبع و کاغذ هر يك دوره سالیانه بشتهائی در حدود بیست و چهار قران بوده است) از حیث شماره مجلدات

بسنگ تمام ادا شد . با چه وسائل؟ باهتتام کدام کس؟ از موضوع خارج است ۰۰۰۰
 اکنونکه مشغول نوشتن این خاتمه هشتم دوماه ونیم از موقع معهود نشر این
 شماره که تاریخ آنرا روی جلد ملاحظه میفرمایند گذشته بجای آنکه علل این تعویق
 را برای خوانندگان شرح دهیم باختصار عرض میکنم ؛ از این تاخیر معذرت میخواهیم...
 مجله اصول تعلیم غالباً در ۲۸ صفحه و گاهی در ۳۲ و ۳۴ صفحه با چاپ سری در مطبعه
 فاروس طهران طبع و منتشر شده و وجه اشتراك آن همان وجه اشتراك مجله اصول تعلیمات است.

میرزا ابوالحسن فروغی

میرزا ابوالحسن فروغی متولد در سال ۱۳۰۰ قمری در طهران از خاندان فضل
 و دانش فرزند میرزا محمد حسین معروف بفروغی مدیر روزنامه تربیت (شرح احوال
 وی در حروف ت این کتاب بتفصیل خواهد آمد) و برادر کهنتر مرحوم محمد علی فروغی
 سیاستمدار و دانشمند ایران که مدتها مناصب و مشاغل بزرگ دولتی را از قبیل پست
 وزارت خارجه ، وزارت جنگ ، وزارت دارائی و در سنوات اخیر ریاست و وزارت
 دربار را عهده داشت ؛ میباشد . میرزا ابوالحسن خان فروغی خود نیز مردی فاضل و
 دانشمند و فیلسوف و طبعی شاعرانه دارد کتاب ۰۰۰ از آثار طبع اوست . وی سال
 های سال در خدمت وزارت فرهنگ بود و مدتی ریاست دارالمعلمین مرکزی (بعداً تبدیل
 بدانشسرای عالی گردید) را داشت و در هنگام تحریر این سطور هنوز در قید حیات
 و در دانشکده حقوق و دانشکده معقول و منقول بتدریس مشغول است .

(۱۴۶) اصول تعلیمات

هاتقسم که در سابق اشاره کردیم تاسیس مجله اصول تعلیمات در زمان
 وزارت فرهنگی مرحوم نصیرالدوله بدو مجله مذکور تحت نظر اداره تفتیش وزارت
 فرهنگ منتشر شده و بهمین مناسبت در پشت جلد و عنوان مجله جمله « تاسیس مجله
 در عصر وزارت آقای نصیرالدوله » چاپ گردیده است . شعار مجله عبارت از
 تصویر يك كتاب و پرگار باز و يك گونيا و خط کش می باشد که این دو اسباب
 اخیر در داخل یکدیگر قرار گرفته و همه اینها در زیر اسم مجله (اصول تعلیمات)
 که با خط نسخ نوشته طبع شده است .

شماره اول مجله در برج حمل سال ۱۲۹۸ شمسی و شماره دوم و سوم آن متعلق
 ببرج ثور و جوزا یکجا منتشر شده است . علت تاخیر انتشار مربوط بموجود نبودن
 کاغذ مرغوب و پاره اشکالات دیگر که در مطبعه روی داده ؛ بوده با اینکه این
 دو شماره یکجا منتشر گردیده با وجود این هر کدام دارای صفحه شمار مخصوصی
 است و شماره دوم ۳۶ صفحه و شماره سوم ۲۰ صفحه بهمان قطع شماره اول

و قیمت دو شماره جمعا دو قران است .

شماره ۴ و ۵ مجله نیز یکجا منتشر گردیده و علت هم طبق اختطاری که در شماره اخیر ذکر شده این بوده که وزارت معارف خواسته است شش جزوه و نیم کنفرانسهای آقای دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم) را قبل از افتتاح مدارس چاپ و بمدارس ارسال دارد . از اینرو شش جزوه و نیم کنفرانس های مزبور ضمیمه گردیده و دو شماره مجله را تشکیل داده است . شماره ششم مجله که آخرین شماره مجله بنام اصول تعلیمات میباشد در برج سنبله ۱۲۹۸ قوی میل با همان قطع و وضع شماره های سابق ، در ۳۲ صفحه چاپ و منتشر و قیمت آن سه قران معین گردیده است .

مجله اصول تعلیمات چون از انتشارات وزارت فرهنگ است مدیر مسئول مخصوصی نداشته و همانطور که سابقا گفتیم تحت نظر اداره تفتیش وزارت فرهنگ بوده است . مجله اصول تعلیمات ماهی یکبار غیر مرتب منتشر و هرنوبت هزار نسخه از آن طبع میشده است ؛ مجله مذکور با چاپ سربی و محل طبع آن مطبعه روشنائی طهران واقع در خیابان علاءالدوله است .

مذرجات مجله مشتمل بر یک قسمت مطالب فنی ، مخصوصی وزارت فرهنگ از قبیل راپورت امتحانات . نتیجه امتحانات مدارس طهران و احصائیه مدارس و دو قسمت علمی و عملی است . نویسندگان آن آقایان دکتر علی اکبر سیاسی ، اسماعیل مرآت ، حبیب الله آموزگار ؛ معین قریب ، رضا فهیمی ، ا . اشرف ، ع ؛ اشرف حبیب الله صحیحی و دکتر عیسی صدیق و کاسپار ایبکیان اند . این آقایان بعد از صاحب منصبان عالیرتبه وزارت فرهنگ گردیده و هر کدام مشاغل مهمی را در آن وزارتخانه عهده دار شده اند .

(۱۴۷) اطاق تجارت

مجله اطاق تجارت بمدير مسئولی آقای (ع.باس مسعودی) مدیر روزنامه اطلاعات و اطلاعات هفتگی ، در تهران تاسیس و شماره اول آن در ۱۵ آبان ماه ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است . مقاله افتتاحی شماره اول بدینقسم شروع میگردد : « ترقیات و سعادت حقیقی ملت و مملکت را تجارت تضمین مینماید اساس و شالوده تشکیلات هر مملکت ترقی و تعالی هر ملت مستقیما منوط و مربوط بتجارت است » این شماره بضمیمه صفحات اعلان آن جمعا ۵۶ صفحه بقطع وزیری متوسط می باشد .

مجله مذکور که ارگان اطاق تجارت طهران بوده و در پشت جلد آن تصویر اطاق تجارت چاپ شده ، قبل از این تاریخ بنام (راهنمای تجارتمی ایران) بمديری (فرخ دین پارسای) منتشر میشده و در این تاریخ بعلل وجهاتی که ذیلا بدان

اشاره خواهیم کرد؛ آقای فرخ دین پارسای، از اداره امور مجله کناره گرفته و مجله دیگری بنام (عصر جدید) جداگانه و بدون ارتباط و بستگی با اطلاق تجارت منتشر نموده و از این رو اطلاق تجارت طهران ناچار با انتشار مجله ای بنام مذکور گردیده است.

آقای فرخ دین پارسای در شماره اول مجله عصر جدید (از این مجله در حرف عین کتاب گفتگو خواهیم کرد) و یاراهنمای تجارتهی ایران؛ تحت عنوان (عصر جدید و اطلاق تجارت طهران) شرحی در باره جدائی خود و انتشار مجله با این نام نوشته که برای روشن شدن موضوع قسمتی از آنرا نقل میکنیم: «البته تغییر روش عصر جدید و انتشار مجله شبیه بآن باسم (اطلاق تجارت) ایجاب میکرد که پیش آمدهای نسبت باین موضوع با اطلاع قارئین برسد ولی از آنجا که عصر جدید همیشه پیرو حفظ نزاکت و متانت شخصی بوده است هیچ در این باب ننوشت و اگر ادب و احترام نسبت بمشترکین و خوانندگان که سولاتی در این باب مینمایند نبود حال هم چیزی نمینگاشت. اینک خلاصه از علت جدائی: موقع تصمیم با انتشار عصر جدید بعضی از آقایان منورالفکر اطلاق تجارت طهران پیشنهاد نمودند که این مجله خود را ارگان رسمی اطلاق تجارت قرار دهد. و در مقابل آنها هم کمکهائی از حیث تکثیر انتشار باین مجله بنمایند. این وعده البته برای تجدید حیات يك مجله مقتضی و قابل قبول بود و این اداره هم بقبول آن تن درداد ولی متأسفانه باید اذعان شود که نه تنها از طرف اطلاق تجارت طهران ایفای بعهده نشد بلکه آزادی کارکنان این اداره هم سلب گردید زیرا در هر موضوعی کارکنان این اداره با یتی تابع و مدافع نظریات بی فلسفه اطلاق تجارت طهران واقع شوند کارکنان این مجله با ملاحظه جریانیکه چندان مطلوب نبود فقط باین دلخوش بودند که هر جریانی هست بخارج انعکاس ندارد و باصطلاح دست در آستین شکسته است باین جهت حفظ قول نموده و بخدمت خویش ادامه و حتی توسعه هم داده میشد در مرداد ماه جاری یکی از جراید مرکزی توجه نظری با اطلاق تجارت طهران کرده و گوشه از پرده این صحنه را بالا زد که کارکنان این اداره را وادار نمود بر ای حفظ حیثیت خود، خویش را کنار کنند لهذا در تاریخ اول مرداد ۱۳۰۸ که مصادف با انتشار جریده مذکور بود موقع را مقتضی شمرده و تحت نمره ۴۵۲ استمفء خویش را با کتمان علل آن که متانت و حفظ ادب ایجاب میکرد با اطلاق تجارت طهران تقدیم نمود.» چنانچه فوقاً ذکر شد و از مقاله فرخ دین پارسای نیز معلوم میگردد پس از کناره گیری فرخ دین پارسای، اطلاق تجارت طهران؛ مجله ای بدین نام. به مدیریت مسئولی آقای عباس مسعودی تاسیس و شماره اول آن در ابان ماه سال ۱۳۰۸ منتشر گردیده. مجله اطلاق تجارت از بدو تاسیس تا دو سال مرتباً ماهی يك شماره

و از ابان ۱۳۱۰ ماهی دو شماره و جمعاً تا آخر سال ۱۳۱۰ ۲۴ شماره منتشر شده و از این پس نیز مدت چند سال انتشار یافته است .

مجله اطلاق تجارت هر نوبت در ۵۶ صفحه بقطع خشتی بزرگ که قسمتی از صفحات اول و آخر آن مخصوص آگهی است با چاپ سربی در مطبعه مجلس چاپ و منتشر شده و در سال اول در پشت جلد اغلب شماره ها عکس یکی از اینه تاریخهای ایران گراور شده است

وجه اشتراك مجله در طهران و ولايات ساليانه يك تومان و خارجه دو دلار و تك شماره يك قران و بعدا بدو تومان و تك شماره دوربال ترقی یافته است و چون قسمتی از صفحات مجله مذکور مخصوص چاپ اعلان و پروپاگاندا كالاهاى تجارتمی بوده از این جهت اعلان در آن اهمیت داشته و قیمت آگهی بدین صورت تعیین شده است : برای یگماه : يك صفحه ۳۰ تومان ، نصف صفحه ۱۵ تومان ربع صفحه ۷٫۵ تومان برای سه ماه بترقیب ۸۰ تومان ؛ ۴۰ تومان ، ۲۰ تومان . برای ششماه : ۱۵۰ تومان ؛ ۷۵ تومان ۴۰ تومان . برای یکسال ۳۰۰ تومان ۱۵۰ تومان ۷۵ تومان نسبت ماهانات تکراری تخفیفات دیگری داده خواهد شد . محل اداره : خیابان لاله زار كوچه برلن . همانقسم که یاد آور شدیم قسمتی از صفحات اول و آخر مجله مخصوص درج اعلانات مختلف میباشد و از اینرو در هر شماره چند صفحه از اول و آخر مجله بچاپ آگهیهای مهم تجارتمی بزبان فارسی و خارجی اختصاص داده شده و نیز ستونی بمنظور شناسائی تجار خارجی و هم چنین قسمتی از مطالب مهم مجله به زبان فرانسه چاپ گردیده است . از اینگونه مطالب که بگذریم مندرجات مجله عبارت از مطالب مختلف مربوط بتجارت و تصدیقات و مذاكرات اطاقهای تجارت طهران و ولايات می باشد . برای نمونه فهرست مندرجات شماره چهارم مجله را نقل مینمائیم : شرکت . قالی بافی در ایران از لحاظ فنی و اقتصادی . اطلاعات تجارتمی (راپورتهای واصله باطابق تجارت) راپورت اداره نوغان ایران . (راپورت مذکور که بوسیله حاج محتشم السلطنه رئیس و صاحب امتیاز نوغان ایران بدو مجله رسیده در چند شماره چاپ شده است) محصول پنبه ایران چگونه پیشرفت و ترقی میکند . هفته پنبه - رقص پنبه . تکذیب . درگمرک بغداد . متحدالمال های گمرکی خلاصه مذاكرت اطلاق تجارت . بازار مکاره پاریس نظامنامه اخذ حقوق گمرکی (دنباله مقالات سابق است) تعرفه گمرکی - حقوق واردات . اطلاق تجارت مشهد . اقدامات دولت نسبت بجلوگیری از بهران پول . و اما فهرست مندرجات شماره (۱۴۰) متعلق بسال هفتم مجله که در نیمه دوم مرداد ۱۳۱۵ شمسی انتشار یافته بدین قرار است : تهیه اجناس در ایران . اطلاق تجارت ایران و آلمان . اعتبار . تعرفه جدید گمرکی . بانكهای بزرگ انگلیس . موسسه برق شو شتر . مظنه اجناس در بازار لندن . شرکتهای جدید تجارتمی در ایران . متحدالمال های گمرکی .

اخبار اقتصادی ایران و خارجه در پانزده دوم مرداد ماه، اعلانات •
توضیح آنکه در این سنوات تعداد صفحات و اعلانات • مجله اطلاق تجارت خیلی
تقلیل یافته و شماره مذکور در ۳۰ صفحه چاپ شده است • مجله اطلاق تجارت از مجلات
مفید و برای اطلاع از وضع تجارت و شناسائی تجار و مردم از کالاهای صادراتی و
وارداتی کمال لزوم و اهمیت را داشته و اکنون نیز این لزوم احساس میگردد و
معلوم نیست چرا انتشار آن قطع گردیده است • مجله مذکور هرنوبت ۲۲۵۰ نسخه
نشر میشده و همین کثرت انتشار دلیل اهمیت آن بوده است •
برای اطلاع از شرح احوال آقای عباس مسعودی بنذیل روزنامه اطلاعات کتاب
مراجعه شود • نا گفته نماند که مجله اطلاق تجارت که فوقاً شرح آن ذکر شد غیر
از مجله (تجارت) می باشد که در ابان ۱۳۰۶ بمدیرى دکتر اسلامی تاسیس و
منتشر گردیده و در حرف ت کتاب جداگانه از آن گفتگو خواهیم کرد •

(۱۴۸) اطلاق تجارت ایران و آلمان

مجله اطلاق تجارت ایران و آلمان از طرف اطلاق تجارت ایران و آلمان بزبان
فارسی و آلمانی در شهر برلین پابنخت آلمان منتشر شده است • شماره دوم سال
اول مجله مذکور در مهرماه ۱۳۱۵ شمسی مطابق اکتبر ۱۹۳۶ میلادی؛ بقطع خشتی
در ۲۲ صفحه بزبان فارسی و ۱۰ صفحه بزبان آلمانی با جلدی نفیس و کاغذ و
چاپی مرغوب طبع و توزیع گردیده مندرجات مجله بیشتر مطالب مربوط بر وابط
تجارتی ایران و آلمان و مندرجات شماره دوم آن بدین قسم است: گزارش گشایش
اطلاق تجارت ایران و آلمان در برلین در تاریخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۳۶ •
(توضیح آنکه در آن هنگام رئیس اطلاق تجارت آقای فلاح بوده است) •
مقررات مهم اسماری آلمان برای تادیه اجناس ایران • اهمیت صنایع آهن آلمان در
دنیا • اساسنامه اطلاق تجارت ایران و آلمان •
شماره يك سال دوم مجله اطلاق تجارت با همان سبك شماره هسای سال اول در
فروردین ماه ۱۳۱۶ شمسی نشر یافته و نگارنده شماره دوم سال دوم مجله را نیز دیده
ام ولی از شماره های بعد آن دیگر اطلاعی ندارم
با در نظر گرفتن باینکه دولت آلمان بعد از جنگ بین الملل اول و بخصوص
بعد از سنوات ۱۳۱۰ شمسی تا چه پایه بروابط اقتصادی خود با ایران اهمیت میداد
و درصدد توسعه آن میبود، معلوم میشود که منظور از ایجاد و نشر مجله اطلاق تجارت
ایران و آلمان بر چه اساسی بوده و اولیاء دولت آلمان از این نشریه چه استفاده ای در
نظر داشته اند • بهر جهت وجود این نشریه کمک بزرگی باشناسائی و توسعه روابط
اقتصادی دو کشور میکرده است •

(۱۴۹) اطلاع

یکی از روزنامه هائیکه در زمان ناصرالدین شاه تاسیس شده و مدتی انتشار یافته روزنامه اطلاع است . انتشار این روزنامه و سایر روزنامه های نیم رسمی دولتی که در زمان شاه مذکور منتشر میشده بعهده وزارت انطباعات و بنا بر این وزیر انطباعات وقت مدیر روزنامه نیز بوده منتهی اداره مخصوصی در وزارت انطباعات بنام اداره روزنامهجات دولتی بوده که اعضای آن عبارت از نویسندگان و مترجمین و نقاشان و مباشرین مطابع دولتی بوده اند . انتشار روزنامه اطلاع مصادف با وزارت انطباعات محمد حسن خان صنیع الدوله بوده و چون در همین تاریخ ؛ چنانچه در جای دیگر این کتاب بتفصیل بیان خواهیم کرد ، روزنامه نیم رسمی دیگری بنام ایران نیز منتشر میشده لذا صنیع الدوله مدیر دو روزنامه اطلاع و ایران بشمار میرفته است . ناصرالدین شاه در اوایل سال ۱۲۸۸ قمری اداره امور روزنامه های دولتی را از علیقلی میرزا ملقب باعتضاد السلطنه گرفت و بعهده محمد حسن خان ملقب به صنیع الدوله ؛ واگذار نمود . صنیع الدوله . در سال مذکور ؛ بجای سه روزنامه دولتی و ملتی و علمی که در آنوقت منتشر میشد ؛ روزنامه ایران را هفته سه شماره تاسیس نمود و هر سه روزنامه را تعطیل کرد تا سال ۱۲۹۸ قمری که علاوه بر روزنامه ایران ؛ بمنظور آگاهی ایرانیان از اوضاع سیاست جهان روزنامه اطلاع را نیز تاسیس و منتشر ساخت .

شماره اول روزنامه اطلاع روز دوشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۲۹۸ قمری مطابق ۲۸ مارس ۱۸۸۱ میلادی ؛ در چهار صفحه بقطع بزرگ . با خط نسخ و با چاپ سنگی ؛ در مطبعه دولتی طبع و منتشر شده این روزنامه برای کسانیکه روزنامه ایران را آبونه بوده مجانی داده میشده و برای غیر از صاحبان روزنامه ایران در طهران قیمت سالیانه هیجده هزار و در سایر ولایات نوزده هزار و پنجشاهی بوده روزنامه اطلاع هفتگی بوده و شماره دوم آن در تاریخ دو شنبه چهارم جمادی الاولی ۱۲۹۸ قمری منتشر شده است .

تاسیس و انتشار روزنامه اطلاع ، با اینکه در آن موقع روزنامه ایران مرتباً هفته سه شماره منتشر میشده ، بمنظور آشنا ساختن ایرانیان با اوضاع سایر کشورهای جهان بوده چه مندرجات روزنامه ایران ، چنانچه بعداً در کلمه ایران کتاب خواهیم دید ؛ بیشتر مربوط بحوادث و اتفاقات داخلی و شکار رفتن شاه و رقایع قابل ذکر دربار است در صورتیکه در روزنامه اطلاع خیلی کمتر مطالبی از این قبیل دیده میشود . مثلاً در همان شماره اول ، بدون ذکر مقدمه که غرض از تاسیس روزنامه را بیان نماید ؛ مقاله بدین عنوان (پلتیک . مسئله تعیین حدود

کشته ولغت دکانها و مغازه ها را چپاول کردند ؛ فریاد از ظلم این ظالم خونخوار دیوانه . اعظم الدوله و فقیم السلطنه و عیسی خان هم خفه هم قطعه قطعه هم بدار هم آتش زد . اعتلاء الدوله کارگزار عربستان را که انگلیسها واقع سبب کشتن او شدند که عزاش را از محرمه خواستند با میرزا جعفر خان ؛ برادر زنش ، بوا سطره نشر فتحنامه با فضیحتی بسیار آورده بدار کشیدند و او را تیر باران کردند دو روز نعلش او بود تا همشیره های بیچاره و اقوامش نیبه شب آمده با پول گزاف او را پارچه شده بردند دفن کردند . دیگر مالی و حالی باقی نماند . عجب آنکه این شریر وحشی اروغ سلطنت هم میزند خوب است اینرا پادشاه خرابها و بیمارستان ها بکنند چرنکه این شخص بجز خرابکردن و آدم کشتن هیچ هنری ندارد .
این بود شرح کشته شدن اعتلاءالدوله در کرمانشاه . مدیر چهارم . نما عکس اعتلاءالدوله را در زیر شرح فوق گراور کرده است . و اما میرزا جعفر خان ناظم اداره اصفهان برادر زن اعتلاءالدوله است .

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی راجع بروزنامه اصفهان بیک سطر قناعت کرده مینویسد روزنامه هفتگی اصفهان با چاپ سنگی در سال ۱۳۲۵ قمری مطابق ۱۹۰۷-۸ میلادی ، در اصفهان تاسیس و منتشر شده است (ص ۴۲ کتاب)

(۱۴۱) اصلاح

روزنامه اصلاح بزبان فارسی بمدیری (دکتر میرزا جلیل خان موید الحکما) برادر کهنتر دکتر خلیل خان اعلم الدوله ؛ در شهر پاریس ؛ تاسیس و در ماه ربیع الاول ۱۳۴۶ قمری مطابق ۱۹۰۸ میلادی انتشار یافته است این روزنامه ماهی دو مرتبه طبع و مشتمل بر مطالب سیاسی ؛ علمی ادبی است . بیشتر مندرجات آن مطالب روزنامه های خارجی و تلگرافات راجع بایران است که از روزنامه فرانسه و فیره ترجمه شده و در آن نشر شده و خلاصه اینکه مدیر روزنامه اصلاح سعی کرده است هموطنان خود را باحوال و اوضاع جهان و بتکالیف مقرر راهنمایی نماید . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۴۲ پس از بیان دوسه سطر از کتاب بشرح فوق مینویسد : من نمره یک ؛ ۲ و ۶ و ۷ این روزنامه را در دست دارم ، هر شماره آن از چهار تا هشت صفحه بقطع ۸ و نیم تا ۱۱ و نیم سانتیمتر و محل اداره آن در پاریس خانه نمره ۸۲ خیابان سن مارسل میباشد . روزنامه اصلاح بغط نستعلیق نوشته شده است .

(۱۴۲) اصلاح

روزنامه اصلاح بزبان فارسی در شهر بمبئی هندوستان بمدیری (محمد رضا بوشهری) و با خط نسخ و چاپ سنگی منتشر گردیده است . برون در کتاب مطبوعات

از ترجمه احوال مرحوم میرزا حسینخان اعتلاء الدوله .

شرح احوال میرزا حسینخان اعتلاء الدوله

میرزا حسینخان اعتلاء الدوله در سال ۱۲۷۹ قمری در طهران بدنیا آمد و پس از کسب معلومات زمان خود وارد خدمات دولتی گردید و سالها در وزارت خارجه مشغول خدمت میبود . در اوایل مشروطیت ، در سال ۱۳۲۵ قمری بریاست عدلیه کرمان منتخب گردید و در مدت کمی که باین سمت در کرمان بود خدمات بزرگی انجام داد و معنی عدالت و آزادی را ب مردم آن سامان حالی کرد ولی چون هنوز وقت و موقع اقتضای اینگونه اقدامات را نداشت بزودی منفصل شد و باصفهان آمد و در آن شهر بتاحیس و نوشتن روزنامه های اصفهان و نقش جهان پرداخت تا از این راه خدمتی بنوع نماید و انصافا خوب هم از عده بر آمد .

دو سالی در اصفهان بود تا اینکه در محرم ۱۳۲۸ قمری از طرف دولت ب سمت کار گزار خوزستان بمعمره رفت . در آنجا لدی الورود بیرق کارگزاری را بالا برد و دستور داد هر شب چراغی بر بالای آن نصب کنند که شبها مسافرینی که از در با و خشکی بطرف بندر می آیند هدایت شوند و نیز برای حفظ حیثیات کشور دستور تعمیر این شهر را صادر نمود که در انظار خارجیها نمایشی داشته باشد . در آغاز ورود اعتلاء الدوله شهرت داشت که کمپانی نفت ایران و انگلیس در جزیره آبادان اقدام بساختن قلعه نظامی نموده و در آنجا اسلحه ذخیره کرده ؛ اعتلاء الدوله مامور رسیدگی باین موضوع شد و معلوم شد قضیه حقیقت ندارد . اعتلاء الدوله در مدت توقف خود در خوزستان سردار ارفع (شیخ خزعل) را تشویق کرد که مدرسه بنام (خزعلیه) تاسیس نماید و مدرسه مذکور در دوازدهم ذیحجه ۱۳۲۸ قمری افتتاح گردید و مدت ها در خوزستان دایر بود .

اعتلاء الدوله . در سال ۱۳۳۰ قمری . در سن پنجاه و یکسالگی ؛ در واقعه سالارالدوله در کرمانشاه شهید مظالم ستمکارانه این مرد مستبد و جبار گردیده ؛ بدون گناه او را بدار کشیده تیر باران کردند .

تفصیل بدار کشیده شدن اعتلاء الدوله و حمله سالارالدوله را بشهر کرمانشاه در شماره ۶ سال نهم جریده چهره نما ؛ منطبعه قاهره ؛ مورخ ۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۰ قمری بدین قسم آورده است :

« کرمانشاه - پس از آنکه فتحنامه یار محمد خان منتشر شد و اعظم الدوله بغیال آنکه سالارالدوله فرار کرده بنظم شهر پرداخت که طولی نکشید سالار وارد شد تا اعظم الدوله آمد بغرود آید در شهر ریختند . چشم کافر نبیند که این خونخوار وحشی چه کرد بغداد زنها و دخترها را یغما و بی بصیرت (ا) و مردهای پیر کاسب را

چشمه آب سرد در شهر اهواز
چشمه آب سرد در شهر اهواز
چشمه آب سرد در شهر اهواز
چشمه آب سرد در شهر اهواز
چشمه آب سرد در شهر اهواز

اطلاع

چشمه آب سرد در شهر اهواز
چشمه آب سرد در شهر اهواز
چشمه آب سرد در شهر اهواز
چشمه آب سرد در شهر اهواز
چشمه آب سرد در شهر اهواز

اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد...

تقریباً... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد...

اطلاع در مورد...

اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد...

اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد...

اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد...

اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد... اطلاع در مورد...

عکس يك صفحه از روزنامه اطلاع

اطلاع نیز بمدیری و تحت نظر اعتماد السلطنه چاپ و منتشر میشده است .
 نویسندگان و مترجمین و کسانیکه در کار طبع و نوشتن این روزنامه دخالت داشته عبارت اند از ؛ میرزا سید حسن منشی و نویسنده و مترجم عربی میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی مصحح و منشی و مترجم عربی ، میرزا علی محمد ناظم اداره روزنامه و چاپخانه و نیز مترجم عربی ؛ میرزا سید احمد کاتب روزنامه ، میرزا ابوتراب نقاش چاپخانه ، میرزا سید ولی مرتب کننده حروف فرنگی و ایرانی چاپخانه ؛ میرزا مهدی مهرر چاپخانه . استاد محمد ابراهیم استاد مخصوص طبع روزنامه ؛ استاد محمد اسماعیل صحاف ، ملا غلامحسین مذهب .
 پر واضح است که در طول مدت نزدیک بیست سال انتشار روزنامه در بعضی از اشخاص نامبرده تغییر و تبدیلی حاصل گردیده ولی اصول تشکیلات روزنامه و چاپخانه دولتی بشرح فوق بوده است .

آنچه نگارنده بطور قطع اطلاع دارد روزنامه اطلاع تا بعد از سال ۱۳۱۷ قمری منتشر میشده است ؛ چنانچه در نمره ۹۷۴ روزنامه ایران مورخ ذیحجه ۱۳۱۷ قمری بمناسبت فرارسیدن تعطیلات عید و عدم انتشار روزنامه اطلاع و ایران از مشترکین عذر خواهی شده است ولی برون در کتاب خود مینویسد : « ص ۴۳ مطبوعات و شعر فارسی » روزنامه اطلاع و ایران تا سال ۱۳۲۵ قمری منتشر می شده اند و من از نمره ۱۹-۱۵- سال ۲۹ اطلاع را (۲۹ نوامبر ۱۹۰۶ و ۱۱ آوریل ۱۹۰۷) در دست دارم ولی چون مولف مذکور سال تاسیس روزنامه را اشتباه ضبط کرده (۱۴۹۵ قمری) لذا باین قسمت از نوشته اوچندان اعتماد نمیتوان کرد .

(۱۵۰) اطلاعات

روزنامه اطلاعات سردبیری (میرزا علیخان زنجانی) و مدیر مسئولی (حسین خان) در طهران تاسیس و در سال ۱۳۳۱ قمری بطور هفتگی منتشر شده است . شماره ۱۰ سال دوم که نمره مسلسل ۵۵ را دارد در تاریخ پنجشنبه ۳ ذیحجه ۱۳۳۲ قمری مطابق ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۴ و اول میزان بارس نیل ؛ در ۶ صفحه ، بقطع بزرگ و با چاپ سربی (مطبعه بوسفور - طهران) منتشر گردیده .
 روزنامه اطلاعات در دو قسمت فارسی و فرانسه که هر کدام درشش صفحه جد گانه نوشته میشده و همان مطالب و مندرجات قسمت فارسی روزنامه بزبان فرانسه ترجمه میشده ؛ انتشار یافته و جمعا هر شماره دوازده صفحه بوده است .
 خصوصیات قسمت فرانسه روزنامه از لحاظ مطالب و قطع روزنامه و حتی (مطبعه همان مطبعه بوسفور) با قسمت فارسی روزنامه یکسان و هیچگونه تفاوتی در بین نیست .

سرمقاله قسمت فارسی اطلاعات (شماره ۱۰) بعنوان (جنك اروپا) و بدین قسم شروع میگردد ؛ « موقع تعرض فرانسویها - از ۷ سپتامبر شروع گشته و در ۱۲ و ۱۳ اهیتی کسب نموده و در ۱۴ سپتامبر قشون آلمان قریب یکصد کیلو متر درخاک فرانسه عقب نشسته دریک نقطه مجتمع گشته ... »

سرمقاله قسمت فرانسه همین شماره ده نیز تحت عنوان (جنك اروپا) شروع میگردد .

پس از درج سرمقاله که بیشتر مربوط بعوادم جنك بین المللی است اوضاع جاریه و بعد حوادث شهری و در صفحه ۵ اخبار خارجه بتفصیل و در صفحه ۶ چند آگهی درج است .

روزنامه اطلاعات در ابتدا هفتگی بوده ولی پس از مدتی هفته دو شماره نشر شده و رویهمرفته بیش از ۱۳۷ شماره درطول مدت انتشار، منتشر نگردیده است . شماره آخری که شماره ۹۲ - ۱۳۷ می باشد در تاریخ جمعه ۱۸ شوال ۱۳۳۴ قمری مطابق ۲۷ اسد لوی میل انتشار یافته و سرمقاله آن تحت عنوان (خدا حافظی موقتی اطلاعات) می باشد . در این سرمقاله پس از شرح مختصری راجع باوضاع جنك جهانی مینویسد : « روزنامه ما از دو سال باین طرف با وسائل ممکنه ضعیفه کوشش بارائه طرق مستقیمه حقه نموده ؛ در هر مورد حقیقت احوال را نشان داده درراه سعادت و نجات ایران همیشه دفاع ازحق نموده » تا میرسد با این که : « در این مدت چه تهمتهایی بما زدند که مزدور سفارت خانها هستیم ولی ما همیشه ازحق و عدالت دفاع کردیم قارئین محترم ایرانی و اروپائی وهم قلمهای بزرگ فرانسوی ما که مطالب اطلاعات را تشریح کرده وما را تشویق نموده انشآت آن را تعریف و تمجید مینمودند مسلما از تعطیل موقتی آن مطلع خواهند گردید . این است خدا حافظی موقتی اطلاعات . میشل »

در روزنامه کاوه چاپ برلین (شماره ۱۳ و ۱۴ سال اول) درضمن اخبار اخیر ایران تعطیل اطلاعات را مربوط بیسرفت قشون عثمانی در ایران و فتح همدان و شکست سیاست روسیه میداند مینویسد : « یکی دیگر از تاثیرات غیر مترقبه فتح همدان تعطیل روزنامه روس پرست اطلاعات است در طهران که مدیر آن يك ارمنی بود میشل نام . روزنامه مذکور مورخه ۱۸ شوال دره مقاله افتتاحیه خود بعنوان (خدا حافظی موقتی اطلاعات) تعطیل موقتی خود را بقارئین خبر میدهد منظور از مقاله افتتاحیه همان مقاله ابست که فوقا آن رانقل کردیم . در آخرین شماره اطلاعات که بعد از آن روزنامه منتشر نشده پس از خدا حافظی مذکور بشرح اوضاع جنك اروپا وجبهه فرانسه پرداخته است .

قسمت فارسی روزنامه اطلاعات همانقسم که سابقا نوشتیم بر رویری (میرزا

علیخان زنجانی) و مدیر مسئولی (حسینخان) و قسمت ضمیمه فرانسه بدمیری (آقای حاجیان) و (حسین یوسف زاده) اداره میشده و اغلب مقالات قسمت فرانسه بامضای (مراد) است. در عنوان روزنامه اطلاعات (روزنامه آزاد ملی) معرفی شده محل اداره: طهران. خیابان لاله زار. قیمت اشتراك: یکساله طهران ۱۵ قران ششماهه ۸ قران. ولایات داخله ۲۰ قران و ۱۱ قران، ممالک خارجه ۱۱ فرانک و ۶ فرانک. تک نمره چهار شاهی.

میشل حاجیان مدیر و نویسنده قسمت فرانسه اطلاعات

شرح احوال حاجیان - روزنامه بومیه اطلاعات در شماره ۶۴۳۳ سال بیست و دوم خود مورخ؛ پنجشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۲۶ شمسی بمناسبت درگذشت حاجیان؛ تحت عنوان (درگذشت یکی از خدمتگزاران قدیمی مطبوعات) شرح حال جامعی برای آن مرحوم ذکر کرده که چون از هر جهت جامع و کامل می باشد لذا ما عین آن را نقل می کنیم.

حاجیان چنانکه در شرح زیر خواهیم دید مدتها تنظیم و نوشتن مقالات (ژورنال دو طهران) را عهده دار بوده و این شغل را تا دقایق آخری عمر انجام می داد. بسمبکه عصر چهارشنبه موقبیکه از اداره ژورنال دو طهران عازم منزل خود بود در خیابان حشمت الدوله سکنه و همانجا فوت میکند. و بمناسبت همین وابستگی به دستگاه روزنامه اطلاعات شرح احوال و تفصیل بغاک سپردن او در ضمن دو شماره روزنامه اطلاعات و همچنین در مجله اطلاعات هفتگی نوشته شده است. اینک شرح احوال آن مرحوم بنقل از شماره های ۶۴۳۳ و ۶۴۳۴ اطلاعات:

د دیروز (منظور چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۲۶ شمسی است) کارکنان اطلاعات و ژورنال دو طهران یکی از همکاران کهن سال خود را که یکی از خادمین بسیار مطلع مطبوعات ایران بود، از دست داد و بیک اجل ناگهان گریبان رفیق گرامی ما آقای میشل حاجیان را گرفت و از میان ما درر بود. حاجیان در آغاز جوانی باسلا مبول رفت و تحصیلات خود را در آن کشور در مدرسه افسری آغاز کرد و پس از خاتمه تحصیلات مدتها در کشور فرانسه و سایر کشورهای اروپا بسر برد و در این مدت بدقایق زبان فرانسوی آشنا گردید و نویسنده قابلی در آن زبان شد.

در بازگشت ایران در اوایل تاسیس ژاندارمری بارتبه افسری وارد خدمت در ژاندارمری گردید و بواسطه اطلاعات گرانبهای نظامی و علم و دانش خود بدرجات عالی رسید و خدمات گرانبهایی در راه امنیت کشور نمود و مدتی هم در سال های سختی و مضیق عهده دار تامین غله و نان تهران بود ولی پس از آن بواسطه عشیقکه از جوانی بمطبوعات و روزنامه نگاری داشت از کارهای دولتی کناره گرفت و یکسر.

وارد خدمت مطبوعاتی شد و برای نخستین بار خبرهای خارجی را بزبان فرانسه ترجمه میکرد و در تهران انتشار میداد و در همین حال بود که چاپخانه نیز تاسیس کرد و در چاپخانه که تحت نظر این مرد شریف و خدمتگزار و درعین حال پیر یا اداره میشد بسیاری از روزنامه های درجه اول طهران چاپ میشد و انتشار می یافت هنگامیکه روزنامه (ژورنال دو طهران) ۱۳ سال قبل تاسیس گردید مسیوحاجیان بهضویت هیئت تحریریه و نویسندگی در ژورنال انتخاب گردید و از آن تاریخ تا روزمرك خود در ژورنال با کمال صمیمت و علاقمندی کار میکرد و زمانی هم سردبیری ژورنال را برعهده داشت .

این مرد دانشمند و پیرمرد شریف و دیرپروز در اداره با ما کار میکرد و آنچه در خیال ما و در اندیشه او خطوط نمیکرد این بود که وقتی از اداره باز میکرد دیگر نزد ما باز نمیکرد . در خیابان حشمت الدوله ناگهان سکنه میکند و بزمین می افتد و مردم گرد او جمع میشوند و در همین هنگام یکی از کارکنان روزنامه اطلاعات میرسد و فوراً با کمک مردم او را در یک تاکسی نهاده و باتفاق پاسبان بیمارستان وزیری برای درمان میبرند ولی بیمارستان بهد از اینکه جا نداریم از قبول بیزار بود داری میکند . ناگزیر راه مریضخانه دیگری پیش گرفته و او را بیمارستان ۳۰۰ تختخوابی میبرند و در آنجا دیگر بواسطه گذشتن وقت معالجات سودمند واقع نشد

و حاجیان در میگردد و اندوهی جاودانی در دل دوستان و آشنایان بمکارم اخلاقی خود باقی می گذارد . مرحوم حاجیان علاوه بر خدمات مستمر خود در بسیاری از مطبوعات کشور خیر نگاریکی از مجلات مهم سیاسی اروپا بود و درجرايد خارجی مقالات بیشماری در دفاع از مصالح ایران و معرفی کشور مادر سالهای پیش نوشته است .



تصویر حاجیان

باری این مرد شریف مانند همه اهل فضل و دانش در کشور خود غریب بود جز یکمده از نویسندگان قدیمی مطبوعات او را کسی نمیشناخت متواضع برد بار - راستگو - درستکار - و از همه بالا تر با

صفا و حقیقت بود و وطن خود ایران را که يك عمر با قلم و قدم بدان خدمت کرده بود از دل و جان ستایش میکرد و مقالات و نوشته های او در ژورنال دو تهران در طی سالها بهترین معرف روح پرشور و قلم حق گزار او بوده است . جنازه فقید ساعت ۵ بهد از ظهر امروز (منظور پنجشنبه ۲۹ مرداد مطابق ۲۱ اوت ۱۹۴۷ است

از بیمارستان سیصد تختخواهی با احترام و تجلیل تشییع گردیده دسته‌های گل بسیاری از طرف کارکنان روزنامه و چاپخانه ها نثار شده بود و جنازه در اکبر آباد دولا ب پس از اجرای مراسم مذهبی بظاک سپرده شد . «
در شماره روز شنبه مورخ ۳۱ اطلاعات بازتخت عنوان (حاجیان بظاک سپرده شد) مینویسد :

« شب جمعه گذشته ؛ در گورستان ارامنه در اکبر آباد دولا ب ؛ در حضور جمعی از روزنامه نگاران و مدیران چاپخانه ها و کارمندان روزنامه اطلاعات و ژورنال دو طهران ، یکی از خادمین کهن سال مطبوعات ایران بظاک سپرده شد . پس از آنکه تشریفات مذهبی طبق معمول مسیحیان در باره مرحوم حاجیان انجام گرفت عالی جناب (آبکار) خلیفه ارامنه نطق موثری درباره دوران زندگانی مرحوم حاجیان بزبان فرانسه ایراد کرد که ترجمه قسمت اول آن بفارسی از اینقرار است : آقایان اکنون با پایان یافتن مراسم دینی ، ما یکی از دوستان صمیمی و فعالان را بظاک میسپاریم . مرحوم حاجیان قریب ۸۰ سال عمر کرد ؛ این مدت اگرچه در برابر ابدیت و جاودانی طبیعت بسیار کم است ولی معینا برای اینکه بشود از آن بفتح اجتماع و بشریت استفاده کرد مدت خوبیست . حاجیان این ۸۰ سال را در راه اعتلای نام ایران و خدمت باین سرزمین پر افتخار صرف کرد ۲۰۰۰ »
پس از بیانات عالی جناب (آبکار) آقای مطیعی مدیر روزنامه کانون بنام مطبوعات و مدیران چاپخانه ها و همدا آقای عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات هر کدام شرح جامعی ، در باره خدمات آن مرحوم ایراد و بدین ترتیب مراسم تدفین حاجیان پایان یافت .

(۱۵۱) اطلاعات

در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه اطلاعات در تهران به مدیری (میرزا علی اکبر خان سلیمی) از تصویب شورای عالی معارف گذشته است آقای میرزا علی اکبر خان سلیمی مدیر وموسس مجله گلپای رنگارنگ وناشر دیوان و کلیات مصور عشقی است . مادر حرف کاف این کتاب از او گفتگو خواهیم کرد

(۱۵۲) اطلاعات

روزنامه اطلاعات بصاحب امتیازی ومدیرمسئولی (عباس مسعودی) در تهران تاسیس وشماره اول آن عصر یکشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ شمسی مطابق ۳۰ ذیحجه ۱۳۴۴ قمری روی بك ورق بزرگ که در مطبعه سربلی (روشنائی) چاپ شده ؛ منتشر شده است .

در بدو تاسیس اطلاعات بوسیله (مرکز اطلاعات ایران) که موسسه ای برای نشر مطبوعات فارسی در تهران بوده و آقای عباس مسعودی نیز در آن عضویت داشته نشر میشده و در شماره اول هم این موضوع تصریح شده یعنی در زیر اسم صاحب امتیاز و مدیر نوشته شده : « ناشر : مرکز اطلاعات ایران »

روزنامه اطلاعات یکی از روزنامه های کثیرالانتشار و متنوع و مفید ایران است و کمتر روزنامه، بغیر از چند روزنامه دولتی که در زمان ناصرالدین شاه منتشر میشده ؛ از قبیل وقایع اتفاقیه ؛ اطلاع ؛ ایران ؛ تاکنون مانند اطلاعات بدون وقفه و تعطیل انتشار یافته است . روش ملایم و سبک متین اطلاعات سبب گردیده که از بدو تاسیس تاکنون (شهریور ۱۳۲۰ شمسی) فقط یکبار ؛ بعد از وقایع ۱۷ آذر ۱۳۲۱ برای مدت چهار و سه روز توقیف و باز مجدداً منتشر گردد توقیف جراید نیز در این موقع بعلت پیش آمد وقایع ۱۷ آذر طهران بود و تمام جراید طهران از انتشار ممنوع گردیده و منحصرأ یک روزنامه از طرف دولت منتشر میشد .

چون پیش آمد و وقایع هفده آذر در تاریخ مطبوعات ایران اهمیت بسزائی دارد لذا قبلاً بشرح آن پرداخته ؛ سپس بقیه مطالب راجع بر روزنامه اطلاعات را شرح میدهیم .

تعطیل چهل و سه روزه اطلاعات و ارتباط آن با وقایع هفده آذر

در روز سه شنبه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ شمسی در نتیجه نارضایتی مردم از کابینه آقای قوام السلطنه و اختلافاتی که بین شاه و نخست وزیر وقت آقای احمد قوام (قوام السلطنه) موجود بود ، انقلابی در تهران پدید آمد که در تاریخ مشهور با انقلاب ۱۷ آذر گردید . در این روز که ابتدا عده از دانشجویان دانشکده حقوق در مجلس شورایی ملی مجتمع گشته سپس عده زیادی از مردم و آشوب طلبان بآنان پیوسته ؛ جمعی از نمایندگان مجلس که در بین آنها آقای عباس مسعودی ، مدیر روزنامه اطلاعات ؛ نیز وجود داشت ؛ مضروب و مجروح گشتند ، مغازه های خیابان اسلامبول غارت و اشیاء آنها بیغما رفت ؛ در خانه نخست وزیر را آتش زدند و نزدیک بود خود او را نیز بقتل برسانند ، خلاصه اینکه اگر اقدامات جدی ارتش و حکومت نظامی نمیبود یقیناً جمع زیادی مقتول و تا مدتی شهر تهران در حال انقلاب بود .

من جمله از اشخاصی که در این واقعه صدمه فراوان دیدند ، مدیر روزنامه اطلاعات و کارمندان این روزنامه بودند ؛ خود آقای عباس مسعودی ، مدیر اطلاعات ، در مقاله که پس از چهل و سه روز، در روزنامه تحت عنوان (باز داشت شدگان اطلاعات) نوشته شرح ما جری را اینطور ضبط کرده است :

در این چهل و سه روز که روزنامه ما تعطیل بود گذشته از ضرر و خسارت فوق العاده که در نتیجه توقیف ناروای اطلاعات بینگاه ما وارد آمد حوادث غم انگیزی بر من و خانواده ام و کارمندان روزنامه اطلاعات گذشت که با وجود تائر و تاسف فراموش نشدنی که از آن دارم مصمم بودم چیزی از آن بر زبان نرانم ۰۰ روز سه شنبه ۱۷ آذر هنگامیکه بقصد آرام کردن مردم و ابلاغ پیام شاهانه و بتصور اینکه با جمعی افراد بیفرضی سروکار دارم وارد صحن بهارستان شدم بتحریرک چند تن که از ذکر نام آن ها خودداری میکنم گروهی از اجامر و او با ش بمن حمله نمودند آنچه بر من در این لحظه و در این ساعت هولناک گذشت خود داستان مفصلی است که مختصری از آن را در مقاله دیگر برای شما حکایت خواهم کرد و فعلا از آن میگذریم ۰ با تنی خسته و کوفته درحالیکه غرق اندوه و تائر از این پیش آمد بودم بخانه رفته و در بستر بیماری افتادم ۰۰۰

ساعت ۱۰ روز پنجشنبه ۱۹ آذر آگاه شدم که مامورین شهربانی دو برادر من و چند تن از کارمندان اطلاعات را دستگیر نموده و در شهربانی بازداشت کرد ۰ اند من ابتدا نمیتوانستم این خبر را باور کنم و سخت برآشفتم برادران من و کارمندان اطلاعات چه گناهی کرده اند جرم آنها چیست آیا حقیقت دارد طو لی نکشید که مطلب روشن شد و معلوم گردید مرا که بیش از همه از وقایع ۱۷ آذر صدمه و آسیب دیده ام متهم نموده اند که در جریان این وقایع دست داشته و معرک و مسبب این بلوا و غارت بوده ام ۰ چه غلی داشت که این نسبت را بمن دادند میدانم و نمی دانم ۰ فقط این نکته را بخوانندگان محترم اطمینان میدهم که خودشان هم می دانستند که دروغ میگویند و این نسبت ها بمن و خانواده ام نمی چسبد بهر حال وقتی خبر گرفتاری برادران و کسانم را شنیدم باتلفن با آقای سپید احمدی فرماندار نظامی وقت و آقای سرتیپ اعتماد مقدم رئیس کل شهربانی اطلاع دادم که اگر سوء ظنی نسبت بمن و کسانم یا کارمندان روزنامه دارند از هر حیث برای بازجوئی و تحقیقات حاضریم و حتی اگر بخواهید از خود من هم بازجوئی کنید با این که قانون مرا مصون نموده حاضر برضایت خاطر هر کجا بگوئید حاضر شوم تا حقیقت روشن شود و اگر از کارمندان و کسان من اشخاصی را باز میخواهید و دسترس ندارید اطلاع دهید خودم آن ها را تسلیم خواهم نمود ۰ همین کار را هم کردم و اشخاصی را که میخواستند و اطلاع میدادند میفرستادم ۰ در این موقع هر یک از دوستان و آشنایان که بیادت من می آمدند شمه از شایعات خارج را برآیم حکایت میکردند یکی می گفت انتشار دارد مخبر اطلاعات درراس غارتگران خانه نغست وزیر را چاییده است دیگری میگفت میگویند مسعودی فلانقدر چک بانك از ۰۰۰ (منظور شاه است ۰ مولف) گرفته و حتی بعضی ادعا کرده بودند که شماره آنرا هم میدانند و بانك

ملی هم تصدیق کرده است .

شایه بی اساس سلب مصونیت و گفتگو از زندان و مجازات و تبعید و همه چیز میشد ؛ خلاصه آنچه تصور و پندار آدمی ممکن است خلق و ایجاد کند راجع بمن و چگونگی دخالت من در بلوا گفته بودند همه را با برد باری و صبر و حوصله تحمل میکردم زیرا چیزی که پیوسته مرا تعلق میداد و در برابر مصائب و سختی پایدارم میساخت اول لطف خداوندی و دوم اعتماد بقلب حق و حقیقت بود ۰۰۰۰۰۰ ده روز تمام گذشت و از آنها تحقیقات نکردند . پس از چندی تحقیقات خاتمه یافت و بی گناهی آنها مسلم شد ۰۰ ع . مسمودی »

این بود قسمتی از مقاله آقای مسمودی در باره گرفتاری ایشان در واقعه ۱۷ آذر .

چنانچه در سابق نوشتیم مدت چهار و سه روز روزنامه اطلاعات توقیف شد و علت توقیف هم نوشتن سرمقاله روزنامه شماره ۵۰۷۶ سال هفدهم مورخ دوشنبه شانزدهم آذر ۱۳۲۱ تحت عنوان (انتقاد از رویه دولت) بود سرمقاله مذکور بدینقسم شروع میشود : « آقای قوام میخواهند مقام خود را حفظ کنند و تا آخرین لحظه کاخ ابيض را ترك نگویند ، بسیار خوب ، بر این نظر ایشان ایرادی نیست اما روشی که برای حفظ مقام و موقعیت خود پیش گرفته اند با مقتضیات امروز بهیچ وجه وفق نمیدهد و حتی نمیتوان گفت کاملاً بلا تأثیر و بی ثمر است ۰۰۰ » خلاصه این مقاله انتقاد شدید از طرز حکومت و زمامداری شخص قوام السلطنه نخست وزیر وقت است و روزنامه اطلاعات برخلاف سبک معمول و همیشگی خود در این مقاله بشدت از عمل دولت و رئیس آن انتقاد کرده و مقاله را با جملات زیر خاتمه داد . « ما که اکنون خواه و نا خواه در عرصه سیاست وارد شده و قلم دردست گرفته ایم میدانیم کار ما مبارزه است و البته آن ها که دلیل ندارند و با منطق آشنائی ندارند و بالاخره از هر جهت ضعیفند فحش و دشنام میدهند ولی آیا کسی را سراغ دارید که در عرصه مبارزات اجتماعی و سیاسی وارد شود و هدف تیر تهمت و ملامت و فحش قرار نگیرد . ولی آنکس که بوجدان و شرف و ایمان خود متکی است از اینها باك ندارد و از راه خود باز نمیگردد و ماهم راه و روش خود را بتوفیق خداوند ادامه خواهیم و یقین داریم حقیقت هیچ وقت در پرده نمانده و آشکار میگردد »

روزنامه اطلاعات پس از چهار و سه روز تعطیل مجدداً در تاریخ چهارشنبه ۳۰ دیماه ۱۳۲۱ شمسى با همان قطع و سبک سابق خود شروع با انتشار نمود و جز واقعه حریق اداره آن روزنامه که بعداً بشرح آن خواهیم پرداخت حادثه دیگری برای آن پیش نیامده و مرتباً تا این تاریخ همه روزه عصرها منتشر شده است در واقعه حریق

نیز انتشار روزنامه دوجار وقفه نگردید و در همان روز حریق هم روزنامه در مطبعه، دیگری چاپ و انتشار یافت .

سرمقاله روزنامه که تحت عنوان (پس از چهل و سه روز) بعد از تعطیل مدت مذکور نوشته شده ؛ بدین قسم شروع میگردد : « حادثه ناگوار ۱۷ آذر موجب تغییرات و تحولات تازه در کشور ما گردید ؛ این بیش آمد باعث واقعه تاسف آور تعطیل و توقیف کلیه جراید و مطبوعات در مرکز و منجر بآوردن مواد اصلاحی قانون مطبوعات با قید دوفوریت بمجلس گردید و در نتیجه مدت چهل و سه روز روزنامه اطلاعات منتشر نگردید . تعطیل و توقیف کلیه مطبوعات و جراید يك عملی بود که نهنهادار این کشور بلکه در هیچ کجای دنیا سابقه نداشت و از هر جهت که فکر کنیم این کار برخلاف قانون و منطق صورت گرفت .»

بطور خلاصه چون دولت پی برده بود که روزهای ۱۷ یا ۱۸ آذر انقلابی در تهران روی خواهد داد ؛ از این جهت ظهر روز سه شنبه ابلاغی مبنی بر توقیف عموم جراید صادر کرد و بدین ترتیب از نشر کلیه جراید جلوگیری نمود . فقط يك روزنامه از طرف دولت مشتمل بـ اخبار کشور و حوادث جهان انتشار می یافت .

برگردیم بذكر سایر خصوصیات روزنامه اطلاعات . سابقا یاد آور شدیم که در بدو تاسیس صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه اطلاعات آقای مسعودی ولی ناشر روزنامه اداره مرکز اطلاعات ایران است .

در سرمقاله شماره اول اطلاعات تحت عنوان (مرکز اطلاعات و نظریات آن) توضیحاتی در این قسمت داده شده که بعضی از عبارات آن این است : « شاید هنوز عده کثیری از افراد اهالی تهران و بخصوص نقاط زوردست مملکت یافت شوند که اساسا اسم مرکز اطلاعات را نشنیده و یا اگر شنیده اند درصدد برنیامده باشند که از کار و طرز جریان و تشکیلات آن مطلع شده و در نتیجه بدانند که این اداره کسار کارش چه و منظور و مقصودش چه و خاصیت آن چیست ؟ . . . این اداره در ماه اسد ۱۳۰۲ که تا کنون سه سال کامل است تاسیس گردیده و در قدم اول مبادرت به جمع آوری و تمرکز اخبار نقاط داخلی مملکت و اطلاعات خارجی نمود و در این مدت توانسته است خدمات خود را بعالق مطبوعات انجام دهد . ما انتظار داشتیم که این مرکز هم مثل آژانس اناطولی مرکز نشر اخبار بشود و باب مخابرات را بسا عالم مفتوح نماید ولی این موفقیت حاصل نشد ولی باز نباید مایوس شد . کارکنان این اداره در دومین قدم برای پیشرفت و توسعه موسسه اطلاعات باتکاء توجه و علاقه عموم هموطنان مبادرت بنشر روزنامه بنام (اطلاعات) خواهند کرد . در حقیقت این روزنامه وسیله ایست برای استقبال و جلب توجه عامه نسبت باین موسسه که شاید بتواند قدری سریعتر داخل مراحل ترقی و تکامل گردد این روزنامه بطور مرتب و یومیه

انتشار خواهد یافت و حاوی اخبار و حوادث کلیه نقاط ایران و تفصیل پاره حوادث دنیا و اخبار خارجه و بعضی مطالب سودمند می باشد.»
در حقیقت همان قسم که در مقاله افتتاحی مذکور نوشته شده اطلاعات يك روزنامه یومیه خبریست که بیشتر اخبار ایران و سایر کشورهای جهان و اخبار مجلس شورای ملی بتفصیل در آن درج است.

در شماره اول پس از درج مقاله افتتاحی (جریان افتتاح مجلس شورایی) و نیز متن نطق افتتاحی ششمین دوره تقنینه که بوسیله اعلیحضرت رضا شاه فقید ایراد گردیده؛ چاپ شده است. نطق افتتاحیه مذکور بدین قسم شروع میگردد: «بسیار نهایت مسرت اولین مجلس شورایی زمان سلطنت خود را که ششمین دوره تقنینیه است.»
بقیه مندرجات این شماره مربوط بجزئیات اولین جلسه دوره ششم مجلس میباشد. طبق اخباری که در همین شماره چاپ گردیده؛ روزنامه اطلاعات پس از نشر شماره اول برای مدتی تعطیل و بعد مجددا بطور یومیه منتشر شده است. این تعطیل موقتی بمنظور تهیه مقدمات و تنظیم کارهای مربوط بروزنامه بوده از این رو شماره دوم اطلاعات در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۰۵ شمسی مطابق دوم شهر صفر ۱۳۴۵ قمری و شماره سوم در موقع خود یعنی روز بعد (۲۰ مرداد) انتشار یافته. از شماره دوم بعنوان علامت مخصوص فرشته ای که بوقی در مقابل دهان گرفته در مجاور اسم روزنامه (اطلاعات) چاپ شده است.

اهمیت روزنامه اطلاعات

همانطور که در خلال سطور گذشته اشاره کردیم روزنامه اطلاعات اولاً بعلت بیطرفی که نوعاً در قضایا و حوادث پیش گرفته و ثانیاً انتشار مرتب آن که همواره عصرها منتشر شده، خوانندگان زیادی در ایران دارد و حتی چند سال قبل از وقایع شهریور ۳۲۰ تنها روزنامه بود که مورد توجه طبقات مختلف قرار گرفته و کمتر کسی بود که روزنامه بخواند و اطلاعات خریداری نکند یا مشترک نباشد. بدین معنی که برای اطلاع از اوضاع کشور روزنامه دیگری برای جا نشینی آن وجود نداشت از این جهت مدت چند سال اطلاعات در هشت تادوازده صفحه بقطع بزرگ منتشر میشد و طبق آماري که بطور تحقیق ضبط شده در سال ۱۳۱۷ شمسی اطلاعات هر نوبت در ۱۱۵۰۰ نسخه منتشر میشد و عده اعضا و کارمندان آن ۶۲ تن بوده اند.

پس از قضای شهریور و تشکیل احزاب و دسته جات مختلف که هر کدام روزنامه ای بعنوان ارگان منتشر ساخته باز روزنامه اطلاعات همان موقعیت سابق خود را حفظ نمود گرچه از تعداد شماره های آن کاسته گشت ولی باز یکی از روزنامه های مهم و مفید کشور بشمار میرفت. رویهمرفته پشت کار و جدیت آقایان سعودی ها و

و دستگاه چاپ وسیع اداره روزنامه اطلاعات، متجاوز از پانزده سال روزنامه اطلاعات را یکی از روزنامه های بی رقیب و آبرومند ایران قرار داده است. مندرجات اطلاعات علاوه بر اخبار داخله و خارجه بطور تفصیل و اخبار مجلس شورای ملی، عبارت از مقالات و ترجمه های سودمند و مفید است که اغلب بقلم نویسندگان فاضل و دانشمند و مترجمین زبردست تهیه و تنظیم شده است. قسمت عمده اعلانات دولتی و غیر دولتی در این روزنامه چاپ میشود و چون اطلاعات بتعداد کافی نمایندگان و مخبرین در شهرستانها دارد همیشه تازه ترین و مفصل ترین اخبار و حوادث ولایات، حتی در شهرهای درجه سوم و چهارم در آن چاپ شده است. اداره اطلاعات علاوه بر نشر روزنامه، یک مجله هفتگی بنام (اطلاعات هفتگی) و روزنامه ای بزبان فرانسه با نام (ژورنال دو طهران) منتشر میساخته است. روی همین نشریه ها و کتاب های سودمند دیگری که اداره مذکور در مدت بیست سال منتشر ساخته آقایان مسعودی ها شهرت و نفوذ فوق العاده در ایران و خارج پیدا کرده و چنانچه بعد از شرح حال عباس مسعودی، مدیر اطلاعات، یاد آور خواهیم شد؛ خوانواد مسعودی؛ از خاندانهای بزرگ ایران بشمار رفته و آقایان مسعودی ها هر کدام چندین دوره از طهران و دمانند نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردیده اند. استقبالی که از آقای مسعودی عباس پس از مراجعت از امریکا در سال ۱۳۲۶ شمسی بعمل آمد نمونه بارزی از نفوذ آقایان مسعودیها بود. لازم است یاد آور شویم که امتیاز روزنامه اطلاعات بمدیر (عباس مسعودی) در ۱۵ تیر سال ۱۳۰۵ از تصویب شورای عالی معارف گذشته و روزنامه در ۱۹ ماه مذکور منتشر شده است و این خود حکایت از پشتکار و جدیت فوق العاده مدیر روزنامه مینماید.

در آغاز تاسیس محل اداره اطلاعات: طهران؛ خیابان لاله زار کوچه وثوق نظام و قیمت اشتراك بدین طریق معین شده است: طهران یکساله ۵۰ ریال ششماهه ۳۰ ریال، سه ماهه ۱۵ ریال. ولایات یکساله ۶۰ ششماهه ۳۵ سه ماهه ۱۸ ریال. خارجه باضافه قیمت پست. تک نسخه چهار شاهی. پس از توسعه اداره؛ محل روزنامه بخیابان خیام (جلیل آباد سابق) منتقل گشته و وجه اشتراك نیز بسالی چهارصد ریال و تک شماره بدو ریال ترقی کرده است.

شرح حال آقای عباس مسعودی

نامبرده علاوه برمدبری روزنامه اطلاعات چندین دوره نمایندگی مجلس شورای ملی را دارا بوده و مردم پایتخت او را بنمایندگی انتخاب نموده و در مجلس از نمایندگان میرز و فعال بشمار میرفته است. روزنامه آینده ایران مورخ آبان ۱۳۱۰ شمسی در باره ایشان مینویسد: «میرزا عباس خان مسعودی مدیر و موسس روز

نامه اطلاعات و مجله اطلاق تجارت از جوانان برجسته و پاکدامن است که در ظرف شش سال نامه نگاری طرف توجه جامعه واقع شده و روزنامه یومیه عصر اطلاعات را توانسته است بمنتهی درجه ترقی برساند . آقای مسعودی برای حفظ منافع توده و اصلاحات اجتماعی و بیداری نسوان قدمهای بلندی برداشته و من جمله تشکیل کنگره مطبوعات است .



آقای مسعودی در سالهای اخیر مسافرت هائی با اروپا و امریکا کرده و بعطت طولانی بودن این مسافرتها توانسته است بخوبی به عادات و روحیه و طرز تفکر اروپائیان و امریکائیان پی برده و در نتیجه نزدیکی با سیاستمداران فعلی جوان بخوبی از نظریات آنان در باره کشور خویش واقف گردد و لذا پس از مراجعت ؛ هر نوبت ، مقالات مفصل و گرانبھائی در باره اوضاع اروپا و امریکا و اخلاق مردمان آن سامان برشته تحریر در آورده و در صفحات روزنامه بچاپ رسانیده است . مقالات مذکور حکایت از کمال اطلاع او از وضع جهان مینماید . سفر اخیر آقای مسعودی با امریکا در سنوات ۲۵ و ۱۳۲۶ شمسی و متجاوز از یکسال در امریکا متوقف بوده پس

آقای عباس مسعودی از انتخاب بنمایندگی دوره پانزدهم بمین خود بازگشت و در مراجعت استقبال شایانی از وی بعمل آمد که حکایت از قدردانی ملت ایران از زحمات وی مینماید

(۱۵۳) اطلاعات روزانه

روزنامه اطلاعات روزانه بمدیري (مدبر الممالک هرندی ، مدیر روزنامه تمدن) در تهران تاسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است .

(۱۵۴) اطلاعات مهمه

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی در باره این روزنامه مینویسد : روزنامه ؛ روزانه اطلاعات مهمه در تهران بمدیري و موسسی (حسن الحسینی و رضا نوری مازندرانی) تاسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری مطابق ۱۹۱۱ میلادی منتشر شده است (ص ۴۴ کتاب)

(۱۵۵) اطلاعات یزد

روزنامه اطلاعات یزد بطور ماهیانه در شهر یزد تاسیس شده است .

(۱۵۶) اطلاعات یومیه

دایره مطبوعات سفارت شوروی در طهران بمنظور استحکام مبانی اعتماد دولت روس و ایران در سال ۱۳۰۰ شمسی مطابق ۱۹۲۱ میلادی روزنامه ای بنام (اطلاعات یومیه) در طهران تاسیس و منتشر نموده است . روزنامه مذکور روی يك ورق بزرگ که یکطرف آن بزبان فارسی و طرف دیگرش بزبان روسی است انتشار یافته و مندرجاتش عبارت از اخبار و حوادث خارجی و بخصوص بیشتر اخبار ممالک اتحاد جماهیر شوروی است . شماره اول روزنامه روز دوشنبه و شماره دوم روز سه شنبه و سوم آن روز چهارشنبه متعاقب روزهای دهم و یازدهم و دوازدهم برج میزان ۱۳۰۰ شمسی مطابق سوم و چهارم و پنجم اوکتیا بر ۱۹۱۲ میلادیست . اطلاعات یومیه با چاپ سری و در (مطبعه ایران شرکت رفقا) چاپ میشود . در آغاز تاسیس و انتشار قیمت اشتراک روزنامه، حسب معمول جراید، تعیین نگردیده و فقط در عنوان آن قیمت تک نمره پنج شاهی نوشته شده است ولی در شماره ماه قوس ۱۳۰۰ قیمت اشتراک بدین قسم آگهی شده است : طهران سه ماه، ۲۰ قران ؛ ششماه ۴۰ قران سالیانه ۸۰ قران ؛ ولایات بترتیب ۳۲ قران ؛ ۴۵ قران ؛ ۹۰ قران . در شماره دوم روزنامه شرحی از طرف دایره مطبوعات بدین قسم نوشته شده است : « نظر باینکه برای استحکام مبانی اعتماد ملتین روس و ایران نسبت بهم دیگر مسئله تشکیل اطلاعات صحیح و منظم دارای اهمیت درجه اول است لهذا دایره مطبوعات نمایندگی مختار جمهوری سوسیالیستی اتحاد شوروی روس در ایران برای آشناساختن ملت ایران از زندگانی و جریان امور روسیه و هم چنین برای استحضار آن از وقایع مهمه دنیا بطبع اطلاعات یومیه مبادرت میورزد . »

با در نظر گرفتن باینکه دولت شوروی در آن تاریخ در روابط خود با دولت ایران تجدید نظر کرده و نسبت بایران گذشت هائی کرده بود ولی در عوض در صدد شناساندن مرام جدید کمونیستی بایرانیان بود و سعی وافر داشت که ذر ایران مسلک جدید ریشه بدواند . تاسیس روزنامه بنظر خیلی لازم و واجب می آمده است . از روزنامه اطلاعات یومیه فعلا تا شماره ۷۴ مورخ ۹ برج جدی ۱۳۰۰ شمسی در دست نگارنده است .



(۱۵۷) آفاق

در سال ۱۳۲۷ قمری روزنامه آفاق به مدیریت آقای سید جواد بواناتی بطور
هفتگی در شیراز انتشار یافت . (سالنامه ۱۴-۱۳۱۵ معارف فارس)

(۱۵۸) آفاق

در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۰۵ شمسی امتیاز روزنامه آفاق در یزد بهمدیری (میرزا
حسینخان) از تصویب شورایی عالی معارف گذشته است .

(۱۵۹) آفتاب

مجله آفتاب بهمدیری (آمیرزا محمودخان) س.طهرانی در شهر اصفهان
تاسیس و شماره اول آن در غره فروردین ماه جلالی ۸۲۳ مطابق ۲۰ ربیع الاول
۱۳۲۹ قمری و ۲۱ مارس ۱۹۱۱ میلادی منتشر شده است .

گرچه بصورت ظاهر مدیر مجله آ میرزا محمود خان سنجری طهرانی معرفی شده
ولی در حقیقت مجله آفتاب از تاسیسات انجمنی بوده که آقای حاج شیخ محمد باقر
الفت اصفهانی فرزند مرحوم آقا نجفی معروف از اعضای موثر انجمن و نویسنده
و مترجم اغلب مقالات مجله است که با امضای اختصاری (ب) در مجله چاپ شده است
آفتاب مجله ماهانه بوده و در اول هر ماه شمسی در ۴۰ صفحه بقطع خستی
کوچک، بغیر از هشت صفحه کتاب (وسائل رستگاری) و ۱۶ صفحه (پرورش
استقلال) با چاپ سربی؛ طبع شده و بنابراین رویهمرفته تعداد صفحات هر شماره
آفتاب ۶۴ است، برای اینکه در آخر سال بتوان جزوات کتاب های مذکور را
پهلوی هم گذارد و از آن ها کتاب مستقلی تشکیل داد، صفحه گزارشی اصل مجله
از دو کتاب جدا شده و هر کدام صفحه شماری علیحده دارند . برای اینکه
خوانندگان از سبک مندرجات و نوع مطالب مجله آگهی پیدا کنند بهتر آنست مقدمه ای
که در شماره اول بعنوان (مقدمه آفتاب) ذکر شده در اینجا نقل نمائیم : مقدمه آفتاب .
«در بهترین روزهای سال؛ در خوشترین موقع زندگانی؛ در وقتی که خلاصی
از عالی و دانی، فقیر و غنی مشغول جشن سال نو و بیاداشتن مراسم ملیت خویش
اند، در اولین روز فصل بهاری که ارواح تازه از نباتی و حیوانی از شدت و
زحمت سرما آرمیده نسیم جانفزای دوره تازه احساسی نموده مجموعه (آفتاب) پس
از گذراندن شب دیجور جهالت نزدیک طلوع نیر اعظم یگانه منجی ملل و فرزانه
محبی احساسات بشر - معارف - آزادانه قدم بعالم مطبوعات میگذارد : بلی قدم به

عالم، مطبوعات میگذارد. مطبوعاتی که نتیجه تکامل درجات آدمیت و بهتر دلیل سالکان راه حقیقت است.

مجموعه ما مشترکین خود را بنشر مقالات نافعه و افاضات علمیه بشارت میدهد با مسالك شخصیه سیاسیه ارتباطی ندارد لکن از کلیات هر مسلك بیطرفانه بحث می کند حقیقت را مسلك و ارتقاء افراد انسانیت را مقصود خویش می شناسد. فقط خود را مسؤول حق و حقیقت میداند، دفاع حملات توحش را با نیکوترین آلت قتاله آن-انتشار معارف بقدر امکان مینماید. مسلکی را اختیار کرده که منتهی نقطه ترقیات بشر و منطبق بر مستقبل اجتماع است. از تقویت و تایید هر امری که موجب افتراق افراد بشر است پرهیز میکند. اجراء مساوات و برادری انسانی و اجباء رسوم عدل و احسان عام را جدا مد نظر دارد. در اول هر ماه شمسی يك نمره که دارای ۴۸ صفحه است تقدیم حضور خوانندگان میدارد و علاوه بر این هر سال یکی از کتب نافعه را ترجمه بفارسی نموده با هر يك نمره ۱۶ صفحه از این کتاب را الحاق مینماید. و بالاخره خواطر قارئین محترم را با مورد ذیل مسبوق میدارد (۱) مجموعه آفتاب در صفحات خود بقدر میسر از تراجم کتب و جراید و مجلات نافعه مذکور میدارد و در اوایل و اواخر مباحث بمصادر نقل یا ترجمه اشاره میکنند (۲) مقالاتی که بامقصد و مسلك آفتاب منافی نباشد قبول و بامضای نویسنده مندرج میگرددند و اداره در اصلاح موارد لازمه آزاد است.

(۳) مجموعه آفتاب سوالات وارده از هر قبیل را جواب شافی داده و در صورت عدم قدرت بر جواب عین سوال و جوابیکه فضلا اعلام تفضل نمایند درج میشود (۴) سایر مندرجات مهمه آفتاب در ضمن مباحث ذیل شناخته میشوند (۱) تراجم مشاهیر رجال علم و اصلاح که این بحث را اداره بنظر اعتبار دیده رجوع بسیره بزرگان را موجب تاسی بایشان و بهترین وسیله اصلاح ادبی میداند (۲) مقالات ادبیه و رمان های مفیده مختصره و بالخصوص فلسفه تاریخ ملل و ادیان (۳) دستور حفظ الصحه که اکثر از مصادر معتبره نقل و ترجمه میشود (۴) اخبار علمیه و شرح اختراعات و اکتشافات جدیده و نافعه.

در حقیقت مندرجات مجله آفتاب را همین نوع مطالب تشکیل داده. مثلاً فهرست مندرجات شماره اول عبارت است از: مقدمه آفتاب؛ اطوار انسانیت - حیات تو لستوی معارف. منابع ثروت ایران. معدن نفت خوزستان. علم قیافه؛ اندرز و مسائل رستگاری. پرورش استقلال.

فهرست مندرجات شماره دوم: شرح احوال لوتر. معدن نفت خوزستان؛ يك عنكبوت. دانش و اندرز. وسائل رستگاری. پرورش استقلال. لازم است راجع بدو کتاب مذکور که از شماره اول مجله ترجمه آندو چاپ شده

مختصر توضیحی بدهیم . کتاب اول که نام اصلی آن بزبان انگلیسی می باشد و در اینجا بنام (وسائل رستگاری) ترجمه شده ، از تا ایفات مستر سموئیل اسمایلز یکی از مشاهیر علما و نویسندگان انگلیس است . مولف در سال ۱۸۱۲ میلادی متولد شده است . مترجم کتاب که در ذیل ترجمه های خود (ب) امضا کرده ، آقای حاج شیخ محمد باقر الفت فرزند مرحوم آقا نجفی معروف و در حقیقت موسس مجله آفتاب می باشد و اغلب مقالات و ترجمه های مجله بقلم اوست . کتاب مذکور بعدا بنام (اعتماد بنفس) مجددا بوسیله آقای علی دشتی ، مدیر و صاحب امتیاز روزنامه شفق ؛ ترجمه و چند مرتبه چاپ شده است .

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد ترجمه آقای الفت که ضمیمه مجله آفتاب چاپ شده بیش از ۶۴ صفحه آن طبع نگردیده است . و اما کتاب دوم یعنی پرورش استقلال که آن را نیز آقای الفت ترجمه نموده و از همان شماره اول مجله طبع گردیده ، تالیف نویسنده و سیاستمدار مشهور فرانسوی (الفونس اسکروس) متولد ۱۸۱۴ و متوفی ۱۸۷۶ می باشد .

مترجم در مقدمه که راجع باین کتاب تدوین کرده مینویسد : « از اهم اموری که اداره آفتاب برعهده دارد یکی ترجمه کتب و مقالاتیست که قارئین را در تربیت و تعلیم ابناء عزیز خود بکار آید و از بهترین کتب مولفه در این باب کتابیست که عالم مشهور فرانسوی (الفونس اسکروس) تالیف نموده و عبدالعزیز محمد افندی از فضلاء مصر به ترجمه اش بر بی پرداخته است » از اینجا معلوم میشود ترجمه آقای الفت از ترجمه عربی کتاب اقتباس شده . کتاب مذکور شرح حال يك زن بنام هیلانه و شوهرش موسوم بدکتر (اراسم) می باشد که پس از گذشتن يك سال از ازدواج آندو شوهر بسبب يك اتهام سیاسی محکوم بحبس میگردد .

چندی از حبس شوهر نمیگذرد که هیلانه احساس حمل میکند و فرزندی پیدا می کند که آنرا (امیل) نام میگنارد . بین زن و شوهر نامه ها می در باره تربیت و تعلیم پسر رد و بدل میشود که مکاتیب مذکور را مولف بصورت کتابی در آورده و آن را بنام (امیل قرن نوزدهم) موسوم گردانیده است ولی مترجم اسم کتاب را عوض کرده و پرورش استقلال نام گذاشته است .

در باره ترجمه فارسی این کتاب تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد ۱۲۸ صفحه آن بچاپ رسیده و ضمیمه مجله آفتاب منتشر شده است .

مجله آفتاب با قطع کوچک خشتی و با چاپ سری ، در مطبعه جبل المتین اصفهان چاپ و منتشر میشود و محل اداره آن (اصفهان تیمچه حاج کریم) بود . است از مجله آفتاب جمعا هشت شماره منتشر شده و شماره ۷ و ۸ آن که آخرین شماره مجله میباشد در يك جلد در تاریخ ۲۴ رمضان ۱۳۲۹ قمری مطابق سبتا ۱۳۲۹

و اکتبر ۱۹۱۱ میلادی از طبع خارج گردیده است . وجه اشتراك مجله سالیانه در اصفهان يك تومان و در ولایات داخله ۱۲ قران و در ممالك خارجه ۱۴ قران است . تك نمره در اصفهان يك قران و در خارج اصفهان مطلقا يك قران و نیم است .

انجمن آفتاب

مجله آفتاب از انتشارات (انجمن ادبی آفتاب) بوده که این انجمن در همان سنوات ۱۳۲۹ قمری در اصفهان بمنظور بالا بردن سطح معلومات عمومی و آشناساختن مردم بعلم و دانش تاسیس یافته . اعضاء عمده و اصلی انجمن عبارت بوده اند از آقایان حاج شیخ محمد باقر الفت میرزا فتح الله خان وزیر زاده (اخگر) نوربخش و جاوید پس از آنکه انجمن بمکر نشریه می افتد بصورت ظاهر آقای میرزا حسین خات سنجری طهرانی را که دارای دیپلم از دبیرستان کالج طهران و در کمپانی زیگنر منشی بوده برای مدیری مجله معرفی مینمایند ولی صاحب امتیاز مجله همان آقای الفت می باشد . برای براه انداختن امور مجله قرار میشود هر يك از اعضای انجمن آفتاب پانزده تومان و آقای الفت سی تومان بعنوان سرمایه اولیه بردارند تا پس از راه افتادن امور مجله پول خود را بردارند ولی پس از انتشار بقراریکه آقای الفت اظهار میدارند فقط يك نفر يك تومان بعنوان حق اشتراك برداخته و چون دیگر کسی ابونه نداده و سرمایه اولیه هم تمام شده . لذا پس از هشت شماره مجله تعطیل گردید . است . میرزا محمود خان سنجری که بمدیري مجله معرفی شده ، تنها دخالتی که در امور مجله داشته براه انداختن کارهای مجله از قبیل بردن مجله بمطبعه و غلطگیری آن بوده است . نامبرده بعد از تعطیل مجله بطهران رفته و از آنجا پس از استخدام در شرکت نفت ایران و انگلیس باهواز ماموریت یافته و فعلا هم در آنجا مشغول خدمت می باشد .

(۱۶۰) آفتاب

روزنامه آفتاب بمدیر مسئولی (ح . عبدالوهاب زاده) در طهران تاسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع بزرگ ، با چاپ سربی که در مطبعه جبل المتین بطبع رسیده در تاریخ شنبه ۲۹ محرم الحرام ۱۳۳۰ قمری مطابق ۲۹ جدی تنگوز نیل و ۲۰ ژانویه ۱۹۱۲ منتشر شده است . محل اداره : طهران ؛ خیابان لاله زار کوچه فاروس تلفون ۸۷ قیمت اشتراك پایتخت سالیانه ۵۵ قران ، ششماهه ۳۰ قران سه ماهه ۱۶ قران . ولایات داخله بترتیب ۶۰ قران ، ۳۵ قران . ۱۸ قران ؛ ممالك خارجه ۸۰ قران ، ۴۲ قران . قیمت تك نمره : در تهران چهار شاهی ؛ در ولایات داخله پنج شاهی .

طرز انتشار آفتاب بغیر از ایام تعطیل عمومی روزهای یکشنبه و سه شنبه و

پنجشنبه طبع و توزیع میشده است. سال تاسیس روزنامه (۱۳۳۰) در عنوان زیر اسم روزنامه درج است، در زیر عنوان در ضمن يك سطر نوشته است که این روزنامه هر گونه مقالات سودمند و عام المنفعه را بطبع میرساند مقاله افتتاحی روزنامه که در شماره اول پس از درج يك آگهی از طرف اداره تعلیمات عمومی چاپ شده بدین قسم شروع میگردد :

« يك ما به الامتياز عمده که قسمت های آخری دوره آزادی ما را از جزء های ابتدائی جدا میکند نسیم حیات بخش در اولی و صرصر هلاکت یاس در دومی است . علت حدوث چنین مرض مزمن را ۴۰۰۰

در شماره اول پس از درج سرمقاله مذکور که سه ستون روزنامه را گرفته (هر صفحه روزنامه پنج ستون است) نطق وزیر خارجه انگلستان و بعد اخبار خارجه راجع بایران، سپس حوادث مهم جهان چاپ شده و در صفحه سوم اخبار پایتخت و تلگرافات داخلی و بعد اخبار داخله و تلگرافات خارجی درج است .

بطور کلی آفتاب روزنامه ایست خبری و مندرجات آن پس از درج مقاله اساسی عبارت از وقایع داخلی و حوادث خارجی و مخصوصا وقایع داخلی بتفصیل در آن درج است . مکتوبات و شکایات اشخاص متفرقه که از پایتخت و ولایات برای دفتر روزنامه فرستاده میشده، در آن چاپ شده علاوه بر این در بیشتر شماره ها در پاورقی صفحات ۲ و ۳ روزنامه قسمتهای کوچک و مختلفی وهم چنین اعلانات متعدد در آن طبع گردیده است .

در شماره ششم سال دهم مجله چهره نما مورخ ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۳۱ قمری در ضمن تقاریض مختلف راجع باین روزنامه مینویسد : « روزنامه گرامی آفتاب منطیبه طهران ؛ اثر كلك معانی سلك یگانه دانشمند سیاسی آقا میرزا محمد حسین خان کمال السلطان می میباشد و از اعداد او مستفاد میشود که این آفتاب جهاتتاب معارف مدت هاست عالم ادبیات را پرتو فشانی مینماید .»

از تقریض فوق معلوم میگردد که نام مدیر روزنامه آفتاب ؛ میرزا محمد حسین خان و لقب ایشان کمال السلطان می باشد ولی نگارنده تاکنون بیش از این نام و نشان ایشان اطلاعی بدست نیاورده است و دیگر آنکه معلوم میشود آفتاب تا اواسط جمادی الاولی ۱۳۳۱ منتشر میشده است . شماره ۱۶۲ سال اول روزنامه که در تاریخ چهارشنبه ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۱ قمری انتشار یافته در دست نگارنده است .

(۱۶۱) آفتاب تابان

روزنامه آفتاب تابان بمدیری (بنان مدنی) در طهران تاسیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی بطور روزانه منتشر شده است .



(۱۶۲) آفتاب شرق

روزنامه آفتاب شرق بمدیری و موسی آقای (علیرضا آموزگار) تاسیس و شماره اول آن در عقرب ۱۳۰۳ شمسی مطابق ربیع الاول ۱۳۴۳ قمری در شهر مشهد منتشر شده است .

در شماره هشتم سال سوم مجله ایران شهر منطبقه برلین مورخ اول تیر ماه ۱۳۰۴ شمسی در باره این روزنامه مینویسد : « آفتاب شرق جریده ایست هفتگی که در مشهد چاپ میشود و موسس آن علیرضا خان آموزگار است . شماره ۲۶ آن بداره ایران شهر رسیده است و علاوه بر مطالب سیاسی و اخبار محلی دارای مقاله مهم بقلم آقای سید حسن طبسی می باشد . »

آفتاب شرق ابتدا بطور هفتگی و نوبت بعد از روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه منتشر می شده است . در طول مدت انتشار روزنامه مذکور ، با چاپ سر بی در مشهد (چاپخانه حسینی) طبع گردیده است . محل اداره خیابان خسروی و آدرس تلگرافی : آفتاب شرق . بهای روزنامه یکساله داخله ۵۰ ریال ؛ خارجه ۷۰ ریال ۶ ماهه داخله ۳۰ ریال و خارجه ۴۰ ریال . تک شماره ۲۵ دینار و پس از دو روز ۵۰ دینار .



از روزنامه آفتاب شرق نگارنده فعلا تا شماره ۹۱ و ۹۲ سال سیزدهم که شماره مسائل آن ۸۹۰ و ۸۹۱ می باشد در دست دارد . شماره های مذکور در تاریخ یکشنبه ۳۰ صفر المظفر ۱۳۵۷ قمری برابر ۱۲ اردیبهشت ۱۳۱۷ شمسی و ۲۰ آوریل ۱۹۳۸ منتشر شده است . مندرجات آفتاب شرق مانند اغلب جراید محلی ، پس از

آقای آموزگار درج مقاله اساسی ؛ عبارت از اخبار محلی خراسان و اخبار کشور و خلاصه از اخبار جهان و همچنین آگهیهای مختلف و اعلانات ثبتی است .

سالنامه ۱۳۰۹ پارس و سالنامه شرق ایران متعلق بسال ۱۳۱۶ شمسی هر کدام شرحی راجع بروزنامه آفتاب شرق و شرح حال آقای آموزگار نوشته که عین هر دو قسمت را نقل میکنیم . در سالنامه پارس مینویسد « روزنامه آفتاب شرق در مشهد بمدیریت آقای علیرضا خان آموزگار طبع و نشر میشود . آقای آموزگار از سن ۱۵ سالگی داخل اجتماعات ملی و مشروطیت بوده در ۱۳۳۶ بتاسیس جمعیت سادات رضوی و مدرسه سادات رضوی موفق شده و تا کنون (منظور سال ۱۳۰۹ شمسیست) با تحمل خسارات بی شمار از انحلال و تعطیل مدرسه جلوگیری نمود و اندر جریده

آفتاب شرق شش سال است که تنها با ثبات قدم و استقامت آقای آموزگار که از عناصر ملی و محترم خراسان هستند ادامه یافته است .

سالنامه شرق در باره آقای آموزگار مینویسد : « آقای علیرضا آموزگار مدیر روزنامه آفتاب شرق از نویسندگان فاضل و معروف خراسان و از ابتدای انقلاب مشروطیت داخل در زمره میهن پرستان و نسبت بمعارف خراسان خدمات ذیقیمتسی نموده اند از آنجمله تاسیس و نگهداری دبستان شش کلاسه سادات رضوی بود . که مدت چهارده سال با سرمایه شخصی و تحمل خسارات عمده بتربیت اطفال مشغول و از بدو طلوع اعلیه حضرت همایونی با اخذ امتیاز روزنامه آفتاب شرق از طریق نامه نگاری بهدایت افکار و بیداری عموم اشتغال داشته اند . روزنامه آفتاب شرق از جراید وزین و آبرومند خراسان و فهلا روز های یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه بسا مطالبی مفید و سودمند منتشر میشود . »

(۱۶۳) آفتاب شرق

مجله آفتاب شرق در شهر کرمان بمدیری آقای (مجد نوایی) تاسیس و در سال ۱۳۱۴ شمسی موفق بدربافت امتیاز مجله گردیده و پس از آن منتشر نموده اند. بقرار نامه ای که مشارالیه از کرمان، در ضمن شرح احوال خود؛ با این جانب نوشته، مجله آفتاب شرق؛ مدت دو سال منتشر میشده و بعلمت کسالت مدبران دوچار تعطیل گردیده است. متن نامه که مشارالیه بنگارنده نوشته بدین قرار است « این بنده درماه رجب ۱۳۱۶ قمری متولد شده و دوره تحصیلات را در کرمان و قسمتی در مشهد مقدس بیایان رسانیده و قسمتی هم بتحصیل زبان انگلیسی مشغول بودم شش هفت سال مدیریت مدرسه عمادیه را عهده دار و از چهارده سالگی بنامر منبر و وعظ مشغول بوده و اکنون مشغولم دوسه سال قضاوت ارتش شاهنشاهی را در کرمان عهده دار بودم در سال ۱۳۱۲ خورشیدی بدربافت امتیاز مجله آفتاب شرق نائل آمدم دوسال بنگارش مجله مشغول بودم بعدا بواسطه دوچار شدن بکسالت مالاریا از ۱۳۱۶ موفق بنگارش نشدم ولی درصدد هستم باز بنگارش مجله مشغول کردم از ۱۳۱۵ بمطالعه دروس بنگاه وعظ و خطابه (۱) مشغول و از همان سال ۱۵ از طرف وزارت فرهنگ بریاست وعظ و خطابه استان هشتم کرمان مقتخر گردیده و فعلا (منظور سال ۱۳۱۸ شمسی است که این نامه نوشته شده) با همان سمت در اداره فرهنگ کرمان مشغول بخدمت دولت و ملت هستم. مجد نوایی . و اعظ و رئیس وعظ و خطابه کرمان . »

(۱) بنگاه وعظ و خطابه موسسه ای بود که دولت بمنظور تربیت واعظ در

تهران تاسیس نمود و یکی دودوره هم فارغ التحصیل بیرون داد و منحل گردید

و اما خصوصیات مجله بقسمیکه از شماره چهارم سال اول استخراج شده با این فرار است : مجله آفتاب شرق در کرمان بصاحب امتیازی و نگارندگی و مدیر-مؤلی (مجد نوایی) تاسیس و شماره مذکور در ربيع الثاني ۱۳۵۳ قمری مطابق مرداد



۱۳۱۳ در ۲۲ صفحه بقطع کوچک و شش صفحه ضمیمه در شرح حال خواجوی کرمانی در مطبوعه سربی (سعادت کرمان) طبع و توزیع شده است . محل اداره کرامت خیابان شاهپور . عنوان تلگرافی آفتاب شرق سال تاسیس مجله (۱۳۵۲ - ۱۳۱۲ در پشت جلد قید شده است . در بالای اسم مجله این نیم فرد شعر بعنوان شعار مجله درج است . آفتاب آمد دلیل آفتاب آبونمان . طبقه عالی و معارف پروران سالیانه ۵۰ ریال ؛ شش ماهه ۳۰ ریال طبقه متوسطه ۲۵ و ۱۵ ریال . محصلین

آقای مجد نوایی

و محصولات و عامه کم بضاعت ۱۵ ریال و ۱۰ ریال تک شماره دو ریال مندرجات مجله عبارت است از مقالات و مطالب دینی و اخلاقی و اجتماعی از قبیل فلسفه شهادت و کودتای حسینی (ترجمه از سیاست الحسینی آمانی) فرج آمد از شدت مضمون تاریخ مختصر اسلام تا عصر پهلوی . رهنمای تربیت جوانان مطالب مجله نوعاً بقلم مدیر مجله تهیه شده است .

(۱۶۴) افسانه

روزنامه افسانه در شهر همدان بمدیري آقای (غلامعلی خان سروش زاده) تاسیس یافته ولی ظاهراً قبل از نشر و یا پس از انتشار چند شماره امتیاز آن ملغی شده است .

(۱۶۵) افق ایران

روزنامه افق ایران در سال ۱۳۰۱ شمسی بطور هفتگی در تهران تاسیس و منتشر شده است .

(۱۶۶) افق روشن

روزنامه افق روشن در تهران بمدیري و صاحب امتیازی (آقا بزرگ کشوری)

تاسیس و شماره اول آن در تاریخ پنج شنبه سلخ ذی حجه الحرام ۱۳۴۰ مطابق اول برج سنبله ۱۳۰۱ منتشر شده است. افق روشن هفته یکبار روی يك ورق بزرگ، با چاپ سریبی که در مطبعه (کلبمیان) چاپ میشده، انتشار یافته و قیمت اشتراك آن یکساله داخله ۶۰ قران؛ شش ماهه ۳۵ قران. خارجه بهلاوه اجرت پست تک شماره ۵ شاهی. محل اداره؛ پاچنار؛ منزل آقای مرتضی خان وکیل عدلیه خانه نمره ۲۰ است.

شماره اول روزنامه با سرمقاله زیر شروع میگردد «فجایع اسفناك». بنام ایزد یگتا و خالقیکه حقایق کاینات موجودات را از کتم عدم بتوسط قلم در صفحه لوح آفرینش بخلامت هستی آرایش داد و کارکنان افق روشن را در میان آفاق و انفس برای تنویر افکار و خدمت بجهانم برانگیخته از ذات لایزایش موقیت را مسدودت مینمائیم». سرمقاله مذکور بیشتر قسمت صفحه اول را گرفته و بقیه این صفحه را نطق وزیر جنگ (سردار سپه رضا خان) در شب جشن؛ اشغال کرده است. در صفحه دوم مطالبی راجع بوضع آنروز عدلیه تحت عنوان (رویای صادق) و بعد مختصری از اخبار داخله درج است.

در سرمقاله شماره سوم حمله سختی بیست انگلیس و توقیف روزنامه های شفق سرخ عصر انقلاب و عهد انقلاب نموده؛ از شماره دهم اسم روزنامه با خط نستعلیق درشت و قرمز چاپ شده. بطور کلی روزنامه افق روشن دارای سرمقاله های تند و زننده است و بیشتر مطالب آنها حمله بیست قوام السلطنه می باشد و بهمین جهت هم یکبار در تاریخ ۲۸ عقرب ۱۳۰۱ شمسی از طرف قوام السلطنه توقیف گردیده و روزنامه طوفان درباره این توقیف مینویسد «افق روشن که این چند روزه افق نفع قوام السلطنه را تاریک نموده بود دیشب توقیف شد». از روزنامه افق روشن نگارنده تا شماره ۲۱ که تماما روی يك ورق بزرگ چاپ شده و این شماره مورخ بتاریخ ۵ شنبه ۱۳ رجب ۱۳۴۱ مطابق ۱۰ حوت ۱۳۰۱ می باشد در دست دارم.

(۱۶۷) افکار

شماره اول روزنامه افکار بموسسه و مدیر مسئولی (یدالله طهرانی زاده) روی يك ورق بقطع بزرگ، با چاپ سریبی. در تاریخ چهارشنبه ۶ شوال ۱۳۴۱ قمری مطابق دوم جوزا ۱۳۰۲ شمسی در طهران منتشر شده است. افکار روزنامه است اجتماعی و طرفدار زحمت کشان، محل اداره آن طهران جنب حمام گلشن نمره ۱ قیمت روزنامه یکساله داخله ۸۰ قران، خارجه ۹۰ قران شش ماهه ۴۵ قران

حرف ا ل ف بعده الفاء

افكار ستوده ؛ افلاطون. افلاك

شماره شش شاهی • مقاله افتتاحی روزنامه بدینقسم شروع میگردد «سیاست روشن»
از ساعتیکه تخت فرعونیت رژیم تزاری در سایه ۰۰ «
از روزنامه افکار فعلاً همین يك شماره در دست است •

(۱۶۸) افکار ستوده

روزنامه افکار ستوده در سال ۱۳۰۳ شمسی بطور روزانه در تهران تاسیس شده است •

(۱۶۹) افلاطون

روزنامه مصور رنگی افلاطون در شهر رشت منتشر گردیده است • برون در کتاب مطبوعات و شهر فارسی (ص ۴۴) مینویسد از روزنامه افلاطون فقط يك شماره در تاریخ ۲۶ رجب ۱۳۲۸ هجری قمری مطابق ۳ اگوست ۱۹۱۰ انتشار یافته ومن این يك شماره را در دست دارم و خصوصیات آن بدینقرار است : هشت صفحه بقطع ۷ و نیم در ۱۲ و نیم سانتیمتر که چهار صفحه آن رنگیت • وجه اشتراك سالیانه آن ۲۴ قران در رشت ؛ در سایر شهرهای ایران ۲۷ ریال در ممالک خارجه ۶ منات • برون در کتاب خود ذکر می از مدیر روزنامه افلاطون نکرده است •

(۱۷۰) افلاك

امتیاز روزنامه افلاك بنام (سید نجم الدین طباطبائی) در تاریخ اول نور ۱۳۰۲ شمسی از تصویب وزارت فرهنگ گذشته ولی بقرار اعلانیکه آن وزارت خانه در شماره ۷۲ سال پنجم روزنامه مین مورخ ۲۲ قوس ۱۳۰۲ شمسی چاپ و منتشر کرده چون روزنامه افلاك و چند روزنامه دیگر شش ماه از تاریخ صد ر امتیازشان گذشته و صاحبان امتیاز مرفق به نشر روزنامه نگردیده اند باید تجدید امتیاز نمایند • از اینرو مجدداً آقای سید نجم الدین طباطبائی درخواست امتیاز کرده و در تاریخ ۸ آذر ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه افلاك (با کاریکاتور) از تصویب شورایعالی فرهنگ گذشته است •
با این وصف تا کنون نگارنده نمونه های روزنامه افلاك بمدیری سید نجم الدین طباطبائی دسترسی پیدا نکرده و اطلاع هم ندارم که اصولاً منتشر شده است یا خیر •

در همین اوقات یعنی در سالیکه مجدداً آقای سید نجم الدین امتیاز افلاك را گرفته، روزنامه ای بهمین نام ؛ بمدیری میرزا ابراهیم خان ناهید ، مدیر روزنامه ناهید و ستاره صبح ، در تهران منتشر شده است ؛ تفصیل این اجمال آنکه روزنامه ناهید بعلت جنبه انتقادی که در مندرجاتش بوده وبخصوص اوضاعیکه از ۱۳۰۰ تا

۱۳۰۶ شمسی در ایران حکمفرما بود؛ پیوسته دوچار توقیف دسته های مخالف می گشت و از اینرو در مدت پنج سال که از آغاز انتشار آن گذشته چند بار توقیف گردیده و بناچار با تغییر اسم روزنامه ناهید را با سامی دیگری منتشر میکرد. است. من جمله چنانکه بعد در حرفهای سین و نون کتاب (روزنامه های ستاره صبح و ناهید) یاد آور خواهیم شد؛ پس از انتشار هشت شماره با اسم ستاره صبح باز این روزنامه توقیف گردیده و آقای میرزا ابراهیم خان ناچار شده است روزنامه را با اسم (افلاك) منتشر سازد و هشتمین شماره ستاره صبح و یاد در حقیقت ناهید را بنام افلاك بیرون بدهد. و چون هشتمین شماره ستاره صبح که شماره اول افلاك میباشد در تاریخ سه شنبه ۶ محرم الحرام ۱۳۴۴ قمری مطابق ۶ مرداد ۱۳۰۴ شمسی انتشار یافته میتواند بطور خلاصه گفت شماره اول روزنامه افلاك بدیری میرزا ابراهیم خان ناهید در ۶ مرداد ۱۳۰۴ شمسی در طهران منتشر شده است.

روزنامه افلاك بیش از شش شماره یعنی از شماره ۸ تا ۱۴ منتشر نگردیده و شماره ۱۴ یعنی آخرین شماره افلاك مورخ بتاریخ شنبه ۹ صفر ۱۳۴۴ قمری مطابق ۸ شهریور ۱۳۰۴ شمسی است. از شماره ۱۵ که در حقیقت شماره ۱۵ سال چهارم ناهید و دهمین شماره سال اول ستاره صبح است: باز روزنامه اسم دیگری پیدا کرد و بنام (خلق) منتشر شده است. و از همین جهت در جلوی شماره ۱۴ افلاك سال انتشار روزنامه بدین قسم «سال اول (چهارم)» قید گردیده و اگر خواننده اطلاع از چگونگی انتشار روزنامه نداشته باشد دوچار حیرت میگردد که چطور روزنامه در عین حال که سال اول انتشار را طی میکند سال (چهارم نیز هست) و لی بسا توضیحی که در بالا ذکر شد این اشکال بکلی مرتفع میگردد راجع به علت عدم انتشار روزنامه افلاك آقای ناهید در شماره اول (خلق) که بجای آن نشر شده تحت عنوان (مانع قانونی) چنین نوشته است «به موجب مرقومه وزارت جلیله معارف و اوقاف روزنامه افلاك بواسطه عدم جواز تصویر طبع نشد و روزنامه خلق بجای افلاك منتشر می شود دیده میخواهم که باشد شه شناس تا شناسد شاه را در هر لباس چون روزنامه افلاك بعضی ناهید منتشر میشده لذا از حیث سبک مندرجات و نوع مطالب بینه همان روزنامه ناهید است و حتی مثل ناهید موسس و صاحب و سر دبیر میرزا ابراهیم خان ناهید معرفی شده و محل اداره طهران آن ناهید، معین گردیده است.

برای اطلاع از شرح احوال میرزا ابراهیم خان ناهید بعرف نون کتاب کلمه

(ناهید) رجوع شود.



(۱۷۱) آفاقان

مرحوم تربیت راجع بمجله آفاقان در فهرست روزنامه‌های آذربایجان مینویسد
 « مجله ماهانه منتشر در زبان ارمنی در ۱۳-۱۹۱۲ » نگارنده بیش از این راجع
 بمجله آفاقان اطلاعی ندارم .

(۱۷۲) اقبال

روزنامه اقبال در شهر تبریز به مدیریت (علیقلی معروف بصفر اف) بطور
 هفتگی تاسیس و با چاپ سنگی منتشر شده است .
 چنانکه سابقا در حرف الف بعد هاء این کتاب روزنامه (احتیاج) یادآور
 شدیم علیقلی معروف بصفر اف در سال ۱۳۱۶ قمری در تبریز روزنامه‌ای بنام احتیاج
 تاسیس و منتشر نموده و چون روزنامه موافق میل امیر نظام گروسی والی آذربایجان
 نبود لذا بدستور والی مذکور پس از انتشار هفت شماره روزنامه توقیف شد
 پس از توقیف روزنامه احتیاج صفر اف روزنامه دیگری بنام (اقبال) بنسی
 همین روزنامه که در عنوان است بجای شماره هشت احتیاج انتشار داد بنا بر این
 اقبال بعوض احتیاج و در حقیقت شماره هشت آن میباشد . شماره اول اقبال در ۲۹
 ربیع الاول ۱۳۱۶ قمری انتشار یافته است .
 برای اطلاع از شرح احوال علیقلی صفر اف رجوع شود بکلمه احتیاج این کتاب .

(۱۷۳) اقبال

مجله اقبال به مدیریت مسئولی (آقا محمد باقر معیط) و سر دبیری (سید حسین
 خان رمزی) در طهران تاسیس و در سال ۱۳۳۷ قمری منتشر شده است . شماره
 اول سال دوم آن در اول برج نور ۱۲۹۹ شمسی مطابق ۲ شعبان ۱۳۳۸ قمری
 در مضاعف سربی (تمدن تهران) در ۳۰ صفحه بقطع خشتی کوچک طبع و توزیع
 گردید .

اقبال مجله ایست ماهیانه ؛ مصور ، علمی ؛ ادبی اخلاقی اجتماعی و تاریخی
 و قیمت اشتراك آن بدین قرار است: طهران : سالیانه ۳۵ قران و ششماهه ۲۰ قران
 بلاد ابراف ۴۰ و ۲۵ قران ، خارجه ۵۰ قران و ۳۰ قران در سنوات اولیه انتشار
 مجله آقای میرزا سید حسنخان رمزی ، در پشت جلد مجله ، عضو اول هیئت تحریریه
 معرفی شده ولی بعدا محمد باقر معیط (با تعویض نام فامیلی بنهضت) مدیر و
 سید حسینخان رمزی دبیر مجله معرفی شده اند . طرز انتشار مجله ماهیانه بود .

و بقرار ضبط سالنامه معارف هرنوبت ۵۰۰ نسخه از آن منتشر میشده است .
 برپشت جلد مجله تصویر سردر و اطراف درمیدان سپه طهران رسم شده بقسمی
 که عبارات سردر بخوبی دراین تصویر قرائت میگردد . قال الله تعالی عزوجل و لایه
 علی بن ایطالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی و نیز جمله بسم الله الرحمن الرحیم
 نصر من الله وفتح قریب ، از عباراتیست که در تصویر دیده میشود . نام مجله (نامه
 مصور اقبال) درزیر سردر و سایر خصوصیات جمله در بالا و پایین و اطراف تصویر
 درج است . مندرجات اقبال عبارت از مطالب متنوع تاریخی ، ادبی و اجتماعیست
 برای اطلاع انواع مطالب و نویسندگان مجله فهرست شماره های چهارم از سال ۱۲
 و شماره اول سال هفدهم را بترتیب ذیل نقل میکنیم :

عکس آقای جم والی ابانت خراسان . جواب بموقع شیر الاغ (دکتر شافع)
 منتخبات آثار (آقای رشده پیر معارف) خواص تاهل و مضار تجرد (آقا محمدخان
 لاهوری) استذکار (آقامیرزا ضیاءالدین خان شیبانی دیلمه مدرسه عالی علوم
 سیاسی) شعر از متاخرین (سنجابی) خانم هریت هیچراستور و تحریرات آن (هیئت
 تحریریه مجله) شورای عالی مجانبین (آقا میرزا محمد خان مسعود) زمستان گذشت
 استقبال از غزل (عاشقی محنت بسیار کشید) تالب دجله بمشوقه رسید (شعر از اشرف
 دو تصویر از حاج مخبر السلطنه رئیس الوزرای وقت و سردار اسعد وزیر جنگ . فاشفاشک
 . یقین . عادات قبائل افریقای شرقی و مجالس سری آن ها . اشخاص باهوش محبوبند
 یا مردود . دیوانه و پادشاه . زنان در قرن بیستم . مقام زن . منتخبات آثار . نصایح
 رادیو . یاد آوری ها . دستور خانه داری (خوبی روغن) اندرز . دو تقویم معروف
 عیویان . مالیه ایران .

مجله اقبال در سال ۱۳۱۲ شمسی وارد هفدهمین سال انتشار خود کرد بد . و
 شماره اول این سال در ۱۵ مرداد ۱۳۱۲ نشر شده است . در مقدمه که در این شماره
 بعنوان (ادامه خدمت) چاپ کرده اینطور مینویسد :

« نامه مصور اقبال هفدهمین سال حیات ادبی خود را شروع نمود ولی با اكمال
 لوازمات و تهیه و تدارک کلیشه های متعدده و تکمیل ادوات و ماشین آلات مطبعه
 و مزایای دیگر که فعلا از توضیح و تشریح آن ها خودداری و موکول بآتی نموده ایم
 همان با این که در سابق نامد لوازمات يك چنین مجله بود بهر زحمت و مشقتی بود
 ادبی و ضمیمه نمود بدین جهت از گذشته خود مسرور و بآتی خویش امیدوار است »

(۱۷۴) اقتصاد

شماره اول سال اول روزنامه اقتصاد در دو صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربلی
 چاپ و در تاریخ پنجشنبه ۱۷ محرم العرام ۱۳۴۲ هجری قمری مطابق ۷ سنبله

تنگ‌وزنیل ۱۳۰۲ شمسی؛ در طهران منتشر شده است.
 روزنامه اقتصاد بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (اسدالله - روح افزا نی)
 تاسیس گردیده و محل اداره آن طهران، خیابان ناصربه اداره حیات جاوید بوده
 است. طرز انتشار آن هفتگی و قیمت اشتراك بدینقرار است: سالیانه ۵۰ خله
 قران، شش ماهه ۳۰ قران، تك شماره ۵ شاهی. مقاله افتتاحی روزنامه تحت
 عنوان (اصل مهم اقتصادی) و باسطور زیر شروع میگردد:

« در این موقع که ما بدایره مطبوعات قدم گذارده و میخواهیم بنوبه وسهم
 خویش خدماتی در خور استعداد خود انجام دهیم ۴۰۰۰ پس از سرمقاله اخبار داخله
 و خبرهای خبرگزاری رویتر درج شده است. لازم است یاد آور شویم که
 ظاهراً روزنامه ای بهین نام (اقتصاد) در طهران، بطور هفتگی، در سال ۱۲۹۰
 شمسی منتشر میشده ولی نگارنده تا کنون نمونه و اطلاعی از آن بدست نیآورده‌ام

(۱۷۵) اقتصاد ایران

روزنامه اقتصاد ایران در طهران بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (حاج مستشار
 الممالک) و مدیری و سردبیری (میرزا حسن ناجی) تاسیس و شماره اول آن
 در ربیع الاول ۱۳۳۸ قمری منتشر شده است. اقتصاد ایران در ابتدا بطورهفتگی
 در مطبعه (باقرزاده) طبع و هر نوبت ۱۵۰۰ نسخه از آن نشر گردیده و پس
 از انتشار ۲۸ شماره توقیف شد. و در شوال ۱۳۳۸ قمری از توقیف خارج
 گردیده و مجدداً منتشر شده است، روزنامه اختر مسعود چاپ اصفهان، مورخ ۱۵ سرطان
 ۱۲۹۹ مطابق شوال ۱۳۳۸ در باره طلوع مجدد آن تحت عنوان (طلوع ثانوی)
 مینویسد: « جریده اقتصاد ایران که چندی بود توقیف و بطلت حق گوئی دوچار تعطیل
 شده بود اینك مجدداً در افق مطبوعات مرکز طلوع نموده است. »

اقتصاد ایران روزنامه ملی آزاد و مستقل الافکار معرفی و وجه اشتراك آن
 بدین قسم تعیین شده است:

سالیانه ۶۰ قران؛ ششماهه ۳۵ قران؛ تك نمره چهار شاهی؛ اعلانات در
 صفحه آخر سطری يك قران، محل اداره روزنامه: طهران خیابان ناصربه؛ عنوان
 تلگرافی طهران؛ اقتصاد.

همانقسم که فوقاً یاد آور شدیم اقتصاد ایران در ابتدا بطور هفتگی روزهای
 سه شنبه در چهار صفحه بقطع کوچک توزیع میشده و بعداً هفته پنج شمار. طبع و
 توزیع گردیده است. شماره ۱۷ سال دوم آن در تاریخ سه شنبه ۲۰ صفر ۱۳۳۹
 مطابق ۱۰ عقرب ۱۲۹۹ و ۴ نوامبر ۱۹۲۰ و شماره دوم سال سوم آن در چهار
 شنبه ۲۸ سرطان ۱۳۰۱ و شماره ۶۳ سال سوم آن در يك شنبه ۸ ربیع الاول ۱۳۴۱

مطابق عقرب ۱۳۰۱ شمسی انتشار یافته شعار روزنامه عبارت از نیمه خورشید است که از افق بیرون آمده و بر روی آن اسم روزنامه نوشته شده است .

مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی تحت عناوین (مواقع خطر) و (وزارت معارف) عبارت از وقایع داخلی و حوادث خارجی و مقالات مختلف می باشد و بطور کلی سیاق مطالب اقتصاد ایران اخبار است .

اداره امور داخلی روزنامه ابتدا با آقای میرزا علیمحمد خان مستشار زاده بوده و بعداً طبق قرار دادی که با حاج مستشارالممالک بسته شده بعهد آقاسی (ابوالفضل لسانی) واگذار شده پس از چندین بطلانی بین آقای لسانی و صاحب امتیاز روزنامه اختلافاتی حاصل شده و آقای لسانی دیگر در امور روزنامه مداخله نکرده است و چون این موضوع در آن ایام در جراید منعکس گردیده و چند روزنامه مهم از قبیل طوفان و ایران عدم مداخله لسانی را تحت عنوان (اخطارراجع بروزنامه اقتصاد ایران) چاپ کرده ، مانیز برای مزید اطلاع یکی از این اخطارها را نقل میکنیم .

د اخطار . البته قارئین محترم جراید در نظر دارند که چندی قبل جریده اقتصاد ایران در تحت مدیریت این جانب اداره میشد و سپس بواسطه مخالفت جدی با دولت وقت دچار محظورات شده در نتیجه صاحب امتیاز آن آقای مستشارالممالک بر خلاف قرار داد کتبی (که فعلاً هم در دست است) با زور دولت وقت حق انتشار آن روزنامه را از بنده سلب نموده من هم خواه ناخواه بعد از آن همه مبارزات در زاویه خمول عزلت گزیدم ولی فعلاً بقرار اطلاع معلوم میشود که صاحب اصلی آن در نظر دارد نمایشی باسم اقتصاد ایران بدهند لذا خواطر عموم را مستحضر می دارد که از تاریخ ۸ برج عقرب (منظور عقرب ۱۳۰۱ است) بنده هیچ نوع مداخلاتی در آن روزنامه ندارم و ارباب رجوع بخود مستشار الممالک رجوع نمایند . ابوالفضل لسانی « (۱)

شرح حال حاج مستشارالممالک - مرحوم حاج حسین اقتصادی ملقب به (مستشار الممالک) طبق نامه ای که فرزندان مرحوم آقای علیمحمد پیروزمند رئیس اداره قوانین مجلس شورایی باین جانب مرقوم داشته از نواده های پسری مرحوم حاج سمعی از مردم اصفهان و در سال ۱۲۴۰ شمسی در تبریز متولد شده است شرح احوال آن مرحوم در شماره ۱۴۶ سال سوم مجله اطلاعات هفتگی مورخ ۱۹ اسفند ۱۳۲۲ بدین قسم نوشته شده که مشارالیه در اوائل طفولیت و جوانی بنا بر مقتضیات زمان ؛ پاکتساب معلومات قدیمه و فقه و اصول و فلسفه و ادبیات پرداخته و چون میخواسته است در

حرف الفبعده اتفاق

اقتصاد ایران ، اقدام

کسب معلومات جدید نیز بی بهره نماند از اینرو مدت زیادی از اوقات خود را در سلامبول و اغلب شهرهای اروپا گذرانیده و در ضمن تحصیل در رشته های اقتصادی و سیاسی ، از اعمال پسندیده و اخلاق شایسته اروپائیان نیز تجارب و آفری اندوخت . پس از مراجعت از سفر اول فرنگستان ، در سال ۱۳۱۲ قمری ، از طرف اعلیحضرت پادشاه وقت بریاست تجارت آذربایجان که در آنوقت مرکز تجارتهای ایران و اروپا از راه روسیه و عثمانی بود ، منصوب شد و در مدت تصدی خدمات گرانبهایی بتجارت و تجار کشور نموده و سپس سالهای متمادی در وزارت امور خارجه بعنوان مشاور تجاری اشتغال داشت و ضمناً با تحصیل امتیاز روزنامه (اقتصاد ایران) و



حاج مستشارالممالک

انتشار آن تا حدی که موقع جازه میداد هموطنان خود را بطولم اقتصاد و روش جدید تجارتهای آشنا نمود در مدت اقامت در سلامبول ، با مساعدت و همت جمعی از ارباب فرهنگ و فتوت بتاسیس دستان ایرانیان همت گماشت که تا سالیان دراز این دبستان وسیله نشر زبان فارسی و کسب کمال اطفال ایرانی بود در سالهای آخر عمر بعلت سن زیاد و کهنولت اغلب اوقات خود را صرف مطالعات علمی و اقتصادی نمود و پس از ۸۲ سال عمر در دوازدهم بهمن ۱۳۲۲ از این جهان رخت بر بست .»

هوت آن مرحوم در طهران اتفاق افتاد و بازماندگان وی روز دو شنبه ۱۵ بهمن مجلس ترحیمی برای شادی روانش در مسجد مجید منعقد نمودند و نیز مجلس دیگری روز شنبه همان ماه در منزل آن مرحوم واقع در خیابان سی متری نظامی اول خیابان شاه بر پا داشتند . ارشد فرزندان آن مرحوم آقای علی محمد پیروز مند است که در حین کتابت این اوراق در استخدام دولت و ریاست اداره قوانین مجلس شورای ملی را عهده دار است .

(۱۷۶) اقدام

روزنامه اقدام در طهران بمدبری و صاحب امتیازی (عباس خلیلی) تاسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است .
آقای عباس خلیلی صاحب امتیاز و مدیر اقدام از نوادهای حاج ملا علی خلیلی و برادر زاده حاج میرزا حسین خلیلی طهرانی است که هر دو از اعظام علمای قرن ۱۳ هجری بوده و حاج میرزا حسین خلیلی اول روحانیست که مشروطیت ایران را

اعلام نمود . مولد خلیلی در نجف اشرف بوده و پس از تحصیل مقدمات علوم عربیت هنگامیکه در عراق نهضت ضد انگلیسی پیدا شد ، مشارالیه جمعیتی بنام (نهضت اسلام) تشکیل داد و خود در راس آن نهضت قرار گرفت و از اینراه زبان فراوان بانگلیس ها وارد ساخت و از این جهت بعد از جنگ جهانگیر اول از طرف انگلیسها محکوم باعدام گردید . ولی وی باین حکم تن در نداد و از عراق بپهران فرار کرد و در پهران مدتی در اداره روزنامه رعد مشغول تحریر شد .

پس از فرار سید ضیاء الدین ؛ مدیر روزنامه رعد ، از ایران ، خلیلی بتا سیس روزنامه بنام (اقدام) پرداخت و این روزنامه تا کنون که آبانماه ۱۳۲۶ شمسیست هنوز در پهران منتشر میگردد و فعلا سال بیست وهفتم خود را طی مینماید و شماره ۱۰۹۸ آن که از شماره های سال بیست وهفتم روزنامه می باشد در تاریخ یکشنبه ۱۷ آبان ماه ۱۳۲۶ مطابق ۲۵ ذیحجه ۱۳۶۶ قمری انتشار یافته است .

روز نامه اقدام ؛ از همان آغاز تاسیس ، بملت قلم تند و آتشین آقای خلیلی و تظاهر بمخالفت با سیاست یسکانگان در ایران ؛ هرچندی یکبار دوچار توقیف شده و از اینرو در مدت ۲۷ سال بیش از ۱۰۹۸ شماره از آن نشر نشده است .

اولین بار که روزنامه اقدام توقیف شد در زمان ریاست وزرائی مستوفی الممالک بود و پس از توقیف بجای آن روزنامه بیدار منتشر گشت ولی این روز نامه نیز پس از انتشار چهار شماره توقیف گردید و ما بتفصیل بعدا در حرف ب کتاب کلمه (بیدار) از این قسمت گفتگو خواهیم کرد . توقیف اولیه اقدام در برج دلو ۱۳۰۱ انجام گرفته است .

اقدام در طول سلطنت اعلیحضرت پادشاه سابق ، مانند اغاب جراید ایران در محاق تعطیل بسر میبرد تا اینکه وقایع شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد و روزنامه مذکور مجددا در دیماه همین سال منتشر گردید . و از آن تاریخ تا کنون با توقیفهای متوالی که داشته باز هم منتشر گردیده است .

آثار و تالیفات خلیلی

چنانکه سابقا اشاره کردیم عباس خلیلی از نواده های رئیس علمای قرن سیزده مرحوم حاج ملاعلی خلیلی است . نامبرده پس از گذراندن ایام صباوت و آغاز جوانی در عراق ، بعلتیکه قبلا یاد آور شدیم بایران تبعید گردید و در این جا دوران روز نامه نگاری و نویسندگی خود را شروع کرد . خلیلی با همه گرفتاریهایی که بملت انتشار روزنامه اقدام برایش بوده مع ذلك دارای تالیفات و تصنیفات متعددیست که ذیلا بذکر اسامی و خصوصیات آن ها تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد میبردازیم این تالیفات غیر از مقالات مختلفی است که خلیلی در جراید پهران منتشر نموده و نیز غیر از سرمقاله های

روزنامه اقدام است که تمام بقلم خود اوست • آثار و تالیفات خلیلی :

۱ - ترجمه قسمتی از شاهنامه به ربی شعر بشر ۲ - ترجمه قسمت عمده کلیات سعدی شعر بشر - (این ترجمه در یکی از مجلات مهم مصر بنام (المقتطف چاپ و منتشر شده است) ۳ - روزگار سیاه • این کتاب در فروردین ۱۳۱۰ شمسی در مطبعه اقدام، در ۱۳۴ صفحه چاپ گردیده و قیمت آن چهار قران است •

روزگار سیاه رمانیست عشقی ، اخلاقی ، اجتماعی و در آن شرح حال فاحشه ای که بروزگار سیاه افتاده و بدبخت گردیده بیان شده است • روزگار سیاه از شاهکار نوشته های آقای خلیلی است و پس از انتشار بی اندازه مورد توجه واقع گردید بسمی که در مدت چند سال سه مرتبه بطبع رسید •



آقای عباس خلیلی

۴ - انسان • این کتاب در سال ۱۳۰۴ شمسی در مطبعه فاروس در یکصد صفحه بقطع پستی طبع گردیده و قیمت آن چهار قران معین شده ولی مدتی است که نسخ آن نایاب است • انسان داستانی است اخلاقی و اجتماعی و پس از انتشار مورد توجه علاقه مندان به آثار خلیلی واقع گردیده است

۵ - انتقام در مرداد ۱۳۰۴ شمسی در ۸۶ صفحه بقطع پستی در مطبعه روشنائی به چاپ رسیده و مدتی است نسخه آن کمیاب است • ۶ - اسرار شب - کتاب اسرار شب

در اسفند ۱۳۰۵ در ۸۴ صفحه بقطع پستی در مطبعه سعادت بچاپ رسیده و قیمت آن چهار قران است • این کتاب قبل از آن که جداگانه چاپ شود، در روزنامه اقدام طبع شده است • ۷ - بیرچاک هندی - این کتاب در اسفند ۱۳۰۶ شمسی در ۱۰۸ صفحه بقطع پستی در مطبعه باقرزاده طبع گردیده و چهار قران هم قیمت آن بود ولی فعلا مدتی است نایاب است • قبل از آنکه جداگانه چاپ شود، در روزنامه اقدام چاپ شده است • ۸ - خیالیات - این کتاب در یکصد صفحه بقطع پستی در مهرماه ۱۳۰۹ شمسی در مطبعه درخشان چاپ شده و چهار قران قیمت آن است • ۹ - مقتضیات کتاب مذکور در بهمن ۱۳۰۹ در ۸۰ صفحه بقطع پستی در مطبعه اقدام چاپ و منتشر شده و قیمت آن دو قران است • ۱۰ - زندانیان - این کتاب بسال ۱۳۱۰ در ۴۸ صفحه بقطع پستی در مطبعه اقدام چاپ شده و قیمت دو قران ارزش آن تعیین گردیده است • ۱۱ - غراب عالم • در ۱۳۱۰؛ در مطبعه اقدام در ۴۸ صفحه بقطع پستی طبع

حرف الف بعده اقیاف

اقدام - اقیانوس

و منتشر شده و قیمت آن دو قران است ۱۲۰ - چال گاو - در ۱۳۱۰ در مطبعه اقدام در ۴۸ صفحه بقطع پستی چاپ شده ؛ و دو قران قیمت دارد . ۱۳ شار لوت این کتاب در ۱۳۱۰ در مطبعه اقدام در ۴۰ صفحه بقطع کوچک چاپ گردید . و سی شاهی قیمت دارد .

این بود فهرستی از اسامی کتبی که بقلم آقای خلیلی تالیف گردیده و نگارنده از آنها اطلاع داشت . بیشتر این کتاب ها هنگامی تالیف شده که آقای خلیلی از فعالیت روزنامه نگاری برکنار بوده است . آنچه بیشتر در خلال سطور این کتب خواننده را مجذوب میسازد احساسات و عواطف غم انگیز است که خود بخود در خواننده پدید می آید .

آقای خلیلی ؛ پس از وقایع شهریور که دو مرتبه با بدایره روزنامه نگاری گذشت ، در کابینه آقای قوام السلطنه دوچار زندان شهربانی گردید و پس از مدتی زندانی بودن مجددا آزاد شد . روزنامه اقدام همانقسم که قبلا یادآور شدیم ، پس از وقایع شهریور ماه ؛ دو مرتبه منتشر گردیده و هر وقت مدیران آقای خلیلی آزاد بوده ، روزنامه نیز منتشر شده است . قطع نظر از سرمقاله های مفید و موثر که در روزنامه بقلم خلیلی نوشته شده ؛ اقدام روزنامه ایست خبری و مشتمل بر قسمت عمده اخبار داخله و خارجه است و مقالات و ترجمه های مفید و متنوع نیز در آن دیده می شود .

(۱۷۷) اقیانوس

روزنامه هفتگی اقیانوس منتشره در طهران بسال ۱۳۲۶ قمری ۰ مدیر و نویسنده این روزنامه (سید فرج الله کاشانی) نویسنده روزنامه تریا در مصر و طهران است .

برای اطلاع از شرح احوال سید فرج الله رجوع شود بکلمه (تریا) در این کتاب .

(۱۷۸) اکباتان

روزنامه اکباتان در شهر همدان بمدیری (میرزا ابوالقاسم خان ملقب بسید الاطبا) تاسیس و هفته یکبار توزیع شده است .

روزنامه اتحاد همدان مورخ سه شنبه ۲۰ جمادی الاولی ۱۳۲۳ قمری طلوع روزنامه (اکباتان همدان) را بشارت داده مینویسد روزنامه ایست هفتگی بمدیری آقای سید الاطبا و تحت نظر رئیس معارف و تا کنون دو نمره از آن باداره رسیده است . در سالنامه وزارت معارف متعلق بسال ۱۲۹۷ پس از آنکه نام روزنامه اکباتان را ضبط کرده مینویسد « این روزنامه هفته یکبار توزیع و در هر نوبت ۵۰۰ نسخه از آن طبع میگردد ؛ در اوایل یونت ثیل ۱۲۹۷ منتشر شده و لی فعلا

تعطیل است . « . در شماره اول مجله پروین مورخ ۱۶ ذیحجه ۱۳۳۳ قمری نام روزنامه را (ا کباتان نامه عشقی) و مدیر آن را (اسماعیل زاده) نوشته و سال مذکور را سال اول تاسیس آن دانسته است .
برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۴۵) درباره این روزنامه چنین نوشته است :

« روزنامه ا کباتان منتشره در شهر همدان در سال ۱۱۲۵ هجری ، از این روز نامه بیش از يك شماره نشر نشده و بجای آن روزنامه عدل مظفر ؛ بهمان سبک انتشار یافته و تا کنون نیز منتشر میگردد . »

(۱۷۹) اکودو پرس

روزنامه اکودو پرس (صدای ایران) تحت نظر و سرپرستی (دکتر مورل) در طهران ، بزبان فرانسه تاسیس و شماره اول آن در فروردین ۱۳۰۲ قمری مطابق ۱۲ مارس ۱۸۸۵ میلادی متوالیا منتشر گردیده است .
لازم است یاد آور شویم که قبل از این تاریخ روزنامه دیگری بنام (پاتری - وطن) در طهران بزبان فرانسه انتشار یافته . تفصیل این اجمال آنکه در سفر ناصر الدین شاه بفرنگستان ، هنگام توقف در اسلامبول مطبعه ای خریداری نمود و با يك نفر حروفچین بطهران ارسال داشت . مطبعه مذکور در طهران مدتی بدون استفاده ماند تا اینکه در سال ۱۲۹۳ قمری روزنامه بنام (پاتری) بمدیری بارن دو نرمان در طهران تاسیس شد و ظاهرا باژیکی مذکور را یکسال قبل همین منظور از اروپا خواسته بودند ولی متاسفانه از این روزنامه بیش از يك شماره که مورخ بتاریخ ۹ محرم ۱۲۹۳ می باشد منتشر نشد و چون در مقالات آن ذکری از آزادی شده بود موافق طبع شاه واقع نگردید و دستور توقیف آن صادر گشت .
بنا بر این روزنامه اکودو پرس یا صدای ایران دومین روزنامه ایست که در ایران بزبان فرانسه منتشر گردیده است .

(۱۸۰) آگاهی

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۳۳) ذکری از روزنامه آگاهی که با چاپ سنگی در طهران طبع شده و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده ، نموده است ولی نگارنده تا کنون نمونه از آن بدست نیاورده و اطلاعی هم بیش از آنچه برون نوشته ندارم . و اما راجع بروزنامه دیگری که بهمین اسم در سال ۱۳۲۹ قمری در طهران منتشر شده و نمونه ای از آن در دست می باشد خصوصیات آن بدین قرار است :

حرف‌الف بعده الكاف

آگاهی

روزنامه آگاهی در طهران بدیر مسئولی (محمد حسین سبزواری حشمت) تاسیس و شماره دوم سال اول آن در چهار صفحه بقطع کوچک، با چاپ سنگی در تاریخ سه شنبه ۴ رمضان ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته است. در عنوان روزنامه، آگاهی باین قسم معرفی شده: «روزنامه ایست هفتگی، اخلاقی، سیاسی، تاریخی؛ فلاحتی». محل اداره روزنامه خیابان ناصریه، کتابخانه شرافت. قیمت اشتراك سالیانه داخله ایران ۶ قران، خارجه دوازده قران. اسم روزنامه (آگاهی) با خط نستعلیق درشت نوشته شده و صفحه اول روزنامه مشتمل بر کاریکاتور است که دو دسته عقب سربازی که در دست هر کدام بیرقیست و روی آن نوشته (ارتجاع) صف کشیده اند. قسمت دیگر این صفحه باز کاریکاتور است که تحت عنوان (روابط حسنه) رسم شده. در این قسمت یک طرف اتومبیلی بوسیله یک نفر اروپائی رانده میشود و در زیرش نوشته: (این رشته سر دراز دارد) و در طرف دیگر اروپائی دیگری اثاثیه وارد میکند و باز زیر آن نوشته: «قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود».

در صفحه دوم وسوم و چند سطر از صفحه چهارم مقاله سیاسی روزنامه بعنوان (اجتماع بعد از انفراد) نوشته شده و بقیه صفحه چهار عبارت است از مقالات (اخلاق فرانکلن، فلاحت سیب زمینی) و یک اعلان. هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون و طرز انتشار آن هفتگی است. در شماره ۱۴۹ سال چهارم روزنامه مجلس مورخ دو شنبه ۲۶ شمان ۱۳۲۹ قمری بعنوان (تقریظ) راجع بملوع این روزنامه می نویسد: «روزنامه آگاهی روی ورق کوچک با چاپ سنگی در تحت مسئولیت و مدیریت جناب آقا میرزا محمد حسین سبزواری بتازگی از طبع خارج شده و نمره اول آن را باداره ما فرستاده اند».

(۱۸۱) آگاهی

روزنامه آگاهی بدیری (شیخ عبدالعزیز آل داود) در خراسان، در سال ۱۳۳۳ قمری، بطور هفتگی تاسیس و منتشر شد. روزنامه مذکور پس از سه سال انتشار برای مدت کمی تعطیل گردیده و مجددا در اوائل سال ۱۳۳۶ قمری با بدایره انتشار گذاشته است. شماره های ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ سال ششم روزنامه در ماههای دلو و حوت سال ۱۲۹۹ شمسی از طبع خارج شده است.

(۱۸۲) الادب

مجله الادب در سال ۱۳۳۶ قمری مطابق ۱۲۹۲ شمسی و ۱۹۱۸ میلادی در طهران تاسیس و منتشر شده؛ صاحب امتیاز مجله آقای میرزا محمد و مندرجات آن

بقلم دیپه ها و محصلین عالی امریکائیها تهیه و تدوین گردیده است . در حقیقت مجله مذکور از انتشارات مدرسه امریکائیهای طهران است و این مدرسه همان دبیرستان البرز ضلی است که در طهران اکنون دایر است .

مجله الادب در هر دو ماه یکبار در ۳۲ صفحه بقطع خشتی کوچک ، با چاپ سربی طبع و منتشر میشود ؛ قیمت اشتراك سالیانه آن در مرکز ۶۰ قران و در خارج از مرکز ۷۰ قران و تك شماره سی شاهی . قیمت اعلان در صفحات اول مجله يك صفحه ۴۰ قران ؛ نصف صفحه ۲۵ قران ، ربع صفحه ۱۵ قران و صفحات آخر بترتیب ۲۵ و ۱۵ و ۱۰ قران . محل اداره مجله : طهران . مدرسه عالی امریکائی معین گردیده است . در عنوان مجله ؛ الادب بنام يك مجله علمی ؛ ادبی ، تاریخی و اخلاقی معرفی شده و مندرجات آن نیز از این قبیل مطالب خارج نیست . برای نمونه فهرست مندرجات با ذکر اسامی نویسندگان شماره سوم سال اول و شماره ششم سال دوم را نقل میکنیم : چهار روز (پ . ا . بیژن) نیک بینی و شاشت خاطر (سلطان محمد خان نائینی) آزادی (بدرالدجی) مازور استوار (مجله الادب) بزرگی و بزرگان (ترجمه سلیمان بیرجندی) دکتر جدمن در انجمن جوانان فارغ التحصیل (مجله الادب) کلمات منجمده (ترجمه . س . جمال الدین) موش و وزغ (حکایت منظوم . علی اصغر شیرازی) رخساره سنگی (ترجمه الله یار خان صالح اثر مصاحبت (از کتاب اخلاق تالیف سلطان محمد خان) پیرانیکه مردان کافی و کامیاب ایجاد میکنند (ترجمه سلیمان بیرجندی) ادیبون یا يك امریکائی حیرت آور (علی پاشا صالح) فقط یکقسمت از فجایع بلشویک (ابراهیم مرآت اشتیانی) پرگرام بیست و پنجمین مجلس جشن فارغ التحصیلهای مدرسه عالی امریکائی تهران جمعه دوم جوزا ۱۲۹۸ . متن خطابه محمد سنائی بفارسی و انگلیسی . رخساره سنگی (ترجمه الله یار خان صالح) لازم است یاد آور شویم که اغلب این نویسندگان و مترجمین محصلین مدرسه کالج بوده اند . تاریخ انتشار شماره سوم صفر ۱۳۳۷ قمری مطابق قوس ۱۳۹۷ شمسی است .

در سالنامه ۱۲۹۷ وزارت فرهنگ در باره مجله مذکور مینویسد : « مجله الادب که بمدیری آقای میرزا محمد خان ناظم مدرسه امریکائی و در تحت نظر و بقلم محصلین مدرسه تاسیس شده هر سه ماه یکمرتبه در مطبوعه فاروس طبع و هر نوبت ۵۰۰ نسخه از آن منتشر میگردد . سیاق مطالب آن ادیبست . »

الادب مدت سه سال بنام مذکور منتشر شده و از ابتدای سال چهارم تغییر اسم پیدا کرده و بنام (مجله فردوس) و با همان وضع و سبک سابق انتشار یافته است . برای اطلاع از سال چهارم بعد مجله بعرف (ف) کتاب کلمه فردوس مراجعه شود .

(۱۸۳) الاسلام

مجله الاسلام و یا گفتگوی صفا خانه اصفهان (۱) در شهر اصفهان بمدیری سید محمد علی داعی الاسلام (تاسیس و شماره اول آن در شهر رمضان المبارک ۱۳۲۰ قمری مطابق سال ۱۹۰۳ میلادی منتشر شده است .

علت تاسیس و انتشار مجله مذکور چنانچه در شماره اول مجله ذکر شد . بدین قرار است : « چون سالهاست دعوات عیسویه میگفتند که چرا اهل اسلام جواب ما را نمیدهند با آنکه از دول فرنگستان بیلدان اسلامی می آئیم و اداره دعوت مفتوح می نمایم کرورها در هر سال مخارج اینکار میکنیم ، در هر سال کتب فراوان در رد اسلام طبع میکنیم و بدست اهل اسلام میدهیم از این جهت از غره شهرجمادی الاخره ۱۳۲۰ قمری در اصفهان بامر جناب مستطاب حامی الشریعة الفراء مروج الملة البيضاء ملاذ الانام مروج الاحکام حجة الاسلام آقای حاج شیخ نورالله ثقة الاسلام (۲)

تسمیه

بیت الله الخیرین

صفحه ۱۰

الاسلام

گفتگوی صفا خانه

شماره یک

مهر ماه

دامت برکاته العالیه اداره دعوت اسلامیه بنام (صفاخانه) در مجله جلفا دائر شده است . گفتگوی دعوات اسلامیه با مسیحیان و دعوات ایشان تحریر میشود و در این اوراق برای انتفاع مسیحیان و مسلمانیان دور مندرج میگردد ؛ امید داریم کم کم دعوات اسلامیه بممالک خارجه بفرستیم و حجت را براهل جهان تمام کنیم . این بود شرحی که داعی الاسلام درباره تاسیس مجله آورده و برای اینکه خوانندگان بهتر مندرجات و سبک مطالب مجله بی بیرند بطور اجمال قبلا شرحی درباره صفا خانه اصفهان ذکر میکنیم .

تسمیه از بوسه های شکر شده و صفا خانه است
 در این تسمیه ، داعی شرفنامه ، غالی فی آراءش و الکاتب بفرستیم هرگز آفت نیست
 و بفرستیم آنده تعانی شرح مدکم بفرستیم و بفرستیم هرگز آفت نیست
 و بفرستیم و صفا خانه و بفرستیم هرگز آفت نیست و بفرستیم هرگز آفت نیست
 و بفرستیم هرگز آفت نیست و بفرستیم هرگز آفت نیست و بفرستیم هرگز آفت نیست
 و بفرستیم هرگز آفت نیست و بفرستیم هرگز آفت نیست و بفرستیم هرگز آفت نیست

یک صفحه از مجله الاسلام

(۱) گفتگوی صفاخانه اصفهان نام دیگر مجله الاسلام است که در صفحات بعد بتفصیل وجه تسمیه آنرا بیان خواهیم کرد (۲) منظور حاج آقا نورالله برادر آقای نجفی معروف میباشد که در ابتدای مشروطیت خدمات مهمی در اصفهان و جنوب پیشرفت اساس مشروطیت نموده است .

صفاخانه اصفهان

از چند سطر مقدمه شماره اول مجله و اطلاعاتی که نگارنده از خارج دارم تاریخچه تاسیس صفاخانه اصفهان بدین قرار است که در سال ۱۳۲۰ هجری قمری به دستور آقای حاج آقا نورالله، در محله جلفای اصفهان دعوت خانه بنام (صفاخانه اصفهان) تاسیس گردیده و یکی از مطلقین و آشنایان بندهب مسیح موسوم بسید محمد علی و ملقب بداعی الاسلام (شرح احوال ایشان بتفصیل در صفحات بعد بیان خواهد شد) از طرف جامعه روحانیون اصفهان مامور بمباحثه و مناظره با علماء و مبلغین دین مسیح که در این تاریخ بعد وفور در این شهر رفت و آمد داشته گردیده است. صفاخانه اصفهان که موسوم باداره دعوت اسلامیه بوده؛ در آغاز امر در خود شهر و جلسات آن در یکی از حجرات مدرسه صدر اصفهان واقع در بازار بزرگ که محل سکونت داعی الاسلام بوده تشکیل میشده و از آن پس دعوتخانه بنام صفاخانه اصفهان بجلفا که مرکز مبلغین و مسیحیان بوده منتقل گردیده است. داعی الاسلام در شماره ۵ سال اول الاسلام در جائی که تحت عنوان (سرور غیبی) شرح احوال رکن الملك را بقلم ادیب‌التجار نقل کرده در ضمن خدمات رکن الملك نایب‌الحکومه ظل‌السلطان در اصفهان راجع بتاسیس اداره دعوت اسلامیه می نویسد.

«از جمله اقدامات حسنه و خیرات مستحسنه حضرت آقای رکن الملك احداث اداره دعوت اسلامیه است که انشاء الله تا ظهور قائم آل محمد این رشته متصل خواهد بود. در روز دوازدهم جمادی الاولی ۱۳۲۰ در منزل خودشان انجمنی ترتیب دادند مشتمل بر علماء و ارکان و تجار پس از اجتماع با غایت فصاحت و بلاغت با این مضمون نطق فرمودند: خداوند کریم حکیم را شکر بی‌حصر و حمد بی‌حد بجای آوریم که نعمت دین مبین اسلام را بما عطا فرمود. . . . و بمقتضای تکالیف مقرر آن عمل نمائیم و همیشه بفکر آن باشیم که این کلمه جامه را وسعت دهیم و در استحکام عقاید عوام و ضعیفان و خروج آن‌ها بکوشیم. . . . پس بر راهنمایان انام و پیشوایان عظام اسلام یعنی علمای اعلام نیز بر حسب تکالیف اسلامی حتم است که از گوشه‌های مسجد و زوایای محراب بیرون آمده بمیدان تقابل آیند. بخصوص در ایام سلطنت علیحضرت قدر قدرت مظفرالدین شاه. . . . آقای حاج شیخ نورالله ثقة الاسلام که همیشه در اصول نوعیه اسلامیه ساعی و جاهد در آن مجلس نطقی بسزا فرمودند و به تشکیل اداره دعوت اسلامیه باتفاق ایشان ساعی شدند و حضار از اهل حل و عقد اظهار اتفاق رای و همراهی نمودند اداره تشکیل یافت و دعواتی فراهم شد انشاء الله تعالی بهمت با همتان اسلام اداره وسعت خواهد گرفت و روشنائی بخش دیده تمام اسلامیان

خواهد گشت « جلسه مذکور در حقیقت هسته مرکزی صفا خانه اصفهان بوده و پس از توسعه و تشکیل جلسات مرتب آن در اداره دعوتخانه جلفا ، مجله ماهیانه ای بنام الاسلام برای ثبت مذاکرات تاسیس می یابد . مذاکراتی که در باره مذهب اسلام و مسیح بین داعی الاسلام و مبلغین مسیحی در صفا خانه اصفهان میشد همه ماهه در یک رساله طبع و بنام مجله الاسلام و یا گفتگوی صفا خانه اصفهان منتشر میگردد .

مندرجات مجله الاسلام

الاسلام از لحاظ مندرجات آن مجله است کاملاً دینی و مخصوص درج مذاکرات و مباحثات داعی الاسلام با مبلغین مسیحی میباشد . در هر شماره مجله گفتگوی یک روز درج میشده و اگر احیایا صفحات مجله برای درج تمام مذاکرات کافی نبوده بقیه در شماره بعد طبع میگردد است . چنانچه بقیه گفتگوی جمعه نهم شوال المکرم مندرج در شماره دوم ؛ در شماره سوم درج شده است .

از شماره سوم بیحد علاوه بر درج مذاکرات مذهبی . تحت عنوان سرورغیبی بترتیب شرح احوال (فخرالاسلام) و (رکن الملك نایب الحکومه اصفهان) چاپ گردیده و نیز بعضی از نامه هائی که با اداره مجله رسیده در باره از شماره های مجله بطبع رسیده است ، برای اطلاع کامل از سبک مندرجات مجله بنقل گفتگوی یکی از روزها میپردازیم .

گفتگوی پنجم

داعی مسیحی - فی الحقیقه صفا خانه شما در اسلام خیلی تازه گی دارد ز بر ا هیچوقت چنین مجلسی در اسلام منعقد نشده بود که اهل هر ملت بطور آزادی حاضر شوند در باره دین اسلام و ادله آن گفتگو نمایند . پیش از اینها گمان میکردیم دلیل دین اسلام فقط شمشیر است حال که این مجلس صفا و گفتگوی شما را می بینیم خیلی تعجب میکنیم .

داعی اسلام - امیدواریم ما هم مثل شما نصاری در تمام روی زمین چنین مجالس منعقد نمائیم و دعوات اسلامی بهر طرف بفرستیم . فرق این است که اهل ملت شما بیدارند و فوائد اداره دعوت و لزوم آنرا فهمیده اند لیکن اهل ملت ما هنوز در خواب غفلتند مثلاً جناب جلالتمآب آقای علاءالدوله حکمران مملکت فارس بجای این که با ما همراهی نمایند آنچه از رسالات صفاخانه مقدسه بشیراز میرود در دارالحکومه توقیف میشود و نمیگذارند منتشر شود ، جهت میپرسند ، میفرمایند بماند تا وقتی که فرصت پیدا کنیم به بینیم امر منافی دولت در این رسالات نباشد آنوقت اجازه انتشار خواهیم داد در این مدت شش ماه فرصت حاصل نکردند و گر نه در رساله دوم اجازه خلعت دولت را میخواندند و دیگر ابراد نمیگرفتند و ملتفت میشدند که در حکومت

حضرت اقدس اشرف والاظلال السلطان دامت شوکته کسی نمیتواند بدون اجازه دولت چیزی طبع کند عمده جهت غفلت اهل اسلام این است که ارکان دولت ما از قوانین دول اطلاع ندارند و از طغولیت علم نمی‌آموزند لیکن ما اهل اسلام بواسطه حسن نیت مقدسه اعلیّه حضرت قدر قدرت مظفرالدین شاه عادل؛ پادشاه جمجاه، دین پناه اسلام خدایه ملکه و سلطانه نهایت امیدواری داریم و از پیشرفت امور اسلامیت که در ایام سلطنت اعلیّه حضرتش شده است شب و روز شکر گزاریم، اللهم آدم وجوده و زد فی توفیقته .

داعی مسیحی - برویم بر سر گفتگو؛ جهت چیست که شما اهل اسلام اعتقاد بکتاب مقدسه ما ندارید و میگوئید این تورات و انجیل که در دست ما نصاری است تورات و انجیل اصلیه نیستند و تورات و انجیل اصلیه مفقود گشته و اینها که در دست ماست مجهول است و کتب الهامیه نیستند . چگونه میشود چنین باشد و حال آنکه کتب مقدسه تورات و انجیل برای هدایت مخلوق فرستاده شده . البته چیزی را که خداوند برای هدایت مردم میفرستد آن را حفظ خواهد کرد زیرا اگر حفظ نکنند عاجز خواهد بود و خداوند عجز ندارد پس حفظ کرده است . شما اهل اسلام واجب است که رجوع بکتاب مقدسه تورات و انجیل نمائید و بانها عمل کنید زیرا قبول دارید که تورات و انجیلی نازل شده بود ایکن مفقود گشت . این کلام غیر معقول است زیرا که فرستاده خدا مفقود نمیشود پس این کتب مقدسه که فعلا در دست ماست کتب الهامیه اصلیه است .

مندرجات مجله الاسلام؛ علاوه بر مطالب فوق، از رساله سوم بیه، عبارات از شرح مفصل احوال فخرالاسلام و هم چنین مرحوم رکن‌الملک نایب‌الحکومه اصفهان است . شرح حال فخرالاسلام از کتاب انیس الاعلام فی نصره الاسلام اقتباس شده و شرح حال رکن‌الدک بقلم ادیب‌التجار است .

از اینها گذشته بعضی نامه‌ها که مربوط بمجله و مذاکرات داعی الاسلام می باشد نیز در آن چاپ شده است . چنانکه در ابتدا اشاره کردیم، شماره اول مجله الاسلام در رمضان ۱۳۲۰ قمری منتشر شده ولی پس از نشر رساله اول مدتی طبع رساله دوم بتاخیر افتاده بسمیکه شماره دوم در ربیع الاول ۱۳۲۱ قمری یعنی پس از گذشتن پنج ماه از انتشار رساله اول؛ طبع و توزیع گردیده است . راجع بعلت این تاخیر انتشار؛ تحت عنوان معذرت . در رساله دوم، چنین آورده است:

چون مدتی بود که از جهت مصالح دولت و ملت از طرف دولت قویشوکت امر بتعمیق طبع گفتگوی (صفاخانه) صادر شده بود و در این ایام مجدداً بطبع و انتشار آن امر و اجازت شده و بکتوب لباده ترمه نیز خلعت مرحمت شده است شایسته است که تمام مسلمانان بوجود چنان سلطان کامل الایمان اعلیّه حضرت مظفر

الدين شاه تشكر و افتخار نمايند و از دعای ذات مسلمانى صفاتش انى تغافل نورزند و قدر حسن تدبيرات و توجهات وزير بى نظير ۰۰۰ آقا ميرزا على اصغر خان امير اتابك اعظم را دانسته ۰

از شرح مذکور معلوم ميگردد مجله الاسلام پس از نشر شماره اول د و چار توقيف گرديده و مدت پنج ماه انتشار آن بتاخير افتاده و پس از پنج ماه بدستور اتابك دو مرتبه منتشر شده است ۰ در مرتبه دوم شماره هاى مجله مرتبا در هرامه انتشار يافته و سال اول آن با نشر شماره دوازده مورخ شهر شوال المکرم ۱۳۲۱ قمرى پايان يافته است ۰

سال دوم الاسلام در ذيقمه الحرام ۱۳۲۱ قمرى مطابق ۱۹۰۴ مبيعى شروع و شماره اول اين سال در سال مذکور از طبع خارج شده است ۰ شماره دوازده سال دوم که ختام اين سال بشمار ميرود در شوال المکرم ۱۳۲۲ قمرى نشر يافته و بسا انتشار اين شماره دوره مجله الاسلام در اصفهان پايان يافته است ۰

اينکه ميگوئيم در اصفهان پايان يافت بدان جهت است که داعى الاسلام مدير مجله ؛ پس از مسافرت به هندوستان و توقف در شهر بمبئى ؛ انتشار مجله را بهمين سبب ، منتهى قدرى بزرگتر و بدو زبان فارسى و اردو ، ادامه داده و آنرا بنا م مجله (دعوت الاسلام) منتشر ساخته است ۰

داعى الاسلام پس از بازگشت از مکه و توقف در بمبئى براى اطلاع از نظر به مسلمين هندوستان و مصر و ايران ، در باره تاسيس مجله و اداره دعوت اسلامى ، اختطاري بشرح زير در جرايد آن تاريخ بچاپ رسانيده و مانسغه از آن را از روى آن چه در شماره ۱۹ سال دوم چهره نما مورخ ۱۰ ربيع الثانى ۱۳۲۴ قمرى چاپ شده ، نقل ميکنيم :

اخطار داعى الاسلام از بمبئى

«احسب الناس ان يتركوا ان يقولو آمنا وهم لا يفتنون ۰۰۰ بسيارى از برادران از مشقت احقر در احداث دعوت اسلاميه در اصفهان و اجراى جريده مقدسه (الاسلام) اطلاع دارند که در اين قريب چهار سال چه رنجها بردم و چه زحمت ها کشيدم تا فى الجملة جريانى دادم تنم از رنج اين قضيه گداخت ساختم آنچه تاکنون نتوان ساخت ۰ اکنون که از حج بيت الله الحرام مراجعت کردم به بمبئى آمدم و از برادران و وطن و دين مشورت ميکنم که اگر صلاح است شمه دعوت اسلاميه در اين سامان دائر گردد و علاوه بر ادای تکليف عقلى و دين افتخار براى ملت ايرانيه باشد باين قسم که مجلسى براى آمدن اهل ملل در تحقيق حقانيت اسلام دائر باشد و جريده ملتى طبع گردد و مانند کيشان و دعوات عيسويه در گذرهای عمومى بزبان انگليسى و پس از تعليم هندوستانى بآن هم دعوت کنم ۰ چون احقر قبل از اين سفر باين بلد نيامده بودم و از ترتيبات

این سامان بالکل می خیر هستم خواهشمندم مسلمین از این امر مرا مطلع سازند»
 برای اطلاع بیشتری از مجله دعوت الاسلام و چگونگی انتشار آن در هندوستان
 خوانندگان بعرف دال کتاب کلمه (دعوت الاسلام) مراجعه فرمایند.
 مجله الاسلام با چاپ سنگی و خط نستعلیق متوسط چاپ شده بدون آنکه از
 محل مطبعه ذکری در آن شده باشد قطع صفحات آن خشتی بقرار ۱۸ در ۲۲
 سانتیمتر و تعداد مجموع صفحات سال اول ۱۹۴ صفحه و سال دوم نیز بهمین قرار
 ۱۹۲ صفحه میباشد از حیث طبع و کاغذ تمام ۲۴ شماره بیک اندازه است.
 قیمت سالیانه الاسلام در سال اول و دوم در همه جا یکتومان بوده؛ فقط در سال
 دوم برای شهرهای خارج از اصفهان کرایه پست بقیمت سالیانه اضافه گردیده است
 در سرلوحه مجله آیه ان الدین عندالله الاسلام چاپ شده بقسمیکه کلمه الاسلام
 که نام مجله می باشد با خط درشت تریست و در زیر آن (گفتگوی صفاخانه اصفهان
 که در حقیقت نام دیگر مجله است درج شده و نیز طرز انتشار و قیمت آبونه در همین
 سرلوحه نوشته شده است • نکته شایان توجه اینکه در هیچ کجای مجله اسمی از موسس
 آن (داعی الاسلام) دیده نمیشود

شرح حال داعی الاسلام

آخرین شرح حالی که بطور تفصیل از داعی الاسلام در دست می باشد شرحی



است که بقلم خود مشارالیه در شماره مسلسل
 ۱۱۷ روزنامه آئین اسلام مورخ سوم تیر ماه
 ۱۳۲۵ قمری نوشته شده و مادر زیر خلاصه از
 شرح مذکور را نقل مینمائیم

» سید محمد علی داعی الاسلام - در
 آخر قرن سیزدهم هجری قمری در لاریجان
 که نام بلوک حصص شرقی و جنوبی کوه دماوند
 است از یک پدر سید حسن عالم بوجود آمد
 (۱) جد اعلایم از آن صد و دوازده نفر سید
 علوی بود که در اول قرن سوم هجری بخوارش
 حضرت رضاع که آنوقت در طوس تشریف
 داشتند و ولیمهد خلافت مامون بودند برای انجام
 امور خلافت و حکومت ولایات بایران آمدند

آقای داعی الاسلام

(۱) در اینجا داعی الاسلام سال ولادت خود را ننوشت ولی در جاهای دیگر که
 شرح احوال او نوشته شده سال ولادتش ۱۲۹۵ قمری ضبط گردیده است •

بودند که بعد از ورود بولایت ری خبر شهادت امام رضا را شنید در کوهستان البرز پخش شدند و یکی از سادات سلسله ما داعی صغیر بسلطنت مازندران هم رسیده بود . (در اینجا داعی الاسلام شجره نامه خود را تا امام حسن نوشته است که احتیاجی بنقل آن نیست) چون طبقه عالی و متوسط لاریجان فقط در تابستان در آن کوهستان هستند و باقی فصول در آمل مازندران بکسب و تجارت و دهداری اشتغال دارند ، در سن پنج سالگی در آمل بمکتب رفتم و بعد از خواندن قرآن و بعضی کتب فارسی و تعلم خط ؛ نصاب الصبیان ابونصر فراهی را در همان مکتب حفظ کردم و بعد برای تحصیل صرف و نحو عربی بمدرسه مسجد جامع منتقل شدم و بعد از خواندن صرف و نحو تا آخر سیوطی و حاشیه ملا عبدالله در منطق بطهران آمدم و اول در مدرسه قاجاریه و بعد در مدرسه سپهسالار جدید حجره داشتم تا اوایل تحصیل طهرا نسیم تابع محیط محصلین بودم که بعد از نحو و صرف عربی ؛ معانی و بیان و بدیع و منطق میخواندم و بعد اصول فقه و حکمت ولی من برای بار اول آن محیط را دیدم و در روزهای پنجشنبه و جمعه که آن زمان ایام تعطیل و استراحت طلاب بود ریاضی یعنی حساب و هیئت و هندسه و جغرافی میخواندم و در ادبیات عربی و فارسی نثر و نظم خوض مینمودم و باشعر گفتن هم تفریح میکردم . در مدرسه سپهسالار شهرت بود که در مدرسه صدر اصفهان دو نفر فاضل معمر بی نظیر ایران آخوند ملا محمد کاشی و جهانگیرخان قشقایی هستند . شوق استفاضه مرا با اصفهان پرتاب کرد - در همان مدرسه صدر جنب حجره آخوند کاشی حجره گرفتم و سالها استفاضه مینمودم و در درس خارج فقه و اصول شیخ محمد تقی معروف باقا نجفی هم میرفتم . احکام فقه را از جواهر الکلام و حدائق و وسایل که کتب اجتهاد است استنباط میکردم غوررسی در ادبیاتم مرا به سلیمان خان رکن الملک شیرازی که نایب - الحکومه اصفهان و مرد ادیبی بود آشنا ساخت اگر شب ها و روزهای جمعه در محفل ادبی ایشان حاضر نمیشدم گله میشنیدم ناگاه اتفاقی افتاد که برای دهنه دوم محیط علمی آن زمان را پاره کردم جمعی از مبلغین عیسوی که از اروپا بهندوستان رفته فارسی آموختند و کتب متعدد در رد بر اسلام در هند چاپ کرده باصفهان آمده منتشر نمودند و مبارزه میکردند . (۱)

(۱) سر دسته مبلغین مسیحی شخصی موسوم به (تیزدال) بوده که چند زبان شرقی میدانست و در محله جلفای اصفهان منزل گرفته بود و علمای اصفهان را بباحثه در باره مذهب مسیح دعوت مینمود و باین هم اکتفا نکرده کتاب خود را در رد بر اسلام موسوم به (نیا بیع الاسلام) منتشر ساخت . (مولف)

حوزه علمیه (۱) با مشورت رکن الملك مرا برای جواب آنها معین کرد .
 اول خودم را بخواندن کتب عهدعتیق وجدید و کتب زد اسلام بر نصرانیت و بالعکس
 و آموختن يك درجه از زبان عبرانی مهیای کار کردم و بعد مشغول شدم و مجله
 الاسلام اصفهان که سالها چاپ میشد (۲) مناظره من با مبلغین عیسوی بود . (۳)
 در ضمن آن کار زبان انگلیسی را هم آموختم . در سال ۱۳۲۴ قمری شوق حج
 بیت الله مرا به حجاز برد و در مراجعت از راه شام بمصر رفتم و در آنجا از تجار
 ایرانی که از کارهای اصفهانم باخبر بودند پذیرائی و احترام دیدم و چون از آن
 جا کشتی برای خلیج فارس نبود به بمبئی رفتم که از آنجا بایران بیایم . ایرانیان
 بمبئی که مجله الاسلام مرا خوانده بودند خواهش کردند در آنجا هم با مبلغین عیسوی
 که سالها مشغول کار بودند و مسلمانان جواب نمیدادند مناظره کنم . برای مقدمات
 کار شروع بآموختن زبان اردو کردم در مدت دوماه ونیم بقدری اردو آموختم که در
 يك مجلس عمومی نیم ساعت در موضوع مقایسه ادیان در اردوی فصیح حرف زد
 م و قتم را منحصر بآموختن السنه نکردم مجله دعوت الاسلام بمبئی را (۴) در دو زبان
 فارسی وارد و مینوشتم انجمن و مجله دعوت الاسلام در تمام هندوستان شهرت یافت
 و از شهرستانهای هند مرا برای مناظره با مبلغین عیسوی میطلبیدند . در سال سوم
 ترقم دژ هند برای دانشکده حیدر آباد دکن يك استاد ادبیات فارسی میخواستند
 با این شرایط که ایرانی عالم عربی باشد و زبان انگلیسی و اردو هم بداند و
 ایرانیان آنوقت بمبئی غیر از من کسی واجد شرایط نبود و قنول ایران در بمبئی
 مرا معرفی کرد . آن شغل را کمک بقصود که دعوت اسلام بود دانستم و قبول کردم

(۱) ریاست حوزه علمیه اصفهان در آن ایام بعهده آقا نجفی و بعد هم بدست
 برادرش حاج آقا نورالله بوده پیش آمد مبلغین مسیحی بر این دو عالم سخت گران
 آمد و برای چاره جوئی در صدد مبارزه و مباحثه با آنها برآمدند و از این رو
 به مشورت رکن الملك شیرازی داعی الاسلام برای مباحثه با آنان تعیین گردیده
 (۲) در اینجا داعی الاسلام تا اندازه ای راجع بچاپ الاسلام مبالغه نموده و یا
 مانند اغلب مدیران جراید و مجلات که سنوات انتشار مجله و روزنامه خود را بخاطر
 ندارند ، داعی الاسلام نیز ممکن است فراموش کرده باشد که الاسلام بیش از دو
 سال نشر نیافته است .

(۳) در صفحات قبل قسمتی از این مناظره ها را نقل نمودیم .

(۴) از این مجله در حرف د کتاب ؛ کلمه دعوة الاسلام ، بتفصیل گفتگو

خواهیم کرد . (مولف)

در ایام استادی دانشگاه هم خواستم خود را مستحق واقعی استاد خوانده شدن زبان فارسی نمایم ، زبان پهلوی و اوستا و هخامنشی را آموختم و سه زبان دیگر هند یعنی گجراتی و بهاشا و سنسکریت را هم بتدریج یاد گرفتم . ناگاه مورد خواهش دولت اسلامیة دکن برای تدوین يك فرهنگ جامع عصری برای زبان فارسی شدم در مدت نوزده سال آن فرهنگ را در پنج جلد باتمام رساندم و از طرف دولت اسلامیة دکن چاپ شد . بعد از بیست و پنجسال خدمت استادی دانشگاه متقاعد شدم و در ایام جنگ جهانسوز بوطن عزیزم ایران برگشتم و اکنون متجاوز از سه سال است در طهران .

داعی الاسلام مجدداً بهندوستان عودت نموده و اکنون در آن کشور زندگی مینماید . داعی الاسلام؛ گاهگاهی شعر میسراید و درشعر پیرو سبک هندیست که در عصر صفوی در ایران بین شعرا معمول بوده و این نوع شعر را برسبک شاعری شعرای زمان قاجاریه ترجیح میدهد و معتقد است شعر فارسی در عصر صفوی بمنتهای کمال خود رسیده است . غزل ذیل از اشعار اوست که بسبک هندی گفته است :

(غزل)

باکم چه زد دشمن که یکس کار ندارم صد شکر که من یار دل آزار ندارم
در وصل رهم جان بتو گمنام چه باك است منصور نیم چشم سوی دار ندارم
سرشار ز عشق تو بود هر رك مویم زین بدم مگوی عاشق بسیار ندارم
سرمستی من از ره چشم است و ره گوش از همت عالی لب می خوار ندارم
در زاویه جو شیدم ای جمع خریدار کالای سبک قابل بازار ندارم
داعی هنرم بین چه گران قدر متاعی است زان است که جز شاه خریدار ندارم
(منظور شاه دکن است) داعی الاسلام درشعر تخلص داعی داشته است .

در باره لقب داعی الاسلام باید یاد آور شویم که پس از آنکه رکن الملک شبرازی حسن بیان و تاثیر گفتار سید محمد علی را با مبلغین مسیحی در می یابد بوسیله ظال السلطان حاکم اصفهان ؛ از مظفرالدین شاه درخواست يك جبهه ترمه و لقب (داعی الاسلام) را برای او مینماید و این درخواست مورد اجابت واقع میشود و از آنوقت سید محمد علی به (داعی الاسلام) ملقب و معروف میگردد .

داعی الاسلام دارای دو فرزند پسر بنامهای ایران پرست و سید نصرالله سروش و يك دختر موسوم بزهره داعی است اولی در طهران مدیر کتابفروشی دانش و دو می در شرکت کوهرنك اصفهان مشغول کارند .

(۱۸۴) الاسلام

مجله الاسلام در طهران بمديري و صاحب امتيازى شيخ عبد العلى ما زند رانى لاريجاني تاسيس و بطور ماهيانه ويا بتعميري كه در پشت مجله نوشته در هر ماه عربى طبع و نشر شده است . گرچه مجله الاسلام بعنوان مجله دينى ، علمى ؛ اخلاقى سياسى و تاريخى معرفى شده ولى بيشتر مندرجات آن مطالب مربوط باحكام و فلسفه و سوالات اسلامى است و كمتر از قضايابى سياسى و تاريخى در آن بحث شده است . مدير چهره نما در شماره ۸ سال ۱۱ مجله مذکور مورخ ۱۵ جمادى الاول ۱۳۳۲ قمرى بعنوان تقيظ در باره مجله الاسلام مينويسد «مجله نامى و جريده اسلامى الاسلام ؛ منطبعه طهران اثر قلم معالى شيم بزرگ علامه شهپر ويگانه فاضل نحرير آقا شيخ عبدالعلى مازندرانى لاريجاني است و اين مجله نخستين مجله اسلامى است كه در ايران زمين با مقاله هاى علمى و دينى و اخلاقى منتشر گرديده است »

الاسلام ظاهرا در رمضان ۱۳۴۱ قمرى با بدايه انتشار گذاشته است زيرا شماره ۷ سال اول آن كه فعلا در دسترس نگارنده مى باشد مورخ بتاريخ ۱۸ ربيع الاول ۱۳۳۲ قمرىست و اگر فرض كنيم همه ماهه يك شماره از آن نشر شده باشد تاريخ انتشار شماره اول آن رمضان ۱۳۳۱ قمرى خواهد بود . الاسلام معمولا در ۴۸ صفحه بقطع كوچك ، در منطبعه سربى (دولتى) واقع در خيابان ناصريه ، كه رئيس آن عبدالله قاجار بوده ؛ طبع شده و محل اداره آن طهران ، بازار پامنار مدرسه اقدسيه است . قيمت اشراك آن ساليانه در طهران ۱۲ قران و در خارج از طهران و جه پست اضافه بوده ؛ در پشت جلد مجله كلمه (الاسلام) بخط نسخ جلى و در زبر آن آيه (واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا) نوشته شده است .

در صفحات ۴۶ و ۴۷ شماره ۷ سال اول . مدير مجله بملت عدم توجه مسلمين و مردم ايران بخرى مجله و نخواندن مندرجات آن و از اينكه هرماه تعداد شماره هاى منتشره مجله بحد نيرسد ، از عموم مسلمين طلب كمك و يارى نموده و خريد مجله را خواستگار شده است .

(۱۸۵) الاسلام

شيخ محسن فقيه شيرازى ؛ در سال ۱۳۴۱ قمرى مطابق ۱۳۰۲ شمسى مجله ماهيانه الاسلام را در شهر شيراز تاسيس نمود و شماره اول مجله در ذيقعد سال مذکور منتشر گرديد . الاسلام كه در ابتدا ماهيانه بود ، پس از چندي بطور غير مرتب هر دو سه ماه يك شماره انتشار مى يافت و ختام سال هشتم آن مطابق ديماه ۱۳۱۰ شمسى است . الاسلام معمولا در ۳۲ صفحه بقطع كوچك و پشت جلد آن با چاپ سربى و اصل مجله

با چاپ سنگی طبع و توزیع شده و شماره ۹ سال پنجم آن که بخت (بر هیم مشکین قلم) است در رمضان ۱۳۴۶ قمری انتشار یافته است . شعار مجله که در عنوان و روی جلد مجله چاپ شده عبارت از آیه (حسبى الله ونعم الوكيل) و حدیث (الاسلام یلمو ولا یعلی عایه) میباشد و نیز آیه (ان الدین عند الله الاسلام) که کلمه الاسلام بخط نسخ متوسط نوشته شده و بجای اسم مجله بکار رفته ؛ در سر لوحه درج است .

در شماره های نمونه ، همه جا بعوض مدیر و نگارنده که معمول جراید و مجلات است کلمات (مولف و مصنف و یا نویسنده) آورده شده و در زیر مقالات جمله (خادم الشریعة المطهرة محسن فقیه شیرازی) چاپ گردیده است . الاسلام ، چنانچه اسم آن نیز حکایت میکنند ؛ مجله اوست . مذهبی و دینی و مندرجات آن بیشتر مربوط با احکام و فلسفه اسلام است . فهرست مندرجات یکی از شماره های آن بدین قرار است : « فلسفه و حکمت پیام اسلامی ، مزایای علوم و معارف علمای اسلامی و انتقاد مندرجات حبل المتین ؛ بقیه مقاله حجابیه آقای بحر العلوم ؛ پیشنهاد بوزارت معارف در موضوع مدارس جدید ؛ ادبیات و متنوعات »

مندرجات خشك و مطالب غیر دلچسب مجله باعث گردیده که خوانندگان مجله دوز بروز نقصان پیدا کنند . و بدین واسطه مدیر مجله ناچار باستعانت و دریافت کمک از یکی از مجتهدین و علمای بزرگ تبحر یعنی آقای آقا سید ابوالحسن مدینه اصفهانی گردیده و مجتهد مذکور حکم زیر را پس از نشر طلیعه سال نهم مجله صادر نموده اند : « بسم الله الرحمن الرحيم . مغفنی نماناد چون مجله جلیله دینیة الاسلام که از رشعات قلم عالم جلیل و فاضل بنیل علم الاعلام مصباح الکلام تقه الاسلام آقای آقا شیخ محسن شیرازی دامت تائیدانه نگارش می یابد برای ارشاد جمال و جلوه گیری از مقالات مضره اهل ضلال و دفع و رفع تشویش اذهان مسخرفین بسبب بعضی از نشریات اعادی دین مبین قلیل النظیر و ترویج و طبع و نشر آن خدمت بزرگی است بعالم اسلامیت البته اخوان مومنین بعد از التفات بفواید جلیله این مجله دینیة خواهند داشت که اعانت و مساعدت و بذل مال در تهیه وسائل طبع و نشر آن از اوضح مصادیق سبیل الله و اظهار افراد وجوه بریه است پس بر همه لازم است در ادامه آن اهتمام نموده از بذل مال و صرف وجوه حتی از زکوت و اوقاف و وصایاییکه مصرف آنها وجوه بریه است دریغ ننمایند بلکه اشخاصیکه سهم مبارک حضرت امام (ع) بر ایشان تعلق میکیرد مازونند که خمس آن را صرف این مصرف مهم نمایند قبول و ممضی است .»

حکم مذکور در شماره ۵۱ سال یازدهم روزنامه ایران آزاد چاپ شد . و بظنر نگارنده میرسد که اول حکمی است که يك نفر مجتهد مسلم طبق آن اجازه داده

وجوه زکوت و سهم امام صرف خرید مجله گردد و شاید قبل از اینت در مطبوعات فارسی سابقه نداشته است . بهر صورت دستور فوق میرساند که مجله الاسلام يك مجله كاملا و تمام معنی مذهبی است .

محل اداره و مركز . مراسلات و تلگرافات : شیراز ، منزل شخصی موسس مجله واقع در ، درب مسجد آدینه . محل اسحق بيك . ووجه اشتراك آن برای طبقه اعیان و تجار و طبقه اول بقدر همت و فتوت و اسلام پرستی آنان برای طبقه دوم و سوم و چهارم بترتیب سالیانه ۲۸ قران ، ۲۰ قران ، ۱۶ قران و در خارجه ۶ ر و پیه . بعدا در وجه اشتراك تغییر پیدا شده و بطور کلی در داخله ۱۳ قران و در خارجه ۳ روپیه است .

شیخ محسن فقیه - گفتیم مدیر مجله الاسلام شیخ محسن فقیه شیرازی است وی از مردم شیراز و از علما و وعاظ و مردی روشنفکر و با تقوی بشمار میرفته و در اوایل اردیبهشت ۱۳۲۴ شمسی در شهر شیراز فوت نموده است . مشار الیه دور . زندگی خود را به نشر حقایق اسلامی مصروف ساخت و دوره مجله الاسلام بهتر بسن معرف خدمات برجسته او بهالم اسلام و روحانیت میباشد .

(۱۸۶) البدر المنير

مجله البدر المنير در بندر پهلوی (انزلی سابق) بدیری (آقا سید ابوالفضل در سال ۱۲۹۷ شمسی انتشار یافته . مجله مذکور هفته يك بار در مطبعه (بامپولکسکی) طبع و هر نوبت ۲۰۰ نسخه از آن منتشر شده است .

برای رفع اشتباه یاد آور میشویم که مجله البدر المنير غیر از روزنامه بدر منير است که در شهر رشت بدیری آقا سید جلال الدین بدیری منتشر شده و اکنون نیز انتشار آن ادامه دارد . ما از این روزنامه در حرف ب کتاب جداگانه گفتگو خواهیم کرد .

بندر پهلوی یکی از شهرهایست که از مدتها قبل دارای چاپخانه و مطبعه بوده و اول بار که چاپخانه در آنجا تاسیس شد بوسیله هیتمی بود که در ابتدا اقدام بتاسیس شهرداری نموده ، سپس بوارد کردن چاپخانه پرداختند مطبوعات چاپخانه مذکور عبارت از بیانیه ها و اعلامیه های مختلف است و اولین روزنامه که در آن چاپ شد روزنامه (ساحل نجات) بدیری مرحوم افصح المتکلمین بود . پس از روزنامه مذکور که انتشار آن در اوائل مشروطیت ایران بوده ، و ما در محل خود بتفصیل در باره آن گفتگو خواهیم کرد ، نوبت بانتشار مجله البدر المنير رسیده است . متأسفانه تا کنون نمونه هائی از این مجله بدست نیاورده ایم تا بتوانیم اطلاعات جامع و مفصلی در باره آن بنویسیم . قدر مسلم این است که مجله مذکور مدتی رونق

افروز مطبوعات ایران بوده و مردم بندر پهلوی از مندرجات آن استفاده میکرده اند.

(۱۸۷) البرز

روزنامه البرز در شهر رشت در آذر ۱۳۰۶ شمسی منتشر شد و مدتی انتشار آن ادامه داشت و بعداً تعطیل گردید و تا شهریور ۱۳۲۰ در محاق تعطیل بود . پس از شهریور مانند سایر جراید پا بدایره انتشار گذاشت و بطریق هفتگی منتشر میشد . ناگفته نماند که در بدو تاسیس محل انتشار روزنامه در طهران بود . و در جلسه سوم خرداد ۱۳۰۶ شورای عالی فرهنگ محل انتشار طهران معین شده و لی در ۱۷ همین ماه محل انتشار بشهر رشت منتقل گردیده است .

پس از تاسیس حزب دموکرات ایران برهبری قوام السلطنه و تشکیل کمیته ایالتی حزب مذکور در شهر رشت ، البرز ارگان کمیته حزب گردید و بانظریهت تحریریه انتشار می یافت . البرز در این دوره از انتشار خود يك روزنامه حزبیست و مندرجات آن بیشتر بیانات و سخنرانیها و فعالیت های رهبران و اعضاء عمده حزب است . چنانچه در بالا یادآور شدیم روزنامه البرز پس از شهریور ۱۳۲۰ و آزادی جراید مجدداً در شهر رشت منتشر گردید و تا ۲۶ آذر ۱۳۲۰ جمعا تعداد شماره های منتشره روزنامه به ۱۶۴ شماره رسیده است .

البرز پس از شهریور دارای قطعی بزرگ و مشتمل بر مقالات متعدد و اخبار محلی گیلان و کشور و خارجه است . از ابتدا صاحب امتیاز و مدیر آن (شکرالله کیهان) بوده و بنیر از مدتی که ارگان حزب دموکرات ایران گردیده و تحت نظر هیئت تحریریه اداره میشده ، پیوسته صاحب امتیاز و مدیر شکرالله کیهان بوده است البرز روزنامه ایست هفتگی و محل اداره آن: رشت ؛ خیابان البرر و عنوان تلگرافی : رشت البرز . اشتراك سالیانه آن ۵۰ ریال و شش ماهه ۳۰ ریال تك شماره سی دینار . البرز با چاپ سربی در چاپخانه های مختلف از قبیل (شرکت سهامی چاپ رشت) و (چاپ زربافی) بچاپ رسیده است .

(۱۸۸) الجناب

الجناب یکی از روزنامه های قدیمی است که در اصفهان بمدیری (حاج میر سید علی جناب) تاسیس و هفته بگمرتبه در هشت صفحه بقطع ۲۳ در ۴۶ سانتیمتر با چاپ سنگی و خط نستعلیق ؛ منتشر شده است . شماره اول روزنامه الجناب در شهر شوال ۱۳۲۴ قمری انتشار یافته و آبونه سالیانه آن بدین قسم معین گردیده است ؛ در اصفهان ۲۵ قران و در خارج اصفهان مغارج پست اضافه میشود . ششماهه ۱۵ قران قیمت اعلان سطری يك قران .

الجناب در هر شماره در ضمن دو سطر که در زیر عنوان روزنامه چاپ شده بدین قسم معرفی شده است: « روزنامه ایست ملی کاشف از ناهت ملت نجیبه و باحث از اخبار و علوم و منافع راجعه بملت و متشکر از عنایت ایصال اخبار و فصول و مواد علمیه مقتضیه با آزادی ازاد راج کل با تادیه عوض در موقع مناسبت » علاوه بر این (روزنامه آزاد هفتگی) در عنوان قید شده است .

از ملاحظه دو سطر فوق بر خوانندگان معلوم میگردد که مدیر روزنامه تا چه اندازه ساعی بوده است که عبارات را پیچیده و مشکل بنویسد و در حقیقت معانی را فدای الفاظ بنماید و جای تعجب است که این طرز نگارش در مندرجات و مطالب روزنامه نیز بکار رفته و شاید از این جهت روزنامه الجناب در میان جراید فارسی بی نظیر و یا اقل کم نظیر است ، چنانچه اسم روزنامه (الجناب) نیز تازگی دارد یعنی مصدر کردن (جناب) بالف و لام عربی . و گویا که مرحوم حاج میرسید علی جناب علاقه شدیدی با استعمال الف و لام داشته چه نام کتاب وی نیز (الاصفهان) است . برای این که خوانندگان بطرز نگارش و نوع مطالب روزنامه اطلاع پیدا کنند قسمتی از سرمقاله شماره دوم سال اول روزنامه را که بعنوان (قابل توجه مجلس محترم) بقلم مدیر روزنامه نوشته شده نقل مینمائیم :

« روزنامه شریفه مجلس اشعاری بود از این که شخصی اسانید بمجلس ارائه نمود و جواب شنید که این مطلب شخصی است . عقیده پاره ای این است که این جواب خلاف مامول واقع شده است . برهان ذلك . هر شکایتی اعم از شخصی و جماعت یا نوع بواسطه اظهار وقوع مخالفتی است با یکی یا بیشتر از قوانین و عواید مرسومه مملکت و این مستند میشود بعدم متابعت قانون و هتک ناموس تمدن پس هر شکایت حقیقی بوجهی نفع رفته عاید میشود بمرحله اهل مملکت و هلیهنده هر مطالبی نوعی است و بوجه دیگر هرگاه حرف مبحث مجلس منحصر باشد بکلیات باز شایسته چنان بود که جواب را ارجاع بلکه انهاء بمجل و محکمه مخصوصه آن نوع شکایت بنمایند با ملاحظه و نگرانی از تحقیقات آن محکمه مرجوع الیه تا هم محکمه بطور امنیت رسیدگی و حکمش بانجام برسد و هم مجلس بزودی رفع درد سر از خود نکرده باشد جهت سرمشق آتیه و سایرین و ذلك ما ارد نایبانه . . . » مقاله مذکور دو صفحه روزنامه را اشغال کرده و هر صفحه روزنامه نیز دو ستون است . با اینکه رسم و معمول ما در این کتاب بر انتقاد نیست ولی ناچاراً باید متذکر شویم که این سبک نگارش در تاریخ روزنامه نگاری ایران بی سابقه است . و خیلی مایه تعجب است که روزنامه ای که برای عوام و توده مردم نوشته میشود و غرض از نشر آن تنویر افکار عمومی بوده بدین طریق نوشته شود . نگارنده با همه کوششی که بکار برد از درک مفاد مقاله مذکور عاجز ماند . مندرجات

الجناب بیشتر مقالات طولانی و مفصلیت که بطرز مذکور نوشته شده . عنوان بعضی از مقالات آن از این قرار است : (لا صدر لمن تصدر) لله الحمد و المنة جلسه ثانیه یوم سه شنبه نهم مجلس ایالتی منعقد شد . (سر مقاله شماره چهارم) مقدمه و تذیل : لطف تاریخ ، بقیه خسارت در تان پنجم (سر مقاله نمره ششم) منظور از عنوان مذکور این است که مقاله در شماره قبل بعنوان خسارت تازه نوشته شده و این مقاله دنباله آن است . آنوقت تان اسم روزنامه ایست بفرانسه که قسمتی از مقاله از شماره پنج روزنامه نقل شده است ، چنانچه بلافاصله در زیر این عنوان نوشته فرانسه یعنی وقت) انکشاف جدید .

روزنامه آذربایجان تأسیس و تدوین میرزا سید علی قزوینی محل نشر: تبریز قیمت: هر شماره یک ریال پانزدهم شهریور ۱۳۲۴	بسیار بزرگ و قابل توجه	موضوعات آینده شماره میان مهر نهم بهار ۱۳۲۴ در آذربایجان تبریز	علاوه بر مقالات مذکور در بعضی از شماره های مکتوبات شهری و لکرافات خارجی نیز چاپ شده است . از روزنامه الجناب نگارنده تا نمره نهم آن مورخ ۲۹ ذی حجه ۱۳۲۴ قمری که پهلوی این
<p>روزنامه آذربایجان تأسیس و تدوین میرزا سید علی قزوینی محل نشر: تبریز قیمت: هر شماره یک ریال پانزدهم شهریور ۱۳۲۴</p> <p>روزنامه ایست که کاشف از نباتات و تزیینات و باغات از اصفهان و بوم و صنایع را در جلد و شکر از غایت اجناس با نوار و ضلوع و راه های مختلف با آرزوی از ادب و کمال و در هر روز در هر وقت</p>			

سر لوحه روزنامه الجناب

این تاریخ (عدل مظفر) چاپ شده ، در دست دارد .
 آ میر سید علی جناب . مرحوم جناب در مقدمه کتاب الاصفهان نام پدر و جد خود را اینطور نوشته است « میر سید علی بن میر محمد باقر بن میر محمد حسین المشتبر بجناب » در ۲۵ ذی حجه ۱۲۸۷ قمری در اصفهان متولد گردیده و پس از رسیدن بسن شباب علوم دینی و ریاضیات را در آنجا تحصیل و با کمال رسانیده است . وی از سادات اصفهان و از خاندانی مشهور و معروف بوده و قسمت اعظم زندگانی خود را صرف تکمیل علوم و فنون گردانید و من جمله برای تدوین کتابی درباره اصفهان سالهای سال زحمت کشید تا این که بتالیف کتابی بنام (الاصفهان) مشتمل بر خصوصیات این شهر از اسم و بنا و موقع و حالات طبیعی و متعلقات ریاضی و حوادث مهمه واقعه در آن و اسامی مشاهیر منسوب بانجا موفق گردید .

قسمت اول این کتاب نفیس . بقطع بزرگ ، با چاپ سنگی و خط نستعلیق در چاپخانه فرهنگ اصفهان طبع شده است . این قسمت با اینکه جزء کوچکی از اصل کتاب میباشد ولی میرساند مرحوم جناب تا چه اندازه در تدوین کتاب زحمت کشیده و رنج متحمل شده است در پاورقی کتاب مذکور مقداری از ترجمه سفرنامه شار دن نیز چاپ گردیده است .

از مرحوم جناب جزوه كوچك ديگرى بنام (راهبر براى مسافرين اصفهان)
در ٤٧ صفحه كوچك ؛ در سال ١٣٠٦ شمسى در چاپخانه اتعا د اصفهان طبع
شده است .

مرحوم جناب با اينكه در اصفهان سكنى داشت ولى گاهگامى بطهران
مسافرت مينمود و من جمله دريكى از اين سفرها ، پس از چند روز بيمارى در ٢٩
اسفند ١٣٠٩ شمسى بسن ٦٢ سالگى وفات يافت . خاندان جناب در اصفهان معروف
و مشهورند و معروفترين افراد اين خانواده آقاى دكتر كمال جناب و آقاى آقازيا
الدين جناب كه هر دو از خدمتگذاران صديق فرهنگ ميباشند .

(١٨٩)الجمال

روزنامه الجمال در طهران در سال ١٣٢٥ قمرى تاسيس و شماره اول آن
در چهار صفحه بقطع وزيرى بزرگ با چاپ سربى ، در مطبعه (شرقى) طبع و در
روز دو شنبه ٢٦ محرم الحرام ١٣٢٥ قمرى انتشار يافته است . مندرجات روزنامه
الجمال چنانچه در ضمن يك سطر در عنوان روزنامه نيز معرفى شده (در اين ورقه
مواعظ جناب آقاى آسيد جمال الدين هينا طبع ميشود) عبارت از مواعظى است كه
آسيد جمال الدين اصفهانى ، در طهران، در آغاز مشروطيت ، در بالاي منابر ايراد
ميكرده و مردم را بخوايد مشروطيت و آزادى طلبى راهنمايى مينموده و بعلت انتساب
مطالب و مندرجات آن بسيد جمال الدين نام روزنامه الجمال انتخاب شده است .
در شماره اول پس از ذكر مقدمه كه ميتوان آنرا مقاله افتتاحى روزنامه دانست (منبر
شب ٥ شنبه ١٥ شهر محرم) و هين آن بدين قرار است

» بنام خداونده بخشنده مهربان . جمعى از مشتريان محترم دارالخلافه طهران
و بسيارى از ساير بلدان مكرر بما نوشته و اخطار كرده اند كه قدرى از مواعظ
شافيه و بيانات و افيه جناب مستطاب . . آقاى آقا سيد جمال الدين صدر المحققين را
در روزنامه ندائى وطن بنگاريم كه حقيقتا كلمات دلپذيرش قلوب افسرده دلان را
روان و انقباس مقدسه اش ابدان مرده را جان بخشد و الحق از اثر داد و فرياد او
است كه همشهرىهاى ما از خواب سيصد ساله بيدار شدند و به بيعات آمدند و او
اول كسى است كه باين صراحت و وضوح مسائل سياسيه را در فراز منبر حل نمود
و اصول امر ب معروف و نهى از منكر را باقتضائى زمان اجرا فرمود و مردمان عامى
دوس نخوانده را از بيان كافى و بتيان شافى خود داننا و بحدود انسانيت آشنا و باسترداد
حقوق مقصوبه خود توانا ساخت و در ميدان سخن دانى بيرق افتخار برافراشت و انصاف
نيود كه اين كلمات حكيمانه معو و نابود گردد و همه كس از آنها منتفع نشود و ما
اين خواهش را پذيرفتيم و اين فرمايش را اطاعت كرديم و چون دو ورق روزنامه
كنجائش نداشت مجبور شديم كه آن مواعظ را دريك ورق عليه طبع نمايم

و نیز چون لازم بود که یکی از دانایان و وطن پرستان متعهدی این امر گردد لذا امتیاز طبع این ورقه را برای یکی از دوستان صدیق خود صادر نموده و ایشان هم محض وطن پرستی و خدمت بعالم انسانیت و برای انتشار و آگاهی عموم مردم از بیانات و نکات منبری جناب آقای سید جمال الدین بهمه فتوت خود قبول کرده که يك نفر منشی تند نویس در مساجدی که ایشان وعظ میکنند بگمارد و عین کلمات و عبارات را نوشته و اگر لازم بتنقیح باشد جرح و تعدیل نموده هر هفته يك ورق بطبع برسانند و محض اینکه طالبین این جریده مجبور باشراك روزنامه ندای وطن نباشند قیمت اشراك سالیانه او را نیز علیحده قرار دادیم از قرار سالیانه در دارالخلافه طهران هشت قران و سایر بلاد يك تومان و بعدها نیز برعهده اوراق افزوده خواهد شد . «

شرح مذکور که بعنوان مقدمه یا مقاله افتتاحی روزنامه الجمال در شماره اول آن آورده شده بقلم مرحوم مجد الاسلام کرمانی مدیر روزنامه ندای وطن است که در آنوقت روزنامه مذکور بطور یومیه در طهران منتشر میشده است . و یکی (از دانایان و وطن پرستان که از دوستان صدیق مجد الاسلام) بوده و در مقدمه بدان اشاره شده ، مرحوم (میرزا محمد حسین اصفهانی) است که در شماره اول اسمی از او برده نشده ولی از شماره دوم در عنوان روزنامه باسم (صاحب امتیاز میرزا محمد حسین اصفهانی) و نیز در آخر صفحه چهار اسم او (میرزا محمد حسین اصفهانی) چاپ شده است .

آنچه از مقدمه مذکور مستفاد میگردد این است که جمعی از مرحوم مجد الاسلام تقاضای نشر مواظ سید جمال الدین را در روزنامه ندای وطن نموده و چون صفحات روزنامه گنجایش درج نداشته لذا بدستگیری میرزا محمد حسین اصفهانی اقدام بنشر روزنامه الجمال نموده است . و چون در حقیقت موسس الجمال مرحوم مجد الاسلام بوده لذا اداره امور روزنامه بهمه وی بوده و همچنین بقسمیکه در عنوان روزنامه نوشته شده ، اداره و محل توزیع روزنامه نیز همان اداره روزنامه ندای وطن ، بوده است قیمت آبونه سالانه الجمال در طهران هشت قران و سایر بلاد ایران ده قران و قیمت يك نسخه صد دینار است .

روزنامه الجمال تا چند شماره منحصرآ گفتگوهای منبری آسید جمال الدین را چاپ میگردد و اگر مطالب منبر در يك شماره تمام نشده . بقیه در شماره بعد چاپ میشده ولی پس از نشر چند شماره صفحات اول و دوم مخصوص وعظ بوده و در صفحات سوم و چهارم نامه ها و شکایات و یا مقالات مختلف چاپ شده است . قسمت مهم مطالب منبر مربوط بآزادی و عدالت است و معمولا مرحوم سید در ابتدا يك آیه و یا شعری را قرائت میگردد سپس بشرح و تفصیل آن میپرداخته است . از الجمال فعلا تا شماره

۳۵ سال اول مورخ سه شنبه ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری در دست و شماره مذکور بدین قسم شروع میشود: بسم الله الرحمن الرحيم . بقیه مواعظ آقا سید جمال الدین اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله رب العالمین
نگارنده تصور نمیکند از جمال بیش از ۳۵ شماره منتشر شده باشد زیرا بعد از تاریخ شماره اخیر وضع آزادیخواهان رو بسختی گذاشته و دیری نگذشته است که سید از طهران فرار نموده و آزادیخواهان دیگر نیز دستگیر و توارى شده اند و بنا براین جمال هم مانند سایر جراید تعطیل شده است .

سید جمال الدین واعظ

سید جمال الدین از مردم اصفهان و مولد و موطن او در محله بید آباد این شهر بوده است و هنوز بعضی از بستگان آن مرحوم در اصفهان در قید حیاتند . آغاز شهرت و معروفیت سید از زمانست که در ابتدای مشروطیت بالای منبر در تهران از رفتار عین الدوله ، صدر اعظم مظفرالدین شاه و سایر متبذین بدگویی نمود و چون مطالبی که ایراد میکرد بنفع مردم و بصورت دلسوزی از توده بود از این جهت سخنان وی در دلها موثر واقع میشد و در اندک زمانی آوازه شهرت او بتمام مردم طهران رسید .

آغاز منبر رفتن سید جمال در مسجد شاه طهران پس از هنگامی بود که چند



تن از بازرگانان طهران بدستور عین الدوله چوب خوردند و علماء برای داد خواهی از این پیش آمد در مسجد شاه جمع شدند و چون خواستند واعظی بمنبر رود سید را که چند هفته بود از اصفهان به طهران آمده بود انتخاب کردند . امام جمعه از کسانی بود که در منبر رفتن سید با فشاری داشت و نیز خود او دستور میداد که چگونه مضرب را شروع کند و بهمین علت هم سید پیوسته از حمایت و کمک

سید جمال الدین واعظ

امام جمعه برخوردار بود .

اول خطر بیکه برای سید پیش آمد در واقعه مسجد شاه بود که طرفداران

امام جمعه بمجد میریزند و مردم فرار میکنند و سید نیز که در بالای منبر بو عظ مشغول بود از منبر پائین می آید و در گوشه می ایستد و از ترس از جان خود بیخود میشود . اتفاقا در این مورد پسران طباطبائی او را نجات داده و بغانه خودشان میبرند . در ۱۳۲۴ قمری و پیش آمد مهاجرت علما بحضرت عبدالعظیم سید نیز از کسانی بود که بهمراه علما رفت ولی توقف در حضرت عبدالعظیم زیاد طول نکشید و پس از چند ساعت بغانه خود برگشت . نیرالدوله حاکم طهران وجود سید را خطر ناک میدانست و لذا گفت باید سید از شهر خارج شود و بمشهد برود . طلبه‌ها به تبعید سید تن در نداده و خواستند شورش کنند و بالاخره به بهانه‌ای از شورش آنها جلوگیری نمود و بوساطت او سید روانه قم شد . مسافرت سید بقم که باتفاق پسر خود و نوکرش انجام گرفت در ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۴ قمری بود و سید دهه عاشورا در قم بود تا اینکه دو مرتبه بطهران بازگشت و در طهران میزیست تا واقعه بمباران مجلس پیش آمد و سید قبل از واقعه در طهران مخفی بود و بالاخره با لباس مبدل از شهر بیرون رفت و آهنگ روجرد نمود و در آنجا کشته شد .

سد جمال الدین جزو چهار نفر مشروطه طلبانی بود که محمد علی شاه در التیماتوم ۱۹ جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری تبعید شان را از مجلس شوراییلی خواسته بود و این چهار نفر عبارت بودند از ملک المتکلمین ، سید جمال الدین ، میرزا جهانگیر خان و مساوات . در حقیقت سید یکی از ارکان و رهبران عمده مشروطیت ایران بشمار می رود و چون ناطقی مبرز و شجاع و فدا کار بود کلماتش در مستمعین تاثیر خاصی داشت و از راه نطق و ایراد خطابه پیوسته مردم را بر ضد سلطنت محمد علی شاه ، بسی انگیزت و از این رو محمد علی شاه سید را جزو هشت نفری میدانست که بهر قسمی هست باید از میان برداشته شوند . منتهی پس از واقعه بمباران مجلس ، رفقای سید از قبیل ملک المتکلمین ؛ مساوات ؛ میرزا جهانگیر خان ، قاضی قزوینی و ارداقی ، گرفتار شده و بزندان باغشاه افتادند ولی سید همانقسم که یاد آور شدیم ، توانست مغفیانه فرار کند اما او هم عاقبت نتوانست خود را نجات دهد و در همان سال یعنی در ۱۳۲۶ قمری هنگامیکه بطرف لرستان فرار میکرد در بروجرد بقتل رسید .

سید از اعضاء اصلی (کمیته انقلاب) بود که در طهران ، پس از مرگ مظفرالدین شاه و جلوس محمد علی شاه و مخالفت این سلطان با مشروطه طلبان تاسیس شده بود . کمیته انقلاب در حقیقت اداره کننده نهضت مشروطیت بشمار می رفت و جلسات آن همه روزه از چهار ساعت بعد از نصف شب تا قبل از طلوع آفتاب تشکیل می یافت . اعضاء اصلی کمیته انقلاب عبارت بودند از : ملک المتکلمین ، سید جمال الدین ، میرزا جهانگیر خان ، سید محمد رضا مساوات . حکیم الملک ؛ تقی زاده

سید عبدالرحیم خلغالی ، سید جلیل اردبیلی و میرزا محمد نجات ؛ مرحوم کسروی در بخش سوم از کتاب تاریخ مشروطه ایران ص (۲۵) در باره دشمنی محمدعلی شاه با سید جمال واعظ چنین می نویسد « در باره سید جمال الدین باید گفت او نیز از سخنرانان توده ولی پرده در نیبود . بیشتر سخنان او را در روزنامه مخصوص بنام الجمال چاپ کرده اند و در آن ما گفته های زشت نمی یابیم در باره سید جمال هلت دیگری بوده و آن اینکه سید با همه رخت آخوندی و پیشه واعظی با سلام و موسی آن اعتقاد معکمی نداشت و این را گاهی در نهان باین و آن می گفته از این رو نامش ببیدنی در رفته و از این جهت محمد علی میرزا را بکشتن او گستاخ میکرد ، بخصوص که از موسسین مشروطه بشمار میرفت و زبان او در پیشرفت مشروطه بسیار کارگر بود »

نا گفته نماند که سید چوت در بیانات خود در بالای منبر بی پروا بوده نزد علما بفساد در مذهب مشهور شده بود . موید این مطلب قسمتی از نامه ای است که سید احمد طباطبائی برادر شاد روان طباطبائی معروف در تاریخ ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری بغواهر خود در نجف نوشته و کسروی آن را در بخش دوم تاریخ مشروطه ایران نقل کرده است . در این نامه نوشته است « خدا لعنت کند سید جمال واعظ لا مذهب را چقدر مردم را بضلالت انداخت پنحویکه از بسکه آن خبیث سر منبر گفته که دعا و قرآن نخوانید و روزنامه بغوانید روزنامه خواندن راجزه ضروریات مذهب می دانند و دعا و قرآن را موقوف کردند آن هم چه روز نامه که مشتمل بر کفریات و توهین شرع انور است البته از روزنامه مجلس و کواکب دری و ندای وطن بآنجا فرستاده اند . (صفحه ۱۵ کتاب تاریخ مشروطه ایران)

(۱۹۰) الحدید

انتشار روزنامه الحدید بدو دوره تقسیم میشد دوره اول و دوره دوم :
دوره اول - الحدید در دوره اول که انتشار آن در سال ۱۳۱۵ قمری است در تبریز بمدیری سید حسینخان عدالت مدیر روزنامه عدالت ، انتشار یافته و جمعا بنا بگفته تربیت در فهرست جراید آذربایجان سه شماره و بنا بر تقریظی که بقلم میرزا رضا خان رفعت در شماره اول دوره دوم الحدید نوشته شده ، بیش از دوشماره منتشر نشده است . هبارت تقریظ مذکور چنین است : (نامه جدید موسوم به حدید که از ودایع افکار جناب آقا سید حسین صاحب امتیاز جریده الحدید است که هشت سال قبل بنشر دو نمره آفاق را مستور ساخت و بگباره محاق تعطیل را اختیار نمود فعلا در هنگام مسافرت مظفرالدین شاه منتشر میگردد . »
و نیز در شماره ۴۵ روزنامه تربیت مورخ پنجشنبه ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۱۵

قمری بعنوان تبریک طلوع الحديد را اینطور نوشته است : « این اوقات نمره اول روزنامه شریفه موسوم به (الحديد) که در شهر تبریز بیمن همت یکی از خیر خواهان ملت و دولت شروع بطبع نموده با دادره تربیت رسید و نشاط و قوت قلبی بخشید . اگر چه از يك نمره دو نمره مقاصد روزنامه نگار معلوم نمیشود لیکن مقصودش خیر و راهنمایی است . عجالتا از نمره اول الحديد دانستیم نگارنده میخواهد از صنعت و تجارت و زراعت سخن گوید . »

الحديد در دوره اول دو یا سه شماره بیشتر منتشر نشد و روزنامه تعطیل گردیده است تا در جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری که بمدیری سید محمد شبستری مجددا پابداير انتشار گذاشته و دوره دوم آن شروع میگردد .

همانقسم که یاد آور شدیم در دوره اول روزنامه در سال ۱۳۱۵ قمری نشر شده و مدیران سید حسینخان عدالت بوده است . سید حسینخان که بمناسبت انتشار روزنامه بنام عدالت باین لقب شهرت یافته از موسسین مشروطیت در آذربایجان و در آغاز مشروطیت خدمات گرانبهایی با آزادبخواهان نموده است و ما بتفصیل درجائی که از روزنامه عدالت گفتگو خواهیم کرد ، شرح احوال او را نیز بیان خواهیم نمود فعلا در اینجا یاد آور میشویم که عدالت یکی از پیشقدمان مشروطیت آذربایجان و بوسیله روزنامه و قلم خود خدمات سودمندی نموده است .

متاسفانه نگارنده با همه کوششی که نمودم بشماره های دوره اول الحديد دست رسی پیدا نکرده و بنا بر این بیش از آن چه نوشته شد اطلاهی از دوره اول روزنامه ندارم دوره دوم الحديد - دوره دوم که در حقیقت از شماره ۱۸ سال اول با این اسم موسوم گردیده و تا این شماره بنام (حديد) است ؛ از جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری شروع میشود . با اینکه بمناسبت اسم ووزنامه (حديد) جای آن داشت که ما شرح آن را و یا لا اقل شرح این هیجده شماره را در حرف (ح) کتاب ذکر کنیم و لی چون بیشتر شماره های دوره دوم باسم الحديد است لذا آن را در این جا یعنی در حرف الف آورده و در حرف ح فقط خوانندگان را با اینجا مراجعه میدهیم . مضافا باین که این تغییر فقط در اسم روزنامه می باشد و گرنه در هیچ يك از خصوصیات روزنامه تفاوتی پیدا نشده است . اکنون بد ذکر خصوصیات دوره دوم میپردازیم . دور دوم روزنامه حدید بمدیری و صاحب امتیازی (آقا سید محمد) در شهر تبریز تاسیس و شماره اول این دوره در چهار صفحه بقطع وزیري متوسط با چاپ سربی در مطبعه (خلیفه گری ارامنه آذربایجان در تبریز) چاپ و در تاریخ پنجشنبه دوم جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری منتشر شده است . طرز انتشار روزنامه هفته دو بار و روزهای دو شنبه و چهارشنبه طبع و توزیع میشده . شرایط اشتراك سالیانه بدینقسم ضبط شده است : فقط در تبریز پانزده قران . نمره ۳ شاهی . برای مکاتب و مدارس تخفیف داده خواهد شد

و در سایر ممالک ایران هیجده قران و در ممالک روسیه سه منات و در تمام ممالک فرانک و غیره ده فرانک . قیمت اعلانات سطرى دهشاهى . قیمت آبنونه اقله سه ماه مقدم گرفته میشود .

اداره و محل توزیع در دارالمطبخه تبریز (محله ارمنستان ، در جو ارشهبندر خانه دولت علیه عثمانی) تمام خصوصیات مذکور در عنوان روزنامه قید شده و علاوه بر این در زیر عنوان دو سطر زیر درج است : « این روزنامه از قید رسمیت آزاد است مکاتبات سودمند بحال دولت و ملت با کمال امتنان بامضای صاحب آن قبول خواهد شد » هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون و در هر شماره در قسمت اول ستون اول فهرست مندرجات آن شماره چاپ شده . فهرست مطالب شماره اول بدین قرار است : خطبه (سبب نگارش) مقاله (ارحموا صغارا کم) (اخبار سیاسی) (تمنای مخصوص) (داستان فئات عثمان) تبریک ، اعداره .

برای اطلاع بیشتری از روزنامه حدید و اینکه خوانندگان بچگونگی و سبب مطالب روزنامه پی ببرند مقاله افتتاحی یا سرمقاله شماره اول را که در فهرست بعنوان خطبه (سبب نگارش) قید شده ، در این جا نقل میکنیم : « بسم الله الرحمن الرحيم ربنا اننا ظلمنا انفسنا فاقفر لنا ذنوبنا و توفنا مع الابرار . بار خدایا کریم ، کردگارا زهی قدرت قهاریت که مثنی خاک را در هیکل بشر بلباس احسن تقویم آراستی و تارک نطفه همین را با کلیل کرامت (ثم سویناک رجلا) پیراستی . زبان ما را از احصاء بدایع صنایع نامحسوسات کلیل ، بیان ما در شکرانه نعمای نامتناهیت سست و صلوات و سلام بی پایان نثار در گاه سلاله طیبه ابوالبشر و اولاد و اصحاب او را سزاوست که ایشان هادی دین مبین اند و میزان صراط المستقیم . سبب نگارش . اکنون که بعون عنایت یزدانی و تایید دولت آسمانی و عین معدلت اعلی حضرت قدر قدرت ظل الله مظفرالدین شاه قاجار لازالت رایات عدله مبسوطه علی مفارق الانام و حسن توجه بندگان حضرت اشرف اقدس احمد والاولی عهد کیوان مهد روحانفاده حس ملت ایران عموما و از قدم میمنت لزوم حضرت اجل اشرف آقای نظام السلطنه پیشکار کمال مملکت آذربایجان دام ظلله اهالی تبریز خصوصا سر از بالش غفلت و ذهول حرکت داده متوجه بعین و بسار و چشمهایشان در دوران آوازه غریب صداهای عجیب بسامع جانشان میرسد (از سستی ندای) اعمل لدنیاک کانک تدوم فیها ابدا (اعمل لاخر تک کانک ترحل عنها غدا) یعنی عمل کن برای زندگانت در دنیا گویا که در دنیا همیشه خواهی ماند . و عمل کن برای عقبی یعنی از کارهای زشت بپرهیز و بکارهای خوب بیابیز گویا که فردا کوچ خواهی کرد . از یکسو فریاد (اطلبوا العلم من المهدالی اللحد) یعنی طلب کن علم را از مهد فالحد . از یکسو صدای (حب الوطن من الایمان) یعنی هر کس وطن خویش را دوست دارد لفظ مومن میتواند بر او صادق آید

از این صداها قلوب مرهوب گشته خواطرها متزلزل • بالماس تعبير خامه حسرت تراشيد الماس ندامت لوح دل را بس خراشيد ، دست ندامت بزبان زده گاهی (وا اسفا هلى نفسى فيما فرطت فى جنب الله) گویان یعنی بسیار تاسف برای نس من باد درمقابل آنچیزیکه تفریط نمودم در جنب خداگاهی از تراکم هموم و غموم چون بيد لرزان فریاد هل من ناصر ینصرنا ، هل من ذاب یندب عنا ؛ میزنند ولی چه فایده جواب از مصدر ربوبیت بجز ، اها ما کسبت ، نمی شنوند ••• پس در این صورت اگر خون غیرت و حمیت در عروق ما ایرانیان •••• (مقاله مذکور خیلی مفصل و تا اول ستون دوم از صفحه سوم درج شده و در پایان نیز نوشته است بقیه دارد ولذا ما هم از نقل بقیه آن صرف نظر مینمائیم)

در صفحه سوم همین شماره شرحی بعنوان (تمنای مخصوص) نوشته شده که خلاصه اش این است که روزنامه حدید حاصل زحمات چند نفر اشخاص پاك طینت که غرضی جز خدمت بوطن ندارند میباشد و استدعا میشود بمندرجات آن بچشم انصاف نظر نمایند و نگذارند نمره های آن تلف شود که بعدا کتابی خواهد شد •
از همان شماره اول روزنامه ترجمه داستان (فتاة غسان) تالیف جرجی زیدان مورخ شهیر ، بصورت پاورقی در صفحات اول و دوم و سوم چاپ شده و ترجمه مذکور بدین قسم شروع میگردد :

» بنام بخشنده مهربان • برای خیر دانشوران بصیر عرضه میدارد که دانش مندان با فرهنگ و حکمای ملل فرنگ ••• فاضل کامل جرجی زیدان منشی الهلال سلسله تاریخ اسلام را در چند حلقه از قبیل فتاة غسان ، ۱۷ رمضان ، غادت کربلا و غیره نوشته که اول این حلقات فتاة غسان است و لذا این حقیر آن را ترجمه نمود •
فصل اول سلاطین غسان • اولاد غسان اعراب نصارا هستند •

شماره دوم روزنامه ؛ روز پنجشنبه ۹ جمادی الاول ۱۳۱۲ قمری منتشر شده و فهرست مندرجات این شماره بدین قرار است : اخبار تلگرافی ، حسن سیاست ، ترجمه از روز نامه روسی • تقریظ فتاة غسان • شماره ۳۹ سال اول در تاریخ د و شنبه ۱۴ شهر صفر ۱۳۲۴ قمری منتشر شده و فهرست مندرجات این شماره و شماره ۴۲ بدینقسم است
شماره ۳۹ : اخبارات خارجه ، زیارت اهل قبور اعلان • مقاله ؛ اصلاح مکاتب قدیمه فهرست شماره ۴۲ : اخبارات خارجه ، دارالسلطنه تبریز • بقیه مقاله یکی از ارباب ذوق • اصلاح مکاتب قدیمه و یا تغییر اساس تعلیم • فتاة غسان •

از فهرست مذکور مندرجات معلوم میشود که مطالب الحديد عبارت از اخبار داخله و خارجه و مقالات گوناگون و نیز ترجمه (فتاة غسان) است ترجمه مذکور در بعضی از شماره ها که هشت صفحه می باشد ؛ تمام صفحات هفت و هشت روز نامه را فرا گرفته و این دو صفحه مخصوص ترجمه و از صورت پاورقی روزنامه خارج شده است

سابقا یاد آور شدیم که شماره اول و دوم روزنامه با چاپ سربی منتشر شده و مطبعه آن چاپخانه خلیفه گری ارامنه بوده است . از شماره سوم ، روزنامه با چاپ سنگی و خط نستعلیق خوب انتشار یافته و در باره این تغییر چاپ شرحی در همین شماره بعنوان اعتذار نوشته بخلاصه اینکه کار چاپ در این ولایت مشکل است و مردم اینهمه خرج میکنند ولی حاضر نیستند بکدستگاه چاپ وارد کنند ؛ ارامنه با اینکه پنج شش هزار نفر زیادتر نیستند ولی بکنفر دختر ارمنی دوازده هزار تومان بک مطبعه خریده و برای ارامنه وقف کرده و ما ابتدا دست بدامن این مطبعه زدیم ولی بواسطه نبودن حروف کافی طبع روزنامه بتاخیر افتاد و باز بمطبعه سنگی پناهنده شدیم .

اسم مطبعه مذکور چنانچه در آخر هر شماره قید شده مطبعه (استادالماهر مشهدی اسد آقا زیدالله توفیقه) بوده است . از شماره ۱۸ سال اول مورخ فر . رمضان ۱۳۲۳ قمری اسم روزنامه از (حدید) به (الحديد) تغییر یافته ولی خصوصیات دیگر فرقی نکرده است . اضافه کردن الف و لام بنام روزنامه معلوم نیست بچه سبب و علت بوده است .

سال اول الحديد با شماره ۴۸ مورخ ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۴ قمری پانان یافته و از شماره ۴۹ مورخ دوم جمادی الاولی سال دوم روزنامه شروع شده است از این شماره نام (سید حسینخان موسس جریده) در عنوان روزنامه اضافه شده و طرز انتشار آن نیز هفتگی گردیده است . از الحديد تا شماره ۱۴ سال دوم مورخ بک شنبه ۴ شعبان ۱۳۲۴ قمری در دست است و تا این شماره مرتباً روزنامه در هشت صفحه انتشار یافته و داستان فتاة غسان در صفحات آخری روزنامه چاپ شده است . ظاهراً شماره مذکور آخرین شماره منتشره الحديد و پس از آن دیگر انتشار نیافته است چه بنا بگفته مرحوم تربیت این روزنامه تا اوائل اعلان مشروطیت در تبریز منتشر میشده است .

سید محمد شبستری

مدیر و صاحب امتیاز روزنامه الحديد سید محمد شبستری ملقب به ابوالضیاء است و این همان کسیست که پس از اعلان مشروطیت در تبریز ؛ با کمک حاج میرزا آقا بلوری روزنامه مجاهد را تاسیس نمود و بعد هم در طهران روزنامه ایران نورا دایر کرد .

ابوالضیاء یکی از پیشقدمان مشروطیت در آذربایجان بوده و در راه بدست آمدن آزادی رنج فراوان متحمل گردیده و در نتیجه استقامت و پایداری او آزادی خواهی دوچار مشقات و زحمات فراوان شده است .
من جمله داستان کتک خوردن و فلک شدن اوست در تبریز که مرحوم کمروی

آنت را در کتاب تاریخ مشروطیت ایران بیان کرده و ما بعینه از آن نقل میکنیم:

« ابوالضیا یکی از پیش گامان آزادی خواهی و خود از کوشندگان در آن راه میبود که پیش از آغاز مشروطیت بهمدستی سید حسینخان روزنامه عدالت را می نوشت . سپس در زمان مشروطه از کوشش باز نایستاد . ازچندی باز بهمدستی حاج میرزا آقا بلوری روزنامه مجاهد را بنیاد گذارده بود که از روزنامه های آبرو مند تبریز عمرده میشد . در این روزها (منظور روزهای انقلاب تبریز است) در آن روزنامه گفتاری زیر عنوان (مکتوب از نجف) نوشته شد که چون بد گوئی از سید کاظم یزدی کرده بود او را این ملجم سیرت میستاید مایه آشوب درمیانت مردم گردید . گناه سید محمد بسیار بزرگ شمرده می شد (انجمن نویسی که گه تیم منظور انجمن اسلامی تبریز است که در همان ایام تاسیس شده بود . مولف) برخی از نمایندگان چندان دلبستگی به مشروطه نداشتند و اینان چه بنام داجوئی از مردم و چه از راه فهم و باور خود . دشمنی سختی با ابوالضیاء نشان دادند . انجمن نوشته بنام یبزاری از آن گفتار ، بیرون داد که سراپا زشت گوئی از ابوالضیاء می بود و در روزنامه انجمن بچاپ رسید . سپس ابوالضیاء را بانجمن آورده بیازپرسی پرداختند و بدستور یکی از مجتهدین (انگلی) پاهایش را بفلک بسته چوب زدند و باین هم اکتفا نکرده دستور دادند که از شهر بیرونش گردانند . بیچاره ابوالضیاء ناگامی که در زمان استبداد ندیده در زمان آزادی دید . بلوری میگوید ابوالضیاء را پس از چوب زدن دلداری داده بنوازشش پرداختم و چون چند تن از سواران شاهسون معین شده بود که از شهر بیرونش کنند و من میدانتم که اگر بدست شاهسون ها سپرده شود چون اسمش را ببیدنی شنیده بیگمان او را خواهند کشت . از این رو شبانه ابوالضیاء را از شهر گریزاندم و بدست شاهسون ندادم » (۱)

سید محمد ابوالضیاء ، پس از وقایع آذربایجان بطهران آمده و آنجا چنانچه بعدا خواهیم نوشت . در رجب ۱۳۲۷ قمری روزنامه ایران نو را تاسیس کرد . روزنامه ایران نو بدان جهت اهمیت دارد که در روزنامه های فارسی زبان اولین روزنامه ایست که بقطع بزرگ مانند جراید اروپا منتشر شده و بعدا روزنامه های دیگر از قبیل شرق ؛ برق ، استقلال ایران ، از آن پیروی نمودند .

(۱۹۱) الحق

شماره اول سال اول روزنامه الحق در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سری ، در مطبعه بوسفور طبع شده و بصاحب امتیازی و موسسی (حسن هاشمی)

(۱) صفحات ۲۸۷ و ۲۷۸ کتاب دوم تاریخ مشروطه ایران تالیف کسروی .

ومدير مسئولی (آقا شیخ محمد شریعت) در تاریخ پنجشنبه ۲۳ شهر رمضان المبارك ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۰ نور ۱۳۰۲ شمسی مطابق ۹ ماه مه ۱۹۲۳ میلادی در طهران منتشر شده است ، اسم روزنامه بخط نسخ درشت ، دوپسار همک-وس ، بدین صورت (الحق ۱۳۴۱) در عنوان روزنامه چاپ و در بالای آن آیه (جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا) درج گردیده است . قیمت اشتراك روزنامه : طهران یکساله ۶۰ قران ، شش ماهه ۳۵ قران سه ماهه بیست قران داخله بترتیب ۷۰ ؛ ۴۵ ؛ ۲۵ قران و خارجه ۸۰ ، ۴۵ و ۳۰ قران .

قیمت اعلانات در صفحه اول سطرى دو قران ؛ صفحه آخر سطرى يك قران ، و قیمت هر شماره در روز انتشار ۷ شاهی . محل اداره طهران ، دروازه قزوین ؛ عنوان تلگرافى الحق . طرز انتشار روزنامه ، در شماره اول ، بعنوان هفته دو نمره قید شده است .

مقاله افتتاحی و یا سرمقاله شماره اول بدین قسم شروع میگردد « شکر و سپاس بسم الله الرحمن الرحيم . ربنا آتانا من انك رحمة و هیئتی لنا من امرنا رشد . سپاس برون از حوصله و قیاس که نگارنده جریده قضا و قدر از نگارش اعتراف ببعجز کند و شکر بی پایانی که صفحات روزنامه ملك و ملكوت از اندراجش اقرار بقصور داشته نثار بارگاه قویم قدیم ، مالك الملکی که خجسته پیکر انسانی را از خواب گراندم و نیستی بر شراب قطرات وجود وهستی بیدار کرد .

پس از مقاله فوق ، مقاله دیگری در باره شهادت علی (ع) نوشته و بعد اخبار داخله بتفصیل و اخبار ولایک درج است .

شماره دوم بهمان سبک شماره اول در روز دو شنبه ۲۷ رمضان ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۴ نور ۱۳۰۲ شمسی منتشر گردیده و سرمقاله این شماره تحت عنوان (اسلام دین حقوقی و سیاسی و اجتماع است - موقعیت اسلام در وضعیت حاضر دین) نوشته شده است . علاوه بر مقالات و اخبار داخله ؛ اخبار خارجه نیز در روزنامه چاپ شده است . هر شماره روزنامه چهار صفحه و هر صفحه مشتمل بر ۵ ستون است . از روزنامه الحق فعلا تا شماره ۷ سال اول مورخ سه شنبه ۱۹ شهر شوال المکرم ۱۳۴۱ قمری مطابق ۱۵ جوزای ۱۳۰۳ در دست است .

روزنامه الحق بیشتر بمنظور مطلع نمودن ایرانیان از سیاست اسلامی تاسیس یافته و مدیر مسئول آن (شیخ محمد شریعت) از علاقمندان بنشر مسائل دینی است در باره روزنامه الحق در روزنامه ایران مورخ نور ۱۳۰۲ اعلانی بدینقسم درج شده است : « الحق . روزنامه الحق باقلمی بزرگ و اسلوبی مرغوب بهین زودی در طهران منتشر میشود . روزنامه مزبور در تحت نظر و سرپرستی یکمده جوانان فاضل و مشهور اداره خواهد شد و کارکنان این روزنامه باتمام قوا سعی در انتشار ترویج

○ (۱۹۲) الدين والحیوة ○

مجله دینی و اخلاقی الدین والحیوة بمدیروی (حاج میرزا علی مقدس) در تبریز تاسیس و شماره اول سال دوم آن در شهر جمادی الثاني ۱۳۴۹ قمری منتشر شده است . الدین والحیوة در سال اول بعنوان مجله دینی علمی و اخلاقی و صحنی و تاریخی معرفی شده ولی در سال دوم بعلت عدم مساعد و گرانی لوازم طبع و ضیق صفحات از درج قسمت صحنی و تاریخی خودداری نموده و ماهیانه يك شماره از آن نشر گردیده است . در هر شماره در زیر نام مجله این شعر : « هر کجا دین بود حیات آنجاست » زندگانی ز دین حق برپاست » بنسبت اسم مجله چاپ شده . و به اشتراك سالیانه ۱۲ قران ؛ ششماهه ۶ قران . ولایات دیگر با اضافه مخارج بست . تک شماره ۱۴ شاهی . محل اداره تبریز . نوبر . منزل شخصی مولف

الدین والحیوة با چاپ سربی (مطبعه حقیقت تبریز) در ۳۰ صفحه بقطع خشتی کوچک چاپ و انتشار یافته . گرچه گاهی انتشار آن از موعد مقرر بتاخیر می افتاده ولی با وجود این مدت دو سال منتشر شده است . شماره ۷ سال دوم آن در دوم ذیحجه ۱۳۴۹ قمری از طبع خارج گردیده و مجموع صفحات آن تا این شماره سال دوم ۱۹۰ صفحه است .

همانقسم که یاد آور شدیم مجله الدین والحیوة مجله ایست دینی و مندرجات آن بیشتر امور مربوط ب مذهب می باشد . آوردن الف و لام در نام مجله و هم چنین در عنوان مطالب از قبیل (اهمیت المطبوعات و تعالیم القرآن و الاسلام علی رغم المعارض) حکایت از کمال علاقمندی مدیر مجله را بدین و زبان عربی مینماید مقالات مجله ساما بقلم مدیر آن تهیه و تنظیم شده و کمتر بقلم اشخاص خارجی مقاله در مجله دیده میشود . برای اطلاع از سبک نگارش آن چند سطر از مقاله اول شماره اول سال دوم مجله را نقل مینمائیم :

پس از تعریف مجله بزبان عربی چنین مینویسد « مجله مانند مدرسه سیار است که حاضر و مسافر و زن و مرد ، صغیر و کبیر میتواند هر قسم علم از او استفاده نماید از توحید و سایر اللهیات ، اصول و فروع آداب و فرایض و اخلاق طب و طبیعیات و فلکیات : از تاریخ و احوال امم . شئون مذہبی ، و رسومات عادی ، موجبات انحطاط و ترقی آنها ، از وقوعات مهمه عصری بالجملة هر آنچه سبب عبرت و بصیرت ؛ تعریک عواطف و احساسات ، نهضت علمی و عملی میگردد »

فهرست مندرجات بعضی از شماره های مجله بدینقرار است شماره دوم اهمیت المطبوعات . تعالیم القرآن اقتراح سوال (الانسان لماذا وما هو من شانه) اثرات الظلم

او الیاسة العینیة . الا لام علی رغم المعترض . شماره ۵ و ۶ اهمیت المطبوعات تعالیم القرآن ؛ لزوم الترتیبه ؛ اثرات الظلم ، استفادہ ذوقی .
جای بسی تمجب است با اینکه مجله بزبان فارسی نوشته شده چرا عنوان مطالب این قسم بصورت ترکیبات عربی ذکر شده است . مهر صورت در اغلب شماره ها مطالب مندرجه تحت یکی از عناوین مذکور در فوق میباشد و چون عبارات مطالب خیلی پیچیده و مشکل تنظیم شده لذا چندان استقبالی برای خریداری و خواندن مجله بعمل نمی آمده و مشترکین در پرداخت آبنونه تملل مینموده اند . مدیر مجله در بیشتر شماره ها ناچار باخطار شده و در ضمن اخطار مینویسد و هیچ نشد که یکی از شماره ها را بدون حاجت بقرض تهیه کنیم و این مطلب میرساند که مجله چندان مورد توجه مردم نبوده است .

(۱۹۳) الغرى

مجله الغرى بمديري و نويسندگي (آغا محمد معلاتي) و ناشر آن (حاج شيخ حسين اصفهاني) در نجف اشرف تاسيس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر گردیده است . از مجله الغرى بیش از يك شماره منتشر نشده و بعلت مخالفت با قانون مطبوعات دولت عثمانی آن را توقیف و از انتشار آن جلوگیری نموده است . پس از توقیف مجله ؛ بعوض الغرى مجله دیگری با همت سبك و روش بنام (درة النجف) در ربیع الاول سال مذکور انتشار یافته و شرح این توقیف و تبدیل را مدیر مجله بدین قسم ذکر کرده است :

« خاطر مشترکین عظام وقارئین گرام را مسبوق میدارد ، مجله الغرى بواسطه اتهام مخالفت با قانون مطبوعات پس از طبع و نشر يك جزء آن از طرف حکومت محلیه در عهده توقیف و تعطیل در آمد تا آنکه در محکمه جزا برائت ذمه اداره از اتهام ارتکاب خلاف قانون واضح و مبرهن گردید . و چون در ضمن ایام تعطیل و توقیف از طرف مشترکین و دوستان کتبا و شفاها از اداره درخواست نمودند که لفظ الغرى بواسطه قلت استعمال در معاورة و مخاطبه فارسی زبانان در اذ هانت کثیری از آن ها خالی از غرابت نیست و اگر تبدیل با سمی شود که باذ هان عموم ناس مانوس باشد اولی و اصوب خواهد بود لذا بر حسب صلاحدید جمعی از اعلام مجله الغرى را به (درة النجف) موسوم نموده مجدداً بیان نامه بحضور متصرف پاشا حکمران کربلاى مطی تقدیم داشته استدعای امضای آنرا از مقام منعم متصرفی نموده مقرون به اجابت و مضمی و مقبول افتاده « مقاله افتتاحی مجله الغرای بعنوان (تمدن را باتدین ملازمه ومصاحبه دائمی است) نوشته شده است .

(۱۹۴) الفارسی

هنگامیکه ظل السلطان ؛ فرزند ناصرالدین شاه حکمرانی فارس را داشت و میرزا تقیخان حکیمباشی ملازمت وی را عهده دار بود در سال ۱۲۸۹ قمری ، روزنامه بنام (الفارس) در شیراز تاسیس نمود و مدت یکسال این روزنامه انتشار می یافت . روزنامه الفارس که نام آن بالف و لام (الفارس) قید و در دو قسمت بزبان فارسی و عربی که قسمت فارسی آن با خط نستعلیق بسیار خوب و قسمت عربی آن با خط نسخ نوشته شده ، منتشر شده است . انتشار روزنامه بترتیب مذکور یعنی بدو زبان فارسی و عربی در فارس ، تقلید از روزنامه بنام (روزنامه علمیه) که قبل از این تاریخ در طهران منتشر گردیده و ما بعدا درمحل خود از آن گفتگو خواهیم کرد بوده گرچه این ترتیب یعنی انتشار روزنامه الفارس در دو قسمت فارسی و عربی بیش از سه نمره دوام پیدا نکرده و از نمره چهارم مورخ ۱۴ رجب ۱۲۸۹ به بعد روزنامه منحصرآ بزبان فارسی و در چهار صفحه بقطع بزرگ انتشار یافته است . در باره تغییر وضع روزنامه در ستون آخر نمره چهارم چنین نوشته است : « از آن راهیکه نوشتن عربی روزنامه و ترجمه آن اسباب تعویق و تعطیل نمره ها میشد و نگاشتن آن نیز چندان لازم نبود و زحمت مباشرین این عمل مضاعف میگردد ، لهذا چنین شایسته دیدند که نمره های آتیه بدون ترجمه عربی باشد . رئیس و منشی روزنامه میرزا تقی کاشانی »

شماره اول روزنامه الفارس بقسمیکه فوقا اشاره کردیم در دو قسمت فارسی و عربی که قسمت فارسی آن در دو صفحه بقطع بزرگ ، با خط نستعلیق خوب و قسمت عربی آن در سه صفحه بهمان قطع ؛ با خط نسخ و صفحه چهارم آن سفید است طبع و در تاریخ یکشنبه ۹ شهریور ماه جلالی ۷۹۴ مطابق ۲۰ جمادی الثانی هجری ۱۲۸۹ و ۲۵ اوت ماه فرانسه ۱۸۷۲ مسیحی ، منتشر شده است . الفارس با چاپ سنگی طبع گردیده و محل طبع آن (دارالطباعة خاصه درخلوت ابنیة دارالایاله) بوده و محل فروش آن (در کاروانسرای گمرک حجره حاج سید ابراهیم تاجر اصفهانی) و قیمت سالیانه سه تومان و اداء قیمت و قیمت اعلان سطری بگهرار است .

اسم روزنامه بخط شکسته در وسط دایره با ضبط تاریخ تاسیس بدین قسم (الفارس المنطبعة فی ۱۲۸۹) در عنوان روزنامه نوشته شده است . هر صفحه روزنامه مشتمل بر سه ستون و در نمره اول اواسط ستون سوم صفحه سوم قسمت عربی که مطلب تمام گردیده این عبارت (رئیس دارالطباعة فارس و منشی روزنامه میرزا

تقیخان حکیمباشی حضرت مستطاب اشرف اسمعظم والا ظل السلطان) درج است . و از اینجا و از شرحیکه میرزا تقیخان در شماره اول روزنامه فرهنگ که بعد در اصفهان منتشر ساخته نوشته معلوم میشود ، مدیر روزنامه و رئیس مطبعه فارس مرحوم میرزا تقیخان حکیمباشی و اداره تمام امور روزنامه بمده وی محول بوده است .

مطالب قسمت عربی روزنامه بعینه همان مطالب قسمت فارسی بدون کمترین تغییری می باشد و نیز در قسمت سرلوحه بعینه همان مطالب سرلوحه فارسی است . برای مزید اطلاع مطالب سرلوحه قسمت عربی روزنامه را نقل مینمائیم . الفارس . المنطبعة فی ۱۲۸۹ - النمرة الاولى بوم الاحد ۹ شهر یور ماه جلالی . دارالطباعة الخاصة بکون فی خلوة دارالایالة السمات بخلوة الابنیه . قیمت الروزنامه فی کل سنه ثلث تومان . ساعات قبول الاخبار من الظهر الی اثین ساعته قبل الغروب . (در سرلوحه فارسی این عبارت چنین است : هنگام قبول اخبار از ظهر تا دو ساعت بفرود مانده) عبارات طرف چپ سرلوحه : السنة الاولى . ۲ جمادی الثانیة الهجریه ۱۲۸۹ ۲۵ شهر اوت الفرانسه المسیحیه ۱۸۷۲ موضع البیع فی الغان الوکیلیه المعروفه با لکمرک حجرة حاج سید ابراهیم التاجر الاصفهانی . اداء القیمت فی قسطنین . قیمت الاعلانات کل سطر بالف دینار ، مقاله افة تاحی قسمت عربی روزنامه اینطور شروع میشود : « لقد امتد الزمان و کان انتشار وقایع الممالک المحروسه منه صرا بروزنامه الايران و اخبارنا المختلفه الداخله منها والخارجه مندرجه فیها لما غلب علی الطباع من قصور الهمة والاستمرار علی سنه الفظة ۰۰۰ »

و اما سرقاله قسمت فارسی که در صفحه اول نمره اول نوشته شده و ما برای مزید اطلاع خوانندگان و آشنا شدن بچگونگی پیدایش این روزنامه قسمتی از آن را ذیلا نقل میکنیم :

« دیر گاهی است که نشر وقایع ممالک محروسه ایران منحصر بروزنامه ایران خبار مختلفه خارجه و داخله محدود و مندرج در آن بوده است تا در این روزگار خجسته آثار که از فرط توجه اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه قوام تمدن پیوسته در افزایش و اسباب تربیت هامة همواره در تکمیل است رای مبارک همایونی بر این شد که برای ترفیه عباد و اصلاح حال رعابای مملکت فارس به فناد و لکل عمر یسر فرمانفرمائی آنحدود را بحضرت مستطاب اشرف ارفع والا ظل السلطان مرحمت و عنایت فرماید ان ملک زاده واجب التعمظیم محض تربیت پارسیان از خاکپای مبارک همایون درخواست نمود که در فارس که تختگاه سلاطین عجم و د بلم بود

روزنامه مخصوص بطبع رساند تا حوادث و وقایع هریک از مضافات این مملکت مشروحا علی التحقیق در آن مندرج گردد و روزنامه مزبور در نگاشتن بعضی از بیاناتیکه تذکر آن ها برای ترقی عامه ملت و انتشار مدنیت شایسته است آزاد باشد اینعرض بدرگاه کیوان شکوه مقبول و پذیرفته شد لهذا حضرت اشرف والا اجرای فرمان قضا نشان را فرض و واجب دانسته بیدرنک اسباب و لوازم این کار را بنوع تکامل مهیا کرده و جان نثار را احضار نموده فرمودند مکنون خاطر من بر ترقی و درستی این کار است و درستی و نظم آنرا از تو می خواهم و برتولازمه است که بهیچوجه دره و اضطراب این کارت سامع و اهمال جایز نداری و هر ماهی چهار نمره روزنامه باسم این مملکت بطبع رسانی و در این خصوص تا کیدات بلیغ و فرمایشات متین فرمودند . جان نثار چون رضای آن حضرت و ترقی ملت را در نظم اینکار دید و از هر جهت اسباب رافراهم یافت سرقدم ساخته بخدمت شتافت و برای سهولت استدراک عربهای این حدود چنان مقرر شد که یک سمت از روزنامه را بزبان عربی ترجمه نماید تا منفعت آن شامل حال تمام افراد و رعایای این سامان تواند شد . اگر چه بروزگار دیرین عده روزنامه های ممالک خارجه مانند زمان ما متعدد نبوده است . . (در اینجا یک ستون ونیم از روزنامه در باره اهمیت و عده روزنامه هائیکه هر روز در ممالک خارجه بطبع میرسد نوشته شده است . مولف) اخباریکه در روزنامه فارس متوالیا مرقوم میشود بر دو گونه اند اخبار داخله مملکت و توابع و مضافات ایالت . مخصوصه فارس و اخبار خارجه که بنا بر انتخاب روزنامه نگار از روزنامه های دول خارجه استقرض میشوند . نوع نخستین چون مبنی بر اطلاعات شخصی خود و اجزاء حکومت است لهذا در کمال صحت و بدون کذب و خلاف خواهد بود لیکن صحت و سقم اخبار منتخبه از روزنامه های خارجه بعهد منشیان همان روزنامه است و روزنامه نگار در این خصوص هیچگونه ضمانتی نیست از مقاله مذکور معلوم میشود علت اینکه هر شماره روزنامه بدو زبان فارسی و عربی نشر شده برای چه بوده است . در حقیقت چون عده از مردم عربی زبان در قبایل فارس و شهرهای خوزستان مجاور فارس میزیسته ، برای سهولت درک مطالب و این که بخوبی از مندرجات روزنامه و اقدامات ظل السلطان آگاه گردند قسمت عربی هم بروز نامه اضافه شده ولی همانطور که قبلا یاد آور شدیم اشکالات وجود و شاید عدم توجه عربی زبانان روزنامه باعث توقف شدن صفحات عربی روزنامه شده و پس از نشر سه شماره قسمت عربی از روزنامه حذف و همان قسمت فارسی روزنامه نشر شده است .

مندرجات الفارس همانقسم که در مقاله افتتاحیه یاد آور شده ؛ شامل اخبار دربار

همایون و اخبار داخله و بعد اخبار خارجه می باشد و در حقیقت يك روز نامه نیم رسی است که برای معرفی خدمات و کارهای ظل السلطان در فارس تاسیس گردیده و در همین شماره اول؛ پس از سرمقاله، تحت عنوان (اخبار رسمیه) اخبار در بار همایون و بعد بلاد معروسه سپس اخبار (داخله فارس) را نوشته است. پس از این چند قسمت، (اخبار خارجه غیر رسمیه) از قبیل هندوستان و چین را بیان کرده و در انتها دو اعلان کوچک یکی آنکه هر کس مطلبی داشته باشد و بخواهد بعامه مردم اطلاع بدهد مانند فروش چیزی و غیره میتواند بدارالطباعه آمده اطلاع دهد تا در روزنامه طبع و اجرت طبع آن از قرار سطری یکمزار دینار گرفته خواهد شد. اعلان دوم مربوط باین است که فراش روزنامه سوای اخذ قیمت مخصوص روک نامه یکدینار از هیچکس نمیتواند گرفت.

در بعضی از نمرات مقالاتی از قبیل (فواید عدل و مساوات) چاپ شده و نیز از شماره پنجم بانطرف در باورقی صفحات اشعاری از شعرائ مختلف مانند های شیرازی معمد خان دشتی و میرزا تقیخان کاشانی درج گردیده اشعار مذکور بخط نستعلیق ریز و از مکتوبی استخراج شده که شخصی در مدح ظل السلطان و در باره روزنامه الفارس، بمدیر روزنامه نوشته است. و نیز از همین شماره موضوعهای مختلف دیگر از قبیل (اوضاع خلقت زمین و آفریدگاران) اثر قلم میرزا تقیخان کاشانی، در باورقی تمام چهار صفحه چاپ گردیده است.

از روزنامه الفارس، نگارنده تا نمره ۲۰ سال اول مورخ ۱۲ ذی قعدة ۱۲۸۹ قمری در دست دارد و این نمره اخیر در سه صفحه چاپ شده و صفحه چهارم آن سفید است. قطع نمره اخیر و سبک مطالب مانند نمره های قبل است. ولی از مقدمه که بقلم مدیر روزنامه. میرزا تقیخان کاشانی؛ در نمره اول روزنامه فرهنگ (۱) نوشته و ما ذیلا عین آنرا نقل میکنیم، معلوم میشود الفارس مدت یکسال در شیراز منتشر میشده و بعدا بعلت مخالفت بدخواهان و حدودان تعطیل گردیده است. بنا بر این ممکن است شماره های دیگری هم از این روزنامه منتشر شده باشد.

آنچه میرزا تقیخان در سرمقاله روزنامه فرهنگ نوشته بدینقرار است:

« بنده نگارنده که اکنون زیاده از نه سال است بشرف چاکری و ملازمت استان مبارک حضرت مستطاب اشرف اسمد والا شاهنشاهزاده اکرم افغم ظل السلطان سلطان مسمود میرزا دامت شوکته و عظمته قرین مفاخرت و مباحاتم بروزگار فرمان فرمایی شاهنشاهزاده معظم در مملکت فارس جریده حوادث و صحیفه وقایع آن مرز

(۱) میرزا تقیخان کاشانی، در حکومت ظل السلطان در اصفهان روزنامه فرهنگ را در سال ۱۲۹۶ قمری تاسیس و منتشر نمود و مدت ده سال این روزنامه دایر بود در حرف کتاب بتفصیل از این روزنامه گفتگو خواهیم کرد.

و بوم را بسال ۱۲۸۹ هجری بنوعی شایسته بطبع رسانیده منتشر میساخت • جمعی از هموطنان و گروهی از غیرتمندان را دلپسند و بعضی از دانشمندان نیکو نهاد و برخی از بخردان پاک نژاد را از دور و نزدیک مطلوب و مرغوب افتاده بود یکسال پیوسته تکمیل و انتشار روزنامه فارس روز افزون بود تا اینکه شخصی عاری از انصاف و حقوق بشریت و بری از صفات تمدن و لوازم تربیت محض اغراض شخصی و تصورات بهیبه زحمت یکساله مرا بهدر کردار باب دانش واصحاب بینش را که از فواید معاصر آن صحیفه خبیر و بصیرو به نتایج شریفه آن امیدوار بودند مرفوع الخیال و مکدر الحال کرده مرا از طبع روزنامه ممنوع و فارغ البال نمود • هر تن از هوشمندان زمانت زبان بتشبیح او گشوده و هر کس از اخوان الصفا بتقیح وی آغاز کردند دیری نگذشت که اثر افعال ناصوابش دامنگیر و فساد حقیقتش ظاهر و هویداشد • خدایش بکیفر رسانید و یزدانش مجازات بخشید • پنداری که نه بد کو رفت و جان برد • حسابش با کرام الکاتبین است • پای آمال و امانیش بسنگ بر آمد و روزگار زنده گانیش بسر رسید نه از رفعتارش اثری ونه از بازماندگانش خبری است •

میرزا تقیخان کاشانی

میرزا تقی خان که اصلا از مردم کاشان بوده مدتی در دستگاه ظل السلطان میزیسته و سمت طبیب مخصوص شاهزاده را داشته است وی علاوه بر علوم عقلیه و نقلیه که فرا گرفته بود؛ بر بسیاری از علوم جدیده آگاهی داشت و در حقیقت گنجینه از علوم قدیمه و جدیده بشمار میرفت • با وجود کوتاهی عمر، پس از فراغت از تحصیل، سرمایه زندگی را صرف خدمات ملی نمود و از اینرو حقوق بسیار بر ذمه اهل ایران ثابت نمود • با اینکه در جوانی زندگی را بدرود گفته؛ تالیفات و تصنیفات بسیاری از او بیادگار مانده است • من جمله یکسال روزنامه الهار رس؛ چند سال روزنامه فرهنگ، رساله در تعلیم و تربیت اطفال که در خاتمه آن نصایحی از افکار حکما در آن مندرج است •

میرزا تقیخان در محرم ۱۲۹۹ قمری از طرف ظل السلطان، از اصفهان مأمور بسیاحت فارس و خوزستان و نواحی سرحدی و نقشه برداری از این ولایات می شود نامبرده مسافرت خود را از اصفهان شروع نموده و بسیاحت و نقشه برداری قسمت های مذکور میپردازد و در مراجعت از راه دزفول بخرم آباد و از آن جا بیروجر د و از بیروجر د بطهران بازگشت مینماید • این مسافرت مدت سه ماه طول کشیده و شرح آن را در رساله راجع باوضاع جغرافیائی ولایات مذکور نوشته است • رساله و یا سفرنامه مذکور از نمره ۱۵۴ روزنامه فرهنگ • منطبقه اصفهان، درج گردید • و آغاز آن از (ایزد خواست) که اولین منزل خاک فارس بوده شروع میگردد •

(۱۹۵) الف

در سال ۱۳۲۵ قمری مرحوم یوسف زاده غمام همدانی ، در همدان بمنظور پیش بردن مقاصد آزادیخواهی خود ، انجمنی بنام انجمن اتحاد تاسیس نمود و نیز روزنامه بنام الف انتشار داد . بنا بر این روزنامه الف بمدیریت سید محمد همدانی متخلص بغمام در سال ۱۳۲۵ قمری تاسیس و منتشر گردیده است . روزنامه الف هفتگی بوده و نمره ۶ آن در چهار صفحه ؛ در تاریخ ۲۶ ربیع الاول سال مذکور انتشار یافته است . قیمت اشتراك روزنامه در همدان ۱۵ قران ؛ در سایر شهرهای ایران ۱۵

قران چون مرحوم غمام علاوه بر روزنامه الف روزنامه دیگری بنام (اتحاد) نیز منتشر نموده و ما سابقا آن را بتفصیل بیان کرده ایم . لذا لازم است شرح حال او را در اینجا ذکر نمایم

سید محمد غمام همدانی

شرح حال جامع و مفصلی از مرحوم غمام در شماره دوم سال اول مجله محیط مورخ مهرماه ۱۳۲۱ شمسی بقلم یکی از خواص یاران و همکاران وی موسوم بموسی نثری تدوین گردیده است . موسی نثری که در حین تنظیم این شرح حال در بازرسی وزارت فرهنگ مشغول خدمت میباشد همان کسیست که در

مرحوم غمام همدانی

روزنامه اتحاد سمت مدیری داشته و در عنوان روزنامه بنام (موسی) اسمش درج است . شرح حال مذکور بدین قلم است : « غمام همدانی . نام نامیش سید محمد کنیه اش یوسف زاده (در اینجا سهوی از آقای نثری رخ داده که یوسف زاده را کنیه مرحوم غمام دانسته ، در صورتیکه کنیه حتما باید مصدر باب درمرد و ام در زن باشد . مولف) متخلص بغمام فرزند حجة الاسلام سید یوسف مجتهد همدانی از سادات جلیل القدر حسینی ، در دوم ماه رجب ۱۲۹۲ قمری مطابق ۱۲۵۳ خورشیدی همان اوقاتی که پدر بزرگوارش در شهر سامره مشغول تحصیل بود ، در نجف اشرف متولد شد و تا سن سیزده سالگی در بین النهرین بوده تحصیلات خود را در آنجا بیایات رسانید و پس از آنکه پدرش از تحصیل فراغت یافته بهمدان مراجعت کرد ایشان نیز همراه پدر بهمدان آمده در آنجا علوم متداوله آن زمان از ادبیات

فارسی و عربی و فقه و اصول و فلسفه تحصیل نموده مدت کمی نیز مشغول تجارت بودند از سال ۱۲۸۴ شمسی در موقی که جنک روس و ژاپن در جریان بود معزی الیه متوجه ضعف دولت ایران بود و از آن تاریخ فکر اصلاحات دوا بر دولتی و وضع حکومت در دماغ ایشان قوت گرفته غالباً در مجالس این مسئله را بطور سر بسته و در لفافه گوشزد دوستان خود مینمود و در اول گفتگوی مشروطیت ایران در همدان آزادیخواهان و يك عامل موثر در انتشار عقیده آزادیخواهی بود در این راه رنجها برده و کارها کرده اولین انجمن برای پیش بردن مقاصد آزادیخواهی خود در همدان بنام انجمن اتحاد تاجیسی و روزنامه نیز بنام (الف) انتشار داد و این دو موسسه در همدان مدت مدیدی تکیه گاه آزادیخواهان و مرکز عقیده آزادی خواهی بوده است .

در اینجا آقای نثری اسمی از روزنامه اتحاد که از انتشارات انجمن اتحاد بوده ؛ بیان نیاورده در صورتیکه خود آقای نثری در این روزنامه سمت مدیری داشته و مرحوم غمام صاحب امتیاز و نویسنده آن بوده است بهر صورت عدم ذکر روزنامه اتحاد دلیل بر سهو و خطا و یا تسامح آقای نثری است .

بالجمله حیات سیاسی ایشان در سنه ۱۲۸۴ شمسی شروع شد و در سنه ۱۲۹۱ شمسی خاتمه یافت، همینکه اساس مشروطیت برقرار و مستحکم شد ایشان نیز از امور سیاسی کنار گرفته اند از این تاریخ بیست و هفت سال در امور سیاسی کرده باشند موقتی و برخلاف میل بوده است .

غمام از شعرای غزل سرا می باشند و از سایر اقسام شعر در میان اشعارشان دیده نمیشود، اشعارش چون همه از روی عواطف است و احساسات محبت آمیز برخاسته اند لذا تمام غزلیاتش شیرین و دلنشین است . این شاعر عالی مقام اگر چه سعی کرده از سختیها و رنجها و مشقت های فراوانی که در مدت عمر خود دیده است در اشعارش ذکری از آنها بماند نیاورد ولی در بعضی مواقع نتوانسته خودداری کند و در د های درونی خود را پنهان نماید « آنچه از اشعار غمام بطبع رسیده در دو مجلد است ؛ جلد اول آن در سنه هزار و سیصد و چهل و دو قمری در اصفهان طبع شده و دارای ۳۱۲ صفحه، ربعی که مشتمل بر ۲۶۹ غزل است و اغلب غزلیات مرکب از یازده شعر می باشد . جلد دوم آن در سال ۱۲۴۶ قمری آن هم در اصفهان با همان قطع طبع شده و دارای ۱۴۶ صفحه و مشتمل بر ۱۳۶ غزل است این دیوان دارای جلد سوم می باشد که هنوز بطبع نرسیده و تقریباً باندازه جلد دوم است .

غمام در تاریخ سوم مهر ۱۳۲۱ شمسی مطابق ۹۳ رمضان ۱۳۶۱ قمری در طهران وفات یافت، جسد او را به همدان حمل و در روز چهارم مهرماه در مقبره خانوادگی، جنب شاهزاده حسین، مدفون گردید . يك غزل از اشعار غمام :

مروز عالم صورت برون که یاز اینجاست ممدار عالم مضمی و اصل کار اینجاست
 بگردگان کل دا نا جهان همی گردد که دایرند همه عالم و مدر اینجاست
 نو از دیار شهودی تو را بغیر چکار بشهر خویش بیازانکه شهریا را اینجاست
 حقیقت ار نشود آشکار چون بینسی؛ وگر عیان شده و گشته آشکار اینجاست
 چو کودکان ز قیامت چرا همی ترسی جزای کاردر آن عالم است و کار اینجاست
 خلاصه اینکه از این جا مرو بجای دگر که آنچه میطلبند مست و هوشیار اینجاست
 غمام دست گدائی بر آسمان مفر از بیا بسوی زمین گنج بی شمار اینجاست
 مرحوم ایزد گشپ در کتاب نامه سخنوران (۱) در بازه مرحوم غمام می
 نویسد : « آقای سید محمد یوسف زاده علاوه بر مراتب فضل و شاعری بتربیت اخلاق
 دیگران و تاسیس مجمع اتحاد اقدام دارد . دیوان غزلیات دارند » پس از آن
 چند غزل و یک قطعه از مشار الیه نقل مینماید .

(۱۹۶) الکمال

موسس و مدیر مجله الکمال آقای فضل الله آل داود ؛ بدایع نگار استات
 قدس بوده و مجله مذکور در سال ۱۳۳۸ قمری مطابق ۱۲۹۹ شمسی در شهر مشهد
 تاسیس و شماره اول آن در برج جدی همین سال بقطع کوچک و با چاپ سری
 منتشر شده است ، الکمال مجله ماهانه بوده و قیمت اشتراك سالبانه آن در مشهد
 مقدس ۴۰ قران و در سایر ولایات و ایالات ایران ۳۵ قران تعیین گردیده است
 محل اداره مشهد سرای ملك ؛ کتابخانه علمیه ناصری و از شماره هشتم محل اداره
 به بالا خیابان ؛ کوچه نو ، منزل مدیر ؛ منتقل شده است . در عنوان مجله جمله
 (فی مشهد المقدس) بخط نسخ و در زیر آن نام مجله (الکمال) باز بخط نسخ
 و در داخل آن سال تاسیس مجله (۱۳۳۸ قمری) چاپ شده است .

الکمال مجله ایست دینی و مندرجات آن عبارت است از مطالب مربوط بآیات
 قرآن و دین و اخلاق و گاهی اشعاری باسم ادبیات در آن دیده میشود و چون سبک
 مندرجات مجله عبارت از درج مطالب دینی است و اصولا مجله بهمین منظور
 تاسیس یافته ؛ مدیر مجله پیوسته سعی نموده که احساسات دینی مردم را بر انگیزد
 و در نتیجه علاقه آن ها را نسبت بمجله جلب کند . اخطار بکه در شماره اول سال
 دوم نوشته و ماقسمتی از آن را ذیلا نقل میکنیم شاهد مدعی است .

(۱) مجله الکمال را از نظریه جاروبکشی استان قدس و غلامی دربار امامت
 دایر ساختیم تا شبهات و ضلالت را از دل های مسلمین بآیات و برا همین جاروب نمایم

در این نیت هر کس با اشتراك مجله با ما مساهد نماید در ثواب آیه وافی هدايه (و طهر و ایته الایه) با ما شریک خواهد بود (۲) مجله الکمال سوای وجه اشتراك و احساسات مسلمین منابع هایداتی ندارد .

۳ - وجه اشتراك که قبلا دریافت میگردد نه برای انتفاع است بلکه برای خرید کاغذ و تهیه وسایل طبع و مخارج اداری است که مرتبا در سره رماه تقدیم مشترکین گردد .

۴ - مبلغ جزئی وجه اشتراك بر معاش هیچ طبقه از افراد تضحیقانی وارد نخواهد آورد اگر توانگران راحتتی در این موضوع دست دهد از مدرک (الشیطان بعد کم الفقر است) (•) هر کس پرسبیل اهانه مساعدتی بمجله نمود باندازه ای که بذل اعانه فرموده باشد حق دارند که باداره اخطار فرمایند که از طرف ایشان برای مستحقین اهل علم بطور مجانی تقدیم گردد .

برای مزید اطلاع خوانندگان فهرست مندرجات همین شماره یعنی شماره اول سال دوم را نقل مینمائیم : قران مجید یا معجزه محمد (ص) ؛ ابلاغیه خدا در باره هذا بلاغ للناس ، بیانیه خدا هذا بیان للناس ؛ دستور حضرت امیر از کتاب نهج البلاغه

تاریخ قدمای فرانسه یونان ، شرایع عبری ، فلاحه قدیم .
تمام قسمت های مذکور بقلم خود مدیر مجله ، آقایی بدلیع نگار تدوین و ترجمه شده و اصولا بیشتر مندرجات مجله که در آخر هر قسمتی امضای (بدایع نگار) را دارد ؛ بقلم مدیر مجله نوشته شده است . چون مجله الکمال مجله دینی بوده لذا غالب مشترکین آن هم از طبقه روحانیون و علما بشمار میرفته اند و بهمین مناسبت در پشت جلد مجله محل مخصوصی برای عنوان مشترکین بدو زبان عربی و فارسی بدین قسم یوصل الی الحضرة الروحانیة . . . دامت برکاته و ذر زیر آن بقا رسی معضر کمال پرور . . . دام اقباله ؛ چاپ گردیده است .

در شماره سوم سال دوم تحت عنوان مراسلات وارده ، تقریظاتی از علما و روحانیون از قبیل (سید حسین نجفی) و (حسن العسین اللواسانی) عبد النبی بن علی بن محمد جمفر) و غیره در باره اینکه عموم مسلمین باید مجله الکمال را آبوننه شوند درج گردیده که ما برای نمونه یکی از آنها را بامضای (ضیاء الاسلام) می باشد ذیلا نقل میکنیم :

» بعد العنوان . خدا را شکر که در محیط قدس حجت بالفه امامت يك مجله اسلامی هم مانند مجله شریفه الکمال دیدیم که بابك قلم و عقیده پاك منادی اسلام گردیده بطوری که درخور نگارندگی آن مدیر معترم است دفاع از حقوق اسلامیة میفرماید و در واقع این مجله شریفه در عصر انحطاط دیانت سر مشقی برای نویسندگان اسلامی می باشد که باز وجود مبارك اقتدا فرمایند مجله را که حضرت مستطاب حجة

حرف الف بعده الام

النجاة ، الوند ، اليانس فرانسه ،

الاسلام آقاي حاج فاضل مجتهد بشرويج آن امر عرعي فرموده اند اين جانب حق ندارد که بتوصيف آن بيردازد وظيفه اين جانب در دعا و استدامه اين موسسه اسلامي است که در محيط اسلاميت پايدار بوده باشد ۴۰ نکته جالب توجه اين که در پشت جلد همين شماره شرحي بعنوان (اعلان) چاپ شده است مبنی بر اينکه ده نمره از شماره سوم مجله را العبد ضياء الاسلام بر طالبين وقف نموده و براي استفاده در چهار محل (مدرسه ميرزا جعفر ؛ مدرسه فاضليه ، مدرسه ابدالغنان ، مدرسه نواب) قرار داده است که مردم آن ها را براي يك شب گرفته و پس از استفاده از آنها مسترد نمايند چون وقف کردن مجله تازگي داشت بنقل شرح فوق پرداختيم . از مجله الکمال نگارنده تا شماره ۸ سال دوم مورخ ۲۷ برج ميزان ۱۳۰۱ شمسي مطابق ۲۸ صفر ۱۳۴۱ قمری در دست دارد و تمام شماره ها از حيث تعداد و قطع صفحات و سبك مندرجات بگمان است .

(۱۹۷) النجات

مجله ای بنام النجات در سال ۱۲۹۹ شمسي در تهران تاسيس و منتشر گردیده ولی نگارنده غير از اين هيچگونه اطلاعی در باره خصوصيات آن ندارد .

(۱۹۸) الوند

در جلسه ۲۷ خرداد ۱۳۰۴ شمسي شوراي عالی فرهنگ انتشار مجله الوند بنام آقاي (شيخ عليمحمد آزاد) تصويب گردیده و محل انتشار آن همدان بوده است . صاحب امتياز مجله يعني مرحوم شيخ عليمحمد آزاد از مردم همدان و از ادبا و فضلاي بنام و داراي ذوق و قريبه شعري و اشعار او با اشعار شعراي ديگر انجمن ادبي همدان در شماره های مجله ارمغان بطبع رسیده است . مرحوم آزاد قسمت عمده حيات خود را صرف تعليم و تربيت جوانان نموده و در سنوات اخير زندگاني مدتي رئيس دبیرستان شاهپور کرمانشاه و زمان کمی هم کفيل اداره فرهنگ همدان بود . است . نامبرده در تيرماه ۱۳۲۴ شمسي بدرود زندگاني نمود و برحمت ایزدی پیوست و با فقدان خود عموم بازماندگان و دوستان خویش را متاثر و متاسف ساخت .

(۱۹۹) اليانس فرانسه

روزنامه اليانس فرانسه ، بزبان فرانسه ؛ در سال ۱۲۹۸ شمسي در تهران بطور هفتگی تاسيس شده است .

(۲۰۰) اليك

روزنامه اليك بزبان ارمني در سال ۱۳۰۹ شمسي در طهران تاسيس و منتشر

شده است ، مدیر روزنامه آقای (دکتروارطان هوانسیان) بوده و روزنامه الیک مدتی هفتگی و بعدا هفته چهار بار که هر نوبت ۱۰۰۰ نسخه از آن طبع میشده ، انتشار یافته است قیمت تک شماره آن ۷۵ دینار و در سال ۱۳۱۷ شمسی اداره روزنامه چهار نفر عضو داشته است . بقرار اطلاع در سنوات اخیر در مدیریت روزنامه تغییری حاصل شده و اداره روزنامه بمهده (مگردیج مگردیجیان) واگذار شده است . الیک در مطبعه سربی (مدرنی) بطبع میرسیده و قیمت اشتراك آن سالانه ۸۵ و ششماهه ۴۵ ریال است .

(۲۰۱) آمال ملی

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه آمال ملی بمدری (میرزا علی معمار - طرفدار) در طهران ، از تصویب شورای عالی فرهنگ گذشته و در سال مذکور منتشر شده است .

(۲۰۲) امان افغان

روزنامه امان افغان در شهر کابل پایتخت افغانستان ، بزبان فارسی بسر محرری (عبدالهادی) در سال ۱۳۳۸ قمری تاسیس و شماره ۲۰ سال اول آن در تاریخ ۳۰ اسد ۱۲۹۹ شمسی مطابق ششم ذیحجه ۱۳۳۸ و ۲۱ اگست ۱۹۲۰ میلادی منتشر شده است . این روزنامه هر هفته یکبار در ۱۲ صفحه بقطع وزیری با کافذخوب و خطی زیبا در چاپخانه حروفی (دارالسلطنه کابل) طبع و توزیع شده ، قیمت سالیانه آن بدین قرار است : دارالسلطنه کابل ۱۰ روپیه کابلی در اطراف داخله مملکت ۱۸ روپیه کابلی . در خارج مملکت ۲۲ روپیه کابلی . قیمت يك نسخه آن در کابل سه شاهی است . اداره خانه روزنامه : ده افغان کابل . همه امورات تحریریه به دره خانه بنام مدیر باید باشد . در هر شماره ، در زیر اسم روزنامه (امان افغان) این دو فرد شعر درج است :

مینویسد برفاق باخط زرین آسمان
باد بر افغان مبارک دوره امن و امان .
مناسبت شعر مذکور وهم چنین وجه تسمیه روزنامه کلمه امان می باشد که اشاره به اماناله خان پادشاه افغان است در هر شماره ؛ در صفحه اول فهرست مندرجات روزنامه ذکر شده و فهرست شماره ۲۱ سال اول بدینقرار است : تبریک عید سعید اضحی . حوادث داخلیه ، ارزانی . شکایت ، قرار دادی که در روز عید فطر در باره مقام خلافت اسلام منظور شده است . حوادث خارجه ، عالم اسلام . فرنگستان . مکالمه

رفیق و وزیر (بقیه از شماره قبل است) تاریخ طبیعی (ما بعد از شماره گذشته است) علاوه بر مطالب مذکور چهار تصویر نیز در آن درج است. برای اطلاع بیشتری از این روزنامه فهرست مندرجات شماره ۲۵ آنرا نیز نقل مینمائیم: حوادث داخلیه آزادی اقوام. مکتوب. دروغ بی فروغ. يك فتوای عجیب. حوادث خارجیه، عالم اسلام. احوالات هندوستان و کانگرن. احوالات ایران ترکیه و شام عراق و غیره. با اینکه امان افغان هرنوبت در ۱۲ صفحه منتشر میشود. با وجود این نظیر روزنامه چهره نما؛ بنام روزنامه امان افغان موسوم است و مندرجات آن عبارت از حوادث داخلی افغانستان و نیز اوضاع مسا یکان آن کشور و مقالات مختلف و متنوع است.

(۲۰۳) امروز

در چهارم شهریور ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه امروز در مشهد بمدیری (میرزا مجدالدین علوی سبزواری) از تصویب شورایعالی فرهنگ گذشته است. (فهرست امتیازات سال دوم مجله تعلیم و تربیت)

(۲۰۴) امروز ایران

روزنامه امروز ایران در سال ۱۳۱۲ شمسی بطور هفتگی در طهران تاسیس و منتشر شده است.

(۲۰۵) آموزش

روزنامه آموزش در سال ۱۲۹۹ شمسی بطور هفتگی در شهر رشت تاسیس و منتشر شده ولی نگارنده تاکنون نمونه از آن بدست نیاورده ام.

(۲۰۶) آموزش و پرورش

مجله آموزش و پرورش بتفصیلی که ذیلا ذکر خواهیم کرد دنباله انتشار مجله تعلیم و تربیت از انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و در نتیجه تغییر کلمه تعلیم به (آموزش) و تربیت به (پرورش) باین نام یعنی آموزش و پرورش موسوم گردیده است بنابراین شرح پیدایش و آغاز تاسیس آن را باید در حرفت کتاب کلمه تعلیم و تربیت جستجو نمائیم. آنچه در این جا شرح داده میشود مربوط بزمانی است که مجله تعلیم و تربیت با اسم آموزش و پرورش نامیده شده و تحت این نام چاپ گردیده است. مجله تعلیم و تربیت مجله ایست فنی و مربوط بمسائل آموزش و پرورش واز

انتشارات وزارت فرهنگ می باشد. آغاز تاسیس مجله در زمانی است که مرحوم مشارالدوله کفالت وزارت فرهنگ را بعهده داشت و آقای میرزا علی اصغر خان حکمت مدیر مسئول مجله رئیس تفتیش آن وزارت خانه بود. شماره اول مجله در فروردین ۱۳۰۴ شمسی انتشار یافته و با همه تغییرات و تبدلاتی که در نام و مدیران آن حاصل گردیده مجله مذکور تا کنون منتشر گردیده و شماره اول سال بیست و یکم آن در فروردین ماه ۱۳۲۶ شمسی بمدير مسئولی آقای (محسن شاملو) در ۶۳ صفحه منتشر شده است. اولین شماره مجله که بنام (آموزش و پرورش) انتشار پیدا کرده متعلق بسال هشتم و در مرداد ۱۳۲۷ شمسی است در آغاز سال نهم که مجله بمدير مسئولی آقای (محیط طباطبائی) (۱) در فروردین ۱۳۱۸ انتشار یافته در ضمن چند سطر تاریخچه ای درباره تحولات مجله چاپ شده که برای مزید اطلاع خوانندگان ابتدا آن را نقل کرده؛ سپس بتوضیحات درباره مجله میپردازیم

» آغاز سال نهم - سال نهم انتشار مجله با این شماره که مربوط بفروردین سال ۱۳۱۸ است آغاز میشود و کارکنان این بنگاه فرهنگی امیدوارند در سال نو نیز از عهده خدمتی که تا کنون بفرهنگ و فرهنگیان انجام داده اند برآیند و بتوانند از راه کوشش در پیشرفت کارهای مادی و معنوی و نشر آثار فکری سودمند نظر توجه و علاقمندی خوانندگان مجله را بآینده امید بخش آن بیش از سالهای پیش جلب نمایند. این مجله در سال ۱۳۰۴ تاسیس شده و تا کنون ۱۵ سال از تاریخ پیدایش آن میگذرد و این خود در حقیقت بزرگترین افتخاری برای مجله است که در آغاز دوره خوشبختی و فرخندگی این کشور از افق مطبوعات طلوع کرده و دوره انتشار هشت ساله اش (۲) همیشه نماینده پیشرفت کارهای بزرگ فرهنگی بوده که در سایه توجهات عالی حضرت همایون شاهنشاهی انجام گرفته است. آغاز انتشار مجله از فروردین ۱۳۰۴ بوده و بنام تعلیم و تربیت تا پایان سال ۱۳۰۶ انتشار می یافت و در این تاریخ تعطیل گردید. تا آنکه در آغاز سال ۱۳۱۳ از طرف وزارت فرهنگ وسایل تجدید انتشار آن فراهم آمد و اینک پنجمین متوالی از دوره انتشار جدید آن میگذرد. در سال ۱۳۱۷ بمناسبت انتخاب دو کلمه (آموزش) و (پرورش) از طرف فرهنگستان بجای (تعلیم) و (تربیت) نام مجله نیز از مرداد ۱۳۱۷ تغییر یافت ولی این تبدیل اسم بهیچ وجه در روش دیرین مجله تفاوتی ایجاد نکرد و در حقیقت مجله آموزش و پرورش همان مجله تعلیم و تربیت است که در بانزده سال پیش تاسیس شده و هشت سال متناوب انتشار یافته است.

(۱) نامبرده بعداً در طهران مجله بنام محیط منتشر نموده است.

(۲) در ذیل تعلیم و تربیت بتفصیل از دوره انتشار هشت ساله مجله گفتگو خواهیم

همانطور که در مقدمه مذکور یاد آور شده تغییر نام مجله هیچ گونه تغییری در نوع مطالب حتی چاپ و قطع و تعداد صفحات نداده و مجله آموزش و پرورش همان مجله فنی و ادبی تعلیم و تربیت است . مطالب مندرج در سال هشتم و نهم بیستم مانند سالهای قبل عبارت است از قسمتی از امور مربوط بآموزش و پرورش و بقیه شامل يك كتاب ضمیمه و بخشنامه ها و دستورات وزارت فرهنگ می باشد . برای نمونه فهرست مندرجات دو سه شماره از چند سال مجله را با ذکر نام نویسندگان آن ها نقل مینمائیم : شماره اول سال نهم . آغاز سال نهم . ادب و ادیب . مدیر مجله عالم بچگی دکتر هوشیار . مسائل فلسفه نظری ، مهبینی یزدی . اتحادیه بین المللی پرورش نو ، مهبینی یزدی . هفته امریکائی پرورش . ترس در کودکان ؛ گفتار بزرگان . (این سه قسمت از اداره مجله است) اقتدار در آموزش و پرورش جدید آقای فریار . پاسخ و پرسش ، کتاب ارتش مقدم بر همه چیز (ضمیمه) فهرست مندرجات شماره سوم سال مذکور ؛ درس جغرافیا . مدیر مجله . کتاب نصاب الصبيان آقای عباس اقبال . جوت دیوئی امریکائی ، آقای احمد فردید مهبینی یزدی آموزش قدیم ترجمه فخر داعی . روانشناسی و تربیت معلم . ترجمه فریار . پوشاک . دکتر مدرس آموزشگاه روستائی در مکزیك . مشق خط در ژاپن ؛ ترجمه طویبا . حفريات نیشابور ، ترجمه فریار . کتابخانه مجله ، (در این قسمت اسامی کتب و مجلاتی که یکتابخانه مجله رسیده شرح داده شده است) خیرهای فرهنگی (شامل اخبار شریف فرمائی والا حضرت ولا یتههد بموزه و کتابخانه مردم شناسی) .

در سال یازدهم و دوازدهم اداره و نشر مجله بعهدہ آقای (دکتر صورتگر) واگذار گردیده و مدیر مسئول مجله ایشان بوده اند (۱) و بعد در سال چهاردهم اداره مجله بعهدہ آقای (حبیب یغمائی) بوده است . فهرست مندرجات شماره اول و دوم سال یازدهم که متعلق بفروردین و اردیبهشت ۱۳۲۰ شمسی میباشد بدین قرار است گردش در آزمایش گاهها . چگونه پرورش لازم است . عبدالرحمن فرامرزی زبان دخیانیات . ابوالقاسم فیوضات . درس املائی فارسی ، مصطفی مہذب . پرورش کودکان ، روحانی . تربیت دختران ، غلامحسین زیرک زاده . بدگمانی بیکن انگلیسی ترجمه آقای دکتر صورتگر . آغاز سال یازدهم (این قسمت بر خلاف معمول در وسط مجله نوشته شده) روش آموختن نقاشی ؛ ابراهیم بنی احمد خیر های فرهنگی (اساسنامه دانشکده کشاورزی ؛ گزارش اداره موسیقی کشور) بخشنامه ها . کتاب ضمیمه (پرورش تن و جان) دو تصویر نیز در این شماره چاپ

(۱) در ذیل مجله سبیده دم از آقای دکتر صورتگر جداگانه گفتگو خواهیم

شده يکي مربوط بازمایشگاه جانور شناسی دانشرای عالی و دیگر از آزمایشگاه فیزیولوژی دانشرای عالی است .

این بود فهرست چند شماره از مجله آموزش و پرورش و چنانچه از این فهرست ها نیز معلوم میشود اغلب مندرجات مجله مربوط بآموزش و پرورش و مخصوص اخبار فرهنگ و بنا بر این آموزش و پرورش يك مجله فنی فرهنگی است . همان طور که قبلا هم یاد آور شدیم آموزش و پرورش در فروردین-ن ماه ۱۳۲۶ شمسی شماره اول سال بیست و دوم خود را منتشر نموده و هنوز هم این مجله بدون ترتیب هرچندی بگبار منتشر میگردد .

(۲۰۷) آموزگار

روزنامه آموزگار بمدیری (شیخ علی عراقی) در طهران تاسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری مطابق ۱۹۰۸ میلادی منتشر شده است . شماره سوم این روز نامه در نوزدهم ربیع الاول سال مذکور انتشار یافته و وجه اشتراك بدین ق. از همین شده در داخل ایران چهار ریال ، در خارج . فرانك . طرز انتشار آن هر پانزده روز یکبار و قطع صفحات ۶ سه چهارم در ۱۱ يك چهارم سانتیمتر است .

(۲۰۸) آموزگار

روزنامه هفتگی آموزگار بمدیر مسئولی (میرزا محمد تقی شیرازی) در شهر رشت تاسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . در زیر عنوان روز نامه در ضمن يك سطر ، روزنامه آموزگار بدین قسم معرفی شده « روزنامه ایست علمی اخلاقی ؛ ادبی از هرگونه مطالب سود مند بحال ایران سخن میراند » آموزگار هر شماره در چهار صفحه بقطع متوسط وزیری ؛ روزهای یکشنبه طبع و دو شنبه توزیع میشود و محل طبع آن مطبعه سربی (سعادت) رشت بوده است . قیمت اشتراك آف سالیانہ در رشت ۶ قران . بلاد داخله ۸ قران ؛ بلاد خارجه ۱۲ قران تک نمره همه جا صد دینار . اعلانات سطری دهشاهی . عنوان مراسلات رشت اداره آموزگار در دو طرف اسم روزنامه (آموزگار) این فرد شعر (دولت جان پرور است صحبت آموزگار) چاپ شده و در زیر آن سال تاسیس روز نامه (۱۳۲۹) درج است .

شماره ۱۴ سال اول آموزگار در تاریخ دو شنبه ۱۰ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۹ منتشر شده و مندرجات این شماره عبارت است از مقالات مختلف تحت عنوان (وطن) و (اختلاف خلقت) و غیره و با اینکه آموزگار بشکل روزنامه است در این شماره اخبار داخله و خارجه ، حتی اخبار محلی در آن دیده نمیشود . برون در کتاب مطبوعات خود ص ۳۳ مینویسد من از شماره يك تا ۲۴ این روزنامه را در دست دارم و هر

شماره آن چهار صفحه بقطع ۷ در ۱۲ سانتیمتر است .
علاوه بر روزنامه آموزگار که شرح آن فوقاً ذکر شد روزنامه دیگری بهمین نام در شهر رشت بمدیري (آقای میرزا حسین خان جودت) در ذیحجه ۱۳۳۵ قمری انتشار یافته که چون نگارنده نمونه آن را بدست نیاورده لذا در ذیل روزنامه آموزگار بدان اشاره شد . در روزنامه وطن شماره ۳۳ سال نهم مورخ سه شنبه ۱۴ ذیحجه سال مذکور بعنوان (تقریظ) مینویسد : « جریده شریفه آموزگار که بمدیریت آقای میرزا حسین خان جودت تازه در رشت طلوع نموده با يك بیانات شیرین هموطنان را بسوی ارتقا میکشاند در این چند روزه نمره اول آن باداره واصل شد . »

(۲۰۹) آموزگار

مجله آموزگار در سال ۱۲۹۶ در تهران بطور ماهیانه تاسیس شده است .

(۲۱۰) امید

روزنامه امید در شهر تبریز با چاپ سنگی بطور هفتگی در سال ۱۳۲۴ قمری تاسیس و منتشر شده است . روزنامه مذکور مصور بوده و محصلین مدرسه لقمانیه آنرا منتشره مینموده اند . مرحوم تربیت مینویسد (فهرست جراید آذربایجان ص ۴۰۷) بیست و چهار شماره از این روزنامه انتشار یافته است . ولی کسروی مجموع شماره های آنرا بیش از چند شماره ندانسته و مینویسد در آغاز مشروطیت در تبریز پس از روزنامه انجمن ؛ روزنامه های دیگری بنام های امید و آزاد و اتحاد ملی و مانند اینها بیرون آمد ولی هریکی پس از چند شماره ناپدید شد (جلد اول تاریخ مشروطه ایران ص ۳۷۰) برون مینویسد : روزنامه امید بوسیله پنج یا شش نفر از محصلین مدرسه لقمانیه تبریز تاسیس شده بود و در حدود هشت ماه منتشر میشد . و ی نمره ۷ و ۱۴ این روزنامه را که نمره اخیر آن در ۲۸ شوال ۱۳۲۴ قمری انتشار یافته در دست داشته است . هر شماره روزنامه در چهار صفحه بقطع ۷ در دوازده و نیم سانتیمتر است .

(۲۱۱) امید

روزنامه امید بمدیري آقای (سعید نفیسی) در طهران تاسیس و منتشر شد . است . موسس و نگارنده روزنامه سعید نفیسی بوده و شماره اول روزنامه در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی در تاریخ سه شنبه ۱۱ سرطان ۱۳۰۲ شمسی مطابق ۱۸ ذیحجه ۱۳۴۱ قمری انتشار یافته . محل اداره آن : طهران . خیابان علاءالدوله

اداره شفق سرخ • وجه اشتراك ايران ۸ تومان ، خارجه ۹ تومان ، تك شماره ۸
 عاھي • طرزا انتشار هفته دوروز ، روزهای سه شنبه و پنجشنبه بوده است •
 سرمقاله این شماره تحت عنوان (اول مصيبت) و باین جملات شروع میشود:
 « بالاخره فشار ناملايمات ما را بمیدان هياهو دعوت کرد » بقیه مندرجات
 آن عبارت است از اخبار داخله بتفصیل و اخبار خارجه • در صفحات دو و سه ترجمه
 كتاب (انجیر وتتل اثر الفونس دوده) بعنوان باورقی چاپ شده است •
 روزنامه اميد ، پس از نشر همین شماره یعنی شماره اول توقیف گردید •
 و بجای آن روزنامه عهد انقلاب منتشر گشته و بنابراین شماره دوم اميد بنام عهد
 انقلاب است • از روزنامه عهد انقلاب و همچنین شرح حال سعید نفیسی بتفصیل در
 حرف عین كتاب گفتگو خواهیم کرد •

(۲۱۲) اميد

شماره اول سال اول روزنامه اميد درشش صفحه بقطع بزرگ که صفحه اول و ششم
 آن مخصوص کلریكاتور است ؛ بصاحب امتیازی و هوسسی (اتحاد) و مدیر مسكولی
 (ابوالقاسم اردلان) در مطبوعه سربى (تمدن) در تاریخ شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۰۸ شمسی
 چاپ و در طهران منتشر شده است • اميد روزنامه هفتگی بوده و روزهای شنبه منتشر
 میشود و آبونه آن بدین قسم معین گردیده است : آ بونمان یکساله داخله ۵۰ قران
 شش ماهه ۲۵ قران ، خارجه يك لیره و نیم لیره • قیمت تك نمره ۸ شاهی • قیمت
 اعلانات با دفتر اداره است • محل اداره : در ابتدا اداره روزنامه ايران و بعدا
 تغییر کرده است •

اميد در ضمن يك سطر که در زیر عنوان آن نوشته شده بدین طریق معرفی شده
 است : « جریده ایست سیاسی فکاهی ، کاریکاتوری . »

سرمقاله شماره اول تحت عنوان (اظهار مر ا م) بدیقسم نوشته شده است :
 « جراید اروپا بردو قسم است جدی و کاریکاتوری که در شرق آنرا فکاهی میگویند
 جراید جدی چون مندرجاتشان از روی عقیده است بایستی دارای مدارك ومستندات
 باشد و هرگاه بکسی تعرضی کردند مورد تعقیب مقامات قانونی میشوند ولی جراید
 فکاهی چون شوخی است هیچ کس از آنها رنجش پیدا نمیکند ، مدیر آنها پای هیچ
 میز محاکمه حاضر نمیشوند و بالجمله قرائت آنها برای سیاستمداران ولو نسبت بآنها
 تعرضی داشته باشد اسباب تفریح است • معروف است پوانکاره آن رجل بزرگ
 مملکت فرانسه سالن پذیرائی خود را بيك کلکسیون زینت داده است • این کلکسیون

عبارت از کاریکاتور هائیت که جراید فکاهی فرانسه از او منتشر ساخته اند. در شرق و ایران مخصوصاً افکار هنوز آشنا بطرز نگارشات جراید فکاهی نشده اند، جراید فکاهی با همه کس و با هر چیز شوخی میکنند. هر عیب و نقصی را که در مسائل اجتماعی و سیاسی احساس کنند آنرا مجسم میسازند. این نکته مورد توجه است که مندرجات جراید فکاهی ایران تا بحال تقریباً جدی بوده و با هر کس طرف بودند ضدیّت و با هر کس دوست بودند جدی حمایت میکردند در صورتیکه روزنامه فکاهی باید غیر از این باشد حقایق را بطور سربسته و تعریض بگوید بدون اینکه نسبت بیک شخص یا دسته هتاک کند.

پس از آنکه از مدیریت روزنامه مهم ایران بعلت مزاجی مستغنی شدم بعضی از رفقا اصرار در تاسیس شرکتی میکردند که من هم در آن عضویت داشته باشم ولی مطالعات من مرا معتقد کرده بود که هنوز موسم يك چنین اعتمادهای متقابلی نیست. در روزهای اولی که صحبت شرکت مطبوعات میشد مقرر گردید که هر کدام از رفقا امتیاز جدیدی بگیرند، در تحت این تأثیر منم امتیاز (امید فکاهی) را گرفتم. پس از اینکه برای من یقین حاصل شد که شرکت عملی نیست و از طرف دیگر انتشار يك چنین روزنامه که یقین دارم مورد رغبت عمومی خواهد بود بدیلاطلائی لزوم داشت تصمیم بانتشار آن گرفته شد و چون اداره کردن مندرجات يك روزنامه فکاهی از قدرت من خارج بود مدیریت آن را با آقای ابوالقاسم خان اردلان تفویض نمودم آقای اردلان شخصاً طرف اعتماد کامل من و اخلاقاً بسیار نجیب و دارای شرافت و هنوز در سیاست هیچگونه آلاچی پیدا نکرده است؛ نه با کسی دوستی دارد نه دشمنی، امیدوارم با اطلاع بروحیات او از عهده این وظیفه سنگینی که بایشان محول میکنم در مقابل وطن و ملت و تاریخ برآید. جمعه ۱۶ اسفند ۱۳۰۸

از مقاله مذکور تا اندازه بعلت انتشار و سبک مندرجات روزنامه امید پی برده میشود و معلوم میگردد اصولاً تاسیس روزنامه امید بعنوان فکاهی بوده است و بهمین مناسبت صفحه اول و ششم شماره اول منحصرأ بدرج کاریکاتور اختصاص داده شده، کاریکاتور صفحه اول عبارت از (لیره پهلوی) است که بصورت سر بازی درآمده و با نیزه به (لیره انگلیسی) حمله میکند. در بالای کاریکاتور اسم روزنامه (امید) با خط نسخ و در زیر آن جمله (جریده سیاسی؛ فکاهی، کاریکاتور) درج است. کاریکاتور صفحه ۶ صورت کنفرانس بحری لندن می باشد که مربوط بوقایع روز است. مندرجات شماره اول، پس از درج مقاله افتتاحی بعنوان (اظهار مرام) عبارت است از مقاله در باره روزنامه تویسی، مقاله بعنوان (نصیحت هم آمد و نیامد دارد)

بقلم مطیع الدوله حجازی؛ اشعاری بمنوان (ترك اشياء تجملی) اثر طبع روحانی و نیز چند مقاله و اشعار دیگری در آن درج است، شماره دوم امید در تاریخ ۲۴ اسفند از طبع خارج شده و مطالب آن نظیر شماره اول است، از شماره ششم کتاب (دوسیه نمره يك پلیس معروف امریکانات پنکر توت ترجمه عطاء الله دیبیمی) بمنوان پاورقی چاپ شده است

در شماره ۵۲ اعضاء و نویسندگان روزنامه امید بدینقسم معرفی شده و ضمنایک

عکس دسته جمعی نیز از آنها چاپ گردیده است: مسیواریس مدیر مطبعه تمدن (روزنامه در این مطبعه چاپ شده است) آقای صادقی نویسنده رضای شاهد کفاش شاعر، احمد سروری شاعر؛ روحانی شاعر، اتحاد صاحب امتیاز، ارژنگی رسام، انصاری نویسنده، نجاتی شاعر؛ شکیبی نویسنده، اردلان مدیر مسئول، پارسا دفتر دار، عباس نعمت گراور ساز، حریری نقاش. لازم است یاد آور شویم که پس از نشر چند شماره قسمت کاریکاتور از روزنامه حذف شده و بموض آن تصاویر کوچکی در



آقای اتحاد مدیر امید

بین صفحات چاپ شده است. سال اول امید با انتشار شماره ۵۲ خاتمه یافته ولی برای اینکه آغاز سال دوم با اول فروردین یکی باشد شماره ۵۳ را نیز بحساب سال اول گذاشته شده و بنابراین سال دوم از شماره ۵۴ شروع شده است. شماره اول سال سوم در اول فروردین ۱۳۱۱ شمسی چاپ و منتشر گردیده و خلاصه اینکه در دوره اول روزنامه امید مدت شش سال و نیم انتشار یافت و گرفتار سخت گیر بهای اداره سیاسی شهر بانی گردید و لذا از نشر آن خودداری شد. پس از مدتی دومرتبه شروع بانشر گذاشت و این بار نیز مدت ۹ ماه منتشر گردید و مجدداً در معلق تعطیل فرورفت تا اینکه دوره سوم آن، پس از قضایا و حوادث شهریور ۱۳۲۰ شمسی شروع گشت.

اولین شماره امید که پس از وقایع شهریور منتشر گردیده در تاریخ چهارشنبه هفدهم دیماه ۱۳۲۰ است که در هشت صفحه بقطع متوسط و با چاپ سر بی طبع و توزیع شده. در این نوبت صاحب امتیاز (اتحاد) و مدیر (دکتر شکیبی) و سردبیری (ن-تهامی)

معرفی گردیده . روزنامه دارای سرلوحه ایست که در آن فرشته آزادی نیزه بزرگی بدست گرفته و اهریمن ظلم و استبداد را بزیر پا لگد کوب میکند و نیزه را پشت او فرو میبرد . در پشت سر فرشته خورشید عدالت تابان و جهانیان را از پرتو نور خود روشن مینماید . این شماره روزنامه یعنی شماره اول دوره جدید آن عبارت از شماره ۳۲۲ سال دوازدهم روزنامه است . در این دوره نیز روزنامه دارای کاریکاتور و تصاویری است که منجمله کاریکاتور شماره اول بدین قرار می باشد که مختاری رئیس سابق کل شهربانی در وسط قبرستانی ایستاده و بیک دست خنجر خون آلود و از انگشتان دست دیگر او خون جاری است . در زیر پاهای مختاری کله های انسان گذاشته شده و کلاه دکتر ارانی از همه بزرگتر و واضح ترسیم شده . (این کاریکاتور اشاره بقضایای زندانی نمودن دکتر ارانی و دیگران است بجرم توطئه بلشویکی) در همین شماره تصاویر (سردار اسعد) و (نصرت الدوله در سمنان) و (فرخی مدیر طوفان) و (سید حسن مدرس هنگام نماز) و (ارباب کیخسرو) دیده میشود . در بالای کاریکاتور مذکور این شعر فردوسی بعنوان بیان حال مختاری چاپ گردیده :

بریدو دریدو شکست و به بست
 بریدو دریدو شکست و به بست
 در همین شماره اول دوره جدید عرخی بقلم (سید کاظم اتحاد) مدیر روزنامه تحت عنوان (ظلیمه امید) نوشته شده که چون بتاریخچه روزنامه کمک مینماید بنقل عین آن میادرت مینمایم :

« ظلیمه امید شکر خدا را که بیا فرصت داد برای بار سوم روزنامه امید را منتشر سازیم ؛ علت انتشار یک روزنامه سیاسی فکاهی از طرف من که دو دفعه مدیر روزنامه مهم پایتخت بوده ام احتراز از شرکت در اوضاعی بود که روز ۲۵ شهریور ماه ۳۲۰ خاتمه پیدا کرد . در عین حال توانستم از تمایل قلبی و وجدانی که نسبت به حرفه روزنامه نگاری خود داشتم خودداری کنم . تصمیم گرفتم روزنامه فکاهی امید را منتشر سازم تا مجبورم نسازند بر خلاف مصالح این ملت و افکار عمومی را اغفال نمایم . همینطور هم شد ؛ شش سال و نیم یکدفعه و ۹ ماه دفعه دیگر با ادامه انتشار این روزنامه که حقیقتاً مدرسه برای اصلاح اخلاق جامعه بود مفتخر بودم . تحمل مرارت ها ، نگرانیهای متمادی ، زحمات طاقت فرسا را در ادامه باین خدمت لازم دانستم . در مقابل هر نوع تهدید و مزاحمت پایداری کرده مرور بودم از اینکه سبک نگارش و اشعار و مطالب و کاریکاتورهای این روزنامه مورد پسند طبقات و مخصوصاً عوام از آن استفاده مینمایند . متأسفانه توسیع نفوذ روز افزون سابق و فشار تحمل فرسای شهربانی سابق و مأمورین سانسور آن مجال ادامه این خدمت کوچک را که در

مقابل جامعه بگردن گرفته بودم ازم سلب نموده دست سپاهی که گلوی آزادی را فشار میداد این صدای ملی را در دو دغه خفه ساخت . صورتنا چون روز نامه امید طرف توجه همومی بود و تقصیری نداشت توقیف نگردید و لی هر دو دغه که می خواستند دیگر روزنامه ما منتشر نشود از پس دادن اخباری که برای ملاحظه سانسور فرستاده می شد خودداری کردند و بالنتیجه روزنامه نتوانست منتشر شود خدای را سپاس گزاریم که آندوره شوم سپری شد . و خورشید آزادی آسمان طالع این ملت کهن سال درخشیدن گرفت و قلب افروخته و مایوس مرا روشن کرد دیگر کسی نمی تواند مندرجات این روزنامه را بر خلاف ظاهر آن تعبیر کند زیرا احتیاجی بدورویی باقی نمانده و هیچ چشم بیگانه نمیتواند اخبار روزنامه را خوب و بد بمیل خود تفسیر نماید .

این دغه نیز روزنامه مدتی منتشر میشد و بعد تعطیل گردید . در خاتمه لازم است از یک روزنامه امید دیگری که پس از شهرپور منتشر شده و ما از آن در ذیل این کتاب گفتگو خواهیم کرد ، نام بیریم . این روزنامه بصاحب امتیازی ابوالقاسم امینی ؛ پسر فخرالدوله ؛ و مدیری نصرالله فلسفی ، استاد دانشگاه ، در طهران تاسیس شده و مدتی با سبک بسیار مطلوب و مطالب مفهومی انتشار یافته . اکنون این روزنامی نیز مدتی است تعطیل شده است . آبونمانت روزنامه امید در دوره اول یکساله داخله ۵۰ قران ، شش ماهه ۲۵ قران ؛ خارجه یک لیره و نیم لیره . نمره هشت شاهی ، در دوره ها بعد سالیانه ۶۰ ریال ، ششماهه ۴۰ ریال تک نمره یک ریال . روزنامه امید تنها روزنامه فکاهی است که برای مدتی هفته یکبار مرتباً انتشار یافته است .

(۲۱۳) امید اسلام

در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۰۶ شمسی امتیاز مجله امید اسلام در رشت به مدیری (غلام حسین خان ضرابی) از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۲۱۴) امید ترقی

روزنامه امید ترقی در سال ۱۳۲۹ قمری در شهر رشت منتشر شده . برون در کتاب مطبوعات خود مینویسد س ۴۶ من یک نسخه از این روزنامه را که مورخ بتاریخ ۲۹ جمادی الاول ۱۳۲۹ قمریست در دست دارم . این شماره در عیش صفحه قطع ۶ و نیم در ۱۲ و نیم سانتیمتر است و قیمت هر شماره آن یک شاهی مین شده است . در این روزنامه عواید و مضارح تأثرهایی که در رشت داده میشود چاپ شده است .

(۲۱۵) انادیلی

روزنامه انادیلی در شهر تبریز بمدیری سید حسین عدالت بزبان ترکی تاسیس و در سال ۱۲۸۷ شمسی منتشر شده است . انادیلی دوچند صفحه کوچک ، درایامیکه در تبریز برای دریافت مشروطیت جنگ شدت ادامه داشت ، طبع و توزیع گردید . و پس از نشر چند شماره تعطیل شده است .

کسروی در جلد دوم تاریخ مشروطه ایران ص ۳۹۰ مینویسد : « در تبریز در این دوره (۱) برخی روزنامه هائی بترکی نیز بیرون آمد ولی هر کدام پیش از چند شماره نیائید . کسانی میگفتند چون تبریزیان ترک زبانند روزنامه را بترکی بهتر می فهمند و یکی میخوانند و دیگران گوش میدهند ولی امتحان بعکس آن را نشان داد . بنام ترین این روزنامه انادیلی بود که سید حسین خان مدیر عدالت در چند صفحه کوچک مینوشت . روزنامه ملا علی هم بترکی بود :

سید حسین عدالت ناشر روزنامه های انادیلی ، الحدید ؛ عدالت از پیشقدمان و آزادیخواهان معروف و در اوائل مشروطیت دوشادوش طباطبائی و دیگران پیش میرفت وی از طرفداران جدی آزادی زنان و چون مدتی در روسیه زندگی کرد . بود ، پس از مراجعت بایران . می خواست زنان کشور او نیز مانند زنان ار و پائی آزاد و بی حجاب زندگی نمایند و از این جهت در روزنامه هائی که در آغاز مشروطیت در تبریز منتشر می نمود سخنی از آزادی زنان بیان آورد و این بود که با همه خدماتی که به پیشرفت مشروطه کرده بود ، خود مشروطه خواهان بازار او پرداخته و او را از تبریز اخراج کردند . سید حسین خان بطهران گریزان شد و در آن جا نیز از عقاید خود در طرفداری از مدارس دخترانه دست برنداشت و چندین سال هم مدیر و معلم مدارس طهران بود . در اواخر عمر مانند سایر پاك دامنان و وطن بدون ثروت و مال ؛ در خدمت وزارت معارف عمر خود را بسر میبرد . ز تالیفات نامبرده کتابی است بنام (خواب و خیال) که در آن از مشروطیت تمدن و ترقی و مظالم استبداد و ریاکاری ها و عوام فریبی هائی را که مصنف در خواب دیده برشته تحریر در آورده است . کتاب مذکور در ۷۸ صفحه خشتی چاپ شده است .

(۲۱۶) انتباه

روزنامه انتباه در شهر کربلا بمدیری (میرزا علی آقا شیرازی) مدیر روزنامه

(۱) منظور سال ۱۲۸۷ شمسی است که در تبریز کشمکش و جنگ های

بین مشروطه طلبان و مستبدین شدت ادامه داشته است .

مظفري تاسيس و در سال ۱۳۳۳ قمری ۲۱ شماره از آن منتشر شد . است . پس
از نشر تعداد مذکور نام روزنامه عوض شده و باسم (حقایق) سه شماره و شماره چهارم
بنام (انتقام) انتشار یافته است .

(۲۱۷) انتقاد

در سال ۱۳۰۱ شمسی روزنامه انتقاد بطور هفتگی در طهران تاسيس و منتشر
شده است .

(۲۱۸) انتقام

میرزا علی آقا ملقب به لیبب ال ملک مدیر روزنامه مظفري منطبقه بوشهر ،
پس از توقیف روزنامه و تبعید از شهر مذکور در سال ۱۳۳۲ قمری ، بعد از چند ماه
سرگردانی در بصره باز بغیال مراجعت ببوشهر می افتد ولی این بار نیز حکومت
بوشهر و دولت ایران اجازه ورود باو نمیدهند . بدین قسم که مدیر مظفري شرحی
راجع بورود خود بایران به حکومت بوشهر مینویسد و کسب اجازه مینماید حکومت
بوشهر جواب میدهد باید از قنصل انگلیس در بوشهر طلب اجازه نمائید ، مدیر
مظفري با قنصل انگلیس مکاتبه می کند و بالاخره جواب میشود که برای ورود بایران
باید پنج هزار روپیه در بانک شاهنشاهی بود یه بگذارید که اگر روزی برضد
سیاست انگلیس و مصالح انگلیسها چیزی نوشته شد به ۵ هزار روپیه حتی نداشته
باشید . مدیر مظفري قسم یاد می کند که تا مادامی که زنده هستم اصلا دیگر قلم روی
کاغذ نخواهم گذاشت چه رسد بروزنامه نویسی و برضد مصالح انگلستان چیز نوشتن
قنصل انگلیس باین حرفها گوش نمیدهد و ورود مظفري را بایران فقط بسپردن
پنج هزار روپیه محول مینماید . مدیر مظفري پس از یاس از آمدن بایران درصدد
برمی آید منطبقه در کربلا دائر نماید و بالاخره در سال ۱۳۳۳ قمری بکمک فرزندش
منطبقه بنام (منطبقه حسینی) در کربلا تاسيس میکنند .

تا اینجا مقدمه بود برای اینکه بیچه هلت و برای چه مدیر روزنامه مظفري از
بوشهر بکربلا عزیمت نمود . اکنون دنباله اصل مطلب را گرفته و بذکر چگونگی
تاسيس روزنامه انتقام در کربلا میپردازیم :

مدیر مظفري بهین اندازه قناعت ننموده بلکه برای گرفتن انتقام از انگلیسها
در کربلا روزنامه ای بنام روزنامه (انتقام) تاسيس و منتشر مینماید و شاید هلت انتخاب
اسم (انتقام) برای روزنامه بجهت مذکور بوده است .

روزنامه انتقام

بیشتر منظور مدیرمظفری از تاسیس این روزنامه تحریک ایرانیان و اعراب مقیم کربلا برضد سیاست انگلیس و روس در ایران بوده و ضمناً درصدد بوده است از اینراه ایرانیان را بطرفداری از آلمان و دولت عثمانی وادار کند و بهمین مناسبت بیشتر مندرجات روزنامه انتقام در باره فتوحات آلمان و عثمانی و شکست‌های انگلیس در جنگ بین‌الملل اول است .

روزنامه انتقام چنانچه اشاره شد در کربلای معلی تاسیس شده و عنوان تلگرافات و مراسلات آن (کربلا . مطبعه حسینی) است - در عنوان روزنامه مطالب و جملات زیادی بخط ریز بزبان فارسی و عربی نوشته شده از قبیل: و ماتوفیقی الا بالله العلی‌العظیم و نیز در زیر کلمه انتقام (اسم روزنامه) این آیات از قرآن درج است: یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم . آیه دیگر: یا ایها الذین امنوا لم تقولون مالا تفلون و اعدو لهم ما استطعتم .

در زیر آیات مذکور این چند جمله بفارسی درج است: « ای مسلمانان! ای مؤمنان بکتاب‌الله، ای دینداران؛ ای ایرانیان غیرتمند. الله الله بالاسلام، الله الله بالدين الله الله بالوطن، الله الله بالامه، الله الله بالناموس والعصه . اللهم انا نشکوا فقد نبینا و غیبة ولینا و کثرة عدونا » قیمت اشتراك سالانه و ششماهه روزنامه بدین قسم تعیین شده است:

« يك جو ملاحظه، يك ذره غیرت و ابراز هنر در اخذ انتقام از دشمنان دین و حفظ اسلام و شاهنشاهی ایران زمین که مربوط بروسا و مشایخ و خوانین است . » سه ماهه، تک نمره: « فریب نخوردن افراد مات ز دسایس بعضی وزراء و رجال و حکام و مامورین خائن و وطن فروش که دستیاران و کارکنان متجاوزین خارجه لاسیما جادوگران انگلیس اند » در خارجه: « بانضمام خرج پست یا فی الجمله قدردانی . یا غیرتمندان بصیر ولو بندریه مکاتبات شخصی هم باشد اولیای امور را متذکر شوند که نترسند . »

در باره طرز انتشار روزنامه چیزی نوشته نشده و فقط نوشته است، « این ورقه موقتا طبع میشود فقط بامید ایقاظ و اتباه کافه مسلمانان دنیا » شماره نمونه انتقام که شماره چهارآنست در هشت صفحه بقطع کوچک خستی باخط نسخ ریز و باچاپ سنگی طبع گردیده و در هیچ کجای آن نام ناظر و نویسنده قید نکر دیده و نیز روز انتشار روزنامه معین نشده و فقط سال انتشار ۱۳۳۳ در زیر اسم روزنامه درج است

راجع بملت پیدایش و انتشار و هم چنین مندرجات روز نامه شرحی بعنوان (اعلام) ذکر شده که عینا نقل میگردد : « چون هم وطنان شهر نشین خاصه بعضی وزراء و رجال و امراء و حکام و مامورین و علما و اشراف و تجار و اعیان با عز و تمکین هریک در مورد خود و علی قدر مراتبهم در ظرف چندین سال امتحانات خود را در کفر پرستی لاسبما در مساعدت بمتجاوزین روس و انگلیس داده اند ، لذا روی سخن ما در این شماره بغیرتمندان دیندار از اهالی دهات و قصبات و بلوکات و ایلات و عشایر است . طلسم سحر و جادوگری متجاوزین اجنبی که ممالک اسلامیه را اشغال کرده بودند خاصه قلمه های موهوم انگلیس و روس بقوه آهنهای سوزناک و ناله های سحرگاهان مظلومین (که بقدرت الله صورت توپهای ۴۲ سانتیمتری دولت قویشوکت فغیمه آلمان را پیدا کرده است) شکست و بعالمیان ثابت شد که آن همه قوت و قدرتی را که خائنین وطن فروش داخلی نامسلمان اسباب ترس خود و مرعوبیت ماملت فلک زده قرار داده بودند نبود جز بقوه واهمه و خواب یا خیال- بهمین سبب این ورقه انتقام سخن میراند از وقایع ماضیه و حالیه که غیرتمندان دیندار و وطن خواهان بیدار هشیار شده در اخذ انتقام ب فکر آتیه خود باشند . »

مندرجات روزنامه بطور کلی عبارت است از ذکر فجایع روس و انگلیس و مخصوصا انگلیسها . سرمقاله شماره نمونه بدینقسم شروع میگردد : (ای مسلمانان بیدار شوید ، در شماره سیم حقایق ۰۰۰ »

لازم است یاد آور شویم که شماره نمونه که شماره چهارم می باشد ؛ و در حقیقت شماره اول انتقام است ، و سه شماره قبل آن بنام (حقایق) انتشار یافته ، چنانچه قبل از انتشار سه شماره بنام مذکور ؛ ۲۱ شماره بنام (انتباه) نشر شده است و این مطلب را در سرلوحه روزنامه بدینقسم بیان گردیده : « عطف بشماره های الی ۲۱ انتباه و سیم حقایق » که همانطور که یاد آور شدیم قبل از انتشار شماره مذکور ، سه شماره با اسم حقایق و ۱۱ شماره بنام (انتباه) منتشر گردید . است و ظاهرا علت تغییر نام توقیفهای متوالی بوده که از روزنامه بعمل آمده است . مدیر مظفری ، پس از تعطیل انتقام ، در سال ۱۳۳۴ قمری ، در کربلا روز نامه دیگری بنام (غیرت) انتشار داده که خصوصیات آن را در محل خود یاد آور میشویم .

میرزا علی آقا ؛ مدیر روزنامه مظفری و انتقام و غیرت و غیره ، پس از تحمل مشقات فراوان بالاخره در سال ۱۳۳۷ قمری در کربلا فوت نمود ولی آثار قلمی خود را در اوراق جراید باقی گذاشت و خدمات گرانپهائی که در راه آزادی نمود نام او را برای همیشه مغلط ساخت . شرح احوال این مدیر روشن ضمیر را در حرف میم کتاب در ذیل کلمه (مظفری) بتفصیل ذکر خواهیم کرد .

(۲۱۹) انتقام

در ماه صفر ۱۳۳۴ قمری روزنامه انتقام در شهر شیراز ، بمديريت آقای میرزا محمد حسن (ناصر الاسلام) و سردبيري آقای امير شا (آقا صوفي) انتشار یافته است .

(۲۲۰) انجمن

روزنامه انجمن منتشر در تبریز در بدو تاسيس بنام (روز نامه مجلس ملي تبریز) در غره رمضان ۱۳۲۴ قمری ، روی نیم ورق انتشار یافته و این اولین روز نامه بوده است که در تبریز پس از اعلان مشروطيت نشر شده . بنا بتصريح مرحوم تربيت در فهرست روزنامه های آذربایجان : « چون کلمه مجلس مناسب نبود » برحسب پیشنهاد مشارالیه شماره مذکور منتشر نگردیده و بجای آن در همان روز شماره دیگری بعنوان روزنامه ملي چاپ و منتشر شده و پس از مدت کمی تبدیل اسم داده بجزیده ملي موسوم گردیده و بعد از مدتی بنام انجمن شروع بانشارنموده است . اول دفعه یعنی شماره اولی که روزنامه باین اسم انتشار پیدا کرده در رجب المرجب ۱۳۲۵ قمری است . که هر دو روز بگبار با چاپ سربی و پس از غارت چا پغما ، با چاپ سنگی چاپ و منتشر شده و قریب چهار سال دوام کرده است . مدیریت روز نامه بمعهد دو نفر آقایان سید علی اکبر ، از خانواده وکیلی و غنی زاده معروف بوده است .

کسروی در جلد اول تاریخ مشروطه ایران صفحه ۳۷۰ در باره این روز نامه مینویسد: « پس از داده عدت مشروطه ، نخستین روزنامه در تبریز پدید آمد . کوشندگان تبریز که انجمن را برپا کردند برای نوشتن کارهای آن نیز روز نامه پدید آوردند که تادیری « روزنامه ملي » نامیده میشد و سپس نام « روز نامه انجمن » پیدا کرد . « چنانچه از نوشته کسروی وهم چنین از يك سطرى كه برای معرفی روزنامه در زیر عنوان آن نوشته شده محقق میدارد که تاسيس و نشر روز نامه انجمن بمنظور اشاعه مذاکرات و صورت جلسات انجمن تبریز بوده است . البته مطالب و لوايح و اخبار دیگر نیز در آن درج میشده ولی قسمت عمده منظور از تاسيس آن چاپ مذاکرات انجمن است . و این یکی از کارهای خوب انجمن های ایالتی و ولایتی آغاز مشروطيت بوده که در هر شهری جداگانه روز نامه تاسيس می نموده اند . پر واضح است که این عمل در شهرها ئی که مرکز انقلاب بوده انجام میگرفته چنانچه در تبریز همین روزنامه انجمن و در اصفهان روزنامه انجمن اصفهان و در گیلان (انجمن ولایتی گیلان) نشر شده است و ما در محل خود از يك يك

این روزنامه ها گفتگو خواهیم کرد .

روزنامه انجمن تبریز در زیر عنوان «بنقسم معرفی شده است:» در روزنامه است منسوب بانجمن مقدس ایالتی که از وقایع اتفاقیه تبریز و سایر بلاد آذربایجان و ایران در نهایت آزادی سخن میراند . مکاتب و لوایح را در صورت موافقت بامسلك خود و با امضاء معروف اداره باکمال امتنان پذیرفته و درج مینماید .»

در سراسر روزنامه شیروخورشیدی که در زیر آن اسم روزنامه (انجمن تبریز) چاپ شده دیده میشود و شاید علت چاپ شیروخورشید که علامت رسمی دولت است بدان مناسبت باشد که انجمن خود را نماینده دولت و جانشین آن میدانسته و بهمین جهت هم زمام امور را بدست گرفته بوده است . قیمت اشتراك روزنامه سالیانه یکصد نسخه آن در تبریز يك تومان ؛ ممالک داخله پانزده قران ، روسیه ۴ منات اروپا و ترکیه ۱۰ فرانک . يك نمره در تبریز یکصد دینار .

انتشار روزنامه انجمن تا موقع سختی کارنان و شوریدگی اوضاع تبریز و تاسیس انجمن اسلامی بدست مخالفین مشروطه ، همچنان ادامه داشت و در این هنگام که تمام روزنامه های تبریز تعطیل شد و چاپخانه ها بسته گردیدند روزنامه انجمن تبریز منتشر نگردیده در تبریز يك مطبعه سربی بزرگی وجود داشته که ظاهراً آنرا سعید سلماسی تاسیس کرده بوده و بنا بگفته مرحوم کسروی این چاپخانه نیز روز تاراج مفازهای مجیدالملک بدست سواران قره داغ و مرند غارت گردید و آن را بهم زدند .

در شماره دوم روزنامه که پس از این حوادث منتشر شده و آنرا شماره دوم سال سوم روزنامه ضبط کرده ، بعنوان (اعتذار) از اینکه چرا روزنامه با چاپ سنگی منتشر شده مینویسد : « چون مطبعه سربی مخصوص که می باید روزنامه در آن چاپ شود در جزو قسمت عمده شهر تبریز بدست اشرار و سواران رحیم خان و شجاع نظام غارت شد لذا تا وقتی که مطبعه دائرنشود این روزنامه در مطبعه سنگی چاپ خواهد شد» این شماره دوم در تاریخ غره شعبان چنانکه شماره اول در ۲۸ رجب المرجب و شماره چهارم در دهم شعبان چاپ و منتشر شده . در نمره ۱۷ سال سوم با اعلانی راجع بمطبعه روزنامه نموده بدین قرار که هر کس بقایای مطبعه سربی (امید ترقی) را که غارت شده و در دست اشرار افتاده بدست آورد و با خبری از آنها دهد حق الزحمه دریافت خواهد نمود چه مطبعه سربی برای استیفای حقوق بازگرفته ایرانیان لازم است و اعضای انجمن ولایتی میخواهند از نو آن مطبعه را دایر کنند .

شرح مذکور میرساند که مطبعه قبلی روزنامه موسوم به (امید ترقی) بوده است . مندرجات روزنامه انجمن تبریز مانند سایر جراید بیکه باین نام در ولایات منتشر شده

بیشتر مربوط بمذاکرات انجمن است و در شماره اول سال سوم پس از درج مقاله تحت عنوان (اجمال احوال) صورت لایحه که از طرف انجمن و مردم تبریز بحضور (شاهزاده عین الدوله) نوشته شده درج است . برای اطلاع از تاریخ آغاز مشروطیت در آذربایجان و خدماتی که انجمن ولایتی تبریز نموده ، روزنامه انجمن یکی از مدارک مهم است .

در بعضی از شماره ها فهرست مطالب مندرجه در ستون اول چاپ شده است . از این روزنامه تا نمره ۱۸ سال سوم مورخ دهم شوال ۱۳۲۶ قمری در دست است . همانقسم که قبلا یادآور شدیم مدیر و نویسنده روزنامه انجمن تبریز دونفر بنام غنی زاده و میرزا علی اکبر و کیلی بوده اند . کسروی درجائیکه از روزنامه های تبریز گفتگو کرده و از روزنامه انجمن تبریز نام میبرد ، در دنباله آن مینویسد : « این نامه را میرزا علی اکبر خان ، از خانواده و کیلی مینوشت و با آنکه جز بکارهای انجمن و پیش آمدهای آذر بایجان نمیپرداخت و خود بلابان ساده نوشته شده و بروی سنک چاپ مییافت ، (تمام شماره ها اینطور نبوده است مولف) یکی از سودمند ترین روزنامه های آن زمان است . و ما در این کتاب خیلی از آن برداشته ایم (۱) » سپس کسروی یاد آور میشود که در پیش آمد قراچین بنویسنده روزنامه دستور داده بودند که پرده پوشی کند و اسمی از آن نبرد ؛ و کیلی نیز بناچار پرده پوشی کرده ولی بعد در یکی از شماره های روزنامه دلتنگی خود را بیان میکند . روزنامه انجمن معمولا در چهار صفحه بقطع ۶ و نیم در ۱۲ و باخط نسخ شفاف انتشار یافته و شماره ۴۴ سال اول آن مورخ بتاریخ چهارم محرم ۱۳۲۵ قمریست

(۲۲۱) انجمن ادبی آذربایجان

مجله انجمن ادبی آذربایجان در سال ۱۳۱۳ شمسی در شهر تبریز تاسیس و منتشر شده است .

(۲۲۲) انجمن اصفهان

روزنامه انجمن اصفهان که در سال دوم بنام (انجمن مقدس ملی اصفهان) و (انجمن مقدس ولایتی اصفهان) و در سال سوم و چهارم منحصرا بنام (انجمن اصفهان) موسوم گردیده در شهر اصفهان بمدیر (آقا سراج الدین صدر جبل عاملی موسوی) و دبیری (نجم الواعظین موسوی) در سال ۱۳۲۴ قمری تاسیس و شماره اول آن

در تاریخ یکشنبه ۲۱ ذیحده ۱۳۲۴ قمری مطابق ۱۶ ژانویه ۱۹۰۶ میلادی، در چهار صفحه بلچاپ سنگی منتشر شده است در شماره های اولیه مدیر کل (آقا سرلجالدین صدو جبل عاملی الموسوی) و دبیر اداره (میرزا محمد علی علم) و ناظم و تعویلات آقا میرزا محمد سعید نائینی مدیر مطبوعه سعادت معرفی شده و مقاله افتتاحی آن بدینمضمون شروع میگردد: « از آنرو که این جریده بنام نامی و اسم گرامی انجمن شورایی اصفهان نامیده میشود انشاءالله در ابتدا لازم آمد لفظ مجلس را در اصطلاح و عرف متمدنین ترجمه شود تا قرائت کنندگان در باره منبع خیر و معدن صلاح و ثروت و همت و استقلال خود بقدر مبسوط معرفی حاصل نمایند ۲۰۰۰ شماره دوم روزنامه باهمان قطع و چاپ شماره اول در تاریخ یکشنبه ۲۸ ذیحده سال مذکور منتشر گردیده است .

روزنامه انجمن در سالهای اول و دوم بقط نستعلیق و در سنوات بعد بقط نسخ و معمولا از هشت تا چهار صفحه بقطع ۸ و نیم در ۱۲ و نیم چاپ گردیده و طرز انتشار آن هفتگی است یعنی روز جمعه طبع و روز شنبه منتشر میشده است . اسم روزنامه بقط نستعلیق درشت و خصوصیات دیگر آن در دو طرف نام روزنامه چاپ شده . در زیر عنوان ، در زیر عنوان در ضمن يك سطر روزنامه انجمن بدین قسم معرفی شده : « جریده ایست آزاد از منافع عامه و سیاسیه دولت و ملت و مذاکرات انجمن مقدس ملی اصفهان و لوائح و مقالات مفیده درج میشود » خصوصیات و روزنامه بدین قرار است : اداره مرکزی ، اصفهان ، بازارچه حضرت امام زاده احمد ع . عنوان مراسلات بازارچه امام زاده احمد . مراسلات بدون امضا کافی نیست . وجه اشتراك پس از ارسال سه نسخه مطالبه میشود . قیمت اشتراك : اصفهان سالیانه دو تومان . سایر بلاد ایران ۲۵ قران ، بلاد خارجه سه تومان . قیمت يك نسخه شش شاهی . قیمت اعلانات سطری يك قران .

مندرجات روزنامه در درجه اول یعنی در صفحات اول هر شماره عبارت از مذاکرات انجمن ملی اصفهان است که مرتباً تمام مذاکرات بنام اشخاص ضبط شده و چون گاهی در هفته دو سه مرتبه انجمن تشکیل میشده لذا بعضی از شماره های روزنامه منحصراً مذاکرات انجمن چاپ شده است . در حقیقت روزنامه انجمن ارکان انجمن ولایتی اصفهان بوده و تاسیس روزنامه بمنظور چاپ صورت مذاکرات انجمن بوده و پس از ختم مذاکرات انجمن ، مقالات دیگر و اخبار شهری چاپ شده است . انجمن ملی اصفهان - از آغاز مشروطیت ایران ، مردم اصفهان نیز مانند سایر شهرهای ایران بنام پشتیبانی و طرفداری از اساس مشروطیت و اجرای کامل قوانین آن

انجمن ملی دارای نظامنامه و اساسنامه ای بوده که اعضا موظف بر هایت آن بوده اند و نیز انجمن همه هفته مرتباً جلسات خود را در چهلستون تشکیل میدهد و در اطراف تلگرافات و تظلمات و قوانین رژیم جدید گفتگو میگرداند و از همین جا روزنامه انجمن پدید آمده است زیرا برای اطلاع عموم از مذاکرات و نتیجه گفتگوها، انجمن خود را ناچار بتاسیس روزنامه دیده است و این کار بهمه یکی از اعضاء انجمن بنام آقاسراج الدین صدرعاملی واگذار گردیده است.

برای اطلاع خوانندگان از نوع مذاکرات انجمن قسمتی از این مذاکرات را که مربوط بجلسه چهارشنبه پنجم ذیقعدة ۱۳۲۵ قمریست بقل از شماره اول سال دوم روزنامه انجمن ذیلا می آوریم :

« تقة الاسلام - در تلگرافخانه شهرت داده اند که تلگرافی از طهران شده بود چون انجمن ولاجی نوشته بودند اعتنائی نکرده اند و انداخته اند این چند قدم فاصله این قدر اشتباه کاری میشود ، آیا از شهر بشهر چه قدر باعث مفسده میگردند . از انجمن امر باخضار فراش تلگرافخانه شد هر چه از او سوال کردند جواب صحیح نداد ، بعد بنا شد تحقیق کامل بشود که مایه این کذب و بهتان که بوده است . تقة الاسلام پاکتی که مهور بلاک بود ارائه نمودند که این وصیت نامه من است سبزه که در دفتر انجمن ضبط باشد و پس از آنکه مرغ روح از شاخسار بدن پرواز نموده در حضور اعضاء انجمن بکشایند و بر حسب وصایای مقرره جدا رفتار نمایند . از طرف ایالت کبری دامت شوکته اظهار نمودند در صورتی که اهالی کرون حرارت را بجائی رسانند که سرداری حاکم را کنند و او را بیرون کرده و از دادن مالیات امتناع داشته باشند باز هم تسامح روا است و این سرکشی بدون توپ و سرباز فیصله می یابد . تقة الاسلام تکلیف چیست مترسم اشارت فرماری شوند و بی گناهان گرفتار و مقتول گردند . مصلح السلطنه این وقتن توپ و سرباز تا دوشنبه طول میکشد »

شماره اول سال دوم روزنامه انجمن در تاریخ هنبه ۱۵ ذیقعدة ۱۳۲۵ قمری مطابق ۱۲۸۶ شمسی انتشار یافته و از این شماره روزنامه دارای باورقی شده و از همان صیفه اول باورقی روزنامه با مقدمه زیر شروع گردیده است : « انجمن چون سال دوم جرییده است و گذیشته آنچه بود بمیامن و توجهات امام عصر عجل الله فرجه بخوبی گذشت خواه خوب خواه بد خواه زشت خواه زیبا خواه نفع خواه ضرر بمضمون لکل جدید لئه که تقویم یارینه ناید بکار فقط برای آگاهی و استحضار اهالی وطن عزیز شروع در طرح جدید وسبک و اسلوب تازه مینماییم و حکایت غریبه وقصه جنک امبراطور ژاپون و روس را مینگاریم که صاحبان ذهن سلیم و وجدان مستقیم متذکر

حرف الف بعده التون

انجمن اصفهان

گردند که چه شد آن دولت قویه روس با آن استیلاء مقهور دولت امپراطور ژاپن که ابدادر شماره دول حیه محسوب نبود باندک زمان و قلیل مدت گردیده تا آنکه برادران وطنیه ما بیابند که علت قهر و غلبه و بر پا داشتن لواء شرف بکثرت جنود و عساکر تنها نیست رموز بسیار و معادات بی شمار دارد که اولاً واضح گردد که امروز فتح و غلبه و شرافت بسته بعلم و کار و تدبیر و مشق نظامی و علم بمواقف است ۴۰۰۰

مندرجات روزنامه در سال دوم و سوم و چهارم و پنجم نیز مانند سال اول و مذاکرات انجمن ولایتی اصفهان در آن درج است . در این سنوات نیز روزنامه هفتگی بوده و مرتباً همه هفته منتشر میشده و در سبک و قطع روزنامه تفاوتی پیدا نشده . تنها تغییر مهم چاپ روزنامه است که بعوض چاپ سنگی از سال سوم بیعد روزنامه با حروف سربی طبع گردیده . مطبعه سربی که روزنامه در آن بطبع میرسیده موسوم بمطبعه (ترقی خواهان) بوده است . علاوه بر این در سال پنجم مقالات مختلف بعنوان (تمدن) و عدالت و این قبیل مطالب بیشتر صفحات روزنامه را گرفته ، تعداد صفحات از ۴ تا هشت صفحه بقطع و زبری تغییر پیدا میکرده و غالباً در هشت صفحه منتشر میشده است . مجموعه کاملی از روزنامه انجمن اصفهان نگارنده دارد که آخرین شماره

این مجموعه شماره ۱۳ سال پنجم روزنامه و مورخ بتاریخ ۵ شنبه ۸ شهر ذیحجه ۱۳۲۹ قمری و آخر نوامبر ۱۹۱۱ می باشد و بقئیده نگارنده روزنامه انجمن بسال پنجم خاتمه پیدا کرده است .



آقاسراج الدین صدر عاملی

روزنامه انجمن و شرکت در تاسیس و پیشرفت امور انجمنهای ایالتی و ولایتی در

اصفهان خدمات مهمی نموده است . وی در سال ۱۲۵۲ بدنيا آمده و در سال ۱۳۱۴ شمسی در اصفهان از این جهان رخت بر بسته . جنازه او با تجلیل و اکرام تمام بتخت فولاد حمل و نزدیک تکیه مادرشاه دفن گردیده است . از مرحوم آقا سراج بستگانی باقیمانده که معروف بصدرعاملی میباشد

(۲۲۳) انجمن اصناف

روزنامه انجمن اصناف بمديري (سيد مصطفی طهرانی) بطور هفتگی در طهران تاسیس . و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . شماره سوم روزنامه در تاریخ هشتم شهر رمضان سال مذکور انتشار یافته و این شماره در چهار صفحه بقطع ۸٫۵ در ۱۴٫۵ سانتیمتر است . وجه اشتراك در طهران ده قران و در ممالک خارجه ۵ فرانك است . این روزنامه از انتشارات انجمن اصناف بوده و برون در کتاب مطبوعات (ص ۶۸) مینویسد شماره دیگر و یا يك در میان از این روزنامه بنام (با مداد) منتشر شده است .

(۲۲۴) انجمن بلديه

روزنامه انجمن بلديه در شهر اصفهان بمديري (آقا میرزا نورالدین مجلسی) تاسیس و در رمضان ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . روزنامه انجمن بلديه در ابتدا بنام (فرج بعد از شدت) موسوم بوده و پس از نشره شماره بنام مذکور ؛ از شماره چهارم ؛ بمناسبت تاسیس انجمن بلديه در اصفهان . باین اسم موسوم گردیده است . بنا بر این نمره چهارم فرج بعد از شدت ، عبارت از (انجمن بلديه) میباشد . در نمره چهارم نیز در عنوان روزنامه تنها باسم (انجمن بلديه) قناعت نشده و اسم روزنامه بدینقلم چاپ گردیده . (انجمن بلديه . فرج بعد از شدت) و لی از نمره ششم دیگر اسم فرج بعد از شدت در بین نیست و منحصر نام روزنامه (انجمن بلديه) قید گردیده است . در باره تغییر نام روزنامه از فرج بعد از شدت باسم (انجمن بلديه) شرحی در سرمقاله نمره چهارم مورخ شهر رمضان ۱۳۲۵ قمری ذکر شده که برای اطلاع خوانندگان عین آن را ذیلا نقل میکنیم .

چون این جریده ابتدا باسم فرج بعد از شدت موسوم شد و بعد از به طبع رسیدن نمره اول آن انجمن مقدس بلديه اصفهان بکوری چشم دشمنان و مستبدان برپا شد و چون این بنده عضویت در آن انجمن داشتم اعضای انجمن مقدس که تمام از علما و از بزرگان و اعیان و اشراف می باشند و همچنین رئیس انجمن مقدس آقای وثیق الملك تکلیف فرمودند که چون از این تاریخ بیعد این انجمن مقدس لا بد باید جریده مخصوصی داشته باشد که آن چه مذاکره میشود همه روزه در انجمن در آف

حرف الف بعده التون

انجمن بلديه

جریده درج شود لهذا بهتر این است که این جریده موسوم بانجمن بلديه شود از این جهت اسم آن را انجمن بلديه قرار دادیم و آنچه راجع بابادی ممالکت و ترقی ملت است باسم فرج بعد از شدت درج شود لهذا ابتدا میکنیم بمذاکرات انجمن بلديه روز سه شنبه سلخ شعبان . . .

از مقاله مذکور معلوم میشود علت آنکه روز نامه بهر دو نام یعنی انجمن بلديه و فرج بعد از شدت موسوم غده برای این بوده است که در روزنامه ابتدا مذاکرات انجمن بلديه و بعد مطالب دیگر چاپ میشده ولی همان قسم که یاد آور شدیم این وضع بیش از دو شماره ادامه پیدا نکرده و از نمره ششم روزنامه منحصر باسم (انجمن بلديه) منتشر گردیده است . نمره ششم نیز در شهر رمضان ۱۳۲۵ قمری بدو ن ذکر تاریخ روز انتشار چاپ شده و سرمقاله آن بدین قسم شروع میگردد : « بازی بقال بازی سر خوانچه . بخاطر دارم در زمان طفولیت خانه یکی از اعیان عروسی بود و این بنده را یکی از خویشان برای تماشا بدانجا برد دیدم اول يك خوانچه آوردند

موازل

ناله

نفر ششم

و گذاشتند دو نفر که خود را بشکل مضحکی ساخته بودند که یکی از آنها اسمش رشکی و دیگری اسمش ماسی بود آمدند و ایستادند . روزنامه انجمن بلديه با چاپ سنگی و خط نستعلیق ، در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ چاپ هفته يك نمره که ماهی چهار نمره باشد منتشر میشده ؛ معجل طبع آن در مطبعه فرهنگ واقع در بازار سراجها ؛ جنب بانك

<p>در بزرگ روز</p> <p>سالیانه در اصفهان شش ماهه</p> <p>روزانه در تهران — شش ماهه</p> <p>مهر ۱۳۲۵ ایران</p> <p>پانزده تومن — قیمت ترمیم</p> <p>چهار روپیه — دور روپیه</p> <p>تأخر در پرداختن میسر</p> <p>هشت تومن — چهار تومن</p>	<p>انجمن بلديه</p> <p>مهدی اهدای چهار فروغ طبع میشود</p> <p>هر هفته یکروز توزیع میشود</p> <p>تولید مطبعه فرهنگستان</p> <p>سرماخانه بانک</p>	<p>میرک</p> <p>آقای میرزا نوری در تهران</p> <p>تولید توزیع و توزیع در تهران</p> <p>در بزرگ روز در تهران</p> <p>کلیتاً در تهران</p> <p>قیمت هر نسخه یک تومن</p> <p>اعلانات سطر که در تهران</p> <p>تولید و توزیع در تهران</p> <p>تاریخ شهرستان ۱۳۲۵</p>
--	---	---

در این جریده از کلمه مطالبه غیر مجال مانع خلق صحبت میشود مراسلات و لواحق مجله

ایکسم و انشاء هر چه خواهد شد

سر لوحه روزنامه انجمن بلديه

بوده است ، وجه اشتراك آن بدین قسم معین گردیده : سالیانه در اصفهان دوازده قران ، شش ماهه شش قران ، سایر بلاد ایران پانزده قران و هفت قران و نیم هندوستان و افغانستان چهار روپیه و دو روپیه . تمام اروپا و عثمانی و مصر هشت فرانك و چهار فرانك . قیمت هر نسخه يك عباسی . اعلانات سطرى دههاى . لوايح مجانا درج ميشده و وجه اشتراك بعد از ارسال چهار نمره يك قسط گرفته ميشود . معجل

توزیع که در حقیقت محل اداره روزنامه بوده (محل شمس آباد اصفهان است) در باره مندرجات روزنامه در ضمن يك سطر که در زیر عنوان روزنامه قید گردیده چنین نوشته است :

« در این جریده از کلیه مطالب نافه بحال عامه خالق بعث میشود » مندرجات روزنامه بغیر از مذاکرات انجمن بلدیه عبارت است از یکی دو مقاله که بتناوین مختلف از قبیل (امر بتفأل و نهی از تطیر) و یا مناظره مشروطه و استبداد) و (تکلیفات و مذاکرات انجمن بلدیه) درج است . از روزنامه انجمن بلدیه نگارنده فعلا تا شماره نهم مورخ ۲۰ شهر شوال ۱۳۲۵ قمری را در دست دارم و برون در تاریخ مطبوعات خود مینویسد (ص ۴۷) روزنامه انجمن بلدیه مدت پنج ماه منتشر شده ولی در تاریخ انتشار آن دوچار اشتباه گردیده زیرا انتشار آن در ۵ شهر شوال ۱۳۲۵ قمری میدانند در صورتیکه طبق نمونه های موجود در رمضان سال



مذکور منتشر شده است . منتهی همانقسم که قبلا یاد آور شدیم در شماره های اولیه روزنامه روز انتشار قید نگردید . است و حتی نمره اول هم که باسم (فرج بعد از شدت) میباشد بتاریخ شهر شعبان ۱۳۲۵ قمری مورخ است . برای اطلاع از سه نمره فرج بعد از شدت منتشر شده بعرف (ف) کتاب مراجعه شود .

میرزا نورالدین مجلسی گفتیم مدیر روزنامه انجمن بلدیه میرزا نورالدین مجلسی است . اینک شرح احوال او :
نورالدین مجلسی متخلص بچهره فرزند حسنعلی بن محمد صادق بن ابوطالب بن محمد تقی الماسی . و این محمد تقی داماد مولی محمد باقر مجلسی فرزند مولی

مرحوم میرزا نورالدین مجلسی

عزیز الله ابن علامه محمد تقی بن مولی مقصود علی و بعلت انتساب بغاندان مجلسی مرحوم میرزا نورالدین و فرزندانش نام خانوادگی مجلسی برای خود انتخاب کرده اند . میرزا نورالدین در سال ۱۲۷۴ هجری قمری در اصفهان متولد و در نتیجه

کسالت ممندی در اسفند ۱۳۰۷ شمسی مطابق ۱۳۴۷ قمری در اصفهان فوت نمود و در تکیه آقا حسین خونساری واقع در تخت فولاد مدفون گردید . وی مردی فاضل و دانشمند و خوش معضز و امام جماعت مدرسه معروف بدرسه شمس آباد که از ابنیه زمان شاه سلطان حسین صفوی و یکی از اجداد صاحب ترجمه معروف بالماسی آنرا بنا نموده ، میبود . در سنوات اخیر عمر علاوه بر ادای نماز جماعت و اصلاح بین اخوان مومنین از وعظ نمودن و هدایت و راهنمایی مردم نیز درین نداشت و در بعضی از مجالس روضه بارشاد عوام میپرداخت . نگارنده مجالس وعظ آن مرحوم را دیده و آنچه بخاطر دارم وی واعظی بود شیرین بیان و خوش لهجه و دارای دهانی گرم و مخصوصا هنگام ذکر مصائب ائمه اطهار حالت حزن و اندوهی بدو دست میداد که بی اندازه در حاضرین موثر بود . مرحوم میرزانور الدین طبع سرشاری داشت و در شعر تخلص چهره را انتخاب کرده بود . از آثار طبع اوست :

دیشب بخیال زلف او خوابیدم
شب تا بسحر خواب پریشان دیدم
و نیز در وصف دلشاد نام گفته است :
شاد دل گشته از آنیم که دلشاد آمد
مشک نیز است جهان از چه بگوئید بن
آنچه مزگان سیاه تو کند با دل من
چشم و ابروی ترا دیدم و با دل گفتم
بهر قلم دو کماندار سیه کافی نیست

مرحوم میرزا علاوه بر طبع شعر خطوط مختلف نسخ و رقاع و نستعلیق و شکسته و شکسته نستعلیق را در نهایت خوبی مینوشت و در تذهیب و نقاشی و کشیدن کاریکاتور و آوردن نقشه های بدیهه بوسیله ناخن روی کاغذ بد طولی داشت . اخلاقش فوق العاده جذاب و پیوسته معاشران و دوستان را شیفته اخلاق و بذله گوئیهای خود میساخت .

تالیفات او علاوه بر اشعار متعدد که به علت پراکنده بودن تا کنون بصورت دیوانی در نیامده ؛ عبارت است از رساله در توحید ۲ تاریخ همرست ۳ رساله در هبت و نجوم ۴ کتاب در اخلاق ۵ نثر هزل ۶ روزنامه های فرج بعد از شدت و انجمن بلدیه که با سبکی خاص اهالی کشور را بمضار استبداد و فواید مشروطیت آشنا نموده و از اینراه خدمت گرانبهای بخصوص بمردم اصفهان نموده است . همانقسم که در ابتدای این شرح حال یاد آور شدیم چهره در سال ۱۳۴۷

قمری در اصفهان فوت کرد و مصطفی قلیخان سینای کرو نی بعر نامطبو هی در وفات او سروده که چند شعر آن این است :

دریغ از آفتاب علم نور الدین	که بنمود از غروبش دوستان غمگین
کسی کز برك گل جشمش بیازردی	نمودی خاک بستر خشت را بالین
معانی بیانش بس بدیع آمد	که نظم دلکش او بود چون پروین
• • • • •	• • • • •
چو بشنید ارجعی لیک گوشادان	پی رفتن بزد بر مرکب جان زین
رقم زد کلک سینا بهر تار بغش	بجا و یدان حیاتی یافت نور الدین

۱۳۴۷ قمری

از چهره چهار فرزند پسر و يك دختر باقیمانده که اسامی فرزندان پسر از اینقرار است : جلال الدین ، کمال الدین ، جمال الدین و ضیاءالدین • جلال الدین فوت کرده و کمال الدین و جمال الدین هر دو اهل فضل و از پدر شاعری را بارث برده و اکنون در خدمت وزارت فرهنگ مشغولند و ضیاءالدین عضو دفتری بنگاه راه آهن است •

(۲۲۵) انجمن ملی ولایتی گیلان

روزنامه انجمن ملی ولایتی گیلان بمدیرى و نویسنده گى (دبیرالمالك) در شهر رشت تاسیس و جمعا چهار شماره از آن منتشر شده است • شماره اول آن در چهار صفحه بقطع ۷ در ۱۱ سانتیمتر در تاریخ ۲۲ رجب ۱۳۲۵ قمری و شماره چهار در ۲۲ شعبان سال مذکور انتشار یافته است • قیمت اشتراك سالیانه (۲۰۰ شماره) در رشت و گیلان ۳۰ قران ، در سایر شهرهای ایران ۴۵ قران ، در روسیه و قفقاز ۹ روبل •

(۲۲۶) انجمن ولایتی یزد

روزنامه هفتگی انجمن ولایتی یزد ، بمدیرى (میرزا محمدصادق قمی) در شهر یزد تاسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است • بیرون مینویسد (ص ۴۸ کتاب مطبوعات و شعر فارسی) من شماره های دوم و چهارم این روز نامه را دارم که شماره دوم در ۸ صفحه بقطع ۵ در ۸ سانتیمتر و شماره چهارم در ۴ صفحه بقطع ۶ در ۱۲ سانتیمتر انتشار یافته • تاریخ شماره دوم ۵ محرم ۱۳۲۸ قمریست • وجه اشتراك روزنامه در یزد ۱۲ قران ، در سایر شهرهای ایران ۱۴ قران •

(۲۲۷) اندپاندانس پرس

روزنامه استقلال ایران (اندپاندانس پرس) بطور هفتگی ، بزبان فرانسه بمديري دكتور حسين خان كحال . در طهران ؛ در سال ۱۹۱۰ ميلادی مطابـق ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است .

از اين روزنامه جمعا سه شماره بيشتـر منتشر نشده و بجای آن روزنامه استقلال ايران ، بمديري ؛ همين دكتور حسين خان كحال و بشـركت مستهان المالك انتشار يافته است . شماره اول روزنامه اندپاندانس پرس () در چهارم ژوئن ۱۹۱۰ ميلادی منتشر گرديده است . مطالب اين روزنامه در باره استقلال ايران است .

(۲۲۸) اندیشه

مجله اندیشه ، بمديري (علي شهيد زاده گودرزی) در سال ۱۳۱۵ شمسی در طهران ؛ بطور ماهيانه منتشر گرديده و قيمت تك شماره آن ۲۰۰ قران و وجه اشتراك ساليانه آن ۳۰ ريال است . مجله اندیشه در چاپخانه (گودرزی) چاپ شده است .

(۲۲۹) انسانيت

روزنامه انسانيت در طهران ؛ در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . اين روزنامه ارگان انجمنی بوده بهمين نام که از اهالی تفرش و اشـتبان در طهران تشکيل شده بوده و رئيس آن مرحوم (مستوفی المالك) معروف بوده است . (ص ۴۸ کتاب مطبوعات و شعر فارسی تالیف برون)

(۲۳۰) انصاف

روزنامه انصاف در طهران بمديري و صاحب امتیازی (حاج سيد اسماعيل ملقب بسـلطان المداحين کرمان شاهی) در سال ۱۳۱۶ قمری منتشر شده است شماره دوم اين روزنامه مورخ بتاريخ ۲۵ ربیع الاول سال مذکور میباشد و هر شماره آن در چهار صفحه بقطع ۶۰ در ۱۱۰ سانتيمتر و قيمت اشتراك آن بدین قرار است :
در طهران هشت قران ، در ساير شهرهای ايران ۱۰ قران در عثمانی ۳۰ مجيديه در روميه و قفقاز ۲ روبل . در کشورهای اروپا ۵ فرانك . برون مينو بسـدمن نمره ۲ تا ۴ اين روزنامه را در دست دارم (ص ۴۸ کتاب برون)

(۲۳۱) انعكاس

شماره اول سال اول روزنامه انعكاس در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (مطبعه مرکزی) طهران چاپ و در روز دو شنبه ۳ رجب ۱۳۴۱ قمری مطابق ۳۰ دلو ۱۳۰۱ شمسی و ۱۹ فوریه ۱۹۲۳ میلادی منتشر شده است. اسم روزنامه (انعكاس) بخط نسخ درشت و در زیر آن این شعر: «این جهان کوهست حرف ماندا - باز گردد این نداها را صدا» درج شده مدیر مسئول و صاحب امتیاز روزنامه (بهرامی؛ دکتر حقوق و وکیل رسمی عدلیه اعظم) موسس و مدیر اداری (فریدون کاردار) محل اداره: ناصریه، کوچه حاج نایب نمره ۱۲. آدرس تلگرافی: طهران، انعكاس. روزنامه در بدو تاسیس هفته دو شماره روزهای دو شنبه و پنجشنبه، نشر یافته، وجه اشتراك: در طهران سه ماهه ۱۶ قران، شش ماهه ۳۰ قران؛ در ولایات باضافه اجرت پست خارجه شش ماهه ۴۰ قران، تك شماره ۶ شاهی. از خصوصیات روزنامه (تقویم انعكاس) است که در طرف راست عنوان آن چاپ شده و ایام هفته را بر حسب ماههای عربی و فارسی و فرنگی تعیین نموده است. و نیز در عنوان روزنامه قید شده که در این روزنامه همه قسم مقالات علمی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تجارتی، فنی، ادبی، اجتماعی و نظامی منتشر میگردد. ولی باید روزنامه انعكاس را يك روزنامه خیری دانست، چه قطع نظر از سرمقاله های آن که اغلب در باره موضوعهای مختلف می باشد؛ بقیه مطالب عبارت از اخبار داخله و خلاصه اخبار خارجی است. مقالات گوناگون نیز در آن دیده میشود. هر صفحه روزنامه مشتمل بر ۵ ستون است. مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (مقاصد ما) بدین قسم شروع میگردد:

«در اعصار قدیمه جماعات ملل دارای روزنامه نبودند و مطبوعات منحصر به کتب و لوایح خطی محدود میبوده که از طرف رهبانان و شرای جماعات ملل که نسبت بعهد خود مدنی بودند با فداکاریها و مساعی بی پایان تعریس و تهیه گردیده آن هم مختص ۵۰۰۰ آری دیگر کافیست و کاسه صبر خیرخواهان جامعه لبریز شده است. قلم عاجز ما سعی خواهد بود که در این مملکت برای عفت قلم و اصلاح اساس جریده نگاری فداکارانه مجاهدت نموده روزنامه خود را با مقالات مهم که مورد استفاده هموطنان عزیز گردد تقدیم قارئین خود نمائیم و برای جلوگیری از سوء استعمالات و مظالمی که جامعه ملت و با افراد جامعه را تضییق و تهدید مینماید نامه ما با کمال جدیت و فداکاری مجاهدت نموده درازاره خود را همیشه بر روی مظلومین و اشخاص با شرافت وطن خواه گشوده و حفظ شرافت حقوق جامعه ملت را اولین

وظیفه دیانت و وجدانی خود میداند . (فریدون کاردار)
 در شماره اول علاوه بر سرمقاله مذکور ، اخبار داخله و خلاصه تلگرافات
 خارجه و نیز مقالات مختلف درج است در صفحه چهارم مطالب مختصر و مفیدی تحت
 عنوان (مسائل حقوقی) ر (مسائل اجتماعی) و غیره نوشته شده که رو بهمرقتی ،
 روزنامه انعکاس را يك روزنامه جامع و مفیدی نموده است . در شماره دوم بعنوان
 آگهی از خوانندگان روزنامه و مردم اظهار تشکر نموده و بعنوان شاهد از استقبال
 مردم از روزنامه نوشته است شماره اول ۲۰۰ نمره تك فروشی شده و البته این
 تعداد تك فروشی برای آن ایام دلیل بر توجه مردم نسبت بر روزنامه است . شماره
 دوم روزنامه در تاریخ ۵ شنبه ۵ رجب مطابق سوم حوت ۱۳۰۱ شمسی انتشار یافته
 و سرمقاله آن تحت عنوان (مظلوم) میباشد . از روزنامه انعکاس فعلا تا شماره ۱۵
 سال اول مورخ جمعه دهم رمضان ۱۳۴۱ قمری مطابق ۷ نور ۱۳۰۲ شمسی در دست
 است . سبک مطالب و قطع روزنامه در این پانزده شماره مانند شماره اول است .

(۲۲۲) انقلاب سرخ

روزنامه انقلاب سرخ در سال ۱۳۲۸ قمری ، در شهر رشت ، مدیریت (ذره) منتشر شده است

(۲۳۳) انوشیروان

مجله انوشیروان بدو زبان فارسی و فرانسه ؛ در شهر طهران ، بمدیری آقای
 (دکتر ماشوربان) تاسیس و در اوائل سال ۱۳۱۰ شمسی بطور ماهیانه : منتشر
 شده است . مجله انوشیروان مجله علمی حقوقی و مخصوص بحث در مسائل قضائی و
 مدیر آن دکتر ماشوربان از انیورسته پاریس و رم دیپلمه بوده است . ذیلا شرحی
 را که در شماره ۶ و ۷ مجله ارمان مورخ خرداد ۱۳۱۰ شمسی تحت عنوان (مطبوعات
 جدید) در باره این مجله نوشته نقل مینمائیم در شرح مذکور پس از بیان چند سطر
 در باره پیدایش قانون مینویسد :

» پس با نقصی که در دنیای حقوق ، علوم و ادبیات مادارد انتشار يك مجله ای
 باسم انوشیروان که از این نام دان : داور ، دادگستری و داور ی نمایان است ؛
 نهایت خوشوقتیتست . مجله انوشیروان برای رفع نقیصه حقوقی ما انتشار یافته است
 انوشیروان بدو زبان فارسی و فرانسه انتشار مینماید ، سبک و مرامی را که بعهد
 گرفته است عبارت از شناساندن جریان و افکار قضائی تاسیسات و قوانین و اصلاحات
 جدید ایران بطلمای خارجی و بعکس معرفی افکار قضائی اروپا بجامعه ایران و بالاخره
 تربیت جوانان ایرانی در علوم قضائی میباشد . قسمت های قضائی و حقوقی که در

بخش فارسی انتشار یافته هر کدام در جای خود مهم و مخصوصاً ترجمه کتاب (مرد جنایتکار) اگر انوشیروان آنرا بیابان برساند بهترین مطالعات جنائی را بحقوق ایران تقدیم کرده است . میتوان گفت انوشیروان يك مجله علمی مفیدی است که اگر نواقص آنرا رفع کنند از بهترین مجلات علمی پایتخت خواهد بود . «

(۲۳۴) انیس

روز نامه انیس ؛ بمدبری (محمد هاشم پردیس) بزبان فارسی در شهر کابل افغانستان منتشر شده . انیس روزنامه ایست علمی ، اخلاقی و سیاسی و بسهم خود خدمات مهمی بجامه افغانستان کرده است . روزنامه مذکور در نهم فروردین ۱۳۱۴ شمسی وارد نهمین سال انتشار خود گردیده و شماره ۲۸ سال بیست و دوم آن در تاریخ ۱۲ جمادی النانی ۱۳۶۷ قمری مطابق ۲۲ آوریل ۱۹۴۸ میلادی منتشر گردیده و بنا براین انیس تا همین سنوات اخیر نیز بانتشار خود ادامه داده است و قسمیکه در شماره مورخ مذکور ثبت شده نمره مسلسل روز نامه تا این شماره ۲۹۲۴ می باشد .

خصوصیات روزنامه بنقل از شماره ۲۸ سال بیست و دوم بدین قرار است : روزنامه روی چهار صفحه بقطع بزرگ ، با چاپ سری در (مطبعه عمومی کابل) چاپ شده ؛ قیمت اشتراك آن : یکساله در پایتخت ۳۵ افغانی ، ولایات ۴۰ افغانی خارجه ۲ پوند . برای شاگردان مدارس نصف مبلغ ؛ قیمت اعلانات با دفتر اداره است . قیمت يك شماره ۲۰ پول ؛ اسم روزنامه (انیس) با خط نسخ درشت نوشته شده و محل اداره روزنامه متصل بمطبعه عمومی کابل تعیین گردیده است . مندرجات روزنامه پس از درج سرمقاله بقلم (محمد هاشم پردیس) اخبار داخله افغانستان و خارجه بتفصیل ذکر شده و نیز مقالات مختلف تحت عنوان (مسائل اقتصادی) ، (علوم و اختراعات) . (قراردادها و معاهدات) و (اوضاع جهان) و (اشعار) و غیره درج است و نیز در باورقی صفحات دو و سه داستانی بنام (عشق و حیات) چاپ گردیده است . علاوه بر اینها ترجمه های مفیدی نیز در این روزنامه دیده میشود ، روبهمرفته انیس یکی از روزنامه های بسیار خوب افغانستان است .

(۲۳۵) اوریزن

روزنامه اوریزن بزبان ارمنی در حدود اواخر رجب ۱۳۳۸ قمری در طهران انتشار یافته است .

(۲۳۹) اوقات

روزنامه اوقات در طهران بهمدیری مترجم السلطنه شیخ بهائی تاسیس و شماره اول سال اول آن در ده صفحه بقطع وزیری؛ با چاپ سربی، (چاپخانه فردوسی) در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۰۹ شمسی مطابق دو شنبه ۳۰ شوال ۱۳۴۸ قمری و ۲۱ مارس ۱۹۳۰ میلادی منتشر شده است. در مقاله افتتاحی روزنامه پس از نعت خداوند و درود بر پیغمبر و ثنا و مدح شاه ایران اعلیحضرت پهلوی تحت عنوان (شروع بکار) شرح مفصلی نوشته که آغاز آن این است: «بعد از عاف شدن از خدمت اداری درصدد ایجاد روزنامه ای بودم ولی اشتغال بتدریس فرانسه و غیره مانع از تصمیم قطعی آن بود. در سنه ماضیه اعلیحضرت شاهزادگی پهلوی بعد از مراجعت از جنوب و افتتاح راه خوزستان در باب مطبوعات نظرمقدس را به صاحبان جرابدافکننده نطق ملوکانه ایراد فرمودند از آن تاریخ تصمیم قطعی اتخاذ و شروع بکار نمود. (در اینجا نویسنده شرحی در باره خود نوشته که آنچه کتاب و روزنامه بود مطالعه کردم و همه را مفید دیدم تا میرسد باینکه: العال چنانکه در فوق متذکر شدیم یکسال است که برای ایجاد این جریده چه فکرأ چه قدمأ چه عملا مشغول اینک به لطف پروردگار در ظل عنایت ملوکانه اعلیحضرت پهلوی شاهنشاه محبوب ایران جریده اوقات بوجود آمده امید است موفق باین خدمت مقدس گردیم.»

پس از مقاله افتتاحی مذکور، قسمت علمی؛ روزنامه که بصورت سوال و جواب و سوال اول این است (علم چیست) شروع میشود. مندرجات روزنامه مطالب مختلف علمی؛ اقتصادی و بهداشتی است. از مختصات روزنامه اوقات درج قواعد و قوانین زبان فرانسه میباشد که از همان شماره اول؛ در صفحه هفت تحت عنوان (مختص جوانان ایرانی از کلاس ۸ بیلا است) شروع گردیده و مرتباً در شماره های بعد چاپ شده است؛ از شماره چهار بآنطرف اخبار داخله مربوط بمرکز و ولایات نیز در روزنامه دیده میشود و نیز زمانی بعنوان (مسافرت مرد انگلیسی) که زیر آن نوشته شده (مخصوص اطفال است) معمولاً در پاورقی صفحه ۸ روزنامه بچاپ رسیده است. از شماره ۳۷ سال دوم مورخ ۳ شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۱۰ شمسی در عنوان روزنامه (علی رضا شیخ بهائی ثانی) صاحب امتیاز و مدیر مسئول معرفی شده و اسمی از مترجم السلطنه نیست. از روزنامه اوقات فعلاً تا شماره ۳۹ متعلق بسال سوم و مورخ بتاریخ چهار شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۱۱ شمسی در دست نگارنده است.

خصوصیات روزنامه بدین قرار است: محل اداره خیابان پهلوی؛ قیمت اشتراک سالیانه ده تومان، شش ماهه پنج تومان، سه ماهه ۲۵ قران، خارجه یک ساله سه لیره تک شماره ده شاهی، قیمت اعلانات با دقت اداره است. در باره طرز انتشار روزنامه

نوشته است « عجالتاً هفته دو شماره منتشر میشود و تدریجاً بنمرات آن افزوده خواهد شد » در بالای اسم روزنامه (اوقات) آیه و اذالصحف نثرت و در زیر آن اوقات بفرانسه چاپ شده است .

مترجم السلطنه شیخ بهائی

در روزنامه آینده ایران . شماره ۴۸ مینویسد : « مترجم السلطنه شیخ بهائی مدیر روزنامه اوقات طرفدار تشکیل کنگره مطبوعات ؛ صاحب معلومات کافیه در ادبیات و زبان عربی و مخصوصاً زبان فرانسه مدت مدیدی است در نشر معارف و توسعه تعلیم و تربیت جدیت مینماید . روزنامه اوقات مانند یک مدرسه سیار مورد استفاده خوانندگان خود میباشد » مدیر اوقات در دیماه ۱۳۲۰ شمسی در طهران وفات نمود و فرزندش بنام (حیدر شیخ بهائی) در روزنامه اطلاعات فوت او را اعلان کرد در این اعلان نوشته است که مرحوم مترجم السلطنه وصیت نموده که از تشکیل مجلس ترجمه و تشریفات معمولی خودداری نمایند و لذا مجلس فاتحه منعقد نیگردد .

(۲۲۷) اولین روزنامه ایرانی

عنوان فوق اسم روزنامه بخصوصی نیست ولی چون اولین روزنامه که در ایران منتشر شده اسم بخصوصی نداشته و حتی تاریخ تاسیس و انحلال آن نیز معلوم نیست از اینجهت برای اینکه بتوان اطلاعاتی را که در باره اولین نشریه زبان فارسی در دست میباشد تحت عنوانی ذکر کرد ما این عنوان را اختیار کرده و در تحت نام (اولین روزنامه ایرانی) بشرح زیر میپردازیم :

اولین روزنامه که در داخل کشور ایران انتشار یافته روزنامه ای بوده که در اواسط قرن سیزدهم قمری در تهران تاسیس یافته و نمونه از آن تحت عنوان (روزنامه ایرانی) در مجله انجمن آسیائی (جلد پنجم سنه ۱۸۳۹ میلادی) درج شده است و خلاصه آنچه از مجله مذکور راجع باین روزنامه معلوم میگردد اینست که در قرن سیزدهم یعنی در حدود سال ۱۲۵۳ قمری روزنامه مذکور بمدیری یوزا صالح شیرازی در تهران تاسیس و طبع شده است .

این روزنامه در دو ورق بزرگ که در یکطرف آن باخط روشن و نزدیک بهم چاپ و طرف دیگر سفید میمانده و مجموع سطور آن با عنوان مقالات ۲۱۷ سطر است . شماره که قسمتی از آن بطور نمونه در مجله آسیائی طبع شده این عنوان را دارد : « اخبار وقایع شهر محرم الحرام ۱۲۵۳ قمری در دارالخلافه طهران انطباع یافته » و بعد در تحت عنوان (اخبار ممالک شرقیه) وقایع طهران و سایر

ایالات و ولایات ایران درج شده بود در ذیل عنوان (اخبار ممالک غربیه) اوضاع

اروپا و ترکیه را شرح میدهد .

این بود آنچه راجع باولین روزنامه ایرانی اطلاع داشتیم و هما تقسیم که یاد آور شدیم تاریخ تاسیس و انحلال روزنامه مذکور نیز غیر معلوم است . فقط آنچه مسلم است این است که پس از این روزنامه دومین روزنامه فارسی که در ایران منتشر گردیده روزنامه (وقایع اتفاقیه) است و ما در حرف واو کتاب از آن گفتگو خواهیم کرد .

(۲۲۸) آهنك

شماره اول سال اول روزنامه آهنك در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (سعادت) در طهران چاپ و در روز سه شنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۵ برج جدی ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است . محل اداره : طهران خیابان چراغ برق ، کوچه محله عربها صاحب امتیاز روزنامه « عبدالعلی » و موسس و مدیر آن (میرزا حسینخان ابصری) است . عنوان تلگرافی : آهنك .

آهنك هفتگی بوده و روزهای سه شنبه در هر هفته طبع و منتشر میشده ؛ قیمت اشتراك آن در داخله یکساله ۵۰ قران ، ششماهه ۲۵ قران ، خارجه باضافه اجرت پست . برای کارگران و محصلین یکساله ۲۵ قران . تك شماره شش شاهی . اسم روزنامه « آهنك » بخط نستعلیق درشت و در زیر آن سال ۱۳۴۲ که سال تاسیس روزنامه میباشد و نیز در بالای اسم روزنامه جمله (مسلك این روزنامه دفاع از حقوق عوام است) چاپ گردیده است .

مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (آهنك ما - یا مرام آهنك) نوشته شده و بدین قسم شروع میشود : « آهنك ما و مرام آهنك بیداری خفتگان و هشیاری غفلت زدگان و حفظ و صیانت حیثیات و شئون جماعت است . امروز که ما بدایر . مطبوعات قدم گذارده و مرام خود را بطور کلی در جملات کوچک فوق معرفی کرد . و در نزد خوانندگان این نامه وجدانا تعهد میکنیم که از لغزشهای قلمی جلوگیری نموده و نگذاریم بر خلاف واقع و حقیقت چیزی در این جریده درج شود و نیز موفقیت خود را در ایفای این تعهد از خداوند مسئلت کرده و میکنیم . معرك ما در انتشار این نامه احساسات بی آلاشی است که محتویات ۰۰۰۰۰ »

پس از مقاله فوق که تمام صفحه اول و دو ستون صفحه دوم را گرفته اخبار داخله و بعد (واردات اداری) و بعد مقاله بقلم (شیخ محمدعلی بهجت) چاپ شده و نیز اشعاری بعنوان (ادبیات) از صفات الله اسد آبادی که باین مصرع شروع

میشود (مقصد مافع آزار است گوئی نیست هست • جهدماد: رفع اشرار است گوئی نیست هست •
در این شماره درج است •

(۲۳۹) ایران

یکی از روزنامه های قدیمی کشور که در دوران انتشار خود مراحل مختلفی را پیموده روزنامه ایران است • این روزنامه مدتی تنها روزنامه رسمی و انتشار آن بمهده وزارت انطباعات بوده در این دوره روزنامه کاملاً يك روزنامه رسمی و چاپ و تهیه مقالات و جمع وجوه اشتراك آن وظیفه دولت بوده است وضع مذکور تا سال ۱۳۲۱ قمری که اداره جراید دولتی بمهده میرزا محمد ندیم باشی واگذار گردید ، ادامه داشته و در این سال اسم روزنامه تغییر پیدا کرده و بنام (ایران سلطانی) منتشر شده است ؛ پس از این دوره ؛ مجدداً روزنامه بنام (ایران) منتشر گردیده و در این دفعه ایران روزنامه نیم رسمی بشمار رفته و از دولت ماهیانه مبلغی کمک خرج میگرفته است و بواسطه گرفتن همین کمک خرج طیما نمیتوانسته مستقل و قائم بالذات باشد و ناچار در تنظیم مقالات و اخبار رعایت تمايلات دولت را میکرده است • این ترتیب نیز تا اول حمل ۱۳۰۲ شمسی ادامه داشته و در این سال که مصادف با سال هفتم و در حقیقت دوره دوم روزنامه بوده اداره روزنامه از کمک خرج دریافتی از دولت که ماهیانه مبلغ هفتصد و پنجاه تومان بود صرف نظر کرده روزنامه ملی و مستقل شده است و این همان روزنامه ایران است که تا کنون منتشر میگردد •

از شرح فوق معلوم میشود که روزنامه ایران یکی از قدیمی ترین روزنامه هایست که در کشور ما منتشر میشود • و تا حین تحریر این قسمت (سال ۱۳۶۷ قمری) مدت هفتاد و نه سال از تاریخ تاسیس آن میگذرد و از اینرو قهراً تغییرات و تحولات زیادی در آن رخ نموده است • بنابراین جای آنرا دارد که بتفصیل از ادوار مختلف این روزنامه گفتگو نمائیم برای بهتر روشن شدن موضوع تاریخچه روزنامه را بدو دوره قسمت مینمائیم :

دوره اول روزنامه ایران

آغاز تاسیس روزنامه ایران - پس از آنکه در اوایل سال ۱۲۸۸ قمری در سلطنت ناصرالدین شاه اداره روزنامهجات دولتی از علیقلی میرزا ، اعضاء السلطنه ، گرفته شد و بمهده محمد حسن خان (اعتماد السلطنه) واگذار گردید بعوض روزنامه های (علمی ؛ دولت ایران و ملت سنیه) يك روزنامه بنام (ایران) یعنی سه روزنامه مذکور تعطیل و بعوض آنها روزنامه ایران انتشار یافت و در

حقیقت روزنامه رسمی دولتی روزنامه ایران گردید . شماره اول روزنامه در تاریخ یکشنبه یازدهم محرم ۱۲۸۸ قمری در (دارالطباعة، درجنب مدرسه دارالقنون) طبع و توزیع شده است . گرچه در روزنامه ایران ؛ در هیچ جای آن اسمی از مدیر روزنامه نوشته نشده ولی چون در آن تاریخ ؛ هما تقسم که فوفا اشاره کردیم ، عمل انطباعات دولتی با محمد حسن خان وزیر انطباعات بوده و نیز در ذیل بعضی از مقالات امضای (محمد حسن) درج شده . لذا باید مدیر روزنامه را همان محمد حسن خان (اعتماد السلطنه) دانست .

و اما اعضاء اداره روزنامه عبارت بوده اند از میرزا علیخان نائینی و بعد ا مرحوم میرزا محمد حسین ادیب ملقب بذکاءالملک که این دو نفر نویسنده روزنامه بوده و ضمناً ذکاءالملک رئیس دارالطباعة دولتی نیز بوده است . میرزا ابوتراب نقاش مخصوص و نقاشباشی وزارت انطباعات و میرزا سید احمد کاتب روزنامه و استاد حبیب الله استاد مخصوص طبع و ملا غلامحسین مذهب و استاد محمد حسین صحاف روزنامه بوده اند .

گفتیم شماره اول روزنامه ایران در تاریخ یکشنبه یازدهم محرم ۱۲۸۸ قمری منتشر گردیده . در این شماره . در ستون اول شرحی بامضای (محمد حسن) تحت عنوان « اعلان » ذکر شده که چون خوانندگان را بعلمت پیدایش و مندرجات روزنامه آگاه مینماید ؛ عیناً آنرا نقل مینماییم : « اعلان - بمطالعه کنندگان روزنامه اعلان میشود رای همایون سرکار اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه خلدالله ملکه و سلطانه براین تعلق یافت که عمل مطبوعات دولت علیه عموماً و عمل روزنامهجات مخصوصاً ترقی نموده و در تحت قاعده منضبط گردد انتظام آنها را باین خانزاد معقول و مرجوع فرمودند این خانزاد دولت جاویدایت متعهد شد که در عرض هفته یک روزنامه که ماهی دوازده نمره باشد منتشر سازد اسم روزنامه برحسب اراده علیه ملوکانه تغییر کرد روزنامه دولتی و عامی و ملتی که سابق بود مبدل بیک روزنامه شد موسوم بایران که در اوزمن به اخبار رسمی داخله و هم اخبارات رسمی و غیر رسمی خارجه و مسائل علمیه و اعلانات تجارتمی و غیره مندرج خواهد بود مسئولیت این خانزاد دولت جاویدایت در اخبار رسمی داخله و خارجه است که در این اخبار اگر مطلبی برخلاف واقع نوشته و طبع شود این خانزاد باید مواخذه بشود . . . اما از اخبار غیر رسمی که هرکسی آزاد است هرچه میخواهد بنویسد روزنامه ابتدا مسئولیتی ندارد اخبار غیر رسمی چنانکه در سایر دول آزاد است در این روزنامه

آزاد خواهد بود نهایت سعی و اهتمام بعمل خواهد آمد که الفاظ و عبارات اخبار وارده که مندرج میشود از دایره ادب خارج نباشد و تدبیری اخذ شده است که از ولایات اخبار نویسی صادق و با تدین وقوعات واقعه را بروزنامه نگار بنویسد که بجهت اطلاع عمومی درج و اعلان شود اسم و امضای اخبار نویس در روزنامه درج نمیکرد مگر در صورتیکه لزوم بهم برساند . این اعلان در ابتدا منتشر میشود که من بعد مورد ابرادی نباشد . محمد حسن .»

فی الحقیقه آنچه در این اعلان نوشته شده همه وقت مطابق با مندرجات روزنامه میباشد و از همان شماره اول ابتدا اخبار رسمی داخله که باخبر دربار همیون شروع میشود و بعد فرامین و دستورات صادره از شاه درج شده ، سپس اخبار مخصوص يك يك وزارتخانه ها (وزارت مالیه ، وزارت علوم ، وزارت عدلیه) پس از آن اخبار غیر رسمی خارجه و در خاتمه اخبار تلگرافی و غیر تلگرافی شهر های داخله است .

ایران چون روزنامه رسمی دولتی است ، در هر شماره در بالای اسم روزنامه (ایران) تصویر شیر و خورشید که علامت رسمی کشور است رسم شده و در طرف راست (تاریخ انتشار و قیمت روزنامه و قیمت اعلان در روزنامه و دارالطباعة) و در طرف چپ آن شماره و محل فروش روزنامه و طرز توزیع و ساعت قبول اخبار و اعلان چاپ شده است . خصوصیات مذکور بدین قسم تمییز شده است :

قیمت سالانه سه تومان و شش هزار ؛ قیمت اعلان سطری یکمزار دینار ، دارالطباعة در جنب مدرسه دارالفنون . تقسیم روزنامه هفته سه روز محل فروش سرای امین الملک حجره حاج میر تقی تاجر . اداء قیمت روزنامه سه قسط ساعات قبول اخبار و اعلان دو ساعت بظہر مانده الی دو ساعت بغروب مانده .

روزنامه ایران با چاپ سنگی طبع و هر نوبت در چهار صفحه بقطع بزرگ منتشر شده است و چون روزنامه دولتی بوده تمام مخارج آن بعهده دولت بوده و بنیر از وجوه آبنونه که دیگر قبول نمیکرده است چنانکه در شماره های متعدد اعلان شده که چون فراش و مستخدم از دولت حقوق دریافت میکنند حق دریافت هیچگونه وجهی را از مشترکین ندارند . روزنامه ایران از همان شماره اول دارای پاورقی بوده و معمولاً ترجمه کتابی بعنوان پاورقی در صفحات يك و دو چاپ شده است چنانچه در شماره اول (تفصیل مسافرت کابیتن اطراس بسمت قطب شمالی در سنه ۱۸۶۰ مسیحی) ترجمه (محمد حسن) آورده شده . آغاز کتاب ترجمه مذکور بدین قرار است : « فصل اول . یادون نامی از اهالی لیور پول انگلیسی ۲۰۰۰ علاوه بر پاورقی ؛ در هر شماره مطالبی بعنوان مسائل علمیه که ترجمه یا تالیف می باشد

چاپ شده چنانچه در شماره اول مسائل علمیة مربوط بپهداشت؛ ترجمه (میرزا تقی کاشانی) نوشته شده است ، راجع باخبار روزنامه باید در نظر داشت که چوت روزنامه دولتی بوده غالباً اخبار آن متعلق بدربار همایون و حرکت و مسافرت های شاه و نیز تغییرات است که از طرف شاه در ادارات داده میشده و هم چنین اخبار داخله آن عبارت از وقایع جزئی و حوادث کوچکیست که در شهرهای مختلف رخ مینموده و تغییرات آب و هوا در نقاط مختلف مملکت جزو اخبار داخله بوده است . از این جهت اخبار داخله روزنامه چندان مهم و قابل توجه نیست ولی اخبار خارجه آن چون غالباً از تلگرافات و جراید خارجی گرفته شده کمال اهمیت را دارد .

در سنوات اول انتشار روزنامه وجه اشتراك در سه قسط بدین قرار در یافت می شده است : يك قسط که دوازده هزار دینار باشد در اول جوزا و قسط ثانی در اول میزان و قسط سوم در وسط دلو .

در سرلوحه روزنامه پس از نشر چهارده نمره یعنی از نمره ۱۵ تغییراتی بدین قسم داده شده اولاً بجای خصوصیاتى که در دوطرف شیر و خورشید نوشته میشده ، از این نمره ، در هر طرف دو فرشته بالدار که یکی در روی زمین قرار گرفته و دیگری بالای سر او ایستاده و صفحه که ظاهراً يك ورق روزنامه است؛ در دست دارد . ثانیاً شیر و خورشید بزرگتر از نمرات سابق شده است . بعداً باز تغییرات دیگری داده شده من جمله اینکه گاهی دو فرشته بالدار هر دو نشسته و گاهی یکی نشسته و دیگری ایستاده و در عوض روزنامه ای که در دست داشته مشعل فروزانی بدست هر کدام داده شده است . در بعضی از نمرات این دو فرشته بحالت محزونى متوجه یکدیگرند و گاهی هر دو فرشته از سرلوحه برداشته شده و بعوض آندو تصویر يك نفر انسان دیده میشود که بيك دست مشعل فروزان و بدست دیگر نواری که روی آن تاریخ طبع روز نامه درج است . و از این موقع سال میلادی بتاریخ انتشار روزنامه افزوده شده است . از نمره ۴۴ تمام تزئینات و حتی شهر و خورشید از سرلوحه روزنامه حذف شده و فقط کلمه ایران بخط نستعلیق در بین يك نیم دایره نوشته شده و این ترتیب تا اواخر انتشار روزنامه ادامه داشته است .

رمان مسافرت کاپیتان اطراس انگلیسی در نمره صد و سی و دوم روزنامه بیابان میرسد و از نمره ۱۳۳ رمان رنسون و تواریخ مختلف از قبیل (تاریخ مر ا کش) و (تاریخ اصفهان) تالیف محمد مهدی ارباب در پایداری روزنامه چاپ شده است یک قسمت از مندرجات روزنامه عبارت از (روزنامه سفر مازندران که بدستخط مبارک مر قوم شده) میباشد که در هر شماره قسمتی از آن بچاپ رسیده . محمد حسنخان کوشش و جد و جهد زیادی در نشر مرتب روزنامه داشته چنانچه شماره دوم آن در پنجشنبه ۱۵

پهنتر آورده اند و غیرت است که در سببی

آزار و فتنه رسانند تا فانی در آن گردانند

علاقه حبش در عالم لطافت و کمالی

تعمیر احلاک است مگر یکدیگر بنابرین



آراء و عقاید در کتب مطبوعه

تجدید افکار و روشها و اصلاح عادات

تعمیر اخلاق و تربیت جوانان

اخبار سیسی در باره بابو

حدیثی است که در این مکتوبه در صفحان منقذ است
بسیکابنا هلمتوریا قدیر هابوز شاه
خدا الله سلطان و آید اعوانه فیهون کار فزی
راستفانت است و قد این ایام کاجه و مرکز
سلطنته خطی در بریف فریاد و عظمت تمام
مدکی و جلایل امور سلطنتی شمول میکنند
در بیجا زندگی هاهم بافضای طراوت و نورانی
بهرای و فشارید پشایین و عطاردی سوان
شده ذالکاید و نشان پشه قشیر میبند
پوشیده نناش که دو شان نته که خالاجمل
تفتیح و شتر و سید کلان اقدیر هابوز شریف

از اینک و آثار عظیمی است که در این عهد
مصدق میگردد همانیون احوادث شد است
بدین شرح که در سبب شریح و از الخالامه
باصرف مقدر بیبا سافیک فرسنگ تبت
عظیم که از سبب خلیفه بر آمده بهینج پشه
کوه و پشه بیوسکه نیست و نه استصفا
میوان گفت از فرایب خلقت و خوا بود
طبیعتا که پشه است قدسال هزاره
در پشه و شکر نه بهری مطلق بیعتا
شیل نیک که ششم سال کلفت ننا حدیث
مستکان اقدیر هابوز شریف بر آمده
با فضای استمد اولطیبی اینموقع رای
همان آرای هابوز صاحب ترکیه بدین جمله
یافت که در این نته رفیع غار در بدیع بنا
شود که گام کاجه فریح کاه پادشاه بر شد

و بیخود مایه پهلوان اعتماد است لطفه که
مد آتوف ملقب بجایب اللقدامه و شایان
قد بار هابوز سلطنت خود انجم این نته
اجرای این خدمت متفوق گشت و آتمت حرم
در غلیل و ناله متفوق به مشهور است که منقو
نظر خوشی و نه بد بنا کرد و از آن روز هفت
اطلاعت خسر و نه سبب کمال حاروت و آید
آینا مسکون آمد سال هرسال خشم بر ناه
هشتمین فرقه شد و انواع اعمال پناه
و تجاری و مطلق ننا شید و تجاری و ناه
بکامدقت مایه دفعه بر ناله کوهی که
کجا و نیکو مایه بر مختصر کسریه ناه شکر
شکر به ناه کوه پدید آمد و در روز نیک
انامه و کوه و خور و نیک و نیک و نیک
و عار این پشه و نیک و نیک و نیک

بیتای پنهان در کتب

پس آفتاب داده کرده چون بسرای عید التورین اوزاهیم ضیفه انما
سپیدند عید التورین مقدم این تورین را که ایامه اشته آید شکر
یاری و نیک هو اذاری بود بجای آورد پسر نگاه محمد نورین سیر خیزد
با و عین کسان آورد و او را از مکتوب ضمیمه خیزد آکا می داد
سبب تفتیح کف تورین این خیال دار عین پید شمر نوازه اقامت
چه اسرین با فرد است که گاشکان جل برین و سبب بختور مال نون
در کبیر سبب و مالک بن و نیک چون اراده و نیک شفا را نقرین
کرده است امیر السلیه را ازین اندیشه فارغ نموده خواهد گذاشت

و پسر و در استیصال شلو بر او سوسیه خواهد کرد صواب
در آن بینیم که شفا از این شکر برین و نیکه روزی چند در
کوهستان این ولایت در کوه منی که آن را فیصل کوه میگویند
شکر و عین منی این و نیکه غاف است و مردم آنجا نیز هم در مایه
و ناه میباشند اما ماسازیم مردم آنجا استنها بنویشتند
که کوه از بدشروی محمد بن تورین چون نام تقبل شنیدند
انسی که حروف جمله آن را از جمله جزایب استخراج کرده بود که
در خاطر گفت اینک وقت آن فرزان پیدا که بنویسند کتاب نماند

معجم العرام ۱۲۸۸ و شماره سوم شنبه هفدهم معجم و شماره چهارم سه شنبه بیستم سال مذکور و همچنین تا آخر و شماره ۱۹۲ آن در تاریخ دوشنبه چهارم رمضان المبارک ۱۲۹۰ قمری مطابق ۲۷ اکتبر ماه فرانسه ۱۸۷۳ میلادی منتشر شده است . و بعلمت همین مراقبت در امر انتشار روزنامه ناصرالدین شاه ، در تاریخ ربیع الثانی قوی ثیل ۱۲۸۸ قمری اورا ملقب به (صنیع الدوله) نمود و عین دستخطی که در این باره صادر شده در نمره ۲۴ روزنامه درج است . صنیع الدوله یکبار دیگر هم برای مواظبت در امر نشر روزنامه ایران از ناصرالدین شاه بدریافت دستخط نایب لید و آنت هنگامی بود که روزنامه بنمره پانصد رسیده و نمره مذکور منتشر گردیده است . مرحوم صنیع الدوله در این باره در جلد سوم تاریخ منتظم ناصری (ص ۳۸۲) ؛ در وقایع سال ۱۲۹۹ قمری مینویسد : « روزنامه موسوم بایران که از ابتدای ریاست این بنده مولف تا این سال در زیر سایه سلطنت سنیه همایونی بنمره پانصد رسیده بود بر حسب رسم میمون اروپا پانصد نمره را یکجا جلد کرده تقدیم خاکبای مبارک داشته دستخطی مبنی بر اظهار کمال مرحمت و رضایت بافتخار این بنده شرف صدور یافت . « اداره روزنامه ایران و همچنین وزارت انطباعات تا روز فوت مرحوم محمد حسن خان صنیع الدوله ، ملقب با اعتماد السلطنه ، بعهد او بوده و پس از آن که شب هجدهم شوال المکرم ۱۳۱۳ قمری مشارالیه بمرض سکتہ درگذشت ، اداره روزنامه ایران با لقب اعتماد السلطنه بعهد محمد باقر خان ادیب الملک برادر زاده محمد حسنخان واگذار گردید و بنابراین تا شماره هشتصد و هفتاد و هفت روزنامه ایران بمدیری محمد حسن خان انتشار یافته است . در باره واگذاری اداره روزنامه در شماره ۳۹۱ روزنامه (اطلاع) مورخ بیست و دوم ماه شوال ۱۳۱۳ قمری شرحی تحت عنوان (اعلان) در ستون اول صفحه اول آورده که عین آنرا ذیلا نقل مینمائیم :

« چون محمد حسنخان اعتمادالدوله وزیر انطباعات شب پنجشنبه هجدهم شوال المکرم وداع جهان گفته بسرای جاودانی وجوار رحمت یزدانی شتائند وزارت جلیله انطباعات و اداره کل روزنامجات ایران و وزارت دارالترجمه دولتی با لقب بنیل اعتماد السلطنه از طرف قرین الشرف بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی ابدالله تعالی ایام دولته بجناب جلالتمآب محمد باقر خان ادیب الملک که از کبار چاکرانت مخصوص حضور همایون و مهین برادر زاده آن مرحوم مبرور هستند مرحمت ومفوض گردید و بعدها این جریده و سایر روزنامجات در تحت وزارت و اداره جناب ایشان طبع و منتشر خواهد شد . « در اینجا قبل از آنکه بذکر بقیه تاریخچه روزنامه ایران بپردازیم ، طبق معمول کتاب لازم است شرح حال مختصری از محمد حسنخان بیان نموده سپس بقیه تاریخچه روزنامه را ایراد نمائیم . برای بیان شرح حال اعتماد السلطنه بهتر آن

است آنچه را در این باره مرحوم تربیت نوشته بعینه نقل کنیم چه این شرح حال مشتمل بر فواید بیشمار است :

محمد حسنخان اعتماد السلطنه

محمد حسنخان پسر حاج علیخان مقدم مراغه ایست و او یکی از رجال نامی و فعال آذربایجان بوده ، در تاسیس انجمن علمی و نشر جراید رسمی و ترجمه آثار مفیده و تالیف کتب نافعه سعی و کوشش فوق‌العاده داشته و بیشتر از یک ربع قرن بترقی و تعالی معارف و مطبوعات ایران خدمت کرده است من جمله در سال ۱۲۸۶ ر یا ست دارالطباعة دولتی و دارالترجمه همایونی با لقب صنیع الدوله باو تفویض شده است . در سنه ۱۲۸۸ تمام روزنامه های دولتی و ملتی و علمی را بعهد او واگذار کرده اند که روزنامه ایران را بجای آن سه جریده هفته سه شماره دائر نموده اند . در تاریخ ۱۲۸۹ سالنامه و در سنه ۱۲۹۳ روزنامه علمی و در سنه ۱۲۹۵ روزنامه اطلاع نیم رسمی در تحت نظر و ریاست او تاسیس یافته است .

در تواریخ ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ جزو اعضای مجلس شورای دولتی و وزیر انطباعات گشته و تا آخر عمر اداره آن وزارتخانه را عهده دار بوده است . و در سنه ۱۳۰۰ روزنامه اردوی همایون و مجموعه سیاحتنامه مصور که منحصر بمسافرت دوم ناصر الدین شاه بخراسان میباشد هر دو در تحت نظر او بخط میرزا رضای کلهر در عرض راه طبع و نشر شده است .

در سنوات ۱۳۰۳ و ۱۳۰۶ به عضویت انجمن آسیائی پاریس و لندن انتخاب شده و در ۱۳۰۴ لقب اعتماد السلطنه را بار داده اند . بزرگترین تالیفات این مولف یک سلسله کتابهایست که بعنوان سالنامه از تاریخ ۱۲۹۰ تا سال ۱۳۱۳ بانضمام کتاب های مهم مانند تاریخ ایران مقتبس از اقوال مورخین غرب و شرق . مرآت البلدان در جغرافی و تواریخ بلاد و ولایات ایران در چهار جلد تا حرف جیم . منتظم ناصری در تاریخ عمومی عالم بترتیب وقایع سنین از اول هجرت تا سال ۱۳۰۰ هجری در سه جلد خیرات حسان ترجمه مشاهیر النسوان ترکی در سه جلد . کتاب الآثار و الآثار در ما تر سلطنت ناصرالدین شاه و تراجم احوال رجال و علما و فضیله همد او . در رالتیجان هی احوال نبی الاشکان راجع بتاریخ سلسله اشکانیان ایران من البدو الی الختم ما خود از احوال مورخین شرق و غرب در سه جلد ؛ التدوین فی جبال شروین و ترجمه خاطرات مادموازل مونت پانیه دختر عموی لوی ۱۴ که عبارت از یادداشتهای پنجاه و اند ساله اوست کلا در طهران چاپ شده اند . و از جمله ترجمه و تالیفات وی کتابی است بعنوان حجة السعادة فی حجة الشهادة که مشتمل بر تواریخ و وقایع مهمه عالم در تاریخ ۶۱

انتشار یافته است . در دوره دوم چنانکه بعداً بتفصیل ذکر خواهیم کرد اشخاص مختلفی اداره آنرا بعهده گرفته ومدتی هم در این دوره ایران روزنامه نیم رسمی دولتی بوده است . سید حسین اردبیلی اول کسبت که مدیری و نویسندگی روزنامه ایران را بعهده گرفت و چون نامبرده در بیستم رمضان ۱۳۳۶ قمری در طهران بمرض (کلرین) در گذشت از تاریخ ده سوم برج اسد ۱۲۹۶ شمسی مدیریت روزنامه بعهده میرزا محمد خان ملک زاده واگذار گردید و ناچاره بکمک برادرش آقای ملک الشعراى بهار آنرا بومیه و اداره نمود . در سال ۱۲۹۷ شمسی اداره روزنامه بعهده ملک زاده بوده و سردبیری آن بمیرزا علی اکبر خان خراسانی واگذار شده است . لازم است یاد آور شویم که در برج حوت ۱۲۹۶ شمسی ، در کابینه مرحوم مستوفی‌الممالک کلیه روزنامه ها توقیف گردید و فقط روزنامه نیم رسمی ایران بمدیرى آقای ملک زاده منتشر میشد . در سال ۱۲۹۹ شمسی از طرف کابینه مشیرالدوله ؛ در برج اسد سال مذکور اداره روزنامه نیم رسمی ایران بعهده آ میرزا اسماعیل خان یگانی واگذار شده و مشارالیه مدیر روزنامه بوده است . در این دوره روزنامه ایران تا اول حمل ۱۳۰۲ شمسی ماهیانه مرتباً از دولت اعانه دریافت میکرد و بنا بر این يك روزنامه نیم رسمی دولتی بود . ولی در ابتدای سال مذکور که روزنامه بمدیرى میرزا زین‌العابدین خان رهنما اداره میشد و مصارف با وسط سال هفتم روزنامه بود کمک خرج دولت را که ماهیانه مبلغ هفتصد و پنجاه تومان بود رد کرد و خود را از قبودیکه طبعاً مستلزم دریافت مساعدت مزبور بود آزاد ساخت . روزنامه ایران در سال اول دوره دوم هفته سه شماره طبع شده و جمعاً در این سال ۱۵۰ نمره منتشر گردیده ؛ در سال دوم و سوم هفته دوشماره بر آن علاوه شده و مجموع شماره های هر کدام از این دو ساله به ۲۰۰ عدد رسیده . سال چهارم ۲۲۰ و سال پنجم ۲۳۰ شماره منتشر گردیده و این وضع تا اواسط سال ۱۳۰۳ شمسی ادامه داشته ؛ در سال نهم عده نمرات منتشره به ۲۵۰ بالغ گردید . و در سال دهم پنجاه شماره اضافه شده وعده آن به ۳۰۰ شماره رسیده است . اولین شماره این سال دارای نمره ۱۹۶۱ و آخرین شماره آن به ۲۲۵۷ بالغ است که تقریباً چهار شماره از ۳۰۰ کمتر است . شماره اول سال یازدهم نمره ۲۲۵۸ روزنامه و بعنوان سالنامه در دوازده صفحه بقطع خشتی بزرك در تاریخ سه شنبه ۱۷ جمادى الاولى ۱۳۴۵ قمری مطابق اول آذر ۱۳۰۵ شمسی انتشار یافته ؛ در سال دوازدهم در اول فروردین ۱۳۰۷ شمسی شماره مخصوصی که شماره ۲۶۳۲ روزنامه می باشد ، بمناسبت عید نوروز در ۱۵۸ صفحه منتشر نموده است . پس از

آنکه روزنامه ایران از سال ۱۳۰۲ شمسی بومیه شد و همه روزه مرتباً منتشر گردید
تشکیلات اداری آن نیز توسعه یافت و روزنامه دارای هیئت تحریریه و مخبرین
متعدد گردید بقسمیکه روزنامه ایران دارای اداره وسیعی گشت . مرحوم آ شیخ
بعیبی کاشانی تاهنگام وفات که شب دو شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۰۸ شمسی بود در باست
هیئت تحریریه روزنامه را داشت و پس از آنکه از سال ۱۳۰۴ روزنامه در شش صفحه
منتشر گشت و از ۱۳۰۵ شمسی روزنامه مصور شد ، از ۱۳۰۶ شمسی مدیریت روز
نامه بعهده آقای اتحاد واگذار گردید بدین قسم که آقای رهنما صاحب امتیاز و
آقای اتحاد مدیر روزنامه بشمار میرفت و ما در ذیل روزنامه امید از ایشان گفتگو
نموده و تصویرشان را بچاپ رسانیده ایم. روزنامه ایران ؛ تا قبل از آنکه روزنامه
اطلاعات با بدایره مطبوعات فارسی بگذارد ؛ از حیث انتشار و تنوع مطالب و کثرت
خواننده ؛ در درجه اول بود و این وضع تا مدتی پس از سال ۱۳۰۹ شمسی که
شروع سال پانزدهم روزنامه بوده ادامه داشته است ، در این سال برای روزنامه
مطبعه آبرومندی تهیه شده و روزنامه هر سال مهتر از سال پیش میگردد . پیش آمد
رفتن آقای رهنما از ایران و انتقال روزنامه با آقای (مجید موقر) در سال ۱۳۱۶ شمسی
شمسی باز هم تغییری در سبک روزنامه نداد و روزنامه ایران با قطع خیلی بزرگ در
چهار صفحه بطور بومیه صبح ها منتشر میگردد . در تمام دوره شاه فقید تنهاروزنامه
مهم صبح روزنامه ایران بود و یگانه رقیب آن که عصرها منتشر میگشت روزنامه
اطلاعات بشمار میرفت .

پس از وقایع شهریور و مراجعت آقای رهنما از اروپا بایران ؛ دومرتبه روز
نامه ایران بخود ایشان واگذار گردید و مدتی هم شخصاً روزنامه را اداره مینمود تا
اینکه نامبرده بسمت سفیر ایران در پاریس انتخاب گردیدند و فرزند ایشان روزنامه را
اداره میکرد . اکنون نیز بهمین قسم روزنامه ایران منتشر میشود و اما آقای مجید
موقر پس از آنکه روزنامه ایران را با آقای رهنما واگذار نمود ؛ روزنامه دیگری به
جای ایران ؛ بنام (مهر ایران) منتشر ساخت که هنوز هم منتشر میگردد .

روزنامه ایران در ابتدای این دوره یعنی تا موقعیکه يك روزنامه نیم رسمی بوده
هر نوبت ۱۵۰۰ شماره طبع میشد و اغلب مقالات آن اجتماعی و مطابق نظر سیاست
دولت های وقت نوشته میشد و پس از آنکه از قید رسمی بودن آزاد شد بیشتر سرمقاله
های آن بامضای (رهنما) مدیر روزنامه و مشتمل بر مقالات مختلف و تمام اخبار داخله
و خارجه و در باورقی روزنامه ترجمه رمانهای مختلف چاپ شده است من جمله از کتاب
هائیکه بصورت باورقی در روزنامه چاپ شده و بعد هم جداگانه طبع گردیده عبارت
از (نتردام دوپاری) تالیف ویکتور هوگو در يك جلد و (شوالیه دو مزون دوژ)

حرف الف بعده الیاء

ایران

تالیف رمان نویس مشهور فرانسه (الکساندر دوما) در دو جلد ؛ و (کاپیتان شقایق) در یک جلد ، رمان (یهودی سرگردان) تمام این رمانها و هم چنین کتاب های دیگر از طرف مترجمین مخصوص اداره روزنامه ترجمه و چاپ شده است . ذیلا اسامی عده از کارمندان روزنامه ایران را در سال ۱۳۰۵ شمسی نقل مینمائیم :

آقای رهنما مدیر روزنامه ایران ، غلامعلی خان مدیر داخلی ، میرزا علیخان معتمدی مترجم مطبوعات خارجه ؛ ثابتی رئیس محاسبات و صندوق ، صادق زاده مترجم مطبوعات ترکی ، حسینقلی خان مستعان رئیس دفتر ، آقا شیخ بهیمی رئیس هیئت تحریریه ، میرزا مهدیخان ساعی مخبر مخصوص روزنامه ؛ آقا سید محمد تقی عدنانی

مصباح روزنامه
رهنما



میرزا زین العابدین
خان رهنما از نویسندگان
مبرز و آشنا
بزیان فرانسه و عربی
مقالات اجتماعی و
سیاسی وی در روز
نامه بهترین گواه
و شاهد فضل و احاطه
و اطلاع او در

نویسندگیست رهنما
عده از کارمندان و نویسندگان روزنامه ایران در ۱۳۰۷
چندین دوره بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و در دوره رضا شاه

مدتی خانه نشین و بعدا بخارج کشور تبعید گردید
پس از قضایای شهریور بایران بازگشت و چندی
در طهران میزیست تا بالاخره بسفارت ایران
در فرانسه و سپس ببلنات انتخاب گردید . از
تالیفات او کتابی بنام (پیامبر) است . در شماره
۴۳ سال دوم آینده ایران درباره آقای رهنما
اینطور مینویسد : « آقای میرزا زین العابدین
خان رهنما مدیر و نویسنده روزنامه ایران و
نماینده مجلس از نویسندگان بزرگ و از
فخمای شهر این مملکت است که علاوه بر
خدمات دولتی و طی مقامات عالیه مدت با نزده
سال است روزنامه یوهیه ایران را اداره میکند



-۳۱۵- آقای رهنما مدیر و نویسنده روزنامه ایران

ایران همه روز • با قطع بزرگ (دو برابر جراید روزانه مرکز) با بهترین مقالات و مفید ترین اخبار و ترجمه های گوناگون منتشر میشود ۴۰

(۲۴۰) ایران

مجله ایران که از انتشارات کلوب بین المللی ایران است در سال ۱۳۰۲ شمسی مطابق ۱۳۴۲ قمری و ۱۹۲۳ میلادی در تهران تاسیس و منتشر شده است مدیر و رئیس مجله ایران که همان مدیر و موسس کلوب بین المللی نیز بوده آقای نصرالله فلسفی است که گاه گاهی اشعاری نیز تحت عنوان (کلبه شاعر) سروده و در مجله درج کرده مندرجات مجله در هر شماره عبارت از وقایع چند ماهه کلوب با ذکر اسامی اعضای جدید کلوب و همچنین اطلاعات مربوط بتمبرهای پستی و تشخیص قلب از صحیح میباشد ؛ این قسمت بقلم میر فخرائی تنظیم شده و در بیشتر شماره ها عکسهای متعدد از تمبرهای قلب و صحیح بمنظور آشنا ساختن خوانندگان و اعضای کلوب گراور شده و این عکسها علاوه بر توضیحاتی که راجع بتمبر بخواننده میدهد بر زیبایی مجله نیز افزوده است •

اگر از مقالات و توضیحات و عکسهای مربوط بتمبر صرف نظر کنیم مطلب مفید دیگری در مجله یافت نمیشود و بهمین جهت در یکی از نمرات مجله ، یکی از اعضای کلوب از درج نشدن مطالب مفید ادبی و علمی در مجله شکایت کرده و مدیر مجله پاسخ اعتراض را به نبودن سرمایه کافی برای کلوب و مجله و کمک نکردن اعضا بیان نموده است . با وجود این گاه گاهی مقالات کوچک ادبی بقلم سعید نفیسی و هم چنین قسمتهای فکاهی در مجله چاپ شده که باعث سرگرمی خوانندگان است . در هر شماره چند صفحه مجله مخصوص معرفی و شناساندن اعضای جدید کلوب دیده میشود که اعضا را با نام و نشان و ذکره نمره مخصوص و نشانی محل اقامت معرفی کرده و این قسمت گاهی بهر دو زبان فارسی و فرانسه و بعضی از اوقات اسامی اعضای ایرانی بزبان فارسی و اعضای خارجی بزبان فرانسه نوشته شده است . علاوه بر مطالب مذکور اعلاناتی در مجله درج است .

در سرلوحه مجله مهر مخصوص کلوب که عبارت از (فروهر در وسط یکدایره باشد) و در دو طرف این مهر سال تاسیس مجله و قیمت اعلانات طبع شده . آبونه سالیانه مجله در ایران که حق عضویت کلوب نیز محسوب میشود يك تومان و برای مادام العمر ده تومان ، در فرانسه و مستعمرات آن ۱۵ فرانك ، در انگلستان ۴ شیلینگ در سوئیس ۵ فرانك سوئیس ؛ در اتازونی يك دلار ، در ممالک دیگر امر يک نیز يك دلار ، این آبونه برای يكسال است ؛ برای عضویت دائمی صد فرانك ، قیمت

اعلانات برای خارجیها : يك صفحه ۱۲۰ فرانك ، نیم صفحه ۶۵ فرانك ، ربع صفحه ۳۵ فرانك ؛ خمس صفحه ۲۰ فرانك ؛ اعلانات كوچك هر سطری دو قران انتشار مجله در اوقات معینی نبوده و بلکه بدون ترتیب هردو یا سه ماه يك شماره منتشر میشده است .

برای اینکه خوانندگان تا اندازه از چگونگی كلوب بین المللی كه مجله ایران از انتشارات آنست اطلاع حاصل کنند لازم است مختصری از تاریخچه تاسیس و تشکیلات این كلوب ذکر نمائیم :

كلوب بین المللی ایران

در ضمن يك ورقه نشریه كلوب بدین قسم معرفی شده است : « كلوب بین المللی ایران برای ایجاد روابط دوستانه بین ایرانیان و سایر ملل متمدنه عالم از سال هزار و سیصد و دو در طهران تاسیس شده است . عضویت این كلوب شمارا با يكده از متمدن دنیا كه همگی از اعضاء این موسسه میباشد معرفی و دوست میکند و به وسیله آنان میتوانی تمام حوائج خویش ، در هر يك از ممالك خارجه تا مل شوید . كلكسیونرها میتوانند بدینوسیله تمبر ، كارت پستال مصور ، سكه ، پرده های نقاشی كتاب ؛ مجله . عكس ؛ پول و سایر اشیائیرا كه ممكن است جمع آوری نمود به سهولت از تمام ممالك دنیا تهیه کنند . تجار با عضویت كلوب بین المللی ایران میتوانند در هر يك از ممالك خارجه نماینده مخصوص داشته باشند و بوسیله آنان هرگونه اطلاعات لازمه تجارتی را كسب نمایند تا كتون قریب ۱۵۰۰ نفر در مالك مختلفه آسیا ؛ اروپا ، افریقا ؛ امریكا ، اقیانوسیه عضویت كلوب بین المللی را پذیرفته در همین ورقه پس از قسمت مذکور شرحی بدین قرار در باره مجله كلوب نوشته كه عینا نقل میکنیم : « مجله كلوب كه حاوی مقالات مفیده بزبان فارسی و السنه مختلفه خارجه ، جایزه ها ؛ اشعار ؛ اسامی و آدرسهای صحیح اعضاء و اطلاعات مفیده راجع بتمبر و كارت و امثال آن ، تصاویر متعدد اعضاء و گراورهای مختلفه دیگر ، اعلانات و غیره میباشد . سه ماه یکبار منتشر و مجاناً برای تمام اعضاء فرستاده می شود . »

هر يك از اعضاء كلوب موظف بوده است اعضاء جدیدی بكلوب معرفی کند و برای این كار جوائزی معین شده كه هر عضوی بیشتر توانست عضو جدید معرفی کند بیشتر جایزه نصیبش میشود . عضو جدید پس از اعضاء ورقه درخواست و پرداخت حق عضویت برای مدتیکه در نظر دارد رسماً بعضویت پذیرفته میشده و دارای نامه مخصوصی مثلا باسم ایران (۱۲۲۵) میگردیده و در شماره بعد مجله كلوب بانمره مخصوصش معرفی میشده است . تا آنجا كه نگارنده اطلاع دارد كلوب بین المللی ایران تا واسط

سال ۱۳۰۹ شمسی دائرہ بوده است .

نصر اللہ فلسفی

ہمانطور کہ قبلا یاد آور شدیم مدیر مجلہ ایران و کلوب بین المللی ایران آقای نصر اللہ فلسفی است . مشارالہ مدتی در دبیرستانہای طهران و در سنوات اخیر در دانشگاه با سمت استادی مشغول تدریس می باشد . فلسفی از شعرا و نویسندگان و تا کنون کتب مختلفی ترجمہ و تالیف کردہ من جملہ تاریخ اروپا در قرون ۱۹ و ۲۰ است کہ در سال ۱۳۱۰ شمسی در چاپخانہ خاور ؛ در ۴۴۵ صفحہ بقطع پستی طبع شدہ و دیگر تاریخ انقلاب روسیہ تالیف (اوسیب لوریہ) نویسنده کہ آقای فلسفی آنرا ترجمہ نمودہ در کتاب مذکور حوادث انقلاب کبیر روسیہ بدقت بیان شدہ و علل اجتماعی انقلاب مزبور شرح دادہ شدہ است . این کتاب برای علاقہ مندان باوضاع روسیہ بعد از جنگ بین الملل نافع است . تاریخ تمدن قدیم تالیف (فوستل دو کولانثر) را نیز آقای فلسفی ترجمہ نمودہ و در سال ۱۳۰۹ شمسی در مطبعہ مجلس در ۵۳۴ صفحہ خشتی طبع شدہ و مجاناً دادہ میشدہ است . منظومہ بیچارگان را نیز آقای فلسفی از یکی از قطعات ویکتور ہوگو ترجمہ نمودہ و بنظم در آورده است . منظومہ مذکور در سال ۱۳۰۵ شمسی در مطبعہ شوروی در ۶۴ صفحہ کوچک طبع شدہ است .

(۲۴۱) ایران آزاد

روزنامہ ایران آزاد بمدیر و صاحب امتیازی (سید ابراہیم ضیاء الواعظین) در طهران ؛ در سال ۱۳۰۰ شمسی تاسیس و منتشر شدہ است . مرحوم سید ابراہیم ضیاء در ۲۲ خرداد ۱۲۳۷ شمسی در شیراز بدنیا آمدہ است و در تهران در تاریخ سوم خرداد ۱۳۲۲ شمسی در ۵۵ سالگی دنیا را وداع نمودہ است . نامبردہ دارای زندگی پراز حادثہ و از آغاز جوانی با مشقات فراوانی روبرو بودہ چنانکہ در ۲۵ سالگی بہندوستان سفر کرد و در مدت اقامت در کلکتہ در ادارہ روزنامہ جبل المتین با مرحوم سید جلال الدین مویداالاسلام همکاری داشتہ و همین کار سبب گردید کہ بعدا کہ بایران آمد و پس از مدتی زندانی بودن و نجات از زندان در سال ۱۳۰۰ شمسی موفق بدریافت امتیاز و انتشار روزنامہ ایران آزاد گردد .

ضیاء الواعظین اصلا اهل یزد و در شیراز متوطن بود و چون از وعاظ منور الفکر و حساس و لقب ضیاء الواعظین نیز بہمین مناسبت بودہ است ؛ پس از آنکہ در اوایل سال ۱۲۹۳ شمسی ؛ بعد از شروع جنگ بزرگ ، بایران بازگشت ، در شیراز در اماکن مختلفہ نطقہای مہیجی ایراد میکرد و اہالی را بقیام و اقدام بر علیہ اجنبی

و اداری مینمود ، سخنان مهیج ضیاء الواعظین سبب گردید که پس از سلطه انگلیسان بفارس ، در ۱۷ فروردین ۱۲۹۵ با عده از یارانش او را زندانی کنند و در حدود يك سال در محبس شیراز بسر میبرد و انواع بلیات را متحمل میشد تا آنکه بالاخره در اسفند سال مذکور بر اثر پیش آمد غیر مترقبه ای از زندان نجات یافت و متنکر ا بطهران رفت .

در طهران همانطور که یاد آور شدیم موفق بدریافت امتیاز روزنامه ایران آزاد گردید و این روزنامه از همان ابتدا بعلت مقالات تند و آتشین آن مورد توجه مردم قرار گرفت و بنحو بی سابقه تعداد زیادی خواننده پیدا کرد و لذا در جدی سال ۱۳۰۱ شمسی روزنامه برای مدتی از طرف دولت توقیف شد . خبر این توقیف را روزنامه ایران که يك روزنامه نیم رسمی است در شماره مورخ ۱۰ جدی ۱۳۰۱ در ضمن اخبار داخله چنین مینویسد : « نامه ایران آزاد که از جراید ملی و مهم پایتخت بوده و مدیر فاضلش سوابق زیاد در راه آزادیخواهی دارد مدتیست توقیف شده ما و علاقمندان رفع توقیف آنرا خواهانیم . » قبل از این تاریخ نیز یعنی در عقرب سال مذکور یکبار توقیف گردید و خبر آنرا در شماره ۲۲ سال دوم روزنامه طوفان مورخ ۴ عقرب اینطور نوشته است : « روزنامه ایران آزاد بدون مجوز قانونی توقیف شد » در دوره پنجم مجلس شورای ملی ؛ ضیاء الواعظین ، هنگام عبور از شیراز از طرف مردم کاندید و کالت شد و با اینکه مخالفین زیاد داشت در نتیجه پافشاری سردار عشایر از قشقایی انتخاب شد و بتهران آمد و تا دوره هشتم مجلس ، نمایندگی ایل قشقایی را دارا بود . چه قبل از رسیدن نمایندگی مجلس و چه بعد ، چندین بار روزنامه ایران آزاد توقیف گردید و برای بار سوم توقیف روزنامه در نتیجه نوشتن مقالات معروف : « وضعیت پوشالی - مجلس پوشالی - اکثریت پوشالی » بود که در این بار از طرف احمد شاه در محکمه اقامه دعوی شد و جلسات محاکمه دو بار تشکیل گردید و چون معلوم بود که محاکمه بر علیه شاه تمام خواهد شد ، بنا بپیل و درخواست شاه مرحوم مستوفی الممالک ، ضیاء الواعظین را راضی کرد که بهندوستان برود .

تبعید ضیاء الواعظین از طهران - در او آخر سال ۱۳۰۱ شمسی بعلت انتشار شماره ایران آزاد که در آن مقالات (وضعیت پوشالی - مجلس پوشالی اکثریت پوشالی) نوشته شده بود ، ضیاء الواعظین و همکار دیگر او آقای موسوی زاده که در روزنامه بینکار مقالات تندی مینوشت از طرف احمد شاه دعوت به محاکمه شد و اعضای هیئت محاکمه در محاکمه مذکور بدین قسم معرفی شدند : آقا شیخ رضا دهخوارقانی آقا حسین همدانی - آقا - پید هادی نوری - شریعت زاده - آقا شیخ علی اکبر مازندرانی

حرف الف بعده الیا

ایران آزاد

بقسمیگه فوتا یاد آور شدیم چون معلوم بود مهاکمه بر علیه شاه تمام خواهد شد از این جهت ضیاء الواعظین بهندوستان و موسوی زاده بیزد تبعید کرد بد و چون فرخی مدیر روزنامه طوفان نیز در این هنگام از مخالفین دستکاه دولت و پیوسته با مقالات شدید الحن خود بمجلس و شاه حمله مینمود؛ جدا از دو همکار خود موسوی زاده و ضیاء الواعظین طرفداری و تمام جریان مهاکمه و تبعید دو مدیر روزنامه را بصورت اعتراضات سختی در روزنامه طوفان منعکس کرده است. من جمله در شماره ۳۸ سال دوم طوفان تحت عنوان (در راه آزادی) نتیجه مهاکمه را این قسم مینویسد:

«دیروز سه بعد از ظهر رفقای محترم ما ضیاء الواعظین مدیر جریدة شریفه

ایران آزاد و موسوی زاده مدیر سابق طوفان صاحب امتیاز بیکار مدیر مسئول قیام بسمت اصفهان و یزد حرکت نمودند. بما میگویند مصالح مملکت و مقتضیات کنونی حرکت آنها را ایجاب نموده است برای ملت ایران که جوان های نیرومندی در راه مصالح مملکت شهید دیده است و برای ما که آماده شده ایم خود و هزاران نفر امثال ضیاء الواعظین و موسوی زاده را بقربانگاه آزادی تقدیم نمائیم این هدایا و تحف باستان حریت قیمتی ندارد ولی آیا این قربانیها برای مصالح مملکت می باشد یا نه بر ما پوشیده است» فرخی در همین شماره طوفان بمناسبت تسلیم شدن رفقایش در محکمه رباعی زیر را ازسوز دل گفته است:

ضیاء الواعظین در لباس تمامه و رزم

افسرده ز صاحبان دیهیم نشد
تسلیم نمود جانت و تسلیم نشد

هرگز دل ما ز خصم در بیم نشد
جانم بقدای آنکه در پیش عدو

در شماره بعد یعنی شماره ۳۹ سال دوم طوفان فرخی متن تلفونی که ضیاء الواعظین و موسوی زاده بعنوان تودیع نموده بدین قسم چاپ کرده است: «نمره ۴۹۱ مورخه



۲۳ دلو . نوسط طوفان ؛ شفق سرخ ؛ کوشش ، اتحاد جراید مقدسه ملی . نظر بمسافرت اجباری که تسریع آن از طرف رئیس محترم دولت امر و تاکید شده بود از زیارت و تودیع دوستان محروم و بدین وسیله لدعیه خالصانه تقدیم و موفقیت عموم رادرانجام وظایف ملیه از خداوند متعال درخواست مینمائیم . ضیاءالواعظین . موسوی زاده . « دو شماره ۴۰ سال دوم مینویسد از قم اطلاع میرسد که آقای موسویزاده و آقای ضیاءالواعظین دو روز قبل با دستگاه پست وارد و ازقرار مذکور بطرف کاشان یا اصفهان عزیمت نموده اند . ونیز در شماره ۴۳ سال دوم تلگرافی را که هردو آقایان از اصفهان نموده بدین قسم درج کرده است : « اصفهان . ۲ حوت طوفان . حضرت آقای فرخی سلامت وارد . موسوی زاده - ضیاءالواعظین »

موسوی زاده بطرف یزد و ضیاءالواعظین رهسپار شیراز شدند ضیاءالواعظین هنگام عبور از شیراز از طرف مردم کاندید و کالت شد و همانقسم که قبلا نوشتیم در نتیجه پافشاری سردار هشایر از قشقای انتخاب گردید و در سنبله و یا میزان سال ۱۳۰۲ شمسی بطهران بازگشت نمود . در طول این مدت روزنامه ایران آزاد توقیف و منتشر نمیشد تا حوت سال ۱۳۰۲ که ضیاءالواعظین مجددا روزنامه را منتشر ساخت در شماره ۱۵ روزنامه طلوع مورخ پنجشنبه ۲۳ حوت ۱۳۰۲ شمسی تحت عنوان (تجدید حیات سیاسی جریده شریفه ایران آزاد) مینویسد : « جریده شریفه ایران آزاد که در تحت مدیریت آقای ضیاءالواعظین نماینده محترم قشقای که از مبرزترین سیاسیون و صمیمی ترین احرار و فداکارترین عناصر مرکز اداره میشد و بواسطه توقیف های بی درپی چندی تعطیل بود اخیرا افق مطبوعات مرکز را روشن و مجدد وارد مرحله خطرناک جریده نگاری شده اند . « ایران آزاد همانقسم که قبلا یاد آور شدیم در حوت ۱۳۰۰ شمسی تاسیس گردید و مدتی با توقیف های متوالی و بوضعی که ذکر کردیم منتشر میشد . در سال اول سردبیری روزنامه بمهده آقای (عرفان) که قبلا نام ایشان در این کتاب ذکر شده بوده و شماره ۸ سال اول روزنامه در چهار صفحه بقطع بزرگ در تاریخ چهارشنبه ۲۴ جمادی الثانیه ۱۳۴۰ قمری و ۳۰ حوت ۱۳۰۰ شمسی منتشر گردیده است . پس از آنکه ضیاءالواعظین بنمایندگی دور . پنجم مجالس شورایی انتخاب گردید باز مدتی ایران آزاد منتشر شد و جمعا تاموقعی که برای مدت درازی دیگر روزنامه منتشر نشد ۱۲۰ شماره از آن انتشار یافت .

گرفتاریهای سیاسی و اشتغال بامور نمایندگی دیگر مانع از آن بود ضیاءالواعظین روزنامه را منتشر کند و لذا تا شهریور ۱۳۰۹ شمسی منتشر نشد و از روز اول شهریور سال مذکور روزنامه با استثنای ایام تعطیل همه روزه عصرها منتشر می

گشت و ایران آزاد از این پس یکی از روزنامه های مهم و آبرومند و کثیرالانتشار و مفید و قابل استفاده پابخت گردید . آغاز شروع مجدد روزنامه مصادف با سال دهم تاسیس آن بوده و شماره اول این دوره با نمره مسلسل ۱۲۱ شروع میگردد شماره ۱۲ این سال در تاریخ شانزدهم شهریور ۱۳۰۹ شمسی انتشار یافته سال ۱۱ روزنامه که آخرین سال انتشار آن بوده در سوم شهریور ۱۳۱۰ شمسی مطابق ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۵۰ قمری شروع گردیده است .

ایران آزاد در این سال عصرهای شنبه ؛ دو شنبه ؛ چهار شنبه ؛ در چهار صفحه به تطیع بزرگ ؛ انتشار یافته ، مدیر روزنامه با خود ضیاء الواعظین و مدیر داخلی آن (س . عبدالغنی) بوده است ؛ وجه اشتراك سالیانه روزنامه داخله ۵۰ قران ، خارجه ۸۰ قران ، و تك فروشی در مركز ۵ شاهی و در ولایات ۶ شاهی است . قیمت اعلانات صفحه اول ۴ ، صفحه دوم ۳ صفحه سوم ۲ و صفحه چهارم يك قرانست ؛ محل اداره : طهران . پشت مسجد سپهسالار جدید . مقاله افتتاحی سال یازدهم تحت عنوان (سال نو - فکر کهن) بدین قسم شروع میگردد . « روزنامه ایران آزاد با تقدیم این شماره سال جدید خود را شروع مینماید و نویسنده آن بنا بر عقیده دیرین خود جز خدای یگنا معبودی نشناخته . ایران را کعبه وهم وطنان را اهل حرم و خاصان درگاه الهی میدانند . خدا را موثر در وجود و بد خواهان این ملک را محکوم بخاری و رسوائی و مردم آنرا با استعداد ، هوشمند و بیدار و حق شناس و ناممکن است حول و برد بار و در آخر سخت گیر میشناسد . »

پس از قسمت مذکور شرحی بخلاصه اینکه ایران آزاد در سنوات گذشته نتوانسته است خدمت مهمی به پیشگاه اهل ادب بنماید و نیز از خانمهای جوان معذرت میخواهد که نتوانسته است مقالات مهمی در باره تربیت نسوان درج نماید ، نوشته است . مندرجات سال یازدهم عبارت است از ترجمه جلد دوم کتاب بینویایان و یکتور هوگو ، ترجمه اعتصام الملك که قسمتی از آن در سال قبل چاپ شده مقالات تحت عنوان (دوبال بشریت) ، کتاب (مرغ جنگلی) که از یادداشت های دختر جوان تحصیل کرده است و آقا شیخ ابراهیم زنجانی آنرا ترجمه نموده علاوه بر مطالب مذکور اخبار داخله و مذاکرات مجلس شورایی و اخبار خارجه مفصلا و نیز در پاورقی روزنامه رمان (گردن بند ملکه) تالیف الکساندر دوم ترجمه و شیمگر چاپ شده است . چون در این اوقات ثبت عمومی در تمام کشور شروع شده و اعلانات ثبت عمومی ملایر ، نهاوند و تویسرکان مختص بروزنامه ایران آزاد بوده از این جهت در سال یازدهم بخصوص بیشتر صفحات سوم از قسمت چهارم به درج آگهی ثبت

عمومی اختصاص داده شده است . سال یازدهم روزنامه پایان نرسیده بود که بعثت انتشار کلمات قصار تحت عنوان (ای مرد بزرگ) که بشاه یعنی رضا شاه قیدخطاب میشد روز نامه توقیف شد و مرحوم ضیاء الواعظین گوشه گیری اختیار نمود و برای همیشه بواسطه مساعد نبودن اوضاع از کار روزنامه دست کشید ؛ آغاز نشر این کلمات قصار از فروردین ۱۳۱۱ شروع گردیده و ما برای نمونه چند تای آنها را ذیلا نقل مینمائیم . در شماره ۷۷ مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۱۱ شمسی مینویسد : « ای مرد بزرگ - با خدا باش . روز بروز رابطه خود را با خدا محکم تر کن . مباداروزی بیاید که رابطه ات با خدا قطع گردد و رفتار تو با خلق تو را از خدا دور سازد . » در شماره ۸۰ مینویسد : « ای مرد بزرگ - از بیگانگان باید احتراز کرد مخصوصا بیگانه ای که بناموس و دارائی تو چشم دوخته و رفتار مگر آمیز و عبرت آورش نسبت بهم سایگان مشهود است از نظر دور مدار که چنین بیگانه ای دوست و صدیق نمیشود . از او بر حذر باش و از غدرش بیندیش ؛ مبادا در خانه تو راه یابد و با یاران و نزدیکان دم ساز شود . »

برای آنکه از شر اجانب برکنار و از کیدشان ایمن باشی ، تا به اثبات هنر و لیاقت کامیاب گردی ، کارهای بزرگ انجام دهی ، آوازه ات بلند شود و آثار مهمی از تو باقی ماند ، قبل از هر کار اجنبی پرستان را در هر لباس و دارای هر رتبه و مقامی که باشنده خویش داری و گناهشان را بر سر و بنیادشان را از بیخ و بن برکن که اگر آنان دست یابند بر تو ابقاء نکنند و تا تو را نابود نسازند و دودمانت را بر باد ندهند آرام ننشینند . گفته دانشمند ایرانی را بکار بند که میفرماید :

هر آن داری که شاخس سر بدر بی * مدامش باغبان خونین جگر بی

بیاید کندنش از بیخ و از بن * اگر بارش همه لعل و گهر بی

در شماره ۸۱ مورخ دو شنبه ۲۹ فروردین مینویسد : « ای مرد بزرگ . کاری کن که سرمایه معنوی افراد بکار افتد . در آن صورت مردم سرمایه مادی خود را با طیب خواطر نشان خواهد داد . چنانکه سمدی شیرازی فرماید : در آن ملک قارون برفتی دلیر که شه دادگر بود و درویش سیر . »

درج این کلمات قصار سبب گردید که روزنامه ایران آزاد توقیف گردد و ضمنا دوره نمایندگی ضیاء الواعظین در مجلس خاتمه پیدا کرد و ایندو باعث شد که اینمدیر روزنامه برای همیشه منزوی و خانه نشین گردد ضیاء الواعظین برای امرار معاش و اداره زندگی ناچار بکسب گردید و مدتی بشغل زراعت پرداخت و در سال ۱۳۱۵ شمسی در میدان بهارسان طهران (شرکت روزی) را تاسیس نمود و تا هنگام فوت یعنی سوم خرداد ۱۳۲۲ ش .س باین کار مشغول بود : ضیاء الواعظین از آزادبخواهان بنام و

علاوه بر اینکه نویسنده زبردستی بود در وعظ و ایراد خطابه نیز سحر بیان داشت و قسمتی از بیانات و سخنرانیهای او را بر علیه انگلیسمان در شیراز در کتاب فارس و جنک بین الملل نقل شده ، خوانندگان برای اطلاع بیشتری بکتاب مذکور مراجعه فرمایند . از خدمات مهم مرحوم سید ابراهیم ضیاء تاسیس مدرسه صنعتی فارس در شیراز است که در دوران نمایندگی خود در مجلس اساس آنرا بنا کرده این مدرسه در محل مقبره محمد رحیم خان فرزند کریم خان بنا شده و دارای ماشینهای آهنگری نجاری ؛ رنکری و لوازم کشاورزی و هم اکنون یکی از ابنیه و مدارس عالی فارس است .

(۲۴۲) ایران امروز

روزنامه ایران امروز در طهران بدیری (شیخ یحیی کاشانی) تاسیس و در ربیع الاول ۱۳۳۲ قمری هفته سه بار منتشر شده است . در شماره چهارم سال یازدهم چهره نما منطبقه مصر بعنوان تقریب راجع باین روزنامه مینویسد : « نامه نامی و روزنامه گرامی ایران امروز منطبقه طهران اثر قلم فرخنده شیم یگانه عالم فاضل و تحریر شهیر احل (آقا شیخ یحیی کاشانی) مدت های مدید از افکار معالی بار خود بازار معارف و ادبیات ایران را با انواع رسائل ادیبانه و نگارشات عالمانه رونق افزایی مینمود و چند گاهی قلم از تحریر باز داشته و ایستاد بدین همایون نامه عالم ادبیات را زبانی تازه بخشود . »



شیخ یحیی کاشانی از آزادبخواهان و نویسنده گان معروف و مردی پاک سیرت و شریف بوده و قبل از مشروطیت ایران عضویت کمیته سری که بر علیه امین السلطان تشکیل یافته داشته است . چند تن از اعضای این کمیته عبارت بوده اند از میرزا محمد علی خان ؛ شیخ عبدالعلی موبد ؛ شیخ یحیی کاشانی رشیده . این کمیته در سال ۱۳۱۹-۲۰ قمری روز نامه بنام (غیرت) منتشر کرده که در حرف غین کتاب از آن گفتگو خواهیم کرد . شیخ یحیی کاشانی ؛ بعد از ادیب الممالک زمانی سردبیری روز نامه مجلس را

تصویر شیخ یحیی کاشانی

در ۱۳۳۲ هجری قمری و مدتی هم ریاست هیئت تحریریه و مترجمی زبان عربی روزنامه

ایران را داشت و باین سمت باقی بود تا شب دو شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۰۸ شمسی که در طهران فوت نمود .

(۲۴۳) ایران امروز

روزنامه ایران امروز در طهران بطور یومیه تاسیس و بتوسی و مدیری (میرزا علیخان سپیل) منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در دو صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (سعادت) چاپ شده و دو تاریخ چهارشنبه دوم ذیقعده ۱۳۴۰ قمری مطابق ۷ سرطان ۱۳۰۱ شمسی و ۲۸ ژوئن ۱۹۲۱ انتشار یافته در عنوان روزنامه ایران امروز یومیه قید گردیده و نوشته است باستانی ایام تعطیل همه روزه عصرها منتشر میشود . و نیز در عنوان روزنامه نوشته است : « این روزنامه طرفدار طبقات کارگر است » مقاله افتتاحیه و یا سرمقاله شماره اول هم این مسلك را نباید نموده مینویسد : « مسلك ما . پس از شانزده سال مشروطیت اینك ما قدم بعرضه مطبوعات گذاردیم . اینك ما میخواهیم در این محیط نیز برضد جهل دروغ بالاخره اشرافیت بچنگیم ، اینك ما میخواهیم هویت خودمان را بخوانندگان معرفی کنیم » محل اداره روزنامه : خیابان ناصریه کوچه حاج نایب . (هدیه روزنامه) یکساله خارجه صد و بیست قران ؛ ششماهه ۶۰ قران . طبقه اول ۱۰۰ قران ۵۵ قران . طبقه دوم ۶۰ قران ، ۳۵ قران . از خصوصیات روزنامه ایران امروز این است که روز و سال انتشار روزنامه را در طرف چپ عنوان روزنامه بماه و سال قمری ، شمسی ، میلادی بنام (تقویم ایران امروز) چاپ کرده و اسم روزنامه در گوشه راست عنوان روزنامه نوشته شده است .

مندرجات شماره اول پس از درج مقاله اساسی ، (مقاله فریادها) در اطراف نفت شمال و بعد اخبار داخله و تلکرافات مربوط بشهرستان هاست . ایران امروز مرتباً مدتی انتشار یافته بقمیکه شماره دوم آن در سوم ذیقعده ۱۳۴۰ قمری نشر شده و این شماره مشتمل برمقالات انتقادی و سرمقاله آن تحت عنوان (باز هم مجلس) میباشد . از روزنامه ایران امروز نکارنده تا شماره ۳۸ سال اول مورخ ۲۹ جمادی الاول ۱۳۴۱ مطابق ۲۶ جدی ۱۳۰۱ در دست دارم .

(۲۴۴) ایران امروز

مجله ایران امروز در تهران بمدیری (میر محمد حجازی) نویسنده معروف تاسیس و شماره اول آن در بیست و چهارم اسفند ۱۳۱۷ شمسی توزیع شده است .

مجله ایران امروز یکی از نفیس و زیباترین مجلاتی است که تا کنون در ایران انتشار یافته و علاوه بر مطالب متنوع و مباحث علمی و ادبی و تاریخی بی شمار که در آن یافت میشود. از حجت قطع صفحات (قطع بزرگ و زبری) و گراورهای زیبا و چاپ فشنک و کاغذ خوب دست کمی از مجلات خارجی ندارد. در مجله ایران امروز ذکری از هفتگی یا ماهیانه بودن آن نیست ولی از تاریخ شماره های منتشره آن معلوم میگردد که بطور غیر مرتب انتشار می یافته چنانچه در مدت یکسال و کسری بیش از شش شماره از آن منتشر نگردیده اما بعد از عنوان ماهانه پیدا کرده و ماهانه منتشر می شده است عده صفحات مجله معمولاً ۵۴ صفحه بقطع بزرگ و در هر شماره چند صفحه ضمیمه نیز مخصوص درج اعلانات دارد. پشت جلد مجله، در هر شماره تصویر یکی از ابنیه قدیم یا جدید و یا یکی از مناظر زیبا و نام مجله (ایران امروز) بخط نستعلیق و تاریخ انتشار مجله چاپ شده است.

همانطور که قبلاً نوشتیم امتیاز و مدیری مجله بعهده (معهد حجازی) بود. ولی در حقیقت مجله ایران امروز نشریه (کمیسیون مطبوعات پرورش افکار ایران) بوده که آقای حجازی ریاست کمیسیون را داشته است. برای اینکه خوانندگان از کمیسیون و پرورش افکار اطلاع پیدا کنند لازم است بطور اختصار تاریخچه از تاسیس پرورش افکار بیان نموده تا خوانندگان بچگونگی انتشار این مجله و منظور از آن اطلاع حاصل کنند.

پرورش افکار

پس از آنکه اعلیحضرت رضا شاه پهلوی قدرت و نفوذ ظاهری خود را در سراسر کشور بسط و توسعه داد و در گوشه و کنار احدی قدرت ابراز مخالفت با سلطنت او نداشت و تا اندازه ای از انجام اصلاحات کشوری فراغت پیدا کرد درصدد برآمد که مردم از روی حقیقت و باطن نیز بسط سلطنت او ایمان بیاورند و از صمیم قلب او را دوست بدارند. گرچه اعلیحضرت رضا شاه پهلوی بعلت اصلاحاتی که در مملکت بعمل آورده بود مردم خواهان او بوده ولی چون کم کم اطرافیان فاصله بزرگی بین او و توده مردم ایجاد کرده بودند از این جهت جسته جسته عده ای ناراضی در مردم پیدا شده بود و برای ایجاد رضایت عمومی و ایمان قومی در مردم ناچار ب فکر تاسیس دستگاه تبلیغاتی برآمدند که بتواند این وظیفه را بخوبی انجام دهد و بهمین منظور در سال ۱۳۱۶ سازمانی در پایتخت بنام (سازمان پرورش افکار) و بعداً شعبات آن در شهرستانها تاسیس گردید. وظیفه عمده این سازمان ایجاد حس شاه پرستی و اطاعت از قوانین بوسایل مختلف در مردم بود. برای انجام این وظایف پرورش افکار بچند کمیسیون و با

شعب که عبارت بودند از کمیون مطبوعات؛ کمیون نمایش و موسیقی؛ کمیون سخنرانی تقسیم شده بود و هر کدام از این کمیونها وظایف خاصی را عهده دار بودند؛ مثلاً کمیون سخنرانی موظف بود همه ساله برنامه هائی برای سخنرانی در موضوعات خاصی تهیه نماید و از اشخاص معروف و دانشمند برای ایراد سخنرانی دعوت کند. (مجموعه از سخنرانیها و آهنگهای موسیقی و نمایشنامه ها و سرودهای مخصوص پرورش افکار) که از آبان ۱۳۱۸ تا خرداد ۱۳۱۹، در تالار دارالفنون ایراد شده. در کتاب مستغلی چاپ و از طرف دبیرخانه سازمان پرورش افکار در مهر ماه ۱۳۱۹ خورشیدی منتشر شده است. علاوه بر این مجموعه سازمان دارای نشریه های دیگری که عبارت از دروس استادان در کلاسهای مخصوص سازمان بوده داشته که بصورت رساله های جداگانه چاپ شده است. اغلب متصدیان و روسای سازمان پرورش افکار کارندان عالیرتبه دولت و وزراء و مدیران کل بوده اند.

یکی از کمیونهای سازمان پرورش افکار کمیون مطبوعات است که آقای حجازی در راس آن قرار داشت و مهمترین کار این کمیون انتشار مجله بسبک‌نویس و آبرومند و متناسب با اوضاع آنروز ایران بود که ایران و ترقیات حاصله آن را بجهانیان بشناساند بنابر این مجله ایران امروز: در حقیقت يك مجله دولتی و منظور از نشر آن معرفی سردودمان پهلوی بشمار میرفت و بهمن جهت هم قبول اشتراك مجله برای کارمندان مهم دولت اجباری بوده است. گرچه در شماره اول این مجله مانند سایر جراید و مجلات شرحی درباره مرام و مملکت مجله نوشته نشده که طبق معمول آنرا نقل کنیم ولی در همین شماره پس از نوشتن صفحات اول و دوم درباره ۱۲۴ سفند که روز مقدسی بود و عرض تهنیت بمناسبت این روز (این سطور با خطوط طلائی نوشته شده است) در صفحه چهارم و پنجم تحت عنوان (وضیفه ما) سطور درج است که تا اندازه علت پیدایش مجله را روشن مینماید و ضمناً از همین سطور معلوم میشود مدیر مجله و سایر موسسین آن تا چه اندازه در منظور خود که تعریف و نشانت دادن عظمت اعلیحضرت فقیه باشد سعی کرده اند.

«وظیفه ما - وقتی خداوند پس از قهر و بی‌مهری بچشم عنایت در مردمی نگریست دست توانا از آسمان فرود آمده کشتی بی‌سکان ملت را در طوفان دریای زندگی از گرداب نیستی نجات داده در مسابقه حیات بجلو میراند. اینک بلندترین نقطه اعتلای کشور در زیر پرچم فرخنده پهلوی در آفتاب سعادت درخشیده بلندیهایی دیگر را زیر سایه گرفته است. در این دوره درخشان بنای آبادی و کاخ سرافرازی بدست اعلیحضرت همایون شاهنشاه بزرگ پهلوی در حصار فولادین ارتش بر چهار

پایه محکم قانون و دانش و صنعت و اقتصاد بالا می‌رود. آری این اراده متین و دل فرزانه که در این عصر خجسته ما را رهبری می‌فرماید دریای آهن است که در قالب قانون سراسر کشور را فرا گرفته، دست ظلم و بیداد سرکشان را بزنجیر بسته. وظیفه واجب ماست که هرچه بتوانیم بچراغ دانش مددی برسانیم تا سراسر کشور روشن شده خانه و برادرهای خود را به بینیم و بشناسیم و دوست بداریم و در حفظ حد و حق خودمان از چشم بیگانه بد بین براهنمائی پیشوای دانا و توانا هم آهنگ و هم زور شویم. کارکنان این مجله بنابر وظیفه مقدرس دانش پروری بر سر عهده گرفته اند هم میهنانرا شاه پرستی و میهن دوستی رهبری کرده بناهای عالی و منظره های قشنگ و جاها و چیزهای دیدنی را بوسیله عکس و تصویر نموده اهالی کشور را بیکدیگر نزدیک و علاقمند سازند و با نوشتنهای ادبی و علمی و تاریخی و فلسفی و اقتصادی و غیر اینها بی‌بالا بردن سطح معلومات خوانندگان کمک موثر بنمایند. روش این مجله راه روشن شاه پرستی و میهن دوستی است؛ در درازای بی پایان این راه هر نوع فکر و نگارش پذیرفته خواهد شد. بنا بگفته بزیرگان که مردم آئین پادشاهند ما از آن اراده آهنین و دل دریا همت خواسته بی ترس و تردید کاری باین دشواری را بدوش گرفته ایم آنها که در این کار دستی دارند بر نقص و لفتشهای ما خرده نگرفته فرصت خواهند داد که خود را بهتر بیاراییم. شاید هم نشریات مهم در آغاز پیدایش از این خوبتر نبوده پس از سالها و قرن ها باین پایه رسیده اند؛ لکن ما بهمت آن ذات قدسی که قبله عمل قرار داده ایم یک شبه ره صد ساله خواهیم رفت ۲۰۰۰

همانقسم که در سطور مذکور نوشته شد مندرجات مجله ایران امروز عبارت از مقالات علمی و ادبی و تاریخی و هم چنین در باره ترقیات کنونی ایران است و نیز تصاویر و عکسهای زیبا مربوط بآثار و ابنیه قدیم و جدید در صفحات مجله بعد و فور چاپ شده و همین تصاویر مجله را خیلی زیبا و قشنگ و نظیر مجلات خارجی نموده است. ذیلا فهرست مندرجات و عکسهای یکی از شماره های مجله را نقل می‌نمائیم. فهرست مندرجات و عکسهای شماره پنجم سال دوم موزخ مرداد ماه ۱۳۱۹:

روی جلد تصویر کارخانه دخانیات طهران پشت جلد تصویر رهبران پیشاهنگی دختران در حال تمرین. امتحانات آموزشگاهها (والا حضرت شاهدخت فاطمه پهلوی که با معدل ۱۹٫۶۲ در امتحانات دبستان ها شاگرد اول شده هنگام امتحان دانش آموزان هیئت ممتحنه، هنگام امتحان، تصحیح برگزین امتحان، تصاویر مربوط ببقاله امتحانات آموزشگاههاست) کیتی بقلم محمد حجازی. کتابخانه بانک ملل ایران (از طرف مجله مشتمل بر تصاویر جایگاه نمایش کتابهای نفیس، سقف مدخل کتابخانه؛ تالار

کار کتابخانه ، گنجینه کتابخانه ؛ نمای عمارت کتابخانه (مرغان بلند پرواز (از طرف مجله) مشتمل بر تصویر عقاب امریکائی ، کرکس گوشدار ؛ عقاب . تربیت بدنی (از طرف مجله) مشتمل بر تصاویر استخر شنا ؛ رهبران پیشاهنگی دختران در حال تمرین ، منظره تماشای مسابقه های شنا و پرش در استخر شاه رضا . استراحت پیشاهنگان در یکی از گردشهای هفتگی . تصویر یکی از شرکت کنندگان مسابقه شنا . چهلستون اصفهان (نویسنده فضل الله حقیق) مشتمل بر تصاویر دورنمای چهل ستون از کنار استخر . بنای ایوان بزرگ ، وضع ستونها و تزیینات سقف ایوان بزرگ ، یکی از میناتور های قشنگ ، مجلس پذیرائی شاه طهماسب اول از رئیس ازبکات ، مجلس پذیرائی شاه عباس اول از رئیس ازبکان چند میناتور قشنگ تالار پذیرائی ؛ طرز تزیینات یکی از جزر های . سقف تالا و پذیرائی ، نقوش زیبای روی کاشی ، تزیینات کاشی در بدنه دیوار یکی از مجسمه های چهار گوشه استخر چهلستون (زن در ادبیات جدید (دکتر فاطمه سیاح) . دخانیات . (اداره مجله مشتمل بر تصاویر منظره خارجی کارخانه ماشینهای پرکننده ؛ ماشینهای خشک کننده منظره های مختلف از قسمتهای داخلی و خارجی کارخانه ماشینهای بسته بندی ، ماشین تهویه ، اطاق توزین يك قسمت از بهداری دخانیات)

محل طبع مجله چاپخانه مجلس و وجه اشتراك آن بدین قرار است : در ایران یکساله ۱۰۰ ریال ؛ ششماهه ۵۵ ریال کشورهای دیگر یکساله ۲۵۰ ریال ، شش ماهه ۱۱۰ ریال . تك شماره ده ریال . بهای آگهی يك صفحه ۶۰۰ ریال ، نیم صفحه ۳۰۰ ریال يك چهارم صفحه ۱۵۰ ریال .

محمد حجازی - آقای محمد حجازی مدیر مجله ایران امروز از نویسندگان معروف و مواف کتاب مشهور آئینه میباشند . نامبرده از اعضای عالیرتبه دولت در وزارت پست و تلگراف و مقالات ایشان که اغلب بصورت داستان نوشته شده در اغلب جراید و مجلات مهم بچاپ رسیده است . روزنامه باباشمل منطیبه طهران در مقالاتی که بعنوان (چگونه باورم شد که نویسنده یا شاعر هستم) بسبب خود درباره آقای محمد حجازی ملقب به طبع الدوله مینویسد : > ۰۰۰ باری چون بوطن مالوف مراجعت کردم تا وقتیکه قلب و قلمم رنگ تعلق زمانه را بخود نگرفته بود الحق زیبا مینوشتم و خودم از این شیرینی بیان و تازگی اسلوب لذت میبردم . پیر و جوان طالب آثارم بودند و مرد و زن کتاب ها یم را خریداری اما نمیدانم چه شد حب مقام بکله ام زد و یارندان ماجراجو بگرمی بازارم خد بردند . عوض شدم با عوضم کردند یکوقت خود را دیدم که در سالن پرورش افکار زبان سرخ را رها کرده همانطور یکه عنصری در بازه فتح سومات قصیده میخواند من نیز در باره عملیات دیکتاتور فقیه دادفصاحت

و بلاغت میدهم . هرچه الفاظ زیننده و تعبیرات دلپذیر از پیر استاد بغاظر داشتیم روی دایره ریختم ولی ۰۰۰ مجله ای بدستم دادند و گفتند باید بنویسی و وضیعت ایران دیروز را بخوبی مجسم کنی ؛ نوشتم ولی مثل کسیکه در خواب می رود و به مقصد نمیرسد نوشتجاتم همه بی رنگ و بو و بی حاصل بود . آئینه پندارم رنگ گرفته بود (شماره ۸۶ روزنامه با با شمل)

در حقیقت آقای مطیع الدوله حجازی با نوشتن کتاب آئینه و مقالات مختلف سبک نو و مطلوبی در نویسندگی پدید آورد که مورد پسند همگان قرار گرفت و نام حجازی را در ردیف نویسندگان درجه اول قرار داد . منتهی ورود بدستگاه پرورش افکار قدری از نفوذ و اعتبار او کاست آقای حجازی علاوه بر مجله ایران امروز ، در سال ۱۳۱۱ شمسی نیز مجله پست و تلگراف و تلفن را منتشر میساخته و مادر حرف (پ) کتاب بتفصیل از این مجله گفتگو خواهیم کرد . بنیر از کتاب آئینه حجازی چند کتاب دیگر نیز تالیف و منتشر نموده که عبارتند از ۱- روان شناسی که در ۱۶۰ صفحه کوچک در مطبعه فردوسی چاپ شده . ۲- تلگراف بی سیم در سال ۱۳۰۲ شمسی در برلین ؛ در چاپخانه کابویانی در ۴۴ صفحه کوچک پستی بطبع رسیده است . ۳- هما . در شهریور ۱۳۰۷ ؛ در ۲۳۰ صفحه بقطع پستی . در چاپخانه خاور چاپ شده همانمانیست اخلاقی و سرگذشت دختر بیست که دارای عواطف و احساسات پاکی بوده . کتاب هما در ردیف بهترین رمانهاست که بزبان فارسی نوشته شده است . ۴- پریچهر . رمانیست عشقی و در مطبعه باقر زاده در سال ۱۳۰۸ ؛ در ۲۲۴ صفحه بقطع پستی طبع گردیده است .

(۲۴۵) ایران باستان

روزنامه ایران باستان در تهران بمدبری (سیف آزاد) تا سیس و شماره اول آن روز شنبه اول بهمن ۱۳۱۱ شمسی مطابق ۲۱ ژانویه ۱۹۲۳ میلادی منتشر شده است . ایران باستان روزنامه ایست سیاسی ، اقتصادی ؛ مصور و مرام آن چنانچه در عنوان هر شماره ذکر گردیده « شناساندن ایران امروز بخارجه و ایرانیا نیکیه در خارج ایران زندگی میکنند خصوصا پارسیان مقیم هندوستان راهنمایی های تجارتی و صنعتی بایشان ، معرفی پارسیان مقیم هند و علاقمندی ایشان بایرات و ایرانیان » علاوه بر این سیف آزاد نامه خود را طرفدار شاهنشاهی و عظمت ایران باستان دانسته است .

شماره اول روزنامه در هفت صفحه بقطع بزرگ با تصاویر زیبا و متعدد و من جمله در صفحه اول عکس بزرگ رضا شاه پهلوی چاپ شده است . شماره اول در فاصله کمی

تمام شده و مدیر آن مجبور شده برای بار دوم در پنجهزار نسخه آنرا تجدید طبع نماید . چون شماره اول دارای اغلاط و بعضی از تصاویر آن وارونه چاپ شده لذا در صفحه هفت آن وعده داده که در شماره های بعد تعداد صفحات به ۱۲ صفحه ترقی داده میشود و ثانیاً نواقص چاپی آن رفع میگردد و تعداد هشت هزار شماره از آن منتشر میشود . جای اداره ایران باستان خبابان لاله زار طهران ، کانون ایران باستان . آدرس تلگرافی (ایران باستان) بهای آبونمان سالیانه در طهران ۵۰ ریال و در خارجه پنج دلار است . شش ماهه نصف قیمت و تک شماره ده شاهی پس از انتشار چند شماره ؛ در نتیجه استقبال مردم بقرائت آن قیمت آبونمانه و تک شماره بالا برده شده و بدین قرار معین گردیده است : در داخله ۷۰ ریال و در خارجه ۱۴۰ ریال . تک شماره یک ریال و پس از سه روز ۳۰ شاهی . این قیمت اشتراک غیر از قیمت شاهنامه بوده که ضمیمه روزنامه بصورت جزوه چاپ و منتشر شده و از این رو بهای ایران باستان با شاهنامه ۱۲۰ ریال که ۷۰ ریال بهای ایران باستان و ۵۰ ریال برای شاهنامه که در آخر سال بمشترکین داده میشده است . قیمت های مذکور در اوان طبع و انتشار روزنامه بوده والا بعداً نسخ آن کمیاب و بشماره پنج ریال خرید و فروش میشد .

ایران باستان روزنامه ایست هفتگی و همه هفته با کاغذی نفیس و طبعی مرغوب و گراورهای آن مربوط بترقیات و پیشرفتهایست که آلمان نازی در تحت راهنمایی هیتلر و یارانش در شئون مختلف علمی و صنعتی حاصل کرده و پس از قبول مسرام (ناسیونال سوسیالیست) برای این ملت پیش آمده ، بدون شك توقف زیاد سیف آزاد در کشور آلمان و آشنا بودن او بوضع جراید آن کشور چنانکه چندی قبل مجله صنایع شرق را در پایتخت آلمان منتشر ساخته در نوشتن روزنامه ایران باستان موثر بوده و لذا همیشه سعی نموده است که ایران باستان مانند یکی از بهترین روزنامه های خارجی منتشر گردد . الحق کوشش مدیر روزنامه بیهوده نشده و میتوان گفت از ابتدای تاسیس روزنامه در ایران ، روزنامه بنفاست و زیبایی و مفیدی آن باستان و همچنین از لحاظ اشتمال بر مقالات مفید و گراورهای زیبا ، منتشر نشده است قسمت عمده ار کلیشه های روزنامه که مربوط بترقیات آلمان هیتلری است ، مستقیماً از آلمان برای اداره روزنامه فرستاده میشده همین تازگی سبک روزنامه سبب گردید که شماره اول بفاصله کمی تجدید طبع پیدا کند و برای بار دوم پنج هزار نسخه چاپ گردد و این امر در روزنامه های فارسی زبان سابقه نداشته است .

برای اینکه خوانندگان بسبب مطالب رحلت پیدایش روزنامه آشنائی پیدا کند قسمتی از مقدمه شماره اول سال اول را نقل میکنیم : این مقاله تحت عنوان خدا

ایران نوشته شده . خدا . ایران . تنها خدا پناه دهنده و یاری کننده است ای خداوند بی همتا . ما خواستاریم که پناه دائمی تو را دریافته و خود را شایسته بخشش و کرم تو سازیم . ما خواستاریم که از پرتو فروغ و جلال تو توانا گردیم توئی بهترین و مقدس ترین آمال ما ؛ پیوسته از درگاه تو امیدواریم که ما را در پرتو خود پناه بخشی .

سپاس . بزرگترین کسی را که همه مخلوق آفریده او بند خداوندی که همواره جاودان و یکسان است و یاتوانانی و دانش خود شش امشاسپند را (شش جهت) بیافرید و بارگاه (فروغمند) و این جهان و غورشید درخشان و مملو تابان و ستارگان گوناگون و باد و آب و آتش و خاک و رو بندگی و جنبه گن را آفرید . . . ما با انتشار این نامه پاک ایرانی تمام نگارشات منرضانه در تاریخ و گفتار دروغین بوج مورخین بسکانه را که از روی جهل و نادانی و حسادت و رد کم کردن برای ما گفته و نبشته اند لغو نموده توجه ملت ایران را بحقیقت و بزرگی نیاکان کردار و رفتار بزرگوارانه شان جلب مینمائیم و یاد آوری میکنیم که لازم است تاریخ صحیح و شکفت انگیز خود را که مایه افتخار و سربلندی و خوشی نوع بشر است از زیر خرابه های تخت جمشید ، ری و دخمه هائی که آثار عظمت و جلال نیاکان مادر آنها پیدا است جستجو نموده بدست بیاوریم . (ایران باستان) گفتار نخست دوازده سال است که از راه نامه نگاری بخدمت گزاری وطن عزیز و هم وطنان گرامی سرافراز و مفتخرم . پریشانی اوضاع گذشته مملکت و فساد روز افزونیکه دیدن آن از حدود توانائی وطن خواهان خارج و افزون از حوصله ذاتی عاشقان سعادت ایران بود نگراننده را بهجرت از وطن مالوف و ادار و باهصات شوق سرشار خدمت بایران که وظیفه هر فرد وطن پرستی است از اختیار عزلت قلعی و انصراف دائمی از خاک پاک وطن باز داشت و در محیطی بیگانه با تحمل هر گونه رنج در سینه سعی و کوشش بادامه خدمت ناقابل در خور استعطاعت برور چندین سال مفتخرم نمود . نامه آزادی شرق ، صنایع آلمان و شرق ، ایران نو و غیره که با سرمایه و کوشش نگارنده در برلین نشر میشد مدارک خدمت ناچیز نویسنده است که دور از وطن با وجود اقسام موانع و فقدان انواع وسایل در مدت دوازده سال بفارسی و زبانهای مختلف برای بینائی هموطنان و شناساندن ایران در خارجه و معرفی صنایع معیرالمقول آلمان در این سرزمین ادامه داشت .

(این مقاله مفصل و چهار ستون روزنامه را گرفته و باین سطو زخم میشود)
موسس نامه ایران باستان در تجدید حیات نامه نگاری بس مقاصد عالی ای را منظور نظر قرار داده که اهم آن مربوط بمعظمت ایران و سعادت و سربلندی ایرانست .

سیف آزاد؛ همانقسم که در مقاله مذکور یاد آور شده مدتی در خارج ایران در برلین پایتخت آلمان توقف داشته و در آنجا به نشر مجلات صنایع آلمان و شرق و راهنمای بانوان و روزنامه های آزادی شرق و ایران نو مشغول بوده ، تا اینکه بایران باز گشته و در سال ۱۳۱۱ به نشر روزنامه ایران باستان در طهران پرداخته است .

ایران باستان مدت سه سال یعنی تا آخر سال ۱۳۱۴ شمسی منتشر شده و از آن پس تعطیل گردیده است . و سیف آزاد مجدداً باروپا مسافرت نموده و پس از وقایع شهریور باز بایران مراجعت نموده تا در سال ۱۳۲۶ دو مرتبه ایران باستان را تکراراً شبیه بوضع سابق انتشار داده است در حین تنظیم این شرح ایران باستان چند ماهیست که منتشر نگردیده . نگارنده مجموعه نفیسی از ایران باستان از شماره اول تا شماره ۱۲ سال سوم مورخ ۲۲ شهریور ۱۳۱۴ شمسی در دست دارم . میتوان ادعا کرد در بین جراید و مجلات فارسی مجموعه باین نفاست از حیث چاپ و تعدد گراور تا کنون پیدا نشده است چه بسا هر شماره از روزنامه مشتمل بر یکصد عکس از مناظر و آداب و رسوم ملل اروپائی و مخترعات مهم می باشد البته همانطور که قبلاً یاد آور شدیم بیشتر عکسها مربوط باوضاع آلمان است .

مندرجات ایران باستان - مندرجات ایران باستان عبارت از يك قسمت شرحهایی است که زیر عکسها نوشته شده و بقیه مطالب هم از دو قسمت ترجمه و مقالات مختلف تشکیل یافته است . ترجمه ها مربوط بتالیفات مولفین اروپائی و مترجمین آنها (و جدید مازندرانی) و غیره است و مقالات آن نیز اغلب بقلم اشخاص مختلف و مربوط بموضوعهای اجتماعی ، ورزشی و غیره میباشد . من جمله از رساله های منتشره در روزنامه (سرگذشت بوك و اشنگتن) است که بقلم (میرزا محمدخان بهادر) تالیف شده و (عشق در صحرا) اثر عطاءالله شهاب پور ، یوسف صفوی موسیقی در عهد ساسانی را نوشته است . دیگر از ترجمه های چاپ شده در روزنامه ها (تاریخ یونان) تالیف ه . ه . آ گریب ، ترجمه هدایت الله حکیم الهی فریدنی است . از آثار توستوی نیز خیلی در روزنامه ترجمه شده از قبیل (آزادی در مدرسه) که آنرا وحید مازندرانی ترجمه کرده است شقایق سیاه ترجمه حشمت الله عاملی از خصوصیات ایران باستان یکی این که برخلاف اغلب جراید و مجلات دارای مقاله (افتتاحی) نیست و از همان صفحه اول ، ستون اول ، ترجمه ها و مقالات دیگر آن چاپ شده است . در تمام شماره ها ، پس از چاپ سرلوحه و خصوصیات ایران باستان در روی جلد و هم چنین پشت جلد عکسهای گوناگون طبع گردیده است . گاه گاهی چند شعر و یا قطعه هم در ابرام

باستان دیده میشود . در لابلای صفحات در هر شماره چند اعلان نیز هست .

(۲۴۶) ایران جدید

امتیاز روزنامه ایران جدید در شهر شیراز بمدیری (آقا میرزا محمد باقر) در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است

(۲۴۷) ایران تازه

ایران تازه در سال ۱۲۹۸ شمسی بطور هفته دوبار در طهران تاسیس شده است

(۲۴۸) ایران جوان

مجله ایران جوان در سال ۱۳۳۸ قمری تاسیس و بوسیله کانون ایران جوان در طهران منتشر شده است . (تاریخ ادبیات آقای رشید یاسمی صفحه ۱۲۰)

(۲۴۹) ایران جوان

روزنامه ایران جوان بصاحب امتیازی (حسین نفیسی) و مدبری (محمد تنکابنی) در طهران تاسیس و شماره اول آن در تاریخ جمعه ۵ اسفند ۱۳۰۵ شمسی مطابق ۲۲ شعبان ۱۳۴۵ قمری و ۲۵ فوریه ۱۹۲۶ میلادی منتشر شده است ایران جوان (ارگان رسمی جمعیت ایران جوان) بوده و هفته یکبار روز های جمعه منتشر میشود است : محل اداره آن طهران خیابان چراغ برق . کانون ایران جوان ؛ ووجه اشتراك سالیانه ایران ۵ تومان . خارجه ۶ دلار . قیمت تك شماره ۱۲ شاهی . شماره اول روزنامه در ۱۲ صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی درمغربه روشنائی چاپ شده و فهرست مندرجات آن مانند سایر شماره ها در زیر عنوان روزنامه طبع گردیده من جمله فهرست مندرجات شماره اول بدین قرار است : صفحه اول سرمقاله هت عنوان (ایران جوان) صفحه دو در هفته گذشته دنیا در چه حال است صفحه ۳ کاردیو - مخالفت (کار کاتور) صفحه ۴ جامعه ملل وزر هت تر یاك بقلم حسین نفیسی . صفحه ۵ مربی لازم است بقلم علی اکبر سیاسی . صفحه ۶ جامعه ملل بقلم محسن رئیس . صفحه ۷ قوانین صحی بقلم مشفق کاظمی . صفحه ۸ اتحاد جماهیر شوروی بقلم علی سهیلی . صفحه ۹ قضیه دیشب . صفحه ۱۰ دنیا در هفته گذشته (بقیه از صفحه دو) صفحه ۱۱ تلگراف بی سیم . بقلم اسمعیل مرآت . کار و عمل اثر نظام وفا . نمایشگاه فیلادلفی (م.ك) صفحه ۱۲ عالم رویا محسن سیاح . اعلانات . (صفحه آخر روزنامه نوعا مخصوص اعلانات است)

با اینکه امتیاز روزنامه بهمه آقای حسین نفیسی بوده ولی چون روزنامه ارگان رسمی و ناشر افکار جمعیت ایران جوان بوده . لذا در همان شماره اول صاحب امتیاز در ضمن يك آگهی امتیاز روزنامه را بهمه جمعیت گذاشته و جمعیت مسئولیت کلیه مندرجات را بهمه گرفته است روزنامه ایران جوان برای دو مقصود و هدف تاسیس شده اول ترویج مرام ایران جوان و دوم آگاه نمودن افکار عامه بمصالح عالیه مملکت مقاله افتتاحی روزنامه که تحت عنوان (ایران جوان) نوشته شده بدین قرار است :

« امروز اولین شماره روزنامه ایران جوان منتشر میشود . این روزنامه نماینده افکار يك فرد ومدافع منافع خصوصی نیست . اخطاریکه ازطرف صاحب امتیاز و مدیر آن در همین شماره مندرج گردیده . بصحت این امر گواهی میدهد . روزنامه ایران جوان ارگان رسمی و ناشر افکار جمعیت ایران جوان است و جمعیت مسئولیت کلیه مندرجات آنرا برعهده میکیرد . روزنامه ایران جوان برای انجام دو مقصود تاسیس شده است اول ترویج مرام ایران جوان و ثنیا آگاه نمودن افکار عامه بمصالح عالیه مملکت . مرام ایران جوان که جزئیات آن بهر دو درصفحات این روزنامه شرح داده خواهد شد حاوی مسائل کلی ذیل میباشد : در قسمت سیاسی استقرار حکومت پارلمانی و اصول دموکراسی در ایران در قسمت اقتصادی طرفداری از مالکیت انفرادی و مخصوصا حمایت از دهاتین و خورده مالکین در مسائل اجتماعی توجه به ارف مملکت و توسعه موسسات رفاهی از هر قبیل . ایران جوان از تمجید بیجا و انتقاد بیمورد خودداری خواهد داشت یادداشتهای هفتگی آن محتوی خلاصه وقایع مهمه مملکتی و گزارشات مجلس شورای ملی مانند آینه حقایق را منعکس نموده وبهترین راهنمای سیاسی خوانندگان خواهد بوده از جمله مسائل اجتماعی به تربیت طبقه نسوان توجه مخصوصی مبذول داشته و در هر شماره روزنامه خود قسمتی را به نساءیات اختصاص خواهد داد . گذشته از این قسمت ها ایران جوان بکلیه مسائل دیگر علاقمند خواهد بود . در مسائل صهی ، در قسمت ورزش ، در قسمت علوم ، راجع باختراعات و کشفیات جدید و غیره نگارشات سودمندی بقلم علمای فن جمع آوری نموده و بتدریج درصفحات خود مندرج خواهد داشت . روزنامه ایران جوان برای ترقی و احیاء ادبیات و موسیقی و صنایع ملی از هرگونه اقدامی خودداری نخواهد نمود . نویسندگان روزنامه همه اشخاص تحصیل کرده و اروپا دیده میباشد که عضو ایران جوان میباشد . سرمایه مالی روزنامه اختصاص باعضاء جمعیت دارد . اعضای ایران جوان برای انجام وظیفه خدمت گذاری بوطن ازفداکاری مالی مضایقه ننموده و هر يك در حدود استطاعت خود در تشکیل شرک سهامی که اداره امور مالی روزنامه را در دست دارد کمک نمودند چون خوشبختانه هیچ سرمایه ای که خارج ازحزب باشد درتامین روزنامه ایران

جوان شرکت نداشته .»

همان‌قسم که در مقاله افتتاحی اشاره شده مندرجات روزنامه مطالب مختلف اجتماعی و اقتصادی و سیاست و نویسندگان از اشخاص مبرز و جوانان تحصیل کرده آن زمانند و به‌مین جهت ایران جوان یکی از روزنامه هلی بسیار خوب و مفید بشمار میرود کتابی که بعنوان پاورقی از شماره اول در صفحه پنجم چاپ شده کتاب گناهکار تالیف فرانسوا گبه است که آقای (عبدالحسین مبهکه) آنرا ترجمه و تلخیص کرده است . شماره دوم روزنامه در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده و از این شماره انتشار روزنامه از روزهای جمعه به شنبه موکول گردیده . در مقاله این شماره بعنوان (یادداشت هتگی) و راجع بلبایه راه آهن است . ایران جوان در سال اول با يك سبك و روش مطلوب و پسندیده و مفیدی انتشار یافته و آخرین شماره این سال که شماره ۵۲ می باشد در تاریخ شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۰۶ است . در مقاله آخرین شماره سال اول باز بعنوان (یادداشت هتگی) و راجع به خاتمه سال اول روزنامه میباشد . در همین شماره یاد آور شده که روزنامه برای اصلاح امور داخلی خود تا اول فروردین منتشر نخواهد شد .

آقای حسین نفیسی همان مشرف الدوله و یا دکتر نفیسی است که پس از انقلاب شهریور ۱۳۲۰ بوزارت دارایی منصوب گردید و در نتیجه ترقی دادن قیمت لیره مورد حمله جراید واقع شد و پس از اندکی بطلت مخالفت افکار عمومی از کار برکنار گشت .

(۲۵۰) ایران زمین

روزنامه ایران زمین بطور هفتگی در طهران تا سیس و امتیاز آن در ۲۳ فروردین ۱۳۰۶ شمسی بمدیری (میرزا موسی خن دولت) از تصویب شورای عالی فرهنگ گذشته است .

(۲۵۱) ایران سلطانی

روزنامه ایران سلطانی در شهر طهران تاسیس و در سال ۱۳۲۱ قمری منتشر شده است . این روزنامه تحت نظر و اداره (میرزا محمد ندیم السلطان یا ندیم باشی) که در این تاریخ وزارت انطباعات بعهده او بوده انتشار یافته ولی اداره و نویسندگی آن بعهده (افضل الملك) بوده است . ایران سلطانی بموض روزنامه ایران که سابقا بتفصیل از آن گفتگو کرده ایم و تا این تاریخ بوجین نام نشر می یافته ، منتشر گردیده و در حقیقت با عهده دار شدن ندیم السلطان وزارت انطباعات را نام روز

نامه ایران ، بایران سلطانی تبدیل پیدا کرده است. پس از تغییر نام اولین شماره که بنام ایران سلطانی منتشر گردیده : ر.محرّم ۱۳۲۱ قمری است و در این شماره شرحی بدین مضمون نوشته است ایران سلطانی تحت نظر و با توجه مخصوص اعلیحضرت همایونی انتشار می یابد.

(۲۵۲) ایران‌شهر

مجله ایران‌شهر به‌دبیری آقای (حسین کاظم زاده) مدت چهارسال یعنی از ابتدای ذیقعدہ ۱۳۴۰ قمری تا اسفند ماه ۱۳۰۵ شمسی مطابق ماه فوریه ۱۹۲۷ میلادی در برلین پایتخت آلمان منتشر شده است. بنابراین شماره اول آن در ذیقعدہ ۱۳۴۰ قمری و شماره آخر آن در اسفند ۱۳۰۵ شمسی و جمعا ۴۸ شماره منتشر گردیده . ایران‌شهر یکی از بهترین مجلات است که در مطبوعات فارسی تا بحال طبع شده و در مدت چهار سال توانسته است کمک بزرگی بروشن نمودن افکار عامه ایرانیان نیامد و از جهت اشتمال آن بر مقالات علمی و ادبی ، اجتماعی ؛ فلسفی ؛ جهان زنان ؛ مردان بزرگ ، تدقیقات تاریخی با تصاویر زیبا و اشعار ، که بقلم فضلالی شرق و غرب نوشته شده ، میتوان آنرا یکی از مجلات مهم و مفید زبان فارسی دانست . مجلدات چهار ساله ایران شهر هر کدام کتاب نفیسی را تشکیل میدهد که علاوه بر اشتمال آنها بر مطالب علمی و تاریخی دارای یک نوع تنوعیست که کمتر در یک کتاب معینی یافت میشود :

ادوارد برون در جلد چهارم کتاب تاریخ ادبیات ایران (صفحه ۳۲۲ تر جمعه) در باره مجله ایران‌شهر مینویسد : « در جون ۱۹۲۲ در برلن یک مجله علمی و ادبی و فارسی دیگری (قبلا از روزنامه کاوه گفتگو نموده) بنام ایران‌شهر به مدیریت حسین کاظم زاده انتشار یافت . این مجله اگر چه بضوان پانزده روز یک شماره منتشر شد اما در عمل جز ماهی یک نمره بیرون نیامد . ایران‌شهر نسبت بکاوه خیلی سبکتر و عوام فهم تر است و معاموم میشود بیشتر منظورش بحث در وقایع ایران قبل از اسلام و مسائلی است که جوانان کنونی ایران با آن مواجه هستند . » پس از این قسمت برون چند سطر را جمع بمقاله (اعزاز محصل باروبا) که در شماره هفتم ایران‌شهر مورخ دسامبر ۱۹۲۲ چاپ شده گفتگو مینماید .

برای اینکه خوانندگان اطلاعات جامعی درباره خصوصیات و نوع مند رجات ایران‌شهر بدست آورند بذکر خصوصیات سال سوم و چهارم مجله میپردازیم شماره اول و دوم سال سوم مجله ایران‌شهر در یک مجلد در تاریخ اول دیماه بزرگدردی سال ۱۲۹۳ شمسی در ۱۲۸ صفحه خشتی کوچک با طبعی زیبا و کاغذی مرغوب مانند دو سال قبل آن در برلین منتشر شده است . در این سال نیز مانند سالهای اول و دوم مجله ماهی

یگبار بقلم فضلی شرق و غرب نوشته می‌شده و وجه اشتراك آن همه جا بشرط پیشگی يك لیره انگلیسی است ، و وجه اشتراك باید بوسیله اسکناس و بایبرات بانك شاهنشاهی بنام آقای حسین کاظم زاده فرستاده شود . برای معلمان و طلاب و شاگردان مدارس ذکور و اناث و قرائتخانه ها عموماً بشرط فرستادن وجه اشتراك قبلاً ۳۵ قران بجای يك لیره است .

ایران‌شهر رویهم‌رفته در سال سوم ۱۲ شماره در ۷۶۶ صفحه بضمیمه فهرست مندرجات که ضمیمه شماره دوازدهم طبع شده ، نشر یافته و شماره ۱۲ که شماره آخر این سال است در تاریخ اول آبان ۱۳۰۴ شمسی مطابق ۴ ربیع الثانی ۱۳۴۴ قمری منتشر شده . مقاله اول این شماره تحت این عنوان است : « تاریخ ایران تازه شد . خاتمه سلطنت قاجار و طلوع دوره پهلوی » . مندرجات این سال نیز مانند سالهای قبل مطالبیست علمی ، ادبی ، اخلاقی ، فلسفی و تاریخی که بقلم فضلا و دانشمندان نوشته شده و علاوه مشتمل بر تصاویری است که من جمله تصاویر های « باغچه پیه ، ها در انگلستان . اردشیر بابکان ، بزغاله دوسر ، تربت حافظ شیرازی جورج امینن ، دبستان فردوسی بو شهر سید جمال اسد آبادی ، شیخ محمد خیابانی مجسه فردوسی ، ولتر شاعر فرانسوی ، مدرسه فرهنگ اصفهان) و تصاویر دیگر می باشد . مقالات سال سوم تحت این عنوان است : « قسمت اجتماعی ؛ قسمت ادبی قسمت فلسفی ، قسمت تاریخی ، قسمت فنی ، ادبیات ؛ جهان زنان ؛ معارف ایران تعلیم و تربیت ؛ معارف دیگران ؛ مردان نامور ، صنایع ظریفه ، شرق و غرب ؛ مطبوعات تازه ، تدقیقات ادبی ، سوالات علمی ، متفرقه » . نویسندگان مهم در این سال عبارتند از : کاظم زاده - رضا زاده شفق - میرزا محمد خان قزوینی - هوشیار شیرازی - سید محمد توفیق - رشید یاسمی - اسد آبادی - ع . میگده - ا . بیژن - علی . هاشمی .

سال چهارم مجله ایران‌شهر - سال چهارم مجله ایران‌شهر بهمان وضع و اسلوب و قطع سنوات سابق با بدایره انتشار گذاشته و اولین شماره این سال در تاریخ اول فروردین ۱۳۰۵ شمسی مطابق ۲۲ مارس ۱۹۲۶ میلادی منتشر گردید . است شماره اول این سال با اشعار زیر که از تراوشات افکار مدیر مجله ، آقای کاظم ایران‌شهر و در توحید سروده شده شروع میگردد : جهان آفرینا تو ناتومی * که یگنا و بینا و دانا تومی * رهی دور دارم من اینک به پیش * پر از رنج و درد و پر از خار و نیش * در این راه تاریک و بر سنگسار * چراغی ز مهرت فرا راه دار که گردد زسوزش . در این بوته خاک * روان دل و دیده و فز پاک * فروغش بود نیکی و راستی * بسوزد زین زشتی و کاستی * فرزند همه دانش و هوش و رای *

بسوی تو گردد مرا رهنمای ✽ بگیرم بدست این همایون چراغ ✽ جهانی کنم مست
از این ایام ✽

شماره های سال چهارم مجله ایران‌شهر مانند سنوات قبل دارای سرلوحه مخصوص و جملات (موسس حسین کاظم زاده ایران‌شهر) و (این مجله ماهی یکبار بقلم فضلی شرق و غرب در ۶۴ صفحه انتشار می یابد) و (قیمت آبوننه در هر جا یک لیره انگلیسی است و تک نمره دو شلینگ) و (مجله مصور علمی ؛ ادبی فلسفی و اجتماعی) و (عنوان مراسلات) همه اینها بزبان فارسی در پشت جلد مجله نوشته شده است علاوه بر اینها جملاتی بهمین مضامین با ذکر اداره مجله بزبان فرانسه در پشت جلد چاپ شده است ✽

شماره ۱۲ سال چهارم که آخرین شماره منتشره این سال و دور ✽ مجله است در تاریخ اول اکتبر ماه ۱۳۰۵ شمسی انتشار یافته ✽ مجموع صفحات این سال به استثنای صفحات ضمیمه از قبیل فهرست مندرجات سال سوم و چهارم و صفحات مخصوص اعلانات و غیره که غالباً روی اوراق الوان چاپ شده ۷۷۸ صفحه میباشد ✽ مندرجات سال چهارم دارای همان تنوع و دلچسبیت که در سالهای قبل در مندرجات مجله دیده میشود مطالب اجتماعی، ادبی، فلسفی و تدقیقات تاریخی و علمی بعد و فور در این سال موجود است ✽ علاوه بر این تصاویری از اشخاص و اشیاء بدین قرار در این سال چاپ شده است : سید جمال‌الدین در طهران - ادوارد برون ✽ تبریکنامه برون خط هما د الکتاب برون در لباس ایرانی ✽ دکتر رضا توفیق - شیخ محمد خیابانی - خط‌دستی وصال شیرازی - رویه‌مرفته ۴۵ تصویر مختلف در این سال از مجله چاپ شده که برای دیدن آن تصاویر باید باصل مجله رجوع گردد ✽ نویسندگان سال چهارم ایران شهر غالباً از فضلا و دانشمندان معروف ایران و اروپا از قبیل آقای میرزا محمد خان قزوینی است (مقاله بسیار نفیس ایشان راجع بزندگان و شرح حال ادوارد برون که از صفحه ۷۴ شماره دوم این سال شروع میگردد) و نیز ترجمه مقاله آقای (زکی ولیدی افندی) که اصل مقاله بزبان ترکی و در باره نسخه خطی کتاب ابن قتیبه در مشهد میباشد، در شماره اول این سال چاپ شده است ✽

کاظم زاده ایران‌شهر

آقای حسین کاظم زاده مدیر مجله ایران‌شهر از ایرانیانست که قسمت عمده از زندگانی خود را در خارج ایران و در اروپا بسر برده و از کسانیست که دقایق وقت پر بهای خود را صرف جمع آوری آخرین نظریات عرفانی و ادبی موده است آخرین اطلاعی که در باره آقای کاظم زاده در دست است شرحی است در روزنامه ایران ما

(مورخ تیرماه ۱۳۲۷ شمسی) نوشته و آن شرح بدین قرار است: «آقای کاظم زاده ایران‌شهر که مدتها در آلمان بانتشار مجله ایران‌شهر بزبان فارسی می‌پسرداخت چندبست بسویس رفته و در یکی از قراء كوچك آنجا اقامت گزیده است او اکنون درویش شده و فلسفه ای از خود ساخته و مریدان زیادی بدور خود جمع کرده است او همه روزه از مریدان خود در باغچه کوچکی که دارد پذیرائی میکند او ریش بلندی که بناف میرسد برای خود ترتیب داده است هیچ گوشت نمی‌خورد کاملاً گیاه خوار شده است. دوات ماهیانه پلخ جزئی که از دو بست تومان تجاوز نمیکنند برای او می‌فرسد. ایران‌شهر هم تنها از پنجاه تومان آن استفاده کرده بقیه را میان بینویان و مستمندان تقسیم مینماید. یکی از دوستان و همکاران او آقای رضا تربیت بود که سالها با هم بودند ولی تقریباً سه سال پیش در اثر سوء تفاهمی از یکدیگر جدا شده تربیت بمصر آمد و در مسجدی در ناحیه (حلوان) قاهره معتکف گردید. تربیت نیز در این مدت مریدان زیادی برای خود در ناحیه حلوان فراهم آورده است»

کاظم زاده بغیر از دوره چهارسانه مجله ایران‌شهر دارای تالیفات و تصنیفات زیادی میباشد که ذیلاً بذکر نام و سال چاپ آنها می‌پردازیم:

۱- کتاب تداوی روحی یا طریقه تلقین بنفس. این کتاب را کاظم زاده بیادگار دوست فاضل خود آقای امیر قلیخان امینی مدیر روزنامه اخگر اصفهان برشته تحریر در آورده و در پاورقی چهریده مزبور منتشر و بعد بعنوان کتاب مستقلی طبع گردیده است. کتاب مذکور در سال ۱۳۰۸ شمسی در مطبعه سمادت اصفهان در ۷۵ صفحه و زیری طبع شده و قیمت آن سه قران ولی فعلاً نسخ آن کمیاب است.

۲- جلد دوم راه نو در تعلیم و تربیت. این کتاب در ۱۳۰۳ در برلین در چاپخانه ایران‌شهر در ۱۶۰ صفحه پستی طبع شده است. ۳- جلد سوم راه نو که در سال ۱۳۰۶ شمسی در چاپخانه ایران‌شهر در برلین در ۳۴۰ صفحه و ۷۰ تصویر چاپ شده است. ۴- جلد چهارم راه نو در سال ۱۳۰۷ در مطبعه ایران‌شهر در ۱۶۰ صفحه و پنجاه تصویر طبع شده است. ۵- رهبر نژاد نو در جستجوی خوش بختی که در سال ۱۳۰۷ شمسی در ۱۷۶ صفحه پستی چاپ شده است. ۶- معارف عثمانی که در سال ۱۳۰۳ در برلین در ۴۸ صفحه پستی چاپ شده است. ۷- تجلیات روح ایرانی که در سال ۱۳۰۳ در برلین چاپخانه ایران‌شهر طبع گردیده است.

آقای کاظم زاده با تالیف کتب نفیسه که اغلب در تعلیم و تربیت و بنام های راه نو و رهبر نژاد نو می باشد خدمات گرانبھار بایرانیان نموده است. موسسه رضانی در جزوه ای که بنام کتاب منتشر کرده در باره مجله ایران‌شهر این طور مینویسد: «مجله ایران‌شهر که در ذیقعد ۱۳۴۰ قمری بهمت فاضل دانشمند آقای

کاظم زاده ایران شهر در برلن شروع بانتشار نموده و چهار سال متوالی تا اسفند ۱۳۰۵ شمسی ۴۸ شماره منتشر گردیده در مقام خود یکی از بهترین مجلاتی است که در مطبوعات فارسی تا بحال طبع شده و خیلی مایه تأسف است که بیحلافکی ایرانی بعلم و معارف باعث انحلال اداره ایران شهر و تعطیل مجله گرانبهای مزبور گردیده است ۲۰

(۲۵۳) ایران شهر

در شماره ۱۱ سال یازدهم مجله چهره نما مورخ غره و جب ۱۳۲۲ قمری بعنوان تقریظ جراید مینویسد: «روزنامه شریفه ایران شهر منطبقه پاریس که بهم نذی شیم هیتتی وطنخواه و معارف پرور در چهار صفحه بزرگ که سه صفحه بفارسی و یک صفحه بفرانسوی باشد مطبوع گردیده و اشتراك او شش قران در ایران و شش فرانك در خارجه است ۲۰» از شرح مذکور مطوم میشود در سال ۱۳۳۲ قمری روز نامه ای بنام ایران شهر بفارسی و فرانسه چاپ و منتشر میشده است .

(۲۵۴) ایران کبیر

روز نامه ایران کبیر در شهر رشت بمدیری (گریگور بیکیان) تا صبح یافته و شماره اول آن در ۱۹ فروردین ۱۳۰۷ شمسی منتشر شده است . ایرات کبیر در ابتدا هفتگی بوده و بعد هفته چهار باره منتشر میشد . و پس از یکسال و نیم که از انتشار آن گذشته در اثر پیشنهاد و تقاضای کنسول دولت ترکیه (راجع بمسئله کردستان) توقیف شده است . در نامه ای که آقای بیکیان مدیر روز نامه در شرح احوال خود در پاسخ درخواست اینجانب نوشته راجع بروزنامه ایران کبیر چنین مینویسد: «در سال ۱۹۲۶ امتیاز روزنامه ایران کبیر را تحصیل کرده و شروع بانتشار نمودم . روزنامه ایران کبیر عقیده اتحاد مال ایرانی نژاد فارس ؛ کرد ، ارمنی و افغان و غیره را تبلیغ میکرد و طرفداران متعدد پیدا کرد ایران کبیر طرفدار عقاید دموکراتیک بود و با عقیده دیکتاتوری مبارزه میکرد . دولت همسایه ایران مخالف عقایدی که از طرف این روزنامه تبلیغ میشد بود و توقیف آن را از دولت خواستند . تیمور تاش وزیر دربار سلطنتی وقت درحکمی که در باره ایران کبیر صادر کرده بود نوشته بود که این روزنامه در تحت مد یر بت پکنفر انقلابی ارمنی میخواهد روابط دوستانه ما را با یک دهه لک هم کیش و یک همسایه بزرگ بهم بزند و دیوان بیکی استاندار وقت کیلان سعی کرد دلایلی پیدا کند تا ثابت نماید که روزنامه ایران کبیر ارگان یک کمیته مخفی کرد و ارمنی و عرب

پس از توقیف ایران کبیر آقای یقیکیان بامید تحصیل اجازه يك روز نامه دیگر از گیلان بطهران رهسپار شده و پس از چندی موفق بدربافت امتیاز روز نامه ایران کنونی میگردد و از آن پس دوران نامه نگاری او در طهران شروع میشود و ما در محل خود بتفصیل از این روزنامه و شرح حال آقای یقیکیان گفتگو خواهیم کرد و طبعه روزنامه ایران کبیر روی يك ورق در ۱۴ دیماه ۱۳۰۷ در مطبعه تجدد رشت چاپ و منتشر شده و در این طبعه که باین جملات شروع میگردد: «دنیای قبل از جنگ در عالم از حیث ترقی تشکیلات سیاسی و اجتماعی شش دولت (آلمان و اطریش و انگلیس و روسیه و فرانسه و ابطالی) را عظیم میدانست و تقریبا پنجاه سال قبل یکی از دیپلوماتهای مشهور گفته است مطبوعات هفتمین از دول معظمه میباشد» خلاصه ای از روش و مسلک روزنامه را شرح داده است که برای خوف از اطناب از نقل آن خودداری میکنیم. جمله آخر طبعه این است: «امید داریم که اگر ایران کبیر در انجام وعده های خود صادق و در عقاید خود مثبت باشد طرفداران زیاد از برادران ایرانی و ایرانی نژاد پیدا خواهد کرد که و سایل انتشار این نامه را برای همیشه تامین نمایند»

(۲۵۵) ایران کنونی

پس از آنکه روزنامه ایران کبیر بملتی که قبلا یاد آور شدیم در رشت توقیف شد؛ آقای گریگور یقیکیان عازم طهران گردید و پس از مدتها معضلی در این شهر در سال ۱۳۱۴ شمسی موفق بدربافت امتیاز روزنامه ایران کنونی گردید. در فاصله توقیف ایران کبیر و انتشار ایران کنونی باز آقای یقیکیان بیکار ننشسته و بانوشتن مقالات مختلف در روزنامه های بزرگ ارمنی چاپ بستن؛ پاریس؛ نیویورک و قاهره مشغول بوده است و بنا بگفته خود ایشان مدتی هم روزنامه سعادت بشر را اداره میکرده است ایران کنونی در بدو تاسیس مدت شش ماه بفارسی و روسی و بعد هم مدتی بروسی و بالاخره بفارسی منتشر شده است و گرچه عنوان آن هفتگی بوده ولی بطور غیر مرتب هرچندی يك شماره نشر میشده است بقمیکه شماره ۲۴ سال نهم آن مورخ ۲۳ شهریور ۱۳۲۲ شمسی دارای نمره مسلسل ۱۵۴ میباشد و این خود حاکی از بی ترتیبی انتشار روزنامه است. ایران کنونی با قطع وزیر بزرگ و هرنوبت از چهار تا هشت صفحه نشر شده. محل اداره: طهران. چهار راه مخبرالدوله نشانی تلگرافی (سولاک. طهران) آبونمان سالیانه ۲۰۰ ریال تک شماره ۳ ریال مندرجات روزنامه ایران کنونی پس از درج مقاله اساسی راجع ب سیاست روز

که غالباً بقلم خود مدیر روزنامه می باشد و اگر از قسمت عدم سلاست جملات آن از لحاظ زبان فارسی صرف نظر کنیم مشتمل بر اهم وقایع سیاسی و پیش بینی های حقیقی میباشد . علت عدم روانی مقالات هم معلوم است چون آقای یقیکیان بالاخره ارمنی و آنطور که باید بزبان فارسی آشنا نیست . علاوه بر سرمقاله های سیاسی دارای يك قسمت یادداشتهای تاریخی تحت عنوان (هفده ماه انقلاب در گیلان . از ۱۲ جوزا ۱۲۹۹ الی آخر میزان ۱۳۰۰) که خود آقای یقیکیان شاهد حوادث بوده و آنها را بصورت یادداشت در روزنامه چاپ کرده است . و نیز ترجمه ها و مقالات و رمانهای مفیدی در این روزنامه درج شده که رویهمرفته روزنامه ایران کنونی را روزنامه مفید و قابل استفاده نموده است . تفسیر وقایع و حوادث جهان و اخبار مهم خارجی و داخلی نیز در روزنامه چاپ شده است . آقای یقیکیان در نامه خصوصی که باین جانب نوشته اند و نگارنده کمال سپاسگذاری را از ایشان دارم در باره روش و مسلك روزنامه خود چنین مینویسد : « ایران کنونی طرفدار تمامیت ایران و عقاید دموکراسی روابط دوستی با ملل همسایه و ملل بزرگ و مخالف دیکتاتور چپ یا راست هست » و نیز مینویسد : « این روزنامه نقشه تجزیه آذربایجان را که حزب توده ایران حاضر کرده بود فاش کرد و نیز تجزیه نقشه گیلان را که حزب توده با همراهی روسها طرح کرده بود فاش کرد و در نتیجه فشار دوستانه دول آنکلو ساکن در مسکو این نقشه که حاضر باجری بود صورت عمل نگرفت » در خاتمه این نامه آقای یقیکیان در باره مبارزه خود مینویسد : « مبارزه ایران کنونی با حزب توده ایران و حزب دموکرات آذربایجان در ایام نخست وزیری قوام السلطنه نیز ادامه داشت . اگر چه قوام السلطنه (نخست وزیر وقت) طرفداری از سیاست مسکو میکرد و معاون سیاسی ایشان (مظفر فیروز) قرار داد های همکاری با حکومت آذربایجان منعقد میکرد و با حزب توده هم صدا و دوست بودند تا بالاخره مدیر روزنامه را (منظور خرد آقای یقیکیان است) سازمان ارمنی حزب توده خواست ترور بره کند و اشخاص نامعلوم مسمومش کردند (شاید بنا بحکم حزب توده ایران بود یا حزب دموکرات آذربایجان) و روزنامه موقتا تعطیل گردید »

آقای یقیکیان در همین نامه شرح حال جامع و مفصلی از خود مرقوم داشته که خلاصه این است : گریگور یقیکیان متولد در سال ۱۸۸۰ میلادی ؛ تحصیلات متوسطه خود را در اسلامبول و تحصیلات عالی را در ونیز ایتالیا بیابان رسانیده است . اولین مقاله او بر ضد سلطنت استبدادی سلطان عبدالحمید ثانی بزبان ترکی در روزنامه میزان منطبقه مصر بوده است . مسافرت های وی در جنوب اروپا و قفقاز سبب آشنایی او با آزادیخواهان ترك - ارمنی - گرجی و روسی گردید و از اینرو در سال ۱۹۰۲

در بادکوبه در تظاهرات کارگری شرکت نمود . پس از مراجعت بایران در مدرسه آرامنه رشت بشغل معلمی مشغول شد و در ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ مدیر و سردبیر مجله (کتابخانه نوجوانان) و مدیر روزنامه زنك و متعددی شعبه نشریات انجمن فرهنگی آرامنه در بادکوبه گردید . در قضایای مشروطیت بهمراهی میرزا کریم خان رشتی (اکبر) بکمک مشروطه طلبان ایران برخاست و در این هنگام مقالاتی در روزنامه (کیلان) ارگان مشروطه خواهان درج نمود و اولین مقاله او در این روزنامه تحت عنوان (چه میگویند سوسیالیست ها) بود

در سال ۱۹۱۶ برای شرکت در یک کنفرانس حزب بیادکوبه و تفلیس رفته و



در هنگام مراجعت مقامات روسی ویزا ندادند و مشارالیه مجبور بتوقف تا انقلاب ماه فوریه ۱۹۱۷ گردیده و در این وقت دولت انقلابی کرونسکی اجازه بازگشت باو داده است پس از توقف ۴ ماه در ایران مجدداً به تفلیس رفته و در آنجا از طرف کنگره عمومی حزبی باداره روزنامه مرکزی حزب انتخاب شده است . آقای یقیکیان در نامه خود پس از اشاره بحزب دموکرات و رفتار میرزا کوچک خان جنگلی بادولت مرکزی مینویسد : همراهی من با میرزا کوچک خان در ایام مبارزه خود با بالشویک ها (۱۹۲۱ - ۱۹۲۰) ادامه داشت - پس از تخلیه انزلی از

ارتشیان انگلیس و اشغال آن شهر از طرف آقای یقیکیان مدیر ایران کنونی بالشویک ها دژبانی بالشویک شهر حکم اعدام این جانب را سه مرتبه صادر کرد و در اثر اقدامات گوانف نام بالشویک و میرزا کوچک جنگلی هر سه دفعه حکم دژبان زلی اجری نکردید در مدت هفده ماه انقلاب بالشویکی کیلان چند نفر از پیدر های حزب بالشویک روسیه مانند مدیوانی ، ایلیاوا ؛ میکویان و دیگران برای بازرسی برشت آمدند با تمام آنها ملاقات کردم و دوك کردم که امپریالیزم روسیه است که وارد ایران شد . پس از آنکه کیلان از طرف ارتش دولت ایران اشغال گردید مسافرت بهتهرات نمودم در آنجا مقالات مسلسل در باره انقلاب هفده ماه کیلان و مقالات دیگر سیاسی در روزنامه ستاره ایران درج کردم بنا بدستور يك سفارت بیگانه ادامه چاپ مقالاتم قطع شد

حرف الف بعده الیا

ایران کهن ، ایران لیک ، ایران مصور

این بود خلاصه ای از زندگانی سیاسی و روزنامه نگاری آقای یقیکیان مدیر روزنامه ایران کنونی . آقای یقیکیان علاوه بر مقالات و دوروزنامه پیس های تأثر نیز بقرار زیر نوشته است : ۱ - داریوش ۲ - رهبر نو یا مزدوک . در این تراژدی قیام انوشیروان عادل بر ضد مزدک و مزدکیان شرح داده شده است ۳ - انقراض سلطنت اشکانیان در ایران . اقتباس از تاریخ ارامنه ۴ - شاپور ذوالاکتاف و جنگ های او با ژولین ۵ - دختر قشنگ . و نیز رمان های صابیره - سلیمه را نوشته است .

(۲۵۶) ایران کهن

روزنامه ایران کهن در سال ۱۳۰۱ شمسی در تهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است .

(۲۵۷) ایران لیک

مجله ایران لیک که از طرف انجمن ایران لیک و بکمک آقای سرد پناه جی جی بای ایرانی در شهر بمبئی منتشر شده است این مجله بدو زبان فارسی و انگلیسی بوده و شماره دوم و سوم آن در یک مجلد متعلق بماه های ژانویه و آوریل ۱۹۳۲ نشر شده مجموع صفحات انگلیسی آن ۱۷۸ صفحه و قسمت فارسی آن ۵۵ صفحه به قطع وزیری است . مندرجات شماره نمونه عبارت است از مقاله (پارسیان اهل کتابند) و مقاله (جشن نوروز) بقلم عباس مهرین و یکی دو خطایه . در مجله ایران لیک عکسهای مختلف از مناظر طهران و هندوستان چاپ شده است .

(۲۵۸) ایران مصور

ایران مصور در سال ۱۳۱۳ بطور ۱۵ روزه در طهران طبع و منتشر شده است .

(۲۵۹) ایران نو

یکی از روزنامه های مهم زبان فارسی روزنامه ایران نو است که مدت چند سال در طهران منتشر شده و قبل از کودتا ارکان حزب دموکرات بوده است . تا قبل از تاسیس و انتشار روزنامه ایران نو قطع جراید نیم ورقی بوده و اول روزنامه ای که بقطع بزرگ منتشر شده همین روزنامه ایران نو است . پس از انتشار ایران نوروزنامه های دیگر نیز که پادایره انتشار گذاشته از قبیل شرق - رعد استقلال ایران - وطن و غیره همین رویه را معمول داشته و آنها نیز مانند جراید اروپا بقطع بزرگ منتشر گردید و کم کم قطع بزرگ بین اغلب جراید معمول گشت . شماره اول روزنامه ایران نو بمدیری (سید محمود شبستری آذربایجان) ملقب به ابوالضیاء) در تاریخ ۷ رجب ۱۳۲۷ قمری و شماره اول سال دوم آن در تاریخ یک

شنبه ۱۹ شوال المکرم ۱۳۲۸ قمری مطابق ۲۷ اکتبر ۱۹۱۰ میلادی انتشار یافته و در شماره سوم سال دوم مینویسد: « یکماه از آخر سال اول و دو ماه از اول سال دوم روزنامه جبرا تاخیر افتاده است ۴۰ سال تاسیس روزنامه (رجب ۱۳۲۷) در داخل اسم روزنامه (ایران نو) در تمام شماره ها قید شده و سایر خصوصیات روزنامه بدین قرار است: محل اداره: طهران • خیابان لاله زار نمره ۹ • روزنامه همه روزه غیر از ایام تعطیل عمومی طبع و روز بعد منتشر میشود • قیمت اشتراك پایتخت سالیانه ۵ تومان • شش ماهه ۲۶ قران • سه ماهه ۱۳ قران و نیم • سایر ولایات سالیانه ۵۵ قران • شش ماهه ۳۰ قران ، سه ماهه ۱۶ قران • ممالک خارجه سالیانه هفت تومان و نیم • شش ماهه ۴ تومان برای مشترکین سالیانه يك جلد كتاب مفید • جانا تقدیم خواهد شد • تك نمره در طهران چهار شاهی • در ولایات

• شاهی •

ایران نو با قطع بزرگ بطور یومیه در مطبعه سرمی (فاروس) طبع و توزیع و در عنوان روزنامه اینطور معرفی شده است: « روزنامه ایست ملی - سیاسی ، اجتماعی اقتصادی - ادبی - فنی - اخلاقی • از هر گونه مطالب سود مند سغن میراند ۴۰

مندرجات ایران نو که در آن تاریخ یکی از بهترین و مفید ترین جرائد یومیه پایتخت بوده عبارت است از مقالات سیاسی که در باره اوضاع سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی بحث میشده و مخصوصا از حوادث و اتفاقات داخلی و پایتخت بتفصیل گفتگو شده و نیز تلکرافات مربوط بوقایع خارجی و داخلی در روزنامه درج است • در هر شماره چند اعلان کوچک نیز چاپ شده و با ورقی روزنامه در سال اول رمان (سلطنت لوی شانزدهم یا شورش فرانسه تالیف الکساندر دو ما ترجمه میرزا باقر خان تبریزی) است • گاه گاهی تحت عنوان (ادبیات) از اشعار شعرای معاصر در باره موضوعات مختلف در ستونهای روزنامه دیده میشود • سرمقاله روز بروز تند تر و شدید تر میگردد و نویسندگان روزنامه مطالب خود را با کمال آزادی بخصوص در باره عملیات روسیه تزاری با بی پروائی تمام مینوشته اند • تندی مقالات ایران نو باعث شده که روزنامه چند بار از طرف دولت توقیف گردد من جمله یکمرتبه در اوایل ماه شعبان ۱۳۲۹ قمری که مطابق سال دوم روزنامه بود • پس از نشر شماره ۱۰۲ برای مدت یکم هفته بنا بتصویب هیئت دولت ، توقیف میگردد و پس از یک هفته از توقیف خارج و شماره های ۱۰۳ و ۱۰۴ آن با هم منتشر می شود • در باره این توقیف شرحی در خود روزنامه ذکر شده است که مفاد آن این است

« عصر پنجشنبه اول ماه شعبان اخطاری از طرف نظمیّه آورده شد که بر حسب تصویب هیئت وزراء چون در نمره ۱۰۲ ایران نو عبارات مندرجه آن بکلی بر ضد اقدامات و مقاصد هیئت دولت بوده لذا اخطار میشود که روزنامه بحکم اولیاء دولت از امروز توقیف میشود ولی پس از آن حکمی صادر شده که بر حسب تصویب هیئت محترم وزراء روزنامه از توقیف خارج شده و مقرر داربد طبع و نشر شود و اکنون شماره ۱۰۳ و ۱۰۴ پس از یک هفته مجددا با هم منتشر میشود » شماره ۱۰۳ و ۱۰۴ در تاریخ سه شنبه ۱۳ شعبان مطابق ۱۶ اسد ۱۳۲۹ قمری، در مطبعه سربی (تهران خیابان ناصریه . مطبعه دولتی نمره یک) طبع و منتشر شده و مندرجات آن پیشتر راجع باوضاع مشروطیت و فرار محمد علیشاه است .

از این شماره دیگر اسم (م . ابوالضیاء) که در انتهای صفحه چهارم نوشته میشد نیست و فقط (مدیر مسئول آقا سید مهدی افجه) معرفی شده است سید محمد شبستری (مدیر و صاحب امتیاز روزنامه) ملقب به ابوالضیاء همان کسبست که مدتی روزنامه الحدید و مجاهد را در تبریز منتشر مینمود و ما سابقا در ذیل روزنامه الحدید شرح احوال او را یاد آور شدیم . و نیز شرح احوال سید مهدی افجه ای را که مدیر مسئول معرفی شده در ذیل روزنامه (ایران نوین) نوشته ایم خوانندگان بدانجا مراجعه فرمایند .

از شماره اول سال دوم علاوه بر (م . ابوالضیاء) که صاحب امتیاز و (سید مهدی افجه زاده) که مدیر مسئول روزنامه بوده ، نام (م . ا . رسول زاده) نیز بعنوان سردبیر در عنوان روزنامه درج است .

محمد امین رسول زاده - این شخص که مدتی سردبیر روزنامه ایران نو بوده از مسلمانان عقاز است که در تاریخ مشروطیت ایران عامل موثری بشمار می رفته و برای بیداری ایرانیان خدمات مهمی کرده است . وی در باکو از یگهانندان علم دنیا آمد و پس از تحصیلات معلومات زمان هنگام انقلاب گیلان از طرف کمیته اجتماعین هامیون مامور نظارت انقلاب گیلان شد . محمد امین از گیلان همراه مجاهدین بظهران آمد و در این شهر وارد حزب ده و کرات گردید و بزودی با نوشتن روزنامه ایران نو که امتیازش با ابوالضیاء آزادبغواه افراطی معروف بود انظار کلیه مشروطه خواهانرا بحدود جلب نمود وی بخصوص در این روزنامه مقالات تندی حمله بدستگاه استبداد و بدولت روس که از آن دستگاه پشتیبانی می کرد مینمود . تندی مقالات و افکار او سبب رنجش کهنه پرستان و آرزو مندان تجدید رژیم گذشته گردید و سبب شد که پس از سقوط کابینه دموکرات مستوفی

المالك و روی کار آمدن اعتدالیون دولت روس تبعید رسول زاده را از محدودی خان سپهدار خواستگار شود این بود که رسول زاده باجبار از طهران خارج شد و به قفقاز رفت و از آنجا باسلامبول روانه شد . گرفتاری او بدست بلشو یکها در باکو و حوادث دیگر زندگانی او سبب گردید که هر چندی در کشوری زندگی نماید و در طول مدت جنگ اخیر در اروپا بسر میبرد تا اینکه بالاخره بترکیه پناه برد و در آنجا با یک خانم لهستانی ازدواج نمود .

پس از تبعید رسول زاده از ایران ؛ طولی نکشید که روزنامه ایران نونیز دوچار توقیف شد و بدین ترتیب دوره اول روزنامه ایران نو پایان یافت توقیف این دفعه که در حقیقت پایان دوره اول روزنامه می باشد در جمادی الثانی ۱۳۳۰ قمری صورت گرفت و ظاهراً علت توقیف هم این بوده که در روزنامه نسبت پول ساختگی یکی از اعضاء نظمیّه داده شده است .

دوره دوم ایران نو پس از سیزده سال تعطیل یعنی در سال ۱۳۰۲ شمسی شروع گردیده و شماره اول این دوره در تاریخ سه شنبه ۲۵ نور ۱۳۰۲ مطابق ۲۸ رمضان ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است . در این دوره صاحب امتیاز و مدیر روزنامه (رهنما) معرفی گردیده و روزنامه ارگان (فرقه دموکرات مستقل ایران) بوده است .

روزنامه ایران مورخ ۲۶ نور ۱۳۰۲ شمسی شرحی بعنوان اطلاع بقلم آقای رهنما در باره دوره جدید ایران نو بدینقسم نوشته است : « جریده شریفه ایران نو ارگان فرقه دموکرات مستقل ایران از دیروز بطور بومیّه انتشار پیدا کرد این روزنامه در تحت نظر کمیته محترم طهران و مقالات آن بتوسط هیئت تحریریه که از طرف کمیته معین گشته تهیه میشود و مسئولیت اخلاقی نگارشات و مقالات آن مربوط بنظریات هیئت مذکور است . » شماره اول این دوره در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربلی تمدن چاپ و سرمقاله آن بدینقسم شروع میشود : « تجدید حیات دموکراسی . هم وطنان . پس از سیزده سال تعطیل ایران نو شما مجدداً در افق طهران طلوع میکند . خدماتی که روزنامه ایران نو با آزادی و تجدید ایران کرده است . رویه و مشی صادقانه که در مدت انتشارش اتخاذ کرده بود ، وفاداری آن نسبت بمصالح و منافع مملکت شما ایران نو امروز نماینده و صاحب صدای بیش از دو هزار نفر تشکیلات منظم و دیسیپلینه دموکرات مستقل تهران است که به پشتیبانی آنها شروع بانشار کرده است . »

پس از سرمقاله فوق اخبار داخله و بعد یک مقاله بعنوان برق امید و سپس

حرف‌الف‌بعده‌الیاء

ایران نو، ایران نوین

اخبار خارجه است . با ورقی صفحات ۳ و ۲ ترجمه کتاب (سرگذشت سلیمان) تا لیف ژرژ دوکرو (اتاشه نظامی فرانسه در طهران) است که آنرا آقای عباس اقبال ترجمه نموده اند . تقویم ایران نو نیز در صفحه چهار چاپ شده است . از این دوره نگارنده فعلا تا شماره ۷ مورخ اول جوزای ۱۳۰۲ را در دست دارد و سبک مطالب آن مانند روزنامه ایران است . مهل اداره روزنامه طهران خیابان لاله زار اداره ایران بوده است .

(۲۶۰) ایران نوین

روزنامه ایران نوین در طهران بهمدبری (سید محمدافجه) مدیر روزنامه ایران نو در سال ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته و شماره اول آن در تاریخ ۲۹ ذی حجه سال مذکور از طبع خارج و توزیع گردیده و از این روزنامه تنها همین يك شماره بجای روزنامه ایران نو منتشر شده است .

مرحوم سید مهدی افجه از قضات عالیرتبه کشور و تا هنگام فوت مستشار استیناف بود . وی از نویسندگان مبرز و خدمات زیادی بهشروطیت ایران و بمطبوعات کشور نموده و قبل از کودتا از اعضای برجسته حزب دموکرات و روزنامه ایران نو ارگان حزب را اداره می نمود . نامبرده در تاریخ یکشنبه ۲۷ مرداد سال ۱۳۲۵ شمسی در طهران فوت نمود . ظاهرا شورایعالی فرهنگ یکبار هم امتیاز روزنامه ایران نوین را باقی رسا مدیر روزنامه قانون داده ولی بقرار اظهار خرد ایشان روزنامه مذکور بنام ایشان هیچگاه منتشر نشده است .

(۲۶۱) ایرانی ار اود

روزنامه ایرانی ار اود در سال ۱۲۹۷ شمسی در طهران بزبان ارمنی تا سیس و منتشر شده است .

(۲۶۲) ایرانی اشخاد و اور

روزنامه ایرانی اشخاد و اور در سال ۱۲۹۹ شمسی در طهران بزبان ارمنی تاسیس و منتشر شده است .

(۲۶۳) آبقی

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان مینویسد : « روزنامه آبقی به معنی طلوع در سال ۱۹۱۲ در تبریز بزبان ارمنی منتشر شده است . »

(۲۶۴) آینده

مجله آینده در طهران به مدیریت آقای دکتر افشار (دکتر در علوم سیاسی) تاسیس و پس از تصویب امتیاز آن در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۰۴ شمسی، در تیرماه سال مذکور شماره اول آن از طبع خارج و توزیع گردیده است. مجله آینده مجله ایست ساسی و ادبی و جمعا در مدت دو سال یعنی از تیرماه ۱۳۰۴ تا اسفند ۱۳۰۶ شمسی ۲۴ شماره نشر شده و بعد تا پس از شهریور ۱۳۲۰ شمسی تعطیل گردیده است. مجله آینده یکی از بهترین و مفیدترین مجلات زبان فارسی است و هر شماره از آن مشحون به مقالات سودمند ادبی و سیاسی و تاریخی بقلم مهم ترین نویسندگان و سیاستمداران ایران از قبیل مرحوم فروغی، آقای تقی زاده و غیره میباشد. علاوه بر اینکه از لحاظ طبع و کاغذ نیز در منتهای زیباییست. تصاویری که در آن چاپ شده بخوبی مجله افزوده است. روزنامه فکاهی توفیق این را با عی را در باره آینده سروده است: «ای روی تو چون مجله آینده، توفیق به پیش ماه رویت بنده، خورشید فلک بآن جلال و جبروت تابنده تو شده، شده تابنده.» شماره اول مجله در ۷۲ صفحه به طبع وزیرى متوسط در مطبعه مجلس چاپ شده و دارای سرمقاله ای است بعنوان (آغاز نامه) که در آن مرام و مسلك مجله بطور کامل شرح داده شده و چند صفحه مجله را فرا گرفته است قبل از این آغازنامه قطعه از ادیب پیشاوردی راجع به مجله آینده چاپ گردیده که مطلع آن این است: زمانه هر نفسی بازمی نماید نو. مکن بروز گذشته قیاس آینده. شماره دوم سال اول در شهریور ۱۳۰۴ شمسی از طبع خارج شده و سال اول با انتشار شماره دوازده مورخ مهرماه ۱۳۰۵ شمسی خانمه یافته و مجموع صفحات این سال مجله ۸۷۴ صفحه میباشد. وجه اشتراك مجله: در طهران و ولایات سالیانه ۳ تومان. آذربایجان ۲۵ قران. مالک خارجه يك ايره انگلیسی. افعال تان بقیمت ایران ۳ تومان دکتر افشار آقای آیتی در کتاب تاریخ یزد (ص ۲۷۰) شرح حال دکتر را اینطور مینویسد: «دکتر محمود فرزند محمد صادق افشار پدر و اعمامش از تجار مشهور و معتبر بوده اند فقط یکی از اعمامش آقای محمد تقی در حیانت مقیم بمبئی و در کار های خیر ساعی دکتر محمود از تجارت دست کشیده باروبارفته علم حقوق تحصیل نموده اینک در طهران دروزارت دادگستری مقام نیکو دارد. وی یکنفر نویسنده عبقریست که شعر هم میراید.»

(۲۶۵) آینده ایران

روزنامه آینده ایران یکم رتبه در سال ۱۳۰۷ شمسی در طهران به مدیریت (جمال

حرف الف بعد هاء

آینده ایران، ایوان مداین

عادل خلعت بری (تاسیس و منتشر شده . بنا بر آنچه در سالنامه ۱۴ - ۱۳۱۵ وزارت فرهنگ نوشته روزنامه هفتگی بوده و در مطبعه فردوسی چاپ و قیمت تک نمره آن ۵۰ دینار و ششماهه ۳۰ ریال و سالیانه ۶۰ ریال تعیین شده است . پس از آن بار دیگر روزنامه آینده ایران بصاحب امتیازی و نویسندگی (خلعت بری) در طهران تاسیس و شماره اول آن عصر سه شنبه ۷ مرداد ۱۳۰۹ شمسی مطابق سوم ربیع الاول ۱۳۴۹ قمری منتشر گردیده است . آئینده ایران بقطع بزرگ وزیری و در مطبعه (مدرست) طبع شده و محل اداره آن : طهران . میدان شاهپور اول کوچه خلعت بری . روزنامه در بدو تاسیس هفتگی بوده و قیمت اشتراك آن سالیانه در طهران و ولایات داخله دوازده قران ؛ تك شماره ۳ شاهی معین شده است . مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (آئینده) شروع میشود و در صفحه اول چند سطر بی عنوان مقدمه بدین قسم نوشته است : « بنام خداوند یگانه . خامه را در دست گرفته برای خدمت بایران و ایرانیان اندیشه خود را بکار میبریم و تمام امید ما پس از لطف حق بتوجه شاهنشاه عظیم الشان ایران اعلیحضرت پهلوی است که نسبت به ارف مملکت و مخصوصا مطبوعات توجه مخصوص مبذول میدارند همین توجه ملوکانه است که هر صاحب قلمی را برای خدمت گذاری تشویق مینماید . در عنوان روزنامه آئینده ایران روزنامه (اجتماعی ؛ سیاسی ، ادبی ، فکاهی) معرفی شده و مندرجات آن عبارت است از مقالات مختلف اخلاقی و اجتماعی که تحت عناوین مختلف نوشته شده و جنبه اخلاقی و ادبی در این روزنامه غلبه دارد و اخبار داخله و خارجه در آن درج نشده است . پس از نشر چند شماره جمله (طرفدار نسوان) در عنوان روزنامه اضافه شده و از آن پس در هر شماره مقالاتی راجع به نسوان درج است . باورقی روزنامه که از شماره اول شروع شده بعنوان (موی زنها) بقلم آقای سلطانه است آئینده ایران مدت چند سال بطور هفتگی و مصور بسرد بیری (بانو فخر عادل) و مدیریت (عادل خلعت بری) منتشر میشده و در سال ۱۳۱۵ وارد هفتمین سال انتشار خود گردیده است پس از وقایع شهریور ۱۳۳۰ نیز اداره آن بعهده آقای عبدالرحمن فراهرزی واگذار گردیده و در آبانماه ۱۳۲۰ تجدید انتشار پیدا کرده است . آقای عادل خلعت بری از جوانان حماس و هنکامی در طهران موسسه (مرکز اطلاعات شمال) و نیز (قرائتخانه عادل خلعت بری) را تاسیس نموده بود

(۲۶۶) ایوان مداین

مجله ایوان مداین در سال ۱۳۰۹ شمسی در طهران بطور ماهیانه تاسیس شده است . و باین جا جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران خاتمه پیدا میکند و جلد دوم آن بحرف ب. ب. هاء الف شروع میگردد . پایان جلد اول کتاب



انشارائے کال